

صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول: کاظم جلالی

سر دبیر: حسن سبحانی

مدیر داخلی: حسین صدری‌نیا

اعضای هیئت تحریریه:

- ابراهیم بیگزاده (استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)
 سیدبهبزاد پورسید (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
 فتح‌اله تار (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)
 حسن سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)
 سعید سهراب‌پور (استاد دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف)
 سیدمحمدرضا سیدنورانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)
 محمد قاسمی (استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)
 ایروان مسعودی اصل (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
 الیاس نادران (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)
 محمدرضا یوسفی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

داوران این شماره: حسین آقایی جنت‌مکان، وکیل احمدی، کامران باقری لنگرانی، علی‌اصغر بانوئی، سجاد برخورداری دورباش، حسن بشیر، محمد جلالی، سیداحسان خاندوزی، مهدی خداپرست مشهدی، حسین خنیفر، بهادر زارعی، حسن سبحانی، سیدمحمدهادی سبحانیان، علیرضا صدرا، محمدحسن طریقت منفرد، مسعود فریادی، محمدحسن فطرس، حسن قاسمی مقدم، سیدعلیرضا کازرونی، منوچهر متکی، کامران محمودپور، سیدحسن مطیعی لنگرودی، محمد مظهری، محسن مهرآرا، نادر مهرگان، نورمحمد نوروزی، محمدرضا نیلی احمدآبادی، عباس وثوق مقدم، جعفر یعقوبی

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵۸-۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی پژوهشی است.

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پایگاه مجلات تخصصی نور

ویراستار: شیوا امین اسکندری

مترجم و ویراستار انگلیسی: سارا قاسمی نراقی

مسئول سامانه و صفحه‌آرا: نسیم ثانوی

□ نقل مطالب مندرج در فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

□ مسئولیت صحت اطلاعات مندرج در مقالات به عهده نویسندگان است.

www.isc.gov.ir

www.sid.ir

www.magiran.com

www.noormags.ir

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)،

پلاک ۸۰۲

صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵

دفتر فصلنامه: (داخلی ۲۰۲۶) ۲۲۸۰۲۵۲۵

دورنگار: (داخلی ۲۰۲۲) ۲۲۸۰۲۵۲۵

امور مشترکین: (داخلی ۲۰۲۵) ۲۲۸۰۲۵۲۵

www.nashr.majlis.ir

mrcmag@majlis.ir

rc.majlis.ir

ویژگی‌های یک مقاله راهبردی علمی - پژوهشی

از منظر هیئت تحریریه فصلنامه مجلس و راهبرد، مقاله راهبردی علمی - پژوهشی حداقل یکی از ویژگی‌های ذیل را دارد:

۱. حاوی یافته‌های جدید علمی حاصل از طرح‌های پژوهشی، رساله‌های تحقیقاتی و سایر تولیدات پژوهشی اعم از پژوهش‌های بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای، تحلیلی، انتقادی، نقد و بررسی علمی کتاب، همراه با ارائه نظریه یا روش جدید در راستای حل مسائل کشور با دو ویژگی اصالت و ابداع.

۲. دربردارنده تحلیل علمی از موضوع مورد تحقیق و ارائه راهکارهایی برای فائق آمدن بر مشکلات و کاهش آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از معضلات جامعه.

۳. دارای توصیه سیاستی روشن و دقیق درباره‌ی خلأها، ابهامات و تعارضات در حوزه‌های سیاستگذاری عمومی کشور و چالش‌های کلان فراروی آن و همچنین آینده‌نگاری برای تصمیم‌سازان ذی‌ربط.

۴. دارای مضامین و محتوای عمدتاً بین‌رشته‌ای با عنایت به مرتبط بودن وجوه متعدد مسائل و مشکلات با عرصه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی حیات سیاسی کشور.

فهرست مطالب

● بررسی دلایل گرایش به مصرف کالاهای قاچاق و راهبردهای مقابله با آن در ایران ۵۱
محسن شاطریان، داریوش یعقوبی و اعظم نژادی

● تحلیل مصرف آب در اقتصاد ایران بایک رویکرد مبتنی بر مصرف (دیدگاه رویای آب) ۳۵/
مهران زارعی و زهرا نصرالهی

● گفتمان های کلان انگذار بر فرایند قانونگذاری کیفری ۷۱/
سکینه خاظمی پور و احسان کاه و جلیل محبی

● ارزیابی بحاری های بین المللی دانشگاه های برتر ایران: بارسیافت تحلیل راهبردی (SWOT) ۹۹/
عباس رمضان، محمد قربانی، محمد حسن پروا تچی و غلامرضا کرمانجی

● چگونگی مفصل بندی دلالت های فرسنگی - سیاسی در گفتمان امام خمینی (ره) ۱۳۱/
روح الله اساک، مهرداد نوبانش و یارمحمد قاسمی

● بررسی آثار رفاهی همدند سازی یارانه ها در ایران (مطالعه موردی استان های تهران و اصفهان) ۱۵۷/
حسن فرازمنند، ابراهیم انواری و بتول آذری نئی

● مقایسه جست گیری های کار آفرینی اجتماعی و خیریه ای بر جنبه های مختلف فقر در نهاد های حمایتی شهر مشهد ۱۷۹/
ابوالفضل رمضان، علی ربیعی، محمد جواد زاهدی ماندرانی و سید احمد فیروز آبادی

● آسیب شناسی قانونگذاری در ایران از منظر رویه استکار قانونگذاری ۲۱۳/
احمد مرکز نالمیری و سید عطار

● شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر نارسایی های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه ای در ایران: ارائه مدل ساختاری-تفسیری / ۲۳۷
هدایت درویشی، مجید اکبری و مینا احترامی

● تحلیل توزیع فضایی سانخوردگی جمعیت در ایران / ۲۶۵
حسلی فرجی بکبار، حبیب محمودی چناری، میلاد باقری و مهدی خدا داد

● بررسی تاثیر درجه باز بودن اقتصادی بر اقتصاد دانش بنیان: رهیافت اقتصاد سنجی فضایی / ۲۹۷
کامران محمودپور، لیسان سعیدپور و نیلوفر علی دوست

● تقاضای القایی پزشکی از سوی ارائه کنندگان خدمات سلامت در ایران (سیاستگذاری و کنترل) / ۳۲۱
علی انخوان بهبانی و ایرج اسماعیلی

● دیپلماسی قضایی لنگره آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی تحریم ها) / ۳۴۳
مصطفی دلاور پور اقدم و سید جلال دهقانی فیروز آبادی

● آموزش های پارلمانی ابزار کارآمد سازی پارلمان با تاکید بر ایجاد رسته حقوق پارلمانی / ۳۷۱
سید احمد حبیب نژاد، ابوالفضل الموتیان، محمد منصوری بروجنی و محمود صالح تفسیری

بررسی دلایل گرایش به مصرف کالاهای قاچاق و راهبردهای مقابله با آن در ایران

محسن شاطریان*، داریوش یعقوبی** و اعظم نژادی***

تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۱۰/۷

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۵/۱۲

هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی و دلایل گرایش مردم، نسبت به مصرف کالاهای خارجی قاچاق است. این پژوهش به روش پیمایش و شیوه نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. جامعه آماری پژوهش خانوارهای ساکن در شهرهای مختلف که از میان آنها، ۲۷۰۰ خانوار انتخاب و با سرپرستان این خانوارها مصاحبه شد. یافته‌ها نشان داد اکثریت پاسخگویان (۶۹ درصد) به کالاهای قاچاق گرایش مثبت دارند. این در حالی است که با فرض یکسان بودن کیفیت و قیمت درکل، ترجیح مصرف با کالاهای ایرانی است؛ هرچند این ترجیح با افزایش سطح سواد و درآمد به نفع کالاهای خارجی تغییر می‌کند. در نتیجه می‌توان گفت که برای مصرف‌کننده ایرانی، کالاها افزون‌بر ارضای نیازهای زیستی اهمیت نمادین نیز دارند. همچنین در مورد تعدادی از کالاها عدم ترجیح محصولات ایرانی، حتی با وجود برابری کیفیت و قیمت با محصولات خارجی، بیانگر این است که مصرف کالاهای خارجی، تبدیل به فرهنگ شده است. **کلیدواژه‌ها: گرایش؛ قاچاق کالا؛ مصرف؛ نیازهای نمادین؛ سرمایه فرهنگی؛ سرمایه اقتصادی**

* دانشیار دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه کاشان؛

Email: shaterian@kashanu.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)؛

Email: yaghoubi09@gmail.com

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان؛

Email: azam_nejadi@yahoo.com

مقدمه

در دنیای کنونی، پیشرفت روزافزون در فناوری اطلاعات و ارتباطات، گسترش روابط اقتصادی و به تبع آن گسترش بازارها در مقیاس جهانی شرایطی را به وجود آورده است که در آن کالاهای تولید شده در یک نقطه از جهان می‌تواند به سرعت در بازارهای سایر نقاط عرضه شود. این امر از یکسو باعث همگرایی فرهنگی مصرفی و رشد مصرف‌گرایی در جوامع شده و از سوی دیگر دولت‌ها را بر آن داشته تا در راستای حمایت از تولیدات داخلی و مراقبت از بهداشت و سلامت جامعه، در امر صادرات و واردات محدودیت‌هایی ایجاد کنند. یکی از پیامدهای چنین وضعیتی، پیدایش پدیده‌ای به نام قاچاق کالا است. منظور از این نوع قاچاق، هر عمل یا ترک عملی است که موجب نقض مقررات و قوانین مربوط به ورود و خروج کالا گشته و بر اساس قوانین موجود برای آن مجازات تعیین شده باشد.^۱

به طور کلی کالاهای قاچاق به سه دسته تقسیم می‌شوند: نخست کالاهای ممنوع، یعنی کالایی که صدور یا ورود آن به موجب قانون ممنوع است. دوم کالاهای مجاز مشروط، کالاهایی که صدور یا ورود آن علاوه بر انجام تشریفات گمرکی، حسب قانون نیازمند کسب مجوز قبلی از یک یا چند مرجع ذی‌ربط قانونی است و سوم کالاهای مجاز، کالاهایی است که صدور یا ورود آن با رعایت تشریفات گمرکی و بانکی، نیاز به کسب مجوز ندارند.^۲ در این پژوهش منظور از کالاهای قاچاق همان کالاهای مجاز است که بدون رعایت ضوابط قانونی وارد یا صادر می‌شوند.

قاچاق کالا از جمله پدیده‌هایی است که پیامدهای زیان‌باری به دنبال دارد. این پدیده از یکسو درآمدهای گمرکی دولت را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر سبب خروج ارز، کاهش تولید ناخالص ملی، کاهش اشتغال مولد، توزیع ناعادلانه درآمد، کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش تولید، کاهش تولیدات داخلی و ... می‌شود.

افزون بر پیامدهای اقتصادی، از بعد فرهنگی نیز کم‌رنگ شدن تعلقات ملی، اشاعه گسترده فرهنگ بیگانه در داخل، کاهش ملی‌گرایی مصرفی، خودباختگی فرهنگی و ... را

۱. بند «الف»، ماده (۱)، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب با اصلاحات ۱۳۹۴.

۲. بندهای «ث، ج و چ» ماده (۱) همان قانون.

بررسی دلایل گرایش به مصرف کالاهای قاچاق و راهبردهای مقابله با آن در ایران _____ ۷

می‌توان از دیگر پیامدهای این پدیده نام برد. برای مثال در حال حاضر، علاقه و گرایش مثبت مصرف‌کنندگان ایرانی به پوشاک وارداتی به‌ویژه از کشورهای توسعه‌یافته به حدی است که حتی تولیدکنندگان ایرانی را نیز راغب کرده تا محصولات خود را با برندهای جعلی خارجی به بازار عرضه کنند (ابراهیمی، جعفرزاده کناری و بزرگی ماکرانی، ۱۳۹۱). با توجه به این پیامدها، قاچاق کالا را می‌توان یکی از موانع جدی عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی تلقی کرد. بنابراین طرح این موضوع به‌عنوان مسئله‌ای چندبعدی، مهم و پیچیده و تلاش برای حل آن به شیوه علمی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

بسیاری از تحلیل‌های مربوط به جامعه مدرن در این نظر شریک هستند که تغییر سرنوشت‌سازی در جهت‌گیری مصرف‌کننده مدرن روی داده است. مصرف‌کننده لذت‌جوی جدیدی تولد یافته که نیازهایش دیگر با «اقتصاد نیازها» تنظیم نمی‌شود بلکه با «اقتصاد میل و رؤیا» یا اشتیاق به چیزهای تازه و تجربه نشده، مشخص می‌شود (گرونو، ۱۳۹۲: ۹۷). ایجاد و توسعه فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای که کالاهای متنوع و بی‌شمار را در یک مکان، جلوی چشمان افراد قرار می‌دهند، به همراه تبلیغات گسترده و تشدید مد‌گرایی، شرایطی را در جوامع امروزی به‌وجود آورده که تعریف از مصرف را دگرگون ساخته است.

در این خصوص زیمیل^۱ نیز اشاره می‌کند که مصرف، حیات ذهنی و چارچوب فکری انسان معاصر را می‌سازد. اکنون، انسان‌ها دیگر فقط شهروند شهر نیستند بلکه مصرف‌کنندگان شهری هستند (مایلز و مایلز، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۵).

به‌طور کلی، برای موضوع مصرف - کالاهای قاچاق - می‌توان به سه رویکرد عمده نظری اشاره کرد. رویکرد اول، مصرف‌کننده را منفعل فرض کرده و مصرف را نوعی اعمال نظر از سوی تولیدکنندگان، عرضه‌کنندگان و صاحبان قدرت می‌پندارد. از این نگاه، مصرف‌کنندگان تحت تأثیر تبلیغات گسترده و عادت مصرفی ایجاد شده، نسبت به خرید کالا اقدام می‌کنند. در رویکرد دوم، مصرف به‌عنوان رسانه‌ای در نظر گرفته می‌شود که برای برقراری ارتباط مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این دید مصرف را می‌توان نوعی

رقابت و تلاش برای ایجاد ارتباط و تولید معانی اجتماعی تلقی کرد. در رویکرد سوم، مصرف خود نوعی تولید ثانویه فرض می‌شود. مصرف‌کننده با کردار مصرفی خود، دست به ابداعاتی می‌زند که عرضه‌کنندگان کالا را به چالش می‌کشد.

افزون بر موارد اشاره شده، یکی دیگر از مفاهیمی که در صورت مسئله وجود دارد، مفهوم گرایش است. به نظر لیک،^۱ مؤلفه‌های گرایش عبارت‌اند از: عقاید (طرز فکر مصرف‌کننده درباره محصول)، احساسات (احساسی که مصرف‌کننده در مورد کالا دارد) و هدف (احتمال واکنش نشان دادن مصرف‌کننده در نتیجه این عقاید و احساسات). نتیجه این سه مؤلفه، ارزیابی کلی محصول و تصمیم به خرید یا عدم خرید است (لیک، ۱۳۹۳: ۱۳۴). بر این اساس گرایش مثبت به‌عنوان سوگیری رضایت‌مندانه نسبت به وضعیت تلقی می‌شود که در پژوهش حاضر، مصداق وضعیت کالاهای خارجی قاچاق بوده است.

با این توضیح می‌توان دو پرسش اساسی را که مقاله در پی پاسخگویی به آنها و ارائه راهبردهای مقتضی است به شرح زیر بیان کرد:

۱. گرایش مردم نسبت به مصرف کالاهای خارجی قاچاق چگونه است؟

۲. چرا مردم نسبت به مصرف کالاهای خارجی قاچاق گرایش دارند؟

همان‌گونه که از پرسش‌ها نیز برمی‌آید، هدف پژوهش حاضر، توصیف، تحلیل و تفسیر گرایش مردم نسبت به مصرف کالاهای خارجی قاچاق به‌منظور پاسخ به چرایی ظهور و نمود این نوع گرایش در جامعه است.

۱. مبانی نظری

مصرف و گرایش به آن به‌عنوان پدیده اجتماعی دو مفهومی هستند که با نیازها، سبک و شیوه زندگی انسان‌ها مرتبط‌اند. اهمیت پدیده مصرف به اندازه‌ای است که بعضی‌ها آن را پدیده‌ای ایدئولوژیک قلمداد می‌کنند. به بیان دیگر مصرف پدیده‌ای است که در نگهداشت روابط اجتماعی نقشی بنیادین دارد (مایلز و مایلز، ۱۳۹۲: ۲۴). هرچند در زمینه مصرف، دیدگاه‌های نظری مختلفی بیان شده ولی در اینجا سه رویکرد نظری مدنظر قرار

گرفته است که عبارت‌اند از: مصرف انفعالی، مصرف ارتباطی و مصرف ابداعی. مصرف کالاهای قاچاق نیز که به نوع ویژه‌ای از مصرف اشاره دارد در چارچوب همین رویکردها قابل بررسی، تحلیل و تفسیر است.

براساس رویکرد مصرف انفعالی، ایدئولوژی مصرف‌گرایی چیزی جز این نیست که انسان زندگی خود را در آنچه که مصرف می‌کند بازمی‌شناسد و نه آنچه که تولید می‌کند (استوری،^۱ ۱۹۹۶: ۱۱۳-۱۱۲). بر این اساس ایدئولوژی مصرف‌گرایی هم می‌تواند در خدمت مشروع‌سازی وضعیت موجود مصرف و هم در کار برانگیختن مردم برای مصرف‌کننده شدن باشد. از نظر مارکوزه،^۲ خوشگذرانی و مصرف مطابق تبلیغات آگهی‌های بازرگانی و دوست داشتن هر آنچه که دیگران دوست دارند غالباً نشانه وجود نیازهای کاذب است (مارکوزه، ۱۳۶۲: ۴۱). به علت گسترش چنین تقاضاهای نادرستی است که بر میزان مصرف افزوده می‌شود؛ زیرا تبلیغات به مردم مجال اندیشیدن نمی‌دهد، مخاطبان بدون تفکر برانگیخته می‌شوند و به خرید و مصرف کالاها روی می‌آورند (همان: ۱۲۷). باکاک^۳ از تجربه‌های بسته‌بندی شده نام می‌برد. از دید او در شرایط کنونی و جامعه مدرن، افراد با تجربه‌هایی روبه‌رو هستند که آنها را به‌طور مستقیم دریافت نمی‌کنند، مانند خوردن غذای آماده. این تجربه‌های مصرفی، حس استقلال را از انسان گرفته و از این‌رو فرد را بیش‌ازپیش منفعل می‌کند (باکاک، ۱۳۸۱: ۷۶). بنابراین در رویکرد مصرف انفعالی افراد مصرف می‌کنند چون باید مصرف کنند بدون اینکه بتوانند در مقابل نوع و سبک مصرف رایج مقاومت کنند. از این دید می‌توان گفت که ورود گسترده انواع کالاهای خارجی قاچاق به کشور، عرضه این کالاها، تبلیغ مصرف و مشاهده آنها وضعیتی را فراهم می‌آورد که افراد را ناخواسته به سمت مصرف بی‌رویه این کالاها سوق می‌دهد.

در رویکرد مصرف ارتباطی، پدیده مصرف به‌عنوان گونه‌ای از ارتباط و خلق معنا در نظر گرفته می‌شود. در این زمینه بوردیو^۴ اشاره می‌کند که مصرف یکی از فرایندهای ارتباط است (بوردیو، ۱۳۹۳: ۲۵). از این نگاه، شیوه خاص مصرف، راهی برای بیان خود

1. Storey
2. Marcuse
3. Bocoek
4. Bourdieu

در رابطه با دیگران تلقی می‌شود. به بیان دیگر مصرف کردن راهی برای اثبات خود و حفظ اقتدار فردی است. افراد از طریق اقدام به مصرف فزاینده تلاش می‌کنند تا به تفاوت‌های کیفی دست پیدا کنند تا شاید از این طریق، توجه یک محفل اجتماعی را به خود جلب کنند (زیمل، ۱۹۷۱: ۶۳).

از این رو، داگلاس^۱ و ایشروود^۲ تفاوتی را که معمولاً بین کالاها گذاشته می‌شود، رد می‌کنند چرا که به گمان آنها همه کالاها حامل معنا هستند و به دلیل همین ویژگی است که انسان‌ها می‌توانند از مصرف به‌عنوان شکلی از ارتباط بهره ببرند (استوری، ۱۹۹۹: ۴۴). به نظر آنها، کالاها وجه نمادین دارند و می‌توان به‌عنوان رسانه‌ای غیر کلامی برای قوه خلاقانه انسان در نظر گرفت (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۳). در دیدگاهی نزدیک به این، وبلن^۳ توضیح می‌دهد که در یک فرهنگ رقابتی، انسان‌ها می‌کوشند با مصرف و نمایش چشمگیر برای خودشان ارزش بیشتری قائل شوند (کوزر، ۱۳۸۵: ۳۶۲). در واقع وبلن تلاش دارد نشان دهد که انسان‌ها با انتساب معنای بلندپایگی به مصرف کالاها، خود را در ارتباط با دیگران قرار می‌دهند و از این طریق با آنها پیام ردوبدل می‌کنند (همان: ۳۶۳).

از نظر بوردیو نیز مصرف، چیزی بیش از برآوردن خواسته‌ها و نیازهای زیستی است. او نشان می‌دهد که افزون‌بر منابع اقتصادی، منش‌های طبقاتی نیز بر تعیین نوع و میزان مصرف مؤثرند. در این دیدگاه، هر طبقه اجتماعی الگوهای مصرف متمایزی دارد که با هدف ایجاد و حفظ تمایزات اجتماعی به کار می‌رود. بوردیو تحلیل می‌کند که چگونه گروه‌های مختلف طبقات اقتصادی - اجتماعی تلاش می‌کنند تا از طریق مصرف انواع کالاها، روش زندگی مجزای خود را مشخص کنند (بوردیو، ۱۳۹۳: ۱۴۶-۳۶؛ ۳۱۰-۳۵۴؛ ۳۰۷-۲۳۷). همسو با این نگرش به مصرف، کومار، لی و کیم^۴ (۲۰۰۹) اشاره می‌کنند که علاقه‌مندی افراد به متفاوت بودن از دیگران بیانگر این است که چنین افرادی به یک هویت و سبک زندگی ویژه‌ای نیاز دارند که ناشی از نیاز به یکتایی و تمایز است. بنابراین

1. Douglas

2. Isherwood

3. Veblen

4. Kumar, Lee and Kim

بررسی دلایل گرایش به مصرف کالاهای قاچاق و راهبردهای مقابله با آن در ایران _____ ۱۱

در چارچوب رویکرد مصرف ارتباطی می‌توان این گونه استدلال کرد که مصرف گسترده کالاهای قاچاق می‌تواند افزون‌بر نیازهای زیستی، برای پاسخ به نیازهای عمدتاً کاذب، ایجاد تمایزات اجتماعی و به‌ویژه برآورده ساختن نیازهای نمادین انجام گیرد.

در رویکرد مصرف ابداعی پدیده مصرف نوعی تولید تلقی می‌شود. از این منظر فرض بر این است که فرایند تولید کالاها کامل نیست و این مصرف‌کننده‌ها هستند که آن را تکمیل می‌کنند. به نظر دوسرتو^۱ مصرف شکلی از تولید است. این شکل از تولید که خودش را همه‌جا به‌طور ضمنی نشان می‌دهد، نامرئی است، زیرا به‌واسطه محصولاتش آشکار نمی‌شود بلکه بیشتر از طریق «شیوه‌های کاربرد»^۲ محصولات، خود را به نمایش می‌گذارد (دوسرتو، ۱۹۹۸: ۴۸۴). از نظر فیسک^۳ هر کنش مرتبط با مصرف، نوعی کنش تولید فرهنگی است، از آن‌رو که مصرف همواره نوعی تولید معناست (فیسک، ۱۹۹۸: ۳۵). در دیدگاهی نزدیک به این رویکرد، بودریار^۴ معتقد است که مصرف با اینکه همیشه به معنای مصرف نشانه‌های نمادین است ولی این نمادها و نشانه‌ها دسته‌ای از معانی از پیش موجود را بیان نمی‌کنند بلکه معناها؛ درون نظام نشانه‌ها و نمادها تولید می‌شوند (باکاک، ۱۳۸۱). از این نگاه می‌توان گفت که مصرف‌کنندگان کالاهای خارجی قاچاق از طریق مصرف و کاربرد این کالاها، بخشی از احساس هویت فردی و جمعی خود را به‌وجود می‌آورند.

افزون‌بر مفهوم مصرف که از دیدگاه‌های مختلف مورد اشاره قرار گرفت، یکی دیگر از مفاهیمی که در صورت مسئله موجود بوده و باید به آن نیز پرداخته شود، مفهوم گرایش است. روانشناسان اجتماعی معمولاً گرایش را در ارتباط با سه عنصر تشکیل‌دهنده آن یعنی عنصر عاطفی یا احساسات درباره شخص، اندیشه، واقعه و شی؛ عنصر شناختی یا عقاید، آگاهی‌ها یا اطلاعات درباره آنها و سپس عنصر رفتاری یا قصد و آمادگی برای اقدام، بررسی می‌کنند (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۹). در این راستا لیک، گرایش را به‌عنوان دسته‌بندی پایداری از احساسات، عقاید و تمایلات رفتاری تعریف می‌کند که به شخص، محصول،

1. De Certeau

2. Ways of Using

3. Fisk

4. Baudrillard

ایده، کالا یا گروه خاصی معطوف می‌شود (لیک، ۱۳۹۳: ۱۳۴). مفهوم گرایش را می‌توان در چارچوب نظریه عمومی کنش پارسونز نیز تحلیل کرد. به نظر او، گرایش دربرگیرنده منظومه‌ای از سوگیری‌های کنشگر نسبت به اعیان^۱ فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی مختلف است. در واقع پارسونز منشأ هر رفتاری را «آمادگی‌ها یا تمایلات نیازی»^۲ می‌داند (روشه، ۱۳۷۶). چلبی براساس نظریه عمومی کنش، برای نظام شخصیت چهار بعد در نظر می‌گیرد که عبارت‌اند از: علایق مادی، علایق امنیتی، علایق ارتباطی (اجتماعی)^۳ و علایق شناختی (چلبی، ۱۳۸۱: ۸۴). در دیدگاه چلبی، واحد اساسی نظام شخصیت تمایلات نیازی است. از این منظر، رابطه بین این تمایلات با جهان اعیان در معنای وسیع کلمه گرایش (سوگیری) به جهان اعیان تلقی می‌شود. در اینجا منظور از اعیان، کالاهای قاچاق است. مفهوم نیاز، عنصر مهم در نظریه مازلو نیز است. در این نظریه نیازها به پنج سطح تقسیم می‌شوند: فیزیولوژیکی، ایمنی، روابط اجتماعی و محبت، احترام و بازشناسی^۴ و خودشکوفایی^۵ (لیک، ۱۳۹۳: ۱۸۱). ملاحظه می‌شود که هر کدام از این نیازها را می‌توان به طریقی با گرایش و رفتار مصرف‌کنندگان مرتبط دانست. در این چارچوب، سولومون^۶ نیاز به یکتایی (برای اثبات هویت) را مطرح می‌سازد. به گمان او محصولات می‌توانند با ادعای تقویت کیفیت متمایز مصرف‌کننده، نیاز به یکتایی را تأمین کنند (سولومون، ۱۳۹۳: ۱۷۹). به هر صورت براساس آنچه که نظریه نیازها بیان می‌کنند، میزان سازگاری کالاهای خارجی قاچاق با نیازهای مصرف‌کننده می‌تواند به‌عنوان شاخص گرایش مثبت نسبت به کالاهای خارجی محسوب شود.

در دیدگاهی نزدیک به بحث نیازها، گور^۷ به انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی اشاره می‌کند. براساس نظریه او انتظارات ارزشی، آن دسته از کالاها و شرایط زندگی است که مردم خود را به‌طور مشروع مستحق آن می‌بینند. توانایی‌های ارزشی نیز کالاها و

-
1. Objects
 2. Need Dispositions
 3. Communal Interest
 4. Recognition
 5. Self- Actualization
 6. Solomon
 7. Gurr

شرایطی هستند که مردم تصور می‌کنند در صورت در اختیار داشتن ابزارهای اجتماعی می‌توانند آنها را به‌دست آورده و حفظ کنند (سام دلیری، ۱۳۸۲). براساس نظریه گور هرچه فاصله بین انتظارات و توانایی‌های ارزشی یا به تعبیر رفیع‌پور در توضیح این نظریه، هرچه فاصله بین انتظارات (احساس نیاز) و امکانات ارضای نیاز بیشتر باشد، احساس نارضایتی افراد (در اینجا مصرف‌کننده) نیز بیشتر می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۴۴). پس با توجه به این گزاره نظری می‌توان گفت گرایش مثبت نسبت به کالاهای خارجی قاچاق زمانی حاصل می‌شود که بین انتظارات ارزشی در مورد کالاهای خارجی و امکانات برآورده ساختن این انتظارات فاصله کمتری وجود داشته باشد.

در اینجا با توجه به نظریه‌های مطرح شده و با تأکید بر نظریه عمومی کنش به‌ویژه نظریه چلبی و گور، مفهوم گرایش به‌عنوان نظامی از ارزیابی‌ها و جهت‌گیری‌های مبتنی بر رابطه بین تمایلات نیازی با کالاهای خارجی قاچاق در نظر گرفته می‌شود که در یک بعد به‌صورت انتظارات ارزشی و در بعد دیگر به‌صورت آمادگی برای رفتار، نمود پیدا می‌کند. در تحلیل گرایش به مصرف - کالاهای قاچاق خارجی - دو متغیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی نیز مدنظر قرار گرفته است که توسط بوردیو مطرح شده‌اند. او سرمایه فرهنگی را به سه قسم متجسد، عینیت‌یافته و نهادینه شده تقسیم می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۳۶). در این نظریه سرمایه فرهنگی نهادینه شده به امتیازات یا سرمایه حاکی از عناوین کمیاب، اطلاق می‌شود که یکی از مهمترین مصادیق آن مدارک و مدارج تحصیلی است (همان: ۱۳۷ و ۱۴۷-۱۴۵). در اینجا این شکل از سرمایه فرهنگی مورد توجه است. سرمایه اقتصادی بیانگر دارایی افراد از قبیل پول و هر چیز مادی است که می‌تواند در تولید [و مصرف] کالا و خدمات به کار گرفته شود (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۷). در این دیدگاه، قدرت (سرمایه) اقتصادی نیز در تعیین مصرف، نقش عمده‌ای دارد (بوردیو، ۱۳۹۳: ۹۲).

۲. پیشینه تجربی در ایران

در مورد علل گرایش افراد به مصرف کالاهای خارجی قاچاق، پژوهش تجربی و وسیعی در ایران از منظر جامعه‌شناختی انجام نشده و شاید پژوهش حاضر از نوع نخستین باشد.

با این وجود در رشته مدیریت، پژوهش‌های چندی در خصوص عوامل توضیح‌دهنده تمایل مصرف‌کنندگان به خرید کالاهای خارجی با غلبه دیدگاه اثبات‌گرایی به انجام رسیده که در اینجا به یافته‌های تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

سلطانی (۱۳۷۴) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «تجزیه و تحلیل علل عمده گرایش مصرف‌کنندگان تهرانی به کالاهای خارجی»، پایین بودن کیفیت محصولات داخلی، کسب منزلت اجتماعی، چشم و هم‌چشمی، وجود نگرش منفی نسبت به کالاهای داخلی را در گرایش مصرف‌کنندگان به مصرف کالاهای خارجی مؤثر می‌داند.

جعفری (۱۳۷۶) در «بررسی مهمترین علل تمایل مصرف‌کنندگان تهرانی در انتخاب و خرید محصولات خانگی با دوام خارجی» سه عامل کیفیت محصولات؛ خدمات پس از فروش، برند و معروفیت تجاری محصولات و تولیدکنندگان را به عنوان عوامل اثرگذار بر گرایش مصرف‌کنندگان داخلی به خرید کالاهای خارجی قلمداد می‌کند.

رمضانی (۱۳۹۱) نیز در پایان‌نامه خود مشخص می‌سازد که مصرف‌کنندگان ایرانی کالای خارجی را از نظر کیفیت و معیارهایی نظیر استاندارد، بسته‌بندی، ایمنی، دوام و استحکام و ... بهتر از کالاهای داخلی می‌دانند.

ترکستانی، دهدشتی شاهرخ و بخشنده (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که «تصویر کشور مبدأ» و «نیاز به تمایز» و همچنین تأثیر منفی «میهن‌دوستی» بر نگرش به کالای وارداتی تأثیر مثبت دارد.

نقابی، یزدانی و ناظم بکائی (۱۳۹۵) در تحقیقی به دنبال یافتن فرایندهایی بودند که به‌طور مؤثر علل تغییر میزان خرید کالاهای خارجی را شرح دهند. نتیجه تحقیق آنها نشان داد که هرچه هویت ملی مصرف‌کنندگان قوی‌تر باشد، تمایل به خرید محصولات خارجی کاهش می‌یابد.

نعلچی کاشی، رسولیان و بوجاری (۱۳۹۱) در پژوهش تجربی خود نشان دادند که متغیرهای نیاز به منحصربه‌فرد بودن (نیاز به تمایز)، کیفیت درک شده و احساس ارزشی که با خرید برند خارجی به مصرف‌کنندگان دست می‌دهد، مهمترین عوامل گرایش به مصرف کالاهای خارجی محسوب می‌شوند.

بررسی دلایل گرایش به مصرف کالاهای قاچاق و راهبردهای مقابله با آن در ایران _____ ۱۵

بلوری و همکارانش (۱۳۹۲) در تحقیق میدانی در آذربایجان شرقی در مورد نگرش جوانان نسبت به پوشاک کشور ترکیه، دریافتند که «نیاز به منحصربه‌فرد بودن»، کیفیت دریافتی از برند، ارزش هیجانی دریافتی از برند، بر تمایل جوانان استان به خرید پوشاک ترکیه تأثیر مثبت و مستقیم دارد.

در مجموع، نتایج بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت کالای خارجی، نگرش منفی به کالای ایرانی، میزان درآمد، تصویر مثبت از کشور سازنده کالا، کسب منزلت اجتماعی، چشم و هم‌چشمی، نیاز به تمایز و یکتایی، ضعف هویت ملی مصرف‌کنندگان و اعتماد به برند از جمله علل گرایش به مصرف کالاهای خارجی است.

۳. فرضیات پژوهش

در پژوهش حاضر، با توجه به هدف، سؤال‌ها و مباحث مطرح شده، فرضیات زیر مدنظر قرار گرفته است:

۱. انتظارات ارزشی (در ابعاد تمایلات نمادین، ایمنی، مادی و شناختی) مصرف‌کنندگان داخلی سازگار با کالاهای خارجی قاچاق است.

۲. مصرف‌کنندگان ایرانی مصرف کالاهای خارجی قاچاق را بر کالاهای ایرانی ترجیح می‌دهند.

۳. با افزایش سرمایه فرهنگی گرایش به مصرف کالاهای خارجی قاچاق (از نظر بر آوردن انتظارات ارزشی) نیز افزایش می‌یابد.

۴. با افزایش سرمایه اقتصادی، گرایش به مصرف کالاهای خارجی قاچاق (از نظر بر آوردن انتظارات ارزشی) نیز افزایش می‌یابد.

۵. با افزایش سرمایه فرهنگی گرایش به مصرف (ترجیح مصرف) کالاهای خارجی قاچاق نیز افزایش می‌یابد.

۶. با افزایش سرمایه اقتصادی گرایش به مصرف (ترجیح مصرف) کالاهای خارجی قاچاق نیز افزایش می‌یابد.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر^۱ مبتنی بر رویکرد ترکیبی زاویه‌بندی نظری^۲ «دنزین»^۳ است. این نوع زاویه‌بندی (یا مثلث‌بندی) به استفاده از رویکردهای متعدد نظری برای تحلیل و تفسیر نتایج اطلاق می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۹: ۷۰). هدف از کاربرد روش یاد شده این است که پژوهش حاضر بتواند در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، تحلیل و تفسیری عمیق‌تر و دلایلی محکم‌تر برای توضیح مسئله ارائه کند؛ زیرا در اینجا این باور وجود دارد که در چنین مسئله پیچیده‌ای یافته‌های کمی به تنهایی نمی‌توانند دلایلی عمیق برای گرایش به مصرف کالاهای خارجی قاچاق ارائه کنند. به بیان دیگر در پژوهش حاضر تأکید بر تفسیر داده‌های کمی است. در این راستا متغیرها با استفاده از روش پیمایش و با به کارگیری مقیاس‌های «لیکرت» در پرسشنامه محقق ساخته به داده‌های کمی تبدیل شدند.

در این سنجش مطابق مبانی نظری، مفهوم گرایش به مصرف کالاهای خارجی قاچاق به‌عنوان مسئله (یا متغیر وابسته) در دو سطح یکی بعد انتظارات ارزشی و دیگری بعد رفتاری مورد بررسی قرار گرفته است. شاخص انتظارات ارزشی نیز که در واقع بیانگر رابطه بین تمایلات نیازی با جهان اعیان (کالاهای خارجی قاچاق) است، در چهار بعد سنجیده شده است:

- انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات نمادین (علاقه ارتباطی)؛
- انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات شناختی (علاقه شناختی)؛
- انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات ایمنی (علاقه امنیتی)؛
- انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات مادی (علاقه مادی).

هر کدام از ابعاد مورد اشاره نیز به دلیل گویه‌های مناسب، عملیاتی شده که در بخش توصیف متغیرها خواهد آمد. همچنین بعد رفتاری یا در واقع آمادگی برای رفتار در مفهوم گرایش نیز با معرف الگوی ترجیحات بررسی شده است.

۱. این پژوهش با حمایت و نظارت اداره کل پژوهش ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز به انجام رسیده و تمامی اطلاعات کمی مورد استفاده در مقاله حاضر متعلق به این اداره است.

بررسی دلایل گرایش به مصرف کالاهای قاچاق و راهبردهای مقابله با آن در ایران _____ ۱۷

براساس اعلام ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در اینجا معرف‌های تجربی کالاهای قاچاق به شرح ذیل بوده است:

۱. سیگار؛ ۲. پارچه؛ ۳. چای؛ ۴. لوازم خانگی؛ ۵. لوازم صوتی و تصویری؛ ۶. کامپیوتر؛ ۷. لوازم یدکی خودرو؛ ۸ سوخت؛ ۹. دارو و تجهیزات؛ ۱۰. شکر؛ ۱۱. برنج؛ ۱۲. لوازم بهداشتی و آرایشی؛ ۱۳. منسوجات (کیف و کفش). البته در این مقاله، دارو و سوخت مدنظر نیست.

پژوهش حاضر، افزون‌بر متغیر وابسته و مؤلفه‌های آن دارای دو متغیر مستقل کلی نیز است که عبارت بودند از: سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی. متغیر سرمایه فرهنگی با معرف تجربی سواد و متغیر سرمایه اقتصادی به کمک معرف تجربی درآمد مورد سنجش قرار گرفته است.

واحد تحلیل پژوهش، خانوار و واحدهای مشاهده نیز، سرپرست هر خانوار است. جمعیت آماری را خانوارهای ساکن در شهرهای اصفهان، تهران، یزد، ساری، ارومیه، شیراز، اراک، سمنان و بوشهر تشکیل داده و حجم نمونه پژوهش، ۲۷۰۰ خانوار تعیین شده که سهم هر شهر متناسب با تعداد خانوارهای آن است. برای این امر از هر شهر به روش خوشه‌ای، منطقه یا مناطق و از هر منطقه یا مناطق یک ناحیه برای نمونه‌گیری انتخاب شده است. در مرحله بعد واحدهای مشاهده از خوشه‌های نهایی، گزینش و مورد سؤال قرار گرفته‌اند. داده‌های میدانی پس از گردآوری در نرم‌افزار SPSS وارد و سپس با بهره‌گیری از محاسبه نسبت‌ها، توصیف، تحلیل و تفسیر شده‌اند.

۵. یافته‌ها

در این مطالعه ۵۰/۳ درصد پاسخگویان مرد و ۴۹/۳ درصد آنان زن بودند. ۸۱/۹ درصد از زنان، متأهل و ۸/۸ درصد مجرد و ۶/۶ درصد نیز همسر فوت کرده یا مطلقه بودند که این ارقام برای مردان به ترتیب، ۸۵/۹، ۱۰/۷ و ۲/۴ درصد است.

از نظر سطح سواد، ۲۵/۶ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات راهنمایی و کمتر، ۴۱/۶ درصد دیپلم و فوق دیپلم و ۲۹/۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر بودند. پاسخگویان مشاغل متنوعی داشتند ولی اکثریت آنان را افراد خانه‌دار، بازنشستگان،

کشاورزان، کارمندان، مغازه‌داران و صاحبان مشاغل صنعتی و ساختمانی تشکیل می‌دادند.

۱-۵. تحلیل، توصیف و تفسیر گرایش به مصرف کالای قاچاق

همان‌طور که پیش از این گفته شد، تحلیل گرایش به مصرف کالای قاچاق در دو سطح: انتظارات ارزشی و رفتاری، انجام پذیرفته است. در سطح نخست، میزان سازگاری انتظارات ارزشی مصرف‌کنندگان که در واقع مبین انتظار برآورده شدن تمایلات نیازی آنهاست، در ابعاد تمایلات نمادین (علائق ارتباطی)، ایمنی، مادی و شناختی توصیف و تفسیر شده است که به ترتیب توضیح داده می‌شود.

۱-۱-۵. بعد تمایلات نمادین (علائق ارتباطی) گرایش

در اینجا تمایلات نیازی نمادین با واسطه سه شاخص: میل به زیبایی‌طلبی، میل به کسب منزلت اجتماعی و میل به تمایز اجتماعی سنجیده شده است.

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد در بعد میل به زیبایی‌طلبی، انتظارات ارزشی پاسخگویان، بیشترین سازگاری را با ویژگی‌های «زیبایی در طرح و رنگ کالاها»، «تنوع و نوآوری کالاها» و «انطباق با نیازهای به‌روز مصرف‌کنندگان» داشته است. در بعد میل به منزلت‌طلبی از طریق مصرف، «شهرت و اعتبار تجاری تولیدکننده کالا» دارای اهمیت زیادی بوده است.

در چارچوب رویکرد مصرف ارتباطی، این یافته‌ها تأیید می‌کنند که برای مصرف‌کنندگان ایرانی، کالاها تنها برای برآوردن نیازهای زیستی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند بلکه آنها وجه نمادین نیز دارند. تمایل بالای پاسخگویان بر زیبایی‌طلبی، حاکی از این است که آنها می‌خواهند از این طریق به خلق معنا پردازند. به عبارت دیگر و به تعبیر لیک (۱۳۹۳) پاسخگویان می‌خواهند که نیاز به یکتایی و نیاز به روابط اجتماعی خود را برآورده سازند. همچنین مبتنی بر رویکرد مصرف ابداعی می‌توان گفت که کالاهای خارجی قاچاق به‌طور متوسط این فرصت را در اختیار مصرف‌کننده ایرانی قرار می‌دهند که بتوانند این کالاها را به شکلی به کار ببرند که احساس زیباپسندانه آنها را تا حدی ارضا

بررسی دلایل گرایش به مصرف کالاهای قاچاق و راهبردهای مقابله با آن در ایران _____ ۱۹

کند. افزون بر اینها، تأکید نسبی پاسخگویان بر سازگاری انتظارات ارزشی با «کسب منزلت اجتماعی» از طریق شهرت و اعتبار نشان تجاری کالاهای خارجی قاچاق، همچنین نشان می‌دهد که مصرف‌کنندگان ایرانی تمایل دارند با مصرف، نیاز به احترام خود را نیز برطرف سازند؛ زیرا طبق نظریه وبلن افراد تلاش می‌کنند که خود را با دیگران مقایسه کرده و از طریق مصرف کالاها در روابط اجتماعی جایگاه بهتری به دست آورند. بنابراین یکی از دلایل گرایش مصرف‌کنندگان به سمت کالاهای خارجی قاچاق - و بی‌میلی به تولیدات داخل - سازگاری نسبی ویژگی‌های این نوع کالاها با انتظارات ارزشی آنها در خصوص میل به زیبایی‌طلبی و کسب منزلت اجتماعی است.

جدول ۱. توزیع درصد پاسخگویان بر حسب انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات نمادین (علائق ارتباطی)

تمایلات نمادین	گویه‌ها	اصلاً	کم	زیاد	بی‌پاسخ
میل به زیبایی‌طلبی	زیبایی در طرح و رنگ کالاها	۲/۹	۱۵/۰	۸۱/۳	۸
	تنوع و نوآوری کالاها	۲/۳	۱۵/۴	۸۰/۹	۱/۴
	لوکس بودن	۱۰/۰	۳۲/۳	۵۵/۹	۱/۷
	پیروی از مد روز	۲۰/۱	۴۲/۶	۳۵/۱	۲/۲
	انطباق با نیازهای به‌روز مصرف‌کنندگان	۴/۸	۲۰/۷	۷۲/۴	۲/۱
	هماهنگی با مارک‌های کالاهای موجود در منزل	۱۵/۴	۳۷/۲	۴۵/۲	۲/۲
	تبلیغ و تعریف دیگران از کالا از حیث زیبایی	۱۴/۴	۳۸/۱	۴۵/۸	۱/۷
میل به کسب منزلت اجتماعی	احساس منزلت و برتری‌جویی	۲۴/۹	۴۰/۹	۳۲/۰	۲/۲
شهرت و اعتبار تجاری تولیدکننده کالا (مطرح بودن مارک)	۸/۱	۲۳/۹	۶۵/۸	۲/۲	
میل به تمایز اجتماعی	نمایش تفاوت (طبقه) اجتماعی	۲۹/۷	۴۵/۰	۲۲/۹	۲/۴
شاخص کل انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات نمادین					
		۱۳	۳۱	۵۳	۱/۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۲-۱-۵. بعد تمایلات ایمنی (علائق امنیتی) گرایش

علائق ایمنی از طریق شاخص‌های «میل به کیفیت»، «میل به کارایی»، «میل به بهداشت و سلامتی» و میل به «خدمات تضمینی» مورد بررسی تجربی قرار گرفته است. بررسی نسبت‌های مربوط به مؤلفه‌های شاخص‌های چهارگانه انتظارات ارزشی ناظر

بر تمایلات نیازی در بعد علایق ایمنی در جدول ۲ نشان می‌دهد که مصرف‌کنندگان در تمامی موارد، ارزیابی بسیار مثبتی را به نمایش می‌گذارند. محاسبه شاخص کل نیازهای ایمنی (۸۴/۲ درصد) حاکی از آن است که انتظارات ارزشی ناظر بر برآورده شدن علایق ایمنی با مصرف کالاهای خارجی سازگاری بسیار بالایی دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که مصرف‌کنندگان ایرانی به ارضا نیازهای ایمنی خود، حتی بیش از نیازهای نمادین یا ارتباطی اهمیت می‌دهند. نسبت‌های مورد اشاره در جدول ۲ بیانگر این است که مصرف‌کنندگان نه تنها منفعل نیستند بلکه فعالانه به دنبال کالاهایی با بالاترین کیفیت، کارایی، مناسب‌ترین وضعیت بهداشتی و خدمات پس از فروش هستند تا بدین طریق انتظارات ارزشی خود در خصوص علایق ایمنی در مصرف کالا را برآورده سازند. بنابراین دومین دلیل گرایش به مصرف کالاهای خارجی قاچاق این است که مصرف‌کنندگان ایرانی ویژگی‌های ایمنی کالاهای خارجی را منطبق بر انتظارات ارزشی خود می‌بینند.

جدول ۲. توزیع درصد پاسخگویان بر حسب انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات ایمنی (علایق ایمنی)

بی پاسخ	زیاد	کم	اصلاً	گروه‌ها	تمایلات ایمنی
۷	۸۶/۷	۹/۶	۲/۹	داشتن نشانه استاندارد کالا	شاخص میل به کیفیت
۷	۹۱/۰	۶/۶	۱/۷	داشتن کیفیت مناسب کالاها	
۹	۸۳/۴	۱۳/۱	۲/۵	بسته‌بندی مطمئن	
۲/۰	۸۴/۹	۱۰/۴	۲/۷	تطابق با استانداردها	
۱/۳	۸۷/۳	۸/۸	۲/۶	اعتماد به صحت کیفیت	
۱/۵	۷۵/۳	۲۰/۹	۲/۳	اندازه و وزن مناسب	
۱/۱	۸۷/۰	۹/۲	۲/۶	اعتماد به دوام و استحکام کالا	شاخص میل به کارایی
۱/۴	۸۶/۱	۹/۹	۲/۶	اعتماد به کارکرد و توانایی کالا	
۱/۰	۸۹/۲	۸/۶	۱/۲	راحتی کار با محصول	
۱/۶	۸۷/۱	۹/۱	۲/۲	رعایت اصول ایمنی	شاخص میل به بهداشت و سلامتی
۱/۶	۸۴/۰	۱۰/۸	۳/۶	داشتن کد بهداشتی	

بی پاسخ	زیاد	کم	اصلاً	گویه‌ها	تمایلات ایمنی
۱/۳	۷۸/۱	۱۳/۴	۷/۲	عمل به تعهدات در مورد ضمانت (گارانتی) محصول فروخته شده در موعد مقرر	شاخص میل به خدمات تضمینی
۱/۶	۷۹/۱	۱۶/۲	۳/۲	اطمینان به تحویل کالا در محدوده زمانی مورد نظر خریدار	
۱/۱	۸۰/۶	۱۲/۹	۵/۵	قابلیت دسترسی به خدمات (تعمیر) بعد از فروش	
۱	۸۷/۴	۸/۵	۳	دوام و پایداری خدمات پس از فروش	
۸	۸۰/۴	۱۱/۸	۷	ضمانتنامه معتبر	
۱/۲	۸۴/۲	۱۱/۲۳	۳/۳	شاخص کل انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات ایمنی	

مأخذ: همان.

۳-۱-۵. بعد تمایلات مادی (علائق مادی) گرایش

در این پژوهش علائق مادی که به صورت انتظارات ارزشی ناظر بر مطلوبیت کالا نمود یافته است، به دلیل مؤلفه‌های هزینه مصرف و تناسب قیمت کالا با کیفیت آن، عملیاتی شده است.

داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهند که قدرت خرید و متناسب بودن قیمت کالا با کیفیت آن، برای مصرف‌کنندگان از اهمیت نسبی بالایی برخوردار است. افزون بر این، در مجموع و با توجه به نسبت‌های به‌دست آمده برای شاخص کل انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات مادی نیز ملاحظه می‌شود که مطلوبیت مادی این کالاها منطبق بر انتظارات اکثریت مصرف‌کنندگان (۶۱/۹۴ درصد) است. این امر در چارچوب نظریه عمومی کنش نیز قابل توضیح است؛ زیرا براساس این رویکرد نظری می‌توان گفت که گرایش مثبت نسبت به کالاهای خارجی قاچاق هنگامی حاصل می‌شود که نه تنها رابطه بین کنشگر به‌عنوان مصرف‌کننده با اعیان (کالا) مبتنی بر تأمین نیازهای اساسی باشد بلکه باید بین هزینه مصرف (داده‌ها) و دریافت پاداش به‌صورت کالای مناسب (ستانده‌ها) رابطه‌ای متوازن برقرار باشد. بنابراین سومین دلیل عمده گرایش مثبت به مصرف کالاهای خارجی قاچاق این است که مصرف‌کننده ایرانی مصرف این کالاها را منطبق بر علائق مادی خود می‌داند.

جدول ۳. توزیع درصد پاسخگویان بر حسب انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات مادی

بی پاسخ	زیاد	کم	اصلاً	گویه‌ها
۱/۴	۵۵/۹	۳۱/۶	۱۱/۲	قیمت کالاهای قاچاق نسبت به کالای مشابه داخلی ارزان تر است
۱/۸	۶۶/۷	۲۶/۷	۴/۸	توان خرید من یا خانواده‌ام نسبت به قیمت کالا بالاست
۱/۴	۷۸/۰	۱۶/۹	۳/۷	قیمت کالا با کیفیت آن تناسب دارد
۱/۲	۵۵/۰	۳۰/۶	۱۳/۲	خرید کالا با تسهیلات مناسب مالی (اقساط) امکان پذیر است
۱/۶	۵۴/۱	۳۳/۵	۱۰/۸	پرداخت هزینه حمل و نقل توسط فروشنده انجام می‌گیرد
۱/۴۸	۶۱/۹۴	۲۷/۸۶	۸/۷۴	شاخص کل انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات مادی

مأخذ: همان.

۴-۱-۵. بعد تمایلات شناختی (علائق شناختی) گرایش

در پژوهش حاضر، تمایلات نیازی در بعد شناختی که در قالب انتظارات ارزشی این بعد بازنمایی می‌شوند، از طریق مؤلفه‌های؛ میل به آموزش درباره نحوه استفاده از کالا، میل به آموزش درباره کارکرد کالا، میل به آموزش درباره مراقبت‌های ایمنی مربوط به کالا، میل به آموزش درباره اجزای تشکیل دهنده کالا و میل به شناخت سابقه کارکرد مثبت و سابقه تولید کالا بررسی شده است (جدول ۴).

بررسی نسبت‌های مربوط به هریک از مؤلفه‌های مورد اشاره نشان می‌دهد که در تمامی موارد، اکثریت بالایی از پاسخگویان (بالا تر از ۶۸/۵ درصد) آنها را مورد تأیید قرار داده‌اند. بنابراین می‌توان چنین داوری کرد که کالاهای خارجی قاچاق در حد بالا با انتظارات ارزشی ناظر بر علایق شناختی پاسخگویان سازگار است. ملاحظه شاخص کل تمایلات شناختی (۷۶/۲ درصد) نیز دلالت بر محقق شدن حداکثری این نوع تمایلات در خصوص کالاهای خارجی قاچاق دارد. در رویکرد مصرف ابداعی نیز ملاحظه شد که مصرف کنندگان دنیای کنونی، افرادی منفعل نیستند که تنها تحت تأثیر تبلیغات قرار داشته باشند، بلکه آنها در فرایند مصرف فعالانه شرکت می‌کنند. طبیعی است برای شرکت فعال در این امر باید مصرف کنندگان اطلاعات کافی درباره کالاها داشته باشند تا بتوانند آنها را با احساس اطمینان و امنیت، آن گونه که می‌خواهند به کار ببرند. بنابراین کالاهایی که مناسب‌ترین و بیشترین اطلاعات را به مصرف کننده ارائه دهند به شرط وجود سایر

بررسی دلایل گرایش به مصرف کالاهای قاچاق و راهبردهای مقابله با آن در ایران _____ ۲۳

ویژگی‌ها، گرایش بیشتری را به سوی خود جلب خواهند کرد. بدین ترتیب مشخص می‌شود که چهارمین دلیل مهم گرایش به مصرف کالاهای خارجی سازگاری انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات شناختی با ارائه اطلاعات توسط این کالاهاست.

جدول ۴. توزیع درصد پاسخگویان بر حسب انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات شناختی

گویه	اصلاً	کم	زیاد	بی‌پاسخ
ارائه دستورالعمل استفاده از کالا به شیوه تصویری و نوشتاری ساده	۳/۴	۱۷/۷	۷۸/۰	۰/۹
آموزش کارکرد محصول از طریق فروشندگان، دفترچه راهنما و Cd آموزشی	۳/۰	۲۰/۰	۷۶/۱	۰/۹
دستیابی به شناخت ناظر بر سابقه تولیدکننده کالا	۳/۵	۱۸/۵	۷۶/۷	۱/۳
آموزش مراقبت‌های ایمنی از طریق کاتالوگ، بروشور آگهی و Cd آموزشی	۴/۷	۲۵/۴	۶۸/۵	۱/۴
آموزش اجرای تشکیل‌دهنده کالا از طریق فروشندگان، دفترچه راهنما و تعمیرکاران	۳/۷	۱۹/۷	۷۵/۲	۱/۴
دستیابی به شناخت ناظر به سابقه کارکرد مثبت کالا	۲/۵	۱۳/۱	۸۲/۷	۱/۷
شاخص کل انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات شناختی	۳/۴۷	۱۹/۰۷	۷۶/۲	۱/۲۷

مأخذ: همان.

با توجه به نتایجی که مورد اشاره قرار گرفت، در کل باید گفت این فرضیه که «انتظارات ارزشی (در ابعاد تمایلات نمادین، ایمنی، مادی و شناختی) مصرف‌کنندگان داخلی سازگار با کالاهای خارجی است» تأیید می‌شود.

۵-۱-۵. بعد رفتاری گرایش

همان‌طور که در بحث‌های نظری این پژوهش مشخص شد، مفهوم گرایش نه تنها بعد انتظارات ارزشی بلکه عنصر رفتاری نیز دارد که قصد و آمادگی برای اقدام را بیان می‌کند. در این مقاله بعد رفتاری گرایش به مصرف کالا از طریق «الگوی ترجیحات در خرید کالا» مورد بررسی قرار گرفته است.

۵-۱-۶. الگوی ترجیحات

بررسی الگوی ترجیحات مصرف‌کنندگان، حاکی از آن است که با فرض یکسان بودن

کیفیت، مصرف لوازم صوتی و تصویری و کامپیوتر قاچاق بر کالای مشابه ایرانی ترجیح داده می‌شود. ولی در مورد مصرف سایر کالاهای مورد اشاره در جدول ۵، رجحان با کالاهای ایرانی است. در مجموع و براساس میانگین نسبت‌ها، می‌توان گفت با فرض یکسان بودن کیفیت، پاسخگویان ترجیح می‌دهند کالاهای ایرانی را مصرف کنند (۶۶/۶۸ درصد در مقابل ۲۷/۷ درصد شاخص کل).

بررسی پاسخ‌ها، همچنین نشان می‌دهد که با فرض یکسان بودن قیمت کالاهای ایرانی و خارجی قاچاق، مصرف لوازم صوتی و تصویری، کامپیوتر، لوازم خانگی و لوازم یدکی خودرو و خارجی قاچاق بر مصرف همین نوع کالاهای ایرانی ترجیح دارد. در مقابل در سایر کالاهای نام برده شده در جدول ۵ مصرف کالاهای ایرانی بر کالاهای خارجی ترجیح داده می‌شود. همان‌گونه که از توضیحات مشخص می‌شود، مصرف‌کنندگان در مورد برخی کالاها (مانند وسایل صوتی و تصویری و کامپیوتر)، با وجود برابری کیفیت و قیمت باز ترجیح می‌دهند که کالاهای خارجی را مصرف کنند. این وجود، در مجموع و براساس شاخص کل ترجیحات مربوط به فرض یکسانی قیمت (۳۸ درصد برای کالای قاچاق و ۵۴/۴ درصد برای کالای ایرانی)، می‌توان چنین داوری کرد که اگر قیمت کالاهای ایرانی و خارجی قاچاق برابر باشد، مصرف‌کنندگان کالاهای ایرانی را ترجیح می‌دهند. بنابراین دلیل عمده دیگر گرایش به مصرف کالاهای خارجی قاچاق، پایین بودن کیفیت و درعین حال بالا بودن قیمت کالاهای ایرانی در مقایسه با آن کالاهاست.

با توجه به نتایج جدول ۵ در کل می‌توان گفت، این فرضیه که «مصرف‌کنندگان ایرانی مصرف کالاهای خارجی قاچاق را بر کالاهای ایرانی ترجیح می‌دهند»، رد می‌شود (هرچند به صورت مجزا در مورد برخی کالاها تأیید می‌شود).

۲۵ _____ بررسی دلایل گرایش به مصرف کالاهای قاچاق و راهبردهای مقابله با آن در ایران

جدول ۵. توزیع درصد پاسخگویان برحسب ترجیح در خرید کالا با فرض یکسان بودن کیفیت و قیمت

نوع کالای مصرفی	با فرض یکسان بودن کیفیت			با فرض یکسان بودن قیمت		
	کالای قاچاق	کالای ایرانی	بی پاسخ	کالای قاچاق	کالای ایرانی	بی پاسخ
لوازم خانگی	۳۴/۹	۶۳/۹	۱/۲	۵۴/۳	۴۲/۳	۳/۳
لوازم بهداشتی و آرایشی	۳۲/۰	۶۴/۹	۳/۱	۴۵/۳	۴۹/۷	۵/۰
لوازم یدکی خودرو	۳۳/۷	۵۷/۹	۸/۴	۴۵/۳	۴۴/۶	۱۰/۱
لوازم صوتی - تصویری	۵۱/۸	۴۶/۷	۱/۴	۶۰/۳	۳۵/۶	۴/۱
برنج	۹/۲	۸۹/۳	۱/۲	۱۵/۳	۸۰/۶	۴/۱
کامپیوتر	۵۰/۶	۴۲/۳	۷/۱	۵۷/۲	۳۳/۱	۹/۷
منسوجات (کیف و کفش)	۲۰/۶	۷۷/۳	۲/۲	۳۳/۵	۶۱/۶	۴/۹
دارو و تجهیزات	۲۵/۱	۷۱/۹	۳/۰	۳۵/۳	۵۹/۱	۵/۶
شکر	۷/۳	۹۱/۱	۱/۶	۱۵/۳	۸۰/۰	۴/۷
سوخت	۶/۶	۸۷/۳	۶/۰	۱۵/۰	۷۶/۱	۸/۹
سیگار	۲۲/۹	۴۳/۷	۳۳/۳	۳۱/۱	۳۵/۹	۳۲/۹
پارچه	۲۹/۰	۶۷/۸	۳/۲	۳۸/۹	۵۵/۰	۶/۱
چای	۳۵/۹	۶۲/۵	۱/۶	۴۲/۳	۵۳/۲	۴/۶
شاخص ترجیحات	۲۷/۷	۶۶/۶۸	۵/۶۴	۳۸	۵۴/۴	۸

مأخذ: همان.

۷-۱-۵. تحلیل و تفسیر گرایش به مصرف کالاهای قاچاق برحسب سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی^۱

در چارچوب ارائه یافته‌ها، به این پرسش نیز باید پاسخ گفت که تفاوت‌های مشاهده شده در داوری و الگوی مصرف پاسخگویان را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ در ادامه بحث تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود.

۱. گفتنی است چون رابطه بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی با تمایلات نیازی که دارای چهار بعد و هر کدام از آنها نیز متشکل از ابعاد مختلفی بودند، بنا به ماهیت متغیرها و دیگر ضرورت‌های تحقیق، در قالب جداول تقاطعی (بیش از ۸۰ جدول) بررسی شده است، لذا امکان درج همه این جداول و آزمون‌های مربوط در متن مقاله ممکن نبود، از این رو در این قسمت تنها به ذکر اهم یافته‌ها به صورت عبارات اظهاری و تفسیری خلاصه و فشرده اکتفا شده است. جداول در اصل گزارش ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز قابل دسترس است.

۱-۷-۱-۵. ارتباط انتظارات ارزشی ناظر بر بعد تمایلات نیازی گرایش با سرمایه فرهنگی در اینجا میزان سواد پاسخگویان به عنوان معرف تجربی سرمایه فرهنگی مدنظر قرار گرفته است. نتایج حاصل از بررسی ارتباط میان سرمایه فرهنگی با انتظارات ارزشی را می توان به صورت کلی به شرح زیر بیان کرد:

- با افزایش سطح سواد افراد، گرایش به مصرف کالاهای خارجی قاچاق از حیث برآورده شدن انتظارات ارزشی ناظر بر شاخص کل تمایلات نمادین تاحدی افزایش می یابد. مطابق نظریه ها به ویژه نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو و در خصوص این یافته ها، می توان گفت مصرف کنندگانی که از سطح سواد بالاتری برخوردارند، به طور نسبی از سلیقه و سبک زندگی متفاوت تری نیز برخوردارند که در آن، ویژگی های نمادین کالا و مصرف اهمیت بیشتری پیدا می کند. به همین دلیل بیشتر به سمت کالاهای خارجی قاچاق گرایش پیدا می کنند؛ زیرا ویژگی های این کالاها به ویژه در بعد نمادین را سازگار با انتظارات خود تلقی می کنند.

- شواهد موجود دلالت بر آن دارد که گرایش به مصرف کالاهای قاچاق در بعد انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات ایمنی و مادی ارتباطی به میزان سواد ندارد.

- یافته ها نشان می دهند که با افزایش سطح سواد پاسخگویان، گرایش آنها به مصرف کالاهای خارجی قاچاق در بعد انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات شناختی نیز تا حدی بیشتر می شود. در تفسیر این یافته باید گفت که چون مصرف کنندگانی که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردارند به طور نسبی در مصرف خود، فعال تر و آگاهانه تر عمل می کنند، تمایل بیشتری به کسب اطلاعات در مورد کالاهای مصرفی دارند. این ویژگی در کنار ارائه اطلاعات لازم توسط کالاهای خارجی موجب می شود که افراد باسوادتر، انتظارات ارزشی خود را در این مورد، سازگار با این کالاها ارزیابی و به سمت آنها گرایش بیشتری پیدا کنند.

با توجه به نتایج بالا هر چند سرمایه فرهنگی تنها در دو بعد، انتظارات ارزشی را تحت تأثیر قرار می دهد ولی در مجموع ملاحظه می شود، این فرضیه که «با افزایش سرمایه فرهنگی، گرایش به مصرف کالاهای خارجی قاچاق (از نظر برآوردن انتظارات ارزشی) نیز افزایش می یابد»، تأیید می شود.

۲۷ _____ بررسی دلایل گرایش به مصرف کالاهای قاچاق و راهبردهای مقابله با آن در ایران

۲-۷-۱-۵. ارتباط انتظارات ارزشی ناظر بر بعد تمایلات نیازی گرایش با سرمایه اقتصادی با توجه به اینکه سطح درآمد افراد به عنوان معرف تجربی سرمایه اقتصادی انتخاب شده است لذا در اینجا ارتباط درآمد پاسخگویان با هریک از ابعاد تمایلات نیازی گرایش مورد بررسی قرار گرفته است که به صورت کلی در زیر آورده می شود:

- شواهد نشان می دهد که با افزایش درآمد پاسخگویان، آنها بیشتر ابراز می کنند که ویژگی های نمادین مورد انتظار خود را در کالاهای خارجی قاچاق مشاهده می کنند. به بیان دیگر افرادی که سرمایه اقتصادی بالاتری دارند به طور نسبی، بیشتر به سمت مصرف کالاهایی می روند که دارای ویژگی های نمادین هستند.

- شواهد موجود دلالت بر آن دارد که میان سطح درآمد و گرایش به مصرف کالاهای قاچاق از نظر برآوردن انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات نیازی ایمنی، مادی و شناختی ارتباط قابل ملاحظه ای وجود ندارد.

با توجه به نتایج در کل می توان گفت، این فرضیه که «با افزایش سرمایه اقتصادی، گرایش به مصرف کالاهای خارجی قاچاق (از نظر برآوردن انتظارات ارزشی) نیز افزایش می یابد» رد می شود.

۳-۷-۱-۵. ارتباط بعد رفتاری گرایش با سرمایه فرهنگی

نتایج کلی بررسی رابطه میان سطح سواد (سرمایه فرهنگی) و بعد رفتاری گرایش (ترجیح مصرف) حاکی از آن است که با فرض یکسان بودن کیفیت و قیمت، در کل ترجیح مصرف کالاهای خارجی قاچاق با افزایش سطح سواد افزایش می یابد. مطابق نظریه بوردیو، این یافته می تواند نوعی بازنمایی از سبک زندگی و تمایز طبقاتی جامعه مصرف کننده ایرانی باشد؛ زیرا فرض بر این است که طبقه متوسط جامعه در مقایسه با طبقات پایین تر از سطح تحصیلات یا به عبارتی از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار بوده و در نتیجه سبک زندگی متفاوت تری را طلب می کنند. به همین دلیل افرادی که تحصیلات بالاتری دارند برای متمایز کردن خود از طریق مصرف، حتی با وجود یکسانی کیفیت و قیمت کالاها ترجیح می دهند که کالاهای خارجی را مصرف کنند.

این نتایج گویای آن است که فرضیه «با افزایش سرمایه فرهنگی گرایش به مصرف (ترجیح مصرف) کالاهای خارجی قاچاق نیز افزایش می‌یابد»، تأیید می‌شود.

۴-۷-۱-۵. ارتباط بعد رفتاری گرایش با سرمایه اقتصادی

یافته‌های مربوط به ارتباط سرمایه اقتصادی (با معرف درآمد) با بعد رفتاری گرایش (ترجیح مصرف) نشان می‌دهد که با فرض یکسان بودن کیفیت و قیمت کالاهای خارجی قاچاق و ایرانی، در کل می‌توان گفت که هرچه میزان درآمد مصرف‌کنندگان افزایش می‌یابد، ترجیح مصرف کالاهای خارجی بر ایرانی نیز بیشتر می‌شود. بنابراین اگر درآمد نیز مانند سواد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم طبقه اجتماعی در نظر گرفته شود، آنگاه در اینجا نیز مشخص می‌شود که طبقات بالا تمایل دارند با مصرف کالاهای خارجی سبک زندگی خود را متمایز و بازنمایی کنند.

این نتایج حاکی از آن است که فرضیه «با افزایش سرمایه اقتصادی گرایش به مصرف (ترجیح مصرف) کالاهای خارجی قاچاق نیز افزایش می‌یابد»، تأیید می‌شود.

۶. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مقاله حاضر تلاش شد به دو پرسش اساسی؛ گرایش مردم نسبت به مصرف کالاهای خارجی قاچاق چگونه است؟ و چرا مردم نسبت به مصرف کالاهای خارجی قاچاق گرایش دارند؟ پاسخ دهد. در این راستا پژوهش حاضر با موارد مشابه پیشین دو تفاوت اساسی داشت: نخست اینکه برخلاف پژوهش‌های پیشین در اینجا به‌طور مشخص کالاهای خارجی قاچاق مدنظر قرار گرفته است، دوم اینکه این موضوع نه با متغیرها و ابعاد محدود بلکه در ابعاد وسیع بررسی شده است تا بتواند با بهره‌گیری از رهیافت تفسیری مبتنی بر تحلیل فرهنگی، بیشترین استدلال معناکاوانه را برای توضیح مسئله ارائه کند.

براساس اطلاعات به‌دست آمده از توصیف‌ها، تحلیل‌ها و تفسیرها، می‌توان چنین استدلال کرد که پایین بودن کیفیت، گران بودن کالای ایرانی، همچنین سازگاری علایق ایمنی، مادی، شناختی و نمادین (زیبایی در طرح و رنگ، تنوع و شهرت تجاری کالا)

مصرف کنندگان ایرانی با کالاهای خارجی قاچاق از دلایل مهم گرایش مثبت اکثریت آنها (۶۹ درصد) به این کالاهاست. همچنین سرمایه فرهنگی (سطح سواد) نیز در حد ضعیف موجب افزایش گرایش (در بعد انتظارات ارزشی ناظر بر تمایلات نیازی) به مصرف کالاهای خارجی قاچاق می‌شود. افزون‌بر اینها با افزایش سرمایه فرهنگی و اقتصادی ترجیح مصرف کالاهای قاچاق نیز افزایش پیدا می‌کند.

با توجه به یافته‌ها، می‌توان گفت برای مصرف کنندگان ایرانی، کالاها افزون‌بر ارضای نیازهای زیستی، اهمیت نمادین نیز دارند، از این رو آنها تلاش می‌کنند تا با مصرف؛ سلیقه، سبک زندگی و انتظار مطلوبیت مخصوص به خود را به نمایش گذارند. به نظر می‌آید که با گسترش روزافزون شهرنشینی و وسعت طبقه متوسط تأکید بر این وجه از مصرف نیز فزونی یابد. بنابراین اگر محصولات داخلی نتواند خود را با تمایلات نمادین مصرف کنندگان داخلی تطبیق دهد، گرایش به کالاهای خارجی همچنان تداوم خواهد یافت.

همچنین با توجه به اهمیت برآورده شدن انتظارات ارزشی در ابعاد تمایلات ایمنی، مادی و شناختی در نزد افراد، ناسازگاری این انتظارات با مصرف کالاهای ایرانی و تحولاتی که به نفع الگوی مصرف جهانی در سبک زندگی جامعه ایرانی در حال وقوع است، می‌توان پیش‌بینی کرد که بخش تولید داخل اگر دچار تحول نشود، بیش از گذشته تحت فشار قرار خواهد گرفت. این وضعیت با افزایش تعداد تحصیلکردگان و بهبود اوضاع مالی جامعه و در نتیجه افزایش ترجیح مصرف کالاهای خارجی تشدید خواهد شد.

افزون‌بر اینها، در مورد تعدادی از کالاها، عدم ترجیح محصولات ایرانی حتی با وجود برابری کیفیت و قیمت با محصولات خارجی گویای آن است که مصرف کالاهای خارجی تبدیل به فرهنگ شده است. به بیان دیگر در جامعه ایرانی برای گرایش به مصرف این کالاها، نوعی زمینه تاریخی و فرهنگی وجود دارد.

پیشنهاد‌های راهبردی

با توجه به نتایج به دست آمده یعنی تأیید وجود گرایش مثبت به مصرف کالاهای خارجی قاچاق، این پرسش مطرح می‌شود که حالا برای کاهش این نوع گرایش چه باید کرد؟ در

پاسخ به این پرسش و با اتکا به داده‌های تجربی موجود می‌توان به پیشنهاد‌های راهبردی زیر اشاره کرد:

۱. **مهندسی مصرف:** با توجه به شواهد موجود تغییر گرایش از مصرف کالاهای قاچاق به سمت کالاهای داخلی و غیرقاچاق، نیازمند مهندسی مصرف است که این مهندسی باید بر سه محور استوار باشد:

الف) ضروری است که در گرایش مثبت افراد نسبت به کالاهای خارجی که از دیرباز در فرهنگ مصرف ایرانیان ریشه دوانیده، تغییر اساسی ایجاد شود. در این راستا اطلاع‌رسانی در مورد پیامدهای نامناسب مصرف بی‌رویه کالاهای خارجی از رسانه ملی می‌تواند مؤثر واقع شود؛

ب) در چارچوب مهندسی مصرف، ارتقای فرهنگ مصرف جامعه نیز ضروری است. لذا تغییر رفتار مصرفی از طریق افزایش آگاهی افراد نسبت به حقوق خود به‌عنوان مصرف‌کننده باید در اولویت برنامه‌ریزان اجتماعی قرار گیرد؛ زیرا بسیاری از کالاهای قاچاق، فاقد استانداردهای لازم هستند.

ج) بهبود شاخص ملی‌گرایی مصرفی یعنی فرهنگ‌سازی برای مصرف کالاهای تولید داخل را نیز می‌توان به‌عنوان بعد سوم مهندسی مصرف تلقی کرد. در این خصوص، تشویق و ترغیب استفاده از کالاهای تولید داخل و تبلیغ هوشمندانه تلاش‌های تولیدکنندگان در رسانه ملی از جمله راهکارهای اساسی است.

۲. **بازمهندسی سازمان تولید داخلی:** با توجه به تغییرات گسترده در سبک‌های زندگی اقشار مختلف مردم و افزایش کمی و کیفی نیازهای مصرفی، بازسازی بخش تولید ضروری است که دست کم بر دو مبنا استوار باشد:

الف) ارتقای فرهنگ تولید که در این راستا تولیدکنندگان باید به نیازهای نمادین، ایمنی، مادی و شناختی مصرف‌کنندگان داخلی و ترجیحات مصرف آنها توجه کرده و محصولات خود را با این نیازها و ترجیحات منطبق سازند؛

ب) اشاعه فرهنگ رقابت با تولیدات خارجی در میان تولیدکنندگان داخلی با تأکید بر افزایش کیفیت و درعین حال کاهش قیمت.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، عبدالحمید، مهدی جعفرزاده کناری و صابر بزرگی ماکرانی (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش و قصد مصرف کنندگان نسبت به خرید برندهای جعلی در صنعت پوشاک»، فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین، دوره ۲، ش ۳.
۲. باکاک، روبرت (۱۳۸۱). مصرف، ترجمه خسرو صبری، تهران، انتشارات شیرازه.
۳. بوردیو، پییر (۱۳۹۳). تمایز، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ سوم، تهران، نشر ثالث.
۴. _____ (۱۳۸۴). «شکل‌های سرمایه»، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان در: سرمایه اجتماع، چاپ اول، تهران، شیرازه.
۵. بلوری، امین، مرتضی اکبری ونه‌آباد، سعید محمدزاده باغبانی و شهین نوری فرد (۱۳۹۲). «بررسی علل گرایش جوانان به مصرف کالاهای خارجی (مطالعه موردی: پوشاک ترکیه در استان آذربایجان شرقی)»، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، چالش‌ها و راهکارها، http://www.civilica.com/Paper-ICMM01-ICMM01_0090.html.
۶. تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، تهران، انتشارات شیرازه.
۷. ترکستانی، محمدصالح، زهره دهدشتی شاهرخ و قاسم بخشنده (۱۳۹۴). «الگوی عوامل مؤثر بر نگرش و قصد خرید مصرف کنندگان نسبت به محصولات وارداتی»، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، دوره ۱۴، ش ۲۲.
۸. جعفری، سیدحسین (۱۳۷۶). «بررسی مهمترین علل تمایل مصرف کنندگان تهرانی در انتخاب و خرید محصولات خانگی بادوام خارجی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فرهنگ و هنر تهران.
۹. چلبی، مسعود (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. _____ (۱۳۸۳). چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. _____ (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
۱۲. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶). توسعه و تضاد، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۱۳. رضانی، سهیلا (۱۳۹۱). «تجزیه و تحلیل علل گرایش مصرف کنندگان شهر کرج به کالاهای خارجی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور استان البرز.
۱۴. روشه، گی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

۱۵. ریتزر، جورج (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۱۶. سام دلیری، کاظم (۱۳۸۲). «سنجش محرومیت نسبی در نظریه تدگور»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، ش ۲۲.
۱۷. سبحانی، بهرام (۱۳۶۹). «بررسی رفتار مصرف و تخمین تابع مصرف در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۸. سلطانی، ابراهیم (۱۳۷۴). «تجزیه و تحلیل علل عمده گرایش مصرف‌کنندگان تهرانی به کالاهای خارجی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۹. سولومون، مایکل آر. (۱۳۹۳). *رفتار مصرف‌کننده* (خریدن، داشتن و بودن)، ترجمه کامبیز حیدرزاده، چاپ دوم، تهران، انتشارات بازاریابی.
۲۰. فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*، قم، انتشارات صبح صادق.
۲۱. فصیحی، امان‌اله (۱۳۸۹). *اسلام و سرمایه اجتماعی*، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۲. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۳). چاپ دوم، تهران، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. کوزر، لوئیس (۱۳۸۵). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات علمی.
۲۴. گور، تد رابرت (۱۳۷۷). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۵. گرونو، یو کا (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی سلیقه*، ترجمه مسعود کیان‌پور، چاپ اول، تهران، نشر مرکز.
۲۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
۲۷. لیک، لورا ای. (۱۳۹۳). *رفتار مصرف‌کننده به زبان آدمیزاد*، ترجمه آتنا فقیه‌نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات هیرمند.
۲۸. مارکوزه، هربرت (۱۳۶۲). *انسان تک‌ساحتی*، ترجمه محسن مؤیدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۹. مایلز، استیون و مالکوم مایلز (۱۳۹۲). *شهرهای مصرفی*، ترجمه مرتضی قلیچ و محمدحسن خطیبی بایگی، چاپ اول، تهران، انتشارات تیسار.

۳۳ _____ بررسی دلایل گرایش به مصرف کالاهای قاچاق و راهبردهای مقابله با آن در ایران

۳۰. محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، تهران، نشر دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.

۳۱. محمدپور، احمد (۱۳۸۹). فراروش، چاپ سوم، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

۳۲. نعلچی کاشی، علیرضا، محسن رسولیان و حسین بوجاری (۱۳۹۱). «بررسی رفتار خرید مصرف‌کنندگان نسبت به برندهای خارجی در مقابل برندهای داخلی»، فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، دوره ۴، ش ۸

۳۳. نقابی، اعظم، ناصر یزدانی و محسن ناظم بکائی (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر هویت ملی مصرف‌کنندگان بر خرید کالاهای خارجی»، فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین، سال ششم، دوره ۶، ش ۲.

34. De Certeau (1998). *The Practice of Everyday Life*. In John Storey, *Cultural Theory and Popular Culture*, London, Prentice Hall.

35. Douglas, M. and B. Isherwood (1979). *The World of Goods, Towards an Anthropology of Consumption*, London, Routledge.

36. Fisk, John (1998). *Understanding Popular Culture*, London, Routledge.

37. Kumar, A., H. J. Lee and Y. K. Kim (2009). "Indian Consumers' Purchase, Intention Toward a United States Versus Local Brand", *Journal of Business Research*, 62.

38. Simel, Goerge (1971). *Fashion in Individuality and Social Form*, Chicago, University of Chicago Press.

39. Storey John (1996). *Cultural Studies and the Study of Popular Culture*, Theories and Methods by Edinburgh University Press.

40. _____ (1999). *Cultural Consumption and Everyday Life*, Edward Arnold Publishers, London.

41. Yoo, B., N. Donthu and S. Lee (2000). "An Examination of Selected Marketing Mix Elements and Brand Equity", *Journal of the Academy of Marketing Science* 28(2).

تحلیل مصرف آب در اقتصاد ایران با یک رویکرد مبتنی بر مصرف (دیدگاه ردپای آب)

مهران زارعی* و زهرا نصراللهی**

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۷/۱۰ | تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۵/۳

امروزه مسئله کمبود آب به یکی از نگران‌کننده‌ترین مسائل پیش روی کشور ایران تبدیل شده است. از آنجا که حجم بسیار زیادی از منابع آبی کشور صرف تولید محصولات اقتصادی می‌شود، تحلیل چگونگی مصرف آب در بخش‌های مختلف اقتصادی، در جهت مدیریت صحیح این منابع امری ضروری به نظر می‌رسد. مطالعات سال‌های اخیر نشان می‌دهند که در مباحث مربوط به رابطه بین محیط زیست (و به طور خاص آب) و اقتصاد، رویکردهای مبتنی بر مصرف می‌توانند دیدگاه روشن‌بینانه‌ای ارائه دهند. در این راستا هدف پژوهش حاضر، تحلیل مصرف آب در بخش‌های اقتصادی ایران با یک رویکرد مبتنی بر مصرف است. برای این منظور از شاخص ردپای آب و مدل داده - ستانده استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که با رویکرد مبتنی بر مصرف، وضعیت مصرف آب در بسیاری از بخش‌های اقتصادی به طور چشمگیری نسبت به رویکردهای سنتی تغییر می‌کند. براساس شاخص ردپای آب، اگرچه بخش کشاورزی همچنان در رده اول مصرف آب قرار دارد، اما سهم آن از کل مصرف، از حدود ۹۱/۴ درصد در رویکردهای سنتی به کمتر از ۵۳ درصد می‌رسد. در طرف مقابل، بخش صنایع مواد غذایی قرار دارد که سهم آن از ۰/۷۶ درصد به حدود ۳۳/۶۸ درصد افزایش می‌یابد. سایر محاسبات نشان می‌دهد که سرانه ردپای آب هر ایرانی در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۲۷۵ مترمکعب به ازای هر نفر بوده است. همچنین کشور ایران در این سال حدود ۸۱۱۵ میلیون مترمکعب خالص واردات آب مجازی داشته است.

کلیدواژه‌ها: رویکرد مبتنی بر مصرف؛ ردپای آب؛ مدل داده - ستانده؛ کشور ایران؛ بخش‌های اقتصادی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)؛

Email: mehr.zarei114@gmail.com

** دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد؛

Email: nasr@yazd.ac.ir

مقدمه

امروزه مسئله کمبود آب به یکی از بزرگ‌ترین و نگران‌کننده‌ترین مسائل پیش روی جامعه جهانی تبدیل شده است. گزارش‌هایی که هر ساله نهادهای معتبر بین‌المللی منتشر می‌کنند ابعاد مختلف این مسئله را به خوبی نمایان می‌سازند. به‌عنوان مثال در گزارش سال ۲۰۱۵ مجمع جهانی اقتصاد با عنوان «خطرات جهانی ۲۰۱۵»، بحران آب به‌عنوان بزرگ‌ترین خطر جهانی از منظر تأثیر شناخته شده است (مجمع جهانی اقتصاد،^۱ ۲۰۱۵: ۹). همچنین براساس پیش‌بینی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، در صورت ادامه روند فعلی، در سال ۲۰۵۰ بیش از ۴۲ درصد جمعیت جهان با تنش آبی شدید مواجه خواهند شد (محمدجانی و یزدانیان، ۱۳۹۳). این مسئله در مناطق خشک و نیمه‌خشک اقلیمی از جمله ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است به طوری که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، بر اثر تغییرات اقلیمی، این مناطق در آینده خشک‌تر شده و با چالش‌های شدیدتری در حوزه آب مواجه خواهند شد.^۲

کشور ایران با قرار گرفتن در کمربند خشک جهانی، از مناطق کم‌باران دنیا به حساب می‌آید به طوری که میانگین بارندگی سالانه آن حدود ۲۵۰ میلیمتر و تقریباً یک‌سوم متوسط جهانی است. ناهمگونی فضایی و زمانی بارش‌های باران عامل دیگری است که ایران را با شرایط نامساعد اقلیمی مواجه کرده است به طوری که حدود ۷۰ درصد از میزان بارندگی سالیانه کشور به ۲۵ درصد از سطح آن اختصاص دارد (ذاکری و مومنی، ۱۳۹۴: ۵). علاوه بر عرضه محدود و توزیع ناهمگون، طی چند دهه گذشته افزایش شهرنشینی و تغییر الگوی مصرف، رشد جمعیت، افزایش تولیدات اقتصادی و سیاست‌های مرتبط با امنیت غذایی در ایران، منجر به افزایش شدید تقاضا برای منابع آبی این کشور شده است به طوری که سرانه منابع آب شیرین تجدیدپذیر آن از حدود ۱۳۰۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۰۰ به حدود ۱۷۱۸ مترمکعب در سال ۱۳۹۰ رسیده است (بیران و هنریخش، ۱۳۸۷: ۱۹۸). براساس پیش‌بینی مؤسسه منابع جهانی،^۳ تحت شرایط معمولی تجارت، کشور ایران در سال ۲۰۴۰ با تنش آبی بسیار بالا مواجه خواهد شد که از این لحاظ در بین ۱۶۱ کشور مورد بررسی در رتبه ۱۳ قرار خواهد گرفت.^۴

1. World Economic Forum

2. Okadera and et al., 2015: 149.

3. World Resources Institute (WRI)

4. Luo, Youang and Reig, 2015: 1-15.

در راستای مسئله موجود، طی سال‌های اخیر اقدامات بسیاری برای مقابله با مسئله کمبود آب در ایران انجام شده که بسیاری از آنها نیز به مرحله اجرا درآمده است. با نگاهی بر این اقدامات، مشاهده می‌شود که آنها عمدتاً در جهت گسترش ظرفیت آب در دسترس بوده‌اند بدون اینکه به طرف تقاضای آن توجه شده باشد. این در حالی است که با توجه به پیچیدگی‌های فنی، اقتصادی، اجتماعی و تبعات محیط زیستی رویکردهای عرضه - محور، امروزه به منظور دسترسی پایدار به منابع آب، مدیریت طرف تقاضا، به‌عنوان یک رویکرد جایگزین به جای افزایش عرضه، مورد توجه قرار گرفته است (سازمان ملل، ۲۰۰۶: ۱۵).

با توجه به اینکه حجم عمده تقاضای آب در ایران مربوط به سیستم اقتصادی بوده و هر ساله مقادیر بسیار زیادی از منابع آبی کشور صرف تولید محصولات اقتصادی (شامل کشاورزی، صنعت و خدمات) می‌شود، بررسی چگونگی مصرف این حجم عظیم از منابع آبی، می‌تواند در راستای مدیریت صحیح این منابع بسیار ارزشمند باشد. در این راستا، سؤال‌هایی از قبیل اینکه: ۱. این حجم آب در چه بخش‌هایی مصرف می‌شود؟، ۲. کدام بخش‌ها به ازای هر ریال محصول تولیدی خود آب بیشتری مصرف می‌کنند (آب‌بری بالاتری دارند)؟، ۳. مصرف غیرمستقیم آب در این بخش‌ها چگونه است؟، ۴. برای تولید محصولات مصرفی هر بخش چقدر آب استفاده می‌شود (ردپای آب^۲ مربوط به هر بخش)؟، ۵. چه میزان از این آب به شکل مجازی، از مناطق دیگر وارد شده است (واردات آب مجازی)؟، ۶. چقدر از آب مصرفی کشور برای تولید کالاهای صادراتی استفاده شده است (صادرات آب مجازی)؟، ۷. کدام بخش‌های اقتصادی واردکننده (صادرکننده) عمده آب مجازی هستند؟ سؤال‌هایی است که پاسخ به آنها می‌تواند کمک ارزشمندی به سیاست‌گذاران کشور در زمینه مدیریت صحیح منابع محدود آب کشور باشد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤال‌های فوق با یک رویکرد مبتنی بر مصرف^۳ و با اتکا بر مفهوم «ردپای آب» به تحلیل مصرف آب در سیستم اقتصادی ایران پرداخته است. برای این منظور از مدل داده - ستانده استفاده شده است. پس از بیان مقدمه، مطالب این پژوهش در پنج قسمت سازماندهی شده است. اول،

1. United Nations

2. Water Footprint

3. Consumption-Based Approach

ادبیات موضوع و مبانی نظری پژوهش تشریح شده است. دوم به مرور برخی مطالعات پیشین پرداخته شده و در قسمت سوم، روش و داده‌های پژوهش تشریح شده‌اند. چهارم، نتایج مطالعه را ارائه داده و در آن سعی شده است، به سؤال‌های مطرح شده در سطرهای پیشین پاسخ روشنی داده شود. در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از یافته‌های پژوهش پرداخته است.

۱. ادبیات موضوع و مبانی نظری

۱-۱. رابطه بین مصرف آب و سیستم اقتصادی

به‌طور کلی، سابقه مطالعاتی که سیستم اقتصادی را به سیستم طبیعی و محیط زیست ربط می‌دهند، به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد.^۱ شدت گرفتن تبعات محیط زیستی فعالیت‌های اقتصادی در این دهه، کارشناسان اقتصادی را متقاعد ساخت که لازم است در سیستم حساب‌های ملی، به نوعی مسائل محیط زیستی نیز وارد شود. پیشنهاد مطالعات اولیه در این زمینه به طراحی سیستمی موسوم به سیستم یکپارچه حساب‌های محیط زیستی و اقتصادی^۲ منجر شد.^۳ با وجود همه مزایای سیستم یکپارچه حساب‌های محیط زیستی و اقتصادی، تحلیل‌های آن تنها آثار مستقیم فعالیت‌های اقتصادی بر محیط زیست را در نظر گرفته و آثار غیرمستقیم این ارتباط را مورد توجه قرار نمی‌دهد. این در حالی است که با توجه به روابط متقابل بین بخش‌های مختلف، فعالیت‌های اقتصادی علاوه بر آثار مستقیم به شکل غیرمستقیم نیز محیط زیست و منابع طبیعی را متأثر می‌کند. مدل داده - ستانده با ارائه تصویر کاملی از روابط متقابل بین بخش‌های مختلف اقتصادی، امکان محاسبه آثار غیرمستقیم فعالیت‌های اقتصادی بر محیط زیست را به‌وجود آورده است. بر این اساس، با گسترش مدل‌های داده - ستانده بر پایه داده‌های محیط زیستی، طی سال‌های گذشته مطالعات زیادی به بررسی تأثیر فعالیت‌های اقتصادی بر محیط زیست و منابع طبیعی انجام شده است.

در سال‌های اخیر به‌ویژه از نیمه دوم دهه گذشته میلادی (۲۰۱۰-۲۰۰۰)، تعداد

1. Vela'zquez, 2006: 227.

2. System of Integrated Environmental and Economic Accounts (SEEA)

3. Wang, Xiao and Lu, 2009: 894.

مطالعاتی که به طور خاص به بررسی رابطه آب و اقتصاد پرداخته اند شتاب قابل ملاحظه‌ای گرفته است.^۱ مروری بر مطالعات موجود در این زمینه نشان می‌دهد که این مطالعات غالباً از جنبه تولید به مسئله آب توجه کرده‌اند. به عبارت دیگر این تحقیقات به بررسی ارتباط بین تولید اقتصادی و مصرف آب پرداخته‌اند. این در حالی است که تحقیقات اخیر نشان می‌دهند در بحث‌های مربوط به ارتباط بین رشد اقتصادی و محیط زیست، معیارهای مبتنی بر مصرف (نه تولید) دیدگاه روشنگرانه‌تری ارائه می‌دهند.^۲ براساس این رویکرد، رفتار مصرفی به عنوان نقطه انتهایی فرایند تولید به کاهش منابع و تخریب محیط زیست منجر می‌شود.^۳ در واقع، در یک دیدگاه سنتی مبتنی بر تولید، آثار فعالیت‌های اقتصادی بر محیط زیست و منابع طبیعی براساس موقعیت جغرافیایی منابع بررسی می‌شود، در حالی که در دیدگاه مبتنی بر مصرف، این آثار براساس مسئولیت مصرف‌کننده مورد تحلیل قرار می‌گیرد.^۴ این نوع دیدگاه در مورد منابع آب، در قالب مفهوم «ردپای آب» مطرح شده و مبنای نظری محاسبات این پژوهش نیز بر این اساس قرار دارد.

۲-۱. ردپای آب در مقابل شاخص‌های سنتی مصرف آب

شاخص‌های سنتی که به منظور بیان وضعیت منابع آب و میزان کمبود آن در یک منطقه به کار می‌روند شامل مواردی از جمله کل حجم و سرانه منابع آب تجدیدپذیر، درصد برداشت از این منابع در یک دوره خاص، آب مورد نیاز برای تولید کالای (کالاهای) خاص و سایر موارد مشابه می‌شود. این شاخص‌ها اگرچه می‌توانند نمایی کلی از وضعیت آب هر کشور را ارائه دهند اما اطلاعات چندانی در مورد نیاز حقیقی جمعیت آن کشور به منابع آب در اختیار نمی‌گذارند.^۵ شاخص‌های مزبور عمدتاً بر میزان ذخایر آب داخلی یک کشور تأکید کرده و حجم آبی که به واسطه تجارت کالاها و خدمات بین یک کشور و سایر مناطق جهان مبادله می‌شود را نادیده می‌گیرند. این شیوه استفاده از منابع آب، به وسیله

1. Duarte and Yang, 2011: 345.

2. Bagliany, Bravo and Dalmazone, 2008: 650.

3. Zhao, Chen and Yang, 2009: 245.

4. Bagliany, Bravo and Dalmazone, 2008: 651.

5. Hoekstra and Chapagain, 2007: 35.

مفهومی به نام آب مجازی^۱ بیان می‌شود. واژه آب مجازی که نخستین بار آلن^۲ در اوایل دهه ۱۹۹۰ معرفی کرد، به حجم آبی اشاره دارد که در طول مراحل مختلف فرایند تولید یک کالا یا خدمت مصرف می‌شود.^۳

بسیاری از کالاهایی که ساکنان یک کشور مصرف می‌کنند در کشورهای دیگر تولید شده‌اند، بنابراین تقاضای حقیقی آب توسط ساکنان یک کشور ممکن است بسیار بالاتر از میزان برداشت از منابع آب داخلی آن کشور باشد. بر این اساس، در سال ۲۰۰۲ مفهوم جدیدی توسط هوکسترا و هانگ^۴ معرفی کردند که استفاده از آب در یک سرزمین را به مصرف ساکنان آن سرزمین ارتباط می‌دهد (نصراللهی و زارعی، ۱۳۹۴: ۳۸۶). این مفهوم که به ردپای آب معروف است به‌عنوان «کل حجم آب شیرین مورد استفاده برای تولید محصولات مصرف شده توسط ساکنان یک کشور (یا هر ناحیه جغرافیایی دیگر)» تعریف می‌شود.^۵

با مروری بر ادبیات موجود در زمینه شاخص ردپای آب و تفاوت آن با شاخص‌های سنتی، به‌طور کلی می‌توان سه ایراد اساسی زیر را برای شاخص‌های سنتی برشمرد که مفهوم ردپای آب قادر است تا حد زیادی این ایرادها را برطرف کند:^۶ ۱. این شاخص‌ها فقط به مصرف مستقیم آب توجه دارند درحالی‌که مصرف غیرمستقیم آب در بسیاری از بخش‌ها قابل توجه و حتی چندین برابر مصرف مستقیم آن است. ۲. در شاخص‌های سنتی، مصرف آب بخش‌های اقتصادی از دیدگاه تولید مورد سنجش قرار می‌گیرند درحالی‌که مطالعات اخیر نشان داده‌اند که رویکرد مبتنی بر مصرف می‌تواند دیدگاه روشن‌بینانه و مفیدی در این زمینه ارائه دهد. ۳. این شاخص‌ها عمدتاً بر میزان ذخایر داخلی آب یک کشور توجه کرده و به صادرات و واردات آب مجازی توجهی نمی‌کنند. در ادامه می‌توان تفاوت این رویکردها را در قالب یک مثال ساده، به‌صورت واضح توضیح داد.

1. Virtual Water

2. Allan

3. Hoekstra and Chapagain, 2007: 36.

4. Hoekstra and Hung

5. Hoekstra and Chapagain, 2007: 36.

۶. برای کسب اطلاعات بیشتر رک: Hoekstra and et al., 2011; Hoekstra and Chapagain, 2007

مطابق جدول ۱، فرض می‌شود در یک اقتصاد بسته (بدون صادرات و واردات) تنها دو بخش A و B وجود دارد که مقدار ستانده هر کدام از آنها ۱۰۰ واحد است. همچنین فرض می‌شود که برای تولید محصولات این بخش‌ها ۱۰۰ لیتر آب استفاده می‌شود که ۷۰ لیتر آن در تولید کالای A و ۳۰ لیتر نیز برای تولید کالای بخش B مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین براساس شاخص‌های سنتی ارزیابی منابع و مصارف آب، بخش A با مصرف کردن ۷۰ درصد کل آب مصرفی، متهم است که بیشتر منابع آبی این اقتصاد فرضی را صرف تولیدات خود می‌کند. اگر این مصرف آب نسبت به مقدار ستانده تعدیل شود آب‌بری‌های مستقیم هر بخش به دست می‌آید که بازهم آب‌بری بخش A (۰/۷ لیتر به ازای هر واحد ستانده) بیش از دو برابر آب‌بری بخش B (۰/۳ لیتر به ازای یک واحد ستانده) است. بنابراین در صورت محدودیت منابع آب و یکسان بودن سایر شرایط، سیاست‌های مدیریت منابع آب، بر کاهش تولیدات بخش A متمرکز خواهند بود.

جدول ۱. روابط متقابل بین بخش‌های اقتصادی (جدول داده - ستانده) در یک اقتصاد فرضی

بخش	A	B	تقاضای نهایی	ستانده کل
A	۱۰	۸۰	۱۰	۱۰۰
B	۱۰	۱۰	۸۰	۱۰۰
ارزش افزوده	۸۰	۱۰		
ستانده کل	۱۰۰	۱۰۰		
مصرف آب	۷۰	۳۰		

چنانچه در این اقتصاد فرضی روابط متقابل بین بخش‌های A و B در نظر گرفته شود، نمای متفاوتی از مصرف آب در این دو بخش آشکار خواهد شد. بخش A برای تولید ۱۰۰ واحد ستانده خود، علاوه بر ۷۰ لیتر آب (مصرف مستقیم)، نیاز دارد که ۱۰ واحد از محصولات بخش B و ۱۰ واحد از محصولات خود را به‌عنوان نهاده مصرف کند که برای تولید آنها به ترتیب ۳ و ۷ لیتر آب مصرف شده است. بنابراین بخش A در این مرحله ۱۰ لیتر آب به شکل غیرمستقیم مصرف خواهد کرد. اما برای تولید ۱۰ واحد محصول A نیز لازم

است که یک واحد کالای A و یک واحد کالای B مصرف شود که در نتیجه بازهم $0/7$ و $0/3$ لیتر آب به شکل غیرمستقیم مصرف می‌شود. تولید ۱۰ واحد محصول B نیز نیاز به مصرف هشت واحد کالای A و یک واحد کالای B دارد که برای تولید آنها به ترتیب $5/6$ و $0/3$ لیتر آب استفاده می‌شود. بازهم برای تولید هشت و یک واحد از محصولات A و B، مقادیر دیگری نهاده و آب مصرف می‌شود که این زنجیره تا بی‌نهایت ادامه دارد. با در نظر گرفتن برخی مفروضات ساده‌کننده، مدل داده - ستانده قادر است تا آب نهفته در تمامی حلقه‌های این زنجیره را محاسبه کند.^۱ با احتساب این مصارف غیرمستقیم به وسیله مدل داده - ستانده، آب‌بری کل (مستقیم و غیرمستقیم) دو بخش A و B به ترتیب $0/9$ و $1/14$ لیتر به ازای هر واحد ستانده به دست می‌آید. بنابراین، مشاهده می‌شود که با در نظر گرفتن مصارف غیرمستقیم، این بخش B است که آب‌بری بالاتری نسبت به بخش دیگر دارد.

اگر یک گام جلوتر رفته و همین آب‌بری کل، از دیدگاه مصرف بررسی شود (رویکرد ردپای آب)، دیدگاه‌ها نسبت به مصرف آب در این بخش‌ها بازهم تغییر می‌کند. مطابق جدول ۱، از ۱۰۰ واحد ستانده بخش A تنها ۱۰ واحد آن برای تأمین مصارف نهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و بقیه به عنوان نهاده در سایر بخش‌ها (بخش B) مصرف می‌شود. با توجه به تعریف ردپای آب، تنها منابع آبی که برای تولید این ۱۰ واحد ستانده استفاده شده است، مربوط به بخش A بوده و بقیه آن را نباید به این بخش نسبت داد. اما در بخش B ۸۰ درصد تولیدات آن صرف تقاضای نهایی می‌شود. بر این اساس از ۱۰۰ لیتر آب استفاده شده در این اقتصاد، تنها حدود ۹ لیتر آن برای تولید کالاهای مصرفی بخش A استفاده می‌شود و ۹۱ لیتر آن مربوط به مصارف بخش B است.^۲ این نتایج در جدول ۲ خلاصه شده‌اند.

۱. برای اطلاع بیشتر در این رابطه رجوع شود به قسمت سوم مقاله (روش‌شناسی و داده‌های پژوهش).

۲. چگونگی انجام این محاسبات در بحث محاسبه ردپای آب ملی (۲-۳) تشریح شده است.

جدول ۲. مصرف آب در یک اقتصاد فرضی براساس دیدگاه‌های سنتی و شاخص ردپای آب

بخش	کل مصرف آب مستقیم (دیدگاه سنتی) - لیتر	آب‌بری مستقیم - لیتر بر هر واحد تولید	آب‌بری مستقیم و غیرمستقیم (ضرایب فزاینده آب) - لیتر بر هر واحد تقاضای نهایی	کل مصرف آب از دیدگاه مبتنی بر مصرف (ردپای آب) - لیتر
A	۷۰	۰/۷۰	۰/۹۰	۹
B	۳۰	۰/۳۰	۱/۱۴	۹۱

ملاحظه می‌شود که نتایج مصرف آب مرتبط با بخش‌های اقتصادی براساس دیدگاه ردپای آب (مبتنی بر مصرف) تفاوت چشمگیری با نتایج مبتنی بر شاخص‌های سنتی دارد. براساس شاخص‌های سنتی، ۷۰ درصد مصارف آب این اقتصاد مربوط به بخش A است. درحالی‌که از منظر شاخص ردپای آب، تنها حدود ۹ درصد کل آب مصرفی به این بخش مربوط می‌شود. هرکدام از این نتایج، سیاست‌های متفاوتی ایجاب می‌کند که پیامدهای متفاوتی به دنبال خواهند داشت. بنابراین، چنانچه دیدگاه روشن‌بینانه و کاملی از مصارف آب در بخش‌های مختلف وجود نداشته باشد، سیاستگذاری‌های مرتبط با مدیریت و تخصیص منابع آب نیز نتایج مطلوبی به همراه نخواهند داشت.

۳-۱. ردپای آب و نظریه تجارت بین‌الملل

یکی از مهمترین نظریات مطرح در حوزه تجارت بین‌الملل، نظریه هکشر - اوهلین^۱ است. در این نظریه آمده است هر کشور کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن نیاز به عامل به نسبت فراوان و ارزان دارد و در مقابل کالایی را وارد می‌کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً گران و کمیاب دارد (شاکری و امیدوار، ۱۳۸۹: ۸۵). مطابق این نظریه، تعیین‌کننده‌های اصلی مزیت نسبی کشورها برای تجارت با یکدیگر، تفاوت در فراوانی (کمیابی) نسبی عامل تولید در این کشورها و نیز شدت عامل‌بری^۲ کالاهای

1. Heckscher-Ohlin Theory
2. Factor Intensities

مختلف است.^۱ در ساده‌ترین حالت این نظریه (دو کشور، دو کالا و دو عامل)، نشان داده می‌شود که الگوی تولید در هر کشور به وسیله فراوانی نسبی عوامل تولید تعیین می‌شود. در واقع فراوانی بیشتر یک عامل تولید در کشور «الف»، باعث افزایش تولید کالایی می‌شود که به طور قابل ملاحظه‌ای بر این عامل تولید متکی است و در مقابل، ستانده بخش دیگر (که اتکای کمتری بر این عامل دارد) را کاهش می‌دهد.^۲

کاهش شدید منابع آبی تجدیدپذیر کشورها طی سال‌های گذشته و نیز نقش این منابع در تولید محصولات اقتصادی (به عنوان یکی از عوامل تولید)، باعث شده است که مفهوم تجارت آب مجازی وارد تحلیل‌های تجارت بین‌الملل شود. مطابق با نظریه هکشر - اوهلین، انتظار بر این است که کشورهای کم‌آبی چون ایران، در تجارت خود با سایر کشورها، محصولات با آب‌بری پایین را صادر و محصولات با آب‌بری بالا را وارد کنند. در واقع انتظار می‌رود این کشورها واردکننده خالص آب مجازی باشند. براساس این دیدگاه، کشورهای خشک اقلیمی می‌توانند با واردات آب مجازی مسئله کمبود آب خود را برطرف کنند. این موضوع را نخستین بار آلن (۱۹۹۴) مطرح کرد. او ایده واردات آب مجازی از طریق وارد کردن محصولات با آب‌بری بالا را به عنوان یک راه‌حل مناسب برای مسئله کمبود آب در خاورمیانه مطرح کرد.^۳

با توجه به توانایی مدل داده - ستانده در محاسبه شدت عامل‌بری کالاها و خدمات، این مدل می‌تواند به عنوان ابزاری مناسب برای آزمون تجربی نظریه هکشر - اوهلین مورد استفاده قرار گیرد، چه آنکه اولین تلاش برای آزمون این فرضیه را واسیلی لئونتیف^۴ با استفاده از همین مدل انجام داده است (همان). با کاربرد این مدل در محاسبه شاخص ردپای آب، می‌توان نظریه هکشر - اوهلین را در زمینه منابع آب (به عنوان یک عامل تولید) مورد آزمون قرار داد که این کار در پژوهش حاضر با عنوان «خالص واردات آب مجازی» انجام شده است.

1. Sayan, 2003: 219.

2. Benz, Larch and Zimmer, 2014: 1.

3. Chapagain and Hoekstra, 2004: 12.

4. W. Leontief

۲. مطالعات پیشین

در مطالعات گذشته برای محاسبه ردپای آب دو رویکرد پایین به بالا و بالا به پایین^۱ به کار گرفته شده است.^۲ تفاوت این روش‌ها در چگونگی جمع مصارف غیرمستقیم آب در طول زنجیره تأمین یک کالا است. در رویکردهای پایین به بالا برای محاسبه ردپای آب یک بخش (یا محصول)، تمامی زنجیره تأمین در نظر گرفته نمی‌شود و به اصطلاح خطای برش^۳ وجود دارد.^۴ بنابراین در این روش‌ها بخشی از مصارف غیرمستقیم آب نادیده گرفته می‌شود. در طرف مقابل، رویکردهای بالا به پایین قرار دارند که به تحلیل داده - ستانده اشاره داشته و برای محاسبه ردپای آب، تمامی حلقه‌های زنجیره تأمین یک محصول را در نظر گرفته و بنابراین از بروز خطای برش جلوگیری می‌کنند. در ادامه به چند مورد از مرتبط‌ترین مطالعات انجام شده پیرامون موضوع مورد بررسی اشاره شده است.

لنزن و فوران^۵ (۲۰۰۱) در مقاله خود با استفاده از جدول داده - ستانده ۳۷ بخشی سال ۱۹۹۵ و داده‌های مصرف آب مربوط به سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۳، به بررسی و تحلیل مصرف آب در بخش‌های اقتصادی کشور استرالیا پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ۳۰ درصد نیاز آبی کشور استرالیا به تولید محصولات غذایی اختصاص دارد که بیش از ۳۰ درصد این محصولات از کشور صادر می‌شود. بر این اساس سالانه به‌طور متوسط حدود ۴ میلیارد مترمکعب کسری تجاری خالص آب در این کشور وجود دارد (صادرات خالص آب مجازی). محققان این مطالعه معتقدند که با به‌کارگیری مفهوم آب مجازی، جمعیت شهری استرالیا به دلیل فعالیت‌های مصرفی و شیوه زندگی خود، به‌طور عمده مسئول همه مصارف آبی این کشور هستند.

ژائو، چن و یانگ (۲۰۰۹) با استفاده از جدول داده - ستانده ۲۳ بخشی سال ۲۰۰۲ کشور چین، به ارائه چارچوبی محاسباتی برای سنجش ردپای آب ملی در بخش‌های اقتصادی این کشور پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که سرانه ردپای آب ملی

1. Bottom-Up and Top-Down Approaches

2. Feng and et al., 2011: 271.

3. Truncation Error

4. Ibid.: 382.

5. Lenzen and Foran

چین در سال ۲۰۰۲ معادل ۳۸۱ مترمکعب به ازای هر نفر بوده است. براساس شاخص شدت ردپای آب، بخش‌های «کشاورزی»، «تولید و عرضه برق، گاز و آب» و «معادن سنگ‌های فلزی» بیشترین شدت مصرف آب را داشته‌اند. همچنین با در نظر گرفتن تبادل آب مجازی، بخش‌های «کشاورزی» و «ساختمان» به عنوان بزرگ‌ترین واردکنندگان خالص آب مجازی و بخش‌های «منسوجات» و «پوشاک» به عنوان بزرگ‌ترین صادرکنندگان خالص آب مجازی در کشور چین شناخته شدند. در کل بخش‌های اقتصادی، این کشور یک صادرکننده خالص آب مجازی (حدود ۲۳۷۳۳ میلیون مترمکعب) است.

فنگ و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه خود به ارزیابی ردپای آب از دو منظر تولید و مصرف در مناطق مختلف بریتانیا پرداختند. در این مقاله با استفاده از مدل داده - ستانده چندمنطقه‌ای^۱ و داده‌های مصرف آب سال ۲۰۰۶، ردپای آب تولید^۲ به عنوان کل حجم آب مصرف شده از منابع داخلی توسط فعالیت‌های تولیدی و ردپای آب مصرف^۳ به عنوان کل آب مصرف شده از منابع داخلی و خارجی برای تأمین مصرف نهایی داخلی بریتانیا محاسبه شد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سرانه ردپای آب تولید بریتانیا، سالانه ۴۳۹ مترمکعب به ازای هر نفر است که ۸۵ درصد آن صرف تأمین مصرف نهایی خود این کشور شده است. ردپای آب مصرف این کشور نیز بیش از سه برابر بزرگ‌تر از ردپای آب تولید آن است. در حدود نیمی از آب استفاده شده برای مصرف ساکنان بریتانیا، مربوط به واردات محصولات از کشورهای غیرعضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۴ بوده که بسیاری از این کشورها خود با کمبود آب مواجه‌اند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که ردپای آب در مناطق جغرافیایی بریتانیا به شکل چشمگیری متغیر بوده و متناسب با متوسط سطح درآمد در این مناطق است.

مکونن^۵ و هوکسترا (۲۰۱۱) در مطالعه خود با یک رویکرد پایین به بالا به برآورد و تحلیل ردپای آب ملی کشورهای مختلف طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۶ پرداختند. براساس نتایج این مطالعه، کل ردپای آب جهانی در دوره مورد بررسی معادل ۹۰۸۷ میلیارد مترمکعب در

1. Multi-Region Input-Output

2. Production Water Footprint

3. Consumption Water Footprint

4. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

5. Mekonnen and Hoekstra

سال بوده که ۹۲ درصد آن به محصولات کشاورزی مربوط است. کل جریان بین‌المللی آب مجازی در تجارت محصولات کشاورزی و صنعتی معادل ۲۳۲۰ میلیارد مترمکعب در سال بوده که ۷۶ درصد آن به تجارت محصولات کشاورزی مربوط است. این نتایج همچنین نشان می‌دهد که متوسط جهانی ردپای آب هر مصرف‌کننده در دوره مورد بررسی معادل ۱۳۸۵ مترمکعب در سال بوده است. درحالی‌که مقدار این شاخص برای هر شهروند ایرانی به حدود ۱۸۶۶ مترمکعب در سال می‌رسیده که از این میزان، حدود ۱۷/۸ درصد آن خارجی بوده و از منابع آب سایر کشورها استفاده شده است.

لوتر^۱ و همکاران (۲۰۱۶)، در مطالعه خود به ارزیابی ردپای آب و تبادل آب مجازی در اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۰۷ و با تأکید بر محصولات زراعی پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا سالانه به‌طور غیرمستقیم مقادیر زیادی آب به شکل مجازی از طریق تجارت با سایر مناطق جهان وارد می‌کند که این حجم واردات آب مجازی به مراتب بیشتر از آب واقعی مصرف شده از منابع داخلی این اتحادیه است. مصرف کالاها و خدمات اتحادیه اروپا بیشترین تأثیر را بر مصرف آب کشورهای چین، برزیل و اسپانیا داشته است (به ترتیب ۴۶/۴، ۴۵/۳ و ۴۳/۴ میلیارد مترمکعب). به‌طور کلی ۶۵ درصد آب استفاده شده برای تولید کالاها و خدمات مصرف شده در اتحادیه اروپا از منابع آب خارجی این اتحادیه تأمین می‌شود که ۳۶ درصد آن مربوط به قاره آسیاست.

چن و همکاران (۲۰۱۷) با کاربرد جدول داده - ستانده چندمنطقه‌ای سال ۲۰۰۷، به برآورد ردپای آب در استان‌های مختلف کشور چین و نیز ارزیابی انتقال آب مجازی بین‌استانی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تفاوت چشمگیری بین ردپای آب در استان‌های مختلف وجود دارد. استان‌های با جمعیت و تولید ناخالص داخلی بیشتر، ردپای آب بالاتری دارند. همچنین نسبت ردپای آب خارجی (واردات آب مجازی) از کل ردپای آب در استان‌های توسعه‌یافته‌تر نسبت به استان‌های کمتر توسعه‌یافته بزرگ‌تر است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که انتقال آب مجازی از مناطق پرآب به مناطق کم‌آب رخ نداده بلکه به‌طور کلی از مناطق کم‌آب غربی به سمت مناطق شرقی، از مناطق مرکزی

به سمت مناطق شرقی و از مناطق توسعه نیافته به مناطق توسعه یافته اتفاق افتاده است. در بین مطالعات داخلی، سنجش و ارزیابی ردپای آب در کشور، بیشتر معطوف به بخش کشاورزی بوده و عمدتاً نیز از رویکردهای پایین به بالا استفاده شده است. از جمله می توان به مطالعه عربی یزدی، علیزاده و محمدیان (۱۳۸۸)، منتصری و همکاران (۱۳۹۵) و علیقلی نیا و همکاران (۱۳۹۵) اشاره کرد. از معدود مطالعات داخلی که به سنجش ردپای آب در سطح کلان و با رویکرد بالا به پایین پرداخته اند می توان به مطالعه تفضلی (۱۳۹۲) اشاره کرد. در این پژوهش با استفاده از جدول داده - ستانده سال ۱۳۸۵ اقدام به محاسبه ردپای آب کشور ایران به تفکیک بخش های اقتصادی شده است. نتایج این محاسبات نشان می دهد که کل ردپای آب ایران در سال ۱۳۸۵ حدود ۷۰۹۴۷ میلیون مترمکعب بوده که حدود ۲۳ درصد آن خارجی است. در این سال، کشور ایران به طور خالص صادرکننده ۳۳۴۰ میلیون مترمکعب آب مجازی بوده است. مقدار سرانه ردپای آب به ازای هر نفر نیز حدود ۱۰۰۷ مترمکعب برآورد شده است.

صادقی و همکاران (۱۳۹۳) نیز با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۹۰ به مطالعه تأثیر مصرف واسطه ای بخش های اقتصادی بر ردپای آب در ایران پرداختند. یافته های این پژوهش کل ردپای آب بخش های اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۰ را حدود ۹۷/۷ میلیارد مترمکعب نشان می دهد که ۸۸ درصد آن داخلی و ۱۲ درصد دیگر وارداتی است. تولیدات مربوط به زیربخش های «گندم»، «گاو»، گاو میش و سایر حیوانات زنده به جز ماکیان»، «سایر نباتات صنعتی»، «ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی ها»، بیشترین ردپای داخلی و وارداتی را داشته اند. این بخش ها در مجموع ۶۶ درصد از کل ردپای آب و زیربخش های خدمات نیز رتبه های آخر را در این زمینه به خود اختصاص داده اند. به نظر نگارندگان پژوهش حاضر، نحوه محاسبه ردپای آب در این مطالعه با تعریف این شاخص سازگاری ندارد. براساس تعریف ارائه شده توسط هوکسترا و هانگ (۲۰۰۲) که مبنای محاسبه سایر مطالعات قرار گرفته است، ردپای آب، مربوط به آب استفاده شده برای تأمین «تقاضای نهایی» یک منطقه می شود، این در حالی است که در مطالعه صادقی و همکاران، ردپای آب، به «تقاضای واسطه ای» مرتبط شده است.

بانویی و همکاران (۲۰۱۵) با استفاده از یک مدل داده - ستانده، ردپای آب ملی کشور ایران و برخی شاخص‌های مرتبط به آن را به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی محاسبه کردند. جدول داده - ستانده مورد استفاده در این مطالعه شامل هشت بخش اقتصادی و مربوط به سال ۱۳۸۵ است. نتایج آنها نشان می‌دهد که سرانه ردپای آب ملی در ایران حدود ۱۴۳۳ مترمکعب به ازای هر نفر است که نسبت به متوسط جهانی رقم بالایی است. محققان چهار دلیل احتمالی این موضوع را عملکرد ضعیف محصولات زراعی، بهره‌وری بسیار پایین آب، درجه پایین صنعتی بودن کشور (کشاورزی - محور بودن تولیدات کشور) و تبخیر بسیار شدید آب در ایران عنوان می‌کنند. نتایج این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که ایران یک صادرکننده خالص آب مجازی است. براساس این نتایج، واردات آب مجازی ایران در سال ۱۳۸۵ حدود ۷۴۵۰ میلیون مترمکعب است درحالی که صادرات آب مجازی به حدود ۱۲۶۲۷ میلیون مترمکعب می‌رسد. محققان معتقدند که با توجه به کمبود آب در ایران، این نتیجه برخلاف رویکردهای موجود در نظریه تجارت بین‌الملل است.

در پژوهش حاضر، در مقایسه با سه مطالعه داخلی مورد اشاره، ردپای آب به‌عنوان معیاری از رویکردهای مبتنی بر مصرف، مورد محاسبه و بررسی قرار گرفته است. به‌عبارت‌دیگر در این پژوهش سعی شده است با استفاده از مفهوم ردپای آب و برخی شاخص‌های مرتبط با آن، نشان داده شود که با یک رویکرد مبتنی بر مصرف، الگوی مصرف آب در بخش‌های اقتصادی ایران چگونه است و این الگو چه تفاوتی با رویکردهای سنتی دارد. علاوه بر این، به دلایلی که در بخش تحلیل نتایج به آنها اشاره شده است، نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات مورد اشاره، دارای تفاوت‌هایی است که توجه به آنها می‌تواند زمینه را برای انجام تحقیقات بیشتر و دقیق‌تر فراهم آورد.

۳. روش‌شناسی و داده‌ها

۳-۱. مدل داده - ستانده

توسعه مدل داده - ستانده را مرهون تلاش‌های واسیلی لئونتیف در اواخر دهه ۱۹۳۰ می‌دانند.^۱

هسته اصلی مدل داده - ستانده را سیستم تعاملات و وابستگی های متقابل بین بخش های مختلف اقتصادی تشکیل می دهد. براساس این سیستم، ستانده یک بخش اقتصادی از طریق مصرف نهاده هایی به دست می آید که این نهاده ها به نوبه خود می توانند ستانده یک بخش دیگر باشند. رابطه (۱) چگونگی آن را به نمایش می گذارد:

$$x_i = \sum_j x_{ij} + y_i \quad (1)$$

عنصر x_{ij} نهاده ای است که از بخش i به بخش j واگذار می شود و y_i نشان دهنده تقاضای نهایی بخش i است. براساس این رابطه، کل ستانده بخش i (x_i) می تواند به عنوان نهاده در اختیار سایر بخش ها (تقاضای واسطه ای) یا مورد استفاده مصرف کننده نهایی قرار گیرد (تقاضای نهایی). با در نظر گرفتن فرض تابع تولید خطی، بردار ستانده هر بخش می تواند به وسیله رابطه (۲) تعریف شود. شکل ماتریسی و فرم حل شده رابطه (۲) نیز به شکل روابط (۳) و (۴) نشان داده می شود:

$$x_{ij} = a_{ij}x_j \quad (2)$$

$$X = AX + Y \quad (3)$$

$$X = (I - A)^{-1} Y \quad (4)$$

در این روابط، عنصر a_{ij} ، ارزش نهاده بخش i است که بخش j برای تولید یک واحد ستانده خود لازم دارد، X ، بردار ستانده بخشی، $[A]_{a_{ij}}$ ماتریس ضرایب فنی تولید (یا ضرایب نهاده) و $[I]_{n \times n}$ ماتریس واحد هستند. $(I - A)^{-1}$ نیز معکوس ماتریس لئونتیف نامیده می شود. عنصر l_{ij} از ماتریس معکوس لئونتیف، نشان دهنده کل میزان ستانده بخش i است که برای افزایش یک واحد پولی تقاضای نهایی در بخش j مورد نیاز است.

به منظور تحقق اهداف مورد نظر در این پژوهش، از به روزترین جدول داده - ستانده موجود کشور استفاده شده که سال ۱۳۹۰ توسط مرکز پژوهش های مجلس به هنگام شده است. برای این منظور بخش های این جدول که شامل ۷۱ بخش اقتصادی است، با توجه به ساختار تولیدات اقتصاد ایران و به ویژه با توجه به داده های در دسترس مصرف آب، در ۲۷ بخش به شرح جدول ۳ تجمیع شد.

جدول ۳. عناوین بخش‌های اقتصادی کشور در جدول داده - ستانده مورد استفاده این پژوهش

شماره بخش	نام بخش	شماره بخش	نام بخش
۱۵	ساخت فلزات اساسی	۱	کشاورزی
۱۶	ساخت محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات	۲	نفت خام و گاز طبیعی
۱۷	ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۳	سایر معادن
۱۸	ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۴	صنایع محصولات غذایی، آشامیدنی و دخانیات
۱۹	ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۵	ساخت منسوجات
۲۰	ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی	۶	ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ کردن خز
۲۱	ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت	۷	دباغی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی
۲۲	ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر	۸	ساخت چوب و محصولات چوبی
۲۳	ساخت سایر تجهیزات حمل‌ونقل	۹	ساخت کاغذ و محصولات کاغذی
۲۴	ساخت مبلمان، مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر و بازیافت	۱۰	انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده
۲۵	آب، برق و گاز	۱۱	ساخت کک، فراورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای
۲۶	ساختمان	۱۲	ساخت مواد و محصولات شیمیایی
۲۷	خدمات	۱۳	ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک
		۱۴	سایر محصولات کانی غیرفلزی

مأخذ: ذاکری و مؤمنی، ۱۳۹۴.

۲-۳. محاسبه ردپای آب ملی

به‌طور معمول ردپای آب در سطح یک کشور با عنوان «ردپای آب ملی» شناخته می‌شود.^۱ در این پژوهش ردپای آب ملی به تفکیک بخش‌های اقتصادی کشور ایران با استفاده از

۱. برای کسب اطلاع بیشتر در مورد انواع طبقه‌بندی ردپای آب رک: Hoekstra and et al., 2011.

روش ارائه شده توسط ژائو، چن و یانگ (۲۰۰۹) محاسبه شده است. ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که در این پژوهش تنها ردپای «آب آبی» مورد بررسی قرار گرفته است. به عبارت دیگر فقط منابع آب شیرین تجدیدپذیر به کار رفته در تولید کالاها و خدمات، در نظر گرفته شده و آب بارانی که در تولید محصولات کشاورزی مؤثر بوده (آب سبز)، مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین آلودگی‌های آب ناشی از فعالیت‌های اقتصادی (مربوط به آب خاکستری) نیز در این پژوهش در نظر گرفته نشده است.

با توجه به تعریف ردپای آب ملی، نحوه محاسبه آن را می‌توان با رابطه (۵) نشان داد:

$$NWF = \sum VWC \times (DP + M - E) \quad (5)$$

که در آن، NWF ردپای آب ملی است، VWC محتوای آب مجازی است و به عنوان کل آب مورد نیاز برای تولید یک واحد محصول تعریف می‌شود. نمادهای DP ، M و E نیز به ترتیب نشان‌دهنده تولیدات داخلی، واردات و صادرات یک محصول خاص هستند. برای محاسبه VWC و ردپای آب با استفاده از مدل داده - ستانده و با جزئیات مورد نظر، لازم است تا در ساختار متعارف جداول داده - ستانده مورد استفاده در ایران، تغییراتی ایجاد شود. جدول ۴ شکل تعدیل یافته جدول داده - ستانده اقتصاد ایران برای این منظور را نشان می‌دهد.

جدول ۴. جدول داده - ستانده تعدیل شده اقتصاد ایران

ستانده کل	تقاضای نهایی		رشته فعالیت	عنوان	
	صادرات	مصرف داخلی		منابع داخلی	رشته فعالیت
x_i	e_i	f_i	x_{ij}	منابع داخلی	رشته فعالیت
m_i	m_i^e	m_i^f	m_{ij}	واردات	
-	-	-	v_j	ارزش افزوده	
-	-	-	x_j	نهاد (داده) کل	
-	-	-	w_j	مصارف آب شیرین	

مأخذ: ژائو، چن و یانگ، ۲۰۰۹.

f_i در جدول ۴، نشان‌دهنده مصرف نهایی داخلی است که از تفاضل صادرات از تقاضای نهایی به دست می‌آید ($f_i = v_i - e_i$). همچنین از آنجا که ردپای آب ملی به دو

بخش ردپای آب داخلی (استفاده از منابع آب داخلی) و ردپای آب خارجی (استفاده از منابع آب خارجی) تفکیک می‌شود، لازم است که در جدول داده - ستانده مورد استفاده، مقدار واردات از ماتریس مبادلات بین‌بخشی و بردار تقاضای نهایی تفکیک شود. کل میزان واردات هر محصول در یک منطقه، مطابق رابطه (۶) به سه قسمت تفکیک می‌شود:

$$m_i = \left(\sum_{j=1}^n m_{ij} \right) + m_i^f + m_i^e \quad (۶)$$

که m_{ij} ، m_i^f و m_i^e به ترتیب واردات واسطه‌ای (واردات از بخش i خارجی به بخش j داخلی)، واردات نهایی و واردات برای صادرات مجدد هستند. با توجه به ساختار اقتصاد ایران، می‌توان در جدول تعدیل یافته ملی، واردات برای صادرات مجدد را صفر در نظر گرفت (بانویی، ۱۳۹۱). در این پژوهش به منظور تعدیل جدول داده - ستانده ملی مطابق با جدول ۴، با فرض واردات رقابتی، واردات واسطه‌ای و نهایی با استفاده از رابطه (۷) از جدول داده - ستانده ملی تفکیک شده است (همان):

$$d = \frac{x-e}{ze+fh} = \frac{x-e}{x-e+m} \quad (۷)$$

در این رابطه x ، e و m به ترتیب نشان‌دهنده مقادیر ستانده، صادرات و واردات کشور هستند. ze و fh نیز به ترتیب تقاضای واسطه‌ای و تقاضای نهایی (به جز صادرات) را نشان می‌دهند. رابطه (۷) در واقع نسبتی از کالاها و خدمات مورد نیاز کشور را نشان می‌دهد که می‌تواند در داخل تهیه شود و ضرب آن در هر متغیر نسبت داخلی آن را به دست می‌دهد. در انتهای جدول نیز یک بردار سطری از مقادیر مصرف آب در هر بخش اضافه شده است. پس از انجام تعدیلات مورد نظر در جدول داده - ستانده، محاسبات مربوط به ردپای آب ملی طی مراحل زیر انجام شد.

نقطه شروع محاسبات مربوط به آب مجازی و ردپای آب، محاسبه آب‌بری مستقیم بخش‌های مختلف اقتصادی است. میزان آب‌بری مستقیم هر بخش، مطابق رابطه (۸) از تقسیم کل حجم آب مصرفی به ستانده آن بخش به دست می‌آید:

$$w_j^d = \frac{w_j}{x_j} \quad (۸)$$

که در آن، w_j و x_j به ترتیب کل مصرف آب و ستانده بخش زام طی دوره مورد بررسی را نشان می‌دهند. w_j^d نیز که آب‌بری مستقیم بخش زام نامیده می‌شود، نشان‌دهنده مقدار آبی است که بخش زام به منظور یک واحد پولی افزایش در ستانده خود به طور مستقیم مصرف می‌کند. مرحله بعدی در محاسبه NWF ، محاسبه ضرایب VWC است. این شاخص از طریق رابطه (۹) به دست می‌آید:

$$VWC = [w_j^f], \quad w_j^f = \sum_{i=1}^n w_i^d \times l_{ij} \quad (9)$$

که در آن، l_{ij} عناصر ماتریس معکوس لئونتیف در جدول داده - ستانده تعدیل شده است. w_j^f نیز نشان‌دهنده کل آب مصرف شده توسط همه بخش‌های اقتصادی برای تأمین یک واحد پولی تقاضای نهایی در بخش زام است. به عبارت دیگر این شاخص آب‌بری کل (مستقیم و غیرمستقیم) هر بخش را نشان می‌دهد. ضرایب آب‌بری غیرمستقیم (w_j^{id}) نیز از تفاوت w_j^f و w_j^d به دست می‌آید. پس از محاسبه محتوای آب مجازی، ردپای آب ملی داخلی هر بخش با استفاده از رابطه (۱۰) محاسبه می‌شود:

$$T = [t_j], \quad t_j = w_j^f \times f_j \quad (10)$$

در این رابطه f_j نشان‌دهنده بخشی از تقاضای نهایی است که در داخل مصرف می‌شود. t_j نیز ردپای آب داخلی بخش زام است و به عنوان کل آب استفاده شده از منابع داخلی برای تأمین مصارف نهایی داخلی بخش زام تعریف می‌شود.

محاسبه ردپای آب خارجی کمی پیچیده‌تر از ردپای آب داخلی است چرا که محصولات وارداتی یک کشور، از کشورها و مناطق مختلف با سطوح متفاوت تکنولوژی وارد می‌شود، اما این تفاوت‌ها در یک مدل داده - ستانده متعارف نمی‌تواند مدل‌سازی و تشریح شود. در یک جدول داده - ستانده متعارف، یک ستون واردات وجود دارد که کل حجم واردات واسطه‌ای و نهایی هر محصول را نشان می‌دهد بدون اینکه مشخص کند این واردات از چه کشوری وارد شده است. برای حل این مشکل فرض می‌شود که سطح تکنولوژی و شیوه تولید محصولات وارداتی همانند محصولات مشابه داخلی است. این فرض با توجه به اهداف مورد نظر پژوهش و با در نظر گرفتن تعریف رنو^۱ (۲۰۰۳) از آب

مجازی، لطمه‌ای به نتایج مطالعه وارد نمی‌آورد. رنو، اعتقاد دارد که آب مجازی تعبیه شده در واردات، مقدار واقعی آب استفاده شده برای تولید آنها نیست، بلکه مقدار آبی است که کشور واردکننده مصرف می‌کند، اگر این محصولات (وارداتی) در آن تولید می‌شد. این تعریف دقیقاً روشن می‌کند که به وسیله واردات محصولات (به جای تولید آنها در داخل) چه میزان از مصرف آب داخلی صرفه جویی می‌شود.

از آنجا که واردات هر بخش شامل دو قسمت واردات واسطه‌ای و واردات نهایی است، بنابراین کل ردپای آب خارجی نیز شامل دو قسمت مجزا می‌شود:

$$ENWF = S^f + S^{in} \quad (11)$$

که در آن S^f حجم آب مجازی است که مستقیماً برای تأمین مصارف نهایی داخلی وارد می‌شود و مطابق رابطه (۱۲) از حاصل ضرب واردات نهایی در محتوای آب مجازی به دست می‌آید:

$$S^f = [s_j^f] \quad s_j^f = w_j^f \times m_j^f \quad (12)$$

واردات واسطه‌ای آب مجازی (S^{in}) نیز با استفاده از رابطه (۱۳) محاسبه می‌شود:

$$S^{in} = [s_j^{in}] \quad s_j^{in} = \left(\sum_{i=1}^n w_j^i \times m_{ij} \right) \times v_j \quad (13)$$

که در آن m_{ij} محصولات وارداتی بخش i ام است که به عنوان نهاده واسطه‌ای در بخش j مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجا که بخشی از واردات واسطه‌ای برای تولید محصولات صادراتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، همه آب مجازی تعبیه شده در واردات واسطه‌ای، به وسیله تقاضای نهایی داخلی مصرف نمی‌شود و بخشی از آن صرف تأمین تقاضای خارجی‌ها می‌شود. بنابراین برای محاسبه دقیق‌تر واردات واسطه‌ای آب مجازی، عنصر v_j که از نسبت تقاضای نهایی منهای صادرات بر تقاضای نهایی به دست می‌آید، به عنوان ضریب تعدیل در رابطه (۱۳) ضرب می‌شود. در نهایت پس از محاسبه ردپای آب خارجی، کل ردپای آب ملی مطابق رابطه (۱۴) از حاصل جمع ردپای آب داخلی و خارجی به دست می‌آید:

$$NWF = T + S^f + S^{in} = INWF + ENWF \quad (14)$$

امروزه استراتژی واردات آب مجازی به عنوان یک جهت‌گیری سیاسی امیدوارکننده

برای رهایی از بحران آب مطرح شده که طبق آن کشورها می‌توانند با واردات آب مجازی، از منابع آب داخلی خود محافظت کنند.^۱ در این راستا، بررسی چگونگی تجارت آب مجازی بین بخش‌های اقتصادی یک منطقه با دنیای خارج، از اهمیت بالایی برخوردار است. مجموع ردپای آب خارجی یک منطقه، در واقع واردات آب مجازی آن را نشان می‌دهد. صادرات آب مجازی هر بخش نیز با استفاده از رابطه (۱۵) محاسبه می‌شود:

$$U = [u_j], \quad u_j = w'_j \times e_j \quad (15)$$

که در آن e_j ارزش کل صادرات محصولات و u_j حجم کل صادرات آب مجازی بخش j را نشان می‌دهند. بنابراین خالص واردات آب مجازی برابر است با:

$$NVWI = (S^f + S^m) - U \quad (16)$$

۳-۳. داده‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش به دو دسته مختلف تقسیم می‌شوند: ۱. داده‌های مربوط به روابط بین‌بخشی در اقتصاد ایران که این داده‌ها در جدول داده - ستانده مورد بررسی موجود است. ۲. داده‌های مربوط به مصرف آب در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۰. این داده‌ها که از نوع کتابخانه‌ای هستند از منابع مختلف آماری از جمله مرکز آمار ایران، شرکت مدیریت منابع آب ایران و شرکت مهندسی آب و فاضلاب ایران گردآوری شده‌اند. با توجه به محدودیت‌های موجود در دسترسی به بخشی از داده‌های مصرف آب از جمله مصرف آب در کارگاه‌های صنعتی کمتر از ۱۰ نفر کارکن سال ۱۳۹۰، این داده‌ها با در نظر گرفتن برخی مفروضات (ثابت بودن بهره‌وری مصرف آب طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۰) برآورد شده‌اند. این نکته نیز قابل ذکر است که عدم دسترسی به داده‌های آماری مصرف آب با طبقه‌بندی مورد نظر در تحلیل‌های اقتصادی (طبقه‌بندی ISIC)، محدودیت مورد اشاره در بسیاری از مطالعات مشابه، حتی در کشورهای توسعه‌یافته بوده است.

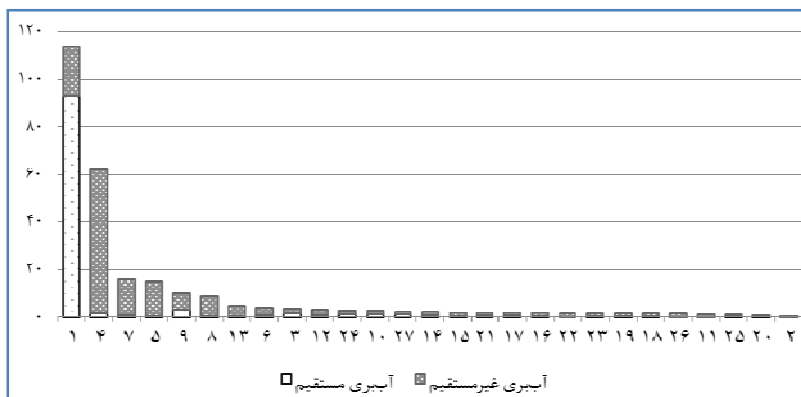
۴. تحلیل نتایج و پاسخ به سؤال‌ها

پس از گردآوری داده‌ها و انجام محاسبات، در این بخش با هدف پاسخ به سؤال‌های مطرح

شده در مقدمه، نتایج به دست آمده مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. ابتدا نتایج مربوط به محاسبه محتوای آب مجازی (آب‌بری مستقیم و غیرمستقیم) بخش‌های اقتصادی کشور ارائه شده است. نتایج به دست آمده تأیید می‌کند که با در نظر گرفتن مصرف غیرمستقیم آب تصویر بسیار متفاوتی از شدت آب‌بری بخش‌های اقتصادی آشکار می‌شود. به عنوان مثال اگرچه از نظر مصرف مستقیم آب، بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها از آب‌بری بسیار بالاتری برخوردار است اما با در نظر گرفتن مصارف غیرمستقیم، مصرف آب در بخش‌های «صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات»، «دباجی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی» و «ساخت منسوجات» نیز قابل توجه است. این نتایج در نمودار ۱ نشان داده شده‌اند که در واقع پاسخ به سؤال‌های دوم و سوم مطرح شده در مقدمه پژوهش را ارائه می‌دهند.

نمودار ۱. آب‌بری مستقیم و غیرمستقیم بخش‌های اقتصادی ایران

(مترمکعب به میلیون ریال)



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

بر اساس این نتایج، در بسیاری از بخش‌ها میزان مصارف غیرمستقیم آب به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از مصرف مستقیم آنهاست. به عنوان مثال آب غیرمستقیم مصرف شده برای تولید هر واحد محصول در بخش‌های «صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات» و «ساخت منسوجات» به ترتیب ۴۳/۵ و ۳۶/۲ برابر آب‌بری مستقیم آنهاست.

نتایج حاصل از محاسبات مربوط به ردپای آب ملی و اجزای آن در جدول ۵ ارائه شده است. در این جدول، واحد اندازه‌گیری متغیرهای کل مصرف آب (W_j)، ردپای آب داخلی (INWF)، ردپای آب خارجی (ENWF)، کل ردپای آب (NWF)، صادرات آب مجازی (U) و خالص واردات آب مجازی (NVWI)، برحسب میلیون مترمکعب است. همچنین آب‌بری مستقیم (w_j^d) و آب‌بری کل (w_j^t) برحسب مترمکعب به میلیون ریال اندازه‌گیری شده‌اند. ستون‌های جدول ۵ پاسخ سؤال اول و سؤال‌های چهارم تا هفتم این پژوهش را به خوبی تبیین می‌کنند. در ستون دوم این جدول کل مصرف آب (پاسخ سؤال اول)، در ستون هفتم کل ردپای آب (پاسخ سؤال چهارم) و در ستون‌های ششم و هشتم کل صادرات و واردات آب مجازی هر بخش (پاسخ سؤال‌های پنجم و ششم) نشان داده شده است. ستون آخر این جدول نیز نشان‌دهنده خالص واردات آب مجازی هر بخش است (پاسخ سؤال هفتم).

جدول ۵. نتایج تفصیلی ردپای آب در بخش‌های اقتصادی ایران

NVWI (mm^3)	U (mm^3)	NWF		ENWF (mm^3)	INWF (mm^3)	w_j^t $\frac{m^3}{(mIRR)}$	w_j^d $\frac{m^3}{(mIRR)}$	W_j		بخش
		درصد (%)	کل (mm^3)					درصد (%)	کل (mm^3)	
-۱,۴۶۰	۷,۶۲۳	۵۲/۲۳	۵۰,۰۲۸	۶,۱۶۲	۴۳,۸۶۵	۱۱۳/۶۲	۹۲/۴۹	۹۱/۴۴	۸۰,۱۶۶	۱
-۲۰۳	۲۰۲	-۰/۰۱	-۱۲	-۱	-۱۱	۰/۲۰	۰/۰۳	۰/۰۳	۲۹	۲
-۷۰	۷۹	۰/۰۴	۳۹	۹	۳۱	۳/۷۸	۱/۴۹	۰/۱۱	۱۰۰	۳
۸,۰۱۹	۲,۶۸۶	۳۳/۶۸	۳۲,۲۵۶	۱۰,۷۰۵	۲۱,۵۵۱	۶۲/۱۸	۱/۴۰	۰/۷۶	۶۷۰	۴
۱۶۹	۳۲۴	۰/۹۳	۸۹۲	۴۹۳	۳۹۹	۱۵/۳۱	۰/۴۱	۰/۰۳	۲۶	۵
۱۷۳	۴	۰/۲۱	۲۰۴	۱۷۸	۲۷	۴/۱۵	۰/۶۶	۰/۰۱	۵	۶
-۵	۹۳	۰/۱۲	۱۱۹	۸۸	۳۱	۱۵/۸۱	۰/۶۰	۰/۰۱	۵	۷
۸۵	۲	۰/۱۷	۱۶۴	۸۷	۷۷	۸/۹۳	۰/۴۵	۰/۰۱	۸	۸
۱۹۶	۴	۰/۳۱	۳۰۲	۲۰۰	۱۰۲	۱۰/۳۹	۳/۳۶	۰/۰۶	۵۳	۹
۳	۲	۰/۰۱	۶	۵	۲	۲/۹۷	۱/۲۰	۰/۰۱	۱۱	۱۰
-۳۱۳	۳۲۰	۰/۰۱	۱۳	۶	۶	۱/۳۶	۰/۰۹	۰/۰۶	۵۰	۱۱
-۴۵۳	۵۶۹	۰/۲۱	۲۰۲	۱۱۷	۸۵	۳/۳۶	۰/۹۷	۰/۴۴	۳۸۶	۱۲
۶	۶۸	۰/۱۴	۱۳۴	۷۵	۶۰	۴/۹۴	۰/۴۳	۰/۰۳	۲۸	۱۳

NVWI (mm ³)	U (mm ³)	NWF		ENWF (mm ³)	INWF (mm ³)	W_j^t $\frac{m^3}{(mIRR)}$	W_j^d $\frac{m^3}{(mIRR)}$	W_j		بخش
		درصد (%)	کل (mm ³)					درصد (%)	کل (mm ³)	
-۳۳	۵۹	۰/۰۷	۶۷	۲۶	۴۱	۲/۲۸	۰/۷۶	۰/۱۳	۱۱۶	۱۴
۷۱	۹۹	۰/۳۳	۳۱۷	۱۷۰	۱۴۸	۲/۰۹	۰/۳۸	۰/۱۴	۱۲۵	۱۵
۴۳	۱۳	۰/۱۵	۱۴۶	۵۶	۹۱	۱/۹۸	۰/۵۴	۰/۰۶	۵۵	۱۶
۲۹۶	۲۵	۰/۴۸	۴۵۷	۳۲۱	۱۳۶	۲/۰۱	۰/۷۹	۰/۰۹	۷۷	۱۷
۴۸	۰	۰/۰۶	۵۶	۴۸	۸	۱/۴۰	۰/۲۷	۰/۰۰	۲	۱۸
۵۳	۹	۰/۱۳	۱۲۴	۶۲	۶۲	۱/۵۹	۰/۲۳	۰/۰۲	۱۴	۱۹
۴۸	۱	۰/۰۶	۵۵	۴۹	۶	۰/۹۶	۰/۴۴	۰/۰۰	۳	۲۰
۵۸	۱	۰/۰۸	۸۰	۵۸	۲۲	۲/۰۶	۰/۷۵	۰/۰۱	۱۰	۲۱
۳۵۱	۱۰	۰/۸۷	۸۳۳	۳۶۰	۴۷۳	۱/۷۴	۰/۰۹	۰/۰۴	۳۲	۲۲
۴۴	۱	۰/۰۷	۶۹	۴۴	۲۵	۱/۷۴	۰/۳۴	۰/۰۱	۶	۲۳
۴۸	۴۳	۰/۲۳	۲۲۱	۹۱	۱۳۰	۳/۰۰	۱/۰۹	۰/۰۹	۸۱	۲۴
-۱۰۰	۱۰۴	۰/۱۲	۱۱۹	۴	۱۱۵	۱/۱۱	۰/۹۳	۰/۵۳	۴۶۲	۲۵
۱۸۹	۰	۱/۲۳	۱،۰۱۷۳	۱۸۹	۹۸۴	۱/۳۹	۰/۱۴	۰/۱۳	۱۱۵	۲۶
۸۵۳	۲۷۳	۸/۰۶	۷،۰۷۱۷	۱،۰۱۲۶	۶،۵۹۲	۲/۳۳	۱/۲۷	۵/۷۴	۵،۰۳۳	۲۷
۸،۰۱۱۵	۱۲،۶۱۳	۱۰۰	۹۵،۷۸۳	۲۰،۷۲۷	۷۵،۰۵۶			۱۰۰	۸۷،۶۶۸	کل

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همان گونه که از جدول ۵ قابل مشاهده است، براساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، کل ردپای آب ملی ایران در سال ۱۳۹۰ معادل ۹۵۷۸۳ میلیون مترمکعب و سرانه آن ۱۲۷۵ مترمکعب به ازای هر نفر بوده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت برای تولید محصولات مصرف شده توسط هر ایرانی در سال ۱۳۹۰، به طور متوسط حجمی بالغ بر ۱۲۷۵ مترمکعب آب مصرف شده است. این نتایج نشان می‌دهد که براساس شاخص ردپای آب و برمبنای رویکرد مبتنی بر مصرف، بیشترین مصرف آب در اقتصاد ایران، به ترتیب بخش‌های «کشاورزی»، «صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات» و «خدمات» مربوط است. برمبنای این رویکرد اگرچه بخش کشاورزی همچنان رتبه اول مصرف آب

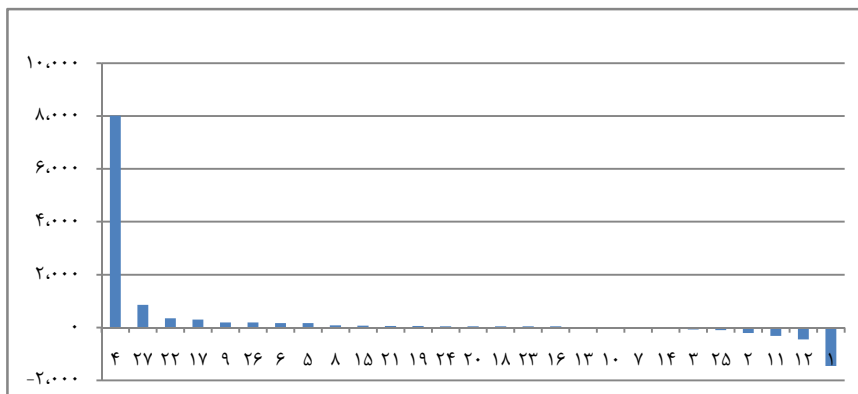
را به خود اختصاص داده است، اما نسبت به رویکردهای سنتی (کل مصرف مستقیم آب)، شدت آن کاهش یافته است. بخش کشاورزی در سال ۱۳۹۰ حدود ۹۱/۴ درصد از کل آب مصرفی در اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده در حالی که فقط ۵۲/۲ درصد از کل ردپای آب مربوط به این بخش است. در طرف مقابل، بخش «صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات» تنها حدود ۰/۷۶ درصد از مصارف مستقیم آب را به خود اختصاص داده است در حالی که سهم آن از کل ردپای آب ملی به حدود ۳۳/۷ درصد می‌رسد. دقت در این نتایج نشان می‌دهد که در رویکرد مبتنی بر مصرف، به جز بخش‌های «کشاورزی» و «ساخت مبلمان و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر» که رتبه‌های اول و دهم مصرف آب را به خود اختصاص داده‌اند، رتبه سایر بخش‌ها از مصرف آب، نسبت به رویکرد سنتی به طور نسبتاً قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده است.

در سال ۱۳۹۰، حدود ۷۸ درصد از کل ردپای آب کشور (معادل ۷۵۰۵۶ میلیون مترمکعب) با استفاده از منابع آب داخلی تأمین شده (ردپای آب داخلی) و حدود ۲۰۷۲۷ میلیون مترمکعب آن نیز خارجی است که این معادل کل حجم واردات آب مجازی به کشور است. در طرف مقابل، حدود ۱۲۶۱۳ میلیون مترمکعب از آب استفاده شده در ایران، برای تولید کالاهایی بوده که از کشور صادر شده‌اند که این نشان‌دهنده کل حجم صادرات آب مجازی است. بر این اساس، کشور ایران در سال ۱۳۹۰ به طور خالص واردکننده حجم آبی معادل ۸۱۱۵ میلیون مترمکعب آب بوده است. بنابراین، می‌توان گفت براساس یافته‌های این پژوهش، نظریه هکشر - اوهلین در مورد منابع آب ایران تأیید می‌شود که این برخلاف نتیجه به دست آمده از مطالعه بانویی و همکاران (۲۰۱۵) است که البته دلایل این اختلاف نتایج نیز تشریح خواهد شد.

بخش کشاورزی ایران با خالص صادرات ۱۴۶۰ میلیون مترمکعب آب مجازی، بزرگ‌ترین صادرکننده خالص آب در کشور بوده است. بخش «صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات» نیز با واردات ۸۰۱۸ میلیون مترمکعب آب، به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده خالص آب مجازی شناخته شده است. نمودار ۲ وضعیت تراز تجاری آب مجازی را به تفکیک بخش‌های مختلف نشان می‌دهد.

نمودار ۲. خالص واردات آب مجازی در بخش‌های اقتصادی ایران - ۱۳۹۰

(میلیون مترمکعب)



مأخذ: همان.

با دقت در جدول ۵ مشاهده می‌شود که ردپای آب در بخش «نفت و گاز» منفی شده است. علت این موضوع این است که تقاضای نهایی این بخش در سال ۱۳۹۰ به دلیل کاهش شدید موجودی انبار (به‌عنوان قسمتی از سرمایه‌گذاری) منفی بوده است. این موضوع باعث منفی شدن مصرف نهایی داخلی (تقاضای نهایی منهای صادرات) شده و در نتیجه، با ضرب شدن این رقم منفی در محتوای آب مجازی، ردپای آب داخلی و کل ردپای آب در این بخش منفی به‌دست آمده است. با توجه به تعریف ردپای آب ملی، منفی شدن این شاخص بی‌معنی به نظر می‌رسد، اما با دقت در مفهوم تغییر موجودی انبار در سیستم حساب‌های ملی می‌توان تفسیر ساده‌ای برای این موضوع ارائه کرد. منفی بودن تغییر موجودی انبار در یک بخش خاص طی یک دوره معین، هنگامی اتفاق می‌افتد که در بازار محصولات آن بخش، مازاد تقاضا وجود داشته باشد (رحمانی، ۱۳۹۲: ۲۶-۱). در این شرایط، بنگاه‌ها جهت پاسخگویی به تقاضای مازاد، بخشی از موجودی انبار خود را که مربوط به تولید دوره‌های گذشته هستند به فروش می‌رسانند. بنابراین بخشی از کالاهای خدمات عرضه و مصرف شده این بخش در دوره جاری، مربوط به تولیدات دوره‌های گذشته است. از طرفی، محصولات موجود در انبار بنگاه‌ها قبلاً با عنوان «تغییر در موجودی

انبار» به عنوان بخشی از سرمایه گذاری و با رقم مثبت، در تقاضای نهایی آن دوره مورد سنجش قرار گرفته‌اند. بنابراین با توجه به روش‌های ارائه برای سنجش ردپای آب (از جمله روش مورد استفاده در این پژوهش)، محصولات موجود در انبار بنگاه‌ها، قبلاً در محاسبه ردپای آب دوره‌ای که تولید و به انبار اضافه شده‌اند، به حساب آمده‌اند. اما این محصولات در دوره جاری که از انبار خارج شده‌اند، باز هم در سنجش ردپای آب به حساب آمده‌اند (چون این محصولات یا به مصرف نهایی رسیده و مستقیماً از طریق z_f ردپای آب را افزایش می‌دهند و یا به مصرف واسطه رسیده و از طریق z_j منجر به افزایش ردپای آب می‌شوند). بنابراین به منظور جلوگیری از دوباره شماری، این مقدار به حساب آمده را باید از ردپای آب دوره جاری کم کرد. در صورت قابل توجه بودن تغییر موجودی انبار، این موضوع باعث می‌شود که ردپای آب در آن بخش منفی شود.

از این رو نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر جهت سنجش ردپای آب و خالص واردات آب مجازی، با نتایج حاصل از برخی مطالعات مشابه مورد مقایسه قرار گرفته و در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. مقایسه نتایج پژوهش حاضر با نتایج برخی مطالعات مشابه

پژوهش	دوره پژوهش	روش پژوهش	سرايه ردپای آب (متر مکعب)	صادرات آب مجازی (میلیون متر مکعب)	واردات آب مجازی (میلیون متر مکعب)	خالص واردات (میلیون متر مکعب)
پژوهش حاضر	۱۳۹۰	داده - ستانده	۱۲۷۵	۱۲۶۱۳	۲۰۷۲۷	۸۱۱۵
صادقی و همکاران (۱۳۹۳)	۱۳۹۰	ماتریس حسابداری اجتماعی	۱۳۰۰	---	۱۱۹۰۰	---
بانویی و همکاران (۲۰۱۵)	۲۰۱۵	داده - ستانده	۱۴۳۳	۱۲۶۲۷	۷۴۵۰	-۵۱۷۷
مکونن و هوکسترا (۲۰۱۱)	۲۰۰۵-۱۹۹۶	رویکرد پایین به بالا	۱۸۶۶	۸۵۳۴	۲۰۰۹۲	۱۱۵۵۸

مأخذ: همان.

سرانه ردپای آب و واردات آب مجازی در مطالعه صادقی و همکاران (۱۳۹۳) به رغم دوره زمانی یکسان، اندکی با نتیجه به دست آمده از این پژوهش متفاوت است. این تفاوت را می توان به دلیل تعریف متفاوت شاخص ردپای آب در مطالعه آنها دانست. همان گونه که در بخش مطالعات پیشین نیز اشاره شد؛ در مطالعه صادقی و همکاران، ردپای آب برخلاف تعریف متعارف به جای تقاضای نهایی به تقاضای واسطه ای مرتبط شده است. با این وجود، سرانه ردپای آب در مطالعه مزبور تفاوت چندانی با نتایج حاصل از این پژوهش ندارد.

اختلاف نتایج این پژوهش با مطالعه بانویی و همکاران (۲۰۱۵) اگرچه از نظر سرانه ردپای آب چندان قابل ملاحظه نیست، اما از لحاظ تجارت آب مجازی و تطابق آن با نظریه های تجارت بین الملل، این نتایج با یافته های مطالعه مزبور دارای اختلاف بسیار زیادی است. این اختلاف نتایج احتمالاً مربوط به سه دلیل است: ۱. دوره زمانی متفاوت (سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵)، ۲. تعداد بخش های جدول داده - ستانده مورد استفاده و ۳. استفاده از پایه های آماری متفاوت. در مورد اول باید توجه داشت که ساختار تجاری ایران در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ به شکل نسبتاً چشمگیری تغییر کرده و این موضوع باعث تغییر الگوی تجارت آب مجازی کشور شده است. برای تبیین دقیق تر موضوع، از آنجاکه در مطالعه حاضر بخش قابل توجهی از تبادلات آب مجازی ایران مربوط به بخش های «کشاورزی» و «صنایع مواد غذایی و آشامیدنی» است، ساختار تجارت خارجی ایران در این دو بخش در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ مورد مقایسه قرار می گیرند. در مطالعه بانویی و همکاران (۲۰۱۵) بخش کشاورزی حدود ۹۵ درصد کل صادرات و ۹۱ درصد کل واردات آب مجازی را به خود اختصاص داده است و از آنجاکه در این سال ارزش صادرات بخش کشاورزی بیشتر از واردات آن (حدود ۱/۳ برابر) بوده، بنابراین خالص واردات آب مجازی در این بخش و در نتیجه کل بخش های اقتصادی منفی و نسبتاً قابل ملاحظه بوده است. اما در سال ۱۳۹۰ تراز تجاری بخش کشاورزی منفی شده و ارزش واردات آن بیشتر از صادرات بوده است (۱/۱۴ برابر)^۱. همچنین، تراز تجاری بخش صنایع

۱. با وجود تراز تجاری منفی این بخش در سال ۱۳۹۰، در پژوهش حاضر میزان صادرات آب مجازی بیشتر از واردات شده است. این به دلیل نحوه محاسبه واردات و واسطه ای آب مجازی در روش مورد استفاده این پژوهش است که با یک ضریب تعدیل محاسبه شده است.

مواد غذایی در سال ۱۳۹۰ به شدت منفی بوده است به طوری که واردات آن بیش از ۳/۶ برابر صادرات آن بوده است. این موضوع با توجه به آب‌بری بالا و نیز حجم قابل توجه تجارت در این بخش باعث شده است که میزان خالص واردات آن به میزان قابل ملاحظه‌ای مثبت باشد. اما در مطالعه بانویی و همکاران (۲۰۱۵) بخش صنایع مواد غذایی با برخی بخش‌های دیگر با عنوان «صنایع مبتنی بر کشاورزی» جمع شده و واردات آب مجازی در این بخش به صورت جداگانه محاسبه نشده است. در واقع یکی از مزیت‌های مطالعه حاضر نسبت به مطالعه مزبور را می‌توان تعداد بیشتر بخش‌های جدول داده - ستانده برشمرد که این موضوع می‌تواند باعث افزایش دقت محاسبات شود.

در مورد مطالعه مکونن و هوکسترا (۲۰۱۱) نیز دلیل اختلاف نتایج آشکار است چرا که هم روش محاسبه ردپای آب و هم دوره زمانی مورد مطالعه متفاوت‌اند. علاوه بر این، در مطالعه مکونن و هوکسترا (۲۰۱۱)، ردپای آب، علاوه بر آب آبی شامل آب سبز و خاکستری نیز می‌شود در حالی که در مطالعه حاضر، تنها آب آبی مورد توجه است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحولات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی دهه‌های گذشته باعث شده است که تقاضا برای منابع جهانی آب به شدت افزایش یافته و این منبع حیاتی را تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار دهند. در حال حاضر روند فزاینده تقاضای آب همچنان ادامه دارد در حالی که میزان عرضه آن تقریباً ثابت و افزایش آن نیز پرهزینه است. این شرایط باعث شده است که در سال‌های اخیر، مدیریت طرف تقاضا به عنوان یک رویکرد مطلوب در جهت رفع بحران آب مورد توجه جامعه جهانی قرار گیرد.

در مناطق خشک و نیمه‌خشک اقلیمی از جمله ایران، افزایش فزاینده تقاضای آب، با محدودیت عرضه این منابع همراه شده و پیش‌بینی می‌شود که بر اثر تغییرات اقلیمی، این محدودیت عرضه در آینده شدیدتر نیز خواهد شد. همه این موارد به علاوه توزیع ناهمگون بارش‌ها، وضعیت آبی ایران را با شرایط پیچیده‌ای مواجه کرده است و از این رو مدیریت صحیح منابع موجود آب در کشور امری حیاتی به نظر می‌رسد. از آنجا که حجم قابل توجهی

از منابع آب کشور برای تولید محصولات اقتصادی به کار می‌رود، ارزیابی و تحلیل چگونگی توزیع و مصرف این حجم آب در سیستم اقتصادی، می‌تواند یک زمینه مطالعاتی بسیار ارزشمند پیرامون مدیریت صحیح این منابع باشد. با مروری بر مطالعات داخلی، به نظر می‌رسد که این زمینه در مطالعات گذشته نادیده گرفته شده یا کمتر به آن توجه شده است. بر این اساس، پژوهش حاضر کوشیده است تا با یک رویکرد مبتنی بر مصرف و با تکیه بر مفهوم ردپای آب به سهم خود گامی در جهت برطرف کردن این خلأ مطالعاتی بردارد. در این راستا، به سنجش و تحلیل متغیرهایی چون آب‌بری مستقیم و غیرمستقیم، ردپای آب و تجارت آب مجازی در بخش‌های اقتصادی کشور اقدام شده است.

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که کل ردپای آب ایران در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۹۵۷۸۳ میلیون مترمکعب است که حدود ۲۱/۶ درصد آن خارجی است و از منابع آب سایر کشورها تأمین می‌شود. به عبارت دیگر در سال ۱۳۹۰ حدود ۲۰۷۲۷ میلیون مترمکعب آب مجازی از سایر کشورها وارد و در طرف مقابل، صادرات آب مجازی کشور حدود ۱۲۶۱۳ میلیون مترمکعب بوده است. بنابراین در سال ۱۳۹۰ به‌طور خالص حجم آبی در حدود ۸۱۱۵ میلیون مترمکعب وارد کشور شده که این مقدار، بیش از دو برابر آبی است که خانوارهای کشور در همان سال مصرف کرده‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که می‌توان از تجارت آب مجازی به‌عنوان یک استراتژی مناسب برای مقابله با کمبود آب کشور استفاده کرد. بخش کشاورزی با صادرات حدود ۱۴۶۰ میلیون مترمکعب آب مجازی، به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده خالص و بخش «صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات» با واردات ۸۰۱۸ میلیون مترمکعبی به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده خالص آب مجازی شناخته شده‌اند. براساس این نتایج می‌توان گفت که برخلاف یافته‌های مطالعه بانویی و همکاران (۲۰۱۵)، نظریه تجارت بین‌الملل هکشر - اوهلین در مورد منابع آب ایران، تأیید می‌شود.

با احتساب مصارف غیرمستقیم آب، تصویر کاملاً متفاوتی از میزان آب‌بری بخش‌های اقتصادی نمایان می‌شود. به‌عنوان مثال برای تولید یک میلیون ریال محصول بخش «صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات» حدود ۱/۴ مترمکعب آب به شکل مستقیم مصرف می‌شود، این در حالی است که بیش از ۶۰ مترمکعب آب نیز به صورت

غیرمستقیم از منابع داخلی مصرف می‌شود. بنابراین نادیده گرفتن این مصارف غیرمستقیم، واقعیت مصرف آب در بخش‌های مختلف را پنهان می‌سازد و امکان مدیریت صحیح و تخصیص بهینه این منابع را با دشواری روبه‌رو خواهد ساخت.

بخش «کشاورزی» حدود ۹۱/۴ درصد از کل مصرف آب در اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده است (دیدگاه سنتی). درحالی‌که براساس شاخص ردپای آب، تنها ۵۲/۲ درصد از کل این مصارف به این بخش مربوط می‌شود. برخی بخش‌های دیگر از جمله بخش «صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات» در نقطه مقابل قرار دارند. سهم این بخش از کل ردپای آب کشور بیش از ۴۴ برابر سهم آن از مصرف مستقیم آب است. بنابراین، می‌توان گفت براساس دیدگاه مبتنی بر مصرف، سهم هریک از بخش‌های اقتصادی در مصارف آب ملی نسبت به رویکردهای سنتی به‌طور چشمگیری متفاوت است.

در انتها، براساس نتایج به‌دست آمده از این پژوهش پیشنهاد می‌شود که در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و همچنین در برنامه‌های مرتبط با مدیریت منابع آب، رویکردهای مبتنی بر مصرف مورد توجه قرار گیرند. همچنین استراتژی واردات آب مجازی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار امیدوارکننده برای رفع کمبود آب مورد توجه سیاست‌گذاران کشور قرار گیرد. در این راستا پیشنهاد می‌شود که براساس یک برنامه‌ریزی بلندمدت، الگوی تجارت در کشور، بر مبنای واردات حداکثری و صادرات حداقلی آب مجازی قرار گیرد (با در نظر گرفتن سایر عوامل مانند مزیت نسبی، اشتغال‌زایی و امنیت غذایی).

منابع و مآخذ

۱. بانویی، علی اصغر (۱۳۹۱). «ارزیابی شقوق مختلف نحوه منظور کردن واردات و روش های تفکیک آن با تأکید بر جدول مقارن سال ۱۳۸۰»، نشریه سیاستگذاری اقتصادی، ۴(۸).
۲. ببران، صدیقه و نازلی هنربخش (۱۳۸۷). «بحران وضعیت آب در جهان و ایران»، فصلنامه راهبرد، ۱۶(۴۸).
۳. پایگاه اینترنتی شرکت مدیریت منابع آب ایران، دفتر مطالعات پایه منابع آب، <http://wrbs.wrm.ir>.
۴. پایگاه اینترنتی شرکت مهندسی آب و فاضلاب ایران، <http://www.nww.ir>.
۵. پایگاه اینترنتی مرکز آمار ایران. پایگاه اطلاعاتی نشریات، <https://amar.sci.org.ir>.
۶. تفضلی، حامد (۱۳۹۲). «سنجش ردپای آب در بخش های مختلف اقتصاد ایران با استفاده از رویکرد داده - ستانده»، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۷. ذاکری، زهرا و مرضیه مؤمنی (۱۳۹۴). «سنجش آب بری مستقیم و غیرمستقیم در بخش های مختلف اقتصاد ایران: مبتنی بر جدول داده - ستانده سال ۱۳۸۵»، مرکز پژوهش های مجلس، شماره مسلسل ۱۴۲۷۰.
۸. رحمانی، تیمور (۱۳۹۲). *اقتصاد کلان*، جلد اول، چاپ بیستم، تهران، انتشارات برادران.
۹. شاکری، عباس و سیروس امیدوار (۱۳۸۹). «آزمون نظریه هکشر - اوهلین در مورد صادرات و واردات چین»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۰(۴).
۱۰. صادقی، سید کمال، زهرا کریمی تکانلو، محمدعلی متفکر آزاد، حسین اصغرپور قورچی و یعقوب اندایش (۱۳۹۳). «سنجش ردپای آب بخش های اقتصادی در ایران با رهیافت ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM)»، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، ۱۱(۳).
۱۱. عربی یزدی، اعظم، امین علیزاده و فرشاد محمدیان (۱۳۸۸). «بررسی ردپای اکولوژیک آب در بخش کشاورزی ایران»، *نشریه آب و خاک*، ۲۳(۴).
۱۲. علیقلی نیا، توحید، حسین رضایی، جواد بهمنش و مجید منتصری (۱۳۹۵). «تخمین و ارزیابی ردپای آب آبی و سبز محصولات عمده مورد کشت در حوضه آبریز دریاچه ارومیه»، *نشریه پژوهش های حفاظت آب و خاک*، ۲۳(۳).
۱۳. محمدجانی، اسماعیل و نازنین یزدانیان (۱۳۹۳). «تحلیل وضعیت بحران آب در کشور و الزامات مدیریت آن»، *فصلنامه روند*، ۲۱(۶۶-۶۵).

۱۴. منتصری، مجید، نگار رسولی مجد، جواد بهمنش و حسین رضایی (۱۳۹۵). «ارزیابی تغییرات ردپای آب محصولات زراعی حوضه دریاچه ارومیه با استفاده از روش LMDI»، نشریه دانش آب و خاک، ۲۵(۳/۲).

۱۵. نصراللهی، زهرا و مهران زارعی (۱۳۹۴). «ردپای آب شاخصی نوین در مدیریت منابع آب»، اولین همایش ملی بحران آب و مدیریت آن در مناطق خشک ایران، یزد، دانشگاه یزد.

16. Allan, J. A. (1994). "Overall Perspectives on Countries and Regions", P. Rogers and P. Lydon, *Water in the Arab World: Perspectives and Prognoses*, Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts.

17. Bagliani, M., G. Bravo and S. Dalmazone (2008). "A Consumption-based Approach to Environmental Kuznets Curves Using the Ecological Footprint Indicator", *Ecological Economics*, 65(3).

18. Banouei, A. A., J. Banouei, Z. Zakeri and M. Momeni (2015). "Using Input-output Model to Measure National Water Footprint in Iran", *Business Perspectives*, 14(2).

19. Benz, S., M. Larch and M. Zimmer (2014). "The Structure of Europe: International Input-Output Analysis with Trade in Intermediate Inputs and Capital Flows", *Review of Development Economics*, 18(3).

20. Chapagain, A. K. and A. Y. Hoekstra (2004). *Water Footprints of Nations. Value of Water Research Report Series No. 16*, Delft, the Netherlands: IHE.

21. Chen, W., S. Wu, Y. Lei and S. Li (2017). "China's Water Footprint by Province, and Inter-provincial Transfer of Virtual Water", *Ecological Indicators*, 74.

22. Duarte, R., J. Sanchez-Choliz and J. Bielsa (2002). "Water use in the Spanish Economy: an Input-output Approach", *Ecological Economics*, 43(1).

23. Duarte, R. and H. Yang (2011). "Input-output and Water: Introduction to the Special Issue", *Economic Systems Research*, 23(4).

24. Feng, K., K. Hubacek, J. Minx, Y. L. Siu, A. Chapagain, Y. Yu, D. Guan and J. Barrett (2010). "Spatially Explicit Analysis of Water Footprints in the UK", *Water*, 3(1).

25. Feng, K., A. Chapagain, S. Suh, S. Pfister and K. Hubacek (2011). "Comparison of Bottom-up and Top-down Approaches to Calculating the Water Footprints of Nations", *Economic Systems Research*, 23(4).

26. Hoekstra, A. Y. and P. Q. Hung (2002). "Virtual Water Trade: A Quantification of Virtual Water Flows Between Nations in Relation to International Crop Trade", *Value of Water Research Report Series No. 11*, Delft, The Netherlands: IHE.

27. Hoekstra, A. Y. and A. K. Chapagain (2007). "Water Footprints of Nations: Water Use by People as a Function of their Consumption Pattern", *Water Resources Management*, 21(1).

28. Hoekstra, A. Y., A. K. Chapagain, M. M. Aldaya and M. M. Mekonnen (2011). "*The Water Footprint Assessment Manual: Setting the Global Standard*", Water Footprint Network, London, UK.
29. Lenzen, M. and B. Foran (2001). "An Input-output Analysis of Australian Water Usage", *Water Policy*, 3(4).
30. Luo, T., R. Young and P. Reig (2015). "Aqueduct Projected Water Stress Rankings, Technical Note", Washington, DC: World Resources Institute.
31. Lutter, S., S. Pfister, S. Giljum, H. Wieland and C. Mutel (2016). "Spatially Explicit Assessment of Water Embodied in European Trade: A Product-level Multi-regional Input-output Analysis", *Global Environmental Change*, 38.
32. Mekonnen, M.M. and A. Y. Hoekstra (2011). National Water Footprint Accounts: the Green, Blue and Grey Water Footprint of Production and Consumption. Value of Water Research Report Series No. 50, Delft, the Netherlands, IHE.
33. Miller, R. E. and P. D. Blair (2009). *Input-Output Analysis: Foundations and Extensions*, Cambridge University Press.
34. Okadera, T., Y. Geng, T. Fujita, H. Dong, Z. Liu, N. Yoshida and T. Kanazawa (2015). "Evaluating the Water Footprint of the Energy Supply of Liaoning Province, China: A Regional Input-output Analysis Approach", *Energy Policy*, 78.
35. Renault, D. (2003). "Value of Virtual Water in Food: Principles and Virtues". Value of Water Research Report Series No. 12, Delft, the Netherlands: IHE.
36. Sayan, S. (2003). "H-O for H₂O: Can the Heckscher-Ohlin Framework Explain the Role of Free Trade in Distributing Scarce Water Resources Around the Middle East?", *Review of Middle East Economics and Finance*, 1(3).
37. United Nations (2006). "Water Demand Management Strategy and Implementation Plan for JABALPUR", Human Settlements Programme, Nairobi, Kenya.
38. Velazquez, E. (2006). "An Input-output Model of Water Consumption: Analysing Intersectoral Water Relationships in Andalusia", *Ecological Economics*, (56).
39. Wang, Y., H. L. Xiao and M. F. Lu (2009). "Analysis of Water Consumption Using a Regional Input-output Model: Model Development and Application to Zhangye City, Northwestern China", *Journal of Arid Environments*, 73(10).
40. World Economic Forum (2015). "Global Risks 2015- 10th Edition", Available from www.Weforum.org/Risks. Accessed At 10/08/2015.
41. Zhao, X., B. Chen and Z. F. Yang (2009). "National Water Footprint in an Input-output Framework- a Case Study of China 2002", *Ecological Modelling*, 220(2).

گفتمان‌های کلان اثرگذار بر فرایند قانونگذاری کیفری

سکینه خانعلی‌پور واجارگاه* و جلیل محبی**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۵/۹

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۹/۲۶

پرسش‌های بسیاری درخصوص چگونگی شکل‌گیری قانون کیفری، به‌عنوان قانونی اثربخش و اثرپذیر مطرح می‌شود که مانند هر قانون دیگری حاصل تعارضات و تعاملات است. حال آنکه اطلاعات چندانی درخصوص شیوه شکل‌گیری و پیدایش آن به چشم نمی‌خورد.

این مطالعه که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، درصدد پاسخ به این پرسش است که چه گفتمان‌هایی و به چه ترتیب در فرایند ایجاد قانون کیفری نقش ایفا می‌کنند؟ فرضیه مورد نظر این است که «گفتمان‌ها یا به‌عنوان گفتمانی مستقل در این فرایند حضور دارند یا زمینه را برای نقش‌آفرینی سایر گفتمان‌ها فراهم می‌آورند».

یافته‌ها حاکی از این است که خلق قانون نیازمند طی مراحل طی است که می‌توان از آن به فرایند ایجاد قانون، تعبیر کرد. مطالعات نشان می‌دهد که گفتمان‌های کلان موجود در این فرایند در دو دسته گفتمان اصلی و زمینه‌ای قابل‌شناسایی است؛ گفتمان‌های اصلی عبارت‌اند از: گفتمان سیاسی و اقتصادی. گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی نیز ذیل گفتمان زمینه‌ای قرار می‌گیرند.

به‌طور کلی، تأثیر گفتمان‌ها با توجه به نقش و تأثیر آنها در ایجاد قانون و عملکردی که در این فرایند دارند از یک منظر به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم و از منظر دیگر به گفتمان‌های اصلی و زمینه‌ای دسته‌بندی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: گفتمان؛ قانونگذاری؛ گفتمان‌های کلان؛ فرایند قانونگذاری کیفری؛ گفتمان اصلی؛ گفتمان زمینه‌ای

* دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)؛

Email: khanalipoor13@gmail.com

** عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

Email: j.mohebi@majles.ir

مقدمه

قوانین کیفری به منظور اثرگذاری بر جسم و جان و محدوده‌های رفتاری ناظر بر زندگی اشخاص وضع می‌شوند. این قوانین با توجه به ارکان و اصول پایدار آن، درصدد انتظام بخشی به ارتباطات و گاه کنش‌ها و برخوردها در جامعه هستند. این روابط که در حقوق کیفری منشأ اثر و مورد توجه قرار می‌گیرند، نه به مثابه ارتباط میان دو انسان عادی در جامعه، بلکه بیانگر ارتباطاتی است که یک سوی آن معمولاً هنجار قانونی ضمانت‌اجرا داری را نقض کرده است. قانون کیفری با توجه به این مسائل، حیات پیدا می‌کند و به جامعه تزریق می‌شود.

اما پرسش‌های بسیاری در خصوص چگونگی شکل‌گیری قانون کیفری، به‌عنوان قانونی اثربخش و اثرپذیر مطرح می‌شود که مانند هر قانون دیگری حاصل تعارضات و تعاملات است. قانونی که از سویی، خصوصی و از سویی، عمومی است، از سویی خشن و از سویی انسانی‌ترین است. از سویی، آشتی‌دهنده (میانجیگر) و از سویی دیگر، سرکوبگر (اجرای مجازات) است.

این تعارضات ظاهری منشأ بروز پرسش‌های بیشتری می‌شود: این قانون تحت تأثیر چه عواملی پا به عرصه حیات می‌گذارد و چگونه قانونی، کیفری می‌شود؟ چگونه رفتاری که گاه می‌توان آن را در حد هنجارهای اجتماعی غیررسمی حفظ کرد، از گفتمان غیررسمی رایج در جامعه به گفتمان رسمی ضمانت‌اجرا دار تبدیل می‌شود؟ آیا ابقای آن، به‌عنوان و در قالب گفتمان غیررسمی نمی‌تواند تأمین‌کننده اهداف مورد نظر باشد؟ چه گفتمان‌هایی در قالب یک قانون متبلور می‌شوند؟ چه گفتمان‌هایی بر فرایند این تبدیل اثر گذارند؟ چه گفتمان‌هایی در رقابت با یکدیگر پیروز شده یا به عبارتی کدامین گفتمان‌ها در راه رسیدن به قانون شکست می‌خورند و چرا؟

نگاهی به ادبیات موجود نشان می‌دهد که اطلاعات چندانی در خصوص شیوه شکل‌گیری و پیدایش قانون وجود ندارد. به‌طور کلی شیوه تولد و پیدایش و منشأ سیاست کیفری که قانون کیفری برشی از آن است نیز به‌درستی و به‌دقت واکاوی نشده است. نخستین فردی که به این غفلت اشاره کرد، دانشمند حوزه علوم سیاسی کانادایی، پیتر

سلمون^۱ بود. از منظر وی، بدون مطالعه فرایند سیاستگذاری کیفری نمی‌توان به درک درستی از چگونگی تغییر فرایند سیاسی دست یافت.^۲ به‌علاوه محدودیت‌های موجود در بیان مطالبات و میزان تأثیر نقش آفرینان بر جنبش‌های مختلف کیفری تنها از طریق تحلیل چنین فرایندی حاصل می‌شود.

بررسی چگونگی وضع قوانین، به‌طور کلی و نه فقط قوانین کیفری، بیانگر کنشگری گروه‌های بسیاری در این فرایند است. این گروه‌ها در عین دادوستد و تعامل با یکدیگر، ناخودآگاه به رقابت با هم نیز می‌پردازند. اما آنچه اهمیت توجه به این مقولات در قوانین کیفری را برجسته‌تر می‌کند، بیم نقض حقوق اشخاص به بهانه اعمال حاکمیت در راستای تأمین نظم اجتماعی است. در این فرایند هر گروهی در نتیجه ائتلاف‌های حاصله مطالباتی را مطرح می‌کند که عاملی برای بروز تعارض و چالش با سایر گروه‌هاست. در واقع، گروه‌های مختلف، هریک نماینده گفتمانی هستند که برای خود مطالبات مشخصی دارند و بر پایه آن وارد عرصه قانونگذاری شده‌اند.

مفهوم گفتمان به‌عنوان نقطه اتکای این نوشتار، اگرچه مبهم و دشوار، اما در مطالعه اقدامات تعاملی در نهادهایی چون مجلس، محوری است. دیدگاه‌های رایج گفتمان را این‌گونه تعریف می‌کنند: «زبانی^۴ که در ارتباط با اشکال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی استفاده می‌شود و منعکس‌کننده نظم اجتماعی^۵ است اما، خود نیز به نظم اجتماعی و تعامل افراد با اجتماع^۶ شکل می‌دهد.»^۷ این تعریف، به‌طور خاصی می‌تواند تبیین‌گر گفتمان مجلس باشد که در آن مذاکرات سیاسی و دسته‌بندی جناح‌های سیاسی از این طریق مدیریت می‌شوند.

1. Peter Solomon

۲. امروز، به‌رغم افزایش یا تمایل به رصد اقدام‌های نهادهای قانونگذاری، اندیشمندان چندان توجهی به گفتمان‌های موجود ندارند. هرچند انتشار مذاکرات مجلس و گزارش منظم آن بر این بینش تأثیر مثبتی داشته است. پژوهش‌ها در سایر کشورها نیز حاکی از این است که انتشار مباحث مجلس و گزارش منظم آنها توسط رسانه‌ها بر این جریان تأثیر گذاشته است. در خصوص این تأثیر در کشور انگلستان نک: Ilie, 2006: 188-190.

3. Ismaili, 2006: 255.

4. Language

5. Social Order

6. Society

7. Jaworski, 2006: 3.

بنا به گفته پل ساباتیه^۱ فهم فرایند ایجاد سیاست مستلزم نگاه به اجتماع سیاسی بین دولتی^۲ یا نظامی مرکب از دیوانسالاران،^۳ کارمندان عادی قوه قانونگذاری،^۴ رهبران گروه‌های ذی‌نفع، پژوهشگران و گزارشگران متخصص در این حوزه است.^۵ به این ترتیب، تمرکز بر نهادهای خاص و منحصر نمی‌تواند به فهم این فرایند یاری رساند.

گفتمان‌ها نه تنها در فرایند وضع قانون و جرم‌انگاری مؤثرند، درخصوص وصف گذاری رفتارهای خاص نیز نقش ایفا می‌کنند. انتساب رفتار خاصی به عنوان بزه اداری/ انضباطی یا بزه کیفری خود می‌تواند ناشی از این چانه‌زنی‌ها و تلاش‌ها باشد. بی‌شک در این موارد با توجه به غلبه هریک از این گفتمان‌ها گونه کیفرگذاری و شیوه اجرای کیفر متفاوت خواهد بود. به این ترتیب، گفتمان در فرایند قانونگذاری کیفری «مجموعه‌ای از خواسته‌ها و مطالباتی است که گروه‌هایی براساس اهداف یا ارزش‌های قرار داده شده برای خود مطرح می‌کنند. این ارزش‌ها و اهداف می‌تواند ناشی از منافع یا مصالح یا باورهای آنان باشد که برای دستیابی به آنها تلاش می‌کنند. این امر کمک می‌کند تا بتوانند بر فرایند قانونگذاری مؤثر باشند تا به صورت کلی یا جزئی، قانون مورد تصویب، اهداف آنها را محقق کند یا پاسدار ارزش‌های آنان باشد».

منظور از فرایند قانونگذاری یا فرایند ایجاد قانون مراحل مختلفی است که از زمان ارائه پیشنهاد از سوی نهادهای ذی‌ربط آغاز و با تصمیم نهایی قوه قانونگذاری پایان می‌یابد که کنشگرانی مانند سیاستمداران، گروه‌های حرفه‌ای و عمومی در این میان دخیل هستند. این مطالعه درصدد پاسخ به این پرسش است که چه گفتمان‌های کلانی و به چه ترتیب در فرایند ایجاد قانون کیفری نقش ایفا می‌کنند؟ فرضیه مورد نظر این است که «گفتمان‌های کلان یا به عنوان گفتمانی مستقل در این فرایند حضور دارند یا زمینه را برای نقش آفرینی سایر گفتمان‌ها فراهم می‌آورند».

فهم سیر تکامل یک موضوع و تغییر آن و عناصری که آن را شکل می‌دهند، همواره مستلزم توجه خاصی به فرایند ایجاد آن و همچنین کنشگران دخیل در آن است. درک فرایند قانونگذاری

1. Paul Sabatier
 2. Intergovernmental Policy Community
 3. Bureaucrats
 4. Legislative Personnel
 5. Ismaili, 2006: 259.

کیفری و دریافت گفتمان‌های مؤثر بر آن نیز نیازمند فهم این روند و توجه به گفتمان‌های شکل گرفته در این جریان و بازیگرانی است که این گفتمان‌ها را ایجاد و هدایت می‌کنند. هرچند خود این گفتمان‌ها نیز بر ایند نیروهای مختلفی هستند که قانون و حقوق را تشکیل می‌دهند.^۱

بررسی مجالس قانونگذاری و متصدیان تنظیم پیش‌نویس‌های اولیه قانون نشان می‌دهد که در تنظیم این قوانین چندین نوع گفتمان با ارتباطات خاص در کنار یکدیگر قرار دارند. نگاهی به این گفتمان‌ها حاکی از این است که برخی از آنها، گفتمان‌های ثابتی هستند که همواره در همه دوره‌ها وجود دارند، هرچند اهمیت هریک در دوره‌های مختلف، با توجه به میزان توجه و نیازهای اجتماع متفاوت بوده است که با عنوان گفتمان‌های کلان معرفی می‌شوند. آنچه که آنها را به گفتمان‌های کلان تبدیل می‌کند، دیدگاه همه‌جانبه‌نگر و اثرگذار بر کلیت جامعه است. گفتمان‌هایی که به تعبیری، عرصه‌های کلان را به خود اختصاص می‌دهند. از گفتمان‌هایی که در فرایندهای قانونگذاری در این دسته قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: گفتمان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی که به نوعی گفتمان‌های فراقانونی هستند.^۲

به این ترتیب، فرایند قانونگذاری متغیر وابسته‌ای است که از متغیرهای مستقل چندی تشکیل شده که خود می‌توانند متغیرهای وابسته‌ای برای سایر متغیرها باشند. اگرچه، گفتمان‌های بسیاری می‌توانند در دسته‌بندی‌های مختلف در این فرایند شناسایی شوند اما در این مطالعه تمرکز بر گفتمان‌های کلانی است که در این عرصه نقش آفرینی می‌کنند. بر این اساس، نخست گفتمان‌های کلان اصلی دخیل در این فرایند و سپس گفتمان‌های کلان زمینه‌ای مطالعه می‌شوند.

۱. گفتمان‌های اصلی در فرایند قانونگذاری کیفی: گفتمان‌های خط مقدم

منظور از گفتمان اصلی گفتمان‌هایی هستند که به طور رسمی شناخته شده‌اند و می‌توان از آنها به عنوان گفتمان‌هایی یاد کرد که کرسی‌ها و نمایندگان مشخصی دارند که در

۱. درخصوص نیروهای تشکیل‌دهنده حقوق و قانون نک: کاتوزیان، ۱۳۹۴ و صانعی، ۱۳۸۹.

۲. به نظر جونز «بازی‌های سیاسی»، «الزامات اقتصادی»، «ساختارهای اجتماعی»، «حساسیت‌های فرهنگی» و «ریشه‌های مذهبی»، ارکان مهمی برای بدعت‌های کیفی، شکل دادن به قانون، پیش‌بینی مجازات و ... محسوب می‌شوند

بازی‌های گفتمانی شرکت کرده و قدرت چانه‌زنی پیدا می‌کنند. قسمتی از این قدرت ناشی از موقعیت بازیگران آن (گفتمان سیاسی) و قسمتی دیگر ناشی از اهمیت موضوعات آنهاست (گفتمان اقتصادی). بنا به همین دلایل، می‌توانند در بازی‌های گفتمانی نقش آفرینی کنند. نقش دیگر این گفتمان‌ها این است که حامل مطالبات گفتمان‌های زمینه‌ای هستند. بر این اساس، از سویی گفتمانی مستقل محسوب می‌شوند که بیانگر مطالبات خود می‌باشند و از سوی دیگر نقش واسطه‌گری را برای گفتمان‌های زمینه‌ای ایفا می‌کنند.

۱-۱. گفتمان سیاسی: گفتمان بازیگران قدرت

گروه‌ها و جناح‌های سیاسی کنشگران برجسته عرصه قانونگذاری کیفری هستند. این اشخاص در فرایند ایجاد قانون، گفتمان ویژه خود را به همراه دارند که از آن به گفتمان سیاسی تعبیر می‌شود. نمایندگان این گفتمان برای رسیدن به منظور خود دست به چانه‌زنی‌های سیاسی می‌زنند. اهمیت این گفتمان از آن روست که به نظر می‌رسد سایر گفتمان‌ها نیز برای آنکه بتوانند در فرایند ایجاد قانون نقش آفرینی کنند، ناگزیر از قرار گرفتن ذیل یک گفتمان سیاسی هستند؛ زیرا برخلاف برخی از گفتمان‌ها، در آن کنشگران و نمایندگان مشخصی حضور دارند. احزاب و نمایندگان آنها که در نتیجه انتخابات به کرسی‌های مجلس دست می‌یابند یا سایر مقامات انتخابی، کنشگران اصلی این گفتمان هستند. در واقع، عمده کنشگران این حوزه را سیاستمدارانی انتخابی تشکیل می‌دهند که در ایجاد سیاست بانفوذند و در هر کشوری بنابر نظام سیاسی حاکم در ردای عناوین مختلفی می‌گنجند.^۱

نقش این گفتمان در کشورهایی که احزاب در آنها به‌طور سازمان‌یافته فعالیت می‌کنند، نمود بارزتری دارد. در چنین نظام‌هایی احزابی که بر سر کار می‌آیند و نمایندگان آنها کرسی‌های بیشتری را در مجالس قانونگذاری به خود اختصاص می‌دهند و می‌توانند بر جریان قانونگذاری تأثیرگذارتر باشند. برای مثال، پژوهشی در اروپا درخصوص ارزیابی گفتمان‌ها و اقدامات درباره تسامح یا سخت‌گیری نسبت به مهاجران نشان داد که در

۱. البته برخی در کنار مقامات رسمی، سخنگویان منافع اجتماعی و متخصصان سیاست را نیز ذیل اصطلاح گفتمان سیاسی قرار می‌دهند (Hall, 1993: 289) که به نظر می‌رسد، با توجه به نقش آنها و جایگاه تعریف شده مقامات رسمی در این فرایند می‌توان آنها را نمایندگان برای گفتمان‌های حرفه‌ای قرار داد که از بحث این نوشتار خارج است.

کشورهای اروپایی شیوه چینش و نتیجه انتخابات بر این دو رویکرد نسبت به مهاجران و گروه‌های اقلیت مؤثر است.

براساس یافته‌های این پژوهش، تعلق اکثریت اعضای مجلس یا سایر مقامات مانند رئیس دولت به حزب راست یا چپ و سیاست‌های این احزاب در خصوص مسئله مورد نظر، نوع و کیفیت قوانین در حمایت یا عدم حمایت از گروه‌های مهاجر را شکل می‌دهد. بدین ترتیب، اگر حزب مخالف مهاجرت در انتخابات پیروز شود، احتمال اینکه توجه و حمایت کمتری به گروه‌های اقلیت شود، بالا می‌رود و تسامح بیشتری نسبت به جریانات ضد مهاجرت از خود نشان می‌دهد. همچنین، شواهد نشان می‌دهد که این احزاب با اعمال محدودیت در سیاست‌های مهاجرت، اخراج و تبعیض نژادی و یا رویکردهای سخت‌گیرانه‌ای که توسط دولتمردان و سیاستمداران جریان حاکم در کشور غالب می‌شود، به‌طور مستقیم بر طرق مهاجرت، مسائل مربوط به اقلیت‌ها و گروه‌های خاص مؤثرند.^۱

حتی دیدگاه‌های سیاسی می‌تواند زمینه مناسبی فراهم کند تا گروه‌های سیاسی صرف نظر از واقعیات موجود، براساس ایدئولوژی خود وجود قوانینی را توجیه و بر تصویب آن اصرار ورزند؛ اتفاقی که در جریان تصویب قوانین سخت‌گیرانه در آمریکا رخ داد. محافظه‌کاران در آمریکا تقریباً تمامی شواهد علمی علیه چنین قوانینی را نادیده گرفتند و دیدگاه مشهور به سخت‌گیری نسبت به جرم را شکل دادند. به بیان برخی، آنان به‌هیچ‌وجه نگران امنیت جامعه نبودند؛ بلکه تنها به منافع سیاسی‌شان که از «تقبیح نمادین جرم» به‌دست می‌آمد، اهمیت می‌دادند. ^۲ به‌واقع، از چالش‌های اصلی گفتمان سیاسی، قدرت چانه‌زنی و نفوذ آن از طریق نمایندگان و کنشگرانش است که می‌تواند به راحتی قوانین را از مسیر علمی و واقعی خود دور کرده و آن را گرفتار سیاست‌بازی‌های خود کند. از این‌رو، گاه قوانینی تصویب می‌شوند که نه حاکی از نیاز جامعه و نه چالشی برای آینده بوده است. اگرچه این گفتمان به‌دلیل اهمیت دیدگاه عموم از هیچ تلاشی برای همراه کردن اجتماع با خود دریغ نمی‌ورزد.

1. Burchianti and Zapata-Barrero, 2013: 30.

2. Crepault, 2013: 75.

البته از این واقعیت نباید چشم پوشید که در برخی موارد بازیگران این گفتمان، در کنار بهبود یا افزایش منافعشان به حل مشکلات نیز توجه دارند. اتفاقی که در سال‌های ۱۹۷۰ در خصوص حل مشکلات اقتصادی و شکل‌گیری سیاست‌های اقتصادی در کشور انگلستان افتاد.^۱ هرچند به نظر می‌رسد که معمولاً «اعمال قدرت»^۲ و «حل مشکل»^۳ با هم و در کنار هم رخ می‌دهند و گاه به‌سختی می‌توان میان این دو تمایز قائل شد. بر این اساس، تنها منافع نیست که افراد را به پای میز مذاکره می‌کشاند، بلکه گاه دغدغه نیز محرکی قوی است. بدین ترتیب، انگیزه گاه به‌دست آوردن منفعت یا تسهیل در رسیدن به آن است و گاهی رفع دغدغه‌هایی است که وجود دارد. از این رو، باید در کنار «تعارض منافع» از «تفاوت دغدغه‌ها» نیز سخن گفت.

بر همین اساس، مطالعات حوزه سیاست، دو مدل سیاست را از هم تمییز می‌دهند: سیاست قدرت‌محور^۴ و سیاست ایده/باورمدار.^۵ اما به‌طور کلی گفتمان سیاسی از ترتیب خاصی برخوردار است که به برخی از منافع اجتماعی بیشتر از دیگر منافع مشروعیت می‌بخشد. در واقع، از ویژگی‌های پایدار سیاست، کشمکش برای به‌دست آوردن مزیت با گفتمان ترجیح داده شده برای اعمال نفوذ در مواردی است که موجب تغییر گفتمان سیاسی می‌شود.^۶ این همان چیزی است که موجب شده برخی، گفتمان‌های سیاسی را تحت تأثیر منافع سازمان‌یافته‌ای بدانند.^۷

در این میان، پرسش مهم این است که سیاستمداران چه وقت درگیر جریان قانونگذاری می‌شوند؟ و در این جریان بیشتر تحت تأثیر چه چیز(هایی) قرار می‌گیرند؟ به نظر می‌رسد بازیگران سیاسی هنگامی وارد صحنه می‌شوند که نگرانی عمومی ایجاد شده باشد. آنان بیش از هر چیز به نگرانی‌های مردم توجه دارند.^۸ هرچند عمر این

1. Hall, 1993: 289.

2. Powering

3. Puzzling

4. Power-based Model

5. Ideas-based Model

6. Hall, 1993: 289-290.

7. Blyth, 2012: 3.

8. Solomon, 2014: 34.

توجه معمولاً کوتاه است و پس از مدتی فراموش می‌شود تا آنکه مشکل جدیدی بروز کند. درواقع، واکنش آنها به مسائل و نگرانی‌های عمومی، واکنشی سیاسی برای همراهی عموم با خود است. البته، همان‌طور که گارلند به آن اشاره می‌کند، میان رفتار و گفتمان سیاستمداران انتخابی و انتصابی تمایز وجود دارد. به اعتقاد وی، گفتمان سیاستمداران انتخابی به سمت مطالبات عوام است، حال آنکه مقامات انتصابی به پیگیری عقلانی و مؤثر اهداف سیاسی توجه دارند.^۱

قدرت بازیگران این گفتمان، موجب می‌شود تا فرایندها و تصمیمات آتی بر مبنای چارچوب‌های تعیین شده از سوی آنان شکل گیرد. درواقع، در فرایند قانونگذاری کیفی، کنشگران سیاسی ضعیف‌تر به نوعی پیرو کنشگران قوی‌تر هستند. نمونه روشن این پیروی را می‌توان در تأثیر سیاستگذاران کلان بر قانونگذاران مشاهده کرد. همین امر موجب شده است که منشأهای قانونگذاری، سیاست‌های کلی باشد که از سوی نهادهای سیاستگذار تعیین و اعلام می‌شود. در ایران قوانینی که پس از اعلام سیاست‌های کلی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده‌اند، در همین چارچوب قابل تحلیل‌اند؛ مثال بارز آن، تصویب «قانون سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی» است که پس از ابلاغ «سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی» از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تنظیم و تصویب شد.^۲

این مناقشات ما را به این نتیجه می‌رساند که به‌واقع بنا به تعریف ساندرز و یانگ، عدالت کیفی «یک نهاد اجتماعی پیچیده متأثر از سیاست» است (هژبرالساداتی و حبیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۱)؛ چراکه مهمترین بازیگران این فرایند، سیاستمدارانی هستند که قدرت چانه‌زنی و دخالت خود را از قانون وام گرفته‌اند. از این جهت، گفتمان سیاسی به‌عنوان یکی از مهمترین گفتمان‌های کلان همواره در همه کشورها و دوره‌ها نقش پررنگی در فرایند ایجاد قوانین کیفی ایفا می‌کرده است. این گفتمان با وجود کنشگران و

1. Garland, 1996: 456.

۲. در کشور صربستان، پس از آنکه دولت سیاست سالانه‌اش را اعلام می‌کند، دست‌اندر کاران امر قانونگذاری دست به تهیه پیش‌نویس‌ها می‌زنند (Law Drafting and Legislative Process in the Republic of Serbia, 2011: 70).

نمایندگان قدرتمند خود، اغلب به طور مستقیم بر این فرایند مؤثر است؛ به گونه‌ای که این تصور را ایجاد می‌کند که گفتمان سیاسی و نمایندگان آن، کنشگران اصلی این جریان هستند و نمایندگان سایر گفتمان‌ها باید در قالب یکی از نمایندگان سیاسی مطالبات خود را به این فرایند تزریق کنند.

در کنار گفتمان سیاسی با بازیگران قدرتمند خود، ذیل گفتمان‌های اصلی نمی‌توان از نقش و جایگاه گفتمان اقتصادی غافل شد. به‌ویژه آنکه این گفتمان در جهان اقتصادی امروز، از جهت ورود سریع‌تر اقتصاد نسبت به سیاست در فرایندهای جهانی، نقش بسزایی در بازی قدرت سیاستمداران ایفا می‌کند.

۲-۱. گفتمان اقتصادی: گفتمان موضوعات قدرتمند

گفتمان اقتصادی، به‌ویژه در سال‌های اخیر و با کارکردهای حیاتی که اقتصاد بر جامعه برجای می‌گذارد، از نفوذ بیشتری برخوردار شده است. این نفوذ را می‌توان در جرم‌انگاری در حوزه اقتصادی و شدت عمل در برخورد با رفتارهای مجرمانه این حوزه مشاهده کرد. نگاهی به قوانین کشورهای مختلف نشان می‌دهد که یکی از گونه‌های بزهکاری که به‌شدت با آن برخورد می‌شود، جرائم اقتصادی است. از دیگر نشانه‌های اهمیت این گفتمان را می‌توان در شعارهای انتخاباتی مبنی بر بهبود کیفیت اقتصاد ملاحظه کرد. حوزه تأثیر این گفتمان و اولویت منافع مدنظر این گفتمان، تا حدی است که گاه گفتمان‌های سیاسی به‌منظور افزودن بر قدرت خود به آن تمسک می‌جویند.

اهمیت این گفتمان از آن جهت برجسته می‌شود که عوامل اقتصادی از نیروهای سازنده حقوق و قانون شناخته می‌شوند که نمی‌توان بدون شناخت و توجه به آنها قانونگذاری کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۳۳). از حوزه‌هایی که گفتمان اقتصادی در ایجاد قوانین کیفری نفوذ بسیار داشته، جرم‌انگاری رفتارها در زمینه رفاه است که منشأ جرم‌انگاری‌های خاصی شده است،^۱ رفتارهایی که شاید تا چندی پیش می‌توانستند با

۱. در این خصوص می‌توان به جرائم حوزه رفاه عمومی اشاره کرد که از مصادیق بارز آن تقلب علیه خدمات رفاهی (Welfare Fraud) است که با عنوان جرم قابل تعقیب و مجازات است.

پاسخ‌هایی اداری و انضباطی روبه‌رو شوند. کشورهایی که از نظام رفاه برخوردارند، با کسانی که از طریق تقلب سعی در کسب مزیت‌های این نظام دارند، سخت‌گیرانه برخورد می‌کنند. نمود این سخت‌گیری بیشتر در قالب قطعیت در برخورد، خود را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که این برخورد قاطع و بدون اغماض نتیجه مستقیم تأثیر گفتمان اقتصادی بر کیفی کردن پاسخ به نقض چنین مقرره‌ها یا تقلب نسبت به دستیابی اطلاعات یا امتیازات خاصی است. از این جهت، گفتمان حمایتی برای گروه‌های ناتوان جسمی و ذهنی با سخت‌گیری تشخیص افراد مشمول این حمایت‌ها و پیش‌بینی پاسخ‌های کیفی در تقابل قرار گرفته است.^۱ اگرچه، این سخت‌گیری خود می‌تواند نمود دیگری از حمایت گروه‌های آسیب‌پذیری باشد که باید از این پشتیبانی‌ها برخوردار شوند.

اقتصاددانان پا را از این نیز فراتر نهاده و قانونگذاری را فرایندی می‌دانند که از طریق آن باید هزینه‌های اجتماعی کاهش و سرعت حل و فصل اختلاف‌ها افزایش یابد. در غیر این صورت، تحمیل بار اقتصادی تصویب قوانین جدید توجیهی نخواهد داشت؛ زیرا فرایند قانونگذاری به مثابه کارکردی تولیدی است که هزینه‌های ثابت و متغیر خاص خود را به همراه دارد.^۲ به این ترتیب، هنگامی نطفه قانونی می‌تواند شکل گیرد که نظام قانونی کشوری به این نتیجه رسد که با تحمیل هزینه‌های ایجاد قانون، منافی را برای آینده ایجاد خواهد کرد. این منطق اقتصادی به حدی از اهمیت برخوردار است که قوانین در صورتی تصویب می‌شوند که هزینه اضافی بر کشور تحمیل نکنند. همان‌گونه که مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چنانچه پیشنهاد طرحی موجب افزایش هزینه شود، طریق آن نیز باید عنوان شود.^۳

نگاهی به حجم لوایح و طرح‌های رسیده که به مباحث و چالش‌های اقتصادی می‌پردازند،^۴

1. Tesemma, 2014, 121-147.

2. Parisi and Vincy, 2009: 12.

۳. اصل (۷۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد».

۴. شایان ذکر است که ۱۱ مورد از ۲۳ لایحه‌ای که در سال ۱۳۹۲ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت، جنبه اقتصادی داشت.

نمود اهمیت و نفوذ این گفتمان و تأثیری است که در ایجاد قانون به منظور حفظ ارزش‌های اقتصادی داشته است. جای پای این گفتمان را به وضوح می‌توان در سیر قانونگذاری در حوزه کشاورزی در ایالات متحده آمریکا ملاحظه کرد. در دوره‌ای مسائلی چون مهاجرت از روستاها به شهرها و نیز مهاجرت افراد بسیاری از خارج از آمریکا به این کشور، این زنگ خطر را به صدا درآورد که میزان محصولات کشاورزی ممکن است پاسخگوی نیازهای کشور نباشد. این مسئله حتی بر منافع اقتصادی دولت نیز اثر گذاشت. از این رو، سعی شد تا شعارهایی از این دست ایجاد شود «کشاورزی بهتر، زندگی بهتر، شغل بهتر»^۱. در این راستا اقدامات قانونی نیز صورت گرفت تا افراد را به کشاورزی ترغیب کند. قانون اسمیت لور^۲ در سال ۱۹۱۴ حاصل چنین مناقشاتی بود. براساس این قانون، دولت فدرال بودجه خود را در حوزه ارائه خدمات کشاورزی گسترش داد. محرک تصویب قانون تنظیم کشاورزی^۳ نیز قابلیت اقتصادی شدن آن بود.^۴

این مسئله در انگلستان و دوره نخست‌وزیری خانم تاچر^۵ نیز قابل توجه است. براساس رویکردهای اقتصادی برگزیده در این حوزه از سوی وی، رویکردی ایجاد شد که به تاچریسم^۶ شهرت یافت. این تاچریسم اقتصادی تا حد بسیاری بر دیگر جنبه‌های دولت وی وی مانند روابط سیاسی، قانونگذاری و ... تأثیر گذاشت. از دیگر دوره‌هایی که می‌توان تأثیر گفتمان اقتصادی را در فرایندهای قانونگذاری در انگلستان مشاهده کرد، قوانین مصوب دوره الیزابت اول است. در این دوره بیشترین قوانین به حوزه اقتصاد اختصاص داده

1. Better Farming, Better Life, Better Business

2. The Smith-Lever Act, 1914

3. Agricultural Adjustment Act 1933

4. Dixon and Hapke, 2003: 146-147.

5. Margaret Thatcher

۶. دیدگاه ایدئولوژیک تاچر نسبت به لیبرالیسم، اقتصاد آزاد، فردگرایی و خصومت با هرگونه تئوری جمع‌گرایانه باعث شد تا رویکرد وی نسبت به سیاست، اقتصاد و فرهنگ به «تاچریسم» تعبیر شود. مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تاچریسم عبارت است از:

۱. کاهش دخالت دولت در امور اقتصادی و حمایت از اقتصاد بازار آزاد،

۲. خصوصی‌سازی نهادهای اقتصادی دولت،

۳. بهره‌گیری از سیاست اقتصادی پولی مبتنی بر آرای فریدمن،

۴. کاهش مالیات‌های مستقیم و افزایش مالیات‌های غیرمستقیم و ... (اصطباری، ۱۳۸۶).

شده‌اند که بخشی از آنها ناشی از رویکرد دولت و برخی دیگر ناشی از فشار گروه‌های ذی‌نفع، به‌ویژه شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری و اقتصادی بود که برای ایجاد تغییر در قوانین دست به لابی‌گری می‌زدند.^۱ موفقیت این گفتمان از آن‌روست که نگرانی‌های اقتصادی تأثیر بسزایی در رایزنی‌هایی دارد که حول تصویب یک قانون شکل می‌گیرند و از آنجا که معاش امری غیرقابل اغماض است به سادگی می‌تواند توجه عموم را نیز به خود جلب کند و از این منظر بازخوردهای عمومی پیدا کند.

از آثار بارز این گفتمان در جرم‌انگاری، رفتارهایی است که به اصول اقتصادی چون رقابت سالم خدشه وارد می‌کنند. به این منظور و برای برخورداری همگان از فعالیت اقتصادی سالم، جرم‌انگاری‌هایی ذیل عناوینی چون رقابت‌های مکارانه و جبهه‌همت کشورها و حتی برخی از نهادهای بین‌المللی مانند سازمان تجارت بین‌المللی قرار گرفته است. در ایران می‌توان به ماده (۶۶) قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲^۲ درخصوص حمایت از علائم تجاری در این زمینه اشاره کرد. مواردی از این دست، در پی تنظیم فرایند اقتصادی سالم و منع هرگونه رفتاری خارج از چارچوب‌های استاندارد هستند.

البته گاه مقاومت در جرم‌انگاری برخی از رفتارها را نیز باید ناشی از آثار این گفتمان دانست. عدم جرم‌انگاری رفتارهایی چون رانت‌خواری در ایران و نیز عدم اقبال نسبت به آن می‌تواند ناشی از لابی‌گری‌های مؤثر برخی نمایندگان قدرتمند این گفتمان باشد. حتی دشواری تصویب برخی از قوانین این حوزه نیز گاه ناشی از مقاومت نمایندگان این حوزه است.

به این ترتیب، گفتمان اقتصادی به‌عنوان گفتمانی اصلی، نقش فعالی در شکل‌گیری قوانین دارد. در حوزه حقوق کیفی این گفتمان، با حداکثری شدن دامنه جرم‌انگاری در

۱. در این خصوص نک:

<http://www.historyofparliamentonline.org/periods/tudors/elizabethan-social-and-economic-legislation>

۲. ماده (۶۶) قانون تجارت الکترونیک: «به منظور حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و تشویق رقابت‌های مشروع در بستر مبادلات الکترونیکی استفاده از علائم تجاری به صورت نام دامنه (Domain Name) و یا هر نوع نمایش برخط (Online) علائم تجاری که موجب فریب یا مشتبه شدن طرف به اصالت کالا و خدمات شود ممنوع و متخلف به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید».

حوزه اقتصاد در مقایسه با سایر حوزه‌ها، قدرت خود را نشان می‌دهد. به علاوه، در قوانین اقتصادی دو عامل شدت مجازات‌ها و نیز قطعیت آنها خود از نتایج تأثیر گفتمان اقتصادی در قوانین کیفری است. به گونه‌ای که در حال حاضر براساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علاوه بر شدت عمل،^۱ شاهد ممنوعیت یا اعمال محدودیت در برخورداری از نهادهای ارفاقی در ارتباط با این دست جرائم هستیم.^۲

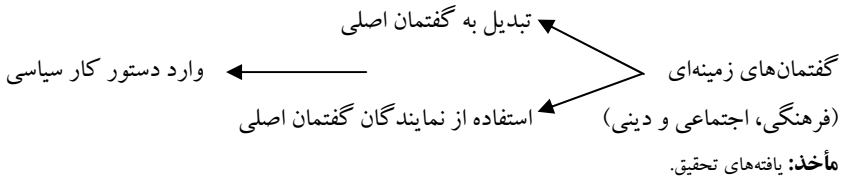
۲. گفتمان‌های زمینه‌ای در فرایند قانونگذاری کیفری

نیروهایی همچون دین، اخلاقیات و سنن اجتماعی در هر جامعه وجود دارند که در حفظ نظام موجود، بسیار مؤثرند و می‌توان قوانین را مولود آنها دانست. هر نظام حقوقی برای تأمین منافع خاص جامعه، اصول و قواعدی را برمی‌گزیند و بر آن اساس، دست به انتخاب می‌زند (صانعی، ۱۳۸۹: ۹۵). این نیروها نیز در کنار گفتمان اقتصادی و سیاسی به‌عنوان گفتمان‌های اصلی، منشأ اثر گفتمان‌هایی می‌شوند که زمینه را برای شکل‌گیری فرایند قانونگذاری فراهم می‌کنند. گفتمان زمینه‌ای برای اینکه بتواند در این فرایند دخالت کند یا باید مطالبات خود را در قالب گفتمان‌های اصلی مطرح کند یا از نمایندگان گفتمان‌های اصلی برای القای مطالبات خود بهره‌گیرد. این امر به موضوع مورد مطالبه و شیوه اثرگذاری بستگی دارد. هنگامی که مطالبات گفتمان‌های زمینه‌ای به‌طور ناخودآگاه از طریق نمایندگان گفتمان‌های اصلی القا می‌شود، این بازیگران، به نماینده‌ای برای گفتمان‌های زمینه‌ای تبدیل می‌شوند. اما این گفتمان‌ها برای تأثیرگذاری بیشتر، ابتدا به مطالبه یکی از گفتمان‌های اصلی تبدیل و از آن طریق وارد دستور کار می‌شوند. مهمترین گفتمان‌های زمینه‌ای قابل تشخیص و شناسایی در این فرایند عبارت‌اند از: گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی.

۱. در این خصوص تبصره ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی قابل توجه است.

۲. در این خصوص مواد (۴۷) و (۱۰۹) قانون مجازات اسلامی در ممنوعیت از برخورداری تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم و نیز شمول مرور زمان قابل توجه است.

شکل ۱. مجاری ورود مطالبات گفتمان‌های زمینه‌ای به دستور کار سیاسی



۱-۲. گفتمان فرهنگی: پاسداشت میراث‌ها

فرهنگ هر جامعه‌ای، از عوامل مهم شکل‌دهنده رفتار افراد و گروه‌هاست که بر مرحله تصمیم‌گیری مؤثر است. از عرصه‌های مهم تصمیم‌گیری در هر جامعه‌ای قانونگذاری است که ثمره آن در قالب قانون نمود می‌یابد. همان‌گونه که ساوینی آن را ناشی از نسل‌های پیاپی می‌داند که وجود داشته و سنن و آداب آنان قاعده حقوقی را به‌وجود آورده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۷)؛ زیرا هر جامعه‌ای انتظارات و ضوابط مخصوص به خود را دارد که طی قرن‌ها حیات اجتماعی پدیده آمده و حقوق نیز از آنها نشئت گرفته و در حفظشان می‌کوشد (صانعی، ۱۳۸۹: ۹۶). از این‌رو، قانون محصول فرهنگی است که از طریق جامعه‌پذیری در بین نسل‌های مختلف حرکت کرده و انتقال یافته است. اگرچه این تأثیر اغلب مشهود و مستقیم نیست.

به نظر یکی از صاحب‌نظران، حقوق بیش از هر چیزی به فرهنگ نظر داشته است. به گونه‌ای که آن را از مستعمرات تقریباً کم‌قدرت در امپراتوری فرهنگ می‌داند.^۱ و از این جهت، فرهنگ زمینه اجتماعی اجتناب‌ناپذیری برای مسائل قانونی و عنصر پایه‌ای برای تعارضات سیاسی ایجاد می‌کند.

گفتمان فرهنگی از آن‌رو گفتمان زمینه‌ای محسوب می‌شود که گاه به‌طور غیرمحسوس بر یک جریان اثر می‌گذارد. گفتمان‌های زمینه‌ای مانند تاریخ یا فرهنگ اجتماع که قانون در آن زمینه تصویب و قرار است اجرا شود بسیار قوی عمل می‌کنند، حتی اگر به‌طور مستقل و مشهود نمایندگانی نداشته باشند یا در آن مسئله به‌خصوص فاقد نماینده باشند. به این ترتیب، تفکرات حاکم و غالب بر جامعه به‌مرور و از طریق تربیت در

1. Naomi, 2001: 52.

اجتماع بر تفکرات و گرایش‌های افراد ساکن در آن جامعه وارد شده و بر تصمیمات، گاه به‌طور ناخودآگاه مؤثرند، مانند نگاه همراه با ترحم نسبت به کودک یا همراه با احترام نسبت به افراد مسن براساس آموزه‌های فرهنگی و تربیتی در یک جامعه.

از قوانینی که تحت تأثیر گفتمان فرهنگی و مطالبات آن در ایران به تصویب رسیده قانون «ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره»، مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳ است. براساس گفتگوهای صورت گرفته حول این قانون، یکی از دغدغه‌های صیانت از مرزهای فرهنگی و پیشگیری از القای فرهنگ بیگانه است (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳/۶/۲۹). همان‌طور که در بند «ب» ماده (۹) این قانون نیز به‌صراحت بیان شده است، به‌منظور مقابله با تهاجم فرهنگی، بودجه لازم در اختیار نهادهای متولی قرار می‌گیرد. زبان بیان این دغدغه، بازیگران گفتمان سیاسی یعنی نمایندگان مجلس بودند که بخشی از مطالبه آنها و تلقی آنها ناشی از باورهایی است که طی زمان و زندگی و اجتماع‌پذیری در کشور ایران آنان را به چنین بیاناتی رهنمون کرده است.^۱

به‌واقع، این گفتمان به‌تدریج و با زندگی در اجتماع به‌گونه‌ای در شیوه اندیشیدن افراد تأثیرگذار است و به این طریق به بدنه سایر گفتمان‌ها ورود می‌کند و می‌تواند در گزینش گفتمان‌های دیگر نقش مهمی ایفا کند. فرهنگ، زمینه‌ای است که در بستر آن زندگی اجتماعی معنا می‌یابد، از این جهت، تأثیر آن به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی روانی اشخاص تأثیرگذار است. هرچند گفتمان فرهنگی رابطه تنگاتنگی با دو گفتمان اجتماعی و مذهبی پیدا می‌کند و گاه جدایی آنها، به‌ویژه هنگامی که گفتمان مذهبی به بخشی از فرهنگ جامعه تبدیل شده باشد، دشوار است.

از تأثیرات مهم این گفتمان در فرایند قانونگذاری معنابخشی به قوانین مصوب و حتی مطالبات سایر گفتمان‌هاست؛ چراکه حقوق نیز به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی به‌طور گریزناپذیری به حوزه‌های تاریخی جامعه میزبان وابسته است. به هیچ‌عنوان نمی‌توان نظام

۱. در پرونده‌ای در آمریکا (Bowers V. Hardwick) یکی از قضات اعلام کرد، اگرچه قانون اساسی فدرال هم‌جنس‌گرایی مردان را ممنوع نکرده است، اما این ممنوعیت به‌طور عمیقی ریشه در تاریخ و سنت ملی این کشور دارد (International Commission of Jurists, 2009: 14).

حقوقی را از فرهنگ حقوقی که از طریق آن فهمیده می‌شود، جدا کرد.^۱ اگرچه، حقوق به‌ظاهر مستقل و منطقی جلوه می‌کند، اما هرگز از روایت‌هایی که به آن معنا می‌بخشند، رها نمی‌شود و هیچ نهاد یا دستورالعمل حقوقی جدای از روایت‌های مکانی که باید در آن اجرا شوند و به آن معنا بخشند، قابل تصور نیست.^۲ در واقع، ایجاد معنای حقوقی، از طریق واسطه‌های فرهنگی دریافت می‌شود. این موضوع در خصوص قوانین کیفی که تمام عرصه‌های زندگی را دربرمی‌گیرد، نمود بارزتری می‌یابد.

در نتیجه، فرهنگ و گفتمان مربوط به آن افزون بر اینکه در برخی حوزه‌ها به‌طور مستقیم از طریق مطالبات بازیگران سیاسی وارد دستور کار سیاسی می‌شود، بر جریان قانونگذاری نیز تأثیرگذار است و به‌صورت گفتمانی زمینه‌ای به‌طور ناخودآگاه از طریق زندگی در جامعه و تربیت در خانواده به این فرایند تزریق می‌شود. همچنین، این گفتمان رابطی برای فهم آن چیزی است که در بیان قانونگذار هنجارنگاری شده است. به این معنا که افراد مفاهیم مورد نظر مقنن را تحت تأثیر فرهنگ جامعه درک و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند.

در کنار گفتمان فرهنگی عامل دیگری که در ایجاد چنین زمینه‌هایی مؤثر است، اجتماعی است که بازیگران مختلف در آن زندگی می‌کنند و بناست قانون در آن ظرف اجرا شود. به این ترتیب، در کنار گفتمان فرهنگی، گفتمان اجتماعی نیز زمینه‌های وضع قانون را فراهم می‌کند.

۲-۲. گفتمان اجتماعی: پاسداشت ارزش‌ها

قوانین با توجه به ارتباطات اجتماعی و خواست اجتماع وضع می‌شوند و ارتباط تنگاتنگی با آنها دارند. واضعان قانون نیز از این ارتباط غافل نیستند. اجتماع، ظرفی برای پدیده‌های اجتماعی چون قوانین محسوب می‌شود و تدبیر و عقلانیت اجتماعی، میزانی برای حرکت کنشگران این عرصه است.

چنانچه اجتماع، مجموعه‌ای از ارزش‌های به هم پیوسته مقابله‌به‌مثل، تقابل، ارتباط،

1. Oslon, 2014: 8.

2. Cover, 1983: 4-5.

مراقبت و اشتراک تلقی شود، گفتمان‌های ناشی از آن نیز بافت و خیز^۱ بین نقاط رسمی و ایدئولوژیکی توصیف می‌شوند که بر معنای این گفتمان‌ها تأثیر می‌گذارند.^۲ واضعان قانون نیز تحت تأثیر ایدئولوژی و راهبردهای خود نسبت به ارتباطات اجتماعی دست به تصمیم‌گیری می‌زنند.^۳ از این رو، گفتمان اجتماعی تبلور باورها و ارزش‌های مطلوب یک جامعه است.

اثرگذاری و قدرت این گفتمان شاید بیش از آنکه منشأ اثری برای ایجاد قانون باشد، قضاوتی است که پس از تصویب و اجرایی شدن آن می‌تواند ایجاد کند. تا جایی که به اعتقاد پیروان مکتب تحقیقی اجتماعی، برای یافتن قواعد حقوق زنده باید رخدادهای اجتماعی را بررسی کرد و از داوری اجتماعی غافل نبود (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۹)؛ زیرا فشار اجتماعی بیش از هر نیروی دیگری می‌تواند اجرای ضوابط مختلف را تضمین کند (صانعی، ۱۳۸۹: ۶۲). این گفتمان در واقع، به نوعی نشان از مواضع اکثریتی دارد که قانون قرار است در ظرف آن اجرا شود. به این ترتیب، گفتمان اجتماعی قدرت بالایی برای ارزیابی قوانین دارد. از این جهت در هنگام تصویب قانون، سعی می‌شود تا به کنشگران این گفتمان و خواسته‌های آنها توجه شود تا قضاوت‌های سخت‌گیرانه پس از تصویب یک قانون به راحتی شکل نگیرد.

گفتمان اجتماعی تا حد بسیاری به ساختارهای اجتماعی سنتی جامعه هدف بازمی‌گردد؛ زیرا این ساختارها به این گفتمان شکل می‌دهند. به این ترتیب، در مواردی که ارزش‌ها و بنیان‌های اجتماعی در معرض خطر و چالش جدی قرار گیرند، ناخودآگاه این گفتمان سر از تخم بیرون آورده و اعلام وجود می‌کند. از این رو، خواسته‌های این گفتمان رابطه مستقیمی با بحران ارزش در جامعه دارد؛ به ویژه هنگامی که این بحران ساختارها و ارزش‌های بنیادین اجتماع را هدف قرار داده باشد و تهدید کند.^۴ از آنجا که کارکردهای اساسی قوانین کیفی حمایت و پاسداری از ارزش‌های اجتماع است، در موارد نقض یا تهدید این ارزش‌ها،

1. Slippage

2. Lacey and Zedner, 1995: 302.

3. Bankalar and Minerva, 2006: 9-10.

۴. همان‌طور که نابودی کشاورزی خانوادگی به عنوان تهدید ایدئولوژیکی نسبت به ارزش‌های بنیادین جامعه سنتی آمریکایی، منشأ اثر اتخاذ سیاست‌های کشاورزی در راستای تقویت این امر در سال ۱۹۳۳ توسط دولت تلقی می‌شود (Dixon and Hapke, 2003: 146).

گفتمان اجتماعی شاید بیش از سایر گفتمان‌ها با تأثیرگذاری بر فرایند قانونگذاری کیفی و بازیگران آن در صدد رفع تهدید و بازیابی ارزش‌های مخدوش شده برمی‌آید.

به این ترتیب، با توجه به فراخی عرصه‌های موضوع این گفتمان که به نوعی عرصه‌های اصلی اجتماع مانند، آموزش، خانواده و حتی سلامت و ... را دربرمی‌گیرد، این ادعا چندان دور از واقع نیست که کنشگران این گفتمان می‌توانند نقش بسیاری در شکل‌گیری قوانین مختلف داشته باشند. از جمله قوانین کیفی که نقش گفتمان اجتماعی در آنها بسیار پررنگ است، قوانینی است که در برابر آسیب‌های اجتماعی سر برمی‌آورد. نگاهی به مذاکرات حول محور چنین قوانینی نشان می‌دهد که رویکرد برخی از نمایندگان رسمی گفتمان اجتماعی چون سازمان‌های تأمین اجتماعی و نیز بهزیستی بر این فرایند مؤثر بوده است.

از قوانینی که در این حوزه به تصویب رسیده و روح اصل (۲۹) قانون اساسی در آن دمیده شده است، «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ است که در راستای تکالیف مندرج در «قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مصوب ۱۳۷۹ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. براساس ماده نخست این قانون، از اهداف وضع آن «حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای اجتماعی و ... و پیامدهای آن» است. این قانون اگرچه به جرم‌انگاری و کیفی‌گذاری نپرداخته است، اما با حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، به یکی از مهمترین عرصه‌های حقوق کیفی، یعنی انواع پیشگیری، توجه داشته و از این منظر سند بااهمیتی در سیاست جنایی ایران محسوب می‌شود. همان‌طور که در مذاکراتی که برای تصویب این لایحه و جهت اصلاح ایرادهای شورای نگهبان گرفته بود، نمایندگان، هدف از طرح آن را ایجاد عدالت اجتماعی و تحقق تأمین اجتماعی بیان کرده‌اند (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۸/۲۱: ۲۵) و با اصلاحاتی که به خروج برخی از اقشار آسیب‌پذیر از این قانون منجر می‌شدند، مخالف بودند. به علاوه، تأکیدات بر این بود که هر تغییر یا اصلاحی در این قانون باید با نگاه کمک به اقشار فقیر جامعه صورت گیرد (همان، ۱۳۸۳/۱/۲۵: ۲۲-۲۰). فلسفه طرح «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ نیز، رفع مشکلات مردم و گامی در این جهت معرفی شد (همان، ۱۳۸۳/۲/۱۳: ۲۶). در این

عرصه نیز باز مطالبات گفتمان اجتماعی از طریق بازیگران گفتمان سیاسی وارد دستور کار شد. گفتمان اجتماعی در مقایسه با سایر گفتمان‌ها نقش بی‌بدیلی در مرحله اجرای قانون دارد. یک قانونگذار خردمند در هنگام وضع قانون علاوه بر وضع آن به مرحله اجرا نیز توجه می‌کند. عدم توجه به مطالبات گفتمان اجتماعی و تصویب قانونی بدون لحاظ آنچه این گفتمان در پی آن است، به راحتی می‌تواند در مرحله اجرا، قانون را از اثر بیندازد. در واقع، همگامی با خواسته‌های گفتمان اجتماعی و دادن جایگاه مناسبی در چانه‌زنی‌ها به نمایندگان آن یا بیان مطالبات آنها از طریق بازیگران سیاسی، می‌تواند عامل مناسبی برای افزایش کارایی و اثربخشی قوانین باشد. به علاوه، این گفتمان می‌تواند به سایر گفتمان‌ها قدرت دهد. به این ترتیب، بیش از اینکه خود نماینده مستقلی داشته باشد، موجب مشروعیت بخشی به گفتمان‌های موجود می‌شود. البته نباید از این نکته نیز غافل بود که این گفتمان بمانند گفتمان فرهنگی، به طور ناخودآگاه بر بازیگران سایر گفتمان‌ها تأثیر گذار است.

نگاهی به جوامع نشان می‌دهد که ساختارها و عوامل مختلف، اجتماعات را شکل می‌دهند و به روابط درون آن معنا می‌بخشند. از قوی‌ترین این عوامل دین است که در کنار فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی سنتی بستر ظهور و بروز سایر گفتمان‌ها را فراهم می‌کند.

۲-۳. گفتمان دینی: پاسداشت معنویات

مذهب از مهمترین نیروهای سازنده حقوق است و نمی‌توان اثر عقاید مذهبی بر ایجاد و شکل‌گیری قوانین و مقررات را انکار کرد. البته، اهمیت گفتمان دینی در فرایند قانونگذاری و میزان تأثیر آن، به نوع نظام سیاسی حاکم بر کشورها و توجه یا عدم توجه آنها به عامل مذهب بستگی دارد. به این ترتیب که میزان نفوذ این گفتمان در کشورهایی چون ایران و اتریکان قابل مقایسه با سایر کشورها نیست. در چنین کشورهایی دغدغه‌های دینی و مذهبی همواره بر مبارزات گفتمانی سیطره دارند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۳۳ و ۶۲؛ صانعی، ۱۳۸۹: ۲۲). به ویژه آنکه آموزه‌های دینی در ایران با توجه به ساختار تعریف شده برای آن به شدت با ساختار سیاسی در هم تنیده شده است. تا جایی که گاه بازیگران سیاسی خود را نماینده این گفتمان می‌دانند.

البته این گفتمان نیز مانند گفتمان فرهنگی گاه به طور کاملاً نامحسوسی می‌تواند در

گفتمان‌هایی که گزینش می‌شود یا در میان گفتمان‌های رقیب اولویت پیدا می‌کند، نقش آفرین باشد. حتی در کشورهای دین‌جدا نیز، به دلیل اهمیت آن در جامعه، نمی‌توان از تأثیر آن چشم‌پوشی کرد. همان‌طور که در آمریکا بسیاری از رئیس‌جمهورها خود را انسان‌های مذهبی معرفی می‌کنند و به گفته جورج واشنگتن،^۱ ارجاعات دینی^۲ یکی از عناصر مشترک در ادبیات رؤسای جمهور آمریکاست.^۳ از این رو مشاهده شده است که در برخی موارد، مانند وضع قانون در خصوص پیمان ازدواج، طرفداران این مقوله در برخی از ایالت‌های آمریکا پیش از تصویب آن و در مرحله تنظیم پیش‌نویس، به دنبال کسب پشتیبانی و تأیید برخی از رهبران مذهبی بودند.^۴

به این ترتیب، گاهی دین به گفته برخی از اندیشمندان این حوزه به‌عنوان یکی از تنظیم‌کنندگان رفتار، موازی با قانون قرار می‌گیرد.^۵ و گاه حقوق به‌عنوان وسیله نقلیه‌ای است که بیانگر مواضع دین است.^۶ نقش آفرینی این گفتمان به‌ویژه هنگامی در جوامعی بروز بیشتری می‌یابد که بسیاری از ارزش‌ها و آداب و رسوم جامعه بر مبنای ایدئولوژی‌های دینی استوارند. این امر موجب می‌شود که بعضی گزاره‌های مطرح از سوی برخی گفتمان‌ها با مقاومت جدی نمایندگان این گفتمان مواجه شود.^۷

جای پای محکم این گفتمان در قوانین جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» دید که در راستای تحقق دعوت به خیر عمومی و انجام تکلیف مقرر در اصل هشتم قانون اساسی و وقایع پیش آمده، صورت گرفت.

1. George Washington

2. Religious Referents

3. Coe and Domke, 2006: 311.

4. Cynthia, 2003: 427.

5. Cipriani, 2002: 17.

6. Johnson and Vanderbeck, 2014: 2.

۷. از مثال‌های شایع در کشورهای غربی چالش‌هایی بود که در مسیر آزادسازی روابط جنسی و به‌ویژه روابط هم‌جنس‌گرایان و مسائل مربوط به آنان میان گفتمان دینی و سایر گفتمان‌ها رخ داد. به‌ویژه آنکه تمامی ادیان رویکرد سخت‌گیرانه‌ای نسبت به هم‌جنس‌گرایی اتخاذ کرده‌اند و همین امر قانونمند شدن این رفتار را در کشورهایی که اکنون در آن رایج شده است، به تأخیر انداخت. حتی برخی از گروه‌ها در این کشورها، برای اینکه بتوانند با آزادسازی و مشروع‌سازی این پدیده مقابله کنند، به حمایت یا تهدید از سوی مقامات مذهبی عمومی دل‌بسته بودند؛ به‌منظور مشاهده این جریان‌ها و چگونگی تقابل گفتمان دینی در خصوص این موضوع رک:

آنچه از گفتگوهای صورت گرفته در خصوص این جریان قابل فهم است، پشتیبانی گروه‌های مذهبی مختلف در جهت تحقق این قانون است. موافقان این قانون، آن را ضامن حفظ ارزش‌های اخلاقی در جامعه می‌دانند (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳/۸/۴).

به‌طور معمول، گفتمان مذهبی در موضوعاتی که سابقه دینی در آن خصوص وجود دارد و میزان حساسیت نسبت به آن بیشتر است، تأثیر بیشتری بر فرایند قانونگذاری کیفری دارد. البته فرهنگ، ارزش‌های اجتماعی و حتی میزان تقید مردم کشور به دین و آموزه‌های آن می‌تواند بر قدرت یافتن این گفتمان مؤثر واقع شود و برعکس. در ایران به‌عنوان کشوری که مذهب از ساختارهای اساسی آن است و رکن رکن قانون اساسی محسوب می‌شود، گفتمان مذهبی و نمایندگان و کسانی که به نمایندگی از این گفتمان و در راستای آموزه‌های آن گام برمی‌دارند، تأثیر بسیاری بر تصویب یا رد یک قانون به‌جای خواهند گذاشت. همان‌طور که در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در خصوص تصویب قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵، به اهمیت اصل برائت در دین مبین اسلام و نیز توجه به تأکید حضرت امیر (ع) مبنی بر احتیاط در عدم گرفتاری فرد بی‌گناهی به‌عنوان گناهکار و اهمیت آن اشاره کرده‌اند (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۲/۱۵: ۲۴-۲۳).

علاوه بر این، وجود شورای نگهبان موجب می‌شود که گفتمان دینی دارای بازیگرانی قدرتمند شود که موظفند تمامی قوانین مصوب مجلس را از لحاظ عدم مغایرت با شرع بررسی کنند.^۱ از این رو، اگرچه در مراحل آغازین و ورود مسئله به دستور کار، بازیگران گفتمان سیاسی این مهم را برعهده دارند، اما در مراحل پایانی فرایند قانونگذاری در ایران، نمایندگان گفتمان دینی در هیئت شورای نگهبان حضور پررنگی دارند که شاید بتوان آن را در کشورهای مذهبی، بیش از یک گفتمان زمینه‌ای تلقی کرد.

۱. اصل (۴) قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است.»

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وضع قوانین کیفی در راستای تأمین اهدافی است که مدنظر مبتکران آن بوده است. این قانون به نوعی بیانیه‌ای است به‌منظور برخورد با رفتارهایی که خارج از خواست جامعه بروز کرده و با پیش‌بینی ضمانت‌اجراهایی رنگ هشدار به‌خود می‌گیرد و سعی دارد تا جلوه‌های نقض ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را عینیت و واقعیت بخشد. هدف دیگر آن بیان محدودیت‌ها و گاه ارزش‌های جدید است. در واقع، قانون کیفی محدوده‌های مجاز و غیرمجاز عمل افراد جامعه را نسبت به یکدیگر یا نسبت به جامعه مشخص می‌کند. این قانون نشان می‌دهد که افراد در کدام عرصه‌ها آزادند و در کدام موارد این حق از آنها سلب شده است.

اما به‌منظور ایجاد قانون، مراحل طی می‌شود که از آن به فرایند ایجاد قانون، شکل‌گیری قانون و گاه تولد قانون تعبیر می‌شود. گفتمان‌های کلان موجود در این فرایند را می‌توان در دو دسته گفتمان اصلی (خط مقدم) و زمینه‌ای قرار داد؛ گفتمان‌های اصلی عبارت‌اند از: گفتمان سیاسی و اقتصادی و گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی نیز ذیل گفتمان زمینه‌ای قرار می‌گیرند. هر یک از اینها به فراخور توان خود می‌توانند در این فرایند شرکت داشته و تأثیرگذار باشند. شناسایی گفتمان‌های کلان چندان دشوار نیست؛ زیرا همواره وجود دارند و ارکان اصلی یک حکومت و کشور را تشکیل می‌دهند که می‌توان از آنها به عرصه‌های کلان نیز تعبیر و ردپای آنها را در ساختارهای رسمی و نهادی نیز مشاهده کرد.

قانونی که به تصویب می‌رسد حاصل رویارویی این گفتمان‌ها با یکدیگر است. آنچه که این گفتمان‌ها را در این مسیر رو در روی هم قرار می‌دهد و زمینه چانه‌زنی‌ها را فراهم می‌کند، تعارض منافع است که نمایندگان آنها را به‌عنوان کنشگران این عرصه به این میدان فرامی‌خوانند. همان‌طور که جرمی بنتام نیز نفع‌طلبی را انگیزه اصلی فعالیت‌های بشری معرفی می‌کرد. امری که ایرینگ را به مطالعه درخصوص چگونگی سازش میان منافع مخالف و امی داشت (صانعی، ۱۳۸۹: ۵۳ و ۵۶). در کنار تعارض منافع، تفاوت در دغدغه‌ها نیز می‌تواند منجر به رو در رو شدن گفتمان‌های گوناگون از یک جنس یا

جنس‌های متفاوت با هم شود و به نظر می‌رسد در این بین، پیروزی از آن گفتمان است که از قدرت چانه‌زنی و اقناع‌گری بیشتری برخوردار باشد.

این گفتمان‌ها به شیوه‌های مختلفی در فرایند ایجاد قانون مؤثرند. آنها علاوه بر اینکه می‌توانند منشأ ایجاد و مبتکر یک قانون کیفری باشند، گاه بر وصف یا تغییر وصف رفتارهای مندرج در آن نیز تأثیر گذارند. همچنین، در کنار پیش‌بینی نوع رفتار بر کیفیت و چگونگی پاسخ‌های تعبیه شده برای آنها نیز اثر گذارند؛ زیرا تغییرات رخ داده در ساختارهای اجتماع، بازیگران را به سمت پذیرش اشکال خاصی از پاسخ‌های کیفری سوق می‌دهد.

به‌طور کلی، تأثیر گفتمان‌ها در ایجاد قانون را می‌توان به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بررسی کرد. در تأثیر مستقیم، نمایندگان این گفتمان‌ها خود در فرایند مذاکرات شرکت کرده و دارای کرسی در مذاکرات هستند. اما در تأثیر غیرمستقیم به صورت‌های مختلفی این نقش را ایفا می‌کنند که عبارت است از:

۱. **نقش گفتمان‌پروری و گفتمان‌سازی:** برخی از گفتمان‌ها به‌ویژه گفتمان‌هایی چون گفتمان اجتماعی موجب پیدایش و شکل‌گیری گفتمان‌های نوینی در عرصه قانونگذاری می‌شوند. در واقع، فعل و انفعالاتی که در برخی گفتمان‌ها انجام می‌شود، می‌تواند زمینه‌های بروز و ظهور گفتمان‌های دیگری را فراهم آورد.

۲. **مشروعیت‌بخشی به سایر گفتمان‌ها:** آنها برای آنکه بتوانند موجودیت یافته و در این فرایند مداخله داشته باشند، پیش از آن باید مشروعیت یابند. از این رو، گفتمانی چون گفتمان دینی یا اجتماعی که سایر گفتمان‌ها در چانه‌زنی‌های خود به باورها و نظرهای آن استناد می‌کنند، این نقش را به خوبی ایفا می‌کند.

۳. **پشتیبانی از سایر گفتمان‌ها:** گاه برخی از گفتمان‌ها در برخی از فرایندها خود به‌عنوان گفتمان مستقلی ظاهر نمی‌شوند، بلکه به پشتیبانی از گفتمان خاصی می‌پردازند و از این طریق آن را قوت می‌بخشند و در این راستا، با توجه به میزان قدرتی که دارند، می‌توانند توازن قدرت را در مذاکرات به سمت گفتمان مورد نظر خود بر هم زنند.

۴. **معنابخشی به سایر گفتمان‌ها:** برخی از گفتمان‌ها مانند گفتمان‌های فرهنگی به‌دلیل اینکه از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه هدف ناشی می‌شوند، به عملکردها و

رویکردهای اتخاذ شده از سوی دیگران معنا می‌بخشند. با توجه به اینکه درک روابط میان مناسبات اجتماعی و قانونگذاری به‌عنوان یکی از شئون آن، تا حد بسیاری به بسترهای فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد نظر مربوط می‌شود. از این جهت، این گفتمان‌ها و نمایندگان آنها در القای مفاهیم ناشی از قوانین مختلف و نیز مباحث گفتمانی دیگران نقش مهمی ایفا می‌کنند که می‌توان از آن تعبیر به معنابخشی سایر گفتمان‌ها کرد.

به این ترتیب، گفتمان‌ها با توجه به نقش مستقیم و غیرمستقیمی که برعهده دارند و نیز عملکرد و تأثیری که در فرایند قانونگذاری کیفی برجای می‌گذارند، به گفتمان‌های اصلی (خط مقدم) و زمینه‌ای (گفتمان‌های در سایه) دسته‌بندی می‌شوند.

منابع و مآخذ

۱. اصطباری، امیرحسین (۱۳۸۶). «تاچریسم، بلریسم و راه سوم»، نشریه شهروند، ش. ۶. <http://www.ensani.ir/fa/content/45106/default.aspx>
۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) ۱۳۹۳/۸/۴، «طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر؛ موافقان و مخالفان»، کد خبر (۴۳۰۶۷۸۹) ۸۱۳۶۵۱۵، آخرین بازدید: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶. <http://www8.irna.ir/fa/News/81363515>
۳. صانعی، پرویز (۱۳۸۹). *حقوق و اجتماع: رابطه حقوق و عوامل اجتماعی و روانی*، چاپ دوم، تهران، طرح نو.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، چاپ یکصدم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳/۲/۱۳). دوره ششم، جلسه (۴۲۲)، روزنامه رسمی، ش ۱۷۲۶۲.
۶. _____ (۱۳۸۳/۲/۱۵). دوره ششم، جلسه (۴۲۳)، روزنامه رسمی، ش ۱۷۲۶۳.
۷. _____ (۱۳۸۲/۸/۲۱). دوره ششم، جلسه (۳۷۴)، روزنامه رسمی، ش ۱۷۱۱۳.
۸. _____ (۱۳۸۳/۱/۲۵). دوره ششم، جلسه (۴۱۲)، روزنامه رسمی، ش ۱۷۲۳۰.
۹. _____ (۱۳۸۱/۹/۲۵). دوره ششم، جلسه (۲۷۶)، روزنامه رسمی، ش ۱۶۸۶۳.
۱۰. _____ (۱۳۷۳/۶/۲۹). دوره چهارم، جلسه (۲۵۴)، روزنامه رسمی، ش ۱۴۴۴۹.
۱۱. هژبرالساداتی، هانیه و محمدجعفر حبیبزاده (۱۳۹۳). «عدالت اجتماعی و عدالت کیفری؛ جدایی یا پیوند»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۸.
12. Bankalar, Caddesi and Han Minerva (2006). *The Spirit of the Police Laws in Turkey: Legislative Discourses, Instruments and Mentality*, TESEV (Turkish Economic and Social Studies Foundation) Democratization Program Policy Report Series: Security Sector 5 Report Summary; Available at: www.tesev.org.tr.
13. Blyth, Mark (2012). "Paradigms and Paradox: The Politics of Economic Ideas in Two Moments of Crisis", *Governance: An International Journal of Policy, Administration, and Institutions*, Vol. 26, Issue 2, Article first Published online: 19 NOV 2012. DOI: 10.1111/gove.
14. Burchianti, Flora and Richard Zapata-Barrero (2013). *Applying Tolerance Indicators: Assessing Tolerant and Intolerant Discourses and Practices in Political Life*, Accept Pluralism Research Project, European Commission

- (European Research Area), Seventh Framework Programme Social Sciences and Humanities, Published by: European University Institute.
15. Cipriani, Andréia Cristina (2002). *Power in Religious Discourse: a Discourse Analysis of Two Sermons From the Universal Church of the Kingdom of God*, Florianópolis, Universidade Federal de Santa Catarina, Mestre em Letras.
 16. Coe, Kevin and David Domke (2006), "Petitioners or Prophets? Presidential Discourse, God, and the Ascendancy of Religious Conservatives", *Journal of Communication, International Communication Association*, No.56.
 17. Cover, Robert M. (1983). "The Supreme Court, 1982 Term - Foreword: Nomos and Narrative" Faculty Scholarship Series. Paper 2705; http://digitalcommons.law.yale.edu/fss_papers/2705.
 18. Crepault, Daniel (2013). *Safe Streets and Communities? Public Discourses on a Canadian "Tough-on-Crime" Legislation*, A thesis Submitted to the Faculty of Graduate and Postdoctoral Affairs in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts, in Legal Studies, Carlton University, Ottawa, Ontario.
 19. Cynthia, De Simone (2003). *Covenant Marriage Legislation: How the Absence of Interfaith Religious Discourse Has Stifled the Effort to Strengthen Marriage*, 52 Cath. U. L. Rev.
 20. Dixon, Deborah P. and Holly M. Hapke (2003). "Cultivating Discourse: The Social Construction of Agricultural Legislation", *Annals of the Association of American Geographers*, 93(1).
 21. Garland, David (1996). "The Limits of the Sovereign State: Strategies of Crime Control in Contemporary Society", *The British Journal of Criminology*, Vol.36, No.4.
 22. Hall, Petter A. (1993). "Policy Paradigms, Social Learning and the State: The Case of Economic Policy-Making in Britain", *Comparative Politics*, Vol. 25, No.3, Available at: <http://scholarship.law.edu/lawreview/vol52/iss2/7>.
 23. Ilie, Cornelia (2006). Parliamentary Discourses. In: Keith Brown (ed.) *Encyclopedia of Language and Linguistics* 2nd Edition, Vol. 9, Oxford, Elsevier.
 24. International Commission of Jurists (2009). *Sexual Orientation, Gender Identity and International Human Rights Law*, Practitioners Guide No.4, Geneva.
 25. Ismaili, Karim (2006). "Contextualizing the Criminal Justice Policy-Making Process", *Criminal Justice Policy Review*, Vol.17, No.3.
 26. Jaworski, Adam (2006). Coupland, Nikolas (ed.), *The Discourse Reader*, Second Edition, Routledge, New Yourk (USA).
 27. Johnson, Paul and Robert M. Vanderbeck (2014). *Law, Religion and Homosexuality*, New York, Routledge, First Published.
 28. Jones, Trevor and Tim Newburn (2002). "Policy Convergence and Crime Control in the USA and the UK: Streams of Influence and Levels of Impact", *Criminal Justice Journal*, Sage Publication, Vol.2, No.2.

29. Lacey, Nicola and Lucia Zedner (1995). "Discourses of Community in Criminal Justice", *Journal of Law and Society*, Vol. 22, No. 3, <http://www.jstor.org/stable/1410584>.
30. Law Drafting and Legislative Process in the Republic of Serbia, an Assessment, Warsaw (30 December, 2011). Legis Paper-Nr.: 200/2011 YA; at www.legislationline.org.
31. Naomi, Mezey (2001). "Law as Culture", *Yale Journal of Law & the Humanities*, Vol. 13:35.
32. Oslon, Greta (2014). *Narration and Narrative in Legal Discourse*, Published on the Living Handbook of Narratology: <https://www.lhn.uni-hamburg.de>.
33. Parisi, Francesco and Vincy Fon (2009). *The Economics of Lawmaking*, New Yourk, Oxford University Press.
34. Solomon, Peter H. (1981). "The Policy Process in Canadian Criminal Justice: A Perspective and Research Agenda", *Canadian J. Criminology*, 23, 5.
35. _____ (2014). "The Making of Criminal Law in Russia and the West: the Policy Process, Administration, and the Role of Experts", *Public Administration Issues*, Special Issue.
36. Tesemma, Shimelis Tsegaye (2014). *Economic Discourses of Disability in Africa: an Overview of Lay and Legislative Narratives*, in: African Disability Rights Yearbook.
37. <http://www.historyofparliamentonline.org/periods/tudors/elizabethan-social-and-economic-legislation>.

ارزیابی همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه‌های برتر ایران: با رهیافت تحلیل راهبردی (SWOT)

عباس رضانی،* محمد قهرمانی،** محمدحسن پرداختچی*** و
غلامرضا ذاکر صالحی****

تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۵/۱۳

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۹/۱۱

هدف از این پژوهش، ارزیابی وضعیت همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه‌های برتر ایران با شناسایی و اولویت‌بندی نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌های آن (تحلیل SWOT) بود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر رویکرد و گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی است. نمونه پژوهش ۳۱۳ نفر بوده و از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی از بین جامعه پژوهش شامل ۶۴۷۸ عضو هیئت علمی ۱۰ دانشگاه برتر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که روایی محتوایی آن را متخصصان امر مورد تأیید قرار دادند و پایایی آن نیز با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۱۶ محاسبه شد. تحلیل داده‌ها با روش FBWM صورت گرفت. مهمترین نقاط قوت شامل افزایش حضور و تعامل محققان در همایش‌های بین‌المللی و وجود بسترهای مناسب توسعه بین‌المللی در دانشگاه‌ها؛ مهمترین نقاط ضعف شامل ناکافی بودن گزنت سالانه اساتید و عدم اشراف مدیران دانشگاه‌ها به این حوزه؛ مهمترین فرصت‌ها شامل گرایش جمعیت جوان به تغییر در شیوه تعاملات بین‌المللی و اقبال جامعه جهانی به پذیرش ایران در کنسرسیوم‌های دانشگاهی بین‌المللی و مهمترین تهدیدها شامل رکود اقتصادی در بیشتر کشورها، فراهم نبودن زمینه‌های سیاسی همکاری و گسترش ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی در جهان بودند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل SWOT؛ همکاری‌های علمی بین‌المللی؛ دانشگاه‌های برتر ایران؛ BWM فازی

* دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)؛

Email: a_ramezani@sbu.ac.ir

Email: m-ghahramani@sbu.ac.ir ** دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی؛

Email: m_pardakhtchi@sbu.ac.ir *** استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی؛

Email: rsalehi514@gmail.com **** دانشیار گروه مطالعات تطبیقی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛

مقدمه

جهانی شدن، بسیاری از حوزه‌های آموزشی، اقتصادی، علمی، فنی، اجتماعی و سیاسی و به تبع آنها تمام شئون جوامع و ملل را به شدت دگرگون ساخته است و با درنوردیدن مرزهای سیاسی و جغرافیایی، انسان را در یک دهکده جهانی فرض می‌کند که نیازمند برقراری ارتباط با فرهنگ‌ها، اقوام و آداب و رسوم مختلف برای نیل به توسعه همه‌جانبه است (گراسیت^۱، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، نیروهای جهانی شدن و بین‌المللی شدن در هم تنیده شده و در حال شکل‌دهی نوعی نظم نوین جهانی هستند (ولچ^۲، ۲۰۱۲: ۳۱۰). آموزش عالی نیز از تأثیرات این روند، بی‌نصیب نبوده و مؤسسات آموزش عالی برای حفظ مزیت رقابتی خود در چنین فضایی، ناگزیرند به سرعت، خود را با شرایط خاص حاکم بر آن انطباق دهند و لذا می‌کوشند تا در اندیشه و عمل فراتر از مرزهای ملی و محلی خود باشند. شدت این امر به گونه‌ای است که کاتو و آندو^۳ (۲۰۱۷: ۶۷۴) معتقدند در دو دهه اخیر فعالیت‌های دانشگاهی کاملاً بین‌المللی شده و بیش از رقابت علمی، معطوف به همکاری‌های علمی بین‌المللی (هعب) بوده‌اند. لائو و لین^۴ (۲۰۱۷: ۴۳۸) معتقدند همکاری‌های علمی بین‌المللی مفهومی سیال بوده و به‌عنوان یکی از اشکال غالب بین‌المللی شدن آموزش عالی طیف وسیعی از فعالیت‌ها اعم از تبادل دانشجو، تبادل استاد، فعالیت‌های مشترک بین‌المللی و ... را شامل می‌شود. یامادا^۵ (۲۰۱۳) همکاری‌های علمی بین‌المللی را فارغ از اشکال قراردادی آن (تبادل دانشجو و ...)، بیش از هر چیز به صورت پروژه‌های آموزشی و پژوهشی مشترک و فراتر از فرد، در سطح مؤسسات تعریف می‌کند. آرچامبالت و همکاران^۶ (۲۰۱۶) نیز همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه‌ها را شامل تبادلات علمی، تدوین برنامه درسی، ارائه دروس مشترک، همکاری‌های پژوهشی و ... در سطح افراد، مؤسسات و کشورها می‌دانند. اهداف همکاری‌های علمی بین‌المللی نیز در سطوح مختلف، متفاوت بوده و در کشورهای در حال توسعه شامل تقویت بخش خصوصی، توسعه زیرساخت‌های آموزشی،

1. Grasset

2. Welch

3. Kato and Ando

4. Lau and Lin

5. Yamada

6. Archambault and et al.

توسعه صنعت گردشگری و توسعه نیروی انسانی و رشد اقتصادی است. دی‌ویت^۱ (۲۰۰۲) نیز همکاری‌های علمی بین‌المللی را شامل تبادل دانشجو، استاد و کارکنان، تبادلات علمی، تدوین برنامه درسی مشترک، برگزاری دوره‌های مشترک، همکاری‌های پژوهشی و ... می‌داند. همکاری‌های علمی بین‌المللی در ایران سابقه‌ای دیرینه داشته و در اعصار گذشته، ایران پیشتاز علم و فناوری و مهد رجوع اندیشمندان جهان بوده و بسیاری از موفقیت‌های گذشته آن با شکل‌گیری چنین ارتباطاتی بوده که به تحکیم روابط با همسایگان و قدرت‌های سیاسی و علمی جهان منجر شده است اما طی دوران، این ارتباطات کمتر شده و در حال حاضر دانشگاه‌های ایران، به دلیل شرایط مذهبی، فرهنگی و سیاست‌های خاص بین‌المللی و ماهیت انقلابی و خوی ضداستکباری انقلاب اسلامی، با چالش‌های فراوانی در این خصوص مواجه‌اند. سالانه خیل عظیمی از سرمایه انسانی کشور، جلای وطن گفته و عازم کشورهای مختلف می‌شوند و برنامه جامعی برای اعزام، بازگشت و یا جبران خروج آنها از طریق تبادل دانشجو و ... وجود ندارد. این در حالی است که تعداد دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های مختلف جهان بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ بیش از ۲/۵ برابر شده است و اکنون حدود ۵ میلیون دانشجو در دانشگاه‌های کشورهای غیر از موطن اصلی خود در حال تحصیل‌اند (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۱۷: ۲۹۶). ایران با داشتن ۵۱۳۹۵ دانشجو در خارج، از ۱۰ کشور اول دنیا در میزان صدور دانشجویان و چین با ۸۰۱۱۸۷، هند با ۲۵۵۰۳۰، آلمان با ۱۶۳۴۲، فرانسه با ۸۰۶۳۵، قزاقستان با ۷۷۹۶۵ نفر به ترتیب پنج کشور اول جهان در صادرات دانشجو بوده و ایران، پس از مالزی و ایتالیا در رده هشتم جهان قرار دارد (مؤسسه آمار یونسکو^۲، ۲۰۱۸). سهم ایران از پذیرش دانشجویان خارجی نیز بسیار اندک و مختصر است آمار موجود مربوط به جامعه‌المصطفی یا دانشجویان افغانی است که برای کشور نیز هزینه دارند. بنابراین برای حضور جدی و پررنگ در عرصه همکاری‌های علمی بین‌المللی به عنوان پیش‌نیاز پیشرفت موتور محرکه توسعه کشور یعنی

1. Dewit

2. OECD

3. UNESCO Institute for Statistics (UIS)- Data extracted on 30 Jan 2018 19:47 UTC (GMT) from UIS.Stat

دانشگاه‌ها، بایستی تدابیر لازم اندیشیده شود که البته پیش از آن بدون شک باید به ارزیابی و تحلیل راهبردی وضعیت فعلی همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه‌ها پرداخت.

۱. بیان مسئله

امروزه دانشگاه‌ها به دلایل مختلفی با یکدیگر ارتباط دارند که مهم‌ترین آنها، ارتقای توانایی برای رقابت در بازار جهانی آموزش عالی است. از سویی به دلیل توزیع نامتقارن منابع دانش، فناوری و ملزومات فعالیت در عصر جهانی شدن، نهادها ناگزیر به همکاری‌های علمی بین‌المللی روی می‌آورند و شبکه‌هایی از همکاری برای تسهیم دانش و منابع سازمانی شکل می‌گیرد. از این رو توافق میان متخصصان یا دانشگاه‌ها بر سر تسهیم توانایی‌هایشان برای تحقق اهداف را همکاری‌های علمی بین‌المللی می‌گویند (کالای، ۲۰۰۱). البته اهمیت این همکاری‌ها صرفاً منحصر به تبادل آزاد دانشجویان، استادان و کارکنان نیست، بلکه بیشتر به دلیل ایجاد و گسترش ائتلاف‌های استراتژیک برای بهره‌برداری بیشتر از منابع و سرمایه‌های کمیاب است. افزایش درآمد ناخالص ملی، رونق بخش گردشگری، ورود ارز به کشور، صادرات خدمات آموزشی، ارتقای وجهه علمی کشور، شناساندن فرهنگ غنی و صلح‌طلب و اصیل ایرانی، تعاطی افکار و تضارب اندیشه‌ها، رشد، توسعه و تعمیق دانش و مهارت متخصصان و دانشگاهیان، ایجاد مزیت رقابتی برای دانشگاه‌ها، افزایش سطح درآمد و رفاه نخبگان و تحصیلکردگان با کسب اعتبار بین‌المللی و توسعه سطح تبادلات بین‌فرهنگی و ... تنها بخش کوچکی از هزاران مزیتی است که همکاری‌های علمی بین‌المللی متوجه کشور خواهد ساخت. البته این مهم مورد توجه اهل علم بوده و دانشگاه‌های برتر کشور در برنامه‌های توسعه مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان (قانون برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۵) و همچنین سند چشم‌انداز بیست‌ساله (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۲) و سایر اسناد بالادستی، با تأکید بیش از پیش، موظف به توسعه این همکاری‌ها شده‌اند. لذا در نقشه جامع علمی کشور (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹) درخصوص «توسعه روش‌های روان‌سازی جریان دانش در ابعاد ملی و بین‌المللی از طریق اجرای پروژه‌های پژوهشی مشترک، ایجاد

مراکز آموزشی و پژوهشی مشترک با کشورهای مختلف، توسعه دوره‌های تخصصی مشترک و گسترش خوسه‌های همکاری‌های علمی بین‌المللی» تأکید شده است. بر این مبنا با نیم‌نگاهی به نیازهای کشور برای رشد علمی در منطقه و جهان، ضرورت مطالعه و برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه این همکاری کاملاً احساس می‌شود و در این راستا بایستی پیش از هر اقدامی نسبت به ارزیابی وضعیت موجود و شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های کشور و به‌ویژه دانشگاه‌های برتر به‌عنوان مستعدترین دانشگاه‌ها و البته الگوی سایر دانشگاه‌ها اقدام کرد. لذا پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

۱. اولویت‌بندی نقاط قوت مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های برتر ایران چگونه است؟
۲. اولویت‌بندی نقاط ضعف مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های برتر ایران چگونه است؟
۳. اولویت‌بندی فرصت‌های مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های برتر ایران چگونه است؟
۴. اولویت‌بندی تهدیدهای مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های برتر ایران چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

ادلسون^۱ (۲۰۰۳) پس از معرفی چالش‌های مدیریتی، مالی، سیاسی و فرهنگی مؤسسات آموزش عالی آمریکا در زمینه همکاری‌های علمی بین‌المللی، چندین استراتژی مواجهه، از جمله ارتقای مهارت کارکنان، آمادگی ساختاری، توجه به نابرابری اقتصادی بین ملت‌ها و افزایش تعهد به جهانی شدن را مطرح می‌کند. استیر^۲ (۲۰۱۰: ۳۴۶) با بررسی ۱۶ دانشگاه از کشورهای مختلف دریافت تمامی این دانشگاه‌ها نگاه‌های متفاوتی به مقوله بازمهندسی ساختاری خود برای همکاری‌های علمی بین‌المللی دارند اما برای ورود به این عرصه به‌رغم

1. Edelson

2. Stier

قوت‌ها و ضعف‌های کاملاً متفاوت، با فرصت‌ها و تهدیدهای عموماً مشابه مواجه‌اند (با توجه به انتخاب دانشگاه‌ها از آمریکا و اروپا این امر چندان دور از انتظار نیست). دیوردر^۱ (۲۰۰۴) با اشاره به شبکه‌ای شدن اجتماعات انسانی و اهمیت و ضرورت همکاری‌های علمی بین‌المللی، عوامل درونی مؤثر بر گسترش این همکاری‌ها را استراتژی سازمان، اهداف واحدها، ساختارهای درونی، مهارت‌های کارکنان و سبک مدیریت آموزشی دانشگاه و عوامل بیرونی را، حمایت‌های دولتی، خصوصی شدن دانشگاه‌ها و تفاوت‌های فرهنگی عنوان می‌کند (اسماعیل‌نیا، ۱۳۹۰). آرچامبالت و همکاران (۲۰۱۶) انگیزه‌های دانشگاه‌ها برای همکاری‌های علمی بین‌المللی را ایجاد تمایز با سایر دانشگاه‌ها، کسب سهم بیشتر از بازار، تقویت جایگاه و وجهه، افزایش نفوذ و دسترسی به منابع کمیاب و ارزشمند که شامل تبادل دانشجو، استاد و محتوا، تدوین برنامه درسی مشترک، همکاری‌های پژوهشی و ... می‌داند. بوزمن^۲ (۲۰۰۹) عوامل تسهیلگر اجرای موفق همکاری‌های علمی بین‌المللی را در ۶ محور شامل برابری و تقابل شرکا، ویژگی‌های بارز شرکا، روابط شرکا، اعتبارات مالی، استراتژی‌ها و نیروی انسانی طبقه‌بندی کرده است. سور^۳ (۲۰۱۳: ۳۷۴) امکان ارتقای بی‌نهایت برای اساتید و دانشجویان داخلی را مهمترین فرصت همکاری‌های علمی بین‌المللی و عدم بهره‌گیری کافی از این فضای همکاری توسط مخاطبان آن را بزرگ‌ترین تهدید همکاری‌های علمی بین‌المللی می‌داند.

فاضلی و شمس (۱۳۸۳) علل ضعف ارتباطات علمی دانشگاهی را بی‌توجهی دولت به گسترش همکاری‌های علمی بین‌المللی، عدم اختصاص بودجه کافی، ناآشنایی و ضعف بینش در روابط بین‌الملل، برخورد انتقادی ایران و غرب و تضادها و تعارض‌های سیاسی و ... دانسته‌اند. استادزاده (۱۳۸۴) به بررسی وضعیت موجود همکاری‌های علمی بین‌المللی براساس تفاهم‌نامه‌های منعقد شده، انعقاد تفاهم‌نامه را یکی از مؤلفه‌های اصلی همکاری‌های علمی بین‌المللی دانسته و از نبود پشتوانه اجرایی آنها انتقاد می‌کند. کورش^۴ و همکاران (۲۰۱۳) همکاری‌های علمی بین‌المللی را یکی از مسیرهای دستیابی به جهانی

1. Deborder
2. Bozeman
3. Sewer
4. Qureshi

متوازن و دارای توزیع عادلانه دانش و تکنولوژی دانسته و حمایت مدیریت عالی دانشگاه، تضمین کیفیت، برنامه‌ریزی بلندمدت و توسعه متوازن آن را به‌عنوان عوامل اصلی موفقیت این همکاری‌ها معرفی می‌کنند. کاتو و آندو (۲۰۱۷: ۶۷۳) در بررسی خود دریافتند که همخوانی بسیار زیادی بین انتخاب کشور برای همکاری‌های علمی بین‌المللی و مقصد مهاجرت پژوهشگران وجود دارد و همچنین میزان این همکاری‌ها، رابطه مثبت و قوی با سطح علم و تکنولوژی کشورها دارد و کشورهای پیشرفته‌تر تمایل بیشتری به این همکاری دارند و نگرش سیاسی و فرهنگی کشورها به یکدیگر نیز در این زمینه اثرگذار است. سانچز^۱ و همکاران (۲۰۱۷: ۱۰۳) نقش ضمانت اجرایی و اعتبار و جایگاه طرف همکاری را در گسترش همکاری‌های علمی بین‌المللی بسیار مؤثر می‌دانند. سلاتو^۲ و همکاران (۲۰۱۵: ۱۰۹-۱۰۸) معتقدند مهمترین عامل گسترش همکاری‌های علمی بین‌المللی مهاجرت نخبگان به‌عنوان گروه مرجع جامعه علمی بوده است و عواملی چون رشد ظرفیت پژوهش در برخی کشورها، توسعه سیستم‌های ارتباطی و مسافرتی، گسترش سیستم‌های مالی بین‌المللی و شبکه‌ای شدن فعالیت‌های آکادمیک نیز در کنار این عامل باعث گسترش همکاری‌های علمی بین‌المللی شده‌اند. در مجموع، مرور پیشینه پژوهشی مرتبط با تحلیل همکاری‌های علمی بین‌المللی نشان می‌دهد، رویکرد نظام‌مندی برای سنجش آن به‌عنوان فرایندی چندوجهی (مبتنی بر مدل‌های شناخته‌شده راهبردی) وجود ندارد (دی‌ویت، ۲۰۰۲).

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی، از نظر رویکرد و گردآوری داده‌ها از نوع کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیر آزمایشی و از نظر روش، توصیفی - پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری اعضای هیئت علمی ۱۰ دانشگاه برتر معرفی شده از سوی ISC در سال ۱۳۹۵ (پنج دانشگاه از ۱۰ دانشگاه برتر جامع و پنج دانشگاه از ۱۰ دانشگاه برتر صنعتی) را شامل می‌شود که برابر با ۶۴۷۸ نفر است. روش نمونه‌گیری پژوهش، طبقه‌ای نسبی بود. بر مبنای فرمول کوکران، تعداد نمونه ۳۶۳ برآورد شد و با رعایت حداقل و احتمال ریزش و

1. Sánchez

2. Scellato

بر اساس نسبت حجم طبقات جامعه، نسبتی در حدود ۵ درصد تعداد هر طبقه به صورت مندرج در جدول ۱ به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که به منظور محاسبه پایایی آن، پرسشنامه برای ۴۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف اجرا و آلفای آن برابر ۰/۸۱۶ حاصل شد. علاوه بر روایی صوری که در خصوص ساختار ظاهری، ترتیب سؤال‌ها و تناسب گویه‌ها مطرح است، برای تعیین روایی محتوایی پرسشنامه از تأیید اساتید استفاده شد و پس از اجرای پایلوت و حذف هشت گویه مشترک و تکراری از پرسشنامه، نهایتاً از روایی محتوایی اطمینان حاصل شد. به این ترتیب گویه‌های پرسشنامه از ۹۱ به ۷۳ گویه تقلیل یافت.

جدول ۱. توزیع نمونه آماری پژوهش

تعداد بازگشت	حجم نمونه	تعداد جامعه	دانشگاه‌ها
۹۹	۱۱۰	۲۰۵۰	تهران
۳۶	۴۰	۷۲۷	تربیت مدرس
۳۱	۴۵	۸۰۰	تبریز
۳۴	۴۵	۸۰۵	شهید بهشتی
۱۵	۱۵	۱۳۳	تحصیلات تکمیلی زنجان
۲۷	۳۰	۴۸۴	صنعتی شریف
۲۶	۳۰	۴۷۳	امیرکبیر
۲۳	۲۵	۳۹۴	علم و صنعت
۱۷	۲۰	۳۶۷	خواجه نصیر
۵	۱۴	۲۴۵	سهند
۳۱۳	۳۷۴	۶۴۷۸	جمع کل

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

برای تحلیل داده‌های پژوهش نیز از روش بهترین - بدترین فازی^۱ استفاده شد که آن را گو و ژائو^۲ (۲۰۱۷) ارائه کردند و الگوریتم آن مشابه روش بهترین - بدترین قطعی است. در این روش اگر n معیار وجود داشته باشد مقایسات زوجی آنها با عبارات کلامی موجود

1. Fuzzy Best-Worst Method (FBWM)

2. Guo and Zhao

در جدول ۲ با یکدیگر مقایسه و به اعداد فازی متناظر تبدیل می‌شوند. رضایی (۲۰۱۵) هدف از ارائه روش بهترین - بدترین به‌جای تحلیل سلسله‌مراتبی^۱ را معرفی جایگزینی مناسب در مواقعی می‌داند که تعداد عوامل (به‌مثابه این پژوهش) زیاد است. همچنین وی پایایی روش بهترین - بدترین را از تحلیل سلسله‌مراتبی بالاتر می‌داند. گو و ژائو نیز رویکرد بهترین - بدترین فازی را ارائه دادند و نرخ سازگاری این روش را نسبت به روش بهترین - بدترین بهتر دانسته‌اند. این پژوهش شامل چهار معیار اصلی قوت (با ۱۵ زیرمعیار)، ضعف (با ۱۸ زیرمعیار)، فرصت (با ۲۰ زیرمعیار) و تهدید (با ۲۰ زیرمعیار) بوده و با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی برای وزندهی عوامل، به تعداد $\frac{n(n-1)}{2}$ مقایسه زوجی (۶۶۴) نیاز خواهد بود؛ در صورتی که با استفاده از روش بهترین - بدترین تعداد $2n-3$ مقایسه زوجی (۱۳۹ مورد) صورت گرفت.

جدول ۲. عبارات کلامی و اعداد فازی متناظر گو و ژائو (۲۰۱۷)

عبارات کلامی	عدد فازی
اهمیت برابر	(۱,۱,۱)
اهمیت کم	(۶,۱,۱.۵)
نسبتاً مهم	(۱.۵,۲,۲.۵)
خیلی مهم	(۲.۵,۳,۳.۵)
کاملاً مهم	(۳.۵,۴,۴.۵)

مأخذ: همان.

گام‌های اجرایی این روش تحلیل به‌اختصار به‌صورت ذیل قابل ذکر است:

گام اول: ایجاد سیستم تصمیم (استخراج) معیارها.

گام دوم: تعیین بهترین (با اهمیت‌ترین: C_B) و بدترین (کم اهمیت‌ترین: C_W) معیار از نظر خبرگان.

گام سوم: مقایسه زوجی بهترین معیار با دیگر معیارها $\tilde{A}_B = (\tilde{a}_{B1}, \tilde{a}_{B2}, \dots, \tilde{a}_{B3})$

گام چهارم: مقایسه زوجی دیگر معیارها با معیار بدترین $\tilde{A}_W = (\tilde{a}_{1W}, \tilde{a}_{2W}, \dots, \tilde{a}_{3W})$

گام پنجم: تعیین وزن‌های بهینه $(\bar{W}_1^*, \bar{W}_2^*, \dots, \bar{W}_n^*)$ و \bar{W}_i .

$$\min \xi$$

$$\text{s.t.}$$

$$\left| \frac{\tilde{w}_b}{\tilde{w}_j} - \tilde{a}_{Bj} \right| \leq \tilde{a}$$

برای تمامی زها

$$\left| \frac{w_j}{w_w} - \tilde{a}_{jw} \right| \leq \tilde{a}$$

برای تمامی زها

$$\sum_j R(\tilde{w}_j) = 1$$

$$l_j^w \leq m_j^w \leq u_j^w, \quad l_j^w \geq 0, \quad w_j \geq 0, \quad \text{for all } j \quad \text{برای تمامی زها}$$

گام ششم: تعیین نسبت سازگاری با استفاده از ξ^* و شاخص سازگاری.

جدول ۳. شاخص سازگاری روش BWM فازی

a_{Bw}	اهمیت برابر	اهمیت کم	نسبتاً مهم	خیلی مهم	کاملاً مهم
	(۱,۱,۱)	(۰.۶۷,۱,۱.۵)	(۱.۵,۲,۲.۵)	(۲.۵,۳,۳.۵)	(۳.۵,۴,۴.۵)
شاخص سازگاری	۳	۳.۸	۵.۲۹	۶.۶۹	۸.۰۴
$\frac{\xi^*}{\text{شاخص سازگاری}} = \text{نرخ سازگاری}$					

مأخذ: همان.

۴. یافته‌های پژوهش

ابتدا مدل بهینه‌سازی غیرخطی ایجاد می‌شود اما به بیان گو و ژائو (۲۰۱۷) در مدل‌های دارای بیش از سه معیار بهتر است مدل به خطی تبدیل شود که این امر توسط نرم‌افزار لینگو^۱ صورت گرفت و نتایج در جدول ۴ ذکر شد.

جدول ۴. وزن و اولویت معیارهای اصلی

نام معیار	وزن فازی	وزن قطعی	اولویت
نقاط قوت	(۰.۱۱۹, ۰.۱۸۲, ۰.۲۰۲)	۰.۱۷۵	۳
نقاط ضعف	(۰.۱۱۶, ۰.۱۴۴, ۰.۱۴۴)	۰.۱۳۹	۴
نقاط فرصت	(۰.۲۴۸, ۰.۳۵۶, ۰.۳۵۶)	۰.۳۳۸	۲
نقاط تهدید	(۰.۲۹۲, ۰.۳۵۶, ۰.۳۵۶)	۰.۳۴۵	۱
$\frac{0.293}{2.776} = 0.052 = \text{نرخ سازگاری}$			

مأخذ: همان.

وزن فازی معیارهای اصلی مستقیماً از حل مدل در نرم‌افزار لینگو حاصل شد و سپس این اوزان فازی توسط رابطه $R(\tilde{a}_i) = \frac{l_i + 4m_i + u_i}{6}$ تبدیل به وزن قطعی شدند. در انتها نیز برای نرمال‌سازی اوزان، هر وزن بر مجموع اوزان تقسیم شد. نتایج چنین است که تهدیدها (C4) با وزن ۰/۳۴۵، اولویت اول، فرصت‌ها (C3) با وزن ۰/۳۳۸، اولویت دوم، نقاط قوت (C1) با وزن ۰/۱۷۵، اولویت سوم و نقاط ضعف (C2) با وزن ۰/۱۳۹، اولویت چهارم را به خود اختصاص دادند. همچنین نرخ سازگاری معادل ۰/۰۵۲ محاسبه شد که نشانگر سازگاری بالای مقایسه زوجی است.

سؤال ۱: اولویت‌بندی نقاط قوت مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های برتر ایران چگونه است؟

برای پاسخگویی به این سؤال ابتدا با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف نرمال بودن داده‌ها بررسی شد. سپس به دلیل نرمال نبودن داده‌ها برای مقایسه گویه‌ها از آزمون ناپارامتری فریدمن استفاده شد و چون سطح معناداری به دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ بود، فرض صفر رد و تفاوت (اولویت) موجود بین مؤلفه‌ها براساس میانگین رتبه‌ای تأیید شد و برای اطمینان از رتبه‌بندی صحیح مؤلفه‌ها از تکنیک بهترین - بدترین فازی به شرح زیر استفاده شد. برای این منظور به طریق مشابه معیارهای اصلی، مدل بهینه‌سازی برای زیرمعیارهای نقاط قوت (C1) ایجاد شد و بعد از حل آن، نتایج با توجه به اولویت و وزن‌های هر زیرمعیار در جدول ۵ ذکر شد.

جدول ۵. وزن و اولویت زیرمعیارهای نقاط قوت (C1)

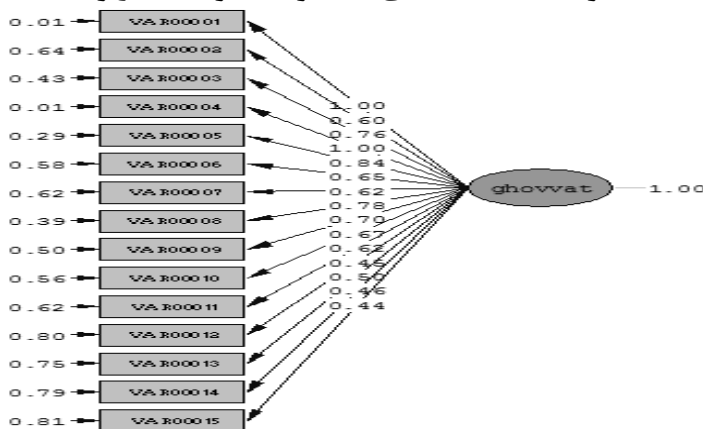
اولویت	وزن قطعی	وزن فازی	نام معیار
۱	۰.۱۱۲	(۰.۱۰۵, ۰.۱۱۳, ۰.۱۱۳)	افزایش حضور و تعامل دانشجویان و اساتید در همایش‌های بین‌المللی
۲	۰.۱۰۹	(۰.۱۰۲, ۰.۱۱۰, ۰.۱۱۰)	وجود امکانات و فضای مناسب توسعه بین‌المللی در دانشگاه‌ها
۳	۰.۱۰۵	(۰.۰۹۷, ۰.۱۰۷, ۰.۱۰۷)	گسترش کمی و کیفی تحصیلات تکمیلی
۳	۰.۱۰۵	(۰.۰۹۷, ۰.۱۰۷, ۰.۱۰۷)	گسترش مراکز دانشگاهی غیردولتی، آزاد و ...
۴	۰.۰۹۶	(۰.۰۸۷, ۰.۰۹۸, ۰.۰۹۸)	صدور بخشنامه‌های جدید برای تسهیل فعالیت‌های علمی بین‌المللی
۵	۰.۰۷۸	(۰.۰۵۸, ۰.۰۷۹, ۰.۰۹۳)	گسترش همکاری بین‌المللی در انجام پایان‌نامه‌ها
۶	۰.۰۷۰	(۰.۰۵۴, ۰.۰۷۱, ۰.۰۸۳)	گسترش بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین آموزشی در دانشگاه‌ها
۷	۰.۰۶۹	(۰.۰۵۱, ۰.۰۶۷, ۰.۰۸۳)	افزایش تعداد مقالات ایرانی در نشریات بین‌المللی

اولویت	وزن قطعی	وزن فازی	نام معیار
۸	۰.۰۴۸	(۰.۰۳۳, ۰.۰۴۹, ۰.۰۵۸)	تأسیس پردیس‌ها و واحدهای بین‌المللی دانشگاه‌ها
۹	۰.۰۴۴	(۰.۰۳۷, ۰.۰۴۴, ۰.۰۵۰)	گسترش تمایل به هم‌تألیفی بین‌المللی در بین دانشگاهیان
۱۰	۰.۰۴۱	(۰.۰۳۰, ۰.۰۴۲, ۰.۰۴۷)	توجه بیش از پیش دانشگاه‌ها به مرکز و دفاتر همکاری‌های علمی بین‌المللی
۱۱	۰.۰۳۳	(۰.۰۲۶, ۰.۰۳۴, ۰.۰۳۷)	ایجاد رشته‌های جدید و پر مخاطب با تأکید بر میان‌رشته‌ای‌ها
۱۲	۰.۰۳۲	(۰.۰۲۵, ۰.۰۳۳, ۰.۰۳۵)	ارتقای سطح سواد فناوری در بین دانشگاهیان
۱۳	۰.۰۳۱	(۰.۰۲۸, ۰.۰۳۱, ۰.۰۳۳)	افزایش نشریات علمی - پژوهشی بین‌المللی و آی.اس.ای ایرانی
۱۴	۰.۰۲۷	(۰.۰۲۴, ۰.۰۲۷, ۰.۰۲۸)	گسترش پارک‌های علمی و مراکز تحقیقاتی با فعالیت‌های بین‌المللی
$\frac{0.403}{7.85} = 0.051$ نرخ سازگاری =			

مأخذ: همان.

سپس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری، رابطه متغیرهای پنهان و مشهود (مؤلفه‌ها و گویه‌ها) برای مؤلفه نقاط قوت بررسی شد. با توجه به بارهای عاملی مؤلفه نقاط قوت و گویه‌های آن، همبستگی و رابطه معناداری بین گویه‌های این مؤلفه مشاهده می‌شود و با گویه ۱ (افزایش حضور و تعامل دانشجویان و اساتید در همایش‌های بین‌المللی) و ۴ (افزایش تعداد مقالات ایرانی در نشریات بین‌المللی) بیشترین همبستگی و با گویه ۱۵ (وجود امکانات و فضای مناسب توسعه بین‌المللی در دانشگاه‌ها) کمترین همبستگی را داشت.

نمودار ۱. بارهای عاملی نقاط قوت با گویه‌های مربوط



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

سؤال ۲: نقاط ضعف مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های برتر ایران و همبستگی و اولویت مؤلفه‌های آن از منظر اعضای هیئت علمی آنها چگونه است؟

برای پاسخگویی به این سؤال نیز دقیقاً به ترتیب سؤال اول عمل شد و مدل بهینه‌سازی برای زیرمعیارهای نقاط ضعف (C2) ایجاد شد و بعد از حل آن، نتایج با توجه به اولویت و وزن‌های هر زیرمعیار در جدول ۶ ذکر شد.

جدول ۶. وزن و اولویت زیرمعیارهای نقاط ضعف (C2)

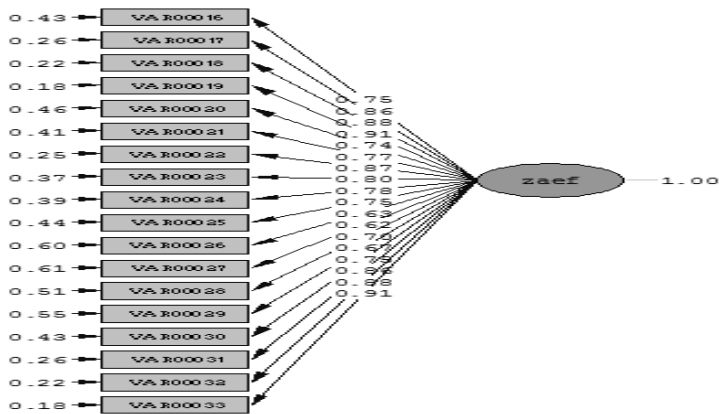
اولویت	وزن قطعی	وزن فازی	نام معیار
۱	۰.۰۹۶	(۰.۰۸۴, ۰.۰۹۸, ۰.۰۹۹)	ناکافی بودن اعتبار گزنت سالانه اساتید
۲	۰.۰۹۴	(۰.۰۷۲, ۰.۰۹۸, ۰.۰۹۸)	عدم اشراف مدیران دانشگاه‌ها به همکاری‌های علمی بین‌المللی در داخل و خارج کشور
۳	۰.۰۸۴	(۰.۰۸۰, ۰.۰۸۱, ۰.۰۹۸)	تزلزل و تشتت در سیاست‌های حوزه همکاری‌های علمی بین‌المللی در حوزه ستادی و به‌ویژه در دانشگاه‌ها
۴	۰.۰۷۹	(۰.۰۶۸, ۰.۰۸۰, ۰.۰۸۳)	محدودیت در دسترسی متخصصان و دانشجویان ایرانی به پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر بین‌المللی
۵	۰.۰۷۲	(۰.۰۵۴, ۰.۰۷۴, ۰.۰۸۰)	وجود نگرش سنتی و آموزش محوری در فعالیت‌های دانشگاهی کشور
۶	۰.۰۷۱	(۰.۰۵۳, ۰.۰۷۴, ۰.۰۸۰)	ضعف به کارگیری مدیران و کارشناسان متخصص همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌ها و حوزه ستادی
۷	۰.۰۶۹	(۰.۰۵۵, ۰.۰۶۷, ۰.۰۸۷)	انعقاد تفاهم‌نامه‌های بدون پشتوانه اجرایی و عموماً یک‌طرفه
۸	۰.۰۶۷	(۰.۰۶۶, ۰.۰۶۶, ۰.۰۷۱)	رتبه‌های نامناسب دانشگاه‌های ایرانی در رتبه‌بندی‌های جهانی به‌ویژه در وجهه بین‌المللی
۹	۰.۰۵۶	(۰.۰۴۴, ۰.۰۵۶, ۰.۰۶۸)	نبود سازوکارهای مناسب برای معرفی و شناساندن نهادها و سازمان‌ها و مجامع تخصصی بین‌المللی
۱۰	۰.۰۴۹	(۰.۰۳۸, ۰.۰۵۰, ۰.۰۵۸)	نبود بانک اطلاعاتی جامع برای مراجعه‌کنندگان در خصوص نوع، سطح، رشته‌های موجود، اساتید، دانشجویان و کارکنان دانشگاه‌ها

اولویت	وزن قطعی	وزن فازی	نام معیار
۱۱	۰.۰۴۸	(۰.۰۳۵, ۰.۰۵۰, ۰.۰۵۶)	ضعف اساتید و دانشجویان ایرانی در استفاده از زبان‌های بین‌المللی
۱۲	۰.۰۴۰	(۰.۰۲۷, ۰.۰۴۲, ۰.۰۴۶)	عدم امکان ایده‌پردازی و تصمیم‌گیری مستقل در حوزه مسائل همکاری‌های علمی بین‌المللی
۱۳	۰.۰۳۷	(۰.۰۲۶, ۰.۰۳۹, ۰.۰۴۲)	عدم وحدت رویه در نوع پرداختن به همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌ها
۱۴	۰.۰۳۲	(۰.۰۲۳, ۰.۰۳۳, ۰.۰۳۴)	محدودیت استقلال دانشگاه‌ها و کمبود نسبی آزادی آکادمیک در دانشگاه‌های ایرانی
۱۵	۰.۰۳۰	(۰.۰۲۵, ۰.۰۲۹, ۰.۰۳۹)	صعوبت قوانین پیرامون ارتباطات بین‌المللی اساتید و دانشگاهیان
۱۶	۰.۰۲۶	(۰.۰۲۲, ۰.۰۲۵, ۰.۰۳۱)	وجود تمرکز در نظام مدیریت دانشگاهی ایران و وابستگی شدید دانشگاه‌ها به دولت
۱۷	۰.۰۲۴	(۰.۰۲۱, ۰.۰۲۴, ۰.۰۲۹)	تمرکزگرایی در فرایند جذب اعضای هیئت علمی و کند بودن روند آن
۱۸	۰.۰۲۳	(۰.۰۲۱, ۰.۰۲۴, ۰.۰۲۴)	عدم استانداردسازی آموزش، پژوهش و ارزشیابی متناسب با معیارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی
$\frac{0.366}{7.676} = 0.048$ = نرخ سازگاری			

مأخذ: همان.

با توجه به بارهای عاملی مؤلفه نقاط ضعف و گویه‌های آن، همبستگی و رابطه معناداری بین گویه‌های این مؤلفه مشاهده می‌شود و با گویه ۱۹ (عدم امکان ایده‌پردازی و تصمیم‌گیری مستقل در حوزه مسائل همکاری‌های علمی بین‌المللی) و ۳۳ (نبود بانک اطلاعاتی جامع برای مراجعه‌کنندگان در خصوص نوع، سطح، رشته‌های موجود، اساتید، دانشجویان و کارکنان دانشگاه‌ها)، بیشترین همبستگی و با گویه ۲۷ (رتبه‌های نامناسب دانشگاه‌های ایرانی در رتبه‌بندی‌های جهانی به‌ویژه در وجهه بین‌المللی) و ۲۵ (تمرکزگرایی در فرایند جذب اعضای هیئت علمی و کند بودن روند آن) کمترین همبستگی را داشت.

نمودار ۲. بارهای عاملی نقاط ضعف با گویه‌های مربوط



مأخذ: همان.

سؤال ۳: فرصت‌های مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های برتر ایران و همبستگی و اولویت مؤلفه‌های آن از منظر اعضای هیئت علمی آنها چگونه است؟

برای پاسخگویی به این سؤال نیز دقیقاً به ترتیب سؤال اول عمل شد و مدل بهینه‌سازی برای زیرمعیارهای فرصت‌ها (C3) ایجاد شد و بعد از حل آن، نتایج با توجه به اولویت و وزن‌های هر زیرمعیار در جدول ۷ ذکر شد.

جدول ۷. وزن و اولویت زیرمعیارهای فرصت‌ها (C3)

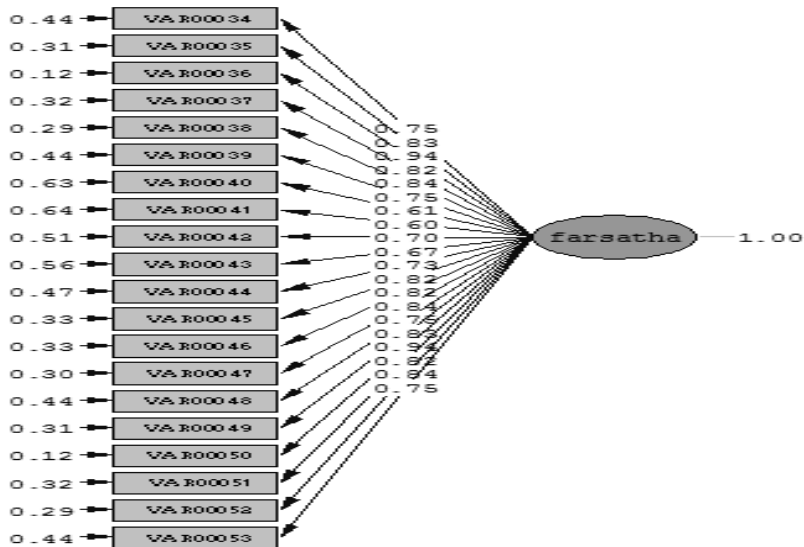
اولویت	وزن قطعی	وزن فازی	نام معیار
۱	۰.۰۸۸	(۰.۰۸۰, ۰.۰۸۹, ۰.۰۸۹)	جوان بودن عمده جمعیت کشور و گرایش بیشتر آنان به تغییر در شیوه تعاملات بین‌المللی
۲	۰.۰۸۶	(۰.۰۷۱, ۰.۰۸۹, ۰.۰۸۹)	امضای توافقنامه برجام و رفع برخی تحریم‌های علمی و ...
۳	۰.۰۸۴	(۰.۰۷۱, ۰.۰۸۷, ۰.۰۸۷)	اقبال جامعه جهانی به پذیرش ایران در کنفرانس‌های دانشگاهی بین‌المللی
۴	۰.۰۸۱	(۰.۰۶۶, ۰.۰۸۴, ۰.۰۸۴)	سرمايه‌گذاري کشور در رشته‌ها و دانش‌های جدید و مورد اقبال بین‌المللی
۵	۰.۰۸۰	(۰.۰۷۱, ۰.۰۸۱, ۰.۰۸۲)	رویکرد بین‌المللی بیشتر در فعالیت‌های مردم و مطالبه تقویت آن با دانشگاه‌ها
۶	۰.۰۷۵	(۰.۰۶۶, ۰.۰۷۶, ۰.۰۷۷)	اختصاص توجه ویژه به همکاری‌های علمی بین‌المللی در سند چشم‌انداز، برنامه ششم توسعه و ...

اولویت	وزن قطعی	وزن فازی	نام معیار
۷	۰.۰۶۷	(۰.۰۵۸, ۰.۰۶۸, ۰.۰۷۰)	افزایش ضریب نفوذ تکنولوژی‌های ارتباطی در بین آحاد مردم
۸	۰.۰۵۷	(۰.۰۴۲, ۰.۰۵۸, ۰.۰۶۵)	افزایش اقبال به تحصیل در ایران در بین کشورهای همسایه
۹	۰.۰۴۸	(۰.۰۳۶, ۰.۰۴۸, ۰.۰۵۹)	تقاضای اجتماعی فزاینده برای آموزش عالی با کیفیت و حائز ارزش و پذیرش بین‌المللی
۱۰	۰.۰۴۷	(۰.۰۳۶, ۰.۰۴۷, ۰.۰۵۸)	افزایش اطلاعات مردم از وضعیت زندگی، فرهنگ، اقتصاد و ... در سایر کشورهای جهان با گسترش فناوری اطلاعات
۱۱	۰.۰۴۰	(۰.۰۳۱, ۰.۰۴۰, ۰.۰۴۶)	وجود اسطوره‌های علمی چون امام صادق (ع) در تشیع علوی با داشتن سطح وسیع مرادوات علمی بین‌المللی
۱۲	۰.۰۳۷	(۰.۰۲۸, ۰.۰۳۷, ۰.۰۴۳)	تقویت جایگاه علمی متخصصان ایرانی در عرصه‌های جهانی
۱۳	۰.۰۳۶	(۰.۰۲۷, ۰.۰۳۷, ۰.۰۴۲)	تمایل دانشگاه‌ها به بهبود وجهه بین‌المللی و اعطای مدارک مشترک با ارزش بین‌المللی
۱۴	۰.۰۲۹	(۰.۰۲۲, ۰.۰۳۰, ۰.۰۳۴)	گسترش روحیه همکاری بین‌المللی در بین دانشگاهیان
۱۵	۰.۰۲۸	(۰.۰۲۱, ۰.۰۲۸, ۰.۰۳۲)	همسایگی با کشورهای هم‌زبان و هم‌کیش
۱۶	۰.۰۲۷	(۰.۰۲۰, ۰.۰۲۷, ۰.۰۳۱)	توسعه دانشگاه‌ها و آموزش‌های مجازی بین‌المللی
۱۷	۰.۰۲۳	(۰.۰۲۰, ۰.۰۲۴, ۰.۰۲۴)	اولویت داشتن تعاملات بین‌المللی جهت صدور انقلاب اسلامی با تکیه بر جنبه‌های نرم آن به‌ویژه در عرصه‌های فرهنگی و علمی
۱۸	۰.۰۲۳	(۰.۰۲۰, ۰.۰۲۳, ۰.۰۲۳)	تصریح فرهنگ اسلام و به‌ویژه تشیع در خصوص کسب علم از فراسوی مرزها و حتی از بلاد کفر
۱۹	۰.۰۲۲	(۰.۰۱۹, ۰.۰۲۳, ۰.۰۲۳)	مهمان‌نوازی و فرهنگ علم‌جویی و عالم‌پروری ایرانیان
۲۰	۰.۰۲۱	(۰.۰۱۹, ۰.۰۲۲, ۰.۰۲۳)	عقبه فرهنگ غنی ایرانی در زمینه همکاری‌های علمی بین‌المللی
$\frac{0.277}{8.041} = 0.034$ نرخ سازگاری =			

مأخذ: همان.

با توجه به بارهای عاملی مؤلفه فرصت‌ها و گویه‌های آن، همبستگی و رابطه معناداری بین گویه‌های این مؤلفه مشاهده می‌شود و با گویه ۳۶ (تقویت جایگاه علمی متخصصان ایرانی در عرصه‌های جهانی) و ۵۰ (وجود اسطوره‌های علمی چون امام صادق (ع) در تشیع علوی با داشتن سطح وسیع مرادوات علمی بین‌المللی) بیشترین همبستگی و با گویه ۴۰ (همسایگی با کشورهای هم‌زبان و هم‌کیش) و ۴۱ (گسترش روحیه همکاری بین‌المللی در بین دانشگاهیان) کمترین همبستگی را داشت.

نمودار ۳. بارهای عاملی فرصت‌ها با گویه‌های مربوط



مأخذ: همان.

سؤال ۴. تهدیدهای مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های برتر ایران

و همبستگی و اولویت مؤلفه‌های آن از منظر اعضای هیئت علمی آنها چگونه است؟
 برای پاسخگویی به این سؤال نیز دقیقاً به ترتیب سؤال اول عمل شد و مدل بهینه‌سازی برای زیرمعیارهای تهدیدها (C4) ایجاد شد و بعد از حل آن، نتایج با توجه به اولویت و وزن‌های هر زیرمعیار در جدول ۸ ذکر شد.

جدول ۸. وزن و اولویت زیرمعیارهای تهدیدها (C4)

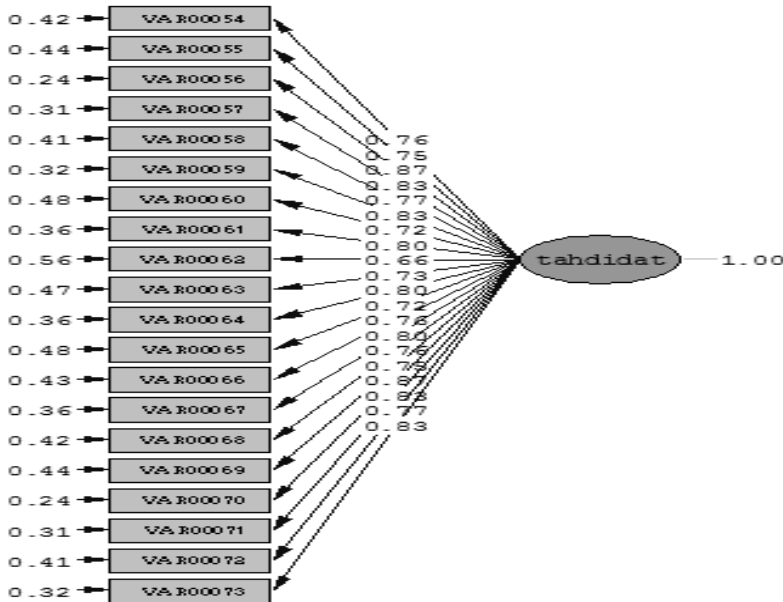
اولویت	وزن قطعی	وزن فازی	نام معیار
۱	۰.۰۸۰	(۰.۰۷۴, ۰.۰۸۱, ۰.۰۸۱)	رکود اقتصادی در بیشتر کشورهای دنیا
۲	۰.۰۷۷	(۰.۰۷۰, ۰.۰۷۸, ۰.۰۷۸)	فراهم کردن زمینه‌های سیاسی برای همکاری‌های علمی بین‌المللی
۳	۰.۰۷۵	(۰.۰۶۷, ۰.۰۷۶, ۰.۰۷۷)	گسترش ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی در جهان
۴	۰.۰۷۴	(۰.۰۶۶, ۰.۰۷۶, ۰.۰۷۶)	الزام رعایت دستورات ویژه مذهبی (حجاب، روزه‌داری، تعاملات و ...) برای عموم افراد اعم از ایرانی و غیرایرانی
۵	۰.۰۷۳	(۰.۰۶۵, ۰.۰۷۴, ۰.۰۷۴)	ضعف فناوری اطلاعات (پایین بودن سرعت، پهنای باند، فیلترینگ سایت‌ها و ...)

اولویت	وزن قطعی	وزن فازی	نام معیار
۶	۰.۰۷۲	(۰.۰۵۴, ۰.۰۷۶, ۰.۰۷۶)	محدودیت‌های قانونی در پذیرش دانشجویان و استادان خارجی در داخل کشور
۷	۰.۰۶۳	(۰.۰۴۶, ۰.۰۶۵, ۰.۰۷۲)	وجود نگاه امنیتی در کشور نسبت به ارتباط با کشورهای خارجی
۸	۰.۰۵۷	(۰.۰۴۳, ۰.۰۵۸, ۰.۰۶۹)	وجود قوانین سخت برخی از کشورها برای همکاری علمی با ایران
۹	۰.۰۵۲	(۰.۰۳۹, ۰.۰۵۲, ۰.۰۶۶)	نگرش حاشیه‌ای به همکاری‌های علمی بین‌المللی در سیاست‌گذاری‌های کلان علمی کشور
۱۰	۰.۰۴۷	(۰.۰۳۶, ۰.۰۴۶, ۰.۰۵۹)	بالا بودن میزان تورم و تأثیر آن بر توسعه همکاری‌های بین‌المللی
۱۰	۰.۰۴۷	(۰.۰۳۶, ۰.۰۴۶, ۰.۰۵۹)	تأکید نهادهای حاکمیتی بر عدم اشاعه و مقابله با هژمونی زبان انگلیسی
۱۱	۰.۰۴۶	(۰.۰۳۵, ۰.۰۴۶, ۰.۰۵۸)	تأثیر تحریم‌ها بر همکاری‌های علمی و فناوری بین‌المللی
۱۲	۰.۰۳۶	(۰.۰۲۹, ۰.۰۳۶, ۰.۰۴۲)	وجود محدودیت و یا ممنوعیت تردد ایرانی‌ها به برخی کشورها و برعکس
۱۳	۰.۰۳۵	(۰.۰۲۸, ۰.۰۳۵, ۰.۰۴۲)	تأکید بیش از حد بر رقابت علمی به جای همکاری‌های علمی بین‌المللی و گرایش به ایجاد تک‌قطبی
۱۴	۰.۰۳۲	(۰.۰۲۷, ۰.۰۳۲, ۰.۰۳۶)	گسترش پدیده فرار مغزها و تأثیر منفی آن بر ذهنیت محققان بین‌المللی در خصوص ایران
۱۵	۰.۰۳۱	(۰.۰۲۶, ۰.۰۳۲, ۰.۰۳۶)	ضعف ایجاد و حفظ مراودات بین بانکی با بانک‌های خارجی
۱۶	۰.۰۲۹	(۰.۰۲۴, ۰.۰۲۹, ۰.۰۳۲)	ضعف مزمون ارزش پول ملی در برابر ارزهای بین‌المللی
۱۷	۰.۰۲۶	(۰.۰۲۳, ۰.۰۲۶, ۰.۰۲۸)	گرایش به اخذ مدرک از چند کشور خاص به دلیل سهولت و ارزانی ...
۱۸	۰.۰۲۵	(۰.۰۲۲, ۰.۰۲۵, ۰.۰۲۷)	مدرک‌گرایی و گرایش به اخذ مدارک کم‌اعتبار بین‌المللی (مجازی، غیر حضوری و...)
۱۹	۰.۰۲۰	(۰.۰۱۷, ۰.۰۲۰, ۰.۰۲۰)	عدم پذیرش اسناد بین‌المللی در جهت‌دهی آموزش عالی از سوی نهادهای حاکمیتی و مردم
$\frac{0.439}{7.676} = 0.057 = \text{نرخ سازگاری}$			

مأخذ: همان.

با توجه به بارهای عاملی مؤلفه تهدیدها و گویه‌های آن، همبستگی و رابطه معناداری بین گویه‌های این مؤلفه مشاهده می‌شود و با گویه ۵۶ (وجود قوانین سخت برخی از کشورها برای همکاری علمی با ایران) و ۷۰ (گرایش به اخذ مدرک از چند کشور خاص به دلیل سهولت و ارزانی ...) بیشترین همبستگی و با گویه ۶۲ (وجود نگاه امنیتی در کشور نسبت به ارتباط با کشورهای خارجی) کمترین همبستگی را داشت.

نمودار ۴. بارهای عاملی تهدیدها با گویه‌های مربوط



مأخذ: همان.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اولویت‌بندی نقاط قوت همکاری‌های علمی بین‌المللی، نقش مؤلفه‌های مدیریتی و اجرایی را بارزتر می‌کند. وجود امکانات و فضای مناسب توسعه بین‌المللی در دانشگاه‌ها، گسترش کمی و کیفی تحصیلات تکمیلی و گسترش مراکز دانشگاهی غیردولتی، آزاد و ... از جمله عواملی است که نمونه تأکید ویژه‌ای بر آن داشته‌اند. فاضلی و شمس (۱۳۸۳) نیز معتقدند

توسعه تحصیلات تکمیلی، سهم کشور را در تولید دانش در جهان افزایش داده و به نوبه خود می تواند باعث افزایش جذب اعضای هیئت علمی جدید، گسترش نشریات دانشگاهی و ... نیز شود. تأسیس پردیس ها و واحدهای بین المللی دانشگاه ها نیز در اولویت پایین تری مورد تأکید نمونه بوده است و این امر می تواند به دلیل تجربه ناموفق پردیس های فعلی دانشگاه ها در جذب دانشجویان بین المللی باشد به نحوی که در حال حاضر، تعداد دانشجویان بین المللی شاغل به تحصیل در پردیس های بین المللی دانشگاه های داخلی بسیار ناچیز است. آراسته و اسماعیل نیا (۱۳۹۰) نیز معتقدند، زمانی دانشگاه ها می توانند مشکل گشا باشند که آموزش و پژوهش در آنها از کمیت و کیفیت مطلوب و متوازی برخوردار باشند.

افزایش حضور و تعامل دانشجویان و اساتید در همایش های بین المللی نیز اولین مؤلفه مورد تأکید نمونه بوده که امکان تعاملات فرهنگی و کسب بینش صحیح، و رای تعاملات صرفاً علمی سطح بالا را میسر می سازد. ملک زاده (۱۳۸۱) ارائه تسهیلات اخذ روادید برای شرکت در سمینارهای مختلف و برقراری ارتباط علمی را یکی از زمینه های مهم همکاری های علمی بین المللی بر شمرده است، همچنین آراسته و اسماعیل نیا (۱۳۹۰)، ایوبی و آل حبیبی (۲۰۰۶) و آرچامبالت و همکاران (۲۰۱۶) نیز «تأثیر همایش های بین المللی در توسعه همکاری های علمی بین المللی» را مورد تأیید قرار دادند. ارتقای سواد فناوری و استفاده از تکنولوژی های ارتباطی و آموزشی در بین دانشگاهیان نیز به توسعه همکاری های علمی بین المللی کمک شایانی کرده و دامنه وسیعی را از مصاحبه های ورودی دانشگاه ها تا برگزاری کلاس ها و همایش های تخصصی آنلاین در بر گرفته است.

افزایش تعداد مقالات ایرانی در نشریات بین المللی، گسترش تمایل به هم تألیفی بین المللی در بین دانشگاهیان، افزایش تعداد نشریات علمی - پژوهشی بین المللی و آی.اس.ای. ایرانی نیز از مصادیق نقاط قوت در حوزه پژوهش بوده و با ظرفیت های علمی ویژه برخی پژوهشگران ایرانی در رشته های تخصصی خاص، به رشدی ناهمگون ولی چشمگیر در سالیان اخیر دست یافته است. این امر از منظر آراسته و اسماعیل نیا (۱۳۹۰) و فاضلی و شمس (۱۳۸۳) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در خصوص گسترش

همکاری‌های علمی بین‌المللی در انجام پایان‌نامه‌ها نیز در صورت ارتقای حقالزحمه راهنمایی پایان‌نامه‌ها توسط اساتید خارجی و تقویت استفاده از زبان‌های واسط در دانشگاه‌ها، میزان این همکاری‌ها در پایان‌نامه‌ها به شدت تقویت خواهد شد. ایجاد رشته‌های جدید و پرمخاطب با تأکید بر برد بین‌المللی آنها نیز در کنار سایر عوامل، موجب جذب دانشجویان خارجی می‌شود و می‌توان با گسترش پارک‌های علمی و مراکز تحقیقاتی با فعالیت‌های بین‌المللی، از هم‌افزایی حضور پژوهشگران داخلی در کنار پژوهشگران خارجی به‌نحوی شایسته‌تر استفاده کرد.

از بین نقاط ضعف شناسایی شده برای همکاری‌های علمی بین‌المللی، اولین مورد ناکافی بودن اعتبار گرنت سالانه اساتید است که باعث ضعف در حمایت مالی از حضور استاد مشاور خارجی در پایان‌نامه و یا حمایت از دانشجو برای حضور در همایش‌ها و ارائه مقالات و ... می‌شود. عدم اشراف مدیران دانشگاه‌ها به همکاری‌های علمی بین‌المللی در داخل و خارج کشور و درک نادرست از ضرورت و نگرش به آن به‌عنوان بخشی از وظایف معمول محوله از سوی مسئولان که بایستی با ارائه چند گزارش و اقدام صوری پاسخ داد نیز از جمله معضلات اصلی این حوزه است. نتیجه چنین رویکردی، پرداختن به مسائل صرفاً تشریفاتی است که برای ارائه آمار و ارقام در همکاری‌های علمی بین‌المللی و ارائه گزارش آماری صورت می‌گیرد و خود این امر ضعف نظام گزارش‌دهی و گزارش‌گیری را نیز گوشزد می‌کند. در این صورت همکاری‌های علمی بین‌المللی فقط در مرحله اولیه طرح موضوع و یا انعقاد تفاهم‌نامه‌های بدون پشتوانه اجرایی و عموماً یک‌طرفه و صوری باقی می‌ماند. سنایی (سادات محسنی و همکاران، ۱۳۹۲) و سیاه^۱ (بهرنت و امریتس، ۲۰۱۴)^۲ نیز این امر را تأیید کرده‌اند. عدم وحدت رویه در نوع پرداختن به همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه‌ها، امری است که حتی ظاهراً نیز در دانشگاه‌های مختلف حفظ نشده و نگاهی به چیش و شرح وظایف دفاتر همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌ها مؤید آن است. بر این اساس هر دانشگاهی بدون مرجع مشخص و با ترتیبات

1. Siah

2. Behrendt and Emeritus

بعضاً حتی نادرست به شیوه‌های مرسوم قدیمی عمل کرده و همکاری‌های علمی بین‌المللی را نوعی عمل تشریفاتی فرض کرده به طوری که عملاً در برخی دانشگاه‌ها از لفظ تشریفات و امور بین‌الملل برای این حوزه استفاده می‌کنند. از طرف دیگر، ورود به عرصه‌های بین‌المللی و رقابت با دانشگاه‌های معتبر دنیا نیز ابزارهای لازم خود را می‌طلبد که از جمله آنها داشتن چارچوب تشکیلاتی، نیروی انسانی و امکانات متناسب با وظایف محوله است. این در حالی است که در بیشتر دانشگاه‌ها، نیروهای انسانی متخصصی به‌عنوان کارشناسان دفاتر همکاری‌های علمی بین‌المللی به کار گرفته نمی‌شوند. واگنر، پارک و لیدسدورف^۱ (۲۰۱۵) بر مدیریت اثربخش تأکید داشته و معتقدند مدیریت عالی و به‌ویژه سیاستگذاری و حاکمیت نقش بسیار پررنگی در اثربخشی این همکاری‌ها داشته و البته تمام موفقیت را در گرو مشارکت مدیریت ارشد، اعضای هیئت علمی و کارکنان دانسته‌اند. استاذزاده (۱۳۸۴) هم ناآگاهی مدیران دانشگاه از موقعیت‌های علمی و زمینه‌های همکاری‌های علمی بین‌المللی و انعقاد تفاهم‌نامه‌های بدون پشتوانه اجرایی را به‌عنوان مهمترین نقاط ضعف این همکاری‌ها برمی‌شمرد.

محدودیت دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی برای محققان ایرانی در کنار فیلترینگ داخلی و خودتحریمی، باعث نوعی انزوا برای پژوهشگران داخلی شده و محدودیت استفاده از پراکسی برای دسترسی به مقالات و پایان‌نامه‌ها که آن را منحصر به زمان حضور در دانشگاه کرده، بافت کمی و کیفی پژوهش‌های با برد مناسب بین‌المللی روبه‌رو کرده است. فتحی و اجارگاه، زارع و یمنی (۱۳۸۸) و استاذزاده (۱۳۸۴) نیز شعوب این امر را تأیید کرده‌اند. رتبه‌های نامناسب دانشگاه‌های ایرانی در رتبه‌بندی‌های جهانی به‌ویژه در وجه بین‌المللی و وجود نگرش سنتی و آموزش محوری در فعالیت‌های دانشگاهی کشور نیز از ضعف‌های عدیده متوجه همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه‌های برتر ایران می‌باشد. آراسته و اسماعیل‌نیا (۱۳۹۰) تأثیر رتبه‌های نامناسب دانشگاهی را در همکاری‌های علمی بین‌المللی تأیید کرده‌اند. نبود سازوکارهای مناسب برای معرفی و شناساندن نهادها و سازمان‌ها و مجامع تخصصی بین‌المللی و نیز نبود بانک اطلاعاتی جامع در خصوص اساتید و علایق پژوهشی

آنها و ... حتی در دانشگاه‌های برتر نیز مصداق دارد و ناشناخته ماندن زمینه‌های تخصصی اساتید، نوع و میزان رجوع دانشجویان بین‌المللی برای تحصیل به آنها را به حداقل ممکن خواهد رساند.

عدم استانداردسازی آموزش، پژوهش و ارزشیابی متناسب با معیارهای بین‌المللی و وجود نگرش سنتی و صرفاً آموزش محور در دانشگاه‌های کشور، نیز از عوامل اصلی افت کمی و کیفی همکاری‌های علمی بین‌المللی است. از این رو باید تمهیداتی اندیشیده شود تا دانشگاهیان کشور به توانایی‌های ویژه در استفاده از فناوری‌های آموزشی جدید و نیز استفاده از زبان‌های واسط علم تجهیز شوند که امری حیاتی و انکارناپذیر در توسعه این همکاری است. سیاه، ناتوانی در استفاده از زبان‌های واسط بین‌المللی، مدیریت ضعیف و نبود تمایل سیاسی واقعی برای بین‌المللی‌شدن را از موانع اصلی همکاری‌های علمی بین‌المللی در آموزش عالی ایران می‌داند (بهرنت و امریتس، ۲۰۱۴). آراسته و اسماعیل‌نیا (۱۳۹۰) معتقدند یکی از دلایل عدم جذب دانشجویان خارجی به دانشگاه‌های ایران، استفاده از زبان فارسی به‌عنوان تنها روش آموزش در دانشگاه‌هاست.

از میان ۲۰ فرصت تأیید شده همکاری‌های علمی بین‌المللی از منظر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های برتر ایران، جوان بودن عمده جمعیت کشور و گرایش بیشتر آنان به تغییر در شیوه تعاملات بین‌المللی، موجد فصل نوینی از تعاملات علمی بین‌المللی، با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و آموزش عالی معتبر دیگر کشورهاست. رویکرد بین‌المللی بیشتر در فعالیت‌های مردم و مطالبه تقویت آن با دانشگاه‌ها نیز به دلیل افزایش ضریب نفوذ فناوری و رشد اقتصادی مردم، افزایش مبادلات تجاری بین‌المللی، گسترش مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور، افزایش نرخ دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در خارج، افزایش مسافرت‌های کاری، تحصیلی، تفریحی و ... به خارج رخ داده و سبب ایجاد نیازهای جدید در مردم شده و محمل پاسخگویی به این نیازها، دانشگاه‌هایی با رویکرد بین‌المللی بیشتر هستند.

امضای توافقنامه برجام و رفع برخی تحریم‌های علمی و ... با وجود ایرادهای عدیده‌ای که در آن بوده و هست، تا حدودی موجب تغییراتی در دیدگاه‌های جهانیان

نسبت به ماهیت مفروض جنگ طلب ایران (ترویج شده از سوی غربی‌ها) شده است. بر همین اساس و به واسطه توان و ظرفیت علمی متخصصان ایرانی، اقبال جامعه جهانی به پذیرش ایران در کنسرسیوم‌های دانشگاهی بین‌المللی بیش از پیش گشته و در صورتی که مسئولان با آینده‌نگری بیشتر به عضویت در برخی از کنسرسیوم‌های دانشگاهی رضایت دهند، موجبات توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی را فراهم خواهد کرد.

سرمایه‌گذاری کشور در رشته‌ها و دانش‌های جدید و مورد اقبال بین‌المللی هم از جمله مواردی است که در صورت هم‌نوایی با روند پیشرفت علم و تکنولوژی دنیا، می‌تواند فرصت بسیار خوبی برای جذب دانشجویان و محققان خارجی فراهم کند. واگنر، پارک و لیدسدورف (۲۰۱۵) با اشاره به تفاوت همکاری‌های علمی با همکاری‌های سیاسی، معتقدند مهمترین انگیزه برای مشارکت در پیمان‌های استراتژیک علمی بین‌المللی، تسهیم دانش جدید در راستای بهره‌وری افزون‌تر است. «تأثیر سرمایه‌گذاری کشور در دانش‌های جدید» را هایل^۱ (۲۰۰۸)، «تأثیر تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی بر همکاری‌های علمی بین‌المللی» را پژوهشگرانی چون فاضلی و شمس (۱۳۸۳) و ونگر، ویتسل^۲ و لیدسدورف (۲۰۱۷) تأیید کرده‌اند.

اختصاص توجه ویژه به همکاری‌های علمی بین‌المللی به‌ویژه در دانشگاه‌های برتر در اسناد بالادستی چون برنامه ششم صریحاً قید شده است. البته نباید از نظر دور داشت که تحقق آن در گرو سیاست‌گذاری صحیح مسئولان وزارت علوم و حمایت جدی از همکاری‌های علمی بین‌المللی است. هایل (۲۰۰۸)، سنایی (سادات محسنی و همکاران، ۱۳۹۲) و استادزاده (۱۳۸۴)، نیز بر تأثیر اسناد بالادستی بر همکاری‌های علمی بین‌المللی اذعان دارند.

افزایش اقبال به تحصیل ارزان در ایران در بین کشورهای همسایه، هم‌زبانی و هم‌کیشی در کنار مهمان‌نوازی و فرهنگ علم‌جویی و عالم‌پروری ایرانیان، فرصت را برای جذب هرچه بیشتر دانشجویان بین‌المللی فراهم کرده و این امر در هماهنگی کامل با

1. Hayle

2. Whetsell

اولویت داشتن تعاملات بین‌المللی جهت صدور انقلاب اسلامی با تکیه بر جنبه‌های نرم آن به‌ویژه در عرصه‌های فرهنگی و علمی است که از ابتدای انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی مطرح شده است. سیاه معتقد است همکاری‌های علمی بین‌المللی نه تنها تأثیرات مثبت آموزشی، اقتصادی و صنعتی دارد، بلکه می‌تواند فهم متقابل کشورها را از شرکای بین‌المللی خود افزایش دهد (بهرنت و امریتس، ۲۰۱۴). ولایتی و نوروزی نیز ویژگی‌های همسایگان ایران را فرصتی برای همکاری‌های علمی بین‌المللی دانسته‌اند (آراسته، ۱۳۹۰). تقویت جایگاه علمی متخصصان ایرانی در عرصه‌های جهانی به روایت رنکینگ‌ها و ایندکس‌های بین‌المللی و گسترش روحیه همکاری‌های علمی بین‌المللی در بین دانشگاهیان نیز، فرصتی مضاعف برای توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی فراهم آورده است.

تصریح فرهنگ اسلام و به‌ویژه تشیع در خصوص کسب علم از فراسوی مرزها و حتی از بلاد کفر که در کلام پیشوایان دینی و مذهبی و به‌ویژه رسول مکرّم اسلام (ص) و همچنین وجود اسطوره‌های علمی چون امام صادق (ع) در تشیع علوی با داشتن سطح وسیع مراودات علمی بین‌المللی، جنبه مذهبی این امر را نیز بر اهل دین روشن ساخته و حجت را بر پیروان شریعت نیز تمام کرده است. البته عقبه فرهنگ غنی ایرانی در زمینه همکاری‌های علمی بین‌المللی در اعصار گذشته نیز کمک‌حال بوده و باعث تقویت همکاری‌های علمی بین‌المللی است.

از میان تهدیدهای همکاری‌های علمی بین‌المللی، رکود اقتصادی در بیشتر کشورهای دنیا به‌عنوان مهم‌ترین تهدید ارزیابی شده است که موجب کاهش درآمدها و افت میزان سرمایه‌گذاری‌های دیربازده و از آن جمله تحصیل در خارج شده است. ضعف مزمن ارزش پول ملی در برابر ارزهای بین‌المللی نیز، وضعیت بسیار بدی را برای همه مراودات بین‌المللی از جمله، همکاری‌های علمی بین‌المللی ایجاد کرده است. بالا بودن میزان تورم و تأثیر آن بر توسعه این همکاری‌ها به‌نحوی است که قابلیت اجرای برخی تعهدات مالی بین‌المللی را برای دانشگاه‌های برتر طی یک دوره زمانی به حداقل رسانده، به‌طوری که با نرخ مورد توافق قبلی، به ادامه همکاری قادر نیستند.

ضعف ایجاد و حفظ مراودات بین بانکی با بانک‌های خارجی نیز از جمله تهدیدهای اقتصادی است که متأثر از تحریم‌های بین‌المللی به شدت بر نوع، کیفیت و میزان همکاری‌های علمی بین‌المللی تأثیر منفی داشته است. تقریباً هیچ‌یک از بانک‌های خارجی، مراوده پولی با بانک‌های ایرانی نداشته و امکان انتقال از طریق بانک‌ها وجود ندارد و این امر، عموماً از طریق شرکت‌های واسط در کشورهای ثالث صورت می‌گیرد.

فراهم کردن زمینه‌های سیاسی برای همکاری‌های علمی بین‌المللی، محدودیت‌ها، فشارها و تحریم‌های ایران به دلایلی مثل مسائل هسته‌ای از دیگر مشکلاتی است که در مسیر همکاری‌های علمی بین‌المللی وجود دارد. این امر بعضاً تردد نخبگان علمی و مشارکت در پروژه‌های تحقیقاتی مشترک را با مشکلات فراوان مواجه می‌کند. استاذزاده (۱۳۸۴) نیز نقش تحریم‌ها و فشارهای سیاسی مخالفان روابط سیاسی و علمی را در کاهش این همکاری‌ها مهم می‌داند.

گسترش ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی در جهان، تأثیر تحریم‌ها بر همکاری‌های علمی بین‌المللی و محدودیت و ممنوعیت تردد ایرانی‌ها به برخی کشورها نیز از جمله تهدیدهای سیاسی همکاری‌های علمی بین‌المللی است که ناشی از ظهور پدیده‌هایی ناخواسته از قبیل بنیادگرایی افراطی در منطقه و جهان، وجود ردپای تبعه کشورهای مسلمان در عموم حوادث تروریستی جهان، جنگ تحمیلی، وضعیت کشورهای منطقه و ... و البته پدیده‌هایی خواسته، چون مصادیق نقض حقوق بشر غربی در ایران، موضع ضداستکباری و ضدصهیونیستی انقلاب اسلامی، حمایت از مستضعفین جهان، صدور تفکر انقلابی و ضدآمریکایی و ... است. البته بسیاری از این مسائل، توسط هژمونی رسانه‌ای غرب با شدت زیاد و عمدتاً وارونه جلوه دادن برخی واقعیات در جهت مطامع نظام سلطه صورت می‌گیرد تا بتواند موتور محرکه توسعه یعنی دانشگاه‌ها را از کار انداخته و از شتاب پیشرفت کشور بکاهد. ولایتی و نوروزی معتقدند جنگ تحمیلی تأثیرات ناگواری بر اوضاع سیاسی ایران گذاشته و این همکاری‌ها را با کشورهای همجوار تقریباً قطع کرده است (همان).

الزام رعایت دستورات ویژه مذهبی (حجاب، روزه‌داری، تعاملات و ...) برای عموم افراد اعم از ایرانی و غیرایرانی و محدودیت‌های قانونی پذیرش دانشجویان و استادان

خارجی در کشور، وجود نگاه امنیتی به برخی کشورها و وجود قوانین سخت برخی از کشورها برای همکاری علمی با ایران از دیگر تهدیدهای همکاری‌های علمی بین‌المللی است. به‌نحوی که عده‌ای، معتقدند الزامات مذهبی در قالب واجبات اجتماعی که در تعارض با فرهنگ غالب جهان بوده و از دیدگاه غربی، نقض حقوق بشر محسوب شده و جنبه اجباری دارند، مانع مهمی برای توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی بوده و نیازمند جرح و تعدیلاتی درخصوص شهروندان خارجی است.

نگرش حاشیه‌ای به همکاری‌های علمی بین‌المللی در سیاست‌گذاری‌های کلان علمی کشور، با تأکید بیش از حد بر رقابت علمی به‌جای همکاری و گرایش به ایجاد تک‌قطبی در منطقه و جهان صورت گرفته و آثار خود را در مصوبات مراجع ذی‌ربط برجای گذاشته است. به‌نحوی که مثلاً پذیرش دانشجوی بین‌المللی، عمل مثبت تلقی شده ولیکن، اعزام دانشجو قبیح انگاشته می‌شود. تأکید نهادهای حاکمیتی بر عدم اشاعه و مقابله با هژمونی زبان انگلیسی از تهدیدهایی است که اخیراً پررنگ‌تر شده و به‌واسطه تأکید رهبر انقلاب بر مهار رسوخ لجام گسیخته زبان و به‌تبع آن فرهنگ غربی در جامعه بسیار جدی‌تر شده است. لیکن باید به این نکته توجه داشت که مقصود ایشان ترویج بی‌حد و حصر و غیرکانالیزه زبان انگلیسی برای مصارف غیرضرور بوده و استفاده تخصصی از آن را قطعاً منع نکرده‌اند. لذا این امر در صورتی که بر مسئولان تدوین بسته‌های سیاستی مشتبه نشود، به‌خودی‌خود تهدیدی برای همکاری‌های علمی بین‌المللی با استفاده از زبان واسط انگلیسی محسوب نمی‌شود اما متأسفانه برخی از افراط و تفریط‌ها در استنباط از فرمایشات ایشان ممکن است ناخواسته بر پیکره فرهنگ و علم کشور لطمه وارد شود.

گسترش پدیده فرار مغزها و تأثیر منفی آن بر ذهنیت محققان بین‌المللی درخصوص ایران و حضور در آن نیز به‌رغم اینکه صرفاً ارتباط خطی با چند عامل محدود ندارد، اما دو دلیل عمده را به اذهان عمومی جهان متبادر می‌کند که یا دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی ایران، ظرفیت مناسب برای نگهداشت نخبگان را ندارند یا شرایط زندگی و امرار معاش و... در ایران مساعد نیست که به جلای وطن یا به عبارتی فرار مغزها منجر شده است. پدیده مدرک‌گرایی و گرایش به اخذ مدارک کم‌اعتبار بین‌المللی (مجازی، غیر حضوری و ...) از

چند کشور خاص به دلیل سهولت و ارزانی و ... نیز از عواملی است که منحصر به ایران نبوده و در عین تهدید، نوعی فرصت نیز محسوب می‌شود که اگر برخورد درستی با این مسئله صورت گیرد به مثابه فن بدل در گشتی، موجب سرازیر شدن طالبان هزینه تحصیل و زندگی پایین در عین کیفیت بالای آموزش از سراسر دنیا به ایران (به دلیل دارا بودن این شرایط) خواهد شد.

عدم پذیرش اسناد بین‌المللی در جهت‌دهی آموزش عالی از سوی نهادهای حاکمیتی و مردم که مصادیق آن به وضوح در رد سند ۲۰۳۰ یونسکو دیده شد نیز به زعم نمونه پژوهش، یکی از تهدیدهای (نه‌چندان جدی) برای همکاری‌های علمی بین‌المللی و استانداردسازی بین‌المللی آموزش و پژوهش است. البته سیاستگذاری علم و فناوری در تمامی کشورها تابع ضوابط خاص آن کشورها بوده و ایران نیز از این قضیه مستثنا نیست؛ اما به دلیل مواضع خاص سیاسی و فرهنگی ایران و حضور پررنگ گفتمان سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه سیاست‌گذاری آموزش (عالی) کشور، زاویه آن با اسناد بین‌المللی بسیار بیش از زاویه‌ای است که در دیگر کشورها وجود دارد. اما باید خاطر نشان شود که طبق اسناد موجود، دستیابی به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز و همچنین تحقق برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت ملی نظیر نقشه جامع علمی کشور و برنامه‌های توسعه، مستلزم همکاری‌های علمی بین‌المللی جهت تبدیل دانش به فناوری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور و در ادامه در بخش صنعت و جامعه است و تا زمانی که این امر محقق نشود، استقلال و خودکفایی ملحوظ در اهداف انقلاب اسلامی امکان تحقق ندارد و حدی از نرمش در روابط بین‌الملل و پذیرش اسناد بین‌المللی ولو در حد بسیار کم، لازمه توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی به عنوان سنگ بنای توسعه همه‌جانبه در دهکده جهانی است.

منابع و مآخذ

۱. آراسته، حمیدرضا و ندا اسماعیل‌نیا (۱۳۹۰). «بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها: پاسخی به واقعیت‌ها و چالش‌های آینده»، اولین همایش بین‌المللی مدیریت، آینده‌نگری، کارآفرینی و صنعت در آموزش عالی.
۲. استاذزاده، زهرا (۱۳۸۴). «روابط علمی بین دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور»، نشریه رهیافت، ش ۳۵.
۳. اسماعیل‌نیا، ندا (۱۳۹۰). «بررسی وضعیت موجود و مطلوب بین‌المللی شدن دانشگاه تهران از دیدگاه صاحب‌نظران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه تهران.
۴. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹). «سند نقشه جامع علمی کشور»، وضع مطلوب علم و فناوری، بازیابی شده از <http://nj.farhangoeim.ir>.
۵. سادات‌محسنی، هدی، حمیدرضا آراسته، نادرعلی قورچیان و پروش جعفری (۱۳۹۲). «ارائه مدلی برای ارتقای سطح همکاری‌های علمی - بین‌المللی در آموزش عالی ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، ش ۹.
۶. فاضلی، نعمت‌اله و ناصر شمس (۱۳۸۳). «بررسی نظام مدیریت ارتباطات و مبادلات بین‌المللی علمی و دانشگاهی ایران و غرب»، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۰، ش ۳(۳۳).
۷. فتحی‌واجارگاه، کوروش، عدرا زارع و محمد یمینی (۱۳۸۸). «بررسی موانع بین‌المللی برنامه درسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش ۵۴.
۸. قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴-۱۳۹۰ (۱۳۹۵)، <http://qavanin.ir/Law/Subjectinex/257240?code=72>.
۹. مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۲). «چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی»، مصوب ۱۳۸۲/۰۷/۲۶ مجمع و ابلاغی ۱۳۸۲/۰۸/۱۳. بازیابی شده از: <http://maslahat.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=3&pageid=402>.
۱۰. ملک‌زاده، رضا (۱۳۸۱). «نقش هعب در توسعه علمی ایران»، پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ش ۲۵.
11. Archambault, E., O. Beauchesne, G. Cote and G. Roberge (2016). *Scale Adjusted Metrics of Scientific Collaboration. Science-Matrix*, Montreal.
12. Ayoubi, R. and A. Al-Habibeh (2006). "An Investigation into International Business Collaboration in Higher Education Organizations", *International Journal of Educational Management*, Vol. 20, No. 4.
13. Behrendt, J. and F. Emeritus (2014). "Science in the Snow: Fifty Years of

- International Collaboration Through the Scientific Committee on Antarctic Research", *Arct Antarct Alp Res*, 46(1).
14. Bozeman, L. (2009). *Implementation and Collaboration in the United States-Brazil Higher Education Consortia Program*, Doctoral Dissertation, Boston College Lynch School of Education.
 15. Chan, W. Y. (2004). "International Cooperation in Higher Education: Theory and Practice", *Journal of Studies in International Educations*, Vol. 8, No. 1.
 16. DeWit, Hans (2002). *Internationalization of Higher Education in the United States of America and Europe: A Historical, Comparative, and Conceptual Analysis*, Westport: Greenwood Press.
 17. Edelson, P. (2003). International Collaboration in Higher Education. Paper presented at the virtual education conference.
 18. Grasset, Cristina (2013). "Internationalization Rationales, Obstacles and Drivers: a Multiple Case Study of Spanish Higher Education Institutions", Retrieved from the University of Minnesota Digital Conservancy, <http://hdl.handle.net/11299/150715>.
 19. Guo, S. and H. Zhao (2017). "Fuzzy Best-worst Multi-criteria Decision-Making Method and its Applications", *Knowledge-Based Systems*, 121.
 20. Hayle, E. M. (2008). "Education Benefits of Internationalizing Higher Education", Thesis for Degree of Master of Education, Queens University, Ontario, Canada.
 21. Kalay, Y. (2001). "Enhancing Multi-disciplinary Collaboration through Semantically Rich Representation", *Automation in Construction*, 10.
 22. Kato, M. and A. Ando (2017). National Ties of International Scientific Collaboration and Researcher Mobility, *Scientometrics*.110: 673.
 23. Lau, Ken and Chia-Yen Lin (2017). "Internationalization of Higher Education and Language Policy", *High Education*, 74.
 24. OECD (2017). *Education at a Glance 2016: OECD Indicators*, OECD Publishing, Paris, <http://dx.doi.org/10.1787/eag-2017-en>.
 25. Qureshi, M. and et al. (2013). Internationalization of Higher Education Institutions. *Scientometrics*. DOI 10.1007/s11192-013-1163-9.
 26. Ratanawijitrasin, Sauwakon (2017). The Evolving Landscape of South-East Asian Higher Education and the Challenges of Governance.
 27. Rezaei, J. (2015). "Best-worst Multi-criteria Decision-making Method", *Omega*, 53.
 28. Sánchez, R. and et al. (2017). The Role of Guarantor in Scientific Collaboration: The Neighbourhood Matters, *Journal of Informetrics*, Volume 11, Issue 1, February 2017, Pages 103-116. <https://doi.org/10.1016/j.joi.2016.11.004>.
 29. Scellato, G., C. Franzoni and P. Stephan (2015). "Migrant Scientists and International Networks", *Research Policy*, 44(1).
 30. Sewer, Erlenawati (2013). Internationalisation of Higher Education

- Curriculum: the Contribution of International Students, Globalisation, Societies and Education, 11:3, 359-378, DOI: 10.1080/14767724.2012. 750477.
31. Stier, Jonas (2010). International Education: Trends, Ideologies and Alternative Pedagogical Approaches, Globalisation, Societies and Education, 8:3, DOI: 10.1080/14767724.2010.505095.
32. UNESCO Institute for Statistics (2018). Outboubd Internationally Mobile Students by Host Region. Data extracted on 30 Jan 2018 19:47 UTC (GMT) from <http://data.uis.unesco.org>.
33. Wagner, C. S., H. W. Park and L. Leydesdorff (2015). *The Continuing Growth of Global Cooperation Networks in Research: A Conundrum for National Governments*, PLoS One 10 (7), e0131816.
34. Wagner, C. S., T. A. Whetsell and L. Leydesdorff (2017). "Growth of International Collaboration in Science: Revisiting Six Specialties", *Scientometrics* 110 (3).
35. Welch, Anthony (2012). Opportunistic Entrepreneurialism and Internationalisation of Higher Education: Lessons from the Antipodes?, Globalisation, Societies and Education, 10:3, DOI: 10.1080/14767724. 2012.710119.
36. Yamada, R. (2013). Chapter 10 Structural Transformation of Japanese Higher Education: Adopting to Meet Challenges Posed by Globalisation and Market Economy, New York: Palgrave Macmillan.

چگونگی مفصل‌بندی دلالت‌های فرهنگی - سیاسی در گفتمان امام خمینی (ره)

روح‌الله استاک، * مهرداد نوابخش ** و یارمحمد قاسمی ***

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۸/۲	تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۱۱/۲۱
-----------------------	------------------------

امام خمینی (ره) در برابر اندیشه‌هایی که شعارهای نوگرایی، تحول‌پذیری، تجددطلبی، مطلق‌گریزی و ابطال‌پذیری را بیان می‌کردند، مدل نوینی از نظام سیاسی مطرح ساخت که بنیان و ساختار اسلامی را به همراه داشت و پایه‌های ساختارهای بین‌المللی را تغییر داد. این امر به روی کار آمدن نسل چهارم نظریه‌پردازان در عرصه بین‌المللی منجر شد که بر عامل فرهنگی تمرکز داشتند و در برابر نسل سوم نظریه‌پردازان که نسلی ساختارگرا و جبری بود، قیام کردند. این مقاله با استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان با خوانش لاکلا و موفه به دنبال بررسی چگونگی مفصل‌بندی دال‌های سیاسی - فرهنگی در گفتمان امام خمینی (ره) است. ادعای مقاله آن است که مفصل‌بندی بدیع دال‌های شناور در نظام‌های معانی مختلف و تلفیق دیدگاه‌های سنتی و مدرن و قرار دادن اندیشه‌های اسلامی مردم‌سالار به‌عنوان دال مرکزی باعث هژمونی گفتمان امام خمینی (ره) شده است. نتایج تحلیل حاکی از آن است که در مرکز گفتمان امام خمینی (ره)، اسلام یک دین متعالی و مردم‌سالار بود که همه فضاها و زوایای زیستمانی بشری را دربر گرفته و دال‌های کلیدی چون تحول فرهنگی، فرهنگ پیشرو، آموزش، خودباوری و پیشرفت، آزادی، برابری، مشارکت همگانی، وحدت، امت واحده اسلامی، قانون، نقد غرب، روابط انسانی، انتظار مثبت و ولایت فقیه را آبتسن معنا کرده است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی (ره)؛ مردم‌سالاری دینی؛ دال؛ تحلیل گفتمان؛ لاکلا و موفه

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران،

Email: roholastack@yahoo.com

ایران؛

** استاد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات - تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: navabakhsh@srbiau.ac.ir

*** دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی؛ دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایران؛

Email: ym-ghasemi2004@yahoo.com

مقدمه

بدون تردید بی‌قرار کردن و ازجاکنندگی دال‌ها و سپس مشروعیت‌زدایی از گفتمان شاهنشاهی با قدمت چند هزارساله و تأسیس حکومت جمهوری اسلامی که خصیصه‌های مردم‌سالارانه و اتکا به دین را یدک می‌کشید، توسط امام خمینی (ره) به‌عنوان یک مرجع تقلید در برهه‌ای که نظریه جدایی دین از سیاست به امری بدیهی تبدیل شده بود، پدیده‌ای شگرف و شایسته بررسی‌های ژرف‌اندیشانه است. امام خمینی (ره) در برابر اندیشه‌هایی که شعارهای نوگرایی، تحول‌پذیری، تجددطلبی، مطلق‌گریزی و ابطال‌پذیری را مطرح می‌کردند، مدل نوینی از نظام سیاسی مطرح ساخت که بنیان و ساختار اسلامی را به همراه داشت و پایه‌های ساختارهای بین‌المللی را تغییر داد. این امر به روی کار آمدن نسل چهارم نظریه‌پردازان در عرصه بین‌المللی منجر شد که بر عامل فرهنگی تمرکز داشتند و در برابر نسل سوم نظریه‌پردازان که نسلی ساختارگرا و جبری بود، قیام کردند. این نظریه‌پردازان بر اهمیت بررسی انقلاب ۱۳۵۷ که با محوریت فرهنگ تأکید داشتند، آن هم در سرزمین ایران که از ضربات تازیانه استعمار و استبداد زخم‌های عمیقی برداشته بود. ما در این مقاله بر این ادعا هستیم که تحلیل چگونگی مفصل‌بندی دال‌های فرهنگی - سیاسی در گفتمان امام خمینی بر مبنای خوانش لا‌کلا و موفه می‌تواند به ما در فهم چنین رخداد عظیمی که ساختار و محتوای نظام شاهنشاهی را برانداخت و طرحی نو به نام جمهوری اسلامی درانداخت، یاری رساند.

نظریه و روش تحلیل گفتمان براساس خوانش لا‌کلا و موفه امروزه کاربرد گسترده و فزاینده‌ای در علوم اجتماعی و خصوصاً علوم سیاسی دارد. آنچه که تحلیل گفتمانی لا‌کلا و موفه را از دیگر نظریه‌های گفتمان متمایز می‌کند تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه و زبان‌شناسی به حوزه سیاست و جامعه است. روش تحلیل گفتمان با ابزار مفهومی و نظری که ارائه می‌دهد بهتر از سایر رویکردها، توان تحلیل چگونگی فراز و فرود نظام اندیشه‌ای و ستیز نظام‌های اندیشه‌ای با همدیگر را داراست و در یک چارچوب منسجم و با استفاده از مفاهیمی چون دال مرکزی، دال‌های کلیدی، دال شناور، مفصل‌بندی، غیریت‌سازی، بیناگفتمان، طرد و برجسته‌سازی، هژمونی و ... توان توصیف و شناخت عناصر اصلی و غیراصولی را دارد. از نظر لا‌کلا و موفه، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد، یعنی فعالیت‌ها

و پدیده‌های سیاسی وقتی قابل فهم هستند که در قالب گفتمانی خاص، مورد ارزیابی قرار گیرند. ادعای ما در این مقاله درخصوص چگونگی مفصل‌بندی دال‌های فرهنگی - سیاسی در گفتمان امام خمینی (ره) این است که ایشان با مفصل‌بندی بدیع دال‌های شناور در نظام‌های معانی مختلف و تلفیق دیدگاه‌های سنتی و مدرن و قرار دادن اندیشه‌های اسلامی مردم‌سالار به‌عنوان دال مرکزی باعث هژمونی گفتمان خویش شده است.

۱. مبانی مفهومی (نظریه گفتمان لاکلا و موفه)

لاکلا و موفه، نظریه گفتمان خود را بر مبنای جریان‌های نظری و فلسفی مختلفی چون، واسازی دریدا، تبارشناسی و دیرینه‌شناسی میشل فوکو، روان‌کاوی لاکان، پدیده‌شناسی هوسرل و هایدگر، پراگماتیسم رورتی، زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی مدرن، رهیافت فراثحلیلی ویتگنشتاین و هژمونی گرامشی بنا نهاده‌اند (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۵۹). لاکلا و موفه همچنین مفهوم قدرت فوکو را نیز وارد نظریه گفتمان خود کردند و به این ترتیب به گفتمان نیرویی پیش‌راننده بخشیدند. اما به نظر می‌رسد آنها به جای «حکم» فوکو از «نشانه» سوسور برای توضیح ساختار گفتمان استفاده کردند. بنابراین گفتمان از نظر این دو، نه مجموعه‌ای از احکام، بلکه مجموعه‌ای از نشانه‌هاست. مفهوم صورت‌بندی گفتمانی فوکو نیز قابل قیاس با مفهوم «مفصل‌بندی» در نظریه گفتمان لاکلا و موفه است، چرا که مفصل‌بندی فرایندی است که نشانه‌ها با هم جوش می‌خورند و یک نظام معنایی را شکل می‌دهند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۳: ۴۳-۳۷). لاکلا و موفه می‌گویند این امر که هر ابژه‌ای به‌عنوان یک ابژه گفتمان بر ساخته شده است ربطی به اینکه جهان هست که بیرون اندیشه ماست و یا ربطی به تقابل رئالیسم - ایدئالیسم ندارد. یک زمین‌لرزه یا افتادن آجر رخدادی است که یقیناً وجود دارد، به این معنا که این رویداد اینجا و اکنون، مستقل از اراده من اتفاق می‌افتد اما اینکه آیا خاص بودن آنها به‌مثابه ابژه، بر حسب پدیده‌های طبیعی یا بر حسب آیات خشم خداوند ساخته می‌شود به ساختار یافتن یک حوزه گفتمان وابسته است. آنچه نمی‌توان پذیرفت، این نیست که چنین ابژه‌هایی در بیرون از اندیشه وجود دارند بلکه آن ادعای نسبتاً متفاوتی است که می‌گوید آنها می‌توانستند خود را به‌مثابه ابژه‌هایی بیرون از هر شرایط گفتمانی حاکم

برظهورشان بسازند (میلز، ۱۳۸۲: ۶۶-۶۵) با اتخاذ چنین دیدگاه پسا ساختار گرایانه‌ای، لا کلا و موفه سعی کرده‌اند با همه دیدگاه‌های جوهر گرایانه و مینا گرایانه مخالفت کنند. آنها با محتمل و مشروط دانستن همه هویت‌ها و پدیده‌های اجتماعی، به نفی هر گونه عینیت گرایی و قطعیت گرایی ناشی از دیدگاه‌های اثبات گرا، عقل گرا و استعلایی پرداخته‌اند. در این صورت، جهان اجتماعی تنها در قالب گفتمان‌ها، قابل فهم است و خارج از قلمرو گفتمان هیچ حقیقت بنیادین و قابل فهمی وجود ندارد.

اگرچه لا کلا و موفه رابطه‌ای بودن نظام نشانه‌شناختی گفتمان را از سوسور وام گرفته‌اند، اما ثابت بودن رابطه دال و مدلول را نمی‌پذیرند و در این خصوص از دریدا تبعیت می‌کنند. دریدا دوگانگی دال و مدلول سوسور را درهم می‌شکند و زبان را مجموعه‌ای از دال‌های بدون مدلول می‌پندارد. دال‌هایی که معنایشان را به هنگام کاربرد به دست می‌آورند. در واقع در شرایط مختلف، مدلول‌های مختلفی به دال منتسب می‌شوند و اینکه یک دال خاص متضمن چه مدلولی است همواره مورد مناقشه است. به این ترتیب، لا کلا و موفه توانستند با به کار بستن مفهوم دریدایی نشانه در نظریه گفتمان، امکان تبیین مناقشات سیاسی را فراهم آورند. در نتیجه، نظریه گفتمان لا کلا و موفه، معنا، سیاست و اجتماع را با هم ترکیب می‌کنند و یکجا به تحلیل آنها می‌پردازند.

از نظر لا کلا و موفه، این مفصل‌بندی‌های سیاسی هستند که تعیین می‌کنند ما چگونه فکر و عمل کنیم. سیاست از نظر اینان معنایی عام دارد و «به حالتی بازمی‌گردد که ما مدام به شیوه‌ای اجتماع را می‌سازیم که شیوه‌های دیگر را طرد می‌سازد» (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۶۰). در واقع، مطابق دیدگاه آنها سیاست، سازمان دادن به جامعه به شیوه‌ای خاص است به نحوی که شیوه‌های ممکن دیگر را نفی و طرد می‌سازد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۶). بدین ترتیب گفتمان‌های مختلف ممکن است بر سر سازماندهی جامعه به شیوه خاص خود با هم به رقابت و مبارزه برخیزند. در رویکرد نظری گفتمان، لا کلا و موفه تمایزی میان ابعاد گفتمانی و غیر گفتمانی امر اجتماعی قائل نمی‌شوند. همه پرکتیس‌ها، گفتمانی‌اند. این بدان معنا نیست که چیزی جز متن و حرف وجود ندارد بلکه برعکس، به این معناست که خود گفتمان، امری مادی است و پدیده‌هایی همچون اقتصاد و دیگر نهادها، جزئی از

چگونگی مفصل‌بندی دلالت‌های فرهنگی - سیاسی در گفتمان امام خمینی (ره) _____ ۱۳۵

گفتمان هستند (لاکلا و موفه، ۱۳۹۳: ۴۵). بدین ترتیب در نظریه گفتمان لاکلا و موفه تعاملی دیالکتیک میان گفتمان و چیزهای دیگر وجود ندارد، گفتمان سراسر جهان ما را می‌سازد.

۱-۲. مؤلفه‌های نظریه گفتمان لاکلا و موفه

الف) دال مرکزی، دال شناور

به شخص، نماد یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، گره‌گاه یا دال مرکزی می‌گویند. این دال، دال‌های دیگر را شارژ می‌کند و آنها را در قلمرو جاذبه معنایی خود نگه می‌دارد. کل نظام معنایی یک گفتمان بر حول دال مرکزی استوار است (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴) در این نظریه، دال شناور، دالی است که مدلول آن غیر ثابت است. به عبارت بهتر، مدلول‌های متعدد دارد.

ب) مفصل‌بندی

مفصل‌بندی، کنشی است که میان عناصر مختلف به مانند مفاهیم، دال‌ها و نمادها چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کنند که هویت اولیه آنها دگرگون شده و هویتی جدید می‌یابند (یورگسن و فیلیس، ۱۳۹۳: ۵۳).

ج) غیریت

غیر یا دیگری در هر گفتمانی اهمیت فوق‌العاده دارد؛ زیرا از دیدگاه خالق متن، غیر یا دیگری از دایره خودی‌ها بیرون است و حتی اگر دشمن محسوب نشود وابسته به گفتمان‌های دیگری است. فهم نظریه گفتمان بدون فهم مفاهیم ضدیت و غیریت، ناممکن است. گفتمان‌ها، اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. هویت همه گفتمان‌ها، منوط و مشروط به وجود غیر است. از این رو گفتمان‌ها، همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند (عضدانلو، ۱۳۷۵: ۶۲).

د) هژمونی

لاکلا و موفه از انعطاف‌پذیری رابطه دال و مدلول استفاده سیاسی می‌کنند و آن را به مفهوم

هژمونی پیوند می‌دهند. به این ترتیب، اگر مدلول خاصی به دالی نزدیک شود و در نتیجه بر سر معنای خاصی برای یک دال در اجتماع، اجماع حاصل شود آن دال هژمونیک می‌شود و با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان، کل آن گفتمان به هژمونی دست پیدا می‌کند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۳: ۹۳-۸۹).

ه) بیناگفتمان

بیناگفتمان یعنی مجموعه گفتمان‌هایی که یا براساس محور در زمانی یا براساس محور همزمانی با یکدیگر پیوند خورده‌اند (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۸۰) برخی بر این پندارند که در تحلیل بیناگفتمان به جای درهم آمیزی متن‌ها با درهم آمیزی گفتمان‌ها روبه‌رو هستیم. لذا بیناگفتمان، ترکیب ژانرهای مختلف برای برساخت یک گفتمان جدید است (جهانگیری و فتاحی، ۱۳۹۰: ۳۴). بر این اساس بیناگفتمان از مفهوم‌های مشترکی که در گفتمان‌های دیگر است، استفاده می‌کند و هنگامی واقع می‌شود که گفتمان‌ها و ژانرهای مختلفی در یک رخداد ارتباطی واحد با یکدیگر مفصل‌بندی شوند.

۲. مفصل‌بندی دال ولایت فقیه و نشانه‌های آن در گفتمان امام خمینی (ره)

هم‌چنان که لاکلا و موفه اعتقاد دارند، تمام دال‌ها، ایزه‌ها، اشیا و کنش‌ها، معنای خود را نه در ارجاع به یک معنای فراگفتمانی، بلکه در چارچوب یک گفتمان مشخص کسب می‌کنند. بر این اساس امام خمینی (ره) با انتساب معنای خویش به دال‌های شناور و ایجاد رابطه و مفصل‌بندی، هویت خاصی به گفتمان خود بخشیده است. ستون فقرات گفتمان سیاسی امام خمینی در این خصوص که حق حکومت کردن در جامعه اسلامی بعد از عصر معصومان (ع) و در غیبت امام دوازدهم به چه کسی تعلق گرفته است، در دال کلیدی ولایت فقیه خلاصه می‌شود. امام خمینی (ره) ضمن تأکید بر سیاسی بودن اسلام، اعتقاد داشت که اداره امور جامعه و زعامت سیاسی جامعه که یکی از شئون امامت پیامبر و امامان معصوم به‌شمار می‌رفته است در زمان غیبت به فقیه واجدالشرایط واگذار شده است (استاک، ۱۳۹۱: ۲۷).

بر این اساس ایشان معتقد به اختیارات حداکثری ولی فقیه همچون اختیارات پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) بود و بر لزوم تشکیل حکومت توسط ولی فقیه به جهت اجرایی شدن صحیح احکام اسلام تأکید داشت. دال کلیدی ولایت فقیه در گفتمان امام خمینی علاوه بر دایره گسترده اختیارات، به جهت نقش مردم در تحقق آن نیز، تفاوت‌های آشکاری با گفتمان‌های دیگر داشت. امام خمینی (ره) به‌عنوان مرجعی صاحب‌نظر و سکاندار نظام جمهوری اسلامی، اصل رکن نظام جدید یعنی اصل ولایت فقیه را از مفهوم و ذهنیت رایجی که همان برداشت حکومت مطلقه فردی است، خارج کرد و اساس را بر اعتماد و اتکای بر مردم گذاشت. همین مسئله اعجاب همگان را برانگیخت و پس از آن نیز ریاست جمهوری، مجلس و ... براساس آرای عمومی شکل گرفت و نظامی که برپایه ولایت فقیه قرار داشت در ابعاد اساسی خود، رنگ و بوی مشارکت عمومی گرفت. این مطلب حتی در بیشتر دولت‌ها و جهان پیشرفته هم به چشم نمی‌خورد. امام خمینی (ره) با این تدابیر، ولایت فقیه را از غلتیدن به ورطه حکومت الهی مطلق به معنای غربی‌اش بازداشت. امام خمینی (ره) در پاسخ به استفتای رسمی دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه نظر صریح و کوتاه خود را مرقوم داشته‌اند: سؤال این بوده است «در چه صورت فقیه جامع‌الشرایط در جامعه اسلامی ولایت دارد؟».

پاسخ امام (ره) چنین است: بسمه تعالی، ولایت در جمیع صور دارد لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰: ۴۵۹).

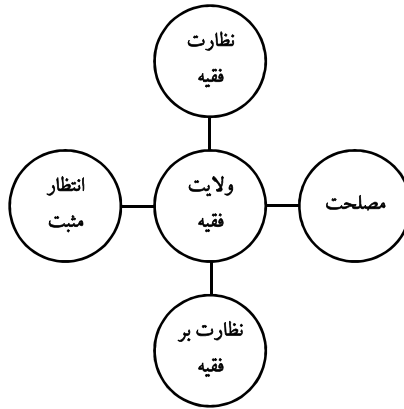
امام خمینی (ره) معتقد بودند که ولایت فقیه به معنای قداست فقیه و معصوم بودن او نیست و چنان تصور نکنیم که او خطا نمی‌کند. ولی فقیه مانند دیگران مجتهدی است که امکان صواب و خطا در او وجود دارد. اگر نظرش صواب بود مردم باید پیروی کنند و اگر خطا بود باید از نظرش برگردد و مردم نیز باید او را به خطایش آگاه کنند. درخصوص دال نظارت بر فقیه، باید اشارت داشت که اصولاً ولایت فقها از منظر امام خمینی (ره) به‌عنوان واسطه میان عالم لاهوت و عالم ناسوت، دو جنبه و حیث دارد. در وجه اول که از آن به

وجه یلی الربی یاد می‌شود، فقهای جامع‌الشرایط به‌صورت عام، نماینده امام معصوم (عج) و منصوب از قِبَل او هستند و در وجه دوم که از آن به وجه یلی‌الخلق نام برده می‌شود، ولی فقیه منتخب از جانب عامه مردم، وکیل مردم و پاسخگو به آنهاست. از وجه اول، فقیه نسبت به دستگاه فقه، دارای ولایت مطلقه است یعنی دارای کلیه شئون پیامبر و ائمه معصومین در امر تقنین و تشریح است. «برای فقیه، همه آنچه برای امام معصوم (ع) ثابت است، ثابت می‌باشد مگر اینکه دلیل قائم شود که اختیارات آنها از جهت ولایت و سلطنت آنها نیست، بلکه مربوط به جهات شخصی آنها به شرافت آنان بوده باشد» (همان، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۹۶). از جنبه دوم، ولی فقیه، نماینده و سبیل حاکمیت ملی است و مکلف است مصالح عامه و منافع ملی را پاس دارد. در واقع پذیرش معنای مصلحت به‌عنوان مهمترین ابزار است. دولت مدرن، دایرمدار مصالح و منافع ملی است و اساساً تأسیس دولتی مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه، بدون پذیرش عنصر مصلحت امکان نداشت. امام خمینی (ره) حفظ نظام را اوجب واجبات می‌دانست؛ یعنی بر این اعتقاد بود که برای رعایت مصالح آن، می‌توان هر تحولی را در دستگاه شریعت پذیرا شد. اگر بپذیریم که ولی فقیه نماینده حاکمیت ملی است، از آنجاکه به قول ژان بُدِن، حاکمیت ملی مطلقه، نامشروط، غیرقابل انتقال و تجزیه‌ناپذیر است، می‌توان این صفات را برای نماینده آن پذیرفت (حجاریان، ۱۳۸۹: ۸۵).

امام خمینی (ره) بر ضرورت نظارت همگانی بر تمام ارکان نظام جمهوری اسلامی و از جمله بر ولی فقیه تأکید داشت و برای اثبات این مهم از سخنان امام علی (ع) که اشارت داشته‌اند که بالاتر از آن نیست که خطا نکند و یا سخنان پیامبر اسلام (ص) که همه افراد را در قبال جامعه مسئول دانسته بود، استفاده می‌کردند. دال نظارت فقیه در جامعه اسلامی بر همین اساس قابل فهم است که وظیفه فقیه در جامعه اسلامی نظارت بر اجرای درست و صحیح ایدئولوژی است، او صلاحیت مجری قانون و کسی را که می‌خواهد رئیس دولت شود و کارها را در کادر ایدئولوژی اسلام به انجام رساند، مورد نظارت و بازرسی قرار می‌دهد. در گفت‌وگو با امام خمینی (ره) یکی از بسترهای مناسب برای رسیدن به جامعه موعود که در چارچوب دال کلیدی ولایت فقیه قابل فهم است، ایجاد دگرگونی‌ها و تحولات فکری، اعتقادی و ایمانی است که این مهم در سایه پذیرش مردم محقق خواهد شد.

درخصوص همین مطلب، امام خمینی (ره) می‌گوید «امید است وعده الهی، اراده منت بر مستضعفان به‌زودی تحقق یابد و دست قدرتمند حق تعالی، هرچه سریع‌تر از آستین ملت‌های مظلوم بیرون آید و تحول الهی‌ای که در ملت ایران به‌وجود آمده است در همه ملل و نحل، به‌خواست خداوند تعالی تحقق یابد که دست ستمکاران از جنایت نسبت به مستضعفان جهان کوتاه شود و مظلومان به حقوق ازدست‌رفته خود دست یابند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۳۱۸). بنابراین، انتظار در گفتمان امام خمینی، حلقه ارتباط بین سه دوره نبوت، امامت و غیبت است و انسان منتظر، به‌گسست تاریخی این سه دوره پایان می‌دهد. از این‌رو، انتظار، فلسفه مثبتی از تاریخ است که با آینده‌نگری، شرایط تحول، پویایی، مسئولیت، تعهد و آمادگی روحی و فکری و تلاش جهت استقرار حکومت حقه اسلامی به‌جهت مهیاکردن زمینه ظهور معنا پیدا می‌کند.

شکل ۱. مفصل‌بندی دال ولایت فقیه و نشانه‌های آن در گفتمان امام خمینی



۳. مفصل‌بندی دال مردم‌سالاری دینی و نشانه‌های آن در گفتمان امام خمینی (ره)

یکی از دال‌های اصلی و مهم گفتمان امام خمینی، دال مردم‌سالاری دینی است. در گفتمان امام خمینی (ره) دو عنصر جمهوریت و اسلامیت با هم ترکیب نمی‌شوند، چون «ترکیب» فرع بر «تعدد» است و در این نظر تعدد و تغایر انکار می‌شود، لذا اضافه اسلامی به جمهوری، از نوع اضافه عبادات اسلامی، یا اخلاق اسلامی است که عبادت یا اخلاق، بخشی از پیکره

اسلام را تشکیل می‌دهد. امام خمینی (ره) در توضیح نظام جمهوری اسلامی می‌گوید: «ماهیت حکومت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است با اتکا به آرا عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام می‌باشد» (همان، ج ۳: ۱۰۵). لذا منظور ایشان از جمهوری، همان معنای رایج در عرف سیاست است که این معنا به هیچ وجه برآمده از جهان‌بینی و ایدئولوژی غربی نیست. بلکه تأکید بر حق بشر در دخالت بر سرنوشت خویش، یک امر فطری الهی است و هرگز در تعارض با حقوق بندگی و حقوق الله نیست. جمهوریت به معنای نفی استبداد و بنا نهادن حکومت و ساختارهای اصلی آن بر رأی و خواست مردم و مسئولیت‌پذیری حکومت در برابر مردم است. امام خمینی (ره) می‌گوید: «اینجا آرای ملت حکومت می‌کند. اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد و این ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ‌یک از ما جایز نیست» (همان، ج ۱۴: ۱۶۵). در اندیشه امام خمینی (ره) چنین نیست که اسلام راستین و واقعی امری است که می‌تواند هم در قالب نظام سلطنتی، دیکتاتوری و حکومت منهای دخالت و نظارت و بیعت مردم دربیاید و هم در قالب نظام مبتنی بر رأی و نظر مردم و هرگاه که اراده کردیم قالب را عوض کنیم، اما محتوا سالم و دست نخورده باشد. در این زمانه حکومت یا مبتنی بر رأی مردم است یا نیست. به نظر امام خمینی و بنا به قرائت ایشان از اسلام راستین، حکومت غیرمبتنی بر رأی مردم، اسلامی نیست. و صد البته حکومت جمهوری یا هر عنوان دیگری بدون محتوای اسلامی نیز غیراسلامی و نزد ملت ایران و براساس قانون اساسی غیرمشروع است. «ماهیت حکومت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است، با اتکا به آرا عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام می‌باشد» (همان، ج ۳: ۱۰۵).

امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی و ایدئولوگ نظریه ولایت فقیه در مقاطع مختلف، مقبولیت رأی مردم را متذکر می‌شد و می‌گفت: «ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم. اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک

چیزی را تحمیل نکنیم. بلکه ممکن است گاهی وقت‌ها ما یک تقاضایی از آنها بکنیم؛ تقاضای متواضعانه، تقاضایی که خادم یک ملت از ملت می‌کند» (همان، ج ۱۱: ۳۴). مردم در گفت‌وگو امام خمینی (ره) به منزله بدنه اصلی انقلاب اسلامی، در واقع صاحبان اصیل انقلاب هستند که نظراتشان در همه زوایای این انقلاب تأثیرگذار و نقش‌آفرین است به گونه‌ای که رأی آنهاست که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به تصمیمات مدیران، رهبران و بدنه مدیریتی کشور اعتبار می‌بخشد. امام خمینی (ره) اعتقادش به مشروعیت خواست و نظر مردم را این گونه بیان می‌کند: «همان مسیری که ملت داشتند، همین چیزی است که اگر می‌خواهید مطابق به قول خودتان، دموکراسی عمل نکنید. دموکراسی این است که آرا به اکثریت و آن هم این طور اکثریت معتبر است، ولو به ضرر خودشان باشد. شما ولی آنها نیستید که بگویند که این به ضرر شماست. ما می‌خواهیم عمل بکنیم، شما وکیل آنها نیستید. برطبق آن طوری که خود ملت مسیرش است، خواهش می‌کنم از اشخاصی که ممکن است یک وقت، یک چیزی را طرح بکنند که این طرح برخلاف مسیر ملت است، طرحش نکنند» (همان، ج ۸: ۲۴۷).

در گفت‌وگو امام خمینی (ره) ما شاهد اصل برابری در خصوص اقوام، زن و مرد و طبقات مختلف اجتماعی هستیم. از نظر ایشان، یکی از مبانی حقوق مردم در حکومت، قانون‌مداری فراگیر در جامعه است. رعایت قانون و شمول یکسان آن نسبت به همه اقشار جامعه چه از طبقه فرمانروایان و چه در زمره فرمانبران از مواردی است که در سخنان ایشان بیشترین تأکید و تصریح را داشت. قانون‌مداری از اصولی بود که امام خمینی (ره) در سراسر دوران حیات سیاسی و اجتماعی خود بر آن پافشاری کرد. حتی در مبارزات براندازی رژیم شاهنشاهی هم بر محور نوعی قانون‌گرایی حرکت می‌کردند. یک مبنای اصیل قانون‌گرایی در جامعه انسانی بسط عدل و قسط است. قانون‌گرایی، چنانچه از اهداف آن برمی‌آید، واسطه و طریقی برای رسیدن به عدل و قسط در جامعه است. قرآن با تأکید فراوان، انسان‌ها را به عدل و قسط فراخوانده است. وقتی در جوامع پیچیده امروزی، اجرای عدالت به صورت گسترده و فراگیر در گرو تن دادن همه طبقات چه فرمانروا و چه فرمانبردار به قانون باشد، روشن می‌شود که دعوت گسترده قرآن به قسط و عدل، در جوامع امروزی دعوت به قانون‌گرایی قلمداد می‌شود. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌گوید: «ما عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این

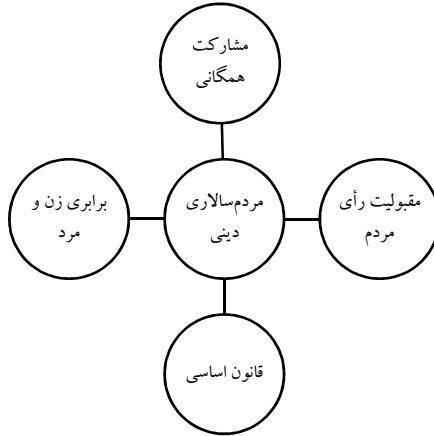
مملکت برقرار کنیم. یک همچو اسلامی که عدالت باشد در آن، اسلامی که در آن هیچ ظلم نباشد. اسلامی که آن شخص اولش با آن فرد آخر همه در سوای در مقابل قانون باشند» (همان، ج ۹: ۴۱). مساوی بودن در مقابل قانون که از محورهای قانون‌گرایی است، در راستای رسیدن به عدالت مورد توجه و تأکید ایشان قرار گرفته بود. همچنین در سخنی دیگر، امام خمینی (ره) می‌گوید: «در جمهوری اسلامی زمامداران مردم نمی‌توانند با سوءاستفاده از مقام، ثروت‌اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیازی برای خود قائل شوند. باید ضوابط اسلامی را در جامعه و در همه سطوح به دقت رعایت کنند» (همان، ج ۴: ۲۶۶).

ایشان در خصوص برابری زن و مرد می‌گوید: «در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد. حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، در تمام جهاتی که مرد حق دارد زن هم حق دارد» (همان، ج ۵: ۱۸۹). امام خمینی (ره) در این دوره با رد شبهاتی که در زمینه محدود شدن زنان در یک نظام اسلامی وجود داشت، بر این امر پافشاری می‌کند که زنان نیز مثل مردان در عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشند. به اعتقاد ایشان، زنان در همه شئون دخالت دارند. امام خمینی (ره) با تأکید بر این نکته که ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانی برسد و زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد، هم به نفی گذشته می‌پرداختند و هم نگاه خود را نسبت به آینده بیان می‌داشتند (کدیور، ۱۳۸۷: ۷۲). «اسلام، زن را مثل مرد در همه شئون دخالت می‌دهد. از این رو اعلام می‌کنم این خرابه‌ای که برای ما باقی گذاشته‌اند باید به دست همه ملت ایران، چه مردان و چه زنان ساخته شود» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۳۰۱). ویژگی اصلی گفتمان امام خمینی (ره) بر این اساس قرار داشت که هرچند نظام طبیعی در خلقت زن و مرد با یکدیگر متفاوت است، اما از این تفاوت‌ها نمی‌توان نابرابری یا برتری یکی را بر دیگری نتیجه گرفت، بلکه باید گفت که هر دو هویت انسانی دارند و دارا بودن هویت انسانی می‌تواند جایگاه برابری را برای استفاده زنان از فرصت‌های اجتماعی فراهم آورد و تفاوت‌های طبیعی مذکور تنها می‌تواند برخی استعدادها را خاص در هر دو جنس را مشخص کند. پس از پیروزی انقلاب و تغییر شرایط اجتماعی از آنجا که امام خمینی (ره) زمینه را برای رشد و حضور سازنده آنها آماده می‌بینند، خواستار حضور فعال زنان در صحنه‌های مختلف می‌شوند «شما هم (زنان)

چگونگی مفصل‌بندی دلالت‌های فرهنگی - سیاسی در گفتمان امام خمینی (ره) _____ ۱۴۳

باید رأی بدهید. شما هم با سایرین فرقی ندارید، بلکه شما مقدمید بر مردها» (همان، ۱۳۹۰: ۶۸).

شکل ۲. مفصل‌بندی دال مردم‌سالاری دینی و نشانه‌های آن در گفتمان امام خمینی (ره)



۴. مفصل‌بندی دال تحول فرهنگی و نشانه‌های آن در گفتمان امام خمینی (ره)

دال کلیدی تحول فرهنگی از ساختارهای اصلی تشکیل‌دهنده گفتمان فرهنگی امام خمینی (ره) محسوب می‌شود، چه اینکه در نظرگاه ایشان فرهنگ به‌عنوان زیرساختار جامعه محسوب می‌شود. امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی، تحول در حوزه فرهنگ و هویت فرهنگی کشور را مهمترین عنصر در تغییر و تحولات آتی عنوان می‌کرد و در سخنان، دست نوشته‌ها و تذکرات خود همواره حساسیت ویژه خویش را به این حوزه نشان می‌داد تا جایی که ایشان فرهنگ را مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت می‌دانست و راه اصلاح مملکت را اصلاح فرهنگ آن قلمداد می‌کرد. ایشان در این دوران تلاش کرده است که فرهنگ را به‌مثابه زیربنای این بازسازی در تمام حوزه‌ها قرار دهد. امام خمینی (ره) می‌گوید، بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند باشد ولی پوچ، پوک و میان‌تهی است (همان، ۱۳۷۹، ج ۱۵: ۲۴۳).

درخصوص اولویت نظام آموزش در تحولات فرهنگی، نظرگاه ایشان مبتنی بر ساخت انسان فرهنگی است. امام خمینی (ره) موضوع انسان فرهنگی را به عنوان اصلی ترین جوهر فرهنگ قلمداد کرده و تکامل نظام اجتماعی را مستلزم ساخت انسان فرهنگی می داند. از نگاه ایشان رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است. فرهنگ مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی های ملت است. اگر فرهنگ ناصالح باشد این جوان هایی که تربیت می شوند با این تربیت های ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می کنند (همان، ج ۳: ۳۰۶) امام خمینی (ره) نظام آموزشی را زیربنای تحولات فرهنگی دانسته و حرکت قهقرایی آن را سبب انحطاط اجتماعی می داند.

امام خمینی (ره) بر ضرورت اتخاذ رویکرد فرهنگ پیشرو به جای فرهنگ پیرو تأکید داشت. امام خمینی (ره) در زمینه تأثیر فرهنگ اسلامی و جایگزین شدن این فرهنگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جای فرهنگ استعماری و غربی می گویند: «شما امروز فرهنگ هایی را که ملت ما را یک ملت وابسته، معرفی و خدمتگزار قدرت ها بار آورده بود و فحشا، فساد و اعتیاد را گسترش روزافزون داده بود و از انسانیت و اخلاق می رفت، کناره گیری کند، در زیر پای خود خرد کرده و شرافت انسانی و تقوا و شهامت و شجاعت و صبر و سلحشوری و مروت و تعاون و تقوا و توجه به مصالح ملت و کشور را جایگزین آن نموده اید. شما امروز سرافراز برای پیشرفت فرهنگ الهی به پیش می روید» (همان، ج ۱۹: ۳۳۷).

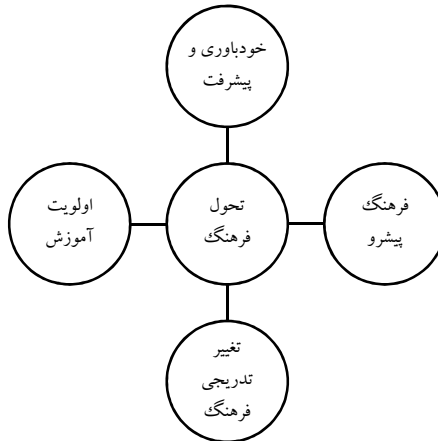
امام خمینی (ره) آموزش فرهنگ را در زمره تبلیغ دینی و دعوت به خوبی ها دانسته و راه مؤثر در این زمینه را بسترسازی از طریق آگاهی بخشی و آزادی و حق انتخاب بیان کرده اند. از نگاه امام خمینی (ره) حساسیت های تغییرات فرهنگی برای حکومت به معنای آن نیست که می تواند و اختیار دارد تنها ملاحظات خود را بر جامعه تحمیل کند؛ بلکه می بایست در تعاملی مستمر با جامعه، سیاست های فرهنگی به مثابه برابری ظرفیت، تقاضا و ملاحظات دوطرف (جامعه - حکومت) اتخاذ و اجرا شوند. نشانه خودباوری و پیشرفت از جمله مؤلفه های مهم در گفتمان امام خمینی (ره) محسوب می شود که دیوید مک کله لند از این مفهوم با عنوان ویروس ذهنی پیشرفت یاد می کند که تا این ویروس در ذهن ملتی نباشد، پیشرفت و توسعه یافتگی امکان پذیر نخواهد بود. امام خمینی (ره) با حمله به تفکر

گفتمان پهلوی و غرب‌زده‌ها که صرفاً مفهوم «ما نمی‌توانیم» را در ذهن جامعه نهادینه کرده بودند، می‌گوید: «اول باید خودتان را درست کنید. اول باید باورتان بیاید که ما هم انسان هستیم. ما هم قدرت تفکر داریم و این قدرت در همه افراد بشر بالقوه است» (همان، ج ۱۴: ۳۰۸). اعتماد به اراده انسانی در سازندگی فرهنگی و امکان ایجاد تغییر در فرهنگ از مؤلفه‌های اصلی گفتمان امام خمینی (ره) است. ملت شریف ما اگر در این انقلاب بخواهد پیروز شود باید دست از آستین برآورد و به کار پردازد. از متن دانشگاه‌ها تا بازارها و کارخانه‌ها و مزارع و باغستان‌ها تا آنجا که خودکفا شود و روی پای خود بایستد. مهم این است که ایرانی‌ها بفهمند خودشان می‌توانند کار بکنند. ما باید در درازمدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم (همان، ج ۱۱: ۴۴۶).

البته در گفتمان امام خمینی (ره) در کنار نشانه‌هایی چون اولویت نظام آموزش و رویکرد پیشروی در فرهنگ‌سازی و اهمیت خودباوری و پیشرفت به نشانه تغییر تدریجی فرهنگ نیز توجه شده است. امام خمینی (ره) درخصوص تدریجی بودن تحول فرهنگی می‌گوید: خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی و ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آنچنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق ریشه‌دار غرب مبارزه کرد» (همان، ج ۱۹: ۱۱۰).

تأکید امام خمینی (ره) بر دو صفت انسانی - اسلامی به منزله مهمترین ویژگی‌های هویت فرهنگی کشور در واقع تأکیدی بر بازگشت به هویت انسانی - عقلانی است که جوهره آموزه‌های قرائت عقل‌گرایانه و انسان‌گرایانه از اسلام است. به نظر امام خمینی (ره) احیای این هویت انسانی، موجب ظهور انسانیت انسان می‌شود که تجلی آن را در چنین انسانی با حمایت از اهدافی نظیر استقلال، خودباوری، اتکای به نفس، امید به آینده، عدم سلطه‌پذیری، حمایت از پیشرفت واقعی و مظاهر واقعی تمدن، نفی هرگونه تقلید غیرعقلایی از دیگران، نقد سنت‌های غیرعقلایی خودی، حفظ کرامت و ارزش‌های اصیل انسانی می‌توان دید که خود زمینه هرگونه حرکت مستقل و تکاملی جوامع است.

شکل ۳. مفصل‌بندی دال تحول فرهنگی و نشانه‌های آن در گفت‌وگوهای امام خمینی (ره)



۵. مفصل‌بندی دال وحدت و نشانه‌های آن در گفت‌وگوهای امام خمینی (ره)

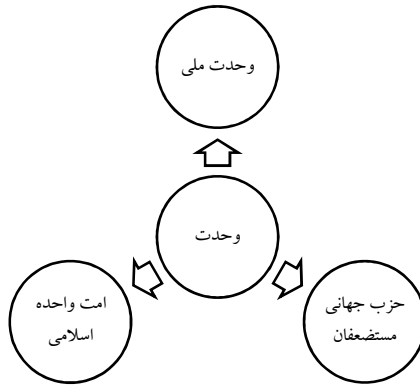
امام خمینی (ره) با تعریف دال شناور وحدت به معنای اتحاد بین همه اقوام ایران در مرحله اول و سپس انسجام و همبستگی تمام ملل مسلمان با توسل به دین مبین اسلام و سنت پیامبر اکرم (ص) کوشید تا از تفرقه بین اقوام ساکن در کشور ایران و همچنین از تفرقه بین ایران و همسایگانش که نتیجه‌ای جز فقر و محرومیت و از بین رفتن امنیت مردم به دنبال نخواهد داشت، جلوگیری کند. این امر باعث شد تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، قدرت در ایران به جای اینکه بر مبنای قومیت و جمعیت اقوام و دیگر معیارهای غیر عادلانه توزیع شود که بدون تردید رهاورد آن در درازمدت، به مخاطره افتادن امنیت و تمامیت ارضی کشور یا سبب سیطره یک قوم بر دیگر اقوام می‌شد؛ بر اساس قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی و معیار شایستگی، تخصص و تعهد به اسلام در سایه وحدت و برادری بین تمام شهروندان انجام شود. بر این اساس دال وحدت در راستای ایجاد اسطوره امت واحده اسلامی در گفت‌وگوهای امام خمینی (ره) به کار گرفته شده که دارای کارکرد بازتولیدکننده از هویت امت اسلامی است، فرایندی از هویت‌بخشی به کنشگران جهان اسلام که در تقابل با استعمار و استبداد، تحقیر و سرخورده شده‌اند و نیازمند هویت‌گفتمانی نوینی هستند که به آنان جایگاه بخشد. ایشان با ساخت نمادهای معناداری چون هفته وحدت، روز قدس و

برائت از مشرکین سوژه‌های گفتمانی را در راستای گفتمان وحدت‌گرایانه خویش فراخوانده است. امام خمینی (ره) خطاب به مخاطبان و سوژه‌های گفتمانی‌اش می‌گوید: «اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را همه را با هم متحد کند، و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند تا کسانی که می‌خواهند سلطه بر این دولت‌های اسلامی و مراکز اسلام پیدا نکنند، نتوانند به واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه هستند. نقشه قدرت‌های بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده است و مؤمنان را به نام اخوت یاد فرموده است از هم جدا کنند و به اسم ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب، ملت فارس از هم جدا کنند بلکه با هم دشمن کنند و این درست بر خلاف مسیر اسلام است و مسیر قرآن کریم» (همان، ج ۱۳: ۴۴۳).

امام خمینی (ره) با استفاده از دال کلیدی وحدت و در یک منظر فراخ‌تر به تضاد دائم جبهه مستکبر و مستضعف اشاره داشته‌اند و درخصوص اتحاد میان تمام مستضعفان جهان به‌عنوان راهبردی برای زمینه‌سازی حکومت حق وعده داده شده، می‌گوید: «مستکبرین در تلاشند در تمام جاهایی که ممالک مستضعفین هستند و ملت‌های مستضعف هستند، چه ملت‌های اسلامی و چه غیراسلامی که مستضعف هستند ... با فعالیت‌های متعدد بین اینها جدایی بیندازند، بین اینها تفرقه بیندازند» (همان: ۱۳۲). امری که لازمه سلطه «اقلیت ظالم بر میلیاردها انسان مظلوم» را فراهم می‌سازد (همان، ج ۱۹: ۴۸۱). «من امیدوارم که یک حزب به اسم حزب مستضعفین در تمام دنیا به‌وجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند و ندای اسلام را و وعده‌ی اسلام را، که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است و وراثت ارض برای مستضعفین است، متحقق کنند» (همان، ج ۱۱: ۲۶۵). ایشان در همین زمینه می‌گوید: «شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان، به پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید و حکام جنایتکار را از کشور خود برانید و همه

در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی به پیش روید» (همان، ۱۳۷۸: ۳۴).

شکل ۴. مفصل‌بندی دال وحدت و نشانه‌های آن در گفت‌وگوهای امام خمینی (ره)



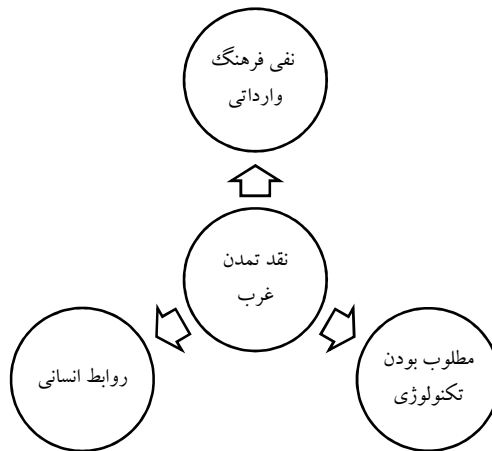
۶. مفصل‌بندی دال تمدن غرب و نشانه‌های آن در گفت‌وگوهای امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در برخورد با غرب، سامان‌دهنده گفت‌وگویی است که وجه اشتراک بسیاری با گفت‌وگوهای بازگشت به خویش‌نهاد دارد. اگرچه محتوای این گفت‌وگو به نوعی از دیرباز در میان برخی اصلاح‌گران چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی و دیگران مطرح بود، ولی امام خمینی (ره) آن را به روشنی احیا و بازسازی کرد. در این گفت‌وگو، نه‌گریز از غرب و نفی و طرد کلیه مظاهر آن توصیه می‌شد و نه شیدایی و از خود بیگانگی؛ بلکه در مواجهه با غرب به دو امر مهم توجه داده می‌شد: یکی شناخت وجوه مثبت و منفی تمدن جدید غرب به‌عنوان پدیده‌ای عینی و دیگری شناخت و احیای وجوه مختلف هویت اسلامی و تجهیز به ابزارهای مناسب در دفاع از آن؛ چه در این صورت است که می‌توان با تکیه بر هویت اصیل اسلامی از وجوه مثبت تمدن دیگران بهره‌برد و از وجوه منفی آن اجتناب کرد. بر این اساس باید اذعان داشت که امام خمینی (ره) برخلاف شارحان گفت‌وگوهای غرب‌گریزی که به انگیزه دفاع از اسلام و خلوص آن و به خیال‌مقابله با بیگانگان، نفی مطلق را توصیه می‌کردند، معتقد نبودند (خاتمی، ۱۳۸۱: ۱۳). «ما هرگز داخل درهای بسته زندگی

نمی‌کنیم» (همان، ۱۳۷۶: ۱۱۰) و «ما تمدن غرب را قبول داریم، لکن مفاسدش را نمی‌پذیریم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۵۹) «ما پیشرفت‌های دنیای غرب را می‌پذیریم، ولی مفاسد غرب را که خود آنان از آن ناله می‌کنند، نه» (همان، ج ۵: ۱۲۹). لذا در گفتمان امام خمینی فهم دال شناور نفی فرهنگ وارداتی در قالب دال کلیدی نقد تمدن غرب میسر است. امام خمینی (ره) به دلیل برخورداری از سرمایه فرهنگی اساطیری و مذهبی والا در برابر احساس غرب‌زدگی و مسخ‌گشتگی، سعی در مسخ‌زدایی و غرب‌زدایی از روح فرهنگ ایرانی - اسلامی داشت. ماروین زونیس، مسخ‌شدگی ایرانیان توسط غرب از نگاه امام خمینی (ره) را به ضایع شدن مغز ایرانیان تعبیر می‌کند (زونیس، ۱۳۷۰: ۳۳).

به اعتقاد امام خمینی (ره) گفتمان غرب‌زدگی، تحقق آن چیزی بود که استعمار غرب در ایران به دنبال آن بود؛ لذا نمی‌توانست پاسخ درستی در برخورد با غرب تلقی شود «همه مفاخر خودمان را فراموش کردند و باورشان آمد که ما همه‌چیز را باید از خارج بیآوریم و یا استمداد از آنها کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۲۷۶). «آنان غرب را قبله خود قرار دادند. رواج این گفتمان در دوره پهلوی به اوج خود رسید و باعث وابستگی ما در همه جهات شد» (همان، ج ۱۴: ۷۶). ایشان حاصل این گفتمان را مصیبتی بزرگ تلقی کردند و ضرر آن را از هر چیز دیگر بالاتر دانستند و معتقد بودند که همین طرز تفکر بود که نگذاشت در طول سالیان دراز به خود آیم و جوانان ما را مأیوس کرد (همان، ج ۸: ۱۱۷) و منشأ اکثر بدبختی‌های ملت ما شد. در اندیشه امام خمینی (ره)، اصل نقد غربیان به مفهوم کینه‌توزی نسبت به آنها نیست، بلکه باید میان دولت‌های استعمارگر و ملل آنها فرق قائل شد. «ما ابرقدرت‌های متجاوز را محکوم می‌کنیم و نه ملت‌های آنان را، من از آن دسته از مردم جوامع غرب که از ملت ما دفاع کردند، تشکر می‌کنم» (همان، ج ۲: ۲۰۳). نظر مثبت امام خمینی (ره) تنها به ملت‌ها که شامل دولت‌های استعمارگر که می‌خواهند اعمال ظالمانه خود را پایان دهند نیز می‌شود. اگر این دولت‌ها مرحله جدیدی را براساس احترام متقابل و حفظ آزادی و استقلال دیگر کشورها آغاز کنند، رفتار با آنان بر همین اساس خواهد بود.

شکل ۵. مفصل‌بندی دال تمدن غرب و نشانه‌های آن در گفت‌وگوهای امام خمینی (ره)



۷. مفصل‌بندی دال آزادی و نشانه‌های آن در گفت‌وگوهای امام خمینی (ره)

براساس اندیشه امام خمینی (ره)، آزادی عطیه‌ای الهی است و اسلام آن را امری فطری می‌داند و در اوج شکل‌گیری نهضت اسلامی ایران بزرگ‌ترین جرم شاه را سلب آزادی‌های اجتماعی دانسته بود «این چه وضعی است که در ایران هست؟ این چه آزادی است که اعطا فرموده‌اند آزادی را؟! مگر آزادی اعطا شدنی است؟! خود این کلمه جرم است. کلمه اینکه «اعطا کردیم آزادی را» این جرم است. آزادی مال مردم هست، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم. «اعطا کردیم» چه غلطی است؟ به تو چه که اعطا بکنی؟ تو چه کاره هستی اصلش؟ «اعطا کردیم آزادی را بر مردم!» آزادی اعطایی این است که می‌بینید. آزادی اعطایی که آزادی - حقیقتاً - نیست، این است که می‌بینید. برای این است که مردم را اغفال کنند» (همان، ج ۳: ۴۰۷ - ۴۰۶). امام خمینی (ره) در خصوص آزادی عقیده چنین می‌گوید: «اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت‌های مذهبی آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است، بهره‌مند شوند. ما به بهترین وجه از آنان نگهداری می‌کنیم. در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند» (همان، ج ۴: ۳۶۴ - ۳۶۳).

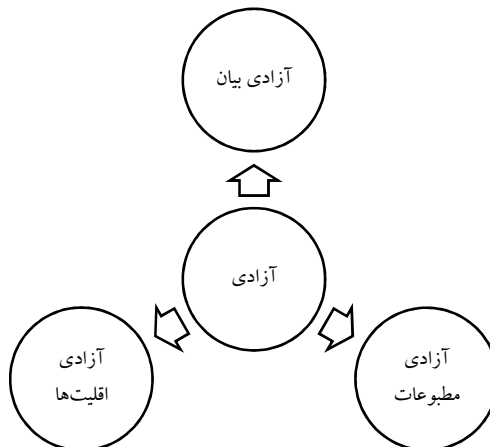
لذا در گفت‌وگوهای امام خمینی (ره)، آزادی دو جنبه دارد، جنبه اول، آزادی از نوعی است که

انسان در آن، آزاد خلق می‌شود و خدا انسان را در تسلط بر خود، مال، جان و ناموسش، مختار کرده است. این انسان، در مسکن و خوردن و آشامیدن البته تا مرز عدم مغایرت با قوانین الهی، آزاد است (همان، ج ۱: ۲۸۷). در این جنبه، منشأ همه آزادی‌ها و آزادی‌های انسان، خداست و اسلام تنها ضامن آزادی است (همان، ج ۳: ۴۴۳). در جنبه دوم، آزادی را بدون اشاره به خدا و اسلام، به میان می‌آورد «علمای اسلام در صدر مشروطیت، در مقابل استبداد سیاه ایستادند و برای ملت، آزادی گرفتند» (همان: ۴۴۳). در این صورت، ممکن است یک مسلمان برای آزادی، به حبس برود، به او اهانت شود و یا فحش بشنود، ولی اینها برای دین نیست؛ بلکه برای خود آزادی است. مصداق‌های این جنبه از آزادی، قدرت در انتخاب و کیل، توانایی در نصب اشخاص، دخالت ملت در اداره امور، توانایی مطبوعات در برملا ساختن جرائم حکومت جور و ... است (همان، ج ۲: ۱۲۵). ترکیب بُعد الهی و زمینی آزادی هم در جملاتی مانند «آزادی ملت اسلام و دفع ظلم دستگاه‌های جبار و نوکران استعمار» (همان: ۴۳۹) خودنمایی می‌کنند.

امام خمینی (ره) با کنار هم قرار دادن چندباره استبداد و آزادی، عنصر سومی را خلق می‌کند که عمل به قانون اساسی و یا تخلف از آن در جمهوری اسلامی است. ایشان در توضیح این مطلب می‌گویند: «در عصری که ملت‌ها یکی پس از دیگری از زیر یوغ استعمار خارج می‌شوند و استقلال و آزادی خود را به دست می‌آورند» (همان، ج ۳: ۱۰۰) و یا ملت ایران «با همه فشارها و قلدری‌ها، طلیعه به دست آوردن آزادی و رهایی از قید استعمار» (همان) را خواهان است، همپایی و معاونت استعمار با استبداد را در سلب آزادی نادیده بگیریم. همزادی و همراهی استعمار و استبداد در سلب آزادی ملت ایران براساس تضاد و زیرپا گذاشتن آنها در خصوص قانون اساسی اتفاق افتاده است. بدین‌سان، امام خمینی (ره) با معیار عمل به قانون اساسی و تخلف از آن، آزادی را معنایی خاص بخشیده است. یا در جایی دیگر می‌گویند: «آزادی بی‌حد و حصر نیست. حد و حصر آزادی را قانون اساسی ترسیم می‌کند. قانون اساسی، میثاق و شرطی است که ملتی با حاکمانش دارد. با وجود قانون اساسی، هر آنچه برخلاف آن عمل شود و به حوزه‌های عملیاتی راه یابد، ناقض آزادی‌های فردی و اجتماعی است؛ بی‌آنکه فرقی بکند چه کسی آن را نقض کرده است. در این مورد، اجازه سرمایه‌گذاری به اجانب، مسلط کردن آنها بر شئون مملکت،

غارت ذخایر نفتی به اسم حاکمیت ملی، کوتاه کردن دست ملت از فعالیت‌های اقتصادی، مصونیت دادن به بیگانگان و کارگزاران آنها، دخالت شاه در امور و قوای کشور و ... مخالفت با قانون اساسی، مغایر با آن و مابین با آزادی است» (همان، ج ۲: ۱۲۵). دال آزادی در گفتمان امام خمینی (ره) براساس خواست و نظر مردم قابل فهم است. ایشان از بدو پیروزی انقلاب سال ۱۳۵۷، در کمتر از دو ماه دستور داد تا تعیین نظام سیاسی به رأی مردم گذاشته شود تا عامه مردم در کمال آزادی، خود تعیین کننده نظام دلخواه خود باشند. امام خمینی (ره) اصرار داشت تا در تدوین و تصویب قانون اساسی که میزان آزادی‌ها و محدودیت‌ها را مشخص می‌کند، سه بار به صورت مستقیم و غیرمستقیم از مردم نظرخواهی شود. «ما موافق رژیم آزادی‌های کامل هستیم. باید حدود رژیم آینده ایران، همان گونه که برای کلیه دولت‌های متکی به مردم مطرح است، منافع مجموع جامعه را دربرگیرد و همچنین باید به شئون جامعه ایرانی مقید بوده باشد، زیرا عرضه یک جامعه غیرمحدود، دستبرد به شرف مردان و زنان آن می‌باشد» (همان، ج ۴: ۳).

شکل ۶. مفصل‌بندی دال آزادی و نشانه‌های آن در گفتمان امام خمینی (ره)



۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همچنان که لا کلا و موفه اعتقاد دارند، همه دال‌ها، ابژه‌ها، اشیا و کنش‌ها، معنای خود را نه در

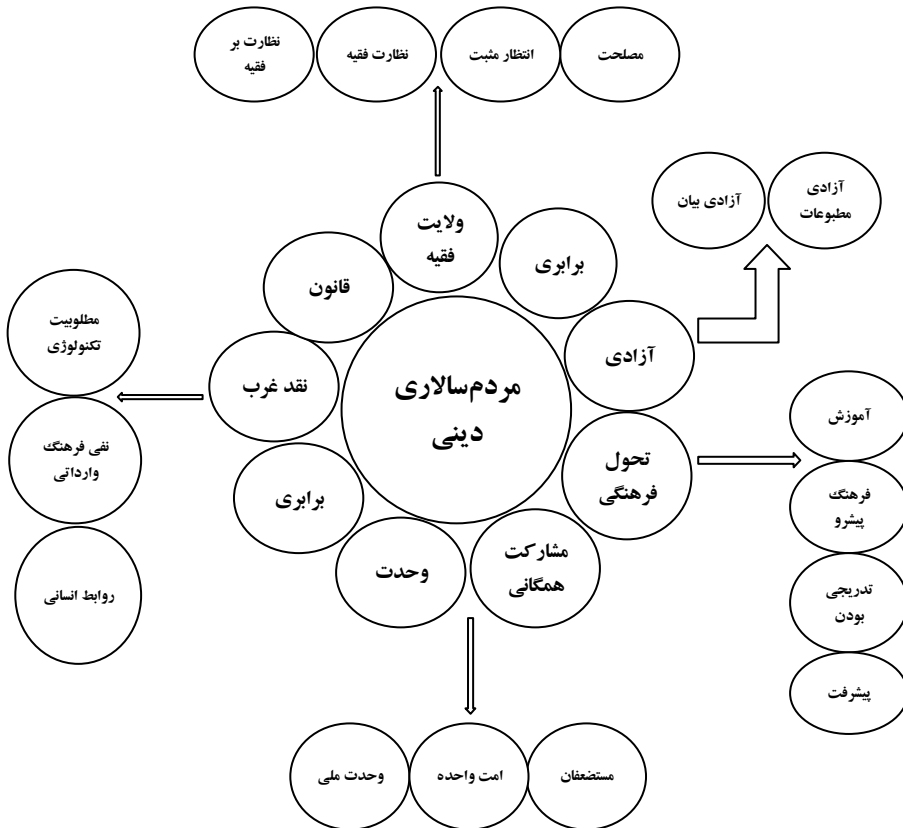
ارجاع به یک معنای فراگفتمانی، که از یک نظام تفاوت‌ها و در چارچوب یک گفتمان مشخص کسب می‌کنند. امام خمینی (ره) پدیدآورنده گفتمانی از اسلام بود که با تمام بداعتش، در سنت دیرینه اسلام ریشه داشت. قرائت ساختارزدای وی از اسلام، چهره‌ای ایدئولوژیک بدان بخشید که بازتاب همه دقایق و عناصر آرمانی، انسانی و انقلابی سایر گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی مدرن و رهایی‌بخش بود. در مرکز گفتمان امام خمینی، اسلام دین متعالی و مردم‌سالار بود. غنای مفهومی و محتوای چنین دینی، تمامی فضاها و زوایای زیستمانی بشری را دربر گرفته و سیاست را نه جانشین، بلکه هم‌نشین دیانت کرده است و یک سیر هم‌افزایی بین آنها برقرار کرده که با سیمای عرفانی مزین شده بود و درنهایت، راهنمای عمل نشانده است.

از جمله مهمترین دال‌های کلیدی و نشانه‌های منظومه گفتمان فرهنگی - سیاسی امام خمینی (ره) می‌توان از دال ولایت فقیه به همراه نشانه‌هایی چون انتظار مثبت، نظارت فقیه، مصلحت و نظارت بر فقیه و دال وحدت به همراه نشانه‌هایی چون وحدت اقوام ایرانی، امت واحده اسلامی، حزب جهانی مستضعفین و دال آزادی به همراه نشانه‌هایی چون آزادی اقلیت‌ها، آزادی مطبوعات، آزادی بیان و دال نقد تمدن غرب به همراه نشانه‌هایی چون نفی فرهنگ وارداتی، مطلوب بودن تکنولوژی و روابط انسانی و دال تحول فرهنگی به همراه نشانه‌هایی چون فرهنگ پیشرو، تغییر تدریجی فرهنگ، اولویت آموزش، خودباوری و پیشرفت و دال برابری زن و مرد، برابری اقوام و دال نظارت همگانی نام برد که در پرتو دال مرکزی مردم‌سالاری دینی و در یک مفصل‌بندی بدیع معنا و مفهوم نوینی پیدا می‌کند که با نظرگاه‌های روحانیون معاصری چون آیت‌الله العظمی بروجردی، علامه طباطبایی و آیت‌الله مصباح یزدی و نواندیشان دینی چون دکتر عبدالکریم سروش و ... تفاوت اساسی دارد.

امام خمینی (ره) معتقد بود که رابطه مردم‌سالاری و دین، رابطه‌ای درون‌گفتمانی است. به بیان دیگر، ایشان بر این باور بودند که نه تنها رابطه میان این دو مفهوم هم ممکن است و هم مطلوب، بلکه این رابطه یک رابطه کاملاً درون‌گفتمانی و گوه‌ری است. دین عین مردم‌سالاری است و مردم‌سالاری عین دین. به بیان بهتر مردم‌سالاری دینی محصول طبیعی و بدیهی ابژه (موضوع شناسا) است و نه از الطاف سوژه (فاعل شناسا). امام خمینی بر ضرورت

مشارکت و همراهی گسترده آحاد ملت فارغ از رنگ، نژاد، قومیت، جنسیت و مذهب تأکید داشتند. بر این اساس همچنان که صاحب نظران اشارت دارند مبنای نظری مشارکت، صاحب حق دانستن مردم و سهم بودن آنان در قدرت است. مشارکت مورد نظر امام خمینی (ره)، مشارکتی همه جانبه و در تمام ابعاد جامعه و از سوی همه مردم جامعه است که او از آن تحت عنوان مشارکت کامل همه مردم یاد می کند و اصلاحات جامعه، تأمین استقلال مملکت و آزادی مردم را در سایه آن می داند.

شکل ۷. جمع بندی و نتیجه گیری



منابع و مآخذ

۱. استاک، روح الله (۱۳۹۱). *مشارکت اجتماعی در نظریه ولایت فقیه*، ایلام، نشر جوهر حیات.
۲. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹). *صحیفه امام*، ۲۱ جلد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. _____ (۱۳۷۸). *کشف‌الاسرار*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. _____ (۱۳۹۰). *جایگاه زن در اندیشه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. _____ (۱۳۹۰). *وصیت‌نامه الهی - سیاسی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. جهانگیری، جهانگیر و سجاد فتاحی (۱۳۹۰). «تحلیل گفت‌مان»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، ش ۳.
۷. حجاریان، سعید (۱۳۸۹). *از شاهد قدسی تا شاهد بازاری*، تهران، نشر طرح نو.
۸. خاتمی، سیدمحمد (۱۳۷۶). *بیم موج*، تهران، نشر سیمای جوان.
۹. _____ (۱۳۸۱). *از دنیای شهر تا شهر دنیا*، تهران، نشر نی.
۱۰. خلجی، عباس (۱۳۸۶). «ناسازه‌های نظری و ناکامی سیاسی گفت‌مان اصلاح‌طلبی»، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۱۱. زونیس، ماروین (۱۳۷۰). *شکست شاهانه*، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر نور.
۱۲. سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفت‌مان و زبان*، تهران، نشر نی.
۱۳. عضدانلو، حمید (۱۳۷۵). «درآمدی بر گفت‌مان یا گفت‌مانی درباره گفت‌مان»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ش ۱۰۴-۱۰۳.
۱۴. فجری، حسینعلی و جواد نظری (۱۳۹۲). *کاربرد تحلیل گفت‌مان در تحقیقات اجتماعی*، تهران، جامعه‌شناسان.
۱۵. کدیور، جمیله (۱۳۸۷). «بررسی گفت‌مان امام خمینی در مورد زنان»، پژوهشنامه متین، ش ۳۹.
۱۶. لاکلا، ارنستو و شنتال موفه (۱۳۹۳). *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی*، ترجمه محمد رضایی، تهران، نشر ثالث.
۱۷. میلز، سارا (۱۳۸۲). *گفت‌مان*، ترجمه فتاح محمدی، زنجان، نشر هزاره سوم.
۱۸. نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۸). «از تحلیل بینامتنی تا تحلیل بیناگفت‌مانی»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، ش ۱۲.
۱۹. یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیس (۱۳۹۳). *نظریه و روش در تحلیل گفت‌مان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

بررسی آثار رفاهی هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران (مطالعه موردی استان‌های تهران و اصفهان)

حسن فرازمند*، ابراهیم انواری** و بتول آذری بنی***

تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۱۰/۷	تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۹/۱۳
-----------------------	------------------------

هدف این مطالعه بررسی آثار رفاهی هدفمندسازی یارانه طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۷۸ است. این مهم با بهبود کیفیت زندگی ناشی از افزایش درآمد و مخارج مصرفی افراد میسر می‌شود. بدین منظور، در این مطالعه با استفاده از نرم‌افزار استاتا و روش دیتون و پاکسون (۱۹۹۷) مدل ادوار زندگی خانوارهای استان‌های تهران و اصفهان را بررسی کرده است. نتایج حاصل از تفکیک مخارج مصرفی خانوارها به اثرات زمان نشان می‌دهد، روند مخارج مصرفی خانوارهای تهرانی قبل و بعد از هدفمندسازی یارانه‌ها منظم است، ولی روند مخارج مصرفی خانوارهای اصفهانی قبل از هدفمندسازی یارانه‌ها منظم بوده، اما بعد از آن نامنظم شده است. ضمناً، مخارج مصرفی خانوارهای اصفهانی قبل از هدفمندسازی یارانه‌ها منظم بوده، اما بعد از آن نامنظم شده است. ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹، بیشتر از خانوارهای تهرانی و در یک سال (۱۳۸۲) کمتر بوده است. به علاوه، میزان متوسط مخارج مصرفی خانوارهای استان اصفهان در کل دوره و همچنین بعد از هدفمندی یارانه‌ها بالاتر از خانوارها در استان تهران بوده و متوسط مخارج مصرفی خانوارهای آنها در کل دوره رشد داشته است ولی در استان تهران چشمگیر نیست.

کلیدواژه‌ها: هدفمندی یارانه؛ اثرات کوهرت؛ اثرات زمان؛ روش استاتا

* دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)؛ Email: hfrazmand@scu.ac.ir

** استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز؛ Email: e.anvari@scu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز؛

Email: b.azari@rocketmail.com

مقدمه

مطلوبیت و رفاه اقتصادی از جمله مباحثی است که اهمیت ویژه‌ای در ادبیات اقتصاد بخش عمومی دارد (خسروی‌نژاد، خداداد‌کاشی و صحبتی، ۱۳۹۱). تفاوت در سطح درآمد، مصرف و پس‌انداز خانوارها می‌تواند به‌عنوان تصویری از رفاه اقتصادی تفسیر شود و بر مبنای آن اختلاف درآمدی و مصرفی خانوارهای یک استان یا شهر با استان و شهر دیگر به‌منزله تفاوت در سطح رفاه خانوارهای آن استان با استان دیگر تعبیر شود. براساس مطالعات انجام شده، الگوی رفتاری درآمد و مصرف خانوارها طی زمان نوسانی و اثر آن بر تغییر در توزیع درآمد و توزیع مخارج مصرفی ظاهر می‌شود (فطرس و معبودی، ۱۳۸۸) و دارای چرخه‌های مشخصی طی زمان است. برای مثال، آنچه در چرخه‌های درآمدی به‌طور وضوح مشاهده می‌شود، افزایش درآمد افراد از سنین جوانی تا میان‌سالی است. درحالی‌که در سنین پیری و بازنشستگی این درآمد روبه کاهش می‌گذارد (سمائی، ۱۳۹۰). این مسئله که اغلب در چرخه‌های زندگی نادیده گرفته می‌شود، روند تغییرات الگوی درآمد و مصرف سرپرست‌های خانوار در کوهرت‌های مختلف نسبت به یکدیگر را به‌خوبی توضیح می‌دهد و به‌عنوان اثرات کوهرت^۱ شناخته می‌شود که در مطالعات مربوط به چرخه‌های زندگی از اثرات سن^۲ متمایز می‌شود (بلیسارد،^۳ ۲۰۰۱).

بنابراین، بررسی تغییرات رفتار مصرفی خانوارهای مختلف از یک کوهرت نسبت به کوهرت دیگر با استفاده از داده‌های کوهرت، منطقی به‌نظر می‌رسد و تصویر دقیق‌تری از روند تغییرات افزایشی و کاهش مصرفی در کوهرت‌های مختلف را ارائه می‌دهد. به‌همین منظور، در این مطالعه سعی شده است تا رفتار مخارج مصرفی خانوارهای دو استان تهران و اصفهان به‌دلیل در دسترس بودن داده‌ها با استفاده از داده‌های کوهرت مورد بررسی قرار گیرد و تفاوت رفتار مصرفی خانوارهای دو استان طی زمان در کوهرت‌های مختلف قبل و پس از هدفمندی یارانه‌ها ارزیابی شود و آثار هدفمندی یارانه‌ها بر رفاه اجتماعی این دو استان مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد. مطالعه در ۶ بخش تنظیم شده به‌طوری‌که پس از مقدمه، مبانی نظری و

1. Cohort Effect

2. Age Effect

3. Blisard

پژوهش‌های تجربی به بحث درباره داده‌های آماری و روش‌شناسی تحقیق پرداخته است و سپس برآورد مدل بررسی و نتایج به دست آمده تشریح شده و در پایان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۱. چارچوب نظری

نظریه‌های رفتار مصرفی جامعه تصویر مناسبی از مراحل توسعه علم اقتصاد را ارائه می‌دهد که با نظریه مصرف درآمد جاری کینز^۱ (۱۹۳۶) آغاز شد. سپس با توجه به روند بلندمدت رفتار مصرفی، تعریف دقیق‌تری از تابع مصرف نظریه‌پردازانی مانند مودیگلیانی^۲ ارائه داده‌اند (برانسون،^۳ ۱۳۸۳). نقطه عزیمت مدل چرخه زندگی مودیگلیانی این فرضیه است که افراد عقلایی با در نظر گرفتن جریان درآمد در طول عمر خود برای مصرف برنامه‌ریزی می‌کنند. در این چرخه، افراد جوان‌تر ثروت کمتر و افراد میانسال، ثروت و دارایی بیشتری دارند و بیشترین میزان ثروت، پیش از بازنشستگی به دست می‌آید. هنگامی که افراد در دوره بازنشستگی قرار دارند، دارایی‌های خود را برای تهیه خوراک، مسکن، تفریح و سرگرمی هزینه می‌کنند. سپس، دارایی‌های فروخته شده این افراد مسن، از طریق افراد جوان که هنوز در مرحله انباشت ثروت هستند، جذب می‌شود (رضایی قهرودی، ۱۳۹۰) و کیفیت رفتار درآمدی افراد از یک کوهرت به کوهرت دیگر متفاوت می‌شود.

در تئوری چرخه زندگی، روند تغییر اقتصادی خانوارها در دوران زندگی با لحاظ سن افراد در نظر گرفته می‌شود. مسئله‌ای که در این الگو پوشیده مانده تغییرات قرنی کوهرت‌های مختلف طی زمان است. به عنوان مثال، اتفاقی که همواره طی زمان رخ می‌دهد مربوط به جانشینی کوهرت‌های مختلف به جای یکدیگر است. در یک روند تغییرناپذیر، عده‌ای از افراد در دوره زمانی معین متولد می‌شوند، زندگی می‌کنند و از دنیا می‌روند و سپس کوهرت دیگری جایگزین آنها می‌شود. آنچه انتظار می‌رود این است که در هر جامعه در طول زمان اتفاقات متفاوتی رخ می‌دهد، بنابراین هر کوهرت نیز با توجه به زمانی که در

1. Keaynz
2. Modigliani
3. Branson

آن قرار دارد، رویدادی را تجربه خواهد کرد (ریلی، ۱۹۷۳). وقتی اقتصاد کشوری رشد می‌کند و رفاه افزایش می‌یابد، میانسال‌های فعلی، درآمد به‌نسبت بالاتری را از میانسال‌های قبلی کسب می‌کنند و پس‌انداز مثبت آنها بیشتر از پس‌انداز منفی کوهرت قبل است (شاگری، ۱۳۸۹). با توجه به طبیعت پویای خانوارها و تغییرات عملکرد ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی آنها طی زمان، استفاده از یک مجموعه کوهرت این امکان را فراهم می‌کند تا روند تغییرات درآمدی و مصرفی خانوارها به‌صورت پویا و تدریجی طی زمان، مورد ردیابی قرار گیرد. در این حالت علاوه بر ردیابی مخارج مصرفی خانوارها براساس الگوی سنی افراد که منطبق با الگوی چرخه زندگی است، امکان ردیابی در کوهرت و زمان فراهم می‌شود. این نحوه بررسی می‌تواند در اجرای یک سیاست عمومی اهمیت یابد. در ادبیات اقتصادی برای تفکیک اثرات سن - کوهرت و زمان چندین روش وجود دارد:

۱-۱. روش اسچای

در این روش از ترکیب متغیرها استفاده شده است و شامل روش ترتیبی کوهرتی، زمانی و مقطعی است. روش ترتیبی کوهرتی؛ براساس ترکیب دو متغیر سن و کوهرت طراحی شده است. روش ترتیبی زمان؛ ترکیبی از دو متغیر زمان و سن است و روش ترتیبی مقطعی؛ ترکیبی از دو متغیر کوهرت و زمان است. اسچای معتقد است برای تفکیک اثرات سن، کوهرت و زمان باید فرضیاتی مبنی بر تک‌جهتی و مثبت بودن اثرات سن، کوهرت و زمان در نظر گرفته شود. برای مثال، روند تغییرات سن افراد از سنین جوانی به پیری تدریجی است به طوری که در جانشینی کوهرت‌های جوان‌تر به جای کوهرت‌های پیرتر نیز این روند مشاهده می‌شود. این روند نشان‌دهنده تک‌جهتی یا تک‌سویه بودن تغییرات در اثرات سن، کوهرت و زمان است. به این معنا که تغییرات سنی همواره از سنین جوانی به پیری است نه از سنین پیری به جوانی. برای بررسی معناداری الگو در هر مورد از تحلیل واریانس استفاده می‌شود. تخمین‌های فراهم شده از تحلیل واریانس مربوط به تخمین میانگین تفاوت‌های مقطعی، طولی و زمانی است. تخمین اثرات زمان از روش ترتیبی مقطعی، مربوط به تخمین

میانگین تفاوت‌های طولی است (تفاوت‌های طولی شامل اثرات سن و زمان است). یکی از قوانین اسچای بیان می‌کند در صورتی که مقدار این تخمین برابر با صفر شود در آن صورت تغییرات رخ داده مربوط به اثرات کوهرت است. به عبارت دیگر، طبق قوانین اسچای اثرات سن و زمان مثبت (یا صفر) فرض شده‌اند. در صورتی که میانگین تفاوت‌های طولی صفر شود، هر دو اثر سن و زمان نیز صفر می‌شود. بنابراین، همه تغییرات مربوط به اثرات کوهرت خواهد بود. در این روش تجزیه و تحلیل کوهرت مشابه با الگوی ترتیبی کوهرت است و تجزیه و تحلیل روند تغییرات زمانی مشابه با الگوی ترتیبی زمان است و تجزیه و تحلیل تغییرات سن مشابه با الگوی مقطعی است. اکثر محققان از جمله ریلی، جانسون^۱ و فونر^۲ از این روش برای تفکیک اثرات سن، کوهرت و زمان استفاده می‌کنند (فونر و همکاران، ۱۹۷۲). مزیت روش اسچای نسبت به سایر روش‌ها این است که اثرات سن، کوهرت و زمان را به مثبت و تک‌جهتی بودن محدود می‌کند.

۲-۱. روش مکنزی

در این روش تفکیک اثرات سن، کوهرت و زمان به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این روش، مشاهدات مربوط به افرادی از گروه سنی $A((a_1, \dots, a_A))$ در دوره زمان $T(t_1, \dots, t_T)$ است. جامعه مورد نظر درون کوهرت‌های C بر اساس رابطه $C=A-T-I$ طبقه‌بندی شده است. به همین ترتیب، افراد طبقه‌بندی شده در کوهرت C با سن a_j که در دوره t_k مشاهده شده‌اند، با متغیر C_{j+k-1} نمایش داده می‌شوند. تعداد افراد نمونه‌گیری در کوهرت c_j ، n_{c_j} است. تعداد مشاهدات می‌تواند از یک کوهرت به کوهرت دیگر متفاوت باشد، اما فرض شده است که افراد نمونه‌گیری شده در هر دوره زمانی یکسان هستند. متغیر درآمد y_i, c_{j+k-1}, a_j, t_k برای افرادی که در کوهرت c_{j+k-1} در دوره زمانی t_k دارای سن a_j هستند، به عنوان برداری از مجموع مشاهدات اثرات سن - کوهرت و زمان به صورت ذیل شبیه‌سازی شده است:

$$\bar{y}_{c_{j-k+1}, a^k} = \alpha_{c_{j+k-1}} + \beta_{aj} + \gamma_{tk} + \bar{\varepsilon}_{i, c_{j+k-1}, a, j, tk} \quad (1)$$

مشکل رابطه فوق این است که سال تولد هر فرد به سن او در سال جاری اضافه می‌شود. بنابراین، نمی‌توان به‌طور ترکیبی اثرات سن - کوهرت و زمان را تفکیک کرد. درحقیقت نمی‌توان یک روند خطی برای هر سه اثر تشخیص داد. به همین دلیل باید اثرات سن، کوهرت و زمان را به‌صورت جداگانه تفکیک کرد. برای به‌دست آوردن اثرات سن با استفاده از رابطه ۱ کوهرت c_1 در دوره‌های زمانی t_1 و t_2 در نظر گرفته شده است. از این رو، رابطه به‌دست آمده به‌صورت ذیل است:

$$\bar{y}_{c_1, a, t_1} = \alpha_{c_1} + \beta_{a1} + \gamma_{t1} + \bar{\varepsilon}_{c_1, a, t_1} \quad (2)$$

$$\bar{y}_{c_1, a, t_2} = \alpha_{c_1} + \beta_{a2} + \gamma_{t2} + \bar{\varepsilon}_{c_1, a, t_2} \quad (3)$$

با کسر کردن رابطه ۳ از ۲ اثرات کوهرت حذف شده و تنها اثرات سن باقی می‌ماند. بنابراین، رابطه به‌صورت زیر درمی‌آید:

$$\Delta_t \bar{y}_{c_1, a, t_2} = (\beta_{a2} - \beta_{a1}) + (\gamma_{t2} - \gamma_{t1}) + \Delta_t \bar{\varepsilon}_{c_1, a, t_2} \quad (4)$$

در رابطه فوق، متغیر $\Delta_t \bar{y}_{c_1, a, t_2} = (\bar{y}_{c_1, a, t_2} - \bar{y}_{c_1, a, t_1})$ نشان‌دهنده اولین تفاوت زمان از متغیر \bar{y}_{c_1, a, t_2} است و به همین ترتیب؛ $\Delta_t \bar{\varepsilon}_{c_1, a, t_2}$ نشان‌دهنده اولین تفاوت زمانی از جزء خطاست. پارامتر c و یا t نشان‌دهنده تفاوت در طول کوهرت‌ها و یا دوره‌های زمانی هستند، درحالی که فقدان پارامتر a برای کوهرت‌ها و یا دوره‌های زمانی نشان‌دهنده تفاوت در بین کوهرت‌ها و یا دوره‌های زمانی مشابه است.

برای محاسبه اثرات زمان تفاوت زمانی بین مشاهدات برای کوهرت c_0 بین دوره‌های زمانی t_2 و t_3 در نظر گرفته شده است. در این صورت رابطه ۴ به‌صورت زیر تغییر می‌یابد:

$$\Delta_t \bar{y}_{c_0, a, t_2} = (\beta_{a2} - \beta_{a1}) + (\gamma_{t3} - \gamma_{t2}) + \Delta_t \bar{\varepsilon}_{c_0, a, t_3} \quad (5)$$

با کسر کردن رابطه ۴ از رابطه ۵ اثرات سن حذف شده و تنها اثرات زمان باقی می‌ماند. در این صورت رابطه به این صورت درمی‌آید:

$$\Delta_{-c, t} \Delta_t \bar{y}_{c_0, a, t_3} = (\gamma_{t3} - \gamma_{t2}) + (\gamma_{t2} - \gamma_{t1}) + \Delta_{-c, t} \Delta_t \bar{\varepsilon}_{c_0, a, t_3} \quad (6)$$

در نهایت، برای محاسبه تغییرات در اثرات کوهرت، در ابتدا رابطه ۱ را برای کوهرت c_2 در دوره زمانی t_2 به دست می‌آوریم:

$$\bar{y}_{c_2,a_2,t_2} = \alpha_{c_2} + \beta_{\alpha_3} + \gamma_{t_2} + \varepsilon_{c_2,a_3,t_2} \quad (7)$$

با کسر کردن رابطه ۳ از رابطه ۷ اثرات زمان حذف شده و رابطه به صورت زیر درمی‌آید:

$$\Delta_c \bar{y}_{c_2,a_2,t_2} = (\alpha_{c_2} - \alpha_{c_1}) + (\beta_{\alpha_3} - \beta_{\alpha_2}) + \Delta_c \bar{\varepsilon}_{c_2,a_3,t_2} \quad (8)$$

در رابطه فوق $\Delta_c \bar{y}_{c_2,a_2,t_2} = \bar{y}_{c_2,a_3,t_2} - \bar{y}_{c_1,a_2,t_2}$ نشان‌دهنده اولین تفاوت کوهرتی از متغیر \bar{y}_{c_2,a_3,t_2} است. با در نظر گرفتن اولین تفاوت کوهرتی از \bar{y}_{c_3,a_3,t_1} رابطه ۸ به صورت زیر تغییر می‌یابد:

$$\Delta_c \bar{y}_{c_3,a_3,t_1} = (\alpha_{c_3} - \alpha_{c_2}) + (\beta_{\alpha_3} - \beta_{\alpha_2}) + \Delta_c \bar{\varepsilon}_{c_3,a_3,t_1} \quad (9)$$

با کسر کردن رابطه ۸ از رابطه ۹ اثرات سن حذف شده و تنها اثرات کوهرت باقی می‌ماند. در این صورت رابطه به صورت زیر درمی‌آید:

$$\Delta_{c-t} \Delta_c \bar{y}_{c_3,a_3,t_1} = (\alpha_{c_3} - \alpha_{c_2}) + (\alpha_{\alpha_3} - \alpha_{\alpha_2}) + \Delta_{c-t} \Delta_c \bar{\varepsilon}_{c_3,a_3,t_1} \quad (10)$$

در رابطه فوق $\Delta_{c-t} \Delta_c \bar{y}_{c_3,a_3,t_1} = \Delta_c \bar{y}_{c_3,a_3,t_1} - \Delta_c \bar{y}_{c_2,a_3,t_2}$ است.

۲. بررسی مطالعات تجربی

مطالعات تجربی متعددی در زمینه نظریه چرخه زندگی و کوژدار بودن منحنی هزینه‌ها انجام شده است. اولین نظریه در مورد چرخه زندگی مربوط به مطالعات مودیگلیانی و برومبرگ^۱ (۱۹۵۴) است. آنها در مقاله‌ای بیان کردند، تصمیم‌گیری مردم در مورد مصرف‌شان بر پایه منابع در دسترس و دوره‌ای از زندگی است که در آن قرار دارند. مودیگلیانی و برومبرگ مشاهده کردند که افراد دارایی‌های خود را در مراحل نخستین زندگی کاری تشکیل می‌دهند. سپس طی دوره بازنشستگی‌شان از همان دارایی‌های انباشته شده خود استفاده می‌کنند.

تاریخچه و ادبیات مستندی که به کوژدار بودن منحنی هزینه‌ها اشاره می‌کند، وسیع است و تقریباً به ۴۰ سال پیش از این برمی‌گردد. به‌طور مثال، «ترو»^۱ (۱۹۶۹) بیان می‌کند توزیع چرخه زندگی واقعی مصرف با توزیع چرخه زندگی بهینه مصرف ارتباط کمی دارد. وی علاوه بر بررسی نحوه تغییرات میانگین مصرف و مخارج که هر دو روند نزدیک به یکدیگر دارند؛ سعی کرده است از طریق یک روش تجربی، توزیع چرخه زندگی بهینه مصرف را ترسیم کند.

هکمن^۲ (۱۹۷۴) با استفاده از یک مدل نئوکلاسیک متناوب، چرخه مصرف و بازار کار را براساس یک رابطه توسعه یافته بین درآمد و مصرف در چرخه زندگی مورد بررسی قرار داده است. وی بیان کرده است اگر افراد در تعیین ساعات کاری آزاد باشند و نرخ دستمزد در چرخه زندگی به‌طور سیستماتیکی تغییر یابد، در این صورت، مسیر مصرف در بازار کالاها به نرخ دستمزد وابسته خواهد بود.

آتاناسیو و همکاران^۳ (۱۹۹۹) با استفاده از داده‌های درآمد - مخارج خانوارهای ایالات متحده به بررسی الگوی چرخه زندگی در یک مدل ساده پرداختند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌داد پروفایل مصرف تقریباً مسطح است. به این صورت که روند تغییرات مصرف در خانوارهایی با تحصیلات پایین تا ۴۰ سالگی صعودی بوده و پس از آن با شیب زیادی روند نزولی یافته است اما در خانوارهایی با تحصیلات بالا روند مصرف تا ۵۰ سالگی صعودی بوده و پس از آن با شیب ملایمی کاهش یافته است.

اسکوبی، لی و گیسون^۴ (۲۰۰۷) با استفاده از داده‌های کوهرت طی سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۸ به بررسی رفتار پس‌انداز خانوارها پرداختند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که پروفایل سنی برای پس‌انداز به‌صورت کوژی شکل بوده و بیشترین مقدار در سن ۵۷ سالگی رخ داده است، اما در سنین پیری این مقدار منفی نشده است. در کوهرت‌های متولد ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۹ که به‌عنوان کوهرت‌های جوان و سالمند محسوب می‌شوند، مقدار پس‌انداز متفاوت است. در کوهرت‌های جوان مقدار پس‌انداز پایین بوده و در کوهرت‌های سالمند این مقدار بالاتر است.

1. Thurow

2. Heckman

3. Attanasio and et al.

4. Scobie, Le and Gibson

فرناردز و کروجر^۱ (۲۰۰۷) به بررسی الگوی مصرفی خانوارها در چرخه زندگی پرداختند. نتایج بررسی آنها نشان داد که منحنی هزینه‌های کل، مصارف بادوام و بی‌دوام برای خانوارها به صورت کوژی شکل است، به طوری که بیشترین مخارج مصرفی در سن ۵۰ سالگی رخ داده و سپس تا ۸۰ سالگی کاهش می‌یابد.

یانگ و یانگ^۲ (۲۰۱۱) در مقاله خود با استفاده از روشی جدید به بررسی اثرات سن، کوهرت و زمان در کشور سودان پرداخته است. جهت این بررسی از داده‌های آماری نرخ مرگ‌ومیر در سال‌های ۱۸۸۱ تا ۱۹۴۱ استفاده شده است. تخمین‌ها نشان می‌دهد که نرخ افزایش مرگ‌ومیر در سن بزرگسالی طی سال‌های ۱۸۸۱ تا ۱۹۴۱ رشد یافته است، اما نرخ افزایش روند ثابتی را دنبال می‌کند. همچنین نرخ مرگ‌ومیر در سنین صفر تا ۲۰ سالگی روند مشابهی را دنبال کرده اما در سنین بعدی این روند تغییر یافته است.

رضایی قهرودی (۱۳۹۱) رفتار الگوی مصرف در چرخه زندگی خانوارهای شهری را بررسی کرده است و نشان می‌دهد الگوی هزینه خانوارهای شهری در بخش‌های مختلف هزینه‌ای در طول سال‌های بررسی شده تغییر کرده است به گونه‌ای که الگوی هزینه‌های کالاهای بی‌دوام، بادوام و حمل‌ونقل با افزایش سن سرپرست خانوار تا ۵۵ سالگی افزایشی بوده و پس از آن، تقریباً ثابت است. الگوی سنی هزینه خدمات فرهنگی و تفریحات، غذای آماده، هتل و رستوران در خانوارهای ایرانی تقریباً قوزدار است و حداکثر مقدار آن در ۵۵ سالگی مشاهده می‌شود. درباره پوشاک و کفش نیز الگوی هزینه قوزدار و حداکثر مقدار در ۴۵ سالگی است.

۳. توصیف آماری داده‌ها و روش تحقیق

بررسی هزینه و درآمد بودجه خانوار برای اولین بار در سال ۱۳۱۴، با هدف استخراج ضرایب مصرف برای محاسبه شاخص هزینه زندگی، از سوی بانک ملی ایران انجام شد. بانک مرکزی ایران از سال ۱۳۴۴ به طور مرتب بررسی‌هایی را در مورد هزینه و درآمد خانوارهای شهری انجام داده است. اما در سال ۱۳۴۷ مرکز آمار ایران آمارگیری از هزینه

1. Fernandez and Krueger

2. Yang Yang

خانوار در نقاط شهری را در مقیاس گسترده تری نسبت به بانک مرکزی انجام داد. این آمارگیری از سال ۱۳۵۳ علاوه بر هزینه، شامل درآمد خانوارهای شهری نیز می شود. مرکز آمار ایران به استثنای سال های ۱۳۵۵، ۱۳۵۷ و ۱۳۶۰ همه ساله آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری را انجام داده است. در حال حاضر، آمار هزینه و درآمد خانوارهای شهری از طریق دو منبع مرکز آمار و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منتشر می شود. تا سال ۱۳۸۳ مخارج کل براساس گروه کالا و خدمات هشت گانه زیر تقسیم بندی می شد: گروه پوشاک و کفش، گروه مسکن، گروه لوازم، کالا و اثاثیه منزل، گروه بهداشت و درمان، گروه حمل و نقل و ارتباطات، گروه تحصیل، آموزش تفریحات و سرگرمی، گروه مواد خوراکی و دخانی و گروه خدمات و سایر کالاها. با توجه به آخرین توصیه سازمان ملل، از سال ۱۳۸۳ تغییراتی در تدوین بودجه خانوار صورت گرفت. مهمترین این تغییرات، تغییر سال پایه و افزایش هشت گروه کالا و خدمات به ۱۲ گروه بود. در این مطالعه از مخارج ۱۲ گروه و داده های هزینه به جای داده های درآمد خانوارهای شهری استفاده شده است. درآمد افراد نسبت به مصرف آنها از نوسانات بیشتری برخوردار است. داده های مصرف نسبت به درآمد رفتار باثبات تری دارد و بهتر از درآمد می تواند به صورت شاخصی از استانداردهای زندگی، تغییرات و پراکنندگی ها را نشان دهد (فطرس و معبودی، ۱۳۸۸).

۱-۳. داده های کوهرت

مطالعه کوهرتی^۱ نوعی مطالعه طولی است که در پزشکی، علوم اجتماعی، علوم آماری، اقتصاد و اکولوژی کاربرد دارد. این مطالعات به بررسی یکسری مشاهده ها طی زمان می پردازند و گروهی از افراد یا خانوارها را تحت بررسی قرار می دهند. در مطالعه داده های کوهرتی، کوهرت به مجموعه ای از افراد اطلاق می شود که حداقل در یک ویژگی خاص مانند سال تولد مشترک هستند. به عبارت دیگر، به گروهی از مردم که در یک روز یا دوره زمانی مشخص به دنیا می آیند کوهرتی تولد گفته می شود. این افراد از نظر سنی به یکدیگر نزدیک ترند و در یک فاصله زمانی مشابه، یک رویداد خاص را تجربه می کنند، به همین

علت، می‌توان آنها را درون یک کوهرت طبقه‌بندی کرد (ریدر،^۱ ۱۹۶۵). یک کوهرت می‌تواند بسته، ثابت و باز یا پویا باشد. یک کوهرت با رویکرد آینده‌نگر، اعضای آن را پس از فاز ورود اولیه، ردیابی می‌کند و هیچ فردی نمی‌تواند به این کوهرت اضافه شود؛ اما خروج افراد از کوهرت (به دلیل مرگ، بیماری، مهاجرت و ...) امکان‌پذیر است. بنابراین در این حالت اگر افراد به علل مختلف، از کوهرت خارج شوند، افراد دیگری می‌توانند به کوهرت اضافه شوند؛ یعنی تعداد اعضای کوهرت در حال تغییر بوده و ثابت نیست.

دیتون^۲ (۱۹۸۵) برای اولین بار در اقتصاد استفاده از داده‌های کوهرتی را مطرح کرد. از دیدگاه وی داده‌های پانل در بیشتر کشورها وجود ندارد یا در صورت وجود، بسیار کم است؛ برای مثال، در ایران این داده‌ها در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ تهیه شد و برای سال‌های بعد تهیه آنها متوقف شد. داده‌های مقطعی در بسیاری از کشورها موجود است، به همین جهت محققان برای بررسی وضعیت خانوارهای مختلف از داده‌های مقطعی کمک می‌گیرند. با استفاده از داده‌های مقطعی می‌توان یک نمونه تصادفی از خانوارها را طی زمان دنبال کرد؛ اما نمی‌توان با استفاده از این داده‌ها مجموعه مشخصی از خانوارها را در سال‌های متوالی مورد بررسی قرار داد. به همین دلیل، دیتون در سال ۱۹۸۵ پیشنهاد کرد که به دلیل عدم کیفیت داده‌های پانلی و مقطعی جهت بررسی‌های پویا، می‌توان با استفاده از داده‌های مقطعی تکرار شده داده‌های کوهرتی را ایجاد کرد. در این حالت، علاوه بر اینکه امکان تخمین نتایج به صورت پویا و در بلندمدت فراهم می‌شود، امکان ردیابی افراد یکسان طی زمان نیز وجود دارد. در این داده‌ها سه فاکتور مهم است: افزایش سن فرد، تأثیر زمان و گردش کوهرت. برای مثال، طبق جدول ۱ تفاوت‌های سنی در سال ۱۳۷۲ باعث شده است تا برخی از افراد در یک کوهرت به عنوان سالمند و در کوهرت دیگر به عنوان میان‌سال و جوان در نظر گرفته شوند. افرادی که در کوهرت‌های سنی جوان‌تر قرار دارند در سال ۱۳۷۲ در دوره سنی جوانی قرار می‌گیرند. اما کوهرت‌های اولیه در این سال، در دوره سالمندی قرار دارند. بنابراین، می‌توان در یک سال مشخص افرادی را مورد ردیابی قرار

داد که سنین متفاوت دارند. ردیابی سنی افراد در یک سال معین مشخص می کند که افراد با سن های مختلف چه سطح درآمدی دارند. به عنوان مثال، بیشترین سطح درآمدی مربوط به کدام سن است. از طرف دیگر، بررسی اثرات سن در کوهرت های مختلف، اهمیت اجرای یک سیاست عمومی را در هر مرحله روشن تر می کند.

گذشت زمان و تأثیر آن روی انسان ها، به نوبه خود موجب تغییرات کمی و کیفی و دگرگونی هایی در جسم و جان انسان ها می شود. به عبارت دیگر، اتفاقی که در طول زمان رخ می دهد مربوط به جانشینی کوهرت ها به جای یکدیگر است. در یک روند تغییرناپذیر عده ای از افراد در دوره زمانی معین متولد می شوند، زندگی می کنند و از دنیا می روند و سپس کوهرت دیگری جایگزین آنها می شود. آنچه انتظار می رود این است که در هر جامعه در طول زمان اتفاقات متفاوتی رخ می دهد، بنابراین، هر کوهرت نیز با توجه به زمانی که در آن قرار دارد، رویدادی را تجربه خواهد کرد. بر همین اساس ردیابی یک کوهرت سنی در طول زمان روند تغییرات درآمدی و مصرفی آن کوهرت را نشان خواهد داد (کوهرت های سنی که در زمان رکود قرار دارند نسبت به کوهرت هایی که در دوره رونق بوده اند سطح درآمد کمتری را خواهند داشت). این نحوه بررسی در اقتصاد اهمیت دارد.

در این روش، کوهرت براساس بررسی مقطعی تکرار شده فراهم می شود. در داده های کوهرت، رفتار خانوارها در چارچوب یک گروه مشخص مورد بررسی قرار می گیرد. به این صورت که افراد یا خانوارها براساس یک ویژگی خاص؛ همچون سال تولد درون یک مجموعه مشخص گروه بندی می شوند. در هر مقطع، داده ها به یکسری از گروه های سنی، هر کدام با محدوده سنی برابر بین دوره های زمانی طبقه بندی می شوند. پس از گروه بندی برای تخمین روابط اقتصادی از مقادیر میانگین اطلاعات مورد نظر در هر کوهرت استفاده می شود. در این حالت، میانگین مقادیر اطلاعاتی طی زمان مورد ردیابی قرار می گیرند. بر این اساس می توان نحوه تغییرات رفتاری یک کوهرت را در سال های مختلف مورد بررسی و کاوش قرار داد. دیتون معتقد است داده های کوهرت علاوه بر داشتن مزایای بسیار، معایبی نیز دارد. وی مزایای استفاده از داده های کوهرت را چنین برمی شمارد: ۱. در مطالعاتی که با استفاده از داده های کوهرت صورت می گیرد مشکل ریزش وجود ندارد. به این معنا که در سایر داده ها به

دلایل مختلف تعدادی از خانوارها هرچند وقت یک‌بار و یا حتی سالانه از نمونه خارج می‌شوند و خانوارهای جدیدی جایگزین آنها می‌شوند و به تدریج امکان پیگیری تمام خانوارها در طول زمان وجود ندارد. اما این مشکل در داده‌های کوهرتی وجود ندارد. خانوارهای مشخصی که درون کوهرت‌ها طبقه‌بندی شده‌اند در طول زمان مورد ردیابی قرار می‌گیرند.

۲. در داده‌های کوهرت به دلیل فراهم آوردن تعداد داده‌های زیاد، تورش نتایج تا حد قابل قبولی پایین می‌آید. با این حال، داده‌های کوهرت محدودیت‌هایی دارد. برای مثال، در این مدل تنها می‌توان میانگین درآمد یک کوهرت در طول زمان، میزان نابرابری و چگونگی تغییر این نابرابری در طول زمان را بررسی کرد. اما هیچ بحثی از مدت زمانی که افراد فقیر هستند یا فقیر خواهند ماند؛ یا فردی که اکنون ثروتمند است آیا قبلاً فقیر بوده است یا بعداً ثروتمند باقی خواهد ماند، ارائه نمی‌شود (سمائی، ۱۳۹۰). با این وجود در صورت عدم دسترسی به داده‌های پانل، داده‌های کوهرت، برای مطالعه پویای تغییرات در آمدی و مصرفی مناسب‌تر است.

۲-۳. نحوه ساخت داده‌های کوهرت

در این مقاله با استفاده از ریز داده‌های درآمد - مخارج مرکز آمار ایران، طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۴، ۶ کوهرت براساس ویژگی مشخص سال تولد ساخته شد. جهت گروه‌بندی خانوارها و ایجاد کوهرت‌های مورد نظر به صورت پیش فرض فاصله سنی، سه سال در نظر گرفته شده است. در این حالت، اولین کوهرت شامل متولدان ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ و آخرین کوهرت متولدان ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲ است. امکان تعریف بازه سنی در فواصل کمتر نیز وجود دارد، ولی در این حالت تعداد مشاهده‌ها کاهش خواهد یافت. در داده‌های کوهرت تمام متغیرها (سن و درآمد) براساس میانگین در نظر گرفته می‌شوند. بر همین اساس، میانگین سنی بین ۳۰ تا ۵۰ سال در نظر گرفته شده است. با اعمال طبقه‌بندی موجود متولدان قبل از سال ۱۳۳۵ و پس از ۱۳۵۲ و خانوارهایی که سن بیشتر از ۵۰ و کمتر از ۳۰ سال دارند، از نمونه خارج و حذف شدند. از طرف دیگر، وجود محدودیت سنی باعث می‌شود که افراد در سن ۳۰ سالگی وارد مجموعه داده‌های کوهرت شده و در سن ۵۰ سالگی از آن خارج شوند. در این حالت، طبق مجموعه کوهرت نشان داده شده در جدول ۱، علاوه بر ردیابی کوهرت‌ها

طی زمان، امکان ردیابی سنین مشخص، مانند ۳۰ ساله‌ها تا ۵۰ ساله‌ها طی زمان وجود دارد. پویایی مسیر داده‌های کوهرت به‌خوبی در جدول ۱ مشخص است. برای مثال، در کوهرت ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ سن سرپرست‌های خانوار در سال ۱۳۷۵، بین ۳۸ تا ۴۰ سال است. در داده‌های کوهرت همواره در فاصله سنی بیان‌شده، سن متوسط سرپرست خانوار در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، به خانوارهای درون این کوهرت، در سال ۱۳۷۵، به‌طور متوسط سن ۳۹ سال نسبت داده می‌شود. در سال ۱۳۷۶ خانوارهای درون این کوهرت دارای متوسط سن ۴۰ سال داشته‌اند، همان‌طور که مشاهده می‌شود هر سال یک واحد به گروه سنی اضافه می‌شود. این تغییر نشانگر پویایی متغیرها در گذر زمان است.

نکته مهم درخصوص داده‌ها، تأثیرگذاری روند قیمت‌هاست. در واقع طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۴ روند تغییر قیمت‌ها همسان نیست و استفاده از ارقام به قیمت اسمی گمراه‌کننده است. برای رفع این مشکل، اطلاعات آماری مورد بحث به قیمت ثابت سال پایه تبدیل و شاخص‌های قیمت برای مناطق شهری از بانک مرکزی استخراج شده است.

جدول ۱. طبقه‌بندی سنی سرپرست‌های خانوار در هفت کوهرت سنی طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۴

سال	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	
۱۳۳۵-۱۳۳۷	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰									
۱۳۳۸-۱۳۴۰	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰						
۱۳۴۱-۱۳۴۳	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰			
۱۳۴۴-۱۳۴۶	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	
۱۳۴۷-۱۳۴۹				۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	
۱۳۵۰-۱۳۵۲							۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۴. برآورد مدل

۴-۱. تصریح مدل

استفاده از داده‌های آماری برای ردیابی وضعیت یک صفت در یک کوهرت سنی طی زمان در صورتی امکان‌پذیر است که نمونه مورد مطالعه، تحت تأثیر عواملی همچون مهاجرت،

مهاجرپذیری و سالخوردگی نباشد. در این صورت، می‌توان با استفاده از داده‌های مقطعی تکرار شده و ساخت کوهرت‌های سنی، کوهرت‌های مورد نظر را طی زمان دنبال کرد.

از آنجا که مهمترین معیارهای اندازه‌گیری سطح زندگی، یعنی درآمد و مصرف، دارای مؤلفه‌های قوی وابسته به سن در چرخه زندگی است که الگوی آنها با رشد اقتصاد در طول زمان به سمت بالا در حرکت است، بنابراین دنبال کردن گروه‌های مختلف از طریق آمارگیری‌های پی‌درپی، امکان جدا کردن کوهرت‌ها را از اجزای چرخه زندگی در الگوی مصرف و درآمد فراهم می‌کند (رضایی قهرودی، ۱۳۹۰). به همین منظور، جهت بررسی الگوی مخارج مصرفی دو استان تهران و اصفهان؛ تفاوت کیفیت رفتار مصرفی آنها نسبت به یکدیگر، داده‌های کوهرتی از نظر اثر کوهرت، سن و زمان با استفاده از مدل دیتون و پاکسون^۱ (۱۹۹۷) مورد بررسی قرار گرفت. در این حالت اثرات سن نشان‌دهنده تغییرات مخارج مصرفی خانوارها با روند تغییرات سنی آنهاست که با نظریه ساده ادوار زندگی منطبق است. اثرات کوهرت مربوط به تفاوت جایگاه (عرض از مبدأ) ویژگی نمونه سن در کوهرت‌های مختلف است و در نهایت اثرات سال، نشان‌دهنده اثرات اقتصاد کلانی است که به‌طور همزمان اما موقتی همه کوهرت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای استخراج اثرات کوهرت از بردار (ماتریس) مجازی زیر استفاده شده است:

$$\ln y = \beta + A\alpha + C\gamma + T\psi + \varepsilon \quad (11)$$

در رابطه فوق؛ $\ln y$ برداری از جفت‌های کوهرت - سال است و هر سطر آن نشان‌دهنده لگاریتم میانگین مخارج مصرفی خانوار کوهرت c در زمان t است. همچنین، نماد α اثر خالص سن بدون در نظر گرفتن اثرات سال و کوهرت γ اثر خالص کوهرت بدون در نظر گرفتن اثرات سن و زمان، ψ اثر خالص زمان بدون در نظر گرفتن اثرات سن و کوهرت و ε بردار خطا را توضیح می‌دهد. همچنین A, C, T به ترتیب؛ نشان‌دهنده ماتریس متغیرهای مجازی سن (۳۰ تا ۵۰ سالگی)، کوهرت (۱۳۳۵ تا ۱۳۵۲) و سال (۱۳۷۲ تا ۱۳۹۴) است.

در این مدل برای جلوگیری از هم‌خطی کامل باید از هر سه ماتریس یک ستون

حذف شود؛ زیرا برای کل ماتریس‌ها، جمع ستون‌ها ستونی از اعداد یک است که به صورت جمله ثابت وارد شده است. به پیروی از دیتون و پاکسون (۱۹۹۷)، برای رفع این مشکل می‌توان یک روند زمانی به متغیرهای مجازی سن اضافه کرد به طوری که این اثر به وسیله کسر کردن یک روند زمانی از متغیرهای مجازی کوهرت و زمان قابل جبران است. همچنین می‌توان فرض کرد اثرات سال تنها اثرات دوره‌های تجاری است که میانگین آن در بلندمدت صفر است. ساده‌ترین راه برای تخمین رابطه ۱۱ حذف بردار مجازی کوهرت اول، متغیر مجازی سن و حذف اولین و دومین متغیر مجازی سال است. متغیرهای مجازی سال که باقی مانده‌اند به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$d^* = d - [(t-1)d_2 - (t-2)d_1] \quad (12)$$

برای دو سال اول از d_1 و d_2 متغیر مجازی سال است که معمولاً صفر است. ضرایب d_1 و d_2 مجموعه داده‌ها، با توجه به این شرط که جمع اثرات زمان برابر صفر است، به دست می‌آیند (بلیسارد، ۲۰۰۱).

۲-۴. یافته‌ها

شواهد تجربی نشان داده است که رفتار مخارج مصرفی سرپرست‌های خانوار در استان‌های مختلف متفاوت است. بنابراین کنترل اثر مخارج مصرفی به تفکیک استان‌ها برای استخراج تصویر واقعی‌تری از رفتار مصرفی سرپرست‌های خانوار بسیار مهم است. اگر تعداد مشاهدات کافی باشد، بسیار توصیه می‌شود کوهرت‌ها در استان‌های مختلف جدا شده و رفتار آنها به تفکیک دنبال شود. این رویکرد حالت ایدئال بررسی رفتار کوهرت‌ها به تفکیک استان محل زندگی است.

پرداخت یارانه‌ها یکی از راه‌های انتقال درآمد به شمار می‌رود. با توجه به اینکه نحوه پرداخت یارانه‌ها در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۹ به صورت غیرنقدی و در سال‌های بعد از آن به صورت نقدی است؛ به نظر می‌رسد، بررسی نحوه تغییرات مخارج مصرفی مردم در خلال هدفمندی یارانه‌ها بتواند در اتخاذ سیاست منطقی و تأثیرگذار رفاهی در جامعه مفید باشد. بر همین اساس، نحوه تغییر مخارج مصرفی در کل دوره به دو قسمت قبل از هدفمندی

یارانه‌های نقدی (۱۳۸۹-۱۳۷۵) و اثر اجرای هدفمندسازی یارانه‌های نقدی (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مورد بررسی قرار گرفته است. در این مدل از نرم‌افزار استاتا^۱ جهت تخمین نتایج استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که اثر سن و کوهرت در نشان دادن اثر هدفمندسازی یارانه‌ها غالباً بی معنی است. بی معنی بودن این اثر نشان‌دهنده این است که تغییرات مخارج مصرفی در هر دو استان تهران و اصفهان قبل و بعد از هدفمندسازی یارانه‌ها علی‌القاعده توسط اثر زمان نشان داده می‌شود.

شاخص اثرات زمانی؛ روند تغییر مخارج مصرفی در تمام کوهرت‌ها را طی سال‌های گذشته مورد ردیابی قرار می‌دهد. براساس نتایج، مقادیر ضرایب T برای دو سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ بی معنی بوده و نتایج براساس سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، نتایج قبل از هدفمندی یارانه‌ها در استان تهران نشانگر افزایش مخارج مصرفی خانوارها در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶ است. در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ کاهش سرعت رشد میانگین مخارج مصرفی خانوارها مشاهده می‌شود که در سال ۱۳۸۹ از روند افزایشی نسبی برخوردار بوده است.

نتایج کمی مخارج مصرفی در استان اصفهان قبل از هدفمندسازی یارانه‌ها، دارای روند منظمی بوده و تا سال ۱۳۸۷ افزایشی بوده است. در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ یک روند کاهشی در مخارج مصرفی خانوارها مشاهده می‌شود. البته بیشترین مقدار مخارج مصرفی مربوط به سال ۱۳۸۴ است. بر این اساس در سال‌های مورد بررسی، روند مخارج مصرفی خانوارهای اصفهانی در برخی سال‌ها (۱۳۸۳، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹) بسیار بیشتر از خانوارهای تهرانی است و در برخی سال‌ها (برای مثال سال ۱۳۸۲) کمتر بوده است.

نتایج بعد از هدفمندسازی یارانه‌ها در استان تهران نشان‌دهنده افزایش مخارج مصرفی طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ است، اما در سال ۱۳۹۲ مخارج مصرفی کاهش یافته است؛ ولی مجدداً این کاهش جبران شده و تا سال ۱۳۹۴ افزایش پیدا کرده است. البته میزان کاهش مخارج مصرفی در سال ۱۳۹۲ بسیار زیاد بوده و نزدیک به مخارج مصرفی خانوارها در سال‌های ۱۳۸۸ است. در استان اصفهان نتایج بعد از هدفمندسازی یارانه‌ها

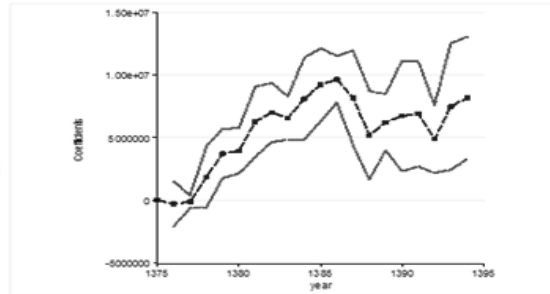
نشان‌دهنده کاهش مخارج مصرفی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ است، اما در سال ۱۳۹۳ مخارج مصرفی افزایش یافته؛ ولی مجدداً در سال ۱۳۹۴ کاهش پیدا کرده است.

براساس نتایج جدول ۲ در استان تهران سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ مقدار ضریب مصرف به ترتیب ۳۹۵۶۶۴۲، ۶۲۴۵۷۵۶، ۶۷۳۷۹۵۷ و ۸۱۷۱۶۶۴ برآورد شده است. این نتیجه نشان می‌دهد میزان افزایش مصرفی خانوارها در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹، ۲۲۸۹۱۱۴ و در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، ۱۴۳۳۷۰۷ است. این مقادیر بیانگر آن است که میزان افزایش مصرفی در سال‌های قبل از هدفمندی یارانه‌ها به نسبت بیشتر از میزان مصرفی بعد از هدفمندسازی یارانه‌هاست.

در استان اصفهان مقدار ضریب مصرفی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ به ترتیب ۳۴۲۱۳۹۱ و ۸۴۶۷۸۹۳ است، بنابراین طبق این نتایج میزان افزایش مصرفی در خلال سال‌های قبل از هدفمندی یارانه‌ها ۵۰۴۶۵۰۲ به دست آمده است. مقدار ضریب مصرفی در سال‌های بعد از هدفمندی یارانه‌ها یعنی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به ترتیب $۱/۲۷e+۰۷$ و $۱/۲۳e+۰۷$ برآورد شده، بنابراین طبق این نتایج میزان مخارج مصرفی در خلال سال‌های بعد از هدفمندی یارانه‌ها کاهش یافته است.

همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، میزان متوسط مخارج مصرفی خانوارها در استان اصفهان، در کل دوره به مراتب، بالاتر از خانوارهای استان تهران شده است. به این معنا که هدفمندسازی یارانه‌ها به میزان بیشتری سطح رفاه مصرفی در استان اصفهان را نسبت به استان تهران بالاتر برده است. شاید بتوان گفت اثر رفاهی اعطای مبلغ یارانه نقدی در کلان‌شهر تهران به دلیل انتظارات تورمی شدیدتر و بالاتر بودن هزینه‌های زندگی ملموس نیست.

نمودار ۱. نتایج مربوط به اثرات زمان در استان تهران



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

نمودار ۲. نتایج مربوط به اثرات زمان در استان اصفهان



مأخذ: همان.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از روش دیتون و پاکسون (۱۹۹۷) و در چارچوب نظریه ادوار زندگی، الگوی تغییر مخارج مصرفی خانوارها در دو استان تهران و اصفهان، قبل و پس از هدفمندی یارانه‌ها، طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۵ را بررسی کرده است. در این روش، الگوهای تفکیک شده اثرات کوهرتی و زمانی، ابزار مناسبی برای بررسی نتایج و پیامدهای تغییرات نرخ رشد مخارج مصرفی خانوارها به عنوان معیاری از رفاه می‌باشند. نتایج حاصل از اثرات زمانی نیز حاکی از آن است که در سال‌های مورد بررسی، روند مخارج مصرفی خانوارهای تهرانی روند منظمی را طی کرده است، اما روند مخارج مصرفی خانوارهای اصفهانی چندان منظم نیست. به

این ترتیب؛ میزان مخارج مصرفی خانوارهای اصفهانی در برخی از سال‌ها (۱۳۸۳، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹)، بسیار بیشتر از خانوارهای تهرانی بوده است و در برخی سال‌ها (مثلاً ۱۳۸۲) کمتر است. نتایج در کل دوره نشان می‌دهد، میزان متوسط مخارج مصرفی در بین خانوارهای استان اصفهان به مراتب بالاتر از خانوارهای استان تهران است. نتایج حاصل نشان می‌دهد متوسط مخارج مصرفی خانوارها در استان اصفهان بعد از هدفمندسازی یارانه‌ها، رشد چشمگیری به خود گرفته ولی در استان تهران تغییرات مخارج مصرفی چندان زیاد نبوده است.

جدول ۲. نتایج تخمین ضرایب مربوط به اثرات زمان در دو استان تهران و اصفهان

سال	نتایج کل دوره شامل مخارج مصرفی قبل و بعد از هدفمندسازی یارانه‌ها					
	استان تهران			استان اصفهان		
	ضرایب	Std.Err.	T ضرایب	ضرایب	Std.Err.	T ضرایب
۱۳۷۸	۱۸۶۸۱۲۹	۱۲۴۷۵۶۰	۱/۵۰	۴۸۴۱۳۲۰	۱۴۳۵۰۷۴	۳/۳۷
۱۳۷۹	۳۷۵۱۱۶۶	۱۰۰۳۸۵۲	۳/۷۴	۳۴۷۹۵۳۹	۱۲۱۵۸۶۳	۲/۸۶
۱۳۸۰	۳۹۵۶۶۴۲	۹۱۶۹۷۰/۷	۴/۳۱	۳۴۲۱۳۹۱	۱۱۷۴۹۷۹	۲/۹۱
۱۳۸۱	۶۲۷۸۸۱۵	۱۴۳۳۰۵۸	۴/۳۸	۵۸۳۴۵۷۳	۱۶۶۲۹۹۹	۳/۵۱
۱۳۸۲	۷۰۰۶۱۳۲	۱۱۹۹۰۰۳	۵/۸۴	۶۳۹۶۴۸۶	۱۴۵۳۵۱۴	۴/۴۰
۱۳۸۳	۶۵۸۷۴۰۰	۸۸۹۹۰۶/۱	۷/۴۰	۹۸۵۰۵۶۳	۱۱۳۳۱۳۱	۸/۶۹
۱۳۸۴	۸۱۱۱۹۵۷	۱۶۶۵۴۰۹	۴/۸۷	۱/۲۷e+۰۷	۱۹۴۱۴۴۵	۶/۵۶
۱۳۸۵	۹۲۲۶۳۹۲	۱۴۹۴۳۵۴	۶/۱۷	۱/۲۰e+۰۷	۱۸۲۷۰۹۷	۶/۵۹
۱۳۸۶	۹۶۶۶۹۱۸	۹۴۵۴۴۲	۱۰/۲۲	۱/۱۷e+۰۷	۱۱۹۳۵۲۷	۹/۸۳
۱۳۸۷	۸۱۸۲۴۶۶	۱۹۳۲۳۶۵	۴/۲۳	۱/۱۶e+۰۷	۲۳۱۳۷۴۶	۵/۰۱
۱۳۸۸	۵۱۹۳۲۵۹	۱۸۱۱۹۰۴	۲/۸۷	۱/۱۵e+۰۷	۲۲۲۵۹۱۸	۵/۱۵
۱۳۸۹	۶۲۴۵۷۵۶	۱۱۴۰۵۲۴	۵/۴۸	۸۴۶۷۸۹۳	۱۴۳۰۹۷۲	۵/۹۲
۱۳۹۰	۶۷۳۷۹۵۷	۲۲۵۲۱۲۸	۲/۹۹	۱/۲۷e+۰۷	۲۷۱۲۲۰۴	۴/۶۷
۱۳۹۱	۶۹۰۸۹۱۵	۲۱۴۱۱۰۴	۳/۲۳	۱/۰۵e+۰۷	۲۶۴۰۱۷۷	۳/۹۹
۱۳۹۲	۴۸۹۷۵۴۵	۱۳۷۹۶۸۶	۳/۵۵	۸۷۵۴۳۹۳	۱۷۲۵۷۰۰	۵/۰۷
۱۳۹۳	۷۵۰۳۶۳۵	۲۵۸۶۶۴۵	۲/۹۰	۱/۳۵e+۰۷	۳۱۴۰۸۵۱	۴/۲۸
۱۳۹۴	۸۱۷۱۶۶۴	۲۴۸۰۲۵۰	۳/۲۹	۱/۲۳e+۰۷	۳۰۷۷۶۶۹	۴/۰۱

مأخذ: همان.

منابع و مآخذ

۱. برانسون، ویلیام. اچ. (۱۳۸۳). *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، چاپ هفتم، تهران، نشرنی.
۲. خسروی‌نژاد، علی‌اکبر، فرهاد خداداد کاشی و زهرا صحبتی (۱۳۹۱). «ارزیابی افزایش قیمت مواد غذایی بر رفاه خانوارهای شهری ایران»، فصلنامه *راهبرد اقتصادی*، سال دوم، ش ۴.
۳. رضایی قهرودی، زهرا (۱۳۹۰). «الگوی مصرف در چرخه زندگی خانوارهای شهری»، فصلنامه *رفاه اجتماعی*، سال سیزدهم، ش ۴۹.
۴. _____ (۱۳۹۱). «بررسی الگوی سرمایه‌گذاری و عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خانوارها طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۰»، (بررسی‌های آمار رسمی ایران)، فصلنامه علمی پژوهشکده آمار، سال بیست‌وسوم، ش ۲.
۵. سمائی، کیان (۱۳۹۰). «بررسی بین‌نسلی پس‌انداز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شریف.
۶. شاکری، عباس (۱۳۸۹). *اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌ها*، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات رافع.
۷. فطرس، محمدحسن و رضا معبودی (۱۳۸۸). «اثر نابرابری درآمدی بر نابرابری مخارج مصرفی در ایران»، اولین همایش ملی اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.
۸. مرکز آمار ایران، اطلاعات مربوط به هزینه و درآمدهای خانوارهای شهری: (۱۳۹۰-۱۳۶۹). انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.
9. Attanasio, O., J. Banks, C. Meghir and G. Weber (1999). "Humps and Bumps in Lifetime Consumption", *Journal of Business and Economic Statistics*, 17(1).
10. Blisard, N. (2001). *Income and Food Expenditures Decomposed by Cohort, Age, and Time Effects*, Electronic Report from the Economic Research Service.
11. Deaton, A. (1985). "Panel Data from Time Series of Cross-sections", *Journal of Econometrics*, No. 30.
12. Deaton, A. and C. Paxson (1997). "Intertemporal Choice and Inequality", *Journal of Political Economy*, Vol. 102 (3).
13. Fernandez, V. J. and D. Krueger (2007). "Consumption Over the Life Cycle: Some Facts from Consumer Expenditure Survey Data", *Review of Economics and Statistics*, Vol. 89(3).
14. Foner, A. M., W. Riley, M. Johnson and A. Foner (1972). "The Polity in a Sociology of Age Stratification Aging and Society", Vol. 3., New York, Russell Sage.

15. Heckman, J. (1974). "Life Cycle Consumption and Labor Supply: An Explanation of the Relationship Between Income and Consumption Over the Life Cycle", *American Economic Review*, Vol.64(1).
16. Modigliani, F. and R. Bourmberg (1954). Utility Analysis and the Consumption Function: an Interpretation of Cross-section data, In Kenneth K, Kurihara, ed., *Post-Keynesian Economics*, New Brunswick, NJ. Rutgers University Press.
17. Riley, M. (1973). "Aging and Cohort Succession: Interpretations and Misinterpretation", *Public Opinion Quarterly*, No. 37.
18. Ryder, N. (1965). "The Cohort as a Concept in the Study of Social Change", *American Sociological Review*, 30.
19. Scobie, G., T. Le and J. Gibson (2007). *Housing in the Household Portfolio and Implications for Retirement Saving: Some Initial Finding from SOFIE*, New Zealand Treasury Working Paper (07/04), Wellington: New Zealand Treasury.
20. Thurow, L. (1969). "The Optimum Lifetime Distribution of Consumption Expenditures", *American Economic Review*, No. 59(3).
21. Yang, Yang (2011). Modeling the Evolution of Age and Cohort Effects in Social Research, Federal Reserve Bank of Minneapolis Research Department Staff Report 461.

مقایسه جهت‌گیری‌های کارآفرینی اجتماعی و خیریه‌ای بر جنبه‌های مختلف فقر در نهادهای حمایتی شهر مشهد

ابوالفضل رضانی، * علی ربیعی، ** محمدجواد زاهدی مازندرانی *** و
سیداحمد فیروزآبادی ****

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۰/۲	تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۵/۴
------------------------	----------------------

پژوهش حاضر به‌منظور مقایسه تأثیر جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی با جهت‌گیری خیریه‌ای بر جنبه‌های مختلف فقر شامل فقر درآمدی، طرد اجتماعی، فقر قابلیت، آسیب‌پذیری و فقر بین‌نسلی انجام شده است. در این پژوهش خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی با مددجویان مؤسسه‌های خیریه مقایسه شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای که حاوی ۹۱ سؤال بود، گردآوری شد. برای سنجش ابعاد مختلف فقر از «پرسشنامه استانداردهای زندگی» استفاده شد. آلفای کرونباخ همه خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه بالای ۰/۷ بود. پرسشنامه‌ها به ۱۴۳ نفر از خدمات‌گیرندگان هفت مؤسسه با جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی و ۱۵۶ نفر از خدمات‌گیرندگان هشت مؤسسه با جهت‌گیری خیریه در شهرستان مشهد داده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرینی اجتماعی در مقایسه با خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه، در ابعاد مختلف فقر (ضروریات زندگی، سلامت محور، مسکن محور، مطلق، نسبی، بین‌نسلی، آسیب‌پذیری و طرد اجتماعی) به طور معناداری وضعیت بهتری داشتند. کارآفرینی اجتماعی فقر بین‌نسلی را کاهش می‌دهد و چرخه فقر را قطع می‌کند. نتایج حاکی از آن است که اشتغال صرف‌نظر از جنبه اقتصادی (افزایش رفاه فرد یا درآمد خانوار)، از لحاظ اجتماعی نیز دایره شمول فرد را گسترش می‌دهد و از خطر انزوا و طرد اجتماعی وی می‌کاهد.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی اجتماعی؛ خیریه؛ نهادهای حمایتی؛ فقر؛ طرد اجتماعی

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: abolfazl.ramezani@student.pnu.ac.ir

** دانشیار جامعه‌شناسی، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور تهران؛
Email: alirabiee@pnu.ac.ir

*** دانشیار جامعه‌شناسی، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور تهران؛
Email: m_zahedi@pnu.ac.ir

**** دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران؛
Email: afirouzabadi@ut.ac.ir

مقدمه

در مقابله با مسائل اقتصادی - اجتماعی (مسائل اجتماعی و محرومیت اجتماعی) چهار پارادایم دولتی، بازار آزاد، خیریه‌ها و کارآفرینی اجتماعی مطرح شده است. تداوم مسائل و افزایش محرومیت‌های اجتماعی (فقر و بیکاری) نشان می‌دهد که بخش دولت، بازار و سازمان‌های غیرانتفاعی به حل این مسائل قادر نبوده‌اند. امروزه مؤثرترین و پایدارترین راه‌حل، توسعه کارآفرینی اجتماعی است.^۱ نظام‌های رفاهی که در عصر صنعتی شدن بنا شده‌اند، به نظر نمی‌رسد دیگر به فراهم کردن پوششی برای انواع جدید ریسک‌های اجتماعی قادر باشند که در جامعه جهانی شده مبتنی بر اطلاعات، شبکه‌ها و دانش ظهور پیدا کرده‌اند. همچنین به این لیست می‌توان تغییراتی همچون افزایش طول عمر، نیاز به تغییر شغل در طول زندگی و تحرک افراد را افزود. همه اینها در نظام رفاهی کلاسیک بعد از جنگ جهانی دوم، پاسخ مناسبی آن‌طور که تصور می‌شد دریافت نکرده‌اند.^۲

گسترده‌گی فقر جهانی، تعداد روزافزون بی‌خانمان‌ها، بیماری‌های بومی، قحطی و آلودگی فزاینده نشانگر این حقیقت است که خیریه نیز نمی‌تواند مشکل را حل کند. اتکا به کمک‌های خیریه و هدایا یک مشکل اساسی دارد و آن‌هم وابستگی‌اش به حمایت‌های مالی افراد بخشنده و خیر، سازمان‌ها یا اداره‌های دولتی است؛ بنابراین خیریه به اوضاع اقتصادی وابستگی بسیاری دارد. وابستگی به حمایت‌های مالی مشکلات دیگری را نیز در پی دارد. در کشورهایی که نیازهای اجتماعی گسترده‌اند، منابع موجود برای امور خیریه بسیار کم و محدود است (یونس، ۱۳۹۲). در گذشته نهادهای حمایتی و سازمان‌های غیرانتفاعی از نظر تأمین بودجه، متکی به کمک‌های حکومت، مبالغ اهدایی و سایر منابع افراد خصوصی برای انجام مأموریت خاص خود بوده‌اند؛ اما امروزه، این منابع، به سرعت در حال کاهش بوده و رقابت برای دسترسی به فرصت‌های جذب منابع سخت‌تر شده است به طوری که این سازمان‌ها و نهادها به دلیل مشکلات مالی نمی‌توانند در سطح وسیع خدمات ارائه کنند. از طرف دیگر بسیاری از محرومان و فقرا به دلایل مختلف زمانی، فرهنگی و

1. Dobele, 2012.

2. Gidron, 2014.

اجتماعی از مراجعه به این سازمان‌ها و نهادها خودداری می‌کنند. لذا حجم جمعیت و خانوار تحت پوشش این سازمان‌ها و نهادها مبین حداقل‌های مربوط به جمعیت فقیر و محروم جامعه است (قاسمیان، ۱۳۸۴). برای جبران این کاستی، بسیاری از نهادهای حمایتی در حال به‌کارگیری نگرش‌های کارآفرینانه برای دستیابی به منابع پایدار هستند تا به مأموریت‌های خود نائل شوند (آقایی و زارع‌نیا، ۱۳۹۰).

کمک به افراد به‌صورت مقرر و سبدهای غذایی وابستگی‌های ناسالمی ایجاد می‌کند؛ علاوه بر این به‌دلیل کم شدن مقدار و ارزش کمک‌های مردمی در دوره‌های رکود و تورم، خیریه‌ها به ادامه ارائه خدمات به جامعه هدف قادر نیستند. به‌دلیل تغییر ماهیت فقر از مطلق به نسبی و افزایش نیازهای اجتماعی، تداوم ارائه خدمات، نیاز به منابع مالی بیشتری دارد. به همین دلیل نهادهای حمایتی قادر نیستند مبالغی پرداخت کنند که فقرا را به بالای خط فقر بکشاند. تداوم فقر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر، موجب کاهش اعتماد مردم به نهادهای حمایتی می‌شود. مؤسسه‌های خیریه به همراه نهادهای حمایتی فراگیر دولتی در ایران، منابع زیادی را از کمک‌های مردمی دریافت می‌کنند. برای مثال در سال ۱۳۹۷ بودجه کمیته امداد ۴۸۰۰ میلیارد تومان و بودجه بهزیستی ۲۲۰۰ میلیارد تومان بود (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶). درحالی‌که می‌توان برآورد کرد، درآمد مؤسسه‌های خیریه از محل کمک‌های مردمی چندین برابر مجموع مبالغ فوق است که البته پرداخت این منابع به‌صورت اعانه، موجب تلف شدن این سرمایه عظیم می‌شود. چنانچه این بودجه در جهت کارآفرینی اجتماعی هزینه شود می‌تواند تأثیر زیادی در کاهش فقر داشته باشد. یک راه نشان دادن کارایی کارآفرینی اجتماعی نسبت به خیریه‌ها، ارزیابی میزان دستیابی آنها به هدف کاهش فقر است.

از دلایل اولیه که در پیشینه پژوهش برای حمایت از کسب‌وکار اجتماعی با رویکرد بازاری (به‌خصوص آنهایی که برای جمعیت محروم اشتغال ایجاد می‌کنند) عنوان می‌شود عبارت‌اند از: ۱. فواید آنها برای بودجه عمومی (صرفه‌جویی در هزینه‌های رفاهی)، ۲. برای جامعه (کاهش داغ‌ننگ و تصورات کلیشه‌ای از جمعیت‌های محروم) و ۳. برای اقتصاد (افزایش اشتغال و نیروی کار).^۱

هدف فعالیت‌های کارآفرینان اجتماعی علاوه بر ایجاد درآمد، شرکت در حل مسائل کلیدی تأثیرگذار بر جامعه از طریق راه‌حل‌های مؤثر است. یکی از آن مسائل فقر است. براساس گزارش هزاره «برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد»^۱ هنوز ۱۲۰۰ میلیون نفر در جهان با درآمد کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز (فقر شدید) زندگی می‌کنند که این وضعیت با افزایش قابل پیش‌بینی قیمت غذا بدتر می‌شود. محققان مختلف نیز بر پتانسیل کارآفرینی اجتماعی در اصلاحاتی مانند ایجاد شغل، ادغام اجتماعی و توسعه پایدار منطقه‌ای تأکید کرده‌اند.^۲

کمک‌های خیرخواهانه سنتی همواره قسمتی از کمک‌های بخش اجتماعی بوده است، اما بسیاری از طراحان رویکردهای جدید، بر این عقیده‌اند که این امر نمی‌تواند مشکلات اساسی را لحاظ کند. این کمک‌ها وابستگی‌های ناسالمی ایجاد می‌کنند و مشارکت‌کنندگان در برنامه‌ها را خوار می‌سازند (امرسون، گریگوری و اکونومی، ۱۳۸۹). از طرفی مطالعات موردی انجام‌شده درباره آنهایی که موفق به بهبود رفاه خود شده‌اند، نشان می‌دهند که کارفرمایی و بهره‌مندی از منابع چندگانه درآمد، ویژگی بسیاری از مردمی است که از فقر رهایی یافته‌اند (ناریان و همکاران، ۱۳۹۰).

ضرورت دیگر برای ورود به عرصه کسب و کار برای نهادهای حمایتی خیریه این است که امروزه با گروهی از خیرین به نام سرمایه‌گذاران اهداکننده مواجه‌ایم. سرمایه‌گذاران اهداکننده، گروهی از خیرین هستند که ارزش‌هایشان همسو با اهداف بازار است. آنها در صورتی کمک می‌کنند که بدانند سرمایه‌شان در راستای ارزش‌هایشان مصرف می‌شود. به‌طور خلاصه در اهمیت توسعه کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. فرهنگ وابستگی به کمک‌های رفاهی کاهش و احترام به شخصیت افراد افزایش می‌یابد. ۲. جامعه هدف با انجام این کار از فقر شدید خارج می‌شود. ۳. نیاز به منابع دولتی برای پرداخت‌های انتقالی به‌صورت مقررری‌های رفاهی کاسته می‌شود. ۴. با اشتغال‌زایی برای این قشر به اقتصاد کشور کمک می‌شود.

مطالعات انجام شده در زمینه کارآفرینی اجتماعی در ایران بیشتر به تحلیل مفهومی،

1. United Nations Development Programme (UNDP)

2. Azmat, 2013; Lamburu, 2012; McAnany, 2012; Parente and et al., 2016; Bernardino, Santos and Ribeiro, 2015.

مقایسه جهت گیری های کارآفرینی اجتماعی و خیریه ای بر جنبه های مختلف فقر ... _____ ۱۸۳

ویژگی های روان شناختی کارآفرینان اجتماعی و عوامل سازمانی توسعه آن توجه نشان داده اند و مطالعات کمی به ارزیابی تأثیر آنها پرداخته اند. در این تحقیق مقصود از کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی، توانمندسازی مددجویان (به خصوص توانمندی اقتصادی) از طریق کارآفرینی اجتماعی است. نتایج مطالعه حاضر به سیاستگذاری اجتماعی جهت توسعه کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی کمک می کند. این تحقیق قصد دارد تأثیر کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی بر کاهش فقر جامعه هدف (فقر) را از طریق پیمایش بررسی کند. برای دستیابی به این هدف، سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از: اقدامات کارآفرینی توسط نهادهای حمایتی در مقایسه با خدمات مؤسسات خیریه چقدر توانسته ابعاد مختلف فقر جامعه هدف را کاهش دهد؟ هدف از مقایسه با خیریه ها، فراهم سازی چارچوب مرجعی بود که به معنی یافته ها پی ببریم.

۱. مرور پیشینه

به رغم شعارهایی که درباره پتانسیل کارآفرینی اجتماعی در برخورد با فقر داده می شود، شواهد کمی برای تأیید این ادعا وجود دارد. برای مثال «دیکون» با مرور ۴۴۷ پروژه پژوهشی حمایت شده اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۳ هیچ نشانه ای مشاهده نکرد که مستقیماً ارتباط بین کارآفرینی اجتماعی و فقر را نشان دهد.^۱

محققان با مطالعه موردی دو برنامه تأمین مالی خرد، یعنی «صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی» و «برنامه پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا» تلاش کردند تا آثار این برنامه ها بر شرکت کنندگان، به ویژه بر سه جنبه از زندگی آنان، یعنی ابعاد مادی فقر، آسیب پذیری و توانمندسازی زنان را ارزیابی کنند. نتایج بررسی نشان می دهد که تغییری در میزان پس انداز خانوار، دارایی و هزینه خوراک و پوشاک خانوارهای شرکت کننده در هر دو برنامه ایجاد نشد، اما شاخص تنوع منابع درآمدی خانوار بهبود یافته است. مشتریان جدید برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا، به طور میانگین ۱/۶۲ منبع و مشتریانی که چهار سال از اخذ وام آنها گذشته بود، به طور میانگین ۲/۵۷ منبع درآمدی داشته اند. در

1. Diochon, 2013.

برنامه صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، مشتریان سال اول ۱/۸۴ منبع درآمدی و مشتریان سال چهارم، ۳/۷۵ منبع درآمد داشتند. همچنین، برنامه‌ها فقط زمانی به توانمندسازی زنان منجر شده‌اند که شرکت کنندگان زن، خود بر نحوه مصرف وام کنترل داشتند (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹). هدف مطالعه دیگر بررسی تأثیر عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی بر افزایش اشتغال و کاهش فقر در خانواده آنها در مناطق روستایی بود. نتایج نشان داد که احتمال کاهش فقر در اعضای خانواده زنی که عضو شرکت تعاونی روستایی، سرپرست خانوار، دارای مشارکت و باسواد باشد در بدبینانه‌ترین حالت ۸۳ درصد است. در میان علل اصلی اشتغال از طریق تعاونی‌ها از دیدگاه شرکت کنندگان، روی هم رفته به ترتیب مهمترین عوامل عبارت بودند از خرید محصولات تولیدی اعضا توسط شرکت، اخذ وام، میزان سرمایه شرکت و عضویت در تعاونی (رئیس، نجفی و باقری، ۱۳۹۲).

بررسی صورت گرفته توسط کرمانی و همکاران نشان داد خودکفایی، دسترسی به درآمد، افزایش عزت نفس، کاهش فشارهای روحی و روانی و اعتماد اجتماعی، در سطح فردی به توانمندسازی در سطح خانواده به معنای افزایش سطح درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و نظارت بر منابع اقتصادی خانواده منجر می‌شود. در بین عوامل متنوع اثرگذار بر «توانمندی سرپرست خانوار» بالاترین میزان تأثیر به بُعدی از توانمندی اقتصادی مربوط بود که ناظر بر انگیزه پیشرفت، خودمختاری، برخورداری از مهارت‌های فنی، اشتغال و درآمدزایی و نهایتاً سلامت جسمی است (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۲).

در یک برنامه تأمین اعتبار خرد، برنامه‌ای طراحی شد تا به فقیرترین گروه یک دارایی (جفتی گاو، تعدادی بز، یک چرخ خیاطی و غیره) و یک کمک هزینه مالی کوچک برای چند ماه (به عنوان سرمایه در گردش و برای اطمینان از اینکه به فروختن دارایی وسوسه نشوند) داده شود. این برنامه پشتیبانی هم شد، همراه با جلسات منظم، کلاس‌های سوادآموزی و تشویق به اندکی پس‌انداز در هر هفته. نتایج نشان داد در مقایسه با سایر خانوارهای بسیار فقیری که برای مشارکت انتخاب نشدند، سودبرندگان از حیوانات و سایر دارایی‌های تجاری به میزان بیشتری برخوردار بودند؛ آنها با احشام و دیگر حیوانات،

درآمد بیشتری به دست آوردند، اما در مقابل، ساعات بیشتری را نیز صرف کار می‌کردند و درآمد بیشتری از کار برای دیگران به دست می‌آوردند. مجموع مخارج ماهانه آنها ۱۰ درصد افزایش یافته بود؛ در میان این مخارج، هزینه‌های مواد غذایی بیشترین افزایش را داشت. احتمال کمتری می‌رفت شکایت کنند که چیز کافی برای خوردن ندارند. شگفت‌انگیزتر، نگاهشان به زندگی بود که به نظر می‌رسید تغییر کرده است. آنها بیشتر صرفه‌جویی می‌کردند و احتمال آنکه مایل به وام گرفتن باشند، افزایش یافته بود. آنها در زمان ارزیابی برای وام‌گیری از نهادهای تأمین مالی واجد شرایط بودند و در مورد مدیریت دارایی احساس اعتماد به نفس می‌کردند (بیرجی و دوفلو، ۱۳۹۲: ۲۹۲-۲۹۱).

رویکرد کارآفرینان اجتماعی به فقر مهم تلقی می‌شود چون تعهد اجتماعی در حل آن دارند. آنها نوآرند و پایداری را با استفاده از منابع مختلف تأمین می‌کنند.^۱ پژوهشی درباره کارآفرینی اجتماعی در آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی موفق، راه‌حلی برای مسائل اجتماعی خاص فراهم می‌کنند؛ راه‌حلی از قبیل ایجاد شغل و فرصت برای گروه‌های اجتماعی تا محدودیت‌هایشان را بهبود بخشند. این نتایج می‌تواند با سرمایه‌گذاری نسبتاً کم در حمایت از کارآفرینان اجتماعی به دست آید.^۲ مقاله لیان به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا کسب‌وکار اجتماعی می‌تواند به‌طور مؤثر در کامبوج به‌عنوان سازوکار پایداری از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد محلی برای اهداف اجتماعی به کار گرفته شود؟ یافته‌های او نشان می‌دهد درحالی‌که کسب‌وکارهای اجتماعی می‌توانند به سازمان‌های مردم‌نهاد محلی فرصت‌هایی برای درآمدزایی و راه‌های جدید برای تعقیب اهداف اجتماعی با ادغام آنها درون ساختار اقتصادی عرضه کنند، رغبت زیاد برای ثبات اقتصادی وجود ندارد؛ ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد بومی ضعیف است، منطق وابستگی‌شان به‌سختی تغییر می‌کند و نیاز به خط‌مشی ابتکاری منسجم دارد.^۳ به نظر می‌رسد برخی کسب‌وکارهای اجتماعی قادرند افراد محروم را با مهارت‌آموزی برای بازار نیروی کار تجهیز کنند. شواهد محدود نشان می‌دهد که کسب‌وکار اجتماعی تأثیر اندکی بر طرد از نظر ارائه خدمت،

1. Girisimcilik, 2011.

2. Watters and et al., 2012.

3. Lyne, 2012.

استخدام و توسعه اقتصادی دارد. با این حال بلاکبورن و رام (۲۰۰۶) اشاره می‌کنند ارزیابی‌هایی که بر خروجی‌های کمی متمرکزند ابعاد بیشتر کیفی از قبیل تغییر در عزت نفس را در نظر نمی‌گیرند. بنابراین تمرکز محدود بر خروجی‌های اقتصادی تأثیر بنگاه اجتماعی بر ابعاد متفاوت طرد را در نظر نمی‌گیرد. یافته‌های پژوهش تسدال نشان می‌دهد مؤسسه‌های اجتماعی با توسعه پیوندها و ارتباط با افراد و نهادهای قدرتمندتر موجب خروج از طرد می‌شوند.^۱ پژوهشی در شانگهای چین برای بررسی تأثیر بیکاری بر روابط اجتماعی جوانان نشان داد که بیکاری ارتباطات اجتماعی آنها و پیوندهای قوی در شبکه اجتماعی‌شان با همسالان را کاهش و جدایی از جامعه رخ می‌دهد. این به نوبه خود به برخورداری از حمایت اجتماعی کم‌اثرتر منجر می‌شود. این پژوهش بحث می‌کند که با سیاستگذاری اجتماعی کمک شود جوانان بیکار، شبکه اجتماعی‌شان را بسازند و روابط اجتماعی متقابل ایجاد کنند.^۲

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. فقر

تعریف‌های متفاوت از فقر منتهی به انتخاب سنجه‌های متفاوت فقر می‌شود، در نتیجه ضروری است مفهوم فقر بررسی شود. در ادامه مفهوم کارآفرینی اجتماعی توضیح داده می‌شود.

الف) فقر درآمدی: فقر درآمدی به دو دسته فقر مطلق و فقر نسبی تقسیم می‌شود. فقر مطلق شامل افرادی می‌شود که از اساسی‌ترین نیازهای زندگی محروم هستند (برزگران، ۱۳۹۳). این مفهوم اشاره به حالتی دارد که در آن فرد، با فقدان منابع لازم جهت بقاء روبه‌روست (زاهدی‌مازندرانی، ۱۳۸۴: ۲۹۸). به زبان ساده در چنین حالتی بدون اینکه فرد یا خانوار را با دیگران مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که فرد کمترین درآمد لازم برای ادامه حیات را ندارد. در اصطلاحات اقتصادی، فقر درآمدی وقتی وجود دارد که درآمد خانواده از خط فقر پایین‌تر باشد.^۳

از آنجاکه نیاز انسان‌ها متفاوت است، داشتن یا نداشتن کالا که از داشتن یا نداشتن

1. Teasdale, 2010.

2. Skold, 2013.

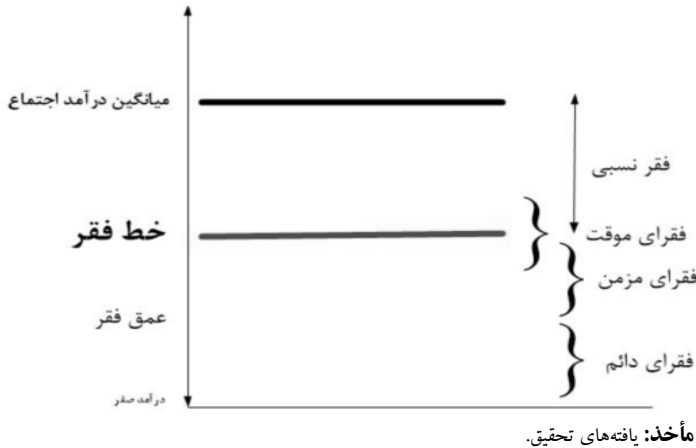
3. United Nations, 2016.

درآمد ناشی می‌شود در ارزیابی مزیت و موقعیت آنها نسبت به یکدیگر کافی نیست؛ افرادی که کالاهای یکسانی دارند ممکن است مطلوبیت و رضایت یکسانی نداشته باشند. از نظر تاوسند افراد و خانواده‌هایی در فقر به سر می‌برند که ذخایر آنها، در طول زمان، کمتر از ذخایر فرد یا خانواده متوسطی باشد که در همان اجتماع زندگی می‌کنند. رهیافت نسبی به‌طور وسیعی در سال‌های دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ در کشورهای توسعه‌یافته مورد استفاده قرار گرفته است. از نظر تاوسند فقر نسبی از محتوای اجتماعی زندگی ما بروز می‌کند (مولان، ۱۳۸۰). فقر نسبی، فقر را درخصوص موقعیت اقتصادی اعضای دیگر جامعه تعریف می‌کند: افراد فقیر کسانی هستند که زیر استانداردهای رایج در جامعه‌ای خاص قرار می‌گیرند. تاوسند در دفاع از مفهوم فقر نسبی بیان می‌دارد، به‌طور خلاصه نگرش قدیمی به فقر وضعیتی بود که مردم در نتیجه فقدان ضروریات مادی زندگی بدان دچار می‌شدند و در میان چیزهای دیگر امری فردی بود ... اما نکته اساسی این است که مردم بیش از هر چیز وجودهای اجتماعی هستند؛ بنابراین، به عنوان وجودهای اجتماعی، نیازهای اجتماعی دارند. اگر آنان نیازهای اجتماعی دارند، پس ما معیار فقر را این‌طور در نظر می‌گیریم که در سطحی از درآمد، آنان توانایی ادامه دادن به زندگی خود به عنوان عضوی از جامعه را از دست می‌دهند (همان). تاوسند این وضعیت را سرآغاز فقر تلقی می‌کند. مهمترین نقد به هر دو مفهوم فقر مطلق و نسبی آن است که به اندازه زیادی به درآمد و مصرف توجه دارند.

در برخی تعاریف بر پویایی فقر یا آسیب‌پذیری تأکید می‌شود و آن را این‌گونه تعریف می‌کنند: احتمال کاهش شدید دسترسی به غذا یا کاهش میزان مصرف که موجب ناتوانی افراد در تأمین حداقل نیازهای ضروری می‌شود. آسیب‌پذیری شامل دو مؤلفه مهم است: روبه‌رو شدن با مخاطراتی که زندگی انسان را تهدید می‌کند و ناتوانی در غلبه بر آنها که معمولاً نیز به‌طور هم‌زمان رخ می‌دهد (لویین، ایگیو و مرکز، ۱۳۹۰). اگر آمارهای چرخشی برای چند سال موجود باشد، می‌توان خانوارها را برحسب مدت ماندگاری در فقر و فراوانی خروج از فقر تفکیک کرد. احتمال سقوط برخی خانوارها به زیر خط فقر بسیار کم است که اصطلاحاً به آنها فقرای موقت گفته می‌شود. این خانوارها حتی اگر بعضی

مواقع فقر را تجربه کنند خیلی آسیب‌پذیر نیستند (مانند برخی کشاورزان در مناطق روستایی). احتمال فقیر شدن برخی دیگر از خانوارها، زیادتر است که اصطلاحاً به آنها فقرای مزمن گفته می‌شود. آنها درآمدها معمولاً پایین‌تر از خط فقر و گاهی بالاتر از آن است (مانند کارگران غیرماهر مناطق شهری). خانوارهایی که همیشه درآمدها زیر خط فقر است، فقرای دائم نامیده می‌شوند (همان، ۱۲۲-۱۲۱). شکل ۱ انواع فقر درآمدی را نسبت به درآمد صفر و خط فقر نشان می‌دهد.

شکل ۱. سنجش‌های فقر



ب) فقدان قابلیت (توانمندی): آمارتیا سن فقر را از دو جنبه بررسی می‌کند: فقر درآمدی که بعد مادی و اقتصادی دارد و فقر و محرومیت قابلیت که آن را عدم بهره‌مندی فرد از آزادی‌های اساسی بیان می‌کند که هر فرد برای هدایت زندگی خود به سمتی که برای ارج نهادن به آن دلیل دارد، نیازمند است (سن، ۱۳۸۱). فقر عدم توانایی تحقق تمام قابلیت‌های یک شخص به‌عنوان انسان است. فقیر کسی نیست که درآمدها از یک سطح حداقلی کمتر است، بلکه کسی است که از قابلیت‌های پایه برای نقش‌آفرینی در جامعه محروم است؛ کسی که نمی‌تواند از وضعیت فقر خارج شود. او معتقد است سنجش فقر برپایه قابلیت‌های افراد (فقر قابلیت) در دستیابی به دستاوردهای سزاوارتر از سنجش

دستاوردهای عملی (تأمین نیازهای اساسی و اجتماعی) به تنهایی است (همان).
ج) طرد اجتماعی: مفهوم طرد اجتماعی تا حد زیادی در واکنش به محدودیت های تعریف درآمدی از فقر ظاهر شد. با در نظر گرفتن شاخص های چندوجهی فقر به طور قابل توجهی به درک مفهوم فقر کمک کرد. طرد اجتماعی رویکردی ساختاری به فقر است و فرایندی است که در آن افراد یا کل افراد جامعه به طور نظام مند از حقوق، فرصت ها و منابع (مثل مسکن، اشتغال، مراقبت بهداشتی، مشارکت مدنی) منع می شوند که به طور معمول در دسترس اعضای جامعه هستند و برای انسجام اجتماعی کلیدی اند. همان طور که در شکل ۲ نشان داده شده است طرد اجتماعی فرایندی نظام مند است که افراد به دلیل فقر، بیکاری درازمدت، بیماری و تبعیض از مشارکت در زندگی اجتماعی منع و به حاشیه زندگی اجتماعی رانده می شوند.



Source: Vahabzadeh, 2015.

طرد اجتماعی به معنای فرایند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان های اجتماعی است، اما فقر به معنای فقدان درآمد کافی، یعنی نوعی شاخص است و نه فرایند.

اولی در باب مشارکت است در صورتی که دومی به توزیع مربوط می‌شود (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴).

فقر چندبعدی: فقر نه تنها شامل فقر مادی، فقر نسبی، فقر قابلیت و طرد از اجتماع می‌شود بلکه جنبه‌های دیگری نیز دارد که شرایط خروج از فقر را دشوار می‌سازد. روش‌های مشارکتی سنجش فقر در فهم وجوه مختلف آن بسیار مؤثر بودند. بانک جهانی در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۰ پژوهشی بر مبنای واقعیات زندگی ۲۰ هزار نفر در ۲۳ کشور جهان انجام داد. یافته‌ها نشان می‌دهد تجارب فقرا از فقر، مشتمل بر مواردی از قبیل کمبود رفاه مادی، گرسنگی، درد، طرد شدن، محرومیت، ناامنی، آسیب‌پذیری، ترس و دلهره، پریشانی ذهنی و غیره است.^۱ نارایان و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با انجام مصاحبه‌های کیفی در کشورهای آفریقایی، خاورمیانه، اروپای شرقی و آسیای مرکزی، آمریکای لاتین و کارائیب و آسیای جنوب شرقی به شناسایی ابعاد مختلف فقر پرداختند. این گونه به نظر می‌رسد که تجربه عمده فقرا از محرومیت، ابعادی چندگانه دارد و محرومیت آنها حول محور این ابعاد شکل می‌گیرد. جایی که این مردمان فقیر دیگر آزادی انتخاب و عمل ندارند؛ این همان نقطه نهایی و همان جایی است که این ابعاد باهم تلاقی یافته و شبکه‌ای را می‌سازند که این مردمان فقیر رنجور و ناتوان در آن محبوس می‌شوند. پژوهش‌های مشارکتی نشان دادند که مکان‌های زندگی فقرا، محیط‌های ناامن، با سطح بهداشت پایین و زیرساخت‌های ضعیف هستند. نهادهای ضعیف حامی فقرا یکی دیگر از جنبه‌های فقر آنان است؛ آنها کمک مؤثری به فقرا نمی‌کنند. استثمار کارفرمایان از جنبه‌های دیگر فقر است. کار تحت شرایط استثمار نه تنها فرد را در فقر (عمدتاً فقر مزمن) نگه می‌دارد، بلکه او را دچار فقر زمان نیز می‌سازد، به طوری که فرد فقیر زمانی برای پرداختن به جنبه‌های دیگر زندگی‌اش را ندارد. در ادامه جنبه‌های مختلف فقر که در پژوهش نارایان و همکاران شناسایی شده، آمده است.

۱. **گرسنگی، خستگی مفرط، بدن‌های بیمار و رنجور (فقر سلامت محور):** زندگی فقرا اغلب به کارهایی وابسته است که نیاز به صرف نیروی فیزیکی دارند.

۲. **مکان‌های منزوی، پرمخاطره و بدون امکانات:** مناطق زندگی فقرا نه تنها به لحاظ

مقایسه جهت گیری های کارآفرینی اجتماعی و خیریه ای بر جنبه های مختلف فقر ... _____ ۱۹۱

جغرافیایی دورافتاده و منزوی - مناطق روستایی و یا مناطق حاشیه بدون امکانات شهری - است بلکه از نظر خدمات زیرساختی نیز به شدت در مضیقه هستند.

۳. ناامنی و عدم آرامش ذهن.

۴. زندگی ناپایدار و کمبود دارایی: طبق گفته های مردم فقیر، آنها از دسترسی به سرمایه برای شروع یک شغل جدید محروم هستند.

۵. روابط اجتماعی منزوی کننده: فقرا اغلب به دلیل قومیت، جنسیت، کمبودهای مادی، سن و همچنین اجتماعی که در آن زندگی می کنند، مورد تبعیض واقع می شوند.

۶. سوء رفتارهای افراد قدرتمند: اغلب فقرا آزار و اذیت و توهین و انواع خشونت را از سوی آنها می بینند که جهت امرار معاش و ارائه خدمات به آنها وابسته هستند تجربه کرده اند.

۷. نهادهای محروم و فاقد قدرت: انواع توهین ها، فساد، دروغ و تقلب از سوی نهادهای مرتبط با فقرا وجود دارد که موجب بی اعتمادی فقرا به این نهادها شده است.

۲-۲. کارآفرینی اجتماعی

بنابر تعریف آلتز در سال ۲۰۰۶، سازمان اجتماعی، هر نوع کسب و کاری است که برای تحقق اهداف اجتماعی (مانند تسکین یا کاهش مسائل اجتماعی) و یا ناکامی های بازار، ایجاد شده است. با وجود آنکه دارای نظم و انضباط مالی است و نوآوری در آن جریان دارد و به عنوان کسب و کاری در بخش خصوصی تلقی می شود، اما به ایجاد ارزش اجتماعی منجر می شود. در کسب و کارهای با مسئولیت اجتماعی و شرکت هایی با اقدامات مسئولیت پذیرانه اجتماعی، انگیزه اصلی کسب سود است. این سازمان ها تنها به سهامداران خود پاسخگو هستند و سود حاصل از آنها بین سهامداران توزیع می شود؛ اما در مؤسسه اجتماعی و سازمان های غیرانتفاعی با فعالیت های درآمدزا، انگیزه اصلی، تحقق مأموریت سازمان است. در این نوع سازمان ها، پاسخگویی نسبت به ذی نفعان وجود دارد و درآمد حاصل در برنامه های اجتماعی و یا تأمین هزینه های عملیاتی، سرمایه گذاری مجدد می شود.^۱ در ادامه برخی از تعاریف کارآفرینی اجتماعی آورده شده است.

جدول ۱. تعاریف کارآفرینی اجتماعی

کارآفرینی اجتماعی، کسب‌وکاری با اهداف اساساً اجتماعی است که مازاد سودش اصولاً برای اهداف کسب‌وکار یا اهداف جامعه سرمایه‌گذاری می‌شود و هدف افزایش سود سهامداران و مالکان نیست (بی‌ملور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۰).
کارآفرینی اجتماعی انجام مأموریت‌های اجتماعی و انسان‌دوستانه با فعالیت‌های کسب‌وکاری است (اسدی، رضوی و فراستخواه، ۱۳۹۰).
کارآفرینی اجتماعی شامل توسعه برنامه‌های نوآورانه برای کمک به بهبود معیشت کسانی است که فاقد کسب‌وکار و قدرت مالی هستند یا در استفاده از فرصت‌های خدمات اجتماعی با محدودیت مواجه‌اند (کرمی، مبارکی و مهاجری، ۱۳۹۰).
تامسون، لوی و لیز ادعا می‌کنند که در کارآفرینی اجتماعی، افراد متوجه فرصت‌هایی برای برآوردن نیازهای برآورده نشده می‌شوند که نظام رفاهی نمی‌خواهد یا نمی‌تواند آنها را رفع کند. کارآفرینان اجتماعی از طریق گردآوری منابع لازم شامل افراد و اغلب داوطلبان، پول و مقدمات، سعی می‌کنند منشأ تغییر باشند (احمدپور داریانی، سلام‌زاده و شرفی‌فرزاد، ۱۳۸۹).
کارآفرینی اجتماعی به اقدامات افرادی گفته می‌شود که در فعالیت‌های کارآفرینانه با اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی درگیر می‌شوند (جم، ۱۳۹۰).
کارآفرینی اجتماعی عبارت است از کاربرد رفتار کارآفرینانه برای مقاصد اجتماعی به‌جای اهداف انتفاعی (مقیبی، و کیلی و اکبری، ۱۳۹۲).
کارآفرین اجتماعی با ارجاع به اهدافش یعنی استفاده از رفتارهای کارآفرینانه برای اهداف اجتماعی و تلاش برای حل کارا و خلاقانه مسائل اجتماعی تعریف می‌شود. ^۱

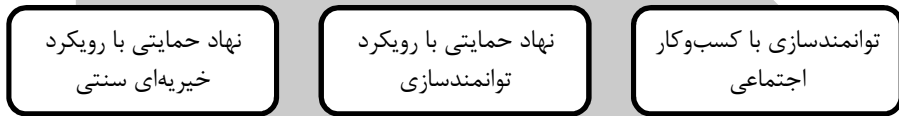
سه عنصر تعاریف فوق عبارت‌اند از: الف) اهداف اساساً اجتماعی شامل: مازاد سود اصولاً برای اهداف جامعه سرمایه‌گذاری می‌شود، ارتقای ارزش‌های اجتماعی و توسعه، توجه به نیازهای مهم اجتماعی، نیازهایی که نظام رفاهی نمی‌خواهد یا نمی‌تواند آنها را رفع کند، هدف؛ افزایش سود سهامداران و مالکان نیست، هدف؛ تغییر، اصلاح یا تحول اجتماعی است. ب) به گروه‌هایی که: فاقد کسب‌وکار و قدرت مالی هستند، در استفاده از فرصت‌های خدمات اجتماعی با محدودیت مواجه می‌باشند. ج) از طریق: کسب‌وکار فعالیت‌های نوآورانه، گردآوری منابع لازم شامل افراد و اغلب داوطلبان، پول و مقدمات سعی می‌کنند منشأ تغییر باشند. مفهوم تولید ارزش اجتماعی بهتر می‌تواند همه اهداف فعالیت‌های

مقایسه جهت گیری های کارآفرینی اجتماعی و خیریه ای بر جنبه های مختلف فقر ... _____ ۱۹۳

کارآفرینانه اجتماعی را دربرگیرد. البته جامعه هدف کارآفرینی اجتماعی همیشه گروه های محروم اجتماعی نیستند؛ بلکه ارزش های اجتماعی جامعه غیرمحروم (مانند حفظ محیط زیست) نیز هدف فعالیت های کارآفرینانه اجتماعی است.

در سال های گذشته در حوزه نهادهای حمایتی و مؤسسات خیریه، شاهد تغییر جهت گیری از رویکرد نیاز مبنای و حمایتی به رویکرد توانمندسازی هستیم. تاکنون در هر دو نوع مؤسسه (حمایتی و توانمندساز)، منابع مالی از کمک های مردمی و بودجه دولتی تأمین می شد، اما در سال های اخیر شاهد تغییر جهت گیری جدیدی در نوع دوم نهادهای حمایتی (یعنی توانمندساز) هستیم که می خواهد با اتکا به درآمد حاصل از کسب و کار، فرایند توانمندسازی را به شکلی پایدار انجام دهد (شکل ۳).

شکل ۳. جهت گیری انواع نهادهای حمایتی در ایران

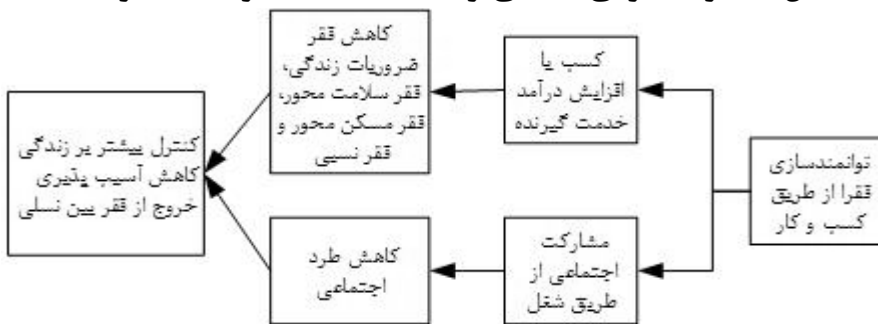


مأخذ: یافته های تحقیق.

برخی از مؤسسه ها و نهادهای حمایتی با رویکرد توانمندسازی علاوه بر کمک های مردمی و دولتی، با کسب درآمد از فعالیت های کارآفرینانه به ارائه خدمات می پردازند. مؤسساتی که در سمت راست طیف قرار می گیرند، عمده منابع مالی لازم برای فعالیت های توانمندسازی را از راه کسب و کار به دست می آورند. کارآفرینی اجتماعی در حوزه فقر به معنی توانمندسازی فقرا از طریق کسب و کار است. کمک اصلی کسب و کار پایدارسازی فرایند توانمندسازی است و توانمندسازی به معنای ایجاد فرصت و قابلیت برای فقراست. برخی از مؤسسه های خیریه ایران در حال حاضر (شاید کمتر از ۵ درصد در ایران در مقایسه با ۷۰ درصد در آمریکا) از کسب و کار مددجویان شان به صورت های مختلف

حمایت می‌کنند. جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی شامل این موارد است: ۱. آموزش‌های مهارتی و خدمات مالی (وام و پس‌انداز) ارائه می‌دهند و هزینه و کارمزد این خدمات را دریافت می‌کنند. ۲. برای محصولات تولیدی مدجویان بازاریابی می‌کنند (مثلاً از طریق فروشگاه‌های عرضه مستقیم یا بازارهای خیریه‌ای) و هزینه‌های جاری فعالیت کسر و سود آن به خدمات‌گیرندگان پرداخت می‌شود. ۳. به‌طور مستقیم در کارگاه‌های تولیدی استخدام می‌کنند؛ در این روش هزینه‌های جاری از تولیدات کسر و سود حاصل از فعالیت به‌صورت حقوق به افراد استخدام شده پرداخت می‌شود. ۴. محصولات نوآورانه برای افزایش بهره‌وری تولیدات فقرا عرضه و هزینه آن دریافت می‌شود. ۵. کاهش هزینه‌های مواد اولیه تولید و بازاریابی محصولات از طریق راه‌اندازی تعاونی برای خدمات‌گیرندگان یکی دیگر از انواع کارآفرینی اجتماعی است. شکل زیر به‌منظور نشان دادن چگونگی تأثیر کارآفرینی اجتماعی بر جنبه‌های مختلف فقر ترسیم شده است.

شکل ۴. تأثیر کارآفرینی اجتماعی بر جنبه‌های مختلف فقر خدمات‌گیرندگان



مأخذ: همان.

۳. روش‌شناسی

روش این پژوهش پیمایشی و مکان انجام آن شهر مشهد است. برای بهتر نشان دادن تفاوت به‌وجود آمده در نتیجه اتخاذ جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی، جنبه‌های مختلف فقر خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های با جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی با خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه مقایسه شد. جامعه مورد بررسی، نهادهای حمایتی با گرایش کارآفرینی

اجتماعی و گرایش خیریه‌ای شهرستان مشهد بودند. تعداد ۲۰۷ مؤسسه خیریه فعال در شهرستان مشهد وجود دارد. آمار دقیقی از مؤسسه‌های با گرایش کارآفرینی اجتماعی در دست نیست. جهت انتخاب مؤسسه‌های خیریه، فهرست مؤسسات خیریه شهرستان مشهد تهیه و سپس هشت مؤسسه به تصادف انتخاب شد. در کل، هفت مؤسسه با جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی در شهرستان مشهد شناسایی شد و همه انتخاب شدند. نهادهای حمایتی با جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی در این پژوهش عبارت بودند از: خدمات‌گیرندگان معاونت خودکفایی کمیته امداد، مرکز حمایت از جوانان گل‌فروش بهزیستی، مؤسسه‌های خیریه کارآفرین (کارگاه خیاطی مؤسسه خیریه ثامن، مؤسسه خیریه کارآفرین امیرالمؤمنین (ع) و مؤسسه توانیابان و مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی (کارخانه زیتون آرشیو و کارگاه خیاطی صداقت). مؤسسه‌های خیریه عبارت بودند از: آبخار عاطفه‌ها، آبخار مهربانی، انصارالحجّة، انصارالمحسن، انصارالهادی، پویندگان راه علی (ع)، خورشید بقیع و خیرالبشر.

در طرح نمونه‌گیری ابتدا لیست خدمات‌گیرندگان هر مؤسسه دریافت شد، سپس از هر مؤسسه ۲۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه پژوهش را تکمیل کردند. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. با توجه به واریانس پیش‌آزمون و سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه برای هر گروه ۱۵۰ نفر تعیین شد. در پایان ۱۴۳ پرسشنامه توسط خدمات‌گیرندگان هفت مؤسسه با جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی و ۱۵۶ پرسشنامه توسط خدمات‌گیرندگان هشت مؤسسه خیریه تکمیل و جمع‌آوری شد.

داده‌ها با پرسشنامه‌ای که حاوی ۹۱ سؤال بود، گردآوری شد. در طراحی پرسشنامه پژوهش از «پرسشنامه استانداردهای زندگی» مؤسسه تحقیقات فقر و طرد اجتماعی انگلیس کمک گرفته شد. محققان برخی سؤال‌های غیرمرتبط با جامعه ایران را حذف و برخی از آنها را با توجه به مباحث نظری و سؤال‌های استفاده شده در تحقیقات پیشین اضافه کردند. چون نمونه تحقیق طیف متنوعی از فعالیت‌های کارآفرینی اجتماعی بودند، محققان کار خود را از تغییراتی آغاز کردند که در زندگی مردم بیشترین اهمیت را داشته‌اند. در این رویکرد سعی می‌شود فهرستی کلی از همه انواع تأثیرها و میزان آنها بر هر کدام بررسی شود. روایی ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق با روش‌های روایی محتوا بررسی شد. ابزاری

دارای روایی محتواست که تمام قلمرو معنایی مفهومی که محقق قصد اندازه گیری آن را دارد تحت پوشش قرار دهد. برای این منظور پرسشنامه تحقیق به اساتید و صاحب نظران ارائه شد و برای سنجش پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان آلفای کرونباخ کلیه خرده مقیاس های پرسشنامه بالای ۰/۷ بود. جهت مقایسه از آزمون های تی تست برای گروه های مستقل و آزمون خی دو استفاده شد.

۴. یافته ها

جدول ۲ ویژگی های جمعیت شناختی خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی و خیریه ها را نشان می دهد. در موضوع وضعیت تأهل در مؤسسه های خیریه فوت همسر بیشتر است اما در گروه کارآفرین اجتماعی میزان متارکه بیشتر است. میانگین سنی خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه بیشتر است. خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی به طور میانگین سال های بیشتری تحصیل کرده اند.

جدول ۲. ویژگی های جمعیت شناختی به تفکیک نوع مؤسسه

نوع مؤسسه				موضوع	
کارآفرین اجتماعی		خیریه			
تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۳۶	۲۷.۱	۲۳	۱۵.۵	مرد	جنسیت
۹۷	۷۲.۹	۱۲۵	۸۴.۵	زن	
۲۲	۲۰.۰	۱۴	۹.۰	هرگز ازدواج نکرده	وضعیت تأهل
۳۹	۳۵.۵	۵۷	۳۶.۸	متأهل	
۱۳	۱۱.۸	۵۶	۳۶.۱	فوت همسر	
۳۶	۳۲.۷	۲۸	۱۸.۱	متارکه	
۳۳.۴		۴۳.۶		میانگین	سن
۸.۱		۴.۶		میانگین	تعداد سال های تحصیل
۲.۷		۳.۸		میانگین	تعداد فرزندان
۳.۶		۳.۰		میانگین	تعداد افراد تحت تکفل خانواده شما (با خودتان) در حال حاضر چند نفر هستند؟

نوع مؤسسه				موضوع
خیریه		کارآفرین اجتماعی		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۷.۰۱		۴.۱۶		چند سال است از این مؤسسه خدمات دریافت می کنید؟
۱.۵۲		۲.۰۰		قبل از اینکه از حمایت این مؤسسه برخوردار شوید چقدر مهارت داشتید؟

مأخذ: یافته های تحقیق.

خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی به طور میانگین ۴/۱۶ سال است که از مؤسسه، خدمات دریافت می کنند، درحالی که گروه دیگر به طور میانگین هفت سال است که از مؤسسه خیریه خدمات دریافت می کنند. خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی به طور میانگین نیم نمره بیشتر از خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه سابقه مهارتی داشتند. آزمون تی مستقل نشان می دهد این تفاوت از نظر آماری معنادار است (آزمون یک دامنه $t=7.8$, $df=221$, $P=0.001$).

۴-۱. فقر ضروریات زندگی

برای مقایسه برخورداری از ضروریات زندگی در دو نوع مؤسسه از آزمون خی دو استفاده شد. نتایج آزمون خی دو نشان می دهد که در اکثر موارد (ماشین لباسشویی، تلویزیون، فریزر، تلفن همراه لمسی، کامپیوتر، اتصال به اینترنت در خانه، تلویزیون ال. سی. دی، لباس مناسب، درمان های لازم دندان، بیمه درمانی، میوه و سبزی تازه روزانه، میهمان کردن فامیل یا دوستان ماهی یک بار، شرکت در عروسی، شرکت در فعالیتهای ورزشی یا کلاس های ورزشی) خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی به میزان بیشتری از ضروریات زندگی برخوردارند. این دو گروه از نظر برخورداری از «گوشت یا ماهی یک بار در هفته» و «سه وعده غذا در روز» و نداشتن «ماشین، پول کافی برای تعمیر مبلمان کهنه، پول کافی برای جایگزینی یا تعویض وسایل الکتریکی مثل فریزر یا ماشین لباسشویی»، با هم تفاوت معناداری نداشتند.

۲-۴. فقر سلامت محور

میانگین نمره سلامتی در خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرینی اجتماعی ۳/۲۸ و در خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه ۲/۲۵ از ۵ است. آزمون تی مستقل نشان داد که تفاوت مشاهده شده معنادار است (آزمون یک دامنه $t=7.52$, $df=283$, $P=0.000$). در مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی ۴۳/۸ درصد از خدمات گیرندگان بیماری طولانی مدت جسمی یا روانی در ۱۲ ماه گذشته داشتند، درحالی که اکثریت (۶۶/۴ درصد) خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه بیماری طولانی مدت جسمی یا روانی در ۱۲ ماه گذشته داشتند. همبستگی میان بیماری طولانی مدت ماندگار و نوع مؤسسه معنادار بود ($p=0.000$, $14/53$). یافته‌ها نشان می‌دهد بیماری‌های حرکتی (مثل راه رفتن در فواصل کوتاه یا بالا رفتن از پله) و عروقی (مثل بیماری قلبی، یا بیماری قند خون) در خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه خیلی بیشتر از خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی است. میانگین نمره سؤال «در ۱۲ ماه گذشته آیا احساس کردید که سلامتی‌تان، بر موقعیت مالی‌تان تأثیر داشته است؟» در خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرینی اجتماعی ($n=109$) ۲/۵ و در خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه ($n=147$) ۳/۲ است. آزمون تی مستقل نشان داد که تفاوت مشاهده شده معنادار است (آزمون یک دامنه $t=5.1$, $df=254$, $P=0.001$).

۳-۴. فقر مسکن محور

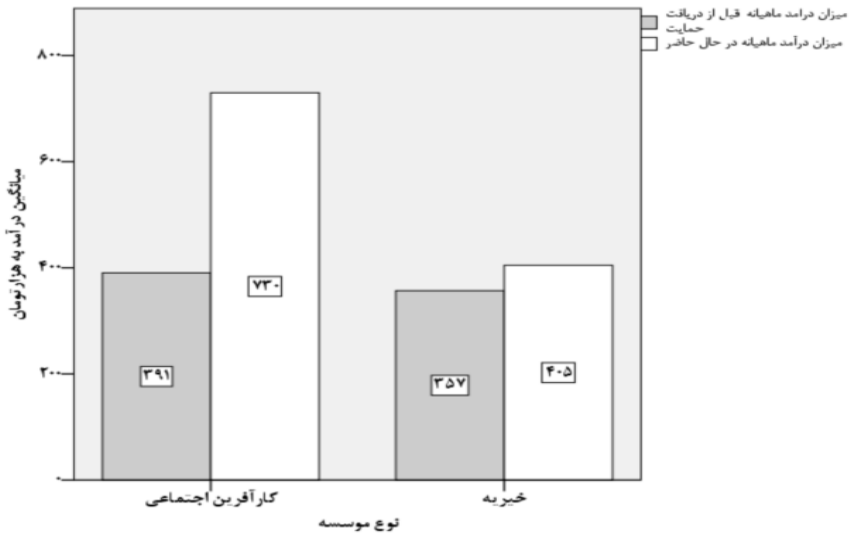
داده‌ها نشان می‌دهد ۳۳ درصد خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی مالک مسکن هستند، درحالی که ۱۶/۷ درصد مددجویان مؤسسات خیریه مالک مسکن هستند. همبستگی میان مالکیت مسکن و نوع مؤسسه معنادار بود ($p=0.000$, $19/63$, $X^2=2$, $N=286$). در کل ۴۲/۷ درصد خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی وضعیت تعمیرات خانه‌شان را ضعیف توصیف می‌کنند، درحالی که ۶۰/۸ درصد مددجویان مؤسسات خیریه همین نظر را درباره خانه‌شان دارند. همبستگی میان مالکیت مسکن و نوع مؤسسه معنادار است ($p=0.010$, $9/26$, $X^2=2$, $N=284$).

۴-۴. فقر درآمدي

میانگین درآمد خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی قبل از دریافت حمایت از مؤسسه ۳۹۱ هزار تومان بود و پس از دریافت حمایت‌های مؤسسه به ۷۳۰ هزار تومان در ماه رسید. آزمون تی دو گروه وابسته نشان داد که تفاوت میان شرایط قبل و بعد از دریافت حمایت از مؤسسه کارآفرین اجتماعی معنادار است (آزمون یک دامنه $t=-6.12$, $df=69$, $P=0.000$)؛ اما میانگین درآمد خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه پس از دریافت حمایت، تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد.

نمودار ۱. میزان درآمد ماهانه قبل و بعد از دریافت حمایت به تفکیک نوع مؤسسه

(هزار تومان)



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۳ نشان می‌دهد میانگین «کل هزینه ماهانه زندگی» خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرینی اجتماعی ۷۱۳ هزار تومان است، درحالی‌که خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه به‌طور میانگین ۴۸۳ هزار تومان در ماه هزینه می‌کنند (برای یک خانواده سه نفره). آزمون تی مستقل نشان داد که تفاوت مشاهده شده معنادار است (آزمون یک دامنه

میانگین «کل درآمد تمام افراد عضو خانواده» (t=4.16، df= 231، P=0.000). خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی ۱,۰۳۱,۸۱۸ تومان است، درحالی‌که میانگین «کل درآمد تمام افراد عضو خانواده» خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه ۵۱۰ هزار تومان است: (آزمون یک دامنه t=1.21، df= 232، P=0.000).

جدول ۳. میانگین هزینه، درآمد و درآمد مورد نیاز به تفکیک نوع مؤسسه

(هزار تومان)

موضوع	نوع مؤسسه	N	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار از میانگین	t	p
کل هزینه ماهانه زندگی تان چقدر است؟	کارآفرین اجتماعی	۱۱۸	۷۱۳.۶۸	۵۱۳.۵۶	۴۷.۲۷	۴.۱۶	۰.۰۰۰
	خیریه	۱۱۳	۴۸۳.۷۱	۳۰۳.۴۳	۲۸.۵۴		
کل درآمد تمام افراد عضو خانواده شما در ماه (از طریق کار، مستمری، درآمد کشاورزی، اجاره و سایر درآمدهای پولی) چقدر است؟	کارآفرین اجتماعی	۹۹	۱۰۳۱.۸۱	۶۳۴.۹۵	۶۳.۸۱	۷.۱۸	۰.۰۰۰
	خیریه	۱۳۴	۵۱۰.۴۶	۳۹۹.۰۶	۳۴.۴۷		
حداقل درآمد مورد نیاز خانوار شما برای تأمین نیازهای اساسی (شامل مواد غذایی، پوشاک، بهداشت و سلامتی، مسکن) در ماه چقدر است؟	کارآفرین اجتماعی	۱۰۸	۸۰۰.۹۲	۷۳۵.۹۲	۷۰.۸۱	۱.۲۱	۰.۲۲۵
	خیریه	۱۲۹	۷۰۳.۶۰	۴۱۸.۴۳	۳۶.۸۴		

مأخذ: همان.

حداقل درآمد مورد نیاز خانوار برای تأمین نیازهای اساسی در دو گروه تفاوتی از نظر آماری نشان نمی‌دهد. خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه درآمد خود را در مقایسه با خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی به‌طور معناداری کمتر ارزیابی می‌کنند (آزمون یک دامنه t=4.55، df=277، P=0.000). در پاسخ به سؤال «آیا درآمادتان را کمتر از آنچه برای نیازتان لازم دارید می‌بینید؟» پاسخ اکثریت افراد هر دو گروه مثبت است. آزمون خی دو تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد (X²=(1, N=264) 0/073، p=0.78).

۴-۵. فقر نسبی

فقر نسبی، فقر را درخصوص موقعیت اقتصادی اعضای دیگر جامعه تعریف می کند افراد فقیر هستند اگر آنها زیر استانداردهای رایج در یک جامعه خاص قرار بگیرند. میانگین درآمد لازم برای خارج از فقر بودن از نظر خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرینی اجتماعی (n=106) ۱,۵۶۲,۰۰۰ هزار تومان است و از نظر خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه (n=144) ۱,۲۲۱,۰۰۰ هزار تومان است. آزمون تی مستقل نشان داد که تفاوت مشاهده شده معنادار است (آزمون یک دامنه $P=0.05$, $df=248$, $t=3.22$). در ادامه پرسیده شده «خانواده شما تا چه حد بالا یا زیر این سطح قرار دارد؟» ۳۷/۵ درصد خدمات گیرندگان مؤسسات کارآفرین اجتماعی ۸۲ درصد خدمات گیرندگان مؤسسات خیریه، درآمدهای خود را خیلی کمتر از این مقدار می دانند. ۲۱/۶ درصد خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی جایگاه خود را در جامعه بسیار پایین تر از متوسط می دانند، در حالی که ۶۶ درصد از خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه همین نظر را دارند.

۴-۶. فقر زمان

فقر زمان در این پژوهش به معنی کمبود زمانی است که به دلیل فشار کاری زیاد چه کار بیرون از منزل و چه کار داخل خانه ایجاد می شود و فرد زمان کافی برای رسیدگی به سایر جنبه های زندگی ندارد. یافته ها نشان می دهد خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی به طور میانگین روزانه ۴۶ دقیقه در روز برای رفتن از خانه به محل کار و برگشت صرف می کنند و ۸ ساعت و ۵۹ دقیقه در روز سر کار هستند. آزمون تی مستقل نشان داد که هر دو گروه از نظر فقر زمان با هم تفاوت معناداری ندارند. به این معنا که هر دو گروه به یک اندازه احساس کمبود از نظر وقت کافی برای صرف کردن با خانواده، دوستان و تفریح دارند و نیز به یک اندازه احساس می کنند در دام روزمرگی افتاده اند و تحت فشار کارها هستند.

۴-۷. فقر اجتماعی (طردشدگی و فراموش شدگی)

طرد اجتماعی شامل تجربه طرد شدن و تحقیر می شود. طرد اجتماعی کنار گذاشته شدن و

نادیده گرفته شدن توسط افراد قدرتمندی است که بر دسترسی فقرا به منابع و فرصت‌ها تأثیر می‌گذارند. یافته‌ها نشان می‌دهد خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی پس از اعضای فامیل، از دوستان خود حمایت‌های اطلاعاتی، ابزاری و عاطفی دریافت می‌کنند، در حالی که خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه بیشتر به اعضای فامیل خود متکی هستند.

۴-۸. فقر عاملیتی

فقر دارایی‌های مادی، فقر آموزش، فقدان مهارت و ارتباطات اجتماعی ضعیف، باعث عدم اعتماد به نفس فقرا می‌شوند. کنترل ضعیف بر تصمیم‌های اصلی و سرنوشت‌ساز زندگی که پیامدهای مهم دارند و حتی کنترل بر تصمیم‌گیری در مسائل کوچک به معنای فقر عاملیتی یا قابلیت است. این موضوع فقط در زنان دارای همسر، تحلیل شد. از کل پاسخگویان، ۹۶ نفر دارای همسر بودند. یافته‌ها نشان می‌دهد گروه خدمات‌گیرنده از کارآفرینان اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی، با گروه دوم تفاوتی ندارند.

۴-۹. آسیب‌پذیری

آسیب‌پذیری به معنی احتمال رنج بردن از یک شوک رفاهی قابل توجه است که خانوار را به زیر حداقل سطح اجتماعی تعریف شده می‌آورد. آسیب‌پذیری خطر بودن در فقر یا افتادن در فقر عمیق‌تر در آینده است.^۱ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هر دو گروه از نظر آسیب‌پذیری مشابه هستند.

جدول ۴. مقایسه آسیب‌پذیری به تفکیک نوع مؤسسه

نوع مؤسسه				موضوع	
کارآفرین اجتماعی		خیریه			
تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۹۳	۶۷/۹	۸۴	۶۴/۶	بلی	تنها منبع درآمد خانواده ما، درآمد من است
۱۱۰	۸۰/۳	۱۱۸	۸۴/۳	بلی	در صورت بیکار شدن پس‌اندازی ندارم

مأخذ: همان.

۱۰-۴. فقر در طی زمان (فقر بین نسلی)

فقر بین نسلی، مفهومی است که به فقر همیشگی اشاره می کند که از نسلی به نسل بعدی منتقل می شود. به منظور بررسی تأثیر کارآفرینی اجتماعی بر فقر بین نسلی (چرخه فقر)، ابتدا پاسخگویانی انتخاب شدند که به سؤال آیا «جد اندر جد فقیر بودند؟» پاسخ مثبت داده بودند. سپس پاسخ سؤال «آیا فکر می کنید واقعاً در حال حاضر فقیر هستید؟» در خدمات گیرندگان دو نوع مؤسسه مقایسه شد. یافته ها نشان می دهد ۳۷/۳ درصد خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی که خود را جد اندر جد فقیر می دانستند، فکر می کنند واقعاً در حال حاضر فقیر نیستند، در حالی که تنها ۸/۳ درصد گروه دیگر همین نظر را دارند (p=0.000). $\chi^2(1, N=160) = 20/23$.

جدول ۵. مقایسه جنبه های فقر خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی با خیریه

ابعاد فقر	برخی از شاخص و گویه های مورد استفاده	کارآفرین اجتماعی	خیریه	Pvalue
فقر ضروریات زندگی	برخورداری از ماشین لباسشویی، تلویزیون، فریزر، تلفن همراه لمسی، کامپیوتر، اتصال به اینترنت در خانه، تلویزیون ال. سی. دی، لباس مناسب، درمان های لازم دندان، بیمه درمانی، میوه و سبزی تازه روزانه، مهمان کردن فامیل یا دوستان ماهی یکبار، شرکت در عروسی، شرکت در فعالیت های ورزشی	٪۴۰	٪۲۸	۰/۰۰۰
	برخورداری از «گوشت یا ماهی یکبار در هفته» و «سه وعده غذا در روز»	٪۶۸	٪۶۳	NS
فقر سلامت محور	میانگین نمره سلامتی	۳/۲۸	۲/۲۵	۰/۰۰۰
	دارای بیماری طولانی مدت جسمی یا روانی در ۱۲ ماه گذشته	٪۴۳/۸	٪۶۶/۴	۰/۰۰۰
	میانگین نمره سؤال در ۱۲ ماه گذشته آیا احساس کردید که سلامتی تان، بر موقعیت مالی تان تأثیر داشته است؟	۲/۵	۳/۲	۰/۰۰۱
فقر مسکن محور	مالک مسکن	٪۳۳	٪۱۶/۷	۰/۰۰۰
	وضعیت تعمیرات خانه ضعیف است	۴۲/۷	۶۰/۸	۰/۰۰۰

ابعاد فقر	برخی از شاخص و گویه‌های مورد استفاده	کارآفرین اجتماعی	خیریه	Pvalue
فقر درآمدی	میانگین درآمد پس از دریافت حمایت (هزار تومان)	۷۳۰	۴۰۵	۰/۰۰۰
	میانگین کل هزینه ماهانه زندگی (هزار تومان)	۷۱۳	۴۸۳	۰/۰۰۰
	حداقل درآمد مورد نیاز خانوار برای تأمین نیازهای اساسی (هزار تومان)	۸۰۰/۹۲	۷۰۳/۶۰	NS
فقر نسبی	درآمد خانوار خیلی کمتر از میانگین درآمد لازم برای خارج از فقر بودن است	٪۳۷/۵	٪۸۲	۰/۰۰۰
	جایگاه خود را در جامعه بسیار پایین تر از متوسط می‌بینند	٪۲۱/۶	٪۶۶	۰/۰۰۰
طردشدگی	دریافت حمایت‌های اطلاعاتی، ابزاری و عاطفی از دوستان	٪۲۹/۶۸	٪۱۰/۵۶	۰/۰۰۰
فقر زمان	میانگین احساس کمبود از نظر وقت کافی برای صرف کردن با خانواده، دوستان و تفریح و در دام روزمرگی افتادن و تحت فشار کارها بودن	۳/۵	۳/۴۷	NS
فقر عاملیتی	کنترل بر تصمیم‌گیری در مسائل بزرگ و کوچک زندگی	٪۴۹	٪۵۳	NS
آسیب‌پذیری	تنها منبع درآمد خانواده، درآمد من است	۶۷/۹	٪۶۴/۶	NS
	در صورت بیکار شدن پس‌اندازی ندارم	٪۸۰/۳	٪۸۴/۳	NS
فقر بین‌نسلی	نسبت به نسل‌های قبل از خود واقعاً در حال حاضر فقیر نیستند	٪۳۷/۳	٪۸۳	۰/۰۰۰

مأخذ: همان.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اکثر خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه (۵۸ درصد) از بیماری‌های حرکتی (برای مثال راه رفتن در فواصل کوتاه یا بالا رفتن از پله) رنج می‌برند. از آنجاکه بیشتر این افراد در مشاغل مهارت دارند و یا به انجام مشاغلی قادر هستند که نیاز به تحرک دارد (مشاغل یدی)، یکی از موانع توانمندسازی این گروه همین بیماری‌های جسمی است. بیماری‌های حرکتی و دردهای طولانی‌مدت، مانع از اشتغال در مشاغلی می‌شود که به ایستادن و

مقایسه جهت گیری های کارآفرینی اجتماعی و خیریه ای بر جنبه های مختلف فقر ... _____ ۲۰۵

حرکت نیاز دارند. این موضوع در سؤال «در ۱۲ ماه گذشته آیا احساس کردید که سلامتی تان، بر موقعیت مالی تان تأثیر داشته است؟» بررسی شد. نتیجه نشان می دهد میانگین نمره این سؤال، در خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرینی اجتماعی ۲/۵ و در خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه ۳/۲ از ۵ است. در واقع موقعیت ضعیف مالی موجب می شود تا خدمات گیرندگان از خیریه ها نتوانند به درمان این بیماری ها پردازند.

یافته ها نشان می دهد مالکیت مسکن در گروه خدمات گیرنده از مؤسسات کارآفرین اجتماعی (۳۳/۱ درصد) بیشتر از خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه (۱۶/۷ درصد) است. اگرچه بقیه خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی (۶۶/۹ درصد) با درآمد حاصل از کار به خرید خانه در کلان شهر مشهد قادر نیستند. فقر درآمدی موجب شده تا وضعیت تعمیرات خانه های گروه خیریه ای بدتر از گروه کارآفرین اجتماعی باشد.

آزمون تی برای دو گروه وابسته نشان داد که بین درآمد قبل و بعد از تحت حمایت نهاد کارآفرین اجتماعی درآمد، تفاوت معناداری وجود دارد. خیریه ای ها درآمدی از جاهای دیگر داشتند. اگرچه حداقل درآمد مورد نیاز خانوار برای تأمین نیازهای اساسی (خط فقر) در دو گروه تفاوتی را نشان نمی دهد، اما میزان کل درآمد و کل هزینه ماهانه (که شاخصی برای میزان مصرف و رفاه خانوار است) در گروه خدمات گیرنده از مؤسسه های کارآفرین اجتماعی حدود دو برابر گروه خیریه ای است. کارآفرینی اجتماعی موجب خروج جامعه هدف از فقر درآمدی شده است. میانگین درآمد گروه خدمات گیرنده از مؤسسه های کارآفرین اجتماعی ۱,۳۱۰,۰۰۰ تومان است که به طور چشمگیری از میانگین درآمد لازم برای تأمین نیازهای اساسی از نظر همین گروه یعنی ۸۰۰,۰۰۰ تومان بیشتر است. میانگین کل درآمد تمام اعضای خانوار خدمات گیرندگان از مؤسسه های خیریه ۵۱۰,۰۰۰ تومان و حداقل درآمد مورد نیاز خانوار برای تأمین نیازهای اساسی از نظر همین گروه ۷۰۳,۰۰۰ تومان است.

ماهیت فقر در جامعه ایران از فقر مطلق به فقر نسبی تغییر کرده است (رمضانی، ربیعی و اهدی مازندرانی، ۱۳۹۶). در حال حاضر افراد خود را در مقایسه با متوسط جامعه، فقیر احساس می کنند. کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی توانسته گروه هدفش را از فقر مطلق بیرون بیاورد، اما از فقر نسبی خیر. حدود ۵۰ درصد خدمات گیرندگان مؤسسه های

کارآفرین اجتماعی درآمد، استانداردهای زندگی و جایگاه خود را پایین تر از متوسط جامعه تلقی می کنند. این در حالی است که حدود ۹۰ درصد گروه دیگر یعنی خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه چنین تصویری از وضعیت خود دارند.

یافته های پژوهش نشان می دهد خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی پس از اعضای فامیل، از دوستان خود حمایت های اطلاعاتی، ابزاری و عاطفی دریافت می کنند، در حالی که خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه بیشتر به اعضای فامیل خود متکی هستند. خدمات گیرندگان خیریه ها بیشتر به شبکه های درون گروهی مثل اعضای فامیل در مواقع نیاز وابسته اند، در حالی که خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی می توانند حمایت های مورد نیاز را از شبکه برون گروهی نیز دریافت کنند. نقش دوستان در شبکه اجتماعی خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی بسیار مهم است. دوستان همانند اعضای فامیل حمایت های مختلف را فراهم می کنند. صرف نزدیکی فیزیکی، در شهرهای بزرگ حمایت ایجاد نمی کند؛ تا وقتی که رابطه با همسایه رابطه دوستی نشود، در زمان نیاز حمایت لازم را فراهم نمی کند.

پیش از تحقیق فرض می شد اشتغال به کار و کسب درآمد گروه خدمات گیرنده از مؤسسه های کارآفرین اجتماعی آنها را قادر کرده تا به مناطق مسکونی امن تر و با آسیب های اجتماعی (اعتیاد، خشونت و دزدی) کمتری زندگی کنند. به عبارت دیگر انتظار می رفت اشتغال آنها را از حاشیه های پُر آسیب به متن کم آسیب آورده باشد؛ اما نتایج نشان داد که میزان آسیب های اجتماعی در محیط زندگی این گروه بیشتر از گروه خدمات گیرنده از مؤسسه های خیریه است.

اگرچه یافته های پژوهش میزان آسیب پذیری دو گروه را به صورت تقریباً مشابهی نشان می دهد، اما وضعیت بهتر گروه خدمت گیرنده از مؤسسه های کارآفرین اجتماعی در جنبه های مختلف فقر (فقر سلامت محور، مسکن محور، درآمدی، نسبی و اجتماعی) به معنای آسیب پذیری کمتر این گروه است. برخورداری از قابلیت هایی نظیر مهارت لازم برای اشتغال، تملک دارایی ها، دریافت حمایت از شبکه برون گروهی، امکان بهره برداری از فرصت های محیطی مثل اشتغال و سرمایه گذاری را فراهم می سازد و میزان آسیب پذیری را کاهش می دهد.

مقایسه جهت گیری های کارآفرینی اجتماعی و خیریه ای بر جنبه های مختلف فقر ... _____ ۲۰۷

گروه خدمات گیرنده از مؤسسات کارآفرین اجتماعی در مقایسه با گروه دیگر، به طور معناداری وضعیت زندگی خود را در حال حاضر کمتر مشابه زندگی پدرشان در گذشته می داند. همچنین ۴۴/۲ درصد آنها در مقایسه با ۸۹/۳ درصد گروه خدمات گیرنده از مؤسسه های خیریه، خود را در حال حاضر فقیر می دانند.

بحث

اقدامات کارآفرینی اجتماعی نهادهای حمایتی با حمایت از اشتغال گروه های محروم اجتماعی نه تنها آنها را از فقر دور می کند بلکه با زمینه سازی برای مشارکت محرومان در اجتماع (مثلاً از طریق اشتغال) موجب می شود تا آنها احساس تعلق به اجتماع کنند. روابط معنادار با دیگران برقرار کنند و نسبت به خود احترام قائل شوند و قدر و منزلتی توسط دیگران برای فرد قائل شود. کارآفرینی اجتماعی با توانمندسازی اقتصادی محرومان آنها را به خود متکی می سازد و روند طرد اجتماعی را معکوس می کند؛ تصویرشان از خودشان (عزت نفس) را بهبود می بخشد و آنها را با جامعه اصلی ادغام می کند.

شواهد و دیدگاه های مختلف (آگیون و مرداک، ۱۳۹۱؛ بیزجی و دوفلو، ۱۳۹۲؛ یونس، ۱۳۹۲) اهمیت کارآفرینی اجتماعی را در کاهش فقر مورد تأکید قرار داده اند و یافته های تحقیق این نتایج را تأیید می کنند (رئسی، نجفی و باقری، ۱۳۹۲). همچنین اهمیت اشتغال و درآمدزایی بر توانمندسازی زنان در تحقیقات مختلفی نشان داده شده است (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۲).

زنان سرپرست خانوار از طریق پیوندهای شغلی و فعالیت اقتصادی در بیرون از خانه، ضعف شبکه های خویشاوندی را با منابع بین گروهی جبران می کنند. اشتغال زنان ضمن تأمین درآمد برای آنها، فرصت هایی را برای شکل گیری روابط جدید و بهره مندی از منابع آن ایجاد کرده است (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲). یافته های تحقیق این نظر را تأیید می کند که فعالیت در بازار کار به شکل گیری سرمایه اجتماعی کمک و پیوندهای بین گروهی را تقویت می کند (همان) اشتغال صرف نظر از جنبه اقتصادی (افزایش رفاه فرد یا درآمد خانوار)، از لحاظ اجتماعی نیز دایره شمول فرد را گسترش می دهد و از خطر انزوا

و طرد اجتماعی وی می‌کاهد (مور، ۱۳۸۵: ۲۲۴). اعضای شبکه فامیل و دوستان نسبت به شبکه همسایگی، آشنایان و مؤسسات، بیشترین حمایت را از خدمات‌گیرندگان مؤسسات کارآفرین اجتماعی فراهم می‌کنند. در واقع به این معنی است که در مسیر توانمندسازی، می‌توان از منابع و توانمندی‌های شبکه فامیل و دوستان فرد استفاده کرد.

هر دو گروه از نظر زمان فراغت احساس کمبود می‌کنند اما کمبود زمان گروه کارآفرین اجتماعی که بخش عمده‌ای از آنها را زنان تشکیل می‌دهند به دلیل تعدد نقش است. اشتغال در کار بیرون از خانه، همزمان با کار داخل خانه و رسیدگی به بچه‌ها، از طرفی باعث احساس تحت فشار بودن می‌کند و از طرف دیگر وقت کمی برای تفریح باقی می‌گذارد. میزان آسیب‌پذیری در هر دو گروه بالاست. در واقع به این معنی است که کارآفرینی اجتماعی توانسته جامعه هدفش را در ابعاد مختلف توانمند کند، اما این توانمندی میزان آسیب‌پذیری را کاهش نداده است (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹).

این پژوهش تفاوت ایجاد شده در ابعاد مختلف فقر را در نتیجه تغییر جهت‌گیری از رویکرد خیریه به کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی نشان می‌دهد. با توجه به نتایج قابل توجه این تغییر جهت (کاهش فقر و آسیب‌های ناشی از آن، پایداری مأموریت اجتماعی در نهادهای حمایت، صرفه‌جویی در بودجه‌های دولتی و توسعه اقتصادی کشور)، شایسته است دولت زمینه را برای این تغییر تسهیل کند. وضع قوانینی که فعالیت اقتصادی را برای مؤسسه‌های خیریه امکان‌پذیر می‌سازد و حمایت از کسب و کارهای اجتماعی همانند فعالیت‌های تجاری، از مواردی هستند که به این تغییر جهت کمک می‌کنند. در نهادهای حمایتی با جهت‌گیری خیریه‌ای نیز ضروری است پیش‌نیازهای لازم برای پیاده‌سازی مدل‌های کسب و کار اجتماعی در مؤسسه فراهم شود. تغییر بیانیه مأموریت مؤسسه، اتخاذ رویکرد توانمندساز به جای رویکرد خیریه‌ای، آموزش کارکنان، تأمین منابع مالی، ارزیابی عملکرد اجتماعی و مالی از جمله تغییرات لازم در سطح سازمانی هستند.

از این رو بستر و محیطی لازم است تا کارآفرینان اجتماعی بانگیزه و مستعد شناسایی شوند، مورد آموزش قرار گیرند و در نهایت از کسب و کار شکل گرفته توسط آنها حمایت شود، برای محقق شدن این امر، خط‌مشی‌گذاری و خط‌مشی‌های دولت برای فرایند مزبور

مقایسه جهت‌گیری‌های کارآفرینی اجتماعی و خیریه‌ای بر جنبه‌های مختلف فقر ... _____ ۲۰۹

ضروری است. یکی از مشکلات در پرداخت وام به فقرا، نداشتن وثیقه و ضامن است، برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود بانکداری گروهی توسعه داده شود و دولت و نهادهای حمایتی سرمایه لازم برای این مراکز را تأمین کنند. به‌عنوان مثال بخشی از بودجه سالانه دولت که برای پرداخت وام نیازمندان به بانک‌ها داده می‌شود برای توسعه این مراکز اختصاص داده شود.

منابع و مأخذ

۱. آقای، تیمور و محمود زارع‌نیا (۱۳۹۰). کتاب جامع کارآفرینی و کسب‌وکار، تهران، کتاب طلایی جامع.
۲. آگیون، بیتریز آرمنداریز دی و جانانان مرداک (۱۳۹۱). *اقتصاد تأمین مالی خرد*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
۳. احمدپور داریانی، محمود، یاشار سلام‌زاده و فاطمه شرفی فرزاد (۱۳۸۹). «تحلیلی بر شکاف‌های موجود در کارآفرینی اجتماعی در ایران، پای در زنجیر»، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و نوآوری.
۴. اسدی، مه‌ری، سیدمصطفی رضوی و مقصود فراستخواه (۱۳۹۰). «الگوی کارآفرینی اجتماعی در ساماندهی کودکان خیابانی»، *کارآفرینی*، ۳(۱۲).
۵. امرسون، جد، دیویس جی گریگوری و پتر اکونومی (۱۳۸۹). *کارآفرینی اجتماعی در ساماندهی کسب‌وکارهای اجتماعی*، ترجمه محمود احمدپور داریانی و لیلا وطن‌دوست، تهران، راه‌دان.
۶. برزگران، ابوالفضل (۱۳۹۳/۷/۱). «گرفتار ماریبیچ فقرمی شویم»، مصاحبه با وحید محمودی، تدبیر اقتصادی.
۷. بِنرجی، آبهیجیت و استر دوفلو (۱۳۹۲). *اقتصاد فقیر: بازاندیشی بنیادین در شیوه مبارزه با فقر جهانی*، ترجمه جعفر خیرخواهان و مهدی فیضی، تهران، دنیای اقتصاد.
۸. بی‌ملور، رابرت، گری کالتون، آن چیک، آنتونیا بیفالکو، نوحا ملور، آلان فیشر (۱۳۹۱). *کارآفرینی برای همه*، ترجمه جهانگیر بدالهی، کورش نجفی، تهران، دانشگاه تهران.
۹. جم. (۱۳۹۰). گزارش کارآفرینی اجتماعی در ایران.
۱۰. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۶). «بودجه کمیته امداد»، <https://www.tasnimnews.com>.
۱۱. رضانی، ابوالفضل، علی ربیعی و محمد اهدی مازندرانی (۱۳۹۶). «تبیین فرایند کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی و مؤسسات خیریه»، در دست چاپ.
۱۲. رئیس، رقیه، بهاء‌الدین نجفی و پژمان باقری (۱۳۹۲). «بررسی اثربخشی عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی بر افزایش اشتغال و کاهش فقر در خانواده اعضا براساس مدل لاجیت»، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۴(۳۷).
۱۳. زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۴). «فقر روستایی؛ روند و اندازه‌گیری آن در ایران (تبیین روش‌ها و نقد رویکردها)»، *رفاه اجتماعی*، ۱۷(۴).
۱۴. سن، آمارتیا (۱۳۸۱). *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه حسین راغفر، تهران، کویر.
۱۵. طالب، مهدی، سیداحمد فیروزآبادی و صدیقه پیری (۱۳۹۰). «مسئله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و

- دختران روستایی»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۲(۳۳).
۱۶. علاءالدینی، پویا و آزاده جلالی موسوی (۱۳۸۹). «ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران»، دو فصلنامه توسعه روستایی، ۲(۳).
۱۷. غفاری، غلامرضا و محمدباقر تاج‌الدین (۱۳۸۴). «شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی»، رفاه اجتماعی، ۴(۴).
۱۸. فیروزآبادی، سیداحمد و علیرضا صادقی (۱۳۹۲). *طرد اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت*، تهران، جامعه‌شناسان.
۱۹. قاسمیان، سعید (۱۳۸۴). «کاهش فقر در ایران: چالش‌ها و افق‌ها»، رفاه اجتماعی، ۱۸(۵).
۲۰. کریمی، یدالله، محمدحسن مبارکی و علیرضا مهاجری (۱۳۹۰). «شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت طرح‌های خودکفایی و اشتغال‌زایی کمیته امداد امام خمینی (ره) با رویکرد کارآفرینی اجتماعی»، اولین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور.
۲۱. کرمانی، مهدی، محمد مظلوم، حسین بهروان و محسن نوغانی (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان شاغل در مراکز کوثر شهرداری تهران در سال ۱۳۹۱)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۴(۳).
۲۲. لوین، آن، لورین ایگیو و دیوید مرکر (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی برای مددکاران اجتماعی*، ترجمه فریده همتی، تهران، سمت.
۲۳. مقیمی، محمد، یوسف وکیلی و مرتضی اکبری (۱۳۹۲). *نظریه‌های کارآفرینی*، تهران، دانشگاه تهران.
۲۴. مور، کن بلیک (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و سعید صادقی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۲۵. مولان، باب (۱۳۸۰). *نظر جامعه‌شناسان درباره جامعه‌شناسی*، ترجمه یوسف نراقی، تهران، اطلاعات.
۲۶. نارایان، دیپا، رابرت چمبرز، میراک شاه و پتی پتس (۱۳۹۰). *صدا فقرا: فریاد برای تغییر*، ترجمه مصطفی ازکیا و جمال رحمتی‌پور، تهران، کیهان.
۲۷. یونس، محمد (۱۳۹۲). «بانک تهی‌دستان»، ترجمه علی بابایی، سهیل پورصادقی، علیرضا خیری و زهرا عنایتی، تهران، *دنیای اقتصاد*.

28. Azmat, F. (2013). Sustainable Development in Developing Countries: The Role of Socialentrepreneurs, in Ternational Journal of Public Administration, 36(5).

29. Bernardino, S., J. F. Santos and J. C. Ribeiro (2015). *Handbook of Research on Entrepreneurial Success and its Impact on Regional Developmen:*

- Universidade Aberta, Portugal & CEFAGE, Universidade de Évora, Portugal.
30. Borzaga Carlo, Giulia Galera and Rocío Nogales (2008). *Social Enterprise: A New Model for Poverty Reduction and Employment Generation*, Bratislava, UNDP.
 31. Diochon, M. (2013). "Social Entrepreneurship and Effectiveness in Poverty Alleviation: A Case Study of a Canadian First Nations Community", *Journal of Social Entrepreneurship*, 4(3).
 32. Dobele, L. (2012). "Social Entrepreneurship Problems and Solutions: a Case Study of Latvia", *West East Journal of Social Sciences*, 1(1).
 33. Fayolle, A. and H. Matlay (2010). *Handbook of Research on Social Entrepreneurship*, Northampton, Edward Elgar Publishing.
 34. Gidron, B. (2014). "Market-Oriented Social Enterprises Employing People with Disabilities: A Participants' Perspective", *Journal of Social Entrepreneurship*, 5(1).
 35. Girisimcilik, Y. (2011). "Social Entrepreneurship in Combating with Poverty: Social Innovative Cases of Ashoka Fellows2", *Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, (3)13.
 36. Greening, D. W., J. Wall and S. Elias (2012). "Developing Theory in Corporate Social Responsibility and Social Entrepreneurship: an International Investigation of the Pet Organization", *Proceedings of the Twenty-Third Annual Meeting of the International Association for Business and Society*, 23.
 37. Lambro, M. (2012). "Enterprising Differently: Markets, Policy Contexts and Social Enterprise", *International Review of Social Research*, 2 (2).
 38. Lyne, I. (2012). "Social Enterprise and Social Entrepreneurship as Models of Sustainability for Local Ngo's: Learning from Cambodia", *International Journal for Management Research*, 2(1).
 39. McAnany, E. (2012). "Social Entrepreneurship and Communication for Development and SocialChange- Rethinking Innovation", *Nordicom Review*, 33.
 40. Parente, Cristina Ribeiro, Williams Colin and Powell JasonLee (2016). "Social Entrepreneurship in Portugal: Intervention and Management Models in Third Sector", *International Journal of Sociology and Social Policy*, 36(7/8).
 41. Skold ,W. (2013). *A Qualitative Look at the Lived Experience of Coping with Social Exclusion in Adolescence*, The Chicago School of Professional Psychology.
 42. Teasdalea, S. (2010). "How Can Social Enterprise Address Disadvantage? Evidence from an Inner City Community", *Journal of Nonprofit & Public Sector Marketing*, 2(22).
 43. United Nations (2016). *Poverty*, Retrieved 07 June, 2016.
 44. Vahabzadeh, Arshya (2015). "Social Exclusion", from www.khanacademy.org.
 45. Watters, K., L. Willington, T. Shutte and R. Kruh (2012). *Social Entrepreneurship—individuals with Vision Hold Unlimited Potential to Alleviate Poverty: The UnLtd South Africa Model*.
 46. World Bank (2016). *Measuring Vulnerability*. Retrieved 12/06, 2016, from <http://web.worldbank.org>.

آسیب‌شناسی قانونگذاری در ایران از منظر رویه ابتکار قانونگذاری

احمد مرکز مالگیری* و سعید عطار**

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۶/۲۰	تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۱۱/۲۱
------------------------	------------------------

قانونگذاری، طبق رویه‌های «قانونگذاری خوب»، فرایندی است که گرچه در صلاحیت قوه مقننه است، اما مستلزم همکاری سایر قوا، به‌ویژه قوه مجریه است. براساس معیارهای قانونگذاری خوب، مصوبات پارلمان باید به لوایح قوه مجریه متکی باشند. این نوشتار با استفاده از روش آمار توصیفی، می‌کوشد درصد فراوانی تعداد طرح‌ها و لوایح و روند تغییرات آن در برخی از کشورها را با قانونگذاری در ۹ دوره تقنینی در جمهوری اسلامی ایران مقایسه کرده و نشان دهد که برخلاف مجالس بسیاری از کشورها، مجلس ایران به‌خصوص در سه دوره اخیر (مجالس هفتم تا نهم) به سمت قانونگذاری «طرح - بنیان» حرکت کرده است. این روند به تضعیف قانونگذاری خوب در ایران منجر شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که نظام قانونگذاری در ایران، عمدتاً به سه دلیل ضعف نظام حزبی، نبود ابزارهای خود - محدودیتی در آیین‌نامه داخلی مجلس در مسیر ارائه طرح توسط نمایندگان و ضعف کانال‌های ارتباطی قوه مجریه و نهادهای مدنی - تجاری، نظامی طرح - بنیان بوده است.

کلیدواژه‌ها: نظام قانونگذاری؛ قانونگذاری خوب؛ طرح - بنیان؛ لایحه - بنیان؛ ایران؛ مطالعات قانونگذاری

* عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (نویسنده مسئول)؛

Email: markazma@yahoo.com

** استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد؛

Email: s.attar@yazd.ac.ir

مقدمه

از دیرباز تمرکز بر شیوه‌های بهبود نظام قانونگذاری، مسئله مورد بحث و بررسی صاحب‌نظران بوده است؛ چراکه قانونگذاری نیز مانند دیگر رویه‌ها و فرایندها در جامعه نیازمند ارتقا و بهبود مستمر است. بر این مبنا، تحلیل روندها و رویه‌های هر نظام قانونگذاری، یکی از اولویت‌های اصلی برای بهبود نظام قانونگذاری است. به‌عنوان نمونه در ایران، تولید قوانین با کمیت بالا و کیفیت پایین (تورم قانون/ قانونگذاری)، به حدی رسیده که ابهام‌هایی را در خصوص به‌صرفه بودن و کارآمدی آنها پدید آورده است (وکیلان و مرکز مالمری، ۱۳۹۵: ۳۰). از این رو، تورم قانون از جمله مسائلی است که برای بهبود نظام قانونگذاری باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. یکی از دلایل تولید قوانین بی کیفیت و با حجم بالا، به مرحله نخست تقنین، یعنی پیشنهاد یا ابتکار قانون بازمی‌گردد که موضوع بررسی مقاله حاضر است.

برای درک ماهیت‌های آسیب‌زای هر نظام قانونگذاری، باید چارچوبی از یک نظام ایدئال را در پیش‌رو داشت. به عبارت دیگر، در پرتوی چارچوب نظری که «قانونگذاری خوب»^۱ نامیده شده است، می‌توان درک بهتری از نظام قانونگذاری در هر کشور (در این نوشتار، ایران) به دست داد. مسئله قانونگذاری خوب، از دیرباز به‌عنوان مسئله‌ای مهم در نظریه‌های حقوقی مطرح بوده است. از آنجا که «باید» و «نباید»، قلب یک نظام حقوقی محسوب می‌شود، نظریه پردازان حقوقی، بخشی از آثار خود را به این مسئله اختصاص داده‌اند که چگونه باید «قانونگذاری» کرد تا نتیجه مورد نظر مقنن حاصل شود (عبداله‌زاده شهریابی، ۱۳۹۵: ۱۷۷). برای قانونگذاری، مجموعه‌ای از اصول و موازین در طول تاریخ اندیشه‌ورزی راجع به قانون و قانونگذاری صورت‌بندی شده است (والدرون، ۱۳۸۸). این اصول، سنجه‌ای برای قانونگذاری و طبعاً قانون «خوب» محسوب شده و ملاکی برای تمیز قانونگذاری «اصولی» از قانونگذاری «غیراصولی» شمرده می‌شوند. اصول قانونگذاری از نظر بسیاری از صاحب‌نظران، در پرتو نظریه «حاکمیت قانون»^۲ تبیین و صورت‌بندی شده است. این اصول به‌طور کلی متناظر با کیفیت قانونی است که باید در خدمت شهروندان و تأمین

1. Good Legislation

2. Rule of Law

امنیت و تضمین حقوق آنها باشد. این اصول را لون فولر^۱ صورت‌بندی کرده است که عبارت‌اند از: قانون عام باشد؛ قوانین باید منتشر شده و یا به اطلاع افراد ذی‌نفع رسانده شوند؛ قوانین نباید عطف به ماسبق شوند؛ قوانین باید واضح و روشن باشند؛ قوانین نباید متناقض باشند؛ قوانین نباید امر غیرممکن را مطالبه کنند؛ قوانین نباید به طور مکرر تغییر کنند؛ و عمل مقامات رسمی باید با قانون انطباق داشته باشد (مرکز‌المیری و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

ژاکوبز نیز اصول کلی قانونگذاری خوب را این‌گونه برشمرده است: ۱. امنیت: امنیت حقوقی، رعایت مداوم اقتضائات بازار و ضمانت اجرای قابل پیش‌بینی؛ ۲. شفافیت: به معنای قواعد روشن و ساده، و علنی بودن فرایندهای تصمیم‌گیری؛ ۳. مشروعیت: ضرورت حمایت قانونگذار از ایمنی، صلاحیت، محیط زیست، مصرف‌کنندگان و منافع عمومی؛ ۴. کارایی: قواعد کم‌هزینه، تصمیمات منظم و زمانمند، و اقدام سریع در برآورده کردن نیازهای بازار؛ ۵. کارشناسی: مهارت در مقرراتگذاری خوب و درک بازارها و فناوری‌های پیچیده (پارکر و کرکپاتریک، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

بدین ترتیب، فهرست اصول قانونگذاری خوب از منظرهای مختلف می‌تواند فهرستی متفاوت باشد. برای نمونه، جرمی والدرون^۲ اصول قانونگذاری را از منظرهای ماهوی، شکلی و تشریفاتی مورد توجه قرار داده است. از نظر او، در کنار دو نوع اصول ماهوی (مانند اصول صورت‌بندی شده رالز و بنتام در خصوص هدف قانون) و اصول شکلی (اصول مربوط به شکل قانون)، اصول «تشریفاتی» قابل شناسایی است که به نهادها و فرایندهای قانونگذاری بازمی‌گردد. فهرست اصول «تشریفاتی» به این شرح است: ۱. اصل قانونگذاری صریح؛ ۲. تکلیف محتاط بودن قانونگذار در حین تقنین از حیث اهمیت ماهوی قانون و عدم خدشه به منافع و آزادی‌ها؛ ۳. اصل نمایندگی؛ ۴. اصل احترام به عدم توافق؛ ۵. اصل تضارب آراء؛ ۶. اصل تشریفات تقنینی؛ و ۷. اصل برابری سیاسی و اهمیت روش‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر آن (والدرون، ۱۳۸۸: ۱۲۰-۱۱۹). آنچه موضوع این نوشتار است، به اصل ششم، یعنی تشریفات تقنینی مطلوب برای قانونگذاری مربوط است.

1. Lon Fuller
2. Jeremy Waldron

به‌طور کلی، گرچه محتوای نظام حقوقی هر کشور، ماهیت متفاوتی دارد اما براساس معیارهای قانونگذاری خوب؛^۱ سهم لایحه (ابتکار قانونگذاری توسط قوه مجریه) از مجموع مصوبه‌های نظام تقنینی در کنار مواردی از جمله الزامات کیفی قوانین، برای بهبود نظام قانونگذاری هر کشور اهمیت زیادی دارد. قانونگذاری خوب فرایندی است که گرچه در صلاحیت قوه مقننه است، اما مستلزم همکاری سایر قوا، به‌ویژه قوه مجریه است. مسئله‌ای که در این نوشتار بدان پرداخته می‌شود، ضرورت قانونگذاری از طریق لایحه و در اولویت قرار دادن آن نسبت به قانونگذاری از طریق طرح است. این ضرورت، چنان‌که در ادامه خواهیم گفت، در عمل در اغلب پارلمان‌های دنیا به رویه‌هایی جاافتاده و معمول تبدیل شده است. این نوشتار تلاش دارد تا با بررسی تطبیقی نظام قانونگذاری ایران با نظام قانونگذاری تعدادی از کشورهای عموماً توسعه‌یافته، نشان دهد که به‌رغم دلایل نظری و عملی در اولویت لایحه بر طرح در نظام‌های قانونگذاری کشورها، نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در سه دوره اخیر (مجالس هفتم تا نهم)، نظامی طرح - بنیان بوده است. این ارزیابی، نتیجه بررسی عملکرد قانونگذاری و تحلیل آماری با استفاده از روش آمار توصیفی است. در این روش، درصد فراوانی تعداد طرح‌ها و لوایح و روند تغییرات آن در قانونگذاری در مجلس ایران و برخی کشورها بررسی می‌شود و سهم طرح و لایحه در وضع قانون مشخص می‌شود. داده‌های آماری نشان می‌دهند که با وجود شکاف میان نظام قانونگذاری ایران و برخی کشورها، ماهیت مصوبات قانونی در نظام قانونگذاری ایران طی سه دوره اخیر، به سمت کاهش مصوبات لایحه - بنیان حرکت کرده است. این روند به تضعیف قانونگذاری خوب در ایران منجر شده است. بررسی دلایل اولویت ابتکار قانونگذاری از طریق طرح بر لایحه در نظام قانونگذاری ایران و توصیه‌های سیاستی، مباحث پایانی نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهند.

۱. اولویت ابتکار قانونگذاری از طریق لایحه

با اینکه قانونگذاری، مهم‌ترین وظیفه پارلمان محسوب می‌شود، اما در ادبیات «قانونگذاری

خوب» بر مبنای چارچوب نظری مذکور در مقدمه، پذیرفته شده است که به دلیل بهره‌مندی دیگر شاخه‌های حکومت از حجم وسیع اطلاعات و عدم نیاز به ورود پارلمان در مسائل فرعی، برخی از موارد قانونگذاری به نهادهای دیگر حکومتی، به ویژه سازمان‌های زیرمجموعه قوه مجریه واگذار شود. وضع قوانین با تمام جزئیات که دلمشغولی بسیاری از پارلمان‌هاست، از توانایی ارکان قوه مقننه خارج است. در برخی کشورها، حق ارائه پیشنهاد تقنینی در برخی از حوزه‌ها صرفاً برای قوه مجریه محفوظ است؛ حوزه‌هایی که عموماً شامل حوزه‌های مالیات، هزینه‌های عمومی و بودجه است. در این حوزه‌های بسیار مهم و تأثیرگذار، قوه مجریه نقش به اصطلاح «دربانی»^۱ را ایفا می‌کند که به معنای سیطره عملی آن قوه با برخورداری از اختیارات لازم است.^۲ البته باید به این نکته توجه داشت که در تفکیک صلاحیت‌ها و اختیارات، و به‌طور خاص در اختیارات کلیدی مربوط به بودجه، ساختار نظام سیاسی (ریاستی، پارلمانی، یا نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی)، واجد نقشی اساسی است (حسینی، فاتحی‌زاده و تهرانی، ۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۳۵).

واقعیت‌های پیش گفته همچنین ایجاب می‌کند که پارلمان با تصویب قوانینی که برخی آنها را «قانون اعطای صلاحیت»^۳ نامیده‌اند، چارچوب اصلی اصلاحاتی را که بر اساس آنها قوه مجریه تصمیم‌گیری می‌کند، معین کرده و سپس به برخی نهادهای فرعی - عموماً یک وزارتخانه - اختیار داده می‌شود قوانین جزئی لازم را برای تکمیل برنامه تصویب کنند. قوانینی که به موجب چنین اختیاراتی وضع می‌شوند، «قانونگذاری تفویضی»^۴ می‌نامند. در متون حقوقی، قانونگذاری تفویضی را با اصطلاحات دیگری مانند قانونگذاری ثانویه،^۵ قانونگذاری در دور سوم،^۶ اعلامیه^۷ یا حکم^۸ نیز نامگذاری کرده‌اند.^۹ هرچند قانونگذاری تفویضی باعث کاهش قدرت پارلمان در سیاستگذاری

1. Gatekeeping

2. Steven and Kroenig, 2009: 8.

3. Empowering Act

4. Delegated Legislation

5. Secondary Legislation

6. Tertiary Legislation

7. Proclamation

8. Warrant

9. Legislation Advisory Committee, 2014.

شده است،^۱ اما اتکای پارلمان به لوایح قوه مجریه برای ابتکار قانون، سرعت عمل تقنینی تقنینی و دقت قوانین مصوب پارلمان را افزایش داده است. طبق گزارش انجمن «هنسارد»،^۲ قوه مجریه شریک اصلی پارلمان در فرایند سیاستگذاری است. اگر پارلمان قصد دارد کیفیت قانونگذاری را بهبود دهد، باید هم تسهیل کننده مسیری باشد که براساس آن، قوه مجریه ابتکارات خود را در قالب لوایح ارائه کند و هم موشکافانه و دقیق، این لوایح را مورد بررسی قرار دهد. در واقع، برای افزایش کیفیت سیاستگذاری در کشور، همکاری مشترک پارلمان و قوه مجریه ضروری است.^۳

همچنین در گزارش مؤسسه «ابتکار برای حکومت بهتر»^۴ با تأکید بر همکاری مشترک پارلمان و قوه مجریه برای تحقق قانونگذاری خوب، توصیه شده که پارلمان با نظارت دقیق تر بر روند طرح و بررسی لوایح ارائه شده توسط دولت، معیارهای لایحه نویسی (مانند شفاف بودن لوایح، همپوشانی نداشتن آن با قوانین موجود و ...) را رعایت کند.^۵ برخی مطالعات نیز نشان می دهند که هر چقدر تعداد لوایح ارائه شده توسط قوه مجریه بیشتر باشد و هر چقدر پارلمان در جلسات بیشتری به این لوایح بپردازد، اثربخشی نهاد پارلمان و نقش آن در سیاستگذاری کشور (به ویژه نقش نظارتی پارلمان) افزایش خواهد یافت.^۶

از طرف دیگر، قانونگذاری تفویضی مستلزم پشتیبانی اسناد بالادستی مانند قانون

۱. شایان ذکر است که یکی از ملاک های ارزیابی و مقایسه قدرت پارلمان ها و دولت در سیاست گذاری، میزان تبدیل پیشنهاد های مطروحه از سوی هر یک از آنها به قانون است. برای نمونه، در مطالعه ای درباره دانمارک، تعداد و موفقیت میزان طرح های نمایندگان (Private Member's Bills) در مقایسه با لوایح دولتی (Government Bills) ارزیابی و چنین نتیجه گیری شده است که از این حیث، طرح های نمایندگان در بازه زمانی مورد بررسی (سال های ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۴) برخلاف لوایح دولتی، به نحو چشمگیری روندی نزولی داشته است (Damgaard and Jensen, 2006).

۲. Hansard Society: انجمن هنسارد، سازمانی انگلیسی است که در سال ۱۹۴۴ برای ارتقای دموکراسی پارلمانی در جهان شکل گرفته است. در بسیاری از کشورها، گزارش های این انجمن، مرجع بسته ای سیاستی بوده که هدف از آنها، اصلاح نظام پارلمانی و بهبود روند سیاست گذاری از طریق پارلمان بوده است.

3. House of Commons, 2013.

۴. Better Government Initiative: مؤسسه ابتکار برای حکومت بهتر در سال ۲۰۰۷ در انگلستان با هدف کمک به حل نگرانی های رو به افزایش در مورد کیفیت پایین سیاست های تدوین شده توسط حکومت ها و اجرای ضعیف این سیاست ها تأسیس شده است.

5. Bichard, 2010: 20-21.

6. Cook, 2015.

اساسی است. به لحاظ نظری، قانون اساسی صرفاً چارچوبی رسمی را برای فعالیت قوای مقننه و مجریه فراهم می‌کند؛ اما چنان‌که برخی صاحب‌نظران معتقدند، در عمل ۹۰ درصد اجرای قوانین و همچنین ۹۰ درصد ابتکار قانونگذاری (با ارائه لایحه) توسط قوه مجریه انجام می‌شود و این حالت، قوه مجریه ۹۰ درصد آنچه را که می‌خواهد به دست می‌آورد. در برخی کشورها، این توفیق چشمگیر قوه مجریه به ۱۰۰ درصد نیز نزدیک می‌شود (اولسون و نورتون، ۱۳۹۰: ۱۴۹).^۱ چنان‌که یکی از صاحب‌نظران تصریح می‌کند، در بسیاری از کشورها، معمولاً ابتکار قانون بر عهده قوه مجریه است و نقش قوه مقننه به مثابه یک کل، به قبول یا رد پیشنهاد محدود شده است.^۲

توجه به این نکته ضروری است که توصیه به ابتکار قانونگذاری از طریق قوه مجریه و پرهیز قوه مقننه از ارائه طرح‌های تقنینی تا حد امکان، به معنای نادیده گرفتن برخی مزایای قانونگذاری از طریق طرح و برخی معایب قانونگذاری از طریق لایحه نیست. برای نمونه، می‌توان گفت چنان‌که الزامات بررسی یک طرح در کمیسیون‌ها و کمیته‌های تخصصی به‌خوبی برآورده شود، آن طرح می‌تواند از ویژگی‌های یک طرح مطلوب برخوردار شود. از سوی دیگر، چه‌بسا دولت با تشویق و ترغیب ابتکار قانونگذاری، می‌تواند آسیب‌هایی به دنبال داشته باشد. برای مثال، دولت‌ها می‌توانند سیاست‌های مورد نظر اعضای قوه مقننه را با ارائه لوایح و تبدیل آنها به قانون، بی‌اثر و خنثی کنند یا از طریق ارائه لوایح، با ابزارهای نظارتی پارلمان مقابله کنند. باین حال، می‌توان ادعا کرد از مجموع مزایا و معایب قابل تصور برای ابتکار قانونگذاری با طرح یا لایحه، کفه ترازوی ابتکار تقنینی از طریق دولت سنگین‌تر است. شواهدی که در ادامه ذکر شده است، این ادعا را اثبات می‌کند.

۲. رویه‌های قانونگذاری نمونه

طبق دلایلی که پیش‌تر به برخی از آنها اشاره شد، اصل بر ابتکار قانونگذاری قوه مجریه و

۱. اولسون در جای دیگری نیز تأکید می‌کند: «در بیشتر کشورها در ظاهر قاعده ۹۰ درصد حاکم است» (اولسون، ۱۳۸۲:

۲۰۷)، بدین معنا که ابتکار ۹۰ درصد قوانین از سوی قوه مجریه است و این قوه به ۹۰ درصد خواسته‌هایش دست می‌یابد.

2. Steven and Kroenig, 2009: 9.

لایحه - بنیان بودن نظام ابتکار تقنینی است. شواهد متعددی برای این ادعا در دیگر نظام‌های قانونگذاری نیز وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها خواهیم پرداخت.

در جدول ۱، اطلاعات مربوط به قانونگذاری در تعدادی از کشورهای اروپایی به تفکیک مرجع پیشنهادکننده و همچنین به تفکیک سال مشخص شده است.^۱

جدول ۱. پیشنهادهای تقنینی در برخی کشورهای اروپایی به تفکیک سال

کشور	پیشنهاد شده توسط دولت (لایحه - بنیان)			پیشنهاد شده توسط پارلمان (طرح - بنیان)			درصد قانونگذاری (لایحه - بنیان)		
	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
بلغارستان	۹۴	۱۲۱	۷۴	۳۳	۱۷	۲۷	۷۴	۸۷	۷۳
کرواسی	۹۶	۱۱۲	۱۰۸	۳	۱۸	۸	۹۶	۸۶	۹۳
استونی	۱۳۰	۱۱۸	۱۵۱	۷۴	۹۳	۸۰	۶۳	۵۵	۶۵
ایتالیا	۱۲۷	۱۷۲	۱۱۱	۲۶	۳۴	۲۹	۸۳	۸۳	۷۹
لتونی	۲۰۵	۱۹۳	۲۸۶	۱۶۱	۲۲۳	۳۲۶	۵۶	۴۶	۴۶
مقدونیه	۱۳۴	۱۴۸	۱۰۶	۰	۰	۴	۱۰۰	۱۰۰	۹۶
مولداوی	۹۹	۸۳	۱۰۳	۳۰	۶۴	۱۲۴	۷۶	۵۶	۴۵
روسیه	۱۰۷	۱۱۸	۸۰	۹۰	۱۰۸	۳۱	۵۴	۵۲	۷۲

Source: Kasemets, 2001: 54.

همچنان که از جدول ۱ مشخص است، تمامی کشورها، نظام قانونگذاری لایحه - بنیان با نسبت‌های مختلف دارند. این به معنای آن است که در همه کشورهای بررسی شده، دولت واجد جایگاه مسلطی در ابتکار قانونگذاری است. برای مثال، ۷۳ درصد از ۱۰۱ پیشنهاد تصویب شده در مجلس بلغارستان در سال ۲۰۰۰، پیشنهادهایی هستند که در قالب لایحه قوه مجریه ارائه داده است. به جز لتونی در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰، بیش از نیمی از پیشنهادهای تصویب شده در پارلمان‌های همه کشورهای مورد بررسی، لوایح قوای مجریه این کشورها بوده‌اند. این داده‌ها در مورد کشور مقدونیه، ۹۶ و ۱۰۰ درصد بوده است.

۱. داده‌های جدول، با استفاده از انجام تحلیل آماری روی جدول مندرج در منبع مذکور به دست آمده است.

مطالعه دیگری در خصوص نظام قانونگذاری کشورهای اروپای مرکزی (چکسلواکی، مجارستان، لهستان و اسلونی) نشان می‌دهد که قوای مجریه کشورهای مذکور در یک دوره قانونگذاری، بین ۲۷ تا ۶۴ درصد پیشنهادهای تقنینی را ارائه داده‌اند و بین ۵۲ (در لهستان) تا ۹۵ درصد (در اسلونی) از لوایح دولتی به تصویب پارلمان رسیده‌اند.^۱

در استرالیا، از ۲۰۳ قانون تصویب‌شده در مجلس نمایندگان در سال ۲۰۱۳، ۱۸۴ پیشنهاد در قالب لایحه بوده است (سهم ۹۰ درصدی لوایح از قوانین مصوب). در سال ۲۰۱۴ نیز ۱۹۴ پیشنهاد از ۲۲۲ قانون تصویب شده در مجلس نمایندگان (۸۷ درصد) در سال ۲۰۱۵، ۱۸۰ پیشنهاد از ۲۰۸ قانون مصوب (۸۶ درصد) در سال ۲۰۱۶، ۱۲۳ پیشنهاد از ۱۸۶ قانون مصوب (۶۷ درصد) در قالب لایحه و از طرف قوه مجریه ارائه شده است. به عبارت دیگر، در چهار سال اخیر در استرالیا، ۸۲/۵ درصد از قوانین مصوب پارلمان به طور متوسط پیشنهادهایی بوده‌اند که قوه مجریه به صورت لایحه به مجلس تقدیم کرده است. به طور میانگین، نزدیک به ۱۵ درصد از قوانین تصویب‌شده از سوی مجلس سنا نیز پیشنهادهایی بوده‌اند که قوه مجریه به صورت لایحه تقدیم کرده است.^۲

در کانادا از ۲۹۰ قانون تصویب‌شده در سال ۲۰۱۴، ۲۶۸ پیشنهاد در قالب لایحه مطرح و تصویب شده است (سهم ۹۲ درصدی از قوانین مصوب). در سال ۲۰۱۵ نیز از ۲۹۱ پیشنهاد از ۳۰۲ قانون تصویب شده توسط نمایندگان مجلس عوام (۹۶ درصد) لوایحی بودند که از طرف قوه مجریه ارائه شده و در نهایت به قانون تبدیل شدند.^۳ در فرانسه نیز از ۳۴۸ قانون مصوب در سال ۲۰۱۴، ۲۹۲ پیشنهاد (۸۳ درصد) و از ۳۱۲ قانون مصوب در سال ۲۰۱۵، ۲۶۶ پیشنهاد (۸۵ درصد) در قالب لایحه از طرف قوه مجریه ارائه و به قانون تبدیل شدند.^۴

۳. ارزیابی نظام قانونگذاری ایران

نمایی از فعالیت تقنینی مجلس شورای اسلامی را می‌توان از گزارش‌های منتشره از مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و همچنین از تألیف‌هایی که در خصوص قانونگذاری

1. Olson and Norton, 2007: 184.

2. Parliament of the Commonwealth of Australia, 1998: 25.

3. Parliament of Canada

4. National Assembly

صورت گرفته است استخراج کرد. اما بررسی آمارهای مستخرج از منابع پیش گفته حاکی از اختلاف نظر مراجع رسمی و همچنین صاحب نظران در تعداد طرح‌ها و لوایح بررسی شده در هر دوره تقنینی و حتی تعداد قوانین مصوب است. این اختلاف آمار - که بعضاً در اعلام تعداد مصوبات مجلس از یک مرجع واحد نیز وجود دارد - نشانگر این واقعیت است که در تنظیم و تدوین آمار مصوبات مجلس توسط مراجع مربوط، دقت کافی صورت نمی‌گیرد. البته این نکته را نیز نباید نادیده گرفت که این اختلاف آماری، نشئت گرفته از روش‌های مختلف محاسبه تعداد قوانین به‌ویژه در منابع منتشر شده توسط مجلس و شورای نگهبان است. مهمترین منبع قابل اتکا برای تعداد مصوبات «فهرست موضوعی دستور جلسات مذاکرات مجلس شورای اسلامی» است. جدول زیر، سیمای قانونگذاری در ۹ دوره مجلس شورای اسلامی را با استناد به منبع پیش گفته نشان می‌دهد.

جدول ۲. سیمای قانونگذاری در ۹ دوره مجلس شورای اسلامی

دوره تقنینی	مجموع قوانین	لوايح تبديل شده به قانون	طرح‌های تبديل شده به قانون	درصد لوايح	درصد طرح‌ها
اول	۳۷۰	۲۷۹	۹۱	۷۵/۴۱	۲۴/۵۹
دوم	۳۱۶	۲۵۸	۵۸	۸۱/۶۵	۱۸/۳۵
سوم	۲۵۶	۱۳۶	۱۲۰	۵۳/۱۳	۴۶/۸۸
چهارم	۳۴۲	۲۲۹	۱۱۳	۶۶/۹۶	۳۳/۰۴
پنجم	۳۵۹	۲۵۰	۱۰۹	۶۹/۶۴	۳۰/۳۶
ششم	۳۹۶	۳۰۸	۸۸	۷۷/۷۸	۲۲/۲۲
هفتم	۳۳۳	۲۳۴	۹۹	۷۰/۲۷	۲۹/۷۳
هشتم	۳۴۹	۲۳۳	۱۱۶	۶۶/۷۶	۳۳/۵۲
نهم	۱۹۷	۱۰۴	۹۳	۵۲	۴۷
مجموع	۲۹۱۸	۲۰۳۱	۸۸۷	۶۶/۷۶	۳۳/۲۴

مأخذ: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۵، ۱۳۶۹، ۱۳۷۴، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۴، ۱۳۸۷؛ وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (سامانه قوانین).

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که از حیث قانونگذاری خوب، مجلس دوم با سهم بیش از ۸۱ درصدی لوایح از کل قوانین تصویب شده، بهترین عملکرد و مجلس نهم با ۵۲

درصد و مجلس سوم با سهم ۵۳ درصدی لوایح از کل قوانین تصویب‌شده، از منظر مورد بررسی این نوشتار، بدترین عملکرد را داشته‌اند. پس از مجلس دوم و سوم، مجلس هشتم رتبه بعدی را در نقض اصل اولویت لایحه بر طرح در ابتکار قانونگذاری دارد.

در مجلس نهم، مجموعاً ۱۹۷ قانون به تصویب رسیده است که به نسبت دوره‌های پیشین تقنینی، به نحو چشمگیری کم‌تعدادتر است؛ به طوری که تعداد قوانین مصوب مجلس نهم نزدیک به نصف تعداد قوانینی است که مجلس دوره قبل (مجلس هشتم) به تصویب رسانده بود. اما ویژگی خاص مجلس نهم، مربوط به نسبت طرح‌ها و لوایح بود؛ به طوری که در مجلس نهم (از ۷ خرداد ۱۳۹۱ تا ۶ خرداد ۱۳۹۵)، از مجموع ۶۸۶ لایحه و طرح ثبت‌شده در وب‌سایت مرکز پژوهش‌ها، ۴۷۱ طرح در مقابل ۲۱۵ لایحه به مجلس تقدیم شد. به عبارت دیگر تعداد طرح‌های ارائه‌شده بیش از دو برابر لوایح تقدیمی از طرف دولت بود (وب‌سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). در حالی که به‌عنوان نمونه در مجلس هشتم، در مجموع ۶۷۷ پیشنهاد تقنینی مشتمل بر ۳۵۲ لایحه و ۳۲۵ طرح به مجلس ارائه شده که ۳۴۹ مورد آنها به قانون تبدیل شده است. پیشی گرفتن شگفت‌آور ابتکار قانونگذاری از طریق طرح بر لایحه در مجلس نهم، چنان‌که در بحث پیشین استدلال شد، مغایر با اصول قانونگذاری خوب است.

۴. برخی از دلایل اولویت ابتکار قانونگذاری از طریق طرح بر لایحه در نظام قانونگذاری ایران

چنانکه در قسمت ۲ گفته شد، در بسیاری از نظام‌های نمونه قانونگذاری، قوه مجریه در ابتکار قانونگذاری واجد جایگاهی مسلط است. گرچه تبیین و تحلیل تفصیلی دلایل خاص برتری قوه مجریه در ابتکار قانونگذاری در ایران، نیازمند نوشتاری مستقل است، اما در این مقال به صورت مقایسه‌ای میان ایران و کشورهای مطرح جهان (با تأکید بر ویژگی‌های مشترک آنها) به سه مورد از مهمترین دلایل اشاره می‌کنیم که احتمالاً بر ضعف نظام قانونگذاری خوب در ایران و قوت نظام قانونگذاری در کشورهای مطرح جهان از حیث نسبت لایحه و طرح در ابتکار قانونگذاری، تأثیرگذار بوده‌اند. شایان ذکر است که سه

موردی که در ادامه طرح خواهد شد، نتیجه بررسی کشورهای دارای نظام‌های قانونگذار لایحه - محور هستند. همه این کشورها، نظام حزبی قوی، نوع خاصی از اختیارات ویژه قانونی برای قوه مجریه و کانال‌های ارتباطی قوی میان قوه مجریه و نهادهای مدنی - تجاری دارند. اینکه آیا این سه شرط، رابطه علی با برقراری نظام قانونگذاری لایحه - محور دارند، سؤال است که این پژوهش نمی‌تواند پاسخی برای آن داشته باشد. موارد زیر، تنها حاصل بررسی تطبیقی، با تمرکز بر نظام حقوقی (هنجاری) کشورها و البته فراگیر بودن دلایل است. با این توضیح، می‌توان گفت فقدان این سه مورد در نظام قانونگذاری ایران، باعث شده در دوره‌هایی، از جمله دوره نهم و در موضوعات اساسی از جمله بانکداری، در ابتکار قانونگذاری اولویت از طریق طرح باشد.^۱

۱-۴. قوت/ضعف نظام حزبی

یکی از دلایل اصلی تصویب بیشتر لوایح دولتی این است که لوایح در اغلب موارد از توافق‌های میان احزاب دارای اکثریت در پارلمان برآمده است. نمایندگان احزاب واجد اکثریت در پارلمان اختیار ناچیزی برای اصلاح لوایح دولت دارند؛ چرا که هرگونه اصلاح بنیادی لایحه، توافق درون یا میان‌حزبی را که پیش از طرح لایحه توسط مذاکرات میان رؤسای حزبی مسلط بر هر دو قوه به‌دست آمده است، خدشه‌دار می‌سازد.^۲ در کشورهای

۱. براساس توضیحات ارائه‌شده، دلایل خاصی را می‌توان برای غلبه کردن ابتکار قانونگذاری از طریق طرح بر لایحه در هر نظام و در هر بازه زمانی، ارائه کرد. برای نمونه، نمایندگان دوره نهم نیز همچون نمایندگان دوره هشتم، پس از آنکه موفق نشدند دولت را برای ارائه لایحه‌ای درخصوص اصلاح نظام بانکداری قانع یا وادار کنند، چاره کار را در ابتکار قانونگذاری در این موضوع از طریق طرح دیدند؛ بدین ترتیب که «طرح عملیات بانکی بدون ربا» (تاریخ چاپ: ۱۳۹۴/۲/۲۳، شماره ثبت ۵۲۶) و سپس، «طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران» (تاریخ چاپ: ۱۳۹۵/۴/۷، شماره ثبت ۱۶۵) در دوره نهم به مجلس ارائه شد. در واقع در این مورد، قوه مقننه به جای آنکه با استفاده از ابزارهای نظارتی مؤثر، دولت را به ارائه لایحه الزام کند، خود در جایگاه تعریف‌شده برای دولت، به ارائه پیش‌نویس قانونی اقدام کرد که بی‌تردید، فاقد امکانات و شرایط کافی برای تدوین آن است. در گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس درخصوص طرح اخیر آمده است: «... علی‌رغم ضرورت‌های بی‌شمار اصلاح این قوانین و تأکید مجلس شورای اسلامی از ابتدای دوره نهم مجلس شورای اسلامی مبنی بر ضرورت ارائه سریع لوایح بانکداری و بانک مرکزی توسط دولت، تاکنون لایحه‌ای از سوی دولت درخصوص اصلاح قوانین پولی و بانکی به مجلس ارائه نشده است» (شهبازی غیائی، ۱۳۹۵: ۱).

دارای نظام حزبی مستحکم و ریشه‌دار، مذاکرات درون و میان‌حزبی باعث می‌شود تا قوه مجریه بتواند با پشتوانه تشکیلاتی و سازمانی بهتری، لوایح خود را به پارلمان تقدیم کرده و از اکثریت اعضای پارلمان (اعضای وابسته به احزاب طرف مذاکره) انتظار داشته باشد تا آن را تصویب کنند. به‌عنوان یک قاعده کلی، می‌توان گفت که در اغلب نظام‌های قانونگذاری، ارائه طرح‌های قانونی در مقایسه با ارائه لایحه، دشوارتر بوده و مستلزم تشریفات پیچیده‌تری است؛ برای نمونه، در انگلستان، نمایندگان نمی‌توانند جز با اجازه رسمی مجلس عوام، طرح قانونی پیشنهاد دهند (طاهری، عامری و مرکزالمیری، ۱۳۸۸: ۱۸) و اخذ این مجوز نیز قطعاً نیازمند توسل سازوکارهای حزبی است. نقش احزاب و نظام‌مندی فعالیت آنها در قانونگذاری تا حدی مهم است که می‌توان گفت کیفیت فعالیت احزاب سیاسی برآمده از نظام انتخاباتی رقابتی و منصفانه، به یکی از شاخص‌های قوت یا ضعف پارلمان تبدیل شده است (وکیلان، ۱۳۹۱: ۲۸۲).

پژوهش‌های انجام‌شده در مورد فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی در تاریخ ۱۰۰ ساله اخیر ایران، نشان می‌دهد متوسط عمر احزاب در کشور، ۶/۴ سال و تعداد سال‌های عمر این احزاب بین یک تا ۱۰ سال متغیر است به طوری که ۲۴/۶ درصد آنها بین یک تا دو سال، ۲۴/۵ درصد بین سه تا چهار سال و ۲۱/۱ درصد آنها نیز بیش از ۱۰ سال عمر کرده‌اند. اکثریت احزاب (۱۷/۵ درصد) در عمر چهار سالگی از عرصه مبارزات سیاسی حذف شده‌اند (ساعی، ۱۳۸۶: ۱۳۰-۱۲۹). این واقعیت، نشان‌دهنده ناپایداری احزاب و موقتی بودن حضور آنها (عمر کوتاه فعالیت حزبی) در صحنه سیاست ایران است. بازتاب فقدان نظام حزبی را می‌توان در ناپایداری گروه‌بندی‌های سیاسی درون قوه مجریه و به‌ویژه قوه مقننه، مشاهده کرد. فقدان نظام حزبی در ایران باعث شده تا با منتفی شدن مذاکرات درون‌حزبی و میان‌حزبی بر سر اهداف مشترک (که تدوین لایحه، نمودی از اقدام برای رسیدن به هدفی مشترک است)، سطح همکاری‌های میان دو قوه مجریه و مقننه کاهش یابد.

۲-۴. وجود/ نبود اختیارات ویژه قانونی برای قوه مجریه

به‌دلیل پیچیدگی فرایند تقنینی و ضرورت تصمیم‌گیری سریع، در بسیاری از کشورهایی

که در نظام قانونگذاری آنها، اغلب مصوبات پارلمان برگرفته از لوایح قوه مجریه است، برای قوه مجریه اختیارات ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود (مانند ایتالیا و بلژیک). طبق این اختیارات، قوه مجریه با همکاری اعضای کمیسیون‌های پارلمان، لوایح مهم برای کشور را با سرعت بیشتری به تصویب می‌رساند.^۱ در مواردی نیز مسائل مناقشه‌برانگیز و حساس از پارلمان به مجمعی متشکل از رؤسای احزاب ارجاع می‌شود و پارلمان مکلف است نتیجه اجماع حاصل شده در مجمع مذکور را بدون دخل و تصرف به تصویب برساند.

نظام قانونگذاری برزیل یکی از نمونه‌های جالب در این مورد است. مهم‌ترین اختیاری که برای رئیس‌جمهور طبق قانون اساسی در نظر گرفته شده است، صلاحیت قانونگذاری از طریق وضع «احکام موقتی»^۲ است. این صلاحیت که با توجیه اعاده «وضع عادی»^۳ برای رئیس‌جمهور پیش‌بینی شده است، امکان تصویب قانون به‌نحو سریع و بدون تصویب کنگره را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب که اگر کنگره از تصویب حکم موقتی ظرف ۳۰ روز خودداری کند، خودبه‌خود آن حکم جایگزین طرح یا لایحه‌ای خواهد شد که در دستور کار کنگره قرار داشته است. گرچه طبق قانون اساسی، توسل به این شیوه باید صرفاً در مواقع خاص صورت گیرد، اما در عمل قوه مجریه از این تمهید به‌نحو حداکثری بهره برده است؛ به‌طوری‌که در دوره بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸، میانگین احکام موقتی ۳/۵ مورد در ماه بوده است. این صلاحیت، به‌ویژه به قوه مجریه امکان می‌دهد که احکام مورد نظر خود را در اولویت دستور کار جلسات پارلمان قرار دهد؛ اولییتی که امری بسیار مهم در تسلط هر یک از قوا در عرصه قانونگذاری و سیاستگذاری محسوب می‌شود.^۴

اختیار وضع احکام موقتی برای رئیس‌جمهور برزیل تنها ابزار قوه مجریه برای تسلط و تأثیرگذاری بر قوه مقننه نیست؛ همچنین صلاحیت «درخواست اضطراری» علاوه بر رئیس‌جمهور، برای سه گروه دیگر، یعنی دوسوم اعضای هیئت‌رئیس مجلس نمایندگان، یک‌سوم اعضای کنگره یا رهبرانی که نمایندگی آنان را برعهده دارند، و دوسوم اعضای کمیسیون‌های مربوط، به رسمیت شناخته شده است. در صورت ارائه درخواست اضطراری

1. Curtin, 2009.

2. Provisional Decrees

3. Status Quo

4. Pereira and Mueller, 2004: 13-14.

برای تصویب یک لایحه، کمیسیون در یک یا دو جلسه - که به‌ندرت نیز برگزار می‌شود - گزارش خود را درخصوص لایحه به صحن تقدیم می‌کند و درواقع، بررسی کمیسیونی از فرایند قانونگذاری حذف می‌شود. ازاین‌رو، بیشترین استفاده از این تمهید توسط رئیس‌جمهور در جهت کاهش تشریفات تقنینی لوایح و تبدیل سریع لوایح مورد نظر به قانون صورت می‌گیرد. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که از مجموع ۸۰۵ لایحه و طرح تصویب‌شده بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸، ۲۹۴ لایحه (۳۶/۵۲٪) با درخواست اضطراری به کنگره ارائه شده‌اند و ۵۱۱ لایحه (۶۳/۳۴٪) به‌نحو عادی به تصویب رسیده‌اند. چنان‌که قابل پیش‌بینی است، اغلب پیشنهادها تقنینی که با درخواست اضطراری تصویب شده‌اند، از جانب قوه مجریه بوده است؛ به‌این ترتیب که از مجموع ۲۹۴ لایحه، ۲۳۷ لایحه (۸۰/۶۱٪) جزء لوایح قوه مجریه بوده است، درحالی‌که صرفاً ۴۹ طرح (۱۶/۶۶٪) را کنگره و هشت لایحه (۲/۷۲٪) را قوه قضائیه در قالب درخواست اضطراری پیشنهاد داده است.^۱

در مقابل در نظام قانونگذاری ایران، هیچ حق ویژه‌ای برای قوه مجریه در این خصوص تعریف نشده است. بنابراین، قوه مجریه در نبود مسیرهای قانونی برای تسریع در روند تصویب لوایح، سیاست‌های خود را از طریق ترکیبی از تدوین انواع مقررات و در موارد ضروری با ارائه لایحه به مجلس پیگیری می‌کند.

۳-۴. قوت/ضعف کانال‌های ارتباطی قوه مجریه و نهادهای مدنی - تجاری

در بسیاری از موارد، به‌ویژه در موضوعات اقتصادی و اجتماعی، پیشبرد فرایند قانونگذاری مستلزم چانه‌زنی، هماهنگی و توافق با اتحادیه‌های تجاری، کارفرمایان، نهادهای صنفی و نهادهای مدنی فعال است. در کشورهای دارای نظام قانونگذاری لایحه - بنیان، قوه مجریه با برخورداری از کانال‌های متعدد ارتباطی با نهادهای مدنی - تجاری، با سرعت و دقت بیشتری به نسبت نمایندگان پارلمان می‌تواند در چنین تعاملاتی به نتیجه مورد نظر خود دست یابد. در این وضعیت پیشنهاد تقنینی در قالب طرح‌های نمایندگان در سایه ابتکار قانونگذاری در قالب لایحه به حاشیه رانده می‌شود.^۲

1. Ibid.: 15-16.

2. Kurian, 1998.

به لحاظ تاریخی در ایران معاصر، قوای مجریه و قضائیه، نهادهای مدنی و صنفی را طرد یا سرکوب می‌کردند (به‌ویژه زمانی که طرح خواست‌های صنفی در قالب یک اقدام جمعی و اعتراضی صورت می‌گرفت).^۱ در این بستر تاریخی، قوه مقننه به‌عنوان مرکز تجمع نمایندگان مناطق مختلف کشور، تنها مرجع برای طرح خواست‌های صنفی بوده است.^۲ از طرف دیگر، در دوره‌های مختلف پس از انقلاب، قوه مجریه رابطه متعارض با نهادهای مدنی و تجاری داشته است؛ در حالی که یک دولت (به‌عنوان مثال دولت هفتم و هشتم) به برخی نهادهای مدنی و تجاری نزدیک بود، دولت بعد (نهم و دهم)، نسبت به خواست‌های نهادهای مدنی و تجاری بی‌اعتنا بود.^۳ در این سال‌ها، مجلس عموماً تنها نهاد مهم برای طرح خواست‌های مدنی و تجاری بوده است. پس از تشکیل دولت یازدهم، مجدداً ارتباط دولت و نهادهای مدنی و تجاری، به‌نحو روزافزونی تقویت شده است؛ به‌ویژه با توجه به اینکه تحقق یکی از مهمترین شعارها و اهداف دولت یازدهم و اخیراً دوازدهم، بهبود محیط کسب و کار است که قطعاً نیازمند تعامل عمیق‌تر و مؤثرتر با تشکلهای بخش خصوصی است.

در سال‌های اخیر، قوانینی برای حضور پررنگ‌تر نهادها و تشکلهای اقتصادی بخش خصوصی به تصویب رسیده است؛ از جمله تأسیس نهاد «شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی».^۴ طبق مفاد متعدد قانونی (از جمله مواد (۲) و (۳) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار)، دولت موظف است در تدوین و اصلاح مقررات و همچنین «شناسایی قوانین،

۱. رضا شاه، سیاست چندوجهی نسبت به نهادهای مدنی و تجاری داشت به‌طوری‌که در این دوره، نهادهای مدنی مذهبی، طرد و خواست‌های آنها نادیده گرفته می‌شد و در مقابل، خواست‌های برخی نهادهای تجاری نزدیک به تولیدکنندگان داخلی به سیاست‌های دولتی تبدیل می‌شد. برای مطالعه بیشتر در مورد نزدیکی رضا شاه به تولیدکنندگان داخلی، نک: ترابی‌فارسانی، ۱۳۸۰.

۲. به‌خصوص که اولین مجلس مشروطه، مجلسی با نظام سهمیه‌بندی صنفی بود.

۳. برای مطالعه بیشتر در این باره، نک: مطلبی و سرلک، ۱۳۹۴. همچنین برای مطالعه بیشتر در مورد رویکرد دولت نهم و دهم در سیاست‌گذاری، نک: حیدری، ۱۳۹۵.

۴. در ماده (۷۵) «قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه...» (مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵)، سپس در ماده (۱۱) «قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار» (مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶) و اصلاحیه اخیر آن در بند «الف» ماده (۱۲) «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» (مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰).

مقررات و بخشنامه‌های محل تولید و سرمایه‌گذاری^۱ از نظرات تشکل‌های بخش خصوصی استفاده کند و در واقع آنها را به مشارکت دعوت کرده و نظر آنها را در مقرراتگذاری اعمال کند. این محیط قانونی، بستری مناسب برای تعامل بیشتر دولت و نهادهای بخش خصوصی مهیا می‌کند و کانال‌های ارتباطی قوه مجریه و بخش خصوصی به‌نحو فزاینده‌ای تقویت خواهد شد.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه قوای مجریه در کشورهای توسعه‌یافته، تأثیر بسیاری در فرایند تقنین قوانین دارند؛ چنان‌که در مقابل، قوای مقننه نیز در امور اجرایی به انحاء مختلف مداخله می‌کنند. این نحوه تعامل، ناشی از پیچیدگی‌های امور تقنینی و اجرایی است که باعث شده به لحاظ نظری، توسل به نظریه تفکیک قوای کلاسیک و ظایف قوای مقننه و مجریه برای تحلیل و تبیین روابط قوا، کارایی و دقت کافی را نداشته باشد. دسترسی قوه مجریه به اطلاعات و همچنین برخورداری از ابزارهای به‌روزرسانی و پردازش اطلاعات، یکی از عواملی است که برای قوه مجریه امتیازات قابل توجهی را در تعامل با قوه مقننه به ارمغان می‌آورد. دستگاه دیوان‌سالاری قوه مجریه و برخورداری از دیوان‌سالاری متخصص، در مقایسه با اتکای کم‌حجم قوه مقننه و امکانات محدود آن، از جمله دلایل این جایگاه مسلط قوه مجریه است (مزی، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

بر این اساس، از یکسو اصولاً باید ابتکار قانونگذاری با قوه مجریه باشد، و از سوی دیگر چنان‌که گفته شد، در عمل در نظام‌های سیاسی چنین است (قاعده ۹۰ درصد). امور مقدماتی تقنین، یعنی تهیه پیش‌نویس لایحه، نیازمند الزامات و ضرورت‌هایی است که قوه مجریه با برخورداری از دستگاه دیوان‌سالاری و متخصصان سیاستگذاری، به انجام آن الزامات و ضرورت‌ها قادر است؛ از جمله رویه‌های «ارزیابی تأثیرات قانون»^۲ در مراحل پیشینی و پسینی. قطعاً در انجام رویه‌های گفته‌شده، منابع و بانک‌های اطلاعاتی در دسترس و قابل اتکا، از مهمترین عوامل محسوب می‌شوند.

۱. موضوع بند «ب» ماده (۱۲) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور.

باین حال در نظام قانونگذاری ایران، قانونگذاران علاقه وافری به تقنین از طریق ارائه طرح نشان داده‌اند. نگاهی به آمار نسبت طرح‌ها و لوایح در ۹ دوره تقنینی، شاهدی بر این مدعاست. روند افزایش مداوم ابتکار قانونگذاری توسط قوه مقننه از مجلس هفتم تا نهم، نشانگر تضعیف اصول قانونگذاری خوب در ایران است. این وضعیت، دلایل و توجیحات متعددی دارد که هریک از آنها می‌تواند موضوع تحقیقی جداگانه باشد؛ از جمله تعلل دولت در انجام برخی از تکالیف قانونی و برخی عملکردهای مغایر با قانون دولت به‌زعم مجلس. فارغ از دلایل تضعیف مستمر اصول قانونگذاری خوب در ایران، تداوم این روند آثار سوئی برای نظام قانونگذاری ایران خواهد داشت. افزودن به حجم قوانین با ارائه حجم کثیری از طرح‌ها، نه تنها کمکی به اجبار دولت به انجام وظایف خود در چارچوب قانون نخواهد کرد، بلکه نظام حقوقی را بیش از پیش با معضل تورم قوانینی که همچنان تدوین و تنقیح نشده‌اند، مواجه خواهد ساخت. از این‌رو، ضروری است در ابتکار قانونگذاری، اصل بر ارائه لوایح از سوی دولت باشد، و صرفاً در موارد خاص از طریق ارائه طرح به تقنین اقدام شود. برای تحقق هدف پیش گفته می‌توان با سه اقدام زیر، در مسیر گذار از نظام قانونگذاری طرح - بنیان به نظام قانونگذاری لایحه - بنیان اقدام کرد: ۱. استفاده از ظرفیت آیین‌نامه داخلی مجلس برای حداقلی کردن ارائه طرح‌ها و افزایش کیفیت لوایح؛ ۲. اصلاح نظام حزبی و ۳. نهادینه کردن کانال‌های ارتباطی قوه مجریه و نهادهای مدنی - تجاری.

بنابراین می‌توان گفت:

۱. هرگونه محدودیت برای نمایندگان مجلس در ارائه طرح، مغایر با قانون اساسی خواهد بود و علاوه بر این، با مقاومت نمایندگان مواجه خواهد شد. بدین ترتیب، پرهیز از ارائه طرح توسط نمایندگان، باید عمده‌تأ به‌موجب سازوکاری خود - محدودیتی یا خود - تنظیمی صورت گیرد. این ایده باید به ایده‌ای فراگیر و پذیرفته‌شده تبدیل شود که ابتکار تقنینی از طریق طرح، جز در مواردی استثنایی، فرایندی غیراصولی است و در مقابل، اعمال سازوکارهای تعامل با دولت برای ارائه لوایحی که حاوی مطالبات نمایندگان است، فرایندی اصولی تلقی می‌شود. فرایند مطرح‌شده، فرایندی بلندمدت و تدریجی، و به عبارت دقیق، نیازمند تحول در «فرهنگ نمایندگی» است. اما آنچه می‌توان با استفاده از ظرفیت آیین‌نامه

داخلی مجلس از حیث قانونی پیشنهاد کرد، پیشنهادهایی است که اعتماد نمایندگان مجلس و باور آنها به ضرورت ابتکار قانونگذاری از طریق لایحه را تقویت می‌کند. توضیح بیشتر اینکه اگر قرار باشد ابتکار قانونگذاری اصولاً از طریق لایحه صورت گیرد و نمایندگان نیز به این خود - محدودیتی، به معنای پرهیز از ارائه طرح‌های قانونی تا حد امکان، احترام بگذارند، بی‌تردید باید از کیفیت لوایح ارائه شده اطمینان داشته باشند. متأسفانه در آیین‌نامه داخلی مجلس صرفاً به این قید که «دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد [لایحه] در مقدمه لایحه به وضوح درج شود» اکتفا شده است (ماده (۱۳۵) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی). این در حالی است که لوایح ارائه شده دولت، فاقد ویژگی‌های یک لایحه مطلوب و اصولی هستند؛ ویژگی‌هایی از جمله ضمیمه توجیهی حاوی ارزیابی تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و ... مفاد پیشنهادی و گزارشی از اجرای قوانین و مقررات مرتبط. گرچه پیش‌تر در دولت برای تهیه شیوه‌نامه تدوین پیش‌نویس لوایح تلاش‌های پژوهشی صورت گرفته است،^۱ اما این تلاش‌ها در قالب دستورالعمل‌ها یا آیین‌نامه‌هایی لازم‌الاجرا برای نهادهای تهیه‌کننده پیش‌نویس لوایح در دولت تدوین و طبعاً لازم‌الاجرا نشده است.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود قانون آیین‌نامه داخلی مجلس با همکاری نهادهای پژوهشی دولت با محورهایی به این شرح اصلاح و تکمیل شود: نخست، الزام دولت به ضمیمه مقدمه توجیهی در هر لایحه مشتمل بر ارزیابی تأثیرات هر قانون حسب مورد؛ دوم، الزام دولت به تدوین شیوه‌نامه‌ای لازم‌الاجرا حاوی اصول شکلی تدوین هر لایحه، اعم از نکات نگارشی، ساختاری و ماهوی.

۲. موریس دوورژه بر این باور است که نظام دوحزبی، طبیعی‌ترین نظام حزبی ممکن است و می‌تواند بیانگر واقعیت‌های موجود در جامعه باشد، چرا که در صحنه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تنها دو گرایش متضاد در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند. ایستون نیز بر این باور است که خواسته‌های پراکنده و متفرق را باید در قالب خواسته‌های کلی‌تر تقلیل داد تا نظام سیاسی، با «بار اضافی» مواجه نشود و توان رسیدگی به آنها را داشته باشد (ایوبی، ۱۳۸۲: ۱۷۰ و ۲۵۵). اصلاح نظام انتخاباتی، قانون انتخابات و

۱. برای نمونه، نک: معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی، ۱۳۹۰.

قانون احزاب، مهمترین ابزارها برای تشکیل دو یا سه حزب بزرگ در کشور محسوب می‌شوند. اصلاح این ابزارها، اصلی‌ترین اقدام در این مسیر خواهد بود. تقویت پشتوانه‌های قانونی نظام حزبی در کشور می‌تواند به ظهور احزاب بزرگ منجر شود. برقراری نظام سهمیه‌بندی کرسی‌های مجلس نیز می‌تواند انگیزه لازم برای مذاکرات بین‌حزبی در مجلس را فراهم و به شکل‌گیری سازوکارهای همکاری میان احزاب منجر شود. این رویه‌ها، مسیری را شکل می‌دهند که می‌تواند باعث مشارکت مؤثرتر قوه مجریه متکی به حزب در قانونگذاری از طریق لایحه شود.

۳. به رسمیت شناختن شکل‌های صنفی و کمک به فعالیت قانونی آنها، یکی از مؤثرترین شیوه‌های تقویت نهادهای مدنی است. همان‌طور که تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد، در بسیاری از موارد، به‌ویژه در موضوعات اقتصادی، پیشبرد فرایند قانونگذاری مستلزم چانه‌زنی، هماهنگی و توافق با اتحادیه‌های تجاری، کارفرمایان و نهادهای صنفی فعال است. همان‌طور که اشاره شد، در کشورهای دارای نظام قانونگذاری لایحه - بنیان، قوه مجریه با برخورداری از کانال‌های متعدد ارتباطی با نهادهای مدنی - تجاری، با سهولت، سرعت و دقت بیشتری به نسبت نمایندگان پارلمان می‌تواند در چنین تعاملاتی به نتیجه مورد نظر خود دست یابد. به مشارکت طلبیدن جدی و مؤثر نهادهای بخش خصوصی (به‌ویژه اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی) و همچنین تقویت و حضور مؤثر در نهادهایی که اخیراً به موجب قانون تأسیس شده‌اند (به‌ویژه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی) می‌تواند اقداماتی مؤثر برای شکل دادن به کانال‌های نهادینه شده ارتباط میان قوه مجریه و نهادهای تجاری - مدنی باشد.^۱

۱. بسیاری از دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته، دارای چنین سازوکارهای ارتباطی هستند. برای مثال در سنگاپور، قوه مجریه برای طراحی استراتژی‌های توسعه صنعتی این کشور، اغلب از مدیران ارشد شرکت‌های بزرگ صادراتی و رؤسای اصناف تولیدکنندگان سنگاپور دعوت می‌کند تا با برگزاری سلسله‌ای از جلسات منظم و برنامه‌ریزی شده، نظرانشان را در مورد سیاست‌های پیشنهادی دولت به صورت مکتوب اعلام کنند. قوه مجریه موظف است تا آن دسته از سیاست‌های دولتی که در مورد آن اجماع نظر وجود دارد را به‌عنوان سیاست‌های قطعی تلقی کرده و درخصوص آن‌دسته از سیاست‌های پیشنهادی که در مورد آنها میان قوه مجریه و اصناف مختلف اختلاف نظر است، طی جلسات متعدد میان دولت و اصناف، به اجماع نظر دست یابد (Yeung, 2005: 91-92).

در آخر باید بر این نکته تأکید کرد که بر مبنای اصول حقوق عمومی، هر اختیار یا صلاحیتی توأم با مسئولیت است (اصل تناسب مسئولیت‌ها با اختیارات). در این بحث، بی‌تردید، اختیار و شایستگی قوه مجریه برای ابتکار قانونگذاری، توأم با مسئولیت قوه مذکور در خصوص ایفای مناسب و قابل قبول کارکرد گفته شده است. طبعاً چنان‌که قوه مجریه از رعایت اصول قانونی در ارائه لایحه قصور کند، در مقابل پارلمان مسئول بوده و باید پاسخگو باشد. این مسئولیت می‌تواند به‌ویژه ابعادی فراتر از صرف مسئولیت حقوقی، به‌ویژه مسئولیت سیاسی باشد. برای نمونه، نمایندگان می‌توانند با تبیین دلایل خودداری دولت از ارائه یک لایحه خاص یا حتی تأخیر از ارائه یک لایحه خاص در صحن علنی و انعکاس مطالب مطرح‌شده در رسانه‌ها، دولت را برای طی کردن مسیر قانونی با فشار افکار عمومی مواجه سازند.

بدین ترتیب، گرچه تأکید بر صلاحیت و ضرورت نقش اصلی قوه مجریه در ابتکار قانون، ممکن است باعث گسترش صلاحیت‌های قوه مجریه شود، اما مسئولیت و پاسخگویی قوه مجریه را نیز به‌دنبال خواهد داشت. همچنین، ضرورت دارد اعضای قوه مقننه همواره در ارائه طرح، با حزم و احتیاط عمل کنند؛ چرا که ممکن است با ارائه طرح تقنینی، بار مسئولیت دولت را در انجام وظایف اجرایی خود - که اصولاً باید از طریق ارائه لایحه انجام می‌شده است - بر عهده بگیرند.

منابع و مأخذ

۱. اولسون، دیوید ام. (۱۳۸۲). *نهادهای مردم‌سالار قانونگذاری: دیدگاهی مقایسه‌ای*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲. اولسون، دیوید ام. و فیلیپ نورتون (۱۳۹۰). «قوه مقنن در گذار دمکراتیک»، در *گفتارهایی در قانون و قانونگذاری*، تألیف و ترجمه حسن و کیلیان، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۲). *پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، تهران، انتشارات سروش*.
۴. پارکر، دیوید و کالین کرکپاتریک (۱۳۸۸). «ارزیابی مقرراتگذاری در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه مسعود فریادی، *اطلاعرسانی حقوقی*، سال ششم، ش ۱۷ و ۱۸.
۵. ترابی‌فارسانی، سهیلا (۱۳۸۰). «خواست‌های تجار و پاسخ دولت پهلوی به آن»، *گنجینه اسناد*، ش ۴۱ و ۴۲.
۶. حسینی، سیدمحمدرضا، محسن فاتحی‌زاده و ایمان تهرانی (۱۳۹۱). «اصل (۷۵) قانون اساسی و اختیارات قوه مقننه در بودجه‌ریزی»، *مجلس و راهبرد*، سال نوزدهم، ش ۷۰.
۷. حیدری، علی‌رضا (۱۳۹۵). «دولت و سیاستگذاری سرمایه انسانی در ایران (۱۳۸۴-۱۳۹۲)»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۶، ش ۴.
۸. ساعی، علی (۱۳۸۶). *دمکراتیزاسیون در ایران*، تهران، انتشارات آگاہ.
۹. شهبازی غیاثی، موسی (۱۳۹۵). «اظهارنظر کارشناسی درباره طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران ۱. کلیات طرح»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۱۸۶.
۱۰. طاهری، آزاده‌السادات، فائزه عامری و احمد مرکز‌المیری (۱۳۸۸). «ابتکار قانونگذاری؛ بررسی آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در خصوص چگونگی ارائه طرح‌ها و لوایح قانونی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۹۸۴۰.
۱۱. عبدالله‌زاده شهربابکی، آزاده (۱۳۹۵). «قانونگذاری خوب در رویه قضایی: نگاهی به آرای دیوان عالی آمریکا»، *قانون اساسی فرانسه و دادگاه‌های اروپایی*، *مجلس و راهبرد*، سال بیست‌وسوم، ش ۸۸.
۱۲. مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۵). *فهرست موضوعی دستور جلسات مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، ۷ خرداد ۱۳۵۹ تا ۶ خرداد ۱۳۶۴*، تهران، اداره کل فرهنگی و روابط عمومی.
۱۳. _____ (۱۳۶۹). *فهرست موضوعی مندرجات مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، ۷ خرداد ۱۳۶۳ تا ۶ خرداد ۱۳۶۷*، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی.
۱۴. _____ (۱۳۷۴). *فهرست موضوعی مندرجات مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره*

- سوم، ۷ خرداد ۱۳۶۷ تا ۶ خرداد ۱۳۷۱، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی.
۱۵. _____ (۱۳۷۷). فهرست موضوعی مندرجات مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره چهارم، ۷ خرداد ۱۳۷۱ تا ۶ خرداد ۱۳۷۵، تهران، اداره کل فرهنگی و روابط عمومی.
۱۶. _____ (۱۳۷۹). فهرست موضوعی مندرجات مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره پنجم، ۷ خرداد ۱۳۷۵ تا ۶ خرداد ۱۳۷۹، تهران، اداره کل فرهنگی و روابط عمومی.
۱۷. _____ (۱۳۸۴). فهرست موضوعی مندرجات مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ششم، ۷ خرداد ۱۳۷۹ تا ۶ خرداد ۱۳۸۳، تهران، اداره کل فرهنگی و روابط عمومی.
۱۸. _____ (۱۳۸۷). فهرست موضوعی مندرجات مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، ۷ خرداد ۱۳۸۳ تا ۶ خرداد ۱۳۸۷، تهران، اداره کل فرهنگی و روابط عمومی.
۱۹. معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی (۱۳۹۰). *شیوه‌نامه تدوین پیش‌نویس لوایح*، تهران، معاونت حقوقی ریاست جمهوری.
۲۰. مرکز‌المیری، احمد و مهدی مهدی‌زاده (۱۳۹۴). «قانونگذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران»، پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، ش ۴۷.
۲۱. مزی، مایکل (۱۳۹۰). «روابط قوه مقننه و مجریه»، گفتارهایی در قانون و قانونگذاری، تألیف و ترجمه حسن و کیلیان، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۲. مطلبی، مسعود و کتابیون سرلک (۱۳۹۴). «طبقات اجتماعی و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، ش ۲۹.
۲۳. والدرون، جرمی (۱۳۸۸). «اصول قانونگذاری»، ترجمه حسن و کیلیان، حقوق اساسی، سال ششم، ش ۱۲.
۲۴. وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (سامانه قوانین)، <http://rc.majlis.ir/fa/law/search>.
۲۵. و کیلیان، حسن (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی قدرت سیاستگذاری قوای تقنینی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها»، راهبرد، سال بیست‌ویکم، ش ۳۶.
۲۶. و کیلیان، حسن و احمد مرکز‌المیری (۱۳۹۵). «فلسفه قانونگذاری: در تکاپوی ارتقای کیفیت قانون»، پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، ش ۵۱.
27. Bichard, Michael (2010). "Good Government: Reforming Parliament and the Executive", *Better Government Initiative*, the Executive Committee, London.
28. Cook, Matthew William (2015). "Understanding the Cost of Enacting Legislation: Legislative Efficiency and the Impact of Session Length", *Thesis*, Georgetown University, Washington, D.C.
29. Curtin, Deidre M. (2009). *Accumulated Executive Power in Europe*, Amsterdam: KNAW Press.

30. Damgaard, Erik and Henrik Jensen (2006). "Assessing Strength and Weakness in Legislatures: The Case of Denmark", *The Journal of Legislative Studies*, Vol.12, No.3-4, September-December.
31. House of Commons (2013). "Ensuring Standards in the Quality of Legislation", *Political and Constitutional Reform Committee*, London.
32. http://www.kas.de/wf/doc/kas_16150-1442-2-30.pdf?150623062230.
33. Kasemets, Aare (2001). "Impact Assessment of Legislation for Parliament and Civil Society: A Comparative Study", in Aare Kasemets (ed.), *Legal and Regulatory Impact Assessment of Legislation*, European Centre for Parliamentary Research and Documentation, Proceedings of ECPRD Seminar, Tallinn.
34. Kurian, George Thomas (1998). *World Encyclopedia of Parliaments and Legislatures*, Vol. 1, London, Fitzroy Publishers.
35. Legislation Advisory Committee (2014). "Legislation Advisory Committee Guidelines: Guidelines on Process and Content of Legislation", Available online at: <http://www.lac.org.nz/guidelines>.
36. National Assembly (France). Available online at: http://www2.assemblee-nationale.fr/langues/welcome-to-the-english-website-of-the-french-national-assembly#node_9511.
37. Olson, David M. and Philip Norton (2007). "Post-Communist and Post-Soviet Parliaments", *The Journal of Legislative Studies*, Vol. 13, No. 1.
38. Parliament of Australia, House of Representatives Statistics, Available online at: http://www.aph.gov.au/Parliamentary_Business/Statistics/House_of_Representatives_Statistics.
39. Parliament of Canada, House of Common, Available online at: <http://www.ourcommons.ca/en>.
40. Parliament of the Commonwealth of Australia (1998). "Australia", in George Thomas Kurian (ed.), *World Encyclopedia of Parliaments and Legislatures*, Vol. 1, London: Fitzroy Publishers.
41. Pereira, Carlos and Bernardo Mueller (2004). "A Theory of Executive Dominance of Congressional Politics: The Committee System in the Brazilian Chamber of Deputies", *The Journal of Legislative Studies*, Vol. 10, Issue 1.
42. Pleps, Jānis (2012). "The Principle of Good Legislation", In *The Quality of Legal Acts and its Importance in Contemporary Legal Space*, International Scientific Conference, Riga: University of Latvia Press.
43. Saalfeld, Thomas (1998). "Germany", in George Thomas Kurian (ed.), *World Encyclopedia of Parliaments and Legislatures*, Vol. 1, London, Fitzroy Publishers.
44. Steven Fish M. and Matthew Kroenig (2009). *The Handbook of National Legislatures: A Global Survey*, Cambridge: Cambridge University Press.
45. Yeung, Henry Wai-Chung (2005). "Institutional Capacity and Singapore's Developmental State: Managing Economic (in) Security in the Global Economy" in Helen E.S. Nesadurai, *Globalisation and Economic Security in East Asia: Governance and Institutions*, London, Routledge.

شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران: ارائه

مدل ساختاری - تفسیری

هدایت درویشی،* مجید اکبری** و تینا احترامی***

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۷/۱۵	تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۱۱/۲۱
------------------------	------------------------

نوشتر حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق را خبرگان و کارشناسان سازمان برنامه و بودجه کشور شامل می‌شوند. در این راستا، با توجه به اهداف پژوهش، ابزار جمع‌آوری، نوع داده‌ها و روش شناسایی پژوهش و همچنین پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، مستلزم شناسایی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران از یکسو و از سوی دیگر، بهره‌گیری از متدولوژی تحلیلی مدل‌سازی ساختاری تفسیری به منظور تعیین و تحلیل روابط بین عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران است که در نهایت نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها خوشه‌بندی شده است. نتایج به دست آمده بیانگر این است که عامل فقدان جایگاه ملون و مشخص قانونی برای سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای با میزان قدرت نفوذ ۹ بیشترین تأثیر و مانند سنگ زیربنای مدل عمل می‌کند و برای شروع و اصلاح ساختار نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در کشورمان باید در وهله اول روی آن تأکید کرد. فقدان رویکرد نظری مشخص در سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای با میزان قدرت نفوذ ۴ کمترین تأثیر را دارد. این متغیر قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی دارد.

کلیدواژه‌ها: توسعه منطقه‌ای؛ سیاستگذاری؛ مدل‌سازی ساختاری - تفسیری؛ کشور ایران

* دانشجوی دکتری جغرافیا و آمایش سرزمین، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)؛

Email: hedayat_4@yahoo.com

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده تحصیلات تکمیلی، پیام نور تهران؛

Email: akbari.majid191@gmail.com

*** کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛

Email: tinaachterami@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره نودوشش، زمستان ۱۳۹۷

مقدمه و بیان مسئله

ایران سرزمینی وسیع است که تنوع و تکثر وجه غالب آن را تشکیل می‌دهد. چنین تنوع و تکثری هم از ابعاد طبیعی و اکولوژیکی نمایان است و هم از ابعاد اجتماعی، فرهنگی، قومی و پیشینه تاریخی. در این راستا، دستیابی به اهداف کلان توسعه ملی، بدون توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای و سیاستگذاری مناسب امری تقریباً غیرممکن است و موجب غیراجرایی و غیرعملیاتی شدن راهبردهای کلان توسعه ملی می‌شود (مهندسین مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۹۴: ۱۴). افزون بر این، فراورده برنامه‌ریزی و سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای فقط توصیف ساختار کلی فضایی مناطق نیست بلکه بازتاب و تجلی فضایی ویژگی‌های محیطی، فضا، فرهنگ و مناسبات منحصر به فرد و تنوع این ساختارها را دربر می‌گیرد.

در این راستا، به کارگیری ظرفیت‌ها و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت مناطق کشور (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغیه رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲: ۲) و ضرورت توجه به همه ظرفیت‌ها و ابعاد به صورت نظام‌وار یکی از اهداف و ضرورت‌های توجه اسناد توسعه ملی و استانی است. در این بین، با توجه به تأکیدات اسناد توسعه‌ای^۱ مبنی بر رویکرد توازن منطقه‌ای،^۲ رشد اقتصادی مناطق و تغییر و تحولات مکانی - فضایی^۳ این گستره جغرافیایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی از اهم اولویت‌ها و اقدام‌هایی است که باید مورد توجه سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای قرار گیرد، که در حال حاضر با توجه به بررسی جامع و به هم پیوسته دو مقوله توسعه فضایی و اقتصاد در سیاستگذاری منطقه‌ای و مغفول ماندن این مقولات در برنامه‌ریزی غیرمتمرکز منطقه‌ای، بایستی در سیاستگذاری مطلوب فضایی مورد نظر قرار گیرد.^۴ در این بین، زمینه‌سازی جهت ایجاد تحولات مکانی -

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: اسناد توسعه ملی و استانی نظیر سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی آمایش سرزمین، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، برنامه‌های توسعه کشور، نظریه پایه توسعه استان، چشم‌انداز توسعه مناطق ۹ گانه آمایش سرزمین، مطالعات طرح آمایش استان و ...

۲. در حال حاضر با توجه به اهمیت و الزام برنامه ششم توسعه کشور مبنی بر به کارگیری رویکرد آمایش سرزمین در فرایند و فراورده برنامه و اسناد آن، توازن منطقه‌ای به عنوان یکی از موضوعات مهم و کلیدی در این برنامه است. برای اطلاع بیشتر نک.: برنامه پنج‌ساله ششم توسعه کشور.

3. Spatial Change

4. Zhenshan Yang, Pu, Jianming Cai Hao: 2014

فضایی (سعیدی، ۱۳۸۹: ۲۱)، منوط به عینیت یافتن الزامات و زمینه‌های سیاستگذاری مناسب برای بهره‌برداری بهینه از قابلیت‌های سرزمینی است، از این رو بایستی خاطر نشان ساخت که فرآورده سیاستگذاری مناسب نیازمند به فرایندی مشارکتی و مبتنی بر اصول حکمروایی شایسته^۱ منطقه‌ای است که این فرایند و فرآورده نیز نیازمند طراحی و به کارگیری الگوی توسعه‌ای مبتنی بر اصول توسعه پایدار منطقه‌ای، جهت اثرگذاری بر ساختار و سازمان فضایی مناطق است تا بتواند زمینه عینی و عملی توسعه و توازن منطقه‌ای را به همراه داشته باشد.

در این راستا توجه به تنوع محیطی و اکولوژیکی کشور، تنوع قومی و پیشینه تاریخی، نظام سیاستگذاری متمرکز، وجود سازمان‌ها و متولیان متعدد برنامه‌ریزی و اجرایی متفاوت در قلمرو سرزمینی از ملاحظات مهمی است که باید در طراحی الگو مدنظر قرار گیرد.

افزون بر این، آنچه در این بین بایستی مورد واکاوی قرار گیرد، شناسایی و میزان اثرگذاری عوامل نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران است که می‌توان آن را رخدادی نامطلوب در گستره جغرافیای مناطق ایران قلمداد کرد در این بین، این رخداد می‌تواند معلول عوامل متعدد در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی فضایی باشد که پیامدهای نامطلوبی در سطوح و مقیاس گوناگون ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و نقطه‌ای داشته باشد.

شواهد و یافته‌های پیشینه پژوهش حاکی از آن است که نظام سیاستگذاری و اداره امور در ایران به شدت متمرکز و یک شکل بوده و در آن نقش اندکی برای توانایی‌ها و ظرفیت‌های خوداداره‌کنندگی مناطق مختلف کشور در نظر گرفته شده است. بر همین منوال، فقدان جایگاه مدون و مشخص قانونی، فقدان رویکرد نظری مشخص، تعریف نادرست منطقه، نبود نهاد یا سازوکار نهادی مشخص، افق زمانی نامناسب سیاستگذاری‌ها، تسلط ساختار بخشی، عدم پیوستگی نظام سیاستگذاری‌ها و راهکارهای اجرایی سطوح ملی و منطقه‌ای، عدم تفکیک وظایف نهادهای سیاستگذار، وجود قوانین مختلف اثرگذار در سیاستگذاری منطقه‌ای و ... از جمله عوامل نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای به شمار می‌رود.

بدین سان، تاکنون در زمینه ارائه الگویی که عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای را مورد بررسی قرار دهد و برآمده از شرایط زمینه‌ای و جغرافیایی باشد طراحی نشده است. در این راستا تدوین الگویی جهت توسعه پایدار منطقه‌ای مبتنی بر روش‌شناسی مشخص، بهره‌مندی از مبانی نظری متناسب با شرایط ایران و با اتکا به قابلیت‌های سرزمینی و قابلیت عملیاتی در مناطق ایران ضروری است. از این رو انتظار می‌رود این الگو دارای اصول، چارچوب و فرایند مشخص به منظور عملیاتی کردن آن در ایران باشد لذا با توجه به اینکه تاکنون الگوی مبتنی بر ویژگی‌های فوق وجود ندارد ضرورت ارائه چنین الگویی اجتناب‌ناپذیر است.

بر همین اساس هدف اصلی از این نوشتار مدل‌یابی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری است که با استفاده از متدولوژی تحلیلی نوین با عنوان مدل‌سازی ساختاری تفسیری روابط بین عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران را تعیین و به صورت یکپارچه مورد تحلیل قرار خواهد داد. خروجی این تحقیق موجب می‌شود محققان و سیاستگذاران توسعه ملی تصویری روشن و کمی از بخش توسعه منطقه‌ای در ایران داشته باشند و با شناسایی عوامل و اولویت‌بندی آنها، می‌توان براساس واقعیت موجود و نه براساس ایدئال‌ها و نگاه آرمانی، روش‌هایی برای بهبود وضعیت و بین استان‌های کشور و کاهش نابرابری و عدم تعادل ارائه کرد، از این رو در نهایت این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

۱. عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران کدامند؟
۲. خوشه‌بندی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران چگونه است؟

۱. مبانی مفهومی و اندیشه‌ای پژوهش

واژه Policy که در زبان فارسی به معنای سیاست یا خط‌مشی به کار می‌رود، وقتی در کنار واژه Public به معنای عمومی قرار می‌گیرد، شاخه‌ای از دانش را با عنوان علم دولت در عمل تشکیل می‌دهد که برخی آن را زیرمجموعه علم سیاست و برخی نیز علمی مستقل

قلمداد می‌کنند. سیاستگذاری‌های عمومی در واقع تجلی اداره حکومت در عمل است. بنابراین وجود یک فرایند یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تصمیمات دولتی که با هدف حل یک مسئله عمومی طراحی شده‌اند، سیاستگذاری عمومی نامیده می‌شود (کاظمیان، ۱۳۹۴: ۱۷). جنکینز سیاستگذاری و یا خط‌مشی‌گذاری عمومی را فرایند اتخاذ مجموعه تصمیمات متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی در مورد انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آنها در شرایط مختلف می‌داند به شرط آنکه این تصمیمات به صورت قانونی در چارچوب اختیارات بازیگران باشد و در حوزه منابع و امکانات عمومی تعریف شود. وی سیاست را مجموعه‌ای از تصمیمات برای برطرف کردن مشکل یا دستیابی به هدفی متناظر تعریف می‌کند (همان: ۲۱). در خصوص توسعه منطقه‌ای، مقصود از سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای شکلی از فعالیت‌هاست که در راستای انتظام، کنترل و مدیریت نیروهایی است که توسعه منطقه‌ای را شکل می‌دهد (همان: ۳۱)، تلاش می‌کند و به تخصیص و توزیع منابع و امکانات بخش عمومی در سطح مناطق می‌پردازد حال آنکه برنامه‌ریزی منطقه‌ای کاملاً متفاوت بوده و تصمیمات در سطح منطقه اغلب با نگرش فضایی گرفته شده و اقداماتی در تمام یا قسمتی از منطقه صورت می‌گیرد. سیاستگذاری منطقه‌ای کمتر به نیازهای ویژه هر منطقه و مسائل اجتماعی متفاوت آنها پرداخته و عمدتاً چارچوب‌های کلان ملی (و به ندرت منطقه‌ای) را در نظر دارد در حالی که برنامه‌ریزی منطقه‌ای متوجه ویژگی‌های منطقه و حداکثر اتکا به منابع خود به جای منابع ملی است. سیاستگذاری منطقه‌ای توانایی بیشتری برای تعادل‌های بین منطقه‌ای داشته و برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای تعادل‌های درون منطقه‌ای مناسب‌تر است (صرافی، ۱۳۷۷: ۴۲). با این نگاه، سیاستگذاری منطقه‌ای عمدتاً در پی تعریف و تعیین چارچوب‌ها و مسیرهای مشخص توسعه منطقه‌ای است در حالی که برنامه‌ریزی منطقه‌ای عمدتاً در پی به کار بردن روش‌های خاص برنامه‌ریزی برای استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های یک منطقه (و یا چند منطقه با هم) است. بنابراین در سیاستگذاری منطقه‌ای الزاماً مناطق در چارچوب توسعه ملی دیده می‌شوند در حالی که در برنامه‌ریزی منطقه‌ای یک منطقه به خودی خود می‌تواند مورد توجه قرار گرفته و برای آن برنامه‌های توسعه تعریف کرد.

بنابراین از این دیدگاه، سیاستگذاری منطقه‌ای مقدم بر برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. همچنین باید اشاره کرد که مقصود از نظام سیاستگذاری و یا برنامه‌ریزی عبارت است از ترتیبات تهیه، تصویب و اجرای سیاست‌ها یا برنامه‌ها و نظارت بر آنها (هادی‌زنوز، ۱۳۸۹: ۵۶). بنابراین براساس تفاسیر فوق از نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای، می‌توان گفت که ترتیبات و سازوکار سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای الزاماً می‌بایست در سطح ملی تعریف شود؛ هرچند این ترتیبات و سازوکارها می‌تواند به سطح مناطق نیز تسری یابد درحالی که ترتیبات و سازوکار برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌تواند به صورت ویژه در سطح یک منطقه وجود داشته باشد. با این تفسیر در ادامه نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران بررسی و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. توسعه منطقه‌ای موضوعی با مسائل متنوع و پیچیده بوده و همین پیچیدگی باعث پیدایش و طرح نظریه‌ها، رویکردها و مدل‌های مختلفی در این زمینه شده است. باید اشاره کرد که توسعه محلی و منطقه‌ای با دو مفهوم کلان یعنی توسعه (به‌عنوان مفهومی فلسفی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) از یک طرف و منطقه (مفهومی جغرافیایی / فضایی) از طرف دیگر سروکار دارد و بنابراین دستیابی به توسعه منطقه‌ای متعادل مستلزم وجود پایه، بنیان و رویکرد نظری قوی است که امکان دستیابی به درک و بینشی جامع و درعین حال روشن از هر دو مفهوم را فراهم سازد؛ موضوعی که از بررسی روند تحولات نظریات، رویکردها و مدل‌های توسعه محلی و منطقه‌ای آشکار است اینکه عمده این رویکردها نتوانسته‌اند چنین بینش جامع و روشنی را ارائه دهند (مهندسین مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۹۴: ۳۵). بدین سان در راستای دستیابی به هدف فوق براساس مرور ادبیات نظری توسعه منطقه‌ای این رویکردها و نظریه‌ها در قالب دو گروه به صورت زیر دسته‌بندی شده‌اند که در ادامه به تفکیک به تشریح هر یک پرداخته خواهد شد (همان: ۳۱).

- رویکردهای توسعه منطقه‌ای برحسب رویه‌های سیاستی و اجرایی،

- نظریه‌های توسعه منطقه‌ای برحسب ابعاد محتوایی و روند تکامل زمانی.

جدول ۱. گونه‌بندی رویکردهای توسعه منطقه‌ای بر حسب رویه‌های سیاستی و اجرایی

از پایین به بالا	از بالا به پایین	رویکرد مقوله‌های قیاس
<p>تصمیم‌گیری در سطح ملی و - تصمیم‌گیری برای توسعه منطقه‌ای از طریق ابتکارات محلی و با مشارکت عوامل و نهادهای رسمی و غیررسمی منطقه،</p> <p>تصمیم‌گیری یک سطحی در سطح ملی و تک‌عاملی (معمولاً توسط نهادهای رسمی دولتی و حکومتی). - تصمیم‌گیری چندسطحی (محلی، منطقه‌ای و ملی) و چندعاملی (عوامل دولتی، خصوصی، مردمی و رسمی و غیررسمی).</p>	<p>تصمیم‌گیری در سطح ملی و توسط مراکز ملی در مورد اقدامات توسعه‌ای در منطقه،</p> <p>تصمیم‌گیری یک سطحی در سطح ملی و تک‌عاملی (معمولاً توسط نهادهای رسمی دولتی و حکومتی).</p>	<p>تصمیم‌گیری برای توسعه منطقه‌ای</p>
<p>مدیریت به صورت غیرمتمرکز و یکپارچه و متمرکز و متفرق و از طریق مراکز ملی و نهادهای سازمان‌ها و مراکز ملی در سطح منطقه،</p> <p>مدیریت توسعه منطقه‌ای به صورت متمرکز و متفرق و از طریق مراکز ملی و نهادهای سازمان‌ها و مراکز ملی در سطح منطقه،</p> <p>همکاری، همگامی و هماهنگی عمودی و افقی بین لایه‌های مختلف حکومت و بین بخش‌های عمومی و خصوصی.</p>	<p>مدیریت توسعه منطقه‌ای به صورت متمرکز و متفرق و از طریق مراکز ملی و نهادهای سازمان‌ها و مراکز ملی در سطح منطقه،</p> <p>نبود همکاری عمودی و افقی و تحقق توسعه به صورت دستوری و سلسله‌مراتبی از سطح ملی تا سطح محلی.</p>	<p>مدیریت توسعه منطقه‌ای</p>
<p>رویکرد فضایی و قلمرویی برنامه‌ریزی یکپارچه سرزمین (شامل هر دو گروه از مناطق توسعه‌نیافته و عقب‌مانده و مناطق توسعه‌یافته و پیشرو) و با تمرکز بر بافت محلی و محیط اجتماعی منطقه،</p> <p>طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ها در خارج از منطقه،</p> <p>طراحی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها با مشارکت عوامل محلی و منطقه‌ای،</p> <p>توجه به بافت اجتماعی و شرایط اقتصادی و اجتماعی و محیطی منطقه در طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ها و پرهیز از ارائه خط‌مشی‌های استاندارد،</p> <p>طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ها متناسب با ظرفیت و توان اجرایی (مالی، فنی و انسانی).</p>	<p>رویکرد بخشی، متفرق و مبتنی بر نقش برجسته سازمان‌های منفرد و بخشی و کارگزاران ملی،</p> <p>طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ها در خارج از منطقه،</p> <p>طراحی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها در قالب خط‌مشی‌های استاندارد (برخلاف تنوع مناطق)،</p> <p>کم‌توجهی به شرایط و محتوای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیطی و نهادی مناطق.</p>	<p>رویکرد برنامه‌ریزی و اجرایی</p>
<p>سیبج پتانسیل‌های اقتصادی و مزیت‌های رقابتی هر منطقه،</p>	<p>توسعه پروژه‌های بزرگ صنعتی (به‌ویژه صنایع سنگین) با هدف</p>	<p>سیاست‌ها و ابزارهای توسعه منطقه‌ای</p>

از پایین به بالا	از بالا به پایین	رویکرد مقوله‌های قیاس
استفاده از پتانسیل‌های هر منطقه برای ایجاد سازگاری بیشتر نظام اقتصادی محلی با محیط اقتصادی در حال تغییر،	تقویت و توسعه سایر فعالیت‌های اقتصادی،	
تدارک شرایط و بسترهای کلیدی و اساسی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی.	- پشتیبانی مالی، مشوق‌ها و سوبسیدها به‌عنوان عامل اصلی جذب فعالیت‌های اقتصادی.	

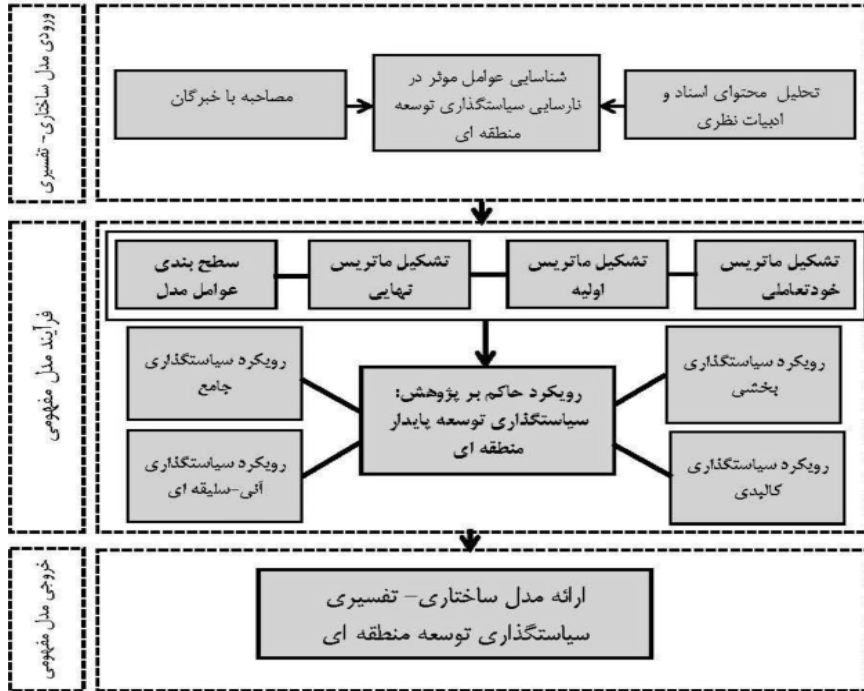
مأخذ: فرجی‌راد، کاظمیان و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۷.

۱-۱. رویکرد حاکم بر پژوهش و ارائه چارچوب مفهومی - نظری

توسعه پایدار منطقه‌ای، به معنای روند بهگشت اجتماع بدون رشد فراتر از ظرفیت حامل بوم‌شناسانه نیاز است (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۲۷). در این راستا، نهادینه شدن سیاستگذاری توسعه پایدار مستلزم مجموعه اقدام‌هایی در ساختارها و تشکیلات، قوانین و مقررات، فرایند هماهنگی بین‌بخشی و بین‌سطحی و مشارکت بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی است. تجربه‌های موفق توسعه پایدار به‌عنوان یک اصل راهنما در فرایند سیاستگذاری پذیرفته شده و استراتژی ملی توسعه پایدار در همین راستا شکل گرفته است.^۱ با توجه به اینکه فرایند توسعه پایدار در محورهای مختلف و در بسترهای جغرافیایی متفاوت اتفاق می‌افتد این محورها شامل ابعاد مختلف موضوعی نظیر توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ابعاد موضعی توسعه فضایی شامل توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی است. بنابراین رویکرد حاکم بر پژوهش، اصول و مؤلفه‌های توسعه پایدار فضایی است که تحلیل عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای را مورد بررسی قرار داده است. در این راستا به‌منظور تدوین الگوی مفهومی نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای براساس مبانی نظری و رویکردهای حاکم بر مباحث توسعه پایدار الگوی مطلوب به شکل ذیل است.

1. OECD, 2007: 77.

شکل ۱. چارچوب مفهومی - نظری پژوهش



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۲. پیشینه نظری

تاکنون پژوهش‌های اندکی درخصوص ارائه مدل ساختاری تفسیری توسعه منطقه‌ای و شناسایی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای انجام شده است که هر کدام الزامات و شرایط خاص خود را داشته و بر جنبه‌های مختلفی از موضوع پرداخته است. مرور پیشینه پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی جنبه‌های گوناگون موضوع در نوشتارها و پژوهش‌های موجود پرداخته و ضرورت انجام پژوهشی با شیوه‌ای متفاوت با آنچه در حال حاضر وجود دارد را مطرح کند.

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که تاکنون درخصوص مدل‌سازی ساختاری - تفسیری توسعه منطقه‌ای و شناسایی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای با اتکا به رویکرد قیاسی و استقرایی و بهره‌گیری از روش و ابزار Mic Mac

پژوهش‌های کمی صورت گرفته، در این راستا در رابطه با مفاهیم و رویکردهای موضوع فوق در قالب مفاهیم توسعه‌ای به‌ویژه توسعه منطقه‌ای و برنامه‌ریزی فضایی؛ عمده‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته مرتبط با موضوع پژوهش فعلی (به‌صورت مقاله - پایان‌نامه - طرح پژوهش) که به شرح ذیل است ارائه می‌شود.

جدول ۲. پیشینه پژوهش

محققان	عنوان و سال	روش تحقیق	یافته‌ها و نتایج
صرافی و نجاتی	رویکرد نومنطقه‌گرایی در راستای ارتقای نظام مدیریت توسعه فضایی ایران (۱۳۹۳)	توصیفی - تحلیلی	مشکلات و چالش‌های نظام مدیریت فضایی منطقه‌ای در ایران به‌ترتیب شامل نبود زمینه‌ها و ظرفیت‌های مناسب جامعه در بین مدیران، کارشناسان و شهروندان، ضعف نظام مدیریتی کارآمد کشور (مدیریت و برنامه‌ریزی فضایی و بخشی) و نبود نظام مدیریت یکپارچه فضایی کشور است. رویکرد نومنطقه‌گرایی برای حل نارسایی‌های کنونی توسعه منطقه‌ای و تعادل بخشی، بهره‌برداری بهینه و هم‌افزایی منابع و استفاده و تقویت مزیت‌های رقابتی مناطق کشور راهگشاست.
فرجی	بررسی الگوی توسعه متعادل منطقه‌ای، با تأکید بر روابط شهر و روستا مورد: منطقه قزوین (۱۳۹۲)	توصیفی - تحلیلی	روند و الگوی برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران برنامه‌ریزی شهر محور است. مطرح کردن طرح شبکه توسعه متعادل منطقه‌ای با توجه به مبادلات و روابط بین شهر و روستا در قالب پیوندهای شهری-روستایی.
مؤمنی و زمانی	فرایند سیاستگذاری بلندمدت توسعه (۱۳۹۲)	روش کیفی مبنی بر تئوری مفهوم‌سازی بنیادی	نهادسازی و اصلاحات نهادی مشوق توسعه و فرهنگ مشوق توسعه، فرهنگ و جغرافیا به‌ترتیب علل بنیادین توسعه هستند، مهمترین مؤلفه در فرایند سیاستگذاری، نهادها می‌باشند، شناسایی نوع نظم اجتماعی حاکم بر کشورها

محققان	عنوان و سال	روش تحقیق	یافته‌ها و نتایج
			هسته اصلی فرایند سیاستگذاری بلندمدت توسعه کشورهای در حال توسعه است.
کمالی	از پارادایم تا عمل؛ ارائه مدلی برای نهادهای توسعه‌ی سیاستگذاری توسعه پایدار در ایران (۱۳۹۱)	پژوهش کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد	موانع نهادینه شدن سیاستگذاری توسعه پایدار در ایران در چهار دسته موانع شناختی، نهادی - قانونی، سیاستی و اجتماعی دسته‌بندی شده است. پیشنهاد مدل نهادینه‌سازی سیاستگذاری توسعه پایدار در ایران.
زالی	آسیب‌شناسی برنامه‌ریزی در ایران با پیشنهاد مأموریت‌محوری در سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای (۱۳۹۱)	تحلیلی و استنباطی	برنامه‌های توسعه از رویکرد پروژه‌محوری در برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای به مأموریت‌محوری بایستی تغییر کند. در برنامه‌های توسعه ضرورت دستورالعمل‌های برنامه‌های کلان‌آمایشی و توسعه منطقه‌ای الزامی است.
قلی‌پور، الوانی، زراعی متین، جندقی و حمیدی‌زاده	طراحی مدل عوامل مؤثر بر استفاده از سیاست‌پژوهی در سیاستگذاری با استفاده از نگاهت مفهومی (۱۳۹۱)	روش تحقیق از بین ۹۴ شاخص مؤثر بر استفاده از سیاست‌پژوهی در سیاستگذاری با استفاده از بین ۱۸ مؤلفه سیاست‌پژوهی در سیاستگذاری چهار بعد از بین ابعاد مؤثر بر استفاده از سیاست‌پژوهی در سیاستگذاری، به ترتیب بعد تحقیق، بعد خط‌مشی‌گذاری، ویژگی هویتی و بعد زمینه‌دارای اولویت و وزن بیشتری هستند.	در مجموع ۹۴ عامل مؤثر (شاخص) بر استفاده از سیاست‌پژوهی در سیاستگذاری شناسایی شده است که ۷۳ عامل مؤثر از طریق مرور ادبیات، ۱۳ عامل از طریق مصاحبه، ۱۲ عامل توسط گروه کانونی احصا شده است. روش تحقیق از بین ۹۴ شاخص مؤثر بر استفاده از سیاست‌پژوهی در سیاستگذاری با استفاده از بین ۱۸ مؤلفه سیاست‌پژوهی در سیاستگذاری چهار بعد از بین ابعاد مؤثر بر استفاده از سیاست‌پژوهی در سیاستگذاری، به ترتیب بعد تحقیق، بعد خط‌مشی‌گذاری، ویژگی هویتی و بعد زمینه‌دارای اولویت و وزن بیشتری هستند.

محققان	عنوان و سال	روش تحقیق	یافته‌ها و نتایج
Dina Poerwoningsih, Leksono and Hasyim	Integrating Visibility Analysis in Rural Spatial Planning (2016)	توصیفی - تحلیلی	برنامه‌ریزی فضایی پایدار روستایی که متفاوت از برنامه‌ریزی فضایی شهری است بایستی سبب ارتقای اجتماعات درگیر در برنامه‌ریزی شود و از مرحله تصمیم‌گیری تا تدوین چشم‌انداز فضایی بایستی به حفاظت از منابع طبیعی مناطق روستایی اولویت دهد.
Walsh	Strategic Spatial Planning at the Regional and Local Scales: A Case Study of the Dublin City (2010)	توصیفی - تحلیلی	توجه به مؤلفه‌های حکمروایی منطقه‌ای، در نظر گرفتن تنوع بین اهداف و سیاست‌های راهبردی در توسعه فضایی.
Allin and Walsh	Strategic Spatial Planning in European City-Regions: Parallel Processes or Divergent Trajectories? (2010)	توصیفی - تحلیلی	یکپارچگی در برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، راهبردی بودن و پیوستگی سرزمین.
Albrechts	In Strategic Spatial Planning? Some Evidence from Europe and Australia (2005)	توصیفی	برشردن ویژگی‌های آمایش راهبردی؛ انتخابی بودن، زمینه‌گرا بودن، یکپارچه‌نگر، عمل‌گرا بودن، چشم‌انداز داشتن و دورنگر بودن.
Calkins	The Planning Monitor: an Accountability Theory of Plan Evaluation (1979)	توصیفی	دو جزء پایش برنامه‌ریزی شامل؛ به‌کارگیری مجموعه‌ای از روش‌های برنامه‌ریزی منطقی و حمایت از سیستم‌های اطلاعاتی منطقه‌ای، شاخص‌های ارزیابی و پایش در ارتباط با اهداف و مأموریت‌های خاص برنامه و پروگرام بایستی تدوین شود.

۳. روش‌شناسی

انتخاب روش تحقیق به اهداف و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن بستگی دارد. پژوهش حاضر از لحاظ هدفگذاری کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی است. در این تحقیق، برای جمع‌آوری اطلاعات لازم به‌منظور بررسی عوامل مؤثر، از پرسشنامه استفاده شد. بنابراین،

از روش پیمایش سود جسته و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل تفسیری - ساختاری بهره گرفته شده است. در این پژوهش ابزار جمع‌آوری داده‌ها به صورت مصاحبه و پرسشنامه دوه‌دویی و برای سنجش و ارزیابی روایی پرسشنامه و یا هر ابزار سنجشی، از ملاک روایی صوری استفاده شده است. مدل‌سازی تفسیری ساختاری روشی سیستماتیک و ساختاریافته برای برقراری رابطه و فهم روابط میان عناصر یک سیستم پیچیده است که در سال ۱۹۷۴ وارفیلد معرفی کرد (آتش‌سوز و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴). مدل‌سازی ساختاری تفسیری فرایندی متعامل است که در آن، مجموعه‌ای از عناصر مختلف و مرتبط با همدیگر در یک مدل سیستماتیک جامع ساختاربندی می‌شوند (آذر، خسروانی و جلالی، ۱۳۹۲: ۲۸۶-۲۵۷). این روش روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم را بررسی می‌کند؛ به بیان دیگر، ابزاری است که با آن، گروه می‌تواند بر پیچیدگی بین عناصر غلبه کند (آذر و بیات، ۱۳۸۷: ۸). این چارچوب روش‌شناسی، به ایجاد و جهت دادن به روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک می‌کند.^۱ ایده اصلی مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تجزیه یک سیستم پیچیده به چند زیرسیستم، با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان به منظور ساخت یک مدل ساختاری چند سطحی است.

روش نمونه‌گیری: روش دلفی و نیز روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری ایجاب می‌کند که اطلاعات از خبرگان و کارشناسان دریافت و تحلیل شود. برای انتخاب تیم دلفی و تیم مدل‌سازی ساختاری تفسیری، چون هدف تعمیم نتایج نیست، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. معیارهای انتخاب خبرگان، تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی است. نکته قابل توجه در تعیین تعداد خبرگان، کسب اطمینان از جامعیت دیدگاه‌های مختلف در پژوهش است. تعداد خبرگان شرکت‌کننده در مدل‌سازی ساختاری تفسیری مقالات بررسی شده معمولاً بین ۱۴ الی ۲۰ نفر انتخاب شده است. با توجه به معیارهای فوق، در نهایت تعداد ۲۰ نفر از کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای شرکت و همکاری در فرایند پژوهش انتخاب شده است.

روایی محتوایی: با استفاده از روش تحلیل محتوایی، عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران شناسایی شده و برای تفسیر روابط بین آن ابعاد و

شاخص‌ها، مدل‌سازی ساختاری تفسیری انجام شده است؛ زیرا این مدل، یک روش استقرار مطلوب برای شناسایی و تحلیل روابط بین ابعاد و شاخص‌هاست. روایی محتوایی پرسشنامه در این پژوهش به حد و میزانی اشاره دارد که یک ابزار منعکس‌کننده محتوای مشخص مورد نظر باشد. براساس روش لاوشه، برای ایجاد روایی محتوایی در پرسشنامه، ابتدا با مرور ادبیات در حوزه مورد مطالعه، دامنه محتوا و آیتم‌های ساخت پرسشنامه تدوین می‌شود، سپس از اعضای پانل محتوا خواسته می‌شود با انتخاب یکی از سه گزینه «ضروری»، «مفید اما نه ضروری» یا «غیر لازم»، به میزان مناسب بودن هر آیتم پاسخ دهند. بر این اساس، با کمک رابطه (۱)، نسبت روایی محتوایی محاسبه شده و با توجه به سطح مورد نیاز برای معناداری آماری ($p < 0.05$) حداقل $CVR = 0.75$ برای هر مرحله جهت پذیرش آن مرحله به دست می‌آید.^۱ به عنوان نمونه نسبت روایی محتوایی برای نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای برابر 0.8 به صورت زیر محاسبه شده است.

$$CVR = \frac{N_e - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}} = \frac{19 - \frac{20}{2}}{\frac{20}{2}} = 0.8 \quad \text{رابطه (۱)}$$

$N_e =$ تعداد اعضایی که پاسخ ضروری داد، $N =$ تعداد کل اعضای پانل

پایایی: برای سنجش پایایی پرسشنامه مدل‌سازی ساختاری تفسیری از روش آزمون مجدد استفاده شده به طوری که، پرسشنامه مزبور دوباره به سه نفر از خبرگان که دسترسی مجدد به آنها امکان‌پذیر بود، ارسال شد. در نهایت، مجموع همبستگی پاسخ‌های اعلام شده از طرف خبرگان برای هر دو مرحله 0.785 محاسبه شد. این شاخص مؤید آن است که پرسشنامه پایایی قابل قبولی دارد.

۴. نتایج و یافته‌های تحقیق

۴-۱. شناسایی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران

در این بخش، با بررسی ادبیات در زمینه سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای و با استفاده از تحلیل محتوایی مطالعات انجام شده شناسایی و استخراج شدند. سپس ابعاد و عوامل حاصله توسط ۶ نفر از خبرگان و کارشناسان حوزه توسعه منطقه‌ای، با استفاده از روش دلفی، مورد ارزیابی قرار

1. Lawshe, 1975: 21; Dina Poerwoningsih, Leksono and Hasyim, 2015: 15.

گرفته و نهایی شده است. عوامل مؤثر حاصل از ادبیات پس از اعمال نقطه‌نظرات متخصصان در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران

ردیف	عوامل
c1	تسلط ساختار بخشی با وجود اهمیت‌های فضایی توسعه منطقه‌ای
c2	عدم پیوستگی نظام سیاستگذاری‌ها و راهکارهای اجرایی سطوح ملی و منطقه‌ای
c3	وجود نارسایی در سازوکارهای مسئله‌شناسی توسعه منطقه‌ای
c4	وجود قوانین مختلف اثرگذار در سیاستگذاری منطقه‌ای
c5	فقدان نهادهای مستقل برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در سطح ملی و استانی
c6	فقدان رویکرد و الگوی مشخص سیاستگذاری منطقه‌ای
c7	فقدان جایگاه مدون و مشخص قانونی برای سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای
c8	عدم هماهنگی نهادهای سیاستگذار توسعه منطقه‌ای با دستگاه‌های بخشی و اجرایی
c9	فقدان رویکرد نظری مشخص در سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای
c10	عدم تفکیک وظایف نهادهای سیاستگذار توسعه منطقه‌ای
c11	نهادهای مسئول سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران
c12	افق زمانی نامناسب سیاستگذاری‌های توسعه منطقه‌ای
c13	تعریف نادرست منطقه در سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای

۲-۴. ماتریس خودتعاملی ساختاری^۱

پس از شناسایی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران، این عوامل در ماتریس خودتعاملی ساختاری وارد شد. به این منظور ابتدا پرسشنامه‌ای طراحی شد که کلیت آن همانند جدول ۴ است، به این صورت که ۱۳ فاکتور انتخاب شده در سطر و ستون اول جدول ذکر شد و از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که نوع ارتباطات دویه‌دویی عوامل را مشخص کنند. مدل‌سازی ساختاری تفسیری پیشنهاد می‌کند که از نظرات خبرگان براساس تکنیک‌های مختلف مدیریتی از جمله طوفان فکری^۲، گروه اسمی^۳ و غیره در توسعه روابط محتوایی میان متغیرها استفاده شود. بنابراین این ماتریس با استفاده از چهار حالت روابط

1. Structural Self-Interaction Matrix (SSIM)

2. Brain Storming

3. Nominal Group

مفهومی تشکیل و توسط ۲۰ نفر از کارشناسان و متخصصان حوزه توسعه منطقه‌ای تکمیل شده است. اطلاعات حاصله براساس روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری جمع‌بندی و ماتریس خودتعاملی ساختاری نهایی تشکیل شده است. علائم و حالت‌های مورد استفاده در این رابطه مفهومی عبارت‌اند از:

نماد V: یعنی i منجر به j می‌شود. نماد A: یعنی j منجر به i می‌شود.
 نماد X: ارتباط دوطرفه از i به j و برعکس نماد O: هیچ ارتباطی بین i و j وجود ندارد.

جدول ۴. ماتریس خودتعاملی ساختاری عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران

	c13	c12	c11	c10	c9	c8	c7	c6	c5	c4	c3	c2	c1	J / I
c1	A	A	X	V	A	A	X	A	V	A	A	X	-	
c2	O	X	O	X	V	X	A	V	A	V	X	-		
c3	O	V	O	A	A	A	X	X	O	A	-			
c4	O	V	X	V	V	V	A	X	A	-				
c5	O	X	O	A	A	V	X	V	-					
c6	V	X	A	V	V	X	A	-						
c7	A	V	O	A	X	X	-							
c8	O	A	X	X	V	-								
c9	A	A	O	V	-									
c10	X	A	X	-										
c11	X	O	-											
c12	O	-												
c13	-													

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳-۴. ماتریس دسترسی اولیه^۱

ماتریس دسترسی اولیه از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به ماتریس دو ارزشی (صفر - یک) حاصل شده است. به طوری که باید در هر سطر عدد ۱ را جایگزین علامت‌های X و V و عدد صفر را جایگزین علامت‌های A و O کرد، پس از تبدیل تمام سطرها، نتیجه حاصل

ماتریس دسترسی اولیه نامیده می‌شود. سپس روابط ثانویه بین بعد/ شاخص‌ها کنترل شده است. رابطه ثانویه به گونه‌ای است که اگر بُعد J به بُعد I و بعد K به I منجر شود، پس بُعد J منجر به بُعد K خواهد شد. با تبدیل نمادهای روابط ماتریس خودتعاملی ساختاری به اعداد ۰ و ۱ برحسب قواعد زیر می‌توان به ماتریس دست پیدا کرد. این قواعد به صورت زیر است:

۱. اگر خانه (i, j) ، در ماتریس خودتعاملی ساختاری نماد V باشد، خانه مربوط در ماتریس دسترسی عدد ۱ و خانه قرینه آن، یعنی خانه (j, i) ، عدد صفر می‌گیرد.
 ۲. اگر خانه (j, i) در ماتریس خودتعاملی ساختاری نماد A باشد، خانه مربوط در ماتریس دسترسی عدد صفر و خانه قرینه آن، یعنی خانه (i, j) عدد ۱ می‌گیرد.
 ۳. اگر خانه (j, i) در ماتریس خودتعاملی ساختاری نماد X باشد، خانه مربوط در ماتریس دسترسی عدد ۱ و خانه قرینه آن، یعنی خانه (i, j) عدد ۱ می‌گیرد.
 ۴. اگر خانه (j, i) در ماتریس خودتعاملی ساختاری نماد O باشد، خانه مربوط در ماتریس دسترسی عدد صفر و خانه قرینه آن، یعنی خانه (i, j) عدد صفر می‌گیرد.
- با توجه به قوانین مدل‌سازی ساختاری تفسیری ماتریس دسترسی اولیه طبق جدول ۵ می‌شود.

جدول ۵. ماتریس دسترسی اولیه

	J												I
	c13	c12	c11	c10	c9	c8	c7	c6	c5	c4	c3	c2	
c1	0	0	1	1	0	0	1	0	1	0	0	1	1
c2	0	1	0	1	1	1	0	1	0	1	1	1	1
c3	0	1	0	0	0	0	1	1	0	0	1	1	1
c4	0	1	1	1	1	1	0	1	0	1	1	0	1
c5	0	1	0	0	0	1	1	1	1	1	0	1	0
c6	1	1	0	1	1	1	0	1	0	1	1	0	1
c7	0	1	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1
c8	0	0	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1	1
c9	0	0	0	1	1	0	1	0	1	0	1	0	1
c10	1	0	1	1	0	1	1	0	1	0	1	1	0
c11	1	0	1	1	0	1	0	1	1	1	0	0	1
c12	1	1	0	1	1	1	0	1	1	0	0	1	1
c13	1	0	1	1	1	0	1	0	0	0	0	0	1

مأخذ: همان.

۴-۴. ماتریس دسترسی نهایی^۱

پس از تشکیل ماتریس دسترسی اولیه بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران با دخیل کردن انتقال‌پذیری در روابط متغیرها، ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌شود تا ماتریس دسترسی اولیه سازگار شود. بدین صورت که اگر (i, j) با هم در ارتباط باشند و نیز (j, k) با هم رابطه داشته باشند؛ آنگاه (i, k) با هم در ارتباط هستند (آذر و بیات، ۱۳۸۷: ۲۲). انتقال‌پذیری روابط مفهومی بین متغیرها در مدل‌سازی ساختاری تفسیری یک فرض مبنایی بوده و بیانگر این است که اگر متغیر A بر متغیر B تأثیر داشته باشد و متغیر B بر متغیر C تأثیر گذارد، A بر C تأثیر می‌گذارد. در این مرحله، همه روابط ثانویه بین متغیرها، بررسی می‌شود و ماتریس دسترسی نهایی مطابق جدول ۶ به دست می‌آید. در این ماتریس قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر متغیر نشان داده شده است. قدرت نفوذ هر متغیر عبارت است از تعداد نهایی متغیرهایی (شامل خودش) که می‌تواند در ایجاد آنها نقش داشته باشد. میزان وابستگی عبارت است از تعداد نهایی متغیرهایی که موجب ایجاد متغیر مذکور می‌شوند.

جدول ۶. ماتریس دسترسی نهایی

قدرت نفوذ	c13	c12	c11	c10	c9	c8	c7	c6	c5	c4	c3	c2	c1	J	I
5	0	0	1	1	0	0	1	0	1	0	0	1	1	c1	
8	0	1	0	1	1	1	0	1	0	1	1	1	1	c2	
5	0	1	0	0	0	0	1	1	0	0	1	1	1	c3	
8	0	1	1	1	1	1	0	1	0	1	1	0	1	c4	
6	0	1	0	0	0	1	1	1	1	1	0	1	0	c5	
8	1	1	0	1	1	1	0	1	0	1	1	0	1	c6	
9	0	1	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	c7	
8	0	0	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1	1	c8	
4	0	0	0	1	1	0	1	0	1	0	1	0	1	c9	
7	1	0	1	1	0	1	1	0	1	0	1	1	0	c10	
7	1	0	1	1	0	1	0	1	1	1	0	0	1	c11	
8	1	1	0	1	1	1	0	1	1	0	0	1	1	c12	
5	1	0	1	1	1	0	1	0	0	0	0	0	1	c13	
	4	6	5	9	7	8	7	8	6	5	6	7	10	میزان وابستگی	

مأخذ: همان.

در جدول ۶، قدرت نفوذ (میزان تأثیری که هر یک از عوامل بر سایر عوامل دارند) ۱۳ شاخص شناسایی شده در بخش نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران آمده است. نتایج بیانگر این است که عامل فقدان جایگاه مدون و مشخص قانونی برای سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای با میزان قدرت نفوذ ۹ بیشترین تأثیر و فقدان رویکرد نظری مشخص در سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای با میزان قدرت نفوذ ۴ کمترین تأثیر را دارد.

۵. سطح‌بندی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران

در این مرحله سطوح مختلف عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای ایران دسته‌بندی شده است. برای تعیین سطح متغیرها در مدل نهایی، به ازای هر کدام از آنها، سه مجموعه خروجی، ورودی و مشترک تشکیل می‌شود. در اولین جدول، شاخص یا متغیرهای که اشتراک مجموعه خروجی و ورودی آن یکی است، در فرایند سلسله مراتب به عنوان مجموعه مشترک محسوب می‌شوند، به طوری که این متغیرها در ایجاد متغیر دیگری مؤثر نیستند. پس از شناسایی بالاترین سطح، آن متغیرها از فهرست سایر متغیرها کنار گذاشته می‌شوند. این تکرارها تا مشخص شدن سطح همه متغیرها، ادامه می‌یابد. در این پژوهش سطوح ۶ گانه متغیرها به دست آمده که نتیجه نهایی آنها در جدول ۷ آمده است. عوامل نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای که مجموعه خروجی و مشترک آنها کاملاً یکسان باشند، در بالاترین سطح از سلسله مراتب مدل ساختاری تفسیری قرار می‌گیرند.

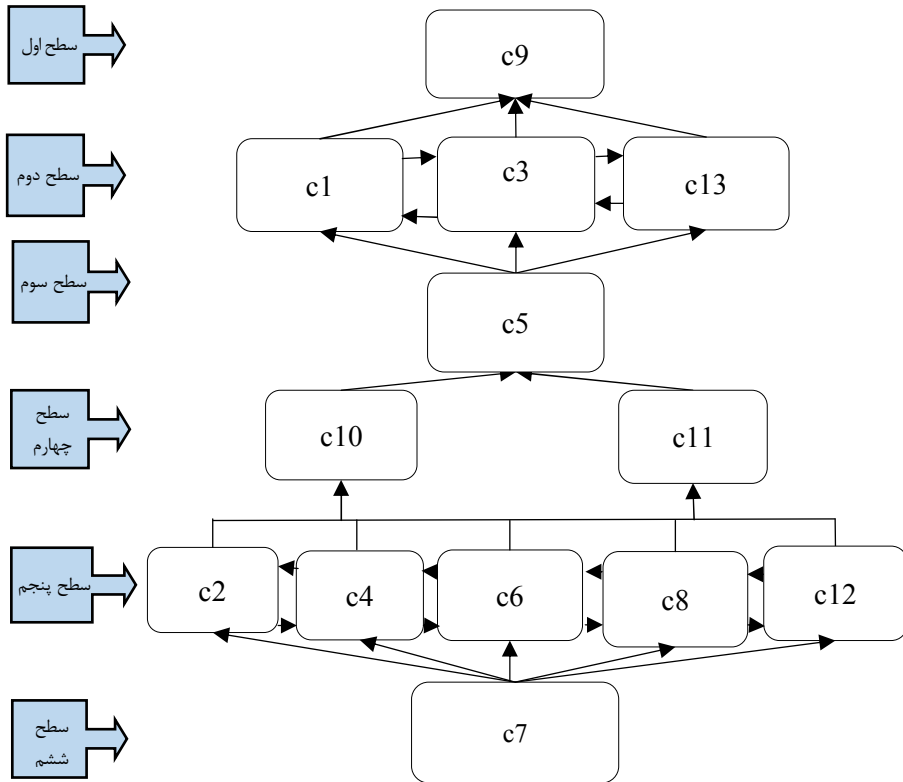
جدول ۷. سطح‌بندی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران

عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
c1	۱۱ و ۲	۱۳ و ۲ و ۳ و ۴ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳	۱۱ و ۲	دوم
c2	۱۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۲	۱۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۲	۳ و ۴ و ۸ و ۱۰ و ۱۲	پنجم
c3	۱۲ و ۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷ و ۱۲	۱۰ و ۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰	۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷	دوم
c4	۱۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲	۱۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۱۱	۳ و ۴ و ۶ و ۱۱	پنجم
c5	۱۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۲	۱۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲	۳ و ۴ و ۶ و ۷	سوم
c6	۱۳ و ۳ و ۴ و ۶ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳	۱۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳	۳ و ۴ و ۸ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳	پنجم
c7	۱۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۸ و ۹ و ۱۲	۱۳ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۳	۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰	ششم
c8	۱۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱	۱۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲	۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷ و ۱۰ و ۱۱	پنجم

عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
c9	۱۰ و ۵ و ۷	۱۳ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۲	۷ و ۵	اول
c10	۱۳ و ۳ و ۵ و ۷ و ۸ و ۱۰	۱۳ و ۲ و ۴ و ۶ و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳	۱۳ و ۱۱ و ۸ و ۲	چهارم
c11	۱۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۸ و ۱۰	۱۳ و ۱۰ و ۸ و ۴	۱۳ و ۱۰ و ۸ و ۴	چهارم
c12	۱۳ و ۵ و ۶ و ۸ و ۹ و ۱۰	۱۳ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷	۵ و ۲	پنجم
c13	۱۲ و ۱۱ و ۱۰ و ۶	۱۱ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱	۱۱ و ۱۰	دوم

مأخذ: همان.

شکل ۲. طراحی مدل سازی ساختاری تفسیری عوامل مؤثر بر نارسایی های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه ای در ایران



مأخذ: همان.

همان طور که در جدول ۷ ملاحظه می شود عوامل مؤثر بر نارسایی های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه ای در ایران، به ۶ سطح طبقه بندی شده اند. در شکل ۲ روابط

متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف به‌خوبی نمایان است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری می‌شود. در این بخش عامل فقدان جایگاه مدون و مشخص قانونی برای سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در پایین‌ترین سطح قرار گرفته‌اند که همانند سنگ زیربنایی مدل عمل می‌کنند و برای رفع نارسایی‌های موجود در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران می‌بایست از این متغیر شروع و به سایر متغیرها سرایت کند. ناگفته نماند همه این شاخص‌های یاد شده از مهمترین عوامل کلیدی در نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران هستند، ولی عامل‌هایی که در سطح بالایی مدل‌سازی ساختاری تفسیری قرار گرفته‌اند، از تأثیرپذیری بیشتری برخوردارند (شکل ۲).

۶. تحلیل MICMAC عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران

در این مرحله با استفاده از MICMAC نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها مشخص خواهد شد، و پس از تعیین قدرت نفوذ یا اثرگذاری و قدرت وابستگی عوامل، می‌توان همه عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای را در ایران در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش ماتریس اثر متغیرها در چهار گروه طبقه‌بندی کرد. اولین گروه شامل متغیرهای مستقل (خودمختار) می‌شود که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. این متغیرها تا حدودی از سایر متغیرها مجزا هستند و ارتباطات کمی دارند. گروه دوم متغیرهای وابسته^۱ هستند که از قدرت نفوذ ضعیف اما وابستگی بالایی برخوردارند. گروه سوم، متغیرهای پیوندی^۲ می‌باشند که از قدرت نفوذ و وابستگی بالایی برخوردارند؛ در واقع هرگونه عملی روی این شاخص متغیرها باعث تغییر سایر شاخص‌ها می‌شود. گروه چهارم متغیرهای مستقل (کلیدی)^۳ را دربرمی‌گیرد که قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی دارند. همان‌طور که از شکل ۳ نیز مشخص است، متغیرهای فقدان رویکرد نظری مشخص در سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای (۹) و عدم

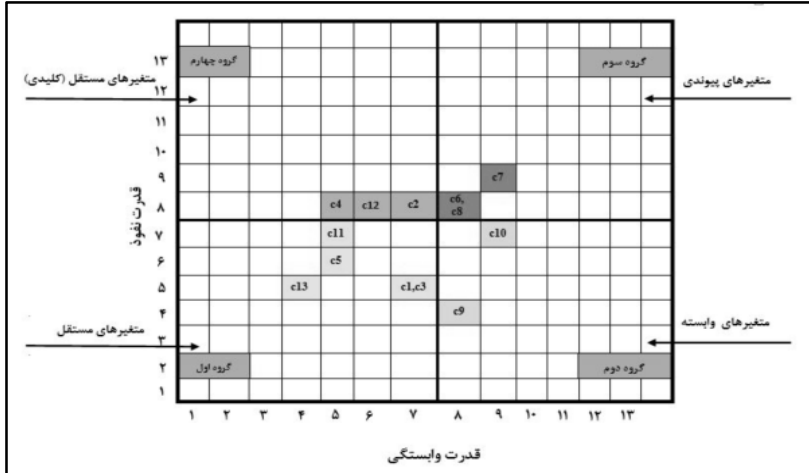
1. Dependent Variables

2. Linkage Variables

3. Autonomous Variables

تفکیک وظایف نهادهای سیاستگذار توسعه منطقه‌ای (۱۰) بیشتر تحت تأثیر سایر عوامل بوده و از منظر سیستمی جزو عناصر اثرپذیر و وابسته است. به عبارت دیگر، برای ایجاد این متغیر عوامل زیادی دخالت دارند و خود آنها کمتر می‌توانند زمینه‌ساز متغیرهای دیگر شوند. متغیرهایی همچون عدم پیوستگی نظام سیاستگذاری‌ها و راهکارهای اجرایی سطوح ملی و منطقه‌ای (۲)، وجود قوانین مختلف اثرگذار در سیاستگذاری منطقه‌ای (۴) و افق زمانی نامناسب سیاستگذاری‌های توسعه منطقه‌ای (۱۲)، متغیرهای کلیدی برای توسعه منطقه‌ای به‌شمار می‌روند که تأثیر بسیار زیادی بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران دارند که این متغیرها قدرت نفوذ بالا و وابستگی کمتری دارند. متغیرهای تسلط ساختار بخشی با وجود اهمیت‌های فضایی توسعه منطقه‌ای (۱)، وجود نارسایی در سازوکارهای مسئله‌شناسی توسعه منطقه‌ای (۳)، فقدان نهادهای مستقل برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در سطح ملی و استانی (۵)، نهادهای مسئول سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران (۱۱) و تعریف نادرست منطقه در سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای (۱۳) در گروه متغیرهای مستقل (خودمختار) قرار گرفتند که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیف دارند. این متغیرها نسبتاً غیرمتصل به سیستم هستند و ارتباطات کم و ضعیف با سیستم دارند. همچنین در گروه سوم متغیرهای فقدان جایگاه مدون و مشخص قانونی برای سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای (۷)، فقدان رویکرد و الگوی مشخص سیاستگذاری منطقه‌ای (۶) و عدم هماهنگی نهادهای سیاستگذار توسعه منطقه‌ای با دستگاه‌های بخشی و اجرایی (۸) که از قدرت نفوذ، توان و وابستگی بالایی برخوردارند. در واقع هرگونه عملی روی این متغیرها باعث تغییر سایر متغیرها می‌شود. قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر یک از عوامل مؤثر بر توسعه این صنعت در شکل ۳ نشان داده شده است.

شکل ۳. خوشه‌بندی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران با استفاده از روش MICMAC



مأخذ: همان.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ارتقای جایگاه برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای کشور ایران نیازمند یافتن شاخص‌های اصلی و تأثیرگذار در این خصوص و برقراری ارتباط بین آنهاست. به نظر می‌رسد که این مدل پژوهشی می‌تواند برای پژوهش‌هایی با تعداد زیاد متغیرها که ماهیت و رابطه متغیرها و حتی نوع آنها به خوبی شناخته شده نیست مفید باشد، زیرا با استفاده از نظرات خبرگان فن می‌توانیم پیچیدگی‌های موضوع را کاهش دهیم و به درک قابل قبولی از موضوع مورد بررسی برسیم که نهایتاً به اخذ تصمیمات بهتری منجر خواهد شد. این تحقیق، بینشی جدید در خصوص نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در کشور ارائه کرده است. از این رو در این مقاله ابتدا سعی شده عوامل مؤثر بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران بررسی شود در نتیجه ۱۳ شاخص که تناسب بیشتری با جامعه آماری داشتند و بیشتر مدنظر خبرگان و کارشناسان بودند، انتخاب شدند. آنگاه با استفاده از تکنیک تفسیری ساختاری روابط و سطح‌بندی آنها را به دست آوردیم. مدل ساختاری تفسیری روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف

به‌خوبی نمایان است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری می‌شود. با توجه به مدل مفهومی از لحاظ قدرت نفوذ (میزان تأثیری که هریک از عوامل بر سایر عوامل دارند) به عامل فقدان جایگاه مدون و مشخص قانونی برای سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای با میزان قدرت نفوذ ۹ بیشترین تأثیر و فقدان رویکرد نظری مشخص در سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای با میزان قدرت نفوذ ۴ کمترین تأثیر را دارد.

یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد که متغیرهای فقدان رویکرد نظری مشخص در سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای (۹) و عدم تفکیک وظایف نهادهای سیاستگذار توسعه منطقه‌ای (۱۰) بیشتر تحت تأثیر سایر عوامل بوده و از منظر سیستمی جزء عناصر اثرپذیر و وابسته است. به‌عبارت‌دیگر، برای ایجاد این متغیر عوامل زیادی دخالت دارند و خود آنها کمتر می‌توانند زمینه‌ساز متغیرهای دیگر شوند. متغیرهایی همچون عدم پیوستگی نظام سیاستگذاری‌ها و راهکارهای اجرایی سطوح ملی و منطقه‌ای (۲)، وجود قوانین مختلف اثرگذار در سیاستگذاری منطقه‌ای (۴) و افق زمانی نامناسب سیاستگذاری‌های توسعه منطقه‌ای (۱۲)، متغیرهای کلیدی برای توسعه منطقه‌ای به‌شمار می‌روند که تأثیر بسیار زیادی بر نارسایی‌های نظام سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران دارند که این متغیرها قدرت نفوذ بالا و وابستگی کمتری دارند. متغیرهای تسلط ساختار بخشی با وجود اهمیت‌های فضایی توسعه منطقه‌ای (۱)، وجود نارسایی در سازوکارهای مسئله‌شناسی توسعه منطقه‌ای (۳)، فقدان نهادهای مستقل برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در سطح ملی و استانی (۵)، نهادهای مسئول سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران (۱۱) و تعریف نادرست منطقه در سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای (۱۳) در گروه متغیرهای مستقل (خودمختار) قرار گرفتند که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیف دارند. این متغیرها نسبتاً غیرمتصل به سیستم هستند و ارتباطات کم و ضعیف با سیستم دارند. همچنین در گروه سوم متغیرهای فقدان جایگاه مدون و مشخص قانونی برای سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای (۷)، فقدان رویکرد و الگوی مشخص سیاستگذاری منطقه‌ای (۶) و ناهماهنگی نهادهای سیاستگذار توسعه منطقه‌ای با دستگاه‌های بخشی و اجرایی (۸) که از قدرت نفوذ، توان و وابستگی بالایی برخوردارند و هرگونه عملی روی این متغیرها باعث تغییر سایر متغیرها می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. آتش‌سوز، علی، کامران فیضی، ابوالفضل کزازی و لعیالفت (۱۳۹۵). «مدل‌سازی تفسیری - ساختاری ریسک‌های زنجیره تأمین صنعت پتروشیمی»، فصلنامه مطالعات مدیریت صنعتی، سال چهارم، ش ۴۱.
۲. آذر، عادل و کریم بیات (۱۳۸۷). «طراحی مدل فرایند محوری کسب‌وکار با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM)»، نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۱، ش ۱.
۳. آذر، عادل، پروانه خسروانی و رضا جلالی (۱۳۹۲). «تحقیق در عملیات نرم رویکردهای ساختاردهی، چاپ اول، سازمان مدیریت صنعتی».
۴. تاجگردون، غلامرضا (۱۳۸۶). طرح ارائه الگوی تلفیقی برنامه ریزی بخشی و منطقه‌ای، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی به کارفرمای مرکز ملی آمایش سرزمین.
۵. زالی، نادر (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی برنامه‌ریزی در ایران با پیشنهاد مأموریت محوری در سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، ش ۶.
۶. سعیدی، عباس (۱۳۸۹). «محیط، فضا و توسعه بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی - شهری»، مسکن و محیط روستا، ش ۱۳۱.
۷. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغیه رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۲). تهران، سازمان برنامه و بودجه کشور.
۸. سیاست‌های کلی آمایش سرزمین ابلاغیه رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۰). تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۹. شریف‌زادگان، محمدحسین و سیدامیر رضوی دهکردی (۱۳۸۹). «ارزیابی فرایند برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در ایران و راهکارهای بهبود آن»، فصلنامه علوم محیطی، سال هفتم، ش ۴.
۱۰. صراف، مظفر (۱۳۷۷). «مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای»، تهران، دفتر امور آمایش و توسعه منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه کشور.
۱۱. صراف، مظفر و ناصر نجاتی (۱۳۹۳). «رویکرد نومنطقه‌گرایی در راستای ارتقای نظام مدیریت توسعه فضایی ایران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، ش ۴.
۱۲. ضوابط ملی آمایش سرزمین (۱۳۸۳). سازمان برنامه و بودجه کشور.
۱۳. _____ (۱۳۹۴). سازمان برنامه و بودجه کشور.
۱۴. فرجی، امین (۱۳۹۲). «بررسی الگوی توسعه متعادل منطقه‌ای، با تأکید بر روابط شهر و روستا مورد: منطقه قزوین»، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

۱۵. فرجی‌راد، خدر، غلامرضا کاظمیان و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران از دیدگاه رویکرد نهادی»، *فرایند مدیریت و توسعه*، ۲، ۶۷.
۱۶. قلی‌پور، رحمت‌اله، سیدمهدی الوانی، حسین زراعی متین، غلامرضا جندقی و علی حمیدی‌زاده (۱۳۹۱). «طراحی مدل عوامل مؤثر بر استفاده از سیاست‌پژوهی در سیاستگذاری با استفاده از نگاهت مفهومی»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال نوزدهم، ش ۷۰.
۱۷. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۴). «تحلیل قدرت ذی‌نفعان کلیدی در فرایند سیاستگذاری طرح جامع تهران»، *فصلنامه معماری و شهرسازی*، ۱۵.
۱۸. کمالی، یحیی (۱۳۹۱). «از پارادایم تا عمل؛ ارائه مدلی برای نهادینه‌سازی سیاستگذاری توسعه پایدار در ایران»، رساله دوره دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۱۹. مجموعه سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴). سازمان برنامه و بودجه کشور.
۲۰. مهندسین مشاور نقش جهان پارس (۱۳۹۴). *طراحی الگو و تدوین راهبردهای کاهش عدم تعادل‌های استانی*، سازمان برنامه و بودجه کشور.
۲۱. مؤمنی، فرشاد و رضا زمانی (۱۳۹۲). «فرایند سیاستگذاری بلندمدت توسعه»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ش ۷۲.
۲۲. هادی‌زنوز، بهروز (۱۳۸۹). *بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران (دوره قبل از انقلاب اسلامی)*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
23. Albrechts, Louis (2005). "In Strategic Spatial Planning? Some Evidence from Europe and Australia", *Environment and Planning A: Economy and Space*, Vol. 38.
24. Alli, Simone and Cormac Walsh (2010). "Strategic Spatial Planning in European City-Regions: Parallel Processes or Divergent Trajectories?", *NIRSA Working Paper Series*, No. 60.
25. Dina Poerwoningsih, Antariksa, Amin Setyo Leksono, Abdul Wahid Hasyim (2015). Integrating Visibility Analysis in Rural Spatial Planning. CITIES 2015 International Conference, Intelligent Planning Towards Smart Cities, CITIES 2015, 3-4 November 2015, Surabaya, Indonesia.
26. _____ (2016). Integrating Visibility Analysis in Rural Spatial Planning, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 227.
27. Calkins, H. W. (1979). "The Planning Monitor: an Accountability Theory of Plan Evaluation", *Environment and Planning A: Economy and Space*, Vol. 11.
28. Elbakidze, Marine, Lucas Dawson, Kjell Andersson, Robert Axelsson, Per

- Angelstam, Ingrid Stjernquist, Sara Teitelbaum, Peter Schlyter, Camilla Thellbro (2015). "Is Spatial Planning a Collaborative Learning Process? A Case Study from a Rural-urban Gradient in Sweden", *Land Use Policy* 48.
29. Faisal, M., D. K. Banwet and R. Shankar (2006). "Supply Chain Risk Mitigation: Modelling the Enablers", *Business Process Management*, 12(4).
30. Lawshe, C. H. (1975). "A Quantitative Approach to Content Validity", *Personnel Psychology*, 28.
31. OECD (2007). *OECD Territorial Reviews: Randstad Holland*, Netherlands, OECD, Publishing, Paris.
32. Pike, A., A. Rodriguez-Pose and J. Tomaney (2006). *Local and Regional Development*, Routledge.
33. Walsh, Cormac (2010). "Strategic Spatial Planning at the Regional and Local Scales: A Case Study of the Dublin City-Region", Vol. 1 of 2.
34. Zhenshan Yang Pu and Jianming Cai Hao (2014). "Economic Clusters: A Bridge between Economic and Spatial Policies in the Case of Beijing", *J. Cities*, 06.005.

تحلیل توزیع فضایی سالخوردگی جمعیت در ایران

حسنعلی فرجی سبکبار،* حبیب محمودی چناری،** میلاد باقری*** و

مهدی خداداد****

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۹/۲

با افزایش شاخص امید به زندگی، جمعیت سالخورده در ایران و جهان رو به افزایش بوده و به‌عنوان فاکتوری مهم و تأثیرگذار بر نظام اجتماعی و اقتصادی جوامع، مطرح است. پژوهش پیش رو به بررسی وضعیت سالخوردگی در جمعیت ایران پرداخته است و تلاش می‌کند تا این شاخص را از منظر جغرافیایی و توزیع فضایی آن بررسی کند. مهمترین شاخص‌های ارزیابی‌کننده وضعیت سالخوردگی در یک فضای زیستی براساس مطالعات انجام شده شامل؛ شاخص سالمندی، نسبت سالمندی، نسبت پیری، نسبت جوانی، بار تکفل، نسبت حمایت پدر و مادر (حمایت عاطفی)، نسبت حمایت بالقوه (حمایت معنوی) می‌باشند. این پژوهش با روش تحلیل ثانویه داده‌های مرکز آمار و با استفاده از برنامه‌نویسی در محیط متلب و اکسل - ماکرو، انجام و برای نمایش فضایی شاخص‌ها از GIS 10.2 استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان داد، جمعیت ایران، دوران جوانی خود را پشت سر گذاشته و با روندی صعودی، در حال ورود به میانسالی و سالخوردگی است. این روند در مناطق مرکزی ایران خصوصاً تهران، اصفهان، اراک باشدت بیشتر و در مناطق حاشیه‌تر مانند سیستان و بلوچستان با روند کندتری در حال وقوع است. روند صعودی شاخص سالخوردگی جمعیت ایران بیانگر آن است که دوران بحران پیری در جمعیت ایران چندان دور از انتظار نبوده و باید آن را مهمترین چالش پیش رو در نظام برنامه‌ریزی توسعه و مؤثر بر تمام جنبه‌های مدنظر قرار داد.

کلیدواژه‌ها: توزیع فضایی؛ سالخوردگی؛ حمایت بالقوه؛ جمعیت ایران

Email: hfarajji@ut.ac.ir

* دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران؛

Email: habib.mahmoodi@ut.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی ارشد GIS & RS، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران؛

**** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گلستان؛

Email: khodadadmehdi91@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره نودوشش، زمستان ۱۳۹۷

مقدمه

سلامت سالمندان یکی از مسائل و مشکلات بهداشتی در اکثر جوامع است و مقابله با این مشکلات نیازمند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های دقیق و صحیح است، مسلماً اگر کشورها در این زمینه برنامه نداشته باشند با مشکلات زیادی مواجه خواهند بود. این مشکلات نه تنها زندگی سالمندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث از دست رفتن استقلال آنها و عوارض جسمانی، روانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود بلکه تأثیرات مهمی روی سیستم‌های بهداشتی و درمانی جامعه می‌گذارد و هزینه‌های انسانی و اجتماعی کلانی را منجر می‌شود و منابعی را به صورت نامتناسب جذب می‌کند که می‌توانست این اعتبارات برای رفع سایر مشکلات بهداشتی جامعه مورد استفاده قرار گیرد. مروری بر آمار سالمندان نشان می‌دهد رشد جمعیت سالمندان در جهان به گونه‌ای است که در سالیان آتی به ویژه کشورهای در حال توسعه با معضلی به نام انفجار جمعیت سالمندان روبه‌رو خواهند شد، امروزه بیش از ۶۰۰ میلیون نفر از جمعیت جهان را افراد بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند و براساس پیش‌بینی‌ها این رقم تا سال ۲۰۲۰ به یک میلیارد نفر و تا سال ۲۰۵۰ به بالای ۱/۹۷ میلیارد نفر خواهد رسید و پیش‌بینی می‌شود که در این سال برای اولین بار در طول تاریخ بشر تعداد افراد بالای ۶۰ سال با تعداد کودکان برابری خواهد داشت (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۸). مقوله سالمندی و سالخوردگی مفهومی جدی در مباحث جمعیتی است و براساس آمار منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال، شاخص «میزان سالخوردگی» در جهان ۲۸/۴، در آسیا ۲۵/۸ و در ایران ۲۲/۸ درصد و رتبه ایران در منطقه هفتم است. براساس تعریف سازمان ملل متحد، کشورها به سه نوع ساخت جمعیتی جوان، بزرگسال و سالخورده تقسیم می‌شوند که مشخصه آنها میزان نسبت جمعیت سالمند در این کشورهاست، به این صورت که کشورهای دارای جمعیت جوان، کشورهایی هستند که نسبت سالمند آنها زیر ۴ درصد باشد، کشورهای دارای جمعیت بزرگسال، کشورهایی هستند که نسبت سالمندان آنها بین ۴ تا ۶ درصد باشد و کشورهای با جمعیت سالخورده کشورهایی هستند که نسبت به جمعیت سالمندان آنها بیش از ۷ درصد یا بیشتر باشد. یکی از مسائل عمده جمعیتی، سالخوردگی جمعیت و پیامدهای ناشی از آن است.

توجه به مسئله جمعیت و نرخ رشد آن در جهان خصوصاً در کشورهای جهان سوم، باید همواره مورد توجه باشد. نرخ رشد بالاتر جمعیت به معنی جمعیت سالمند بیشتر در آینده خواهد بود؛ این کشورها هنوز با مشکلات ناشی از توسعه دست‌به‌گریبان هستند و به بررسی مسائل مرتبط با پیر شدن جمعیت نمی‌اندیشند در نتیجه برای آینده پیش‌بینی‌های لازم به‌عمل نیآورده و به‌طور ناگهانی با پدیده سالمندی جمعیت و دشواری‌های آن روبه‌رو خواهند شد. در کشورهای در حال توسعه سرعت سالخوردگی جمعیت بیشتر است، مدت زمان کمتری طول می‌کشد تا جمعیت سالمندان دو برابر شود؛ بنابراین، آنها آمادگی کافی برای رویارویی با این وضعیت را نخواهند داشت و این مسئله مشکلات بسیاری برای آنان به‌وجود خواهد آورد. در کشورهای در حال توسعه درصد بالایی از سالمندان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. در این کشورها سالمندان معمولاً در خانواده‌های گسترده که چند نسل را دربرمی‌گیرد زندگی می‌کنند و تعداد سالمندانی که تنها به سر می‌برند نسبت به کشورهای پیشرفته کمتر است. در کشورهای در حال توسعه، نظام‌های حمایت اجتماعی آنقدر وسیع نیستند تا همه سالمندان را پوشش دهند، خانواده مهم‌ترین پشتوانه و بهترین منبع حمایت مالی، اجتماعی و معنوی برای سالمندان محسوب می‌شود، در این بین، ایران کشوری است جهان‌سومی که در حال انتقال به دوره گذار به سر می‌برد. با توجه به تفاوت‌های مذکور، کشورهایی با شرایط کشور ما نمی‌توانند در مورد رسیدگی به مسئله پیر شدن جمعیت، از کشورهای توسعه‌یافته تقلید کرده و براساس شیوه‌های آنان برنامه‌ریزی کنند. همان‌طور که وضعیت و مسائل ما متفاوت است، نیازهای ما هم متفاوت بوده، از این‌رو سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های متفاوتی را طلب می‌کند.

در حال حاضر کشور ایران نیز مرحله انتقال ساختار سنی جمعیت از جوانی به سالخوردگی را تجربه می‌کند. در ایران نیز به مدد افزایش شاخص‌های بهداشتی و درمانی، اقتصادی و اجتماعی هم‌اینک شاخص امید به زندگی به ۷۴ سال رسیده و پیش‌بینی می‌شود جمعیت بالای ۶۰ سال ایران در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۱۰ درصد جمعیت کل کشور و در سال ۲۰۵۰ به بیش از ۲۰ درصد این جمعیت بالغ شود. نگاهی به روند افزایش جمعیت سالمندی در ایران در سالیان اخیر نشانگر این مطلب است که در سال ۱۳۳۵ که جمعیت

بالای ۶۰ سال تنها ۳/۲ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌داد در آخرین سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود ۷ درصد جمعیت ۷۰ میلیون نفری، سالمندان بالای ۶۰ سال بودند (حدود ۵ میلیون نفر) که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ میلادی به حدود ۱۰ میلیون نفر برسند. برآوردهای سازمان ملل حاکی از آن است که تا سال ۲۰۵۰ میلادی جمعیت سالمندان ایران به بیش از ۲۶ میلیون نفر افزایش می‌یابد. شدت سالمندی جمعیت ایران از سال ۱۴۱۵ به بعد خودنمایی خواهد کرد. در این مورد افزایش نسبت سالمندان ۶۰ سال و بالاتر، از حدود ۷ درصد در حال حاضر، به ۱۴ درصد در سال ۱۴۱۵ و ۲۲ درصد در سال ۱۴۲۵ خواهد رسید (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵).

با افزایش شاخص امید به زندگی، جمعیت سالمندان در ایران و جهان رو به افزایش بوده و به‌عنوان فاکتوری مهم و تأثیرگذار بر نظام اجتماعی و اقتصادی جوامع مطرح است. سالمندی با خود مسائل خاصی همراه دارد؛ افزایش ناتوانی و ضعف در سالمندی، ابتلا به چندین بیماری به‌طور هم‌زمان، ابتلا به بیماری مزمن و غیرقابل درمان قطعی، در معرض مصرف چند دارو با هم و مستعد بودن برای ابتلا به بعضی بیماری‌ها (حسن زهرایی و همکاران، ۱۳۸۳). مسلماً با مسن شدن جمعیت، بار مضاعف بیماری‌ها و افزایش خطر ناتوانی، به توسعه بیماری‌های مزمن و در نتیجه افزایش هزینه‌ها و افت سطح کیفی زندگی منجر می‌شود (کلانتری، ۱۳۷۵: ۳۶). یکی از شاخص‌های مرتبط با تحلیل ساختار سنی جمعیت، شاخص سالمندی است. مقدار این شاخص در ایران برای سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ به ترتیب برابر با ۱۵، ۱۴، ۱۷، ۱۲، ۱۲ و ۲۹ درصد به‌دست آمده است. روند این شاخص سالمندی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ تقریباً نزولی بوده و در سال ۱۳۵۵ این شاخص با روند صعودی به ۱۷ درصد رسیده است و از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ مجدداً روند نزولی را طی کرده و به ۱۲ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش داشته است؛ از آن پس به سبب کاهش سریع زادوولد و باروری در دو دهه اخیر مجدداً این شاخص روند صعودی طی کرده و به ۲۹ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. در این شاخص تفاوت محسوسی بین مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ دیده نشده است (میرزایی و شمس قهفرخی، ۱۳۸۶: ۳۲۹).

سالمند شدن جمعیت در ایران یکی از اساسی‌ترین چالش‌های نظام تأمین اجتماعی

است (راهزانی و همکاران، ۱۳۸۸) به طوری که با سالخورده شدن جمعیت، بار مالی آن بر این نظام‌ها نیز افزون‌تر شده و بایستی برای آن تدبیری جدی اندیشیده شود. دو گروه هستند که بیش از سایر افراد جامعه در معرض آسیب‌های اجتماعی، جسمی و زیست‌محیطی قرار دارند و بیش از دیگران احتمال بروز و وقوع اتفاق و حوادث برای آنان متصور است؛ این دو گروه شامل سالخوردگان و خردسالان می‌باشند. براساس آمارهای رسمی، هم‌اکنون بیش از ۵ میلیون نفر از جمعیت کشور را سالمندان تشکیل می‌دهند که با مشکلات روحی و جسمی فراوانی مانند فقر و تنگنای معیشتی، معضلات عاطفی، اختلالات حرکتی، پوکی استخوان، درد مفاصل، بیماری آلزایمر و مشکلاتی از این نوع دست‌وپنجه نرم می‌کنند (عزیزی زینالحاجلو، امینی و صادق تبریزی، ۱۳۹۴). برخی مسائل و مشکلات در کشورهای در حال توسعه بر مسئله سالمندی تأثیر می‌گذارند. از این‌رو شناخت ابعاد مسئله سالمندی و پویای فضایی (جغرافیایی) آن می‌تواند به مدیریت صحیح آن کمک کرده و برنامه‌ریزان را نسبت به پراکنش فضایی سالمندان آگاه کرده تا آنها بتوانند در تخصیص امکانات و خدمات به سالخوردگان به‌درستی اقدام کنند. بنابراین در پژوهش حاضر به دنبال بررسی و تحلیل الگوی فضایی شاخص سالمندی جمعیت ایران در سطح شهرستان‌های کشور بوده و تلاش می‌شود با انتخاب شاخص‌هایی درست و مناسب، به این سؤال پژوهشی پاسخ داده شود که الگوی توزیع فضایی شاخص سالخوردگی در جمعیت ایران به چه شکل است؟ و اینکه فضای جغرافیایی جمعیت ایران در کدام دسته‌بندی جوان، میانسال و سالخورده قرار دارد؟

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. روند تحولات جمعیت ایران

سالمندان برای جامعه بشری یک نعمت هستند و اعتقاد به دین و فرهنگ سبب شده تا فرزندان و دیگر بستگان از سالمندان محافظت و نگهداری کنند. سالخوردگی جمعیت فرایندی شناخته شده و قابل پیش‌بینی است. مهمترین عوامل مؤثر بر سالخورده شدن جمعیت، کاهش مرگ‌ومیر، خصوصاً مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان و کاهش اساسی و مستمر باروری

و به تبع آن کاهش رشد جمعیت است که باعث تغییرات اساسی در ساختار سنی جمعیت اکثر جوامع از جمله ایران شده است. سالمندی تغییرات تحلیل‌رونده خودبه‌خودی و پیش‌رونده غیرقابل برگشت است که در آن قوای روحی و جسمی هر دو به نحو چشمگیری رو به نقصان می‌گذارند (کلانتری، ۱۳۷۵: ۲۵). هرم سنی جمعیت ایرانیان، به صورت ناگهانی، روزهای اوج جوانی را پشت سر گذاشته و تا چند سال آینده با «سونامی پیری» روبه‌رو خواهد شد. برآوردهای سازمان ملل حاکی از آن است که تا سال ۲۰۵۰ میلادی یا ۴۰ سال آینده، جمعیت سالمندان ایران به ۲۶ میلیون و ۳۹۰ هزار نفر افزایش می‌یابد. جمعیت‌شناسان عنوان می‌کنند افزایش جمعیت سالمند به دلیل سالخورده شدن جمعیتی است که در سال‌های ابتدای دهه ۶۰ به طرز فزاینده‌ای به کشور اضافه شده‌اند. متولدان این سال‌ها، با فرارسیدن دوران جوانی، باعث شده بودند جمعیت ایران به عنوان جوان‌ترین جمعیت کشور نامگذاری شود و با سالخورده شدن آنها نیز تعادل هرم جمعیتی به شکل آشکاری به سمت سالخوردگی میل کرده است. موضوع پیر شدن ایرانیان، با وضعیت هرم سنی در جهان ارتباط مستقیمی دارد. مطالعات نشان می‌دهد در حال حاضر جمعیت جهان رو به سالمندی می‌رود و این روند در آینده سریع‌تر از قبل خواهد بود (احمدی، ۱۳۸۳: ۲).

۱-۲. روند تحولات جمعیت ایران از سال ۱۳۳۵-۱۳۸۵

با آغاز سرشماری‌های رسمی جمعیت در سال ۱۳۳۵ در ایران، جمعیت کشور تغییر و تحولات گسترده‌ای را تجربه کرده است. جمعیت دنیا به سرعت در حال سالخورده شدن است و بخش بزرگی از این تغییر در قرن اول هزاره سوم و در کشورهای در حال توسعه در حال شکل‌گیری است. طبق پیش‌بینی‌های بخش جمعیت سازمان ملل متحد نسبت جمعیت سالمند در جهان از حدود ۱۰/۵ درصد در سال ۲۰۰۷ به حدود ۲۱/۸ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش خواهد یافت (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۶). ایران نیز اگرچه در این راه نسبت به کشورهایی مثل چین و کره متأخر محسوب می‌شود (همان، ۲۰۰۷) اما در پی تغییرات وسیع و سریع دموگرافیک طی دو دهه اخیر به سمت سالخوردگی پیش می‌رود. در ایران، کاهش اساسی و مستمر مرگ‌ومیر به سال‌های بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم

برمی‌گردد، زیرا در این سال‌هاست که انجام واکسیناسیون‌ها در سطح گسترده و توجه به بهداشت کودکان در مدارس مطرح و به‌طور فزاینده اقدام‌هایی در این موارد صورت گرفت و کوشش‌های سازمان‌یافته‌ای به‌منظور ریشه‌کن کردن و درمان بعضی بیماری‌ها به‌خصوص مالاریا و سل انجام پذیرفت.

اولین برآوردهایی که درخصوص سطح مرگ‌ومیر از طریق ساختن جدول بقا و براساس آن محاسبه امید به زندگی صورت گرفته، بر مبنای سرشماری‌های عمومی است که در سال ۱۳۳۵ انجام گرفت. براساس این برآوردها امید زندگی در بدو تولد در ایران از ۳۷/۵ سال در سال ۱۳۳۵ به ۴۷/۵ در سال ۱۳۴۵ و ۵۷/۵ سال در سال ۱۳۵۵ و حدود ۶۹ سال در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است (میرزایی، وثوقی و ابراهیم‌پور، ۱۳۸۴: ۷۶). طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۶۴ امید زندگی ایرانیان با ۶۳ سال به سطح امید زندگی جهان و آسیا نزدیک‌تر شد؛ و در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۶۹ با امید به زندگی ۶۹ سال، در سطحی بالاتر از جهان و آسیا قرار گرفت (میرزایی، ۱۳۸۲) براساس پیش‌بینی سازمان ملل بعد از این سال‌ها هم روند صعودی خود را ادامه خواهد داد تا به امید زندگی ۷۸/۵ سال در سال ۱۴۲۹ برسد. پس از کاهش اساسی و مستمر مرگ‌ومیر از دهه ۱۳۳۰ ایران با رشد شتابان و بی‌سابقه جمعیت مواجه شد که این رشد سریع تا دهه ۱۳۶۰ استمرار یافت و جمعیت ایران در این مدت سه برابر شد و به ۵۰ میلیون نفر رسید. در اواخر دهه ۱۳۶۰ به‌ویژه در دهه ۱۳۷۰ سطح زادوولد و باروری به‌سرعت کاهش یافت و در سال ۱۳۷۵ به سه فرزند رسید و بالاخره چندین دهه بعد از شروع مرحله انتقالی مرگ‌ومیر، کشور ایران وارد مرحله انتقالی باروری شد. همچنین گفتنی است که در میان عوامل ذکر شده مؤثر بر سالمند شدن جمعیت، نقش اساسی مربوط به کاهش باروری است و نقش مرگ‌ومیر و مهاجرت جنبی و فرعی است (میرزایی، وثوقی و ابراهیم‌پور، ۱۳۸۴: ۱۳۷). نسبت جنسی برای دوره زمانی براساس جدول ۱ در سال ۱۳۸۵، بیش از ۵ میلیون نفر ۶۰ ساله و بیشتر در کشور وجود داشته است که ۷/۳ درصد کل جمعیت کشور را شامل می‌شوند. در مناطق شهری تعداد سالمندان از حدود ۲/۲۵ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ به حدود ۳/۲۸ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است؛ و به عبارتی طی دوره ۱۰ ساله جمعیت سالمند شهری حدود ۱/۵ برابر شده است. در همین دوره تعداد سالمندان مناطق

روستایی با آهنگ افزایش خیلی کندتری از نقاط شهری از حدود ۱/۷۲ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۱/۸۴ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

جدول ۱. تعداد جمعیت و درصد سالمندان ۶۰ سال و بالاتر طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵

۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	شرح	
۵۱۲۱۰۴۳	۳۹۷۸۱۲۷	۲۶۸۶۳۵۰	۱۷۷۱۶۱۴	۱۶۳۸۰۴۲	۱۱۸۳۹۸۰	کلی	تعداد
۳۲۸۰۹۳۷	۲۲۵۴۲۱۱	۱۳۸۸۳۶۱	۷۹۱۱۲۶	۵۹۸۸۳۴	۳۱۸۴۴۴	شهری	
۱۸۴۱۱۰۶	۱۷۲۳۹۱۶	۱۲۹۷۹۸۹	۹۷۹۴۸۸	۱۰۳۹۲۰۸	۹۶۳۵۴۲	روستایی	
۷/۳	۶/۶	۵/۴	۵/۲	۶/۵	۶/۲	کل	نسبت
۶/۸	۶/۱	۵/۲	۵/۱	۶/۱	۵/۳	شهری	
۸/۳	۷/۴	۵/۷	۵/۱	۶/۸	۷/۴	روستایی	

مأخذ: میرزایی، ۱۳۸۲.

جدول ۱ جمعیت سالمندان در مناطق شهری و روستایی را نشان می‌دهد. نسبت جمعیت سالمندان در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است و این در حالی است که امید زندگی در مناطق روستایی معمولاً کمتر از مناطق شهری است. علت اصلی بالاتر بودن نسبت سالمندان در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری، مهاجرت جمعیت روستایی به مناطق شهری است، این مهاجرت در بین جوانان خیلی بیشتر از سالمندان است که باعث کاهش جمعیت جوانان و افزایش نسبت سالمندان مناطق روستایی می‌شود. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد نسبت جمعیت ۶۰ سال و بالاتر ایران از سال ۱۳۴۹ تا ۱۴۱۹ کمتر از جمعیت ۶۰ سال و بالاتر جهان، آسیا، کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای بیشتر توسعه‌یافته خواهد بود و از سال ۱۴۱۹ رشد جمعیت سالمند ۶۰ سال و بالاتر، رشد سریع‌تری از دیگر مناطق می‌گیرد به طوری که در همین سال این نسبت از کشورهای کمتر توسعه‌یافته و از سال ۱۴۲۴ از جهان و از سال ۱۴۲۹ از آسیا پیشی خواهد گرفت. براساس مستندات سازمان بهداشت جهانی افراد ۶۰ سال و بالاتر سالمند شناخته می‌شوند و براساس این تقسیم‌بندی سالمندان به سه گروه ۶۰ تا ۶۹ سال سالمند، ۷۰-۷۹ سال سالمند سالخورده و ۸۰ سال و بالاتر سالمندان سالخورده‌تر تقسیم می‌شوند. نسبت درصد سالمندان، سالمندان

سالخورده و سالمندان سالخورده‌تر به کل سالمندان در سال ۱۳۳۵ به ترتیب برابر با ۶۲، ۲۶/۵ و ۱۱/۵ درصد در سال ۱۳۴۵ برابر با ۶۲، ۲۷ و ۱۱ درصد؛ در سال ۱۳۵۵ برابر با ۶۵/۵، ۲۰/۵ و ۱۴ درصد، در سال ۱۳۸۵ برابر با ۵۲، ۳۵/۵ و ۱۲/۵ درصد بوده است. نکته قابل توجه در این فرایند، سالمند شدن جمعیت است. برای بیشتر کشورها مخصوصاً ایران صرفنظر از موقعیت جغرافیایی یا مرحله توسعه، گروه سنی ۸۰ سال و بالاتر رشد بالاتری از گروه سنی جوان‌تر جمعیت سالمند دارد (میرزایی، دارابی و باباپور، ۱۳۹۶: ۳).

جدول ۲ روند نسبت جنسی سالمندان ۶۰ سال و بالاتر، ۷۰ سال و بالاتر، ۸۰ سال و بالاتر ایران در دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ را نشان می‌دهد. نسبت جنسی برای سالمندان ۶۰ سال و بالاتر از ۱۱۱ در سال ۱۳۳۵ به ۱۰۹ در سال ۱۳۵۵ رسیده و سپس روند افزایشی داشته تا سال ۱۳۷۵ که نسبت جنسی ۱۱۶ برآورد شده و پس از این سال‌ها نسبت جنسی در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته و به ۱۰۸ رسیده است. برای سالمندان ۷۰ سال و بالاتر در سال ۱۳۳۵ نسبت جنسی از ۱۰۷ به ۱۲۲ در سال ۱۳۵۵ افزایش داشته و سپس تا سال ۱۳۶۵ روند کاهشی داشته و به ۹۸ رسیده و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ دوباره روند افزایشی داشته و به ۱۱۳ رسیده و تا سال ۱۳۸۵ این نسبت ثابت مانده است. برای سالمندان ۸۰ سال و بالاتر نسبت جنسی ابتدا از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ کمی کاهش داشته و از ۱۰۵ به ۱۰۴ رسیده و اما بعد از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ روند، افزایشی بوده و به ۱۱۳ رسیده و از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۵ تقریباً ثابت مانده اما بعد از سال ۱۳۷۵ دوباره روند افزایشی داشته و به ۱۰۸ رسیده است (میرزایی و شمس قهفرخی، ۱۳۸۶: ۳).

جدول ۲. نسبت جنسی سالمندان ۶۰ سال و بالاتر، ۷۰ سال و بالاتر، ۸۰ سال و بالاتر ایران طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۸۵

سال	سالمندان	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
۶۰ سال و بالاتر	۱۱۱	۱۱۰	۱۰۹	۱۱۲	۱۱۶	۱۰۸	
۷۰ سال و بالاتر	۱۰۷	۱۱۰	۱۲۲	۹۸	۱۱۳	۱۱۳	
۸۰ سال و بالاتر	۱۰۵	۱۰۴	۱۱۳	۹۳	۹۴	۱۰۸	

مأخذ: داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵.

۱-۳. وضعیت کلی شاخص سالمندی جمعیت ایران در سال ۱۳۹۰

بی‌تردید روند پیری جمعیت ایران آغاز شده است. ترسناک‌ترین آمار رایج شده در رسانه‌ها به پیش‌بینی جمعیت ایران در سال ۱۴۲۹ یعنی ۳۴ سال دیگر مربوط می‌شود که جمعیت بالای ۶۵ سال ایران یک‌چهارم سهم کل جمعیت کشور را تشکیل خواهد داد. این در حالی است که هم‌اکنون بر مبنای سرشماری سال ۱۳۹۰ تنها حدود ۶ درصد از جمعیت ایران سنی بالای ۶۵ سال دارند. البته که این تغییرات جمعیتی شگفت‌انگیز است و نه تنها ما ایرانیان که حتی در گزارش‌های بین‌المللی، همانند گزارش سال ۲۰۱۲ سازمان ملل، نام ایران را در کنار مغولستان و کوبا به عنوان کشورهای پیری‌قرار می‌دهد که سریع‌ترین تحولات جمعیتی جهان را پشت سر می‌گذارند. اما این نگاه که صرفاً متمرکز بر سهم سالمندان از جمعیت است، شاید دلهره‌ای در ما ایجاد کند که نتوانیم تصویر مناسبی از فرصت‌های جمعیتی حال حاضر و آینده ایران داشته باشیم. ابتدا خوب است به این نکته توجه کنیم که ایران اکنون، در وضعیتی طلایی یا به گفته جمعیت‌شناسان در وضعیت پنجره یا هدیه جمعیتی قرار دارد. در حال حاضر، ۷۱ درصد از جمعیت ۷۵ میلیونی سرشماری شده سال ۱۳۹۰ در بین سنین ۱۵ تا ۶۴ سال هستند؛ و این نیروی بزرگ آماده به کار و پتانسیل رشد اقتصادی؛ اما حتی همان ۳۴ سال بعد نیز طبق برآوردهای جمعیتی، سهم جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال ایران ۶۰ درصد خواهد بود که همچنان سهم بزرگ و زیادی از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهد.

بنابراین اگر ما نگاه خوشبینانه را کنار بگذاریم، برخی واقعیت‌ها وجود دارد که توجه به آمار ۲۵ درصدی سهم سالمندان در جمعیت را جدی می‌کند. قبل از هر چیزی سرعت بسیار بالای رسیدن به این سهم از سالمندان در جمعیت است؛ یعنی در شرایطی که برای مثال دو برابر شدن سهم سالمندان کشوری همانند فرانسه بیش از صد سال طول کشید، یعنی رسیدن ۷ درصد سهم سالمند این کشور (شرایطی نزدیک به حال حاضر ایران) به ۱۴ درصد، یک قرن به طول انجامید، در ایران سه برابر شدن سهم جمعیت سالمندان تنها بیش از سه دهه به طول می‌انجامد. به تعبیری دیگر، فرانسه صد سال وقت داشت تا زیرساخت‌های لازم در زمینه‌های مستمری بازنشستگی، بیمه‌ها، مراقبت و بهداشت مناسب

سالمندان، شکل دهی به شهری مناسب رفت و آمد سالمندان و ... ایجاد کند و ایران برای شکل دهی به این زیرساخت‌ها، برای سهمی بزرگ‌تر از سالمندان، تنها سه تا چهار دهه وقت دارد. البته تغییرات جمعیتی فقط یکی از پنج تغییر بزرگی است که دنیا در حال تجربه کردن آن است و چهار مورد دیگر مربوط است به دگرگونی‌های دیجیتال، جهانی شدن، شهری شدن و تغییرات آب و هوایی. این تغییرات بر زندگی همه ما و البته سالمندان اثرگذار است. این تحولات جهانی البته در هر منطقه‌ای با مختصات بومی آن منطقه تجربه شده است. برای مثال، در ایران تغییر سهم ۷۰ درصد روستایی و ۳۰ درصد شهری به وضعیتی کاملاً برعکس، تنها در چند دهه و اضافه کردن این نکته که بسیاری از جوانان روستایی بودند که به سمت شهرها مهاجرت کردند، برای اولین بار ما را با تجربه سالمندان کلان‌شهرها مواجه کرده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

به تعبیری دیگر، ما برای اولین بار با حجم بالایی از سالمندانی مواجه‌ایم که پس از جدا شدن از محیط روستایی خود و به تعبیری جدا شدن از الگوهای رفتاری و جایگاهی که در چنین محیط‌هایی داشتند، حالا قرار است سالمندی خود را در محیطی جدید تجربه کنند. اثر برخی دیگر از این تحولات جهانی را شاید در آینده بیشتر مشاهده کنیم. برای مثال، دگرگونی‌های دیجیتال می‌تواند در آینده در شیوه‌های مراقبت از سالمندان ایرانی نقشی جدی ایفا کند. برای این نکته خوب است نگاهی بیندازیم به نسبت حمایت بالقوه از فرد سالمند در سال ۱۴۲۹ شمسی که برای هر سالمند به چیزی کمتر از سه نفر خواهد رسید. این در شرایطی است که این نسبت در سالی همانند ۱۳۷۹ بیش از ۱۴ نفر برای هر سالمند بود. از این رو، چه بسا روش‌های نوین مراقبت از سالمند از طریق اینترنت و ... جایگزین روش‌های قبلی حضور اعضای خانواده در کنار سالمند شود. ایران در سده گذشته تغییرات بزرگی را از سر گذرانده است که بر تجربه سالمندی بسیار مؤثر بوده است. شاید بهتر است این دو مورد را نیز از قلم نیندازیم که امید به زندگی در ایران در همین یک صد سال اخیر با افزایش از ۳۰ سالگی در سال ۱۳۰۰، هم‌اکنون به ۷۴ سالگی رسیده است. همچنین ظهور نظام بازنشستگی در ایران بسیار مهم است که به نوبه خود نقش بسیار مهمی در تجربه‌ای متفاوت از سالمندی ایفا کرده است (همان). از طرفی داده‌های

آماري منبع آمار ايران در سال ۱۳۹۰ و همچنين مطالعات سازمان ملل متحد ميزان سالخوردگان را در ايران ۸/۲۶ درصد اعلام کرده است. جمعيت سالمندان براساس سرشماری های عمومی نفوس و مسکن کشور طی سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ نزدیک به چهار برابر (در حدود ۶/۲ ميليون نفر) شده است؛ و بيشتر اين سالمندان در مناطق شهري ساکن هستند. برآوردهای رسمی بيانگر آن است که در صورت تداوم روند موجود جمعيت سالمند تا سال ۱۴۰۵ به مرز ۱۵/۵ ميليون خواهد رسيد. براساس گزارش سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ايران، بالاترين درصد جمعيت سالمندان در استان های گيلان ۸/۱، مرکزی ۷/۴، خراسان جنوبي ۷/۳، آذربايجان شرقي ۷/۱ و همدان ۶/۸ درصد بوده و کمترین درصد جمعيت سالمندان در استان های سيستان و بلوچستان با ۳/۲، هرمزگان با ۳/۹، بوشهر با ۳/۹ درصد ديده شده است (همان).

۴-۱. شاخص های اندازه گیری سالخوردگی براساس استانداردهای سازمان ملل متحد ۲۰۱۵

با کاهش نسبت جوانی جمعيت در جهان به تبع، نسبت پيري يا سالخوردگی جمعيت افزايش پيدا خواهد کرد. در نيم قرن اخير نسبت کودکان (۰-۱۴) سال از ۳۴ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۳۰ درصد در سال ۲۰۰۰ کاهش يافته است. طی ۵۰ سال آینده تعداد کودکان به یک سوم کاهش خواهند يافت، به طوری که در سال ۲۰۵۰ سهم افراد ۶۰ ساله و بيشتر برای اولين بار در تاريخ بشريت با تعداد افراد ۱۵ سال (۰-۱۴) مطابقت خواهد يافت (نرخ سالمندی ۲۱ درصد می شود). در اين بين نسبت افراد ۱۵ تا ۵۹ سال تغيير زيادی نخواهد کرد. به طوری که اين مقدار از ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۵۸ درصد در سال ۲۰۵۰ کاهش خواهد يافت (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵). اين مقدار در بين نواحی توسعه يافته که در حال حاضر نسبت افراد مسن بيشتر از کودکان است در سال ۲۰۵۰ دو برابر خواهد شد. در سال ۲۰۰۰ در مناطق توسعه يافته تر نسبت سالمندان به کودکان کمی بيشتر (۱۹ درصد افراد سالمند) بوده است. از طرفی افراد زیر ۱۵ سال در اين سال (۲۰۰۰) ۱۵ درصد بوده است که در سال ۲۰۵۰ نسبت کودکان به ۱۶ درصد افزايش يافته درحالی که نسبت سالمندی به ۳۴ درصد افزايش خواهد

یافت (از ۱۹ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۳۴ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید). کودکان به‌عنوان طلایه‌داران نسل بشریت تا ورود به سن ۱۵ سالگی در واقع تجدیدکننده و نشان‌دهنده نسل نو و جوانی جمعیت می‌باشند اما این گروه سنی و به‌خصوص گروه ۱۵ تا ۵۹ سال که سن اشتغال و فعالیت است در بیشتر مناطق توسعه‌یافته به‌شدت کاهش می‌یابد. به‌طوری‌که این گروه سنی از ۶۲ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۵۱ درصد در سال ۲۰۵۰ کاهش خواهد یافت. سرعت توزیع تغییرات در گروه‌های سنی در مناطق کمتر توسعه‌یافته کم بوده ولی این روند در ۵۰ سال آینده روند رو به رشد بیشتری خواهد داشت. از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۰۰ نسبت افراد بالای ۶۰ سال در مناطق کمتر توسعه‌یافته تنها ۶ تا ۸ درصد افزایش داشته، درحالی‌که نسبت کودکان زیر ۱۵ سال از ۳۸ درصد به ۳۳ درصد کاهش یافته است. با توجه به پیش‌بینی‌های اخیر انتظار می‌رود در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰ نسبت افراد مسن‌تر با افزایش چشمگیری روبه‌رو خواهد شد. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که محدوده سالمندی در اروپا تا ۲۶۳ درصد و آفریقا کمتر از ۳۷ درصد خواهد رسید. این امر نشان می‌دهد که در نیم قرن آینده در اروپا و آفریقا در مقابل هر کودک زیر ۱۵ سال سه نفر سالمند بالای ۶۵ سال خواهد بود.

۵-۱. شاخص سالخوردگی

در نیم قرن آینده شاخص سالخوردگی بیش از سه برابر خواهد شد. نسبت افراد ۶۰ سال به بالا به نسبت افراد زیر ۱۵ سال در نیم قرن اخیر از ۲۴ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۳۳ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است و پیش‌بینی می‌شود این مقدار در نیم قرن آینده سه برابر شود. در سال ۲۰۵۰ در مقابل هر ۱۰۰ کودک ۱۴-۰ سال ۱۰۱ نفر فرد سالمند خواهد بود؛ و این امر می‌تواند به تغییر در روند بهره‌برداری از منابع مشترک بین نسلی بینجامد (همان، ۲۰۱۲: ۶). شاخص سالمندی در بیشتر مناطق توسعه‌یافته بالا بوده اما در نواحی کمتر توسعه‌یافته این وضعیت دارای رشد سریع است. تا سال ۲۰۰۰ تنها ۲۳ نفر سالمند ۶۰ سال و یا بیشتر در مقابل هر ۱۰۰ کودک ۱۴-۰ سال قرار داشته که این نسبت در ۵۰ سال آینده چهار برابر خواهد شد و انتظار می‌رود به ۸۹ درصد در سال ۲۰۵۰ برسد (همان، ۲۰۱۵). طی این دوره، پیش‌بینی می‌شود شاخص سالمندی از ۱۰۶ به ۲۱۵ درصد کودکان ۱۴-۰ در سال ۲۰۵۰ برسد.

۲. روش تحقیق

هدف از تحقیق حاضر تحلیل فضایی وضعیت سالخوردگی جمعیت ایران است. این تحقیق با استفاده از روش تحلیل ثانویه (فراتحلیل) تنظیم شده است. در مرحله اول با توجه به هدف تحقیق که به دنبال ارزیابی شاخص سالخوردگی در پهنه جغرافیایی کشور به تفکیک شهرستان بوده، براساس استانداردهای جهانی اندازه گیری، شاخص های اساسی در زمینه سالخوردگی از وبسایت سازمان ملل (بخش جمعیت) استخراج شد که از جمله آنها می توان به شاخص سالمندی، نسبت سالمندی، نسبت جوانی جمعیت، نسبت پیری جمعیت، نسبت حمایت معنوی یا پدر و مادر، نسبت حمایت بالقوه، نرخ باروری عمومی و نسبت جنسی اشاره کرد. این شاخص ها در همه شهرستان های ایران محاسبه و نتایج حاصل از آن وارد نرم افزار ArcGis شد و با استفاده از ابزارهای تحلیل فضایی به بررسی و تحلیل فضایی وضعیت سالخوردگی جمعیت ایران به تفکیک شهرستان های کشور پرداخته شد که نمود فضایی آن به صورت نقشه هایی با طیف رنگی و در پنج گروه نمایش داده شده است.

جدول ۳. تعریف عملیاتی شاخص های سالخوردگی

شاخص	تعریف عملیاتی شاخص	فرمول
شاخص سالمندی	نسبت افراد ۶۰ سال به بالا به نسبت افراد ۱۴ سال و کمتر	$\frac{> 64}{< 14} * 100$
نسبت سالمندی	نسبت افراد ۶۵ سال به بالا به کل جمعیت	$\frac{> 64}{all\ people} * 100$
نرخ باروری عمومی	تعداد کودکان متولد شده از مادران در دامنه سنی ۱۵-۴۹ سال در طول یک سال	$\frac{< 1\ \text{کودکان}}{15 - 49\ \text{زنان}} * 1000$
نسبت حمایت پدر و مادر	محاسبه این شاخص به صورت نسبت افراد ۸۵ سال به بالا به افراد ۵۰ تا ۶۴	$\frac{< 85}{\sum(50-64)} * 100$
نسبت جوانی	نسبت جمعیت ۱۴ - ۰ سال به جمعیت ۶۵ - ۱۵ سال	$\sum_0^{14} p \geq 40\% \sum_0^w p$
نسبت پیری	نسبت افراد ۶۵ سال به بالا به افراد ۱۵-۶۴	$\frac{> 64}{15 - 65} * 100$
نسبت حمایت بالقوه	تعداد افراد ۱۵ تا ۶۵ سال نسبت به افراد ۶۵ سال و بیشتر	$\frac{15 - 65}{> 65} * 100$

شاخص	تعریف عملیاتی شاخص	فرمول
نسبت جنسی	نسبت تعداد مردان تقسیم بر تعداد زنان در یک جامعه	$\frac{\text{مردان}}{\text{زنان}} * 100$

مأخذ: مطالعات نگارندگان.

۱-۲. شاخص‌های سنجش میزان سالخوردگی در جمعیت ایران

از بین شاخص‌های مستخرج شده براساس تجربه‌ها و مطالعه‌های گسترده در ایران و جهان، تنها به هشت شاخص که قابلیت بررسی در جمعیت ایران داشته و اطلاعات پایه برای آنها موجود بود اکتفا شده است. از آنجا که این شاخص‌ها دارای بار معنایی مشخص بوده و در جدول بالا تعریف عملیاتی شده‌اند، تنها چند شاخص را که از نظر مفهومی، قدری گنگ بوده، توضیح داده شده است.

۱-۱-۲. نسبت پیری جمعیت

علاوه بر نسبت سالمندی کل که از روش تقسیم افراد ۶۵ سال به بالا بر کل جمعیت سرزمین محاسبه می‌شود، شاخص نسبت پیری نیز شاخصی است که در جامعه نشان‌دهنده نسبت افراد ۶۵ سال به بالا به نسبت افراد ۶۴-۱۵ است. هر قدر این نسبت بالاتر باشد نشان‌دهنده پیری در آن جامعه است. این شاخص در واقع نشانگر میزان وابستگی جمعیت (نیاز) به حمایت‌های اجتماعی است؛ و منظور این شاخص میزان وابستگی افراد ۶۰ سال به بالا یا کودکان کمتر از ۱۵ سال که از برخی جهات به گروه‌های سنی فعال (۶۵-۱۵) وابستگی دارند. این حمایت‌ها همچنین ممکن است درون خانواده، یا از طریق مذهب یا نهاد اجتماعی و یا از سوی دولت ارائه شود. در مناطق توسعه‌یافته انتظار می‌رود نسبت وابستگی تا سال ۲۰۲۵ به ۵۷ درصد برسد. این مقدار در سال ۲۰۰۰، ۴۸ درصد بوده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۵۰ به ۷۳ درصد خواهد رسید. در نواحی روستایی ایران پیر شدن یا پیرشدگی در جمعیت روستایی به شدت بالا بوده که راه‌حل‌های مقتضی و عاجل را طلب می‌کند (همان).

۲-۱-۲. نسبت حمایت پدر و مادر

این شاخص برای اندازه‌گیری میزان حمایت و ارزیابی میزان پاسخ به تمایلات افراد سالخورده در گروه‌های خانوادگی است. اکثر مردم در سن ۵۰ یا ۶۰ سالگی به احتمال قوی به احترام و محبت، توجه و حمایت پدر یا مادر و سایر بستگان، بیشتر محتاج‌اند. این نسبت در مناطق توسعه‌یافته به جهت بالا بودن زمان طولانی سن افراد از نسبت بالایی برخوردار است. انتظار می‌رود این نسبت از دو نفر در سال ۲۰۰۰ به هشت نفر در سال ۲۰۵۰ برسد. پس در نیم قرن آینده این شاخص چیزی در حدود ۱۲ نفر را دربرمی‌گیرد. در مناطق توسعه‌یافته‌ای چون ژاپن نسبت حمایت پدر و مادر بسیار بالاست. این نسبت که در مناطق توسعه‌یافته ۹ درصد در سال ۲۰۰۰ بود پیش‌بینی می‌شود به ۲۸ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش یابد. فرانسه در حال حاضر از بالاترین حمایت پدر و مادر در جهان برخوردار است. پیش‌بینی می‌شود که ژاپن تا سال ۲۰۵۰ با ۵۶ درصد بالاترین نسبت حمایت پدر و مادر را به‌خود اختصاص دهد. در همان سال، تعداد زیادی از مردم بیش از ۸۵ سال در مقابل هر صد نفر در گروه سنی ۶۵-۵۰ سال قرار می‌گیرد و انتظار می‌رود این تعداد به ۳۰ درصد در ۱۵ کشور به‌خصوص عمدتاً در اروپا اتفاق افتد (همان).

۲-۱-۳. نسبت حمایت بالقوه

نسبت حمایت بالقوه در واقع روشی جایگزین برای بیان رابطه عددی بین کسانی که توان اقتصادی ندارند و از این لحاظ وابسته به گروه‌ها یا افراد دیگری هستند. این شاخص در واقع برعکس نسبت وابستگی است که در آن نسبت تعداد افراد در سن فعالیت به تعداد افراد ۶۵ سال و بالاتر قرار دارند در واقع در شاخص نسبت حمایت بالقوه باید محاسبه شود که در مقابل هر فرد ۱۵ تا ۱۶ سال که در سن فعالیت هستند، چند نفر ۶۵ ساله و بالاتر قرار دارند. انتظار می‌رود که تعداد افراد در گروه سنی ۶۵-۱۵ سال در ۵۰ سال آینده به ۵۰ درصد برسد. در طول ۵۰ سال گذشته تعداد افراد ۱۵ تا ۶۵ سال به نسبت افراد ۶۵ سال و بالاتر در سطح جهانی با کمی بیشتر از ۰/۲ درصد کاهش یافته است. به طوری که این مقدار از ۱۱/۶ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۹/۱ درصد در سال ۲۰۰۰ سقوط کرده است. باین حال انتظار می‌رود در نیم قرن آینده تا سال ۲۰۵۰ تعداد افراد در سن کار برای هر فرد سالمند

بالای ۶۵ سال در سطح جهانی به ۴/۱ نفر کاهش پیدا کند. این مقدار در سطح جهانی روندی این گونه خواهد داشت که با کاهش ۵۶ درصدی؛ نسبت به سال ۲۰۰۰، در مناطق توسعه یافته با ۵۵ درصد کاهش به ۲/۲ نفر نسبت به هر سالمند در این مناطق خواهد رسید. این شاخص گویای وضعیت تحت حمایت هر سالمند توسط افراد در سن فعالیت است. طبق آخرین آمار سازمان ملل این نسبت برای ایران در سال‌های اخیر تا ۱۵ نفر برای هر سالمند بوده که با نزدیک شدن به نیمه اول هزاره سوم به شدت کاهش خواهد یافت. به ازای هر سالمند ۱۵ نفر در گروه سنی فعالیت داشته و حامی سالمند می‌باشند (همان).

۴-۱-۲. نسبت جوانی جمعیت

محاسبه این شاخص به این جهت بوده است که میزان جوانی جمعیت در یک سرزمین را نشان دهد. چنانچه میزان این شاخص در سرزمینی به ۴۰ درصد برسد آن کشور با جوانی جمعیت روبه‌روست. میزان جوانی جمعیت را با تست ورتهایم می‌سنجند. ورتهایم نماد ریاضی این رابطه است. به جمعیتی که رابطه مزبور در آن صدق کند، جمعیت جوان گفته می‌شود (همان، ۲۰۱۲).

۵-۱-۲. نسبت جنسی

نسبت تعداد مردان تقسیم بر تعداد زنان در یک جامعه را گویند. نسبت جنسی ممکن است برای کل جمعیت و برای یک گروه سنی خاص محاسبه شود. نسبت جنسی انسانی در دانش انسان‌شناسی و جمعیت‌شناسی به معنای نسبت جنسیتی بین دو جنس مرد و زن در گونه انسان است. همچون دیگر گونه‌های جنسی در گونه انسان نیز نسبت جنسیتی مرد به زن برابر است با یک به یک (مقابل هر زن یک مرد). در گونه انسان، نسبت جنسیتی ثانویه نوزادان پس از تولد برابر است با ۱۰۵ پسر در مقابل ۱۰۰ دختر؛ مطلبی که همواره از نظر علمی مورد بحث بوده است. نسبت جنسیتی در تمام جمعیت جهان برابر است با ۱۰۰ مرد در مقابل ۹۹ زن. دلایل عدم توازن بین دو جنس ممکن است از عوامل طبیعی و تلفات جنگی تا کنترل عمدی جنسیت و کشتار جنسیتی در نوسان باشد. در زمینه جنسیت، اطلاعات ما درباره گونه انسان بیش از گونه‌های دیگر است؛ اما تفسیر این اطلاعات کاری دشوار است. نسبت جنسیتی

انسان را می‌توان از چهار منظر، چه در ابتدای تولد و چه در جامعه، مورد بررسی قرار داد:

۱. نسبت جنسی مرد به زن، ۲. نسبت جنسی زن به مرد، ۳. جمعیت مردان و ۴. جمعیت زنان. معمولاً در دانش‌های مختلف نسبت جنسیتی را با جمعیت مردان می‌سنجند (همان، ۲۰۱۴).

نسبت جنسی نقش بسیار مؤثری در میزان سالخورده شدن جمعیت دارد.

۳. یافته‌های تحقیق

با توجه به مجموع مباحث مطرح شده در خصوص وضعیت سالخوردگی جمعیت و روند آن در سال‌های آینده و از سویی با توجه به مجموعه عناصر و عوامل مورد بررسی این شاخص در جهان، تلاش شد تا وضعیت سالخوردگی را در بدنه جمعیت ایران مورد ارزیابی قرار داده و روند فضایی این پدیده بسیار مهم و پیچیده که می‌تواند نقش بسیار مؤثری در وضع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی داشته باشد را در جغرافیای زیستی ایران بررسی کرده و با دیدی کلی و با بیانی توصیفی و بصری، مدیران و کارشناسان تمام حوزه‌ها را نسبت به این امر مطلع سازد. در اینجا نتایج حاصل از داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران به صورت جداگانه و شاخص به شاخص به صورت نقشه و با طیفی از رنگ‌ها در پنج گروه از کم به زیاد دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند.

۳-۱. شاخص سالمندی جمعیت ایران در سال ۱۳۹۰

با توجه به مباحث مطرح شده در این تحقیق، شاخص سالمندی را با توجه به نسبت آن به تعداد کودکان زیر ۱۵ سال محاسبه کرده تا یک برابری از این دو داشته باشند. جمعیت‌شناسان معتقدند چنانچه نسبت این شاخص به صورت صعودی در سال‌های متوالی افزایش داشته باشد، گویای این واقعیت است که از میزان باروری در جامعه کاسته و جمعیت به شدت در حال حرکت و به سوی سالمندی است. نگرش و حساسیت در این خصوص باید بسیار مهم و واکنش‌برانگیز باشد؛ زیرا زمانی که سن یک جامعه به این سمت تمایل دارد، هزینه‌های غیرقابل پرداختی برای جامعه خواهد داشت؛ زیرا در این صورت سالمندان، حامی خانوادگی نداشته و با کاهش نسبت جوانی، دولت‌ها هستند که باید برای حمایت از این قشر آسیب‌پذیر امکانات

رفاهی را تأمین کنند. الگوی فضایی این شاخص برای ایران در نقشه ۱ نشان داده شده است. همان‌طور که در نقشه توزیع فضایی این شاخص مشاهده می‌شود، نسبت این شاخص از ۶ نفر در جنوب شرق ایران تا ۱۴۷ نفر شمال شرق متغیر بوده و نشان می‌دهد هسته مرکزی ایران و به‌خصوص شمال شرق ایران، نسبت شاخص سالمندی بسیار بالا بوده و گویای آن است که در این مناطق شدت باروری کم، مهاجرت جمعیت بالا بوده و پیر شدن جمعیت با شدت بیشتر در حال وقوع است. با توجه به گزارش سازمان ملل متحد، جمعیت ایران با شدت بالایی در حال حرکت به سمت سالمندی است. با استناد به گزارش بخش جمعیت‌شناسی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵، شاخص سالمندی در ایران چیزی در حدود ۸/۲۶ درصد است که نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

نقشه ۱. شاخص سالمندی جمعیت ایران براساس داده‌های سال ۱۳۹۰



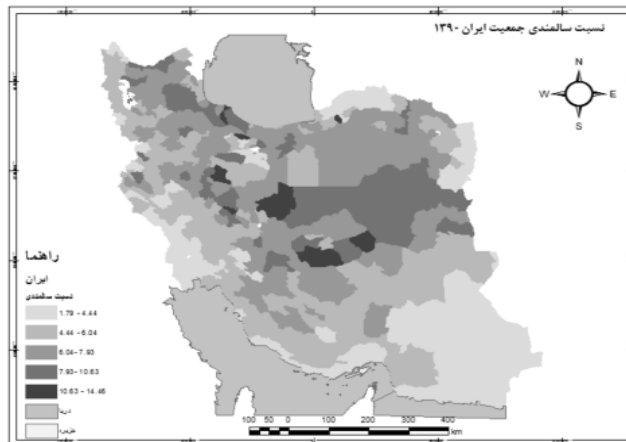
مأخذ: ترسیم نگارندگان.

۲-۳. نسبت سالمندی

شاخص نسبت سالمندی در واقع نشان‌دهنده نسبت سالمندان به کل جمعیت است. این شاخص نشان می‌دهد که از کل جمعیت ساکن در یک منطقه (هر دو جنس) چند درصد سالمند هستند. چنانچه این نسبت در هر کشوری به ۷ درصد برسد، آن کشور سالمند تلقی می‌شود. در توزیع این شاخص در شهرستان‌های ایران باید به این نکته اشاره کرد که با توجه

به شرایط حاکم بر فضای جغرافیایی آنها این شاخص در بیشتر شهرستان‌ها درصد بالایی را به خود اختصاص داده و نشان‌دهنده این نکته است که فضا (جامعه) به سمت سالمندی در حال حرکت است. الگوی فضایی این شاخص با شاخص سالمندی هم‌جهت بوده و نشان می‌دهد که با افزایش میزان سالمندان در مقابل کاهش نسبت نرخ باروری عمومی، نسبت سالمندان رو به افزایش بوده که این امر در مناطق مرکزی و در نقاط شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها با شدت بیشتری نمایش داده شده است. آهنگ سالخورده شدن جمعیت ایران در این شاخص به صورت آرام و با روندی همگن در کل فضا در حال شکل‌گیری است که در آینده می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. نسبت توزیع فضایی این شاخص از ۲ درصد در جنوب شرقی ایران تا ۱۴ درصد در مناطقی از ایران مرکزی متفاوت است.

نقشه ۲. شاخص سالمندی جمعیت ایران براساس داده‌های سال ۱۳۹۰



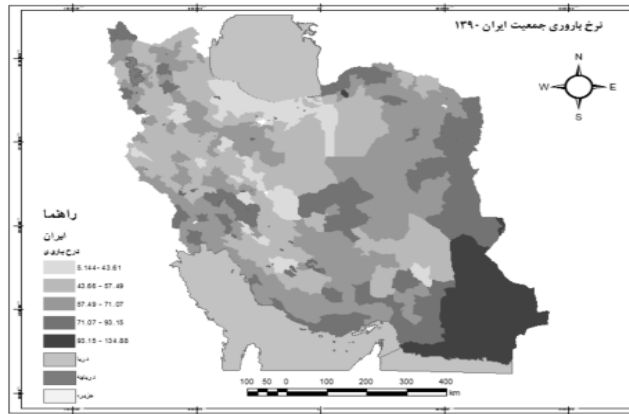
مأخذ: همان.

۳-۳. نسبت باروری عمومی

یکی دیگر از شاخص‌های مهم برای سنجش میزان سالخوردگی جمعیت در یک مکان، نسبت باروری عمومی است که برای محاسبه این شاخص تعداد کودکان زیر یک سال را بر زنان ۱۵ تا ۴۹ سال (زنان در سن باروری) تقسیم و براساس نسبت از ۱۰۰۰ در یک منطقه مشخص می‌شود. به این مفهوم که از مجموع هر ۱۰۰۰ زن ازدواج کرده در یک سال چند

بچه به دنیا می‌آید. نقشه شاخص نسبت باروری عمومی نشان می‌دهد که توزیع جغرافیایی این شاخص در کل کشور با توجه به سابقه باروری در ایران نسبتاً بالا بوده اما این وضع در شرق و به خصوص نیمه جنوب شرقی ایران؛ استان سیستان و بلوچستان به شدت بالاست. این نسبت از نواحی شمال شرق (استان‌های خراسان شمالی، رضوی و جنوبی، سیستان و بلوچستان، بندرعباس، هرمزگان، خوزستان) به صورت یک نوار کشیده تا غرب کشور باروری عمومی بالایی به نسبت سایر مناطق ایران می‌باشند. نسبت باروری عمومی رابطه بسیار مهمی با میزان سالخوردگی دارند. هرچه میزان این شاخص بالاتر بوده، جوانی جمعیت در کوتاه‌مدت بالا و میزان سالخوردگی کمتر است. نسبت این شاخص به صورت پنج نفر در هر ۱۰۰۰ زن ۱۵ تا ۴۹ سال ازدواج کرده، در منطقه شمالی کشور تا ۱۳۴ نفر در جنوب شرقی ایران متغیر است.

نقشه ۳. شاخص باروری عمومی جمعیت ایران براساس داده‌های سال ۱۳۹۰



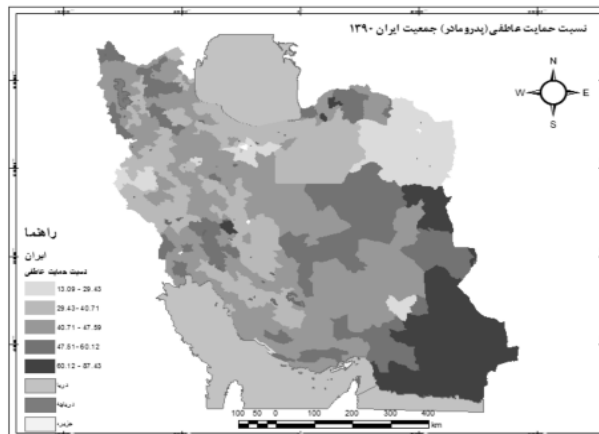
مأخذ: همان.

۳-۴. نسبت حمایت پدر و مادر

این شاخص برای اندازه‌گیری میزان حمایت و ارزیابی میزان پاسخ به تمایلات افراد سالخورده در گروه‌های خانوادگی است. اکثر مردم در سن ۵۰ یا ۶۰ سالگی به احتمال قوی به احترام و محبت، توجه و حمایت پدر یا مادر و یا سایر بستگان بیشتر محتاج‌اند. این نسبت در مناطق توسعه‌یافته به جهت بالا بودن زمان طولانی سن افراد از نسبت بالایی برخوردار است. انتظار

می‌رود این نسبت از دو نفر در سال ۲۰۰۰ به هشت نفر در سال ۲۰۵۰ برسد. پس در نیم قرن آینده این شاخص چیزی در حدود ۱۲ نفر را دربرمی‌گیرد. توزیع فضایی این شاخص برای جمعیت ایران، گویای آن است که هرچقدر از مرکز فاصله گرفته و به سمت نواحی حاشیه و مرزی ایران حرکت کنیم (مناطق محروم از رشد و توسعه)، این شاخص از مطلوبیت بالایی برخوردار است؛ یعنی در مناطق حاشیه‌ای به دلیل استقرار قومیت‌های اصیل ایرانی و یک دست بودن جغرافیای جنسیت، با توجه به شرایط فرهنگی و اعتقادی حاکم، میزان زادوولد بالاتر بوده که این خود سبب می‌شود تا سالخورده‌گان از تعداد بیشتری از افراد در سنین بالاتر به‌عنوان نوه یا نتیجه و نبیره بهره برده که آنها از گروه‌های سالخورده حمایت می‌کنند. به این جهت این شاخص در نوار حاشیه‌ای به‌خصوص مناطق کم‌بهره از رشد و توسعه به ظاهر مطلوب بوده هرچند می‌تواند زمینه‌ساز مهاجرت در آینده نزدیک باشد. این شاخص، سالمندان را از نظر تعداد افرادی که ممکن است در پیری از آنها حمایت شود را بررسی می‌کند. با توجه به نقشه ۴، مقدار این شاخص برای جمعیت سالخورده ایران از ۱۳ نفر به ازای هر سالمند در شمال شرق کشور تا ۸۷ نفر در جنوب شرق ایران متغیر است.

نقشه ۴. شاخص حمایت پدر و مادر جمعیت ایران براساس داده‌های سال ۱۳۹۰



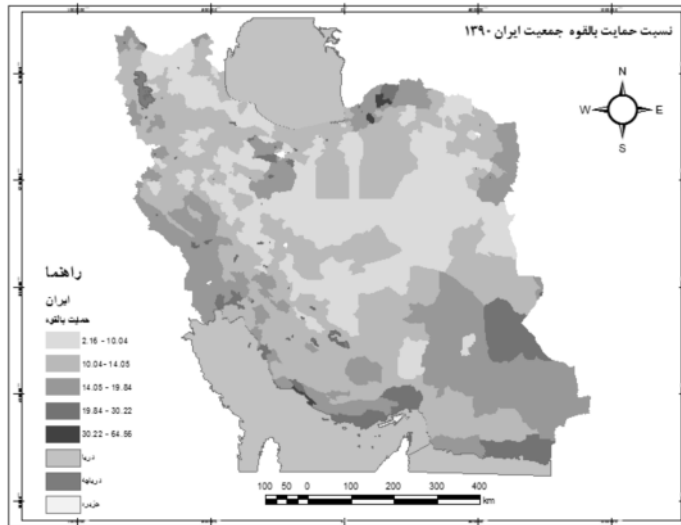
مأخذ: همان.

۳-۵. حمایت بالقوه

از شاخص‌های مهم و حساس در ارتباط با وضعیت سالخورده‌گی، شاخص حمایت بالقوه

است. این شاخص گویای این مفهوم است که در قبال هر فرد ۶۵ سال به بالا چند نفر در سن فعالیت (توانایی انجام کاری یا می توان گفت کسانی که می توانند از سالمندان حمایت مالی یا عاطفی کنند) وجود دارد. در واقع باید گفت که در مقابل هر فرد پیر چند نفر در گروه سنی فعالیت وجود دارند که از ایشان حمایت کنند. نتایج آمارهای سازمان ملل نشان می دهد در کشورهای در حال توسعه چون ایران که وارد مرحله گذار جمعیتی شده است تا دهه نود این نسبت ۱۵ به ۱ بوده است؛ یعنی در قبال هر نفر سالمند بالای ۶۵ سال ۱۵ نفر در فاصله سنی ۱۵ تا ۶۴ سال بوده که از ایشان حمایت همه جانبه می کردند؛ اما با گذشت زمان و کاهش نرخ باروری در ایران این نسبت رو به کاهش بوده و در سال های آینده با نرخ نزولی شدیدتری روبه رو خواهد بود. همان طور که در گزارش سازمان ملل متحد آمده است این وضعیت برای بسیاری از کشورها به خصوص اروپا با شدت بیشتری بروز کرده و شاید به یک بحران جهانی تبدیل شود. توزیع فضایی این شاخص با میزان سطح و درک و آگاهی مردم از بحث تنظیم خانواده شاید هم تقریباً همخوانی داشته باشد. نوار مرزی ایران گویای این نکته است که به سبب بالا بودن زادوولد به دنبال آن نسبت حمایت بالقوه در وضعیت مطلوب تری خواهد بود و هرچقدر به مناطق مرکزی و شمالی ایران نزدیک شده این شاخص از تراکم طیف رنگی کمتری برخوردار بوده است (نقشه ۵). اما در مناطق حاشیه ای کشور نمی تواند نماد خوبی باشد؛ زیرا در این مناطق هرچند تعداد افراد ۱۵ تا ۶۵ سال به نسبت سایر مناطق بیشتر بوده ولی به سبب وضعیت اقتصادی حاکم، این گروه تنها سربار جامعه و مصرف کننده صرف می باشند که خود به توجه از سوی نهادها و سازمان های مرکزی (دولت مرکزی) نیازمندند. نسبت این شاخص یعنی افراد در گروه فعالیت که می توانند از سالمندان و کودکان زیر ۱۵ سال حمایت کنند، در جمعیت سال ۱۳۹۰ ایران از دو نفر تا ۶۵ نفر در پهنه جغرافیایی کشور متغیر بوده است.

نقشه ۵. شاخص حمایت بالقوه جمعیت ایران بر اساس داده‌های سال ۱۳۹۰



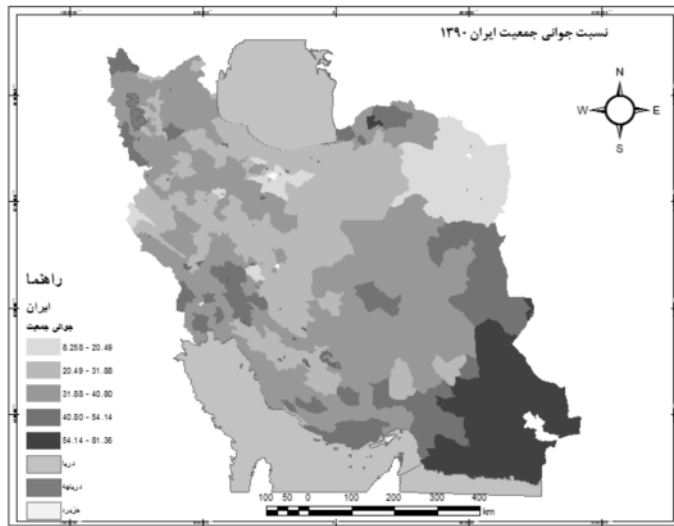
مأخذ: همان.

۳-۶. نسبت جوانی جمعیت

یکی دیگر از شاخص‌های سنجش میزان سالخوردگی جمعیت در یک فضای جغرافیایی نسبت جوانی است. نسبت جوانی جمعیت یک شاخص مهم و اساسی در مقابل شاخص سالخوردگی است. این شاخص گویای این مفهوم اساسی است که هر اندازه میزان نسبت افراد صفر تا ۱۴ سال بالا باشد (بیشتر از ۴۰ درصد) می‌توان گفت که با مسئله جوانی جمعیت مواجه است. این شاخص ارتباط زیادی با شاخص باروری عمومی دارد. اگر میزان باروری عمومی بالا باشد در واقع می‌توان گفت که شاخص نسبت جوانی نیز از وضعیت خوبی برخوردار است. با نگاهی به وضعیت توزیع جغرافیایی این شاخص در ایران با توجه به داده‌های سالنامه آماری سال ۱۳۹۰، در استان‌های مرزی به خصوص شرق، جنوب شرقی ایران و با اندکی کاهش در جنوب غربی، این شاخص پررنگ‌تر بوده و نشان می‌دهد که میزان زادوولد در این استان‌ها هنوز زیاد بوده است. به‌طور کلی با کمی اغماض می‌توان گفت که نسبت جوانی جمعیت ایران به نسبت پراکندگی یک‌دست‌تری داشته و این نشان می‌دهد که ایران هنوز در پنجره طلایی جمعیتی است. در ضمن باید گفت که جوان بودن

جمعیت حاشیه کشور می تواند همواره تهدیدی برای مرکز باشد؛ زیرا جمعیت جوان یعنی نیاز به کار و شغل و اقتصاد که اگر در حاشیه ایجاد نشود، گروه های فعال را به سمت مرکز یا به سمت فعالیت های زیرزمینی سوق می دهد. در جریان این فرایند، مهاجرت کلیدی ترین اثر این جریان نابرابر فضایی را شکل خواهد داد. مقدار این شاخص در جمعیت سال ۱۳۹۰ ایران از ۸ درصد در شمال شرق کشور تا ۸۱ درصد، در جنوب شرقی ایران متغیر بوده است.

نقشه ۶. شاخص جوانی جمعیت ایران براساس داده های سال ۱۳۹۰



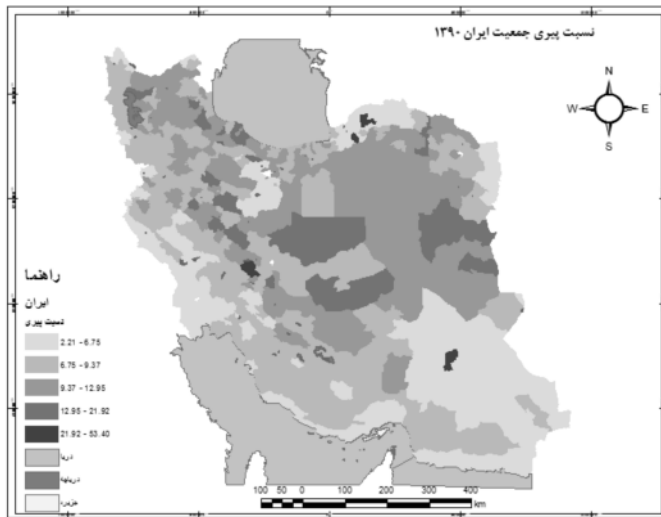
مأخذ: همان.

۳-۷. نسبت پیری

این شاخص براساس تقسیم جمعیت ۶۵ سال به بالا بر ۱۵ تا ۶۴ سال محاسبه می شود. این نسبت در واقع نشان می دهد که در برابر هر فرد سالمند چه تعداد افراد ۱۵ تا ۶۴ سال قرار گرفته اند. اهمیت این شاخص به جهت نمایش خالص جمعیت سالخورده و کم توان در قبال گروه سنی فعال است. این شاخص هرچقدر نسبت بالایی داشته باشد، جمعیت به سمت پیری و کم توانی سوق پیدا می کند و می تواند به عنوان زنگ خطر برای مدیران و تحلیلگران جمعیتی باشد. با توجه به توزیع فضایی این شاخص جمعیتی در ایران نسبت پیری در نواحی

مرکزی بسیار شدیدتر از حاشیه کشور بوده و این نشان می‌دهد که زیستگاه‌های مهم و اساسی جمعیت ایران به‌شدت با کاهش جوانی جمعیت و افزایش نسبی سالمندی مواجه‌اند. نوار مرزی کشور به‌خصوص در جنوب شرقی، جنوب غربی و غرب از وضع مطلوب‌تری برخوردار بوده در حالی که نیمه شمالی و مرکز ایران تا شمال غرب کشور با پدیده افزایش سن بزرگسالان روبه‌رو شده است. مقدار این شاخص در پهنه جغرافیای جمعیتی ایران از دو نفر در نواحی حاشیه کشور تا ۵۴ نفر در ایران مرکزی متغیر بوده است.

نقشه ۷. شاخص پیری جمعیت ایران براساس داده‌های سال ۱۳۹۰



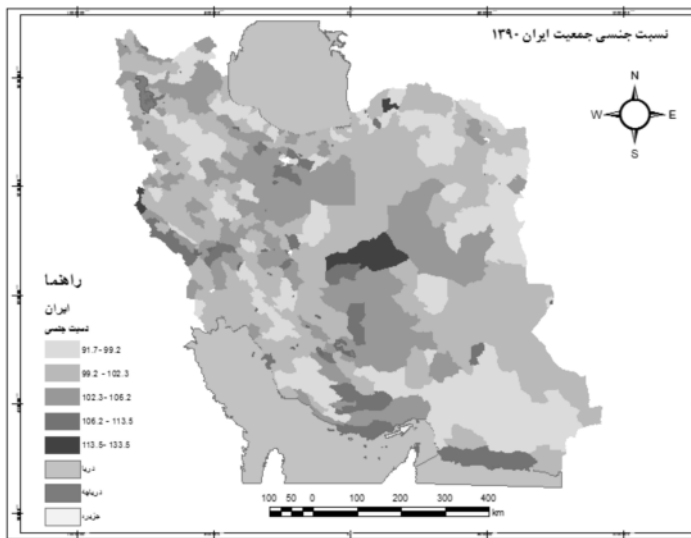
مأخذ: همان.

۸-۳. نسبت جنسی

این شاخص جمعیتی از تقسیم مردان در یک منطقه جغرافیایی بر تعداد زنان به‌دست می‌آید. با توجه به این شاخص آماری و نقش آن در وضعیت سالمندی باید گفت که هر قدر نسبت این دو به هم نزدیک‌تر باشد، دارای وضعیت مطلوب‌تر بوده که از طریق شاخص ازدواج بر میزان باروری عمومی و از آن پس بر وضعیت سالخوردگی جمعیت تأثیر خواهد گذاشت. با توجه به توزیع فضایی این شاخص در ایران براساس داده‌های سال

۱۳۹۰ نسبت جنسی به طور متوسط از توزیع مناسبی برخوردار بوده اما در برخی مناطق به صورت لکه‌هایی ظاهر شده است که آن نیز به دلیل برتری نسبت مردان به تعداد زنان بوده است. با نگاهی به وضعیت توزیع فضایی، شاخص نسبت جنسی دارای پراکنش فضایی متعادل‌تری بوده، هرچند در مناطق حاشیه کشور به نسبت مناطق درونی به جهت شکل‌گیری مهاجرت‌ها، این شاخص وضعیت نامطلوبی دارد؛ یعنی در مناطق حاشیه‌ای نسبت مردان به زنان کمتر بوده و مردان به دلایل مختلف، چون تحصیل و کار به مناطق دیگر مهاجرت کرده‌اند. مقدار این شاخص در جمعیت ایران از ۹۱ درصد تا ۱۳۳ درصد در فضای جغرافیایی ایران متفاوت است.

نقشه ۸. شاخص جنسی جمعیت ایران براساس داده‌های سال ۱۳۹۰



مأخذ: همان.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر این اساس و با توجه به مجموع بررسی‌ها و مطالعات درخصوص سالخوردگی جمعیت ایران، از زاویه مجموع شاخص‌های مورد مطالعه در این پژوهش مشخص شد که جمعیت ایران فرایند سالمندی خود را آغاز کرده و کم‌کم در حال ورود به مرحله سالخوردگی است.

شاخص سالمندی جمعیت ایران که نسبت جمعیت ۶۵ سال به بالا را بر افراد زیر ۱۵ سال نشان می‌دهد، در کل فضای جغرافیایی کشور و به‌خصوص در محدوده مرکزی ایران که توده عظیم جمعیتی را تشکیل می‌دهند، بسیار بالاست، نسبت سالمندی در جمعیت ایران نشان داد که درصد زیادی از دو جنس (زن و مرد) در سن سالمندی و سالخوردگی قرار داشته و شرایط نامطلوبی بر فضای جمعیتی کشور حاکم است. نسبت حمایت مادی (یا حمایت پدر و مادر) که نشان‌دهنده تعداد افراد به‌منظور حمایت و حراست معنوی از پیران در سنین بالا بوده را تنها در بخش محدودی از فضای کشور و آن هم به‌دلیل زادوولد زیاد که ناشی از عدم آگاهی و ضعف دانش خانواده در مناطق بسیار محروم بوده را نمایش می‌دهد. این خود در آینده می‌تواند معضل دیگری را به نام مهاجرت بی‌رویه شکل داده و جمعیت مهاجر (جوانان) را به محض ورود به عرصه فعالیت، به شهرها و مناطق داخلی بکشانند. نسبت حمایت بالقوه در جمعیت کشور هم از وضعیت خوبی برخوردار نبوده و این شاخص در مناطق حاشیه‌ای کشور وضع نامطلوبی داشته که با توجه به وضعیت اقتصادی حاضر می‌تواند با کمی اغماض به مناطق داخلی و حتی کلان‌شهرها نیز تسری پیدا کند. بر مبنای این شاخص که نسبت حمایت مادی پیران را در مقابل گروه‌های فعال اقتصادی نشان می‌دهد، بسیار ناراحت‌کننده بوده و در برخی از مناطق حاشیه‌ای کشور این شاخص تا ۶۰ نفر در ازای هر نفر کار فعالیت می‌باشد. شاخص سالمندی برای جمعیت کشور نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب و نگران‌کننده است و مشخص شد که در مناطق داخلی تر به‌خصوص در مناطق پرجمعیت‌تر کشور، وضعیت پیری جمعیت بسیار بالا بوده و این یعنی پیرشدن فضای زیستی و توجه جدی برای مدیریت گروه‌های سالمندی در فردهای نزدیک است. شاخص نسبت جوانی و نرخ باروری عمومی هم که به نوعی در راستای هم بوده، بیشتر در نوار حاشیه مرزی کشور چشمگیر است. در نواحی مرزی کشور به‌دلیل حاکمیت فضایی قومیت‌ها، فقر و محرومیت و ضعف دانش خانواده، باور و اعتقادات مذهبی، تمایل به ازدواج زود هنگام، زادوولد، نسبت جوانی و نرخ باروری بالا بوده (بیشتر از ۴۰ درصد نسبت جوانی) و (نرخ باروری تا ۱۳۴ نفر) به ازای هر ۱۰۰۰ نفر زن در سن باروری است. زادوولد بالا و بدون برنامه‌ریزی در این مناطق اگرچه به‌ظاهر شاخص عددی، مطلوب بوده، ولی این خود می‌تواند تمام شاخص‌های

سالخوردگی جمعیت ایران را تحت تأثیر قرار دهد. افزایش زادوولد یعنی بالا رفتن نسبت جوانی، به تبعیت از آن یعنی افزایش مهاجرت، میانسالی، بزرگسالی و سالخوردگی، فشار و فقر اجتماعی، مهاجرت‌ها و بسیاری از مشکلات و محدودیت‌های اجتماعی و محیطی دیگر. شاخص نسبت جنسی در جمعیت ایران نشان از نابرابری در حال شکل‌گیری از سمت حاشیه به سمت درون کشور را نمایش می‌دهد. به این معنا که نسبت مردان به زنان در مناطق حاشیه کشور کمتر بوده و این امر به دلایل اجتماعی، اقتصادی و محیطی حاکم است که مردان را برای جست‌وجوی کار و فعالیت یا تحصیلات بهتر، به مناطق درونی‌تر کشانده و تعداد مردان به زنان در این مناطق کمتر است.

به‌طور کلی باید گفت، ایران در حال پیرشدگی است. جمعیت جوان کشور که می‌توانست چرخه اقتصادی کشور را به‌سرعت بچرخاند، پا به سن گذاشته و با افزایش سن جوانان، امکان حضور در فعالیت‌های اقتصادی مقدور نیست. نیروی کار خلاق امروز، هرچند در گذشته بی‌برنامه و خارج از چارچوب‌های قانونی و تنها براساس دیدگاه‌ها و معیارهای عرفی متولد شده‌اند، مصرف‌کنندگان فردایی هستند که امروز در سیستم تولید نقشی را نتوانسته‌اند برعهده بگیرند. نرخ رشد لجام‌گسیخته جمعیت ایران بعد از جنگ، به‌خصوص دهه ۶۰، امروز به‌سرعت وارد مرحله جوانی و میانسالی و پیری شده است، که به‌دنبال خود سبب بالا رفتن نرخ بیکاری، جرم، طلاق، بزهکاری‌های اجتماعی، سیاسی و ... می‌شود. جمعیت ایران در هر حال رو به پیری است و سیاست‌های تشویقی بدون توجه به عناصر اقتصادی، می‌تواند زیان‌بار باشد. حاشیه کشور به‌خصوص نواحی محروم باید به‌شدت از نظر جمعیتی کنترل شود زیرا همین افزایش بی‌برنامه جمعیت می‌تواند سبب تشدید مهاجرت شده و نه تنها به انتقال جمعیت به مراکز و حلقه‌های درونی کشور دامن زند، می‌تواند به‌دنبال خود مشکلات را به نوعی تا حاشیه کلان‌شهرهای درونی بکشاند؛ چیزی که آن را حومه، زاغه، کپرنشینی می‌نامیم. بر این اساس، تمام نهادها و سازمان‌های مرتبط با بحث جمعیتی باید برنامه‌ای برای کنترل و مدیریت درخصوص جمعیت سالمندی (که در آینده‌ای نزدیک در کشور پدید خواهد آمد) را تدوین کنند. بحث کنترل و مدیریت بسیار دقیق و حساس روی زادوولد داشته و متناسب با نیاز و محاسبه نرخ رشد، به تشویق

فرزندآوری پردازند. زمینه ورود به عرصه‌های اقتصادی را برای گروه‌های حاضر در سن فعالیت را فراهم کرده یا به نحوی زمینه حمایت آنها در زمان پیری را از طریق حقوق بازنشستگی فراهم کنند. با توجه به سؤال پژوهشی در این تحقیق باید گفت که الگوی فضایی سالخوردگی در جمعیت ایران در مجموع با توجه به شاخص‌های مورد مطالعه به صورت خوشه‌ای پراکندگی داشته و جمعیت ایران در حال گذر از میانسالی به سالخوردگی است.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، صدیقه (۱۳۸۳). «بررسی رابطه جو عاطفی خانواه و بحران هویت در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده روانشناسی دانشگاه تربیت معلم.
۲. حسن زهرایی، روشنک، مجید رحیمی، شایسته صالحی، زهرا توکل و حیدرعلی عابدی (۱۳۸۳). «مقدمه‌ای بر آموزش پرستاری»، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
۳. داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵.
۴. راهزانی، کبری، شهلا خسروان، زهرا زارع، هادی حسنخانی و حیدرعلی عابدی (۱۳۸۸). *مبانی فلسفی پرستاری*، تهران، انتشارات بشری.
۵. سازمان ملل متحد (۲۰۰۶). گزارش سالانه بخش جمعیت.
۶. _____ (۲۰۰۷). گزارش سالانه بخش جمعیت.
۷. _____ (۲۰۰۸). گزارش سالانه بخش جمعیت.
۸. _____ (۲۰۱۲). گزارش سالانه بخش جمعیت.
۹. _____ (۲۰۱۵). گزارش سالانه بخش جمعیت.
۱۰. _____ (۲۰۱۳). گزارش سالمندی جمعیت.
۱۱. عابدی و همکاران (۱۳۸۵). روش تحقیق کیفی در پرستاری، تهران، انتشارات بشرا.
۱۲. _____ (۱۳۸۷). روش تحقیق در پرستاری و مامایی، اصفهان، دانشگاه اسلامی واحد خوراسگان.
۱۳. عزیزی زینالحاجلو، اکبر، ابوالقاسم امینی و جعفر صادق تبریزی (۱۳۹۴). «پیامدهای سالمندی جمعیت در ایران با تأکید بر چالش روزافزون نظام سلامت (مطالعه موردی)»، دوره ۶، ش ۱.
۱۴. کلانتری، صمد (۱۳۷۵). *روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت*، تهران، انتشارات مانی.
۱۵. مرکز آمار ایران (۱۳۳۵). *نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، فصل جمعیت*.
۱۶. _____ (۱۳۴۵). *نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، فصل جمعیت*.
۱۷. _____ (۱۳۵۵). *نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، فصل جمعیت*.
۱۸. _____ (۱۳۶۵). *نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، فصل جمعیت*.
۱۹. _____ (۱۳۷۵). *نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، فصل جمعیت*.
۲۰. _____ (۱۳۸۵). *نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، فصل جمعیت*.
۲۱. _____ (۱۳۹۰). *نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، فصل جمعیت*.

۲۲. میرزایی، محمد (۱۳۸۲). «نوسانات تحدید موالید در ایران»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ش ۲، پیاپی ۲۲.
۲۳. میرزایی، محمد، منصور وثوقی و محسن ابراهیم‌پور (۱۳۸۴). «تغییرات نظری و مفهومی در نظریات جمعیت‌شناسی و توسعه روستایی»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ش ۳، پیاپی ۲۵.
۲۴. میرزایی، محمد، سعداله دارابی و میترا باباپور (۱۳۹۶). «سالخوردگی جمعیت در ایران و هزینه‌های رو به افزایش بهداشت و درمان»، مجله سالمندی ایران، دوره ۱۲، ش ۲.
۲۵. میرزایی، محمد و مهری شمس قهفرخی (۱۳۸۶). جمعیت‌شناسی سالمندان در ایران براساس سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، مجله سالمندان ایران، سال دوم، ش ۵.
۲۶. میشارا، بریان و روبرت ورایدل (۱۳۷۱). روان‌شناسی بزرگسالان، ترجمه حمزه گنجی و همکاران، تهران، انتشارات اطلاعات.

بررسی تأثیر درجه باز بودن اقتصادی بر اقتصاد دانش بنیان: رهیافت اقتصادسنجی فضایی

کامران محمودپور،* لسیان سعیدپور** و نیلوفر علی دوست***

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۹/۱۴	تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۶/۱۷
------------------------	-----------------------

تأثیر نوآوری و خلاقیت بر میزان رقابت پذیری بنگاه‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی هر روزه در حال افزایش است. در سال‌های اخیر تأکید بر پایه‌ریزی اقتصاد دانش بنیان، افزایش تولیدات جدید مبتنی بر دانش و فناوری در اولویت سیاستگذاری‌های کلان اقتصادی کشورها قرار گرفته است. نوآوری با بسط بازارهای نوین، سهم بسزایی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها برعهده دارد. این مطالعه به تحلیل اثر درجه باز بودن اقتصاد بر اقتصاد اندیشه (در این مطالعه، نوآوری به‌عنوان نماینده اقتصاد اندیشه در نظر گرفته شده است) با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی فضایی در قالب مدل رشد درونزای رومر برای اقتصاد ایران و شریک تجاری آن (شامل ۱۴ کشور توسعه یافته و در حال توسعه) طی سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۹۵ پرداخته شده است. نتایج حاکی از اثر مثبت و معنادار متغیرهای شاخص توسعه انسانی، مخارج تحقیق و توسعه و درجه باز بودن اقتصاد بر نوآوری است. از این رو می‌توان پیشنهاد کرد که این کشورها و خصوصاً ایران شناخت دقیقی نسبت به ساختار اقتصادی خود به منظور انتخاب صحیح شرکای تجاری با دانش و تکنولوژی بالا پیدا کنند و با تعدیل تعرفه کالاهای وارداتی سرمایه‌ای به صورت هدفمند امکان واردات کالاهای حامل دانش را مهیا و برای جذب و بومی کردن تکنولوژی‌های وارداتی و تولید کالای نوآوری محور اقدام شود.

کلیدواژه‌ها: نوآوری؛ مدل رشد رومر؛ باز بودن اقتصاد؛ اقتصادسنجی فضایی

* استادیار دانشکده علوم انسانی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: kamran_mahmodpour@pts.usb.ir

** دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه ارومیه؛

Email: saeidpour.lesyan@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان؛

Email: nilofar_alidost@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره نودوشش، زمستان ۱۳۹۷

مقدمه

کشورهای مختلف جهان به دنبال افزایش توانایی اقتصاد ملی می‌باشند، آنچه که کشورهای عصر حاضر به شدت به آن نیازمندند تا در بازارهای پویا و پیچیده امروزی جایگاهی داشته باشند و برای خود مزیت رقابتی کسب کنند؛ توان تولید محصولات و خدمات جدید و منحصر به فرد و نیز قابل رقابت در بازارهای جهانی است. تأثیر دانش و نوآوری در شتاب و پیشرفت فعالیت‌های اقتصادی برای کشورهای توسعه یافته در دهه‌های اخیر به صورت ملموسی نمایان شده، چرا که نوآوری مهمترین جنبه خلق دانش است. نوآوری فرایند ترجمه دانش به رشد اقتصادی و بهبود اجتماعی است و دربرگیرنده مجموعه‌ای از فعالیت‌های علمی، فناوری، سازمانی، مالی و تجاری است. نوآوری در قالب معرفی و تجاری کردن محصولات یا خدمات جدید یا بهبود اساسی در کاربرد محصولات و خدمات موجود، معرفی فرایند تولید جدید یا بهبود اساسی در فرایندهای موجود، گشودن درهای بازار جدید، توسعه منابع جدید تأمین کننده مانند: مواد اولیه، تجهیزات و دیگر ورودی‌ها و ایجاد تغییرات اساسی در ساختارهای صنعتی و سازمانی در جوامع ظاهر می‌شود و نقش تعیین کننده‌ای بر رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند (پوگا و ترفلر)^۱ (۲۰۱۰). از آنجاکه از دیرباز کشورهای جهان به دنبال یافتن راهکاری برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی بوده‌اند تا بتوانند به ثروت، رفاه و مطلوبیت بیشتر دست یابند؛ اقتصاددانان، کارآفرینی و صادرات را از مهمترین راهکارها می‌دانند که امروزه مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است. در این میان اقتصاد دانش بنیان از مهمترین ابزارهایی است که با بسط کارآفرینی و صادرات به رشد و توسعه اقتصادی منجر می‌شود (راغفر، شاه‌آبادی و علیزاده، ۱۳۹۷). کشورها امروزه در تلاش هستند تا حجم تجارت جهانی خود را افزایش دهند تا از مزایای بالقوه و بالفعل آن بهره‌مند شوند. یکی از مسیرهایی که کشورهای مختلف جهان در راستای افزایش تجارت خارجی خود طی می‌کنند، روی آوردن به آزادسازی تجاری است. طبق نظریه معروف به چرخه تولید و رونق^۲ می‌توان از کالاهای خارجی برای افزایش تولید داخلی با تقلید و ابداع بهره

1. Puga and Trefler

2. Vernon

گرفت. صندوق بین‌المللی پول، جهانی شدن اقتصاد را به صورت وابستگی اقتصادی متقابل کشورهای سراسر جهان به دلیل افزایش حجم و تنوع معاملات فرامرزی کالاها، خدمات و همچنین جریان بین‌المللی سرمایه و انتشار وسیع تر و سریع تر فناوری تعریف می‌کند. با توجه به تعریف اخیر، آزادسازی تجاری در بخش‌های گوناگون اقتصاد هر کشوری آثاری را به واسطه تحرک آسان تر نهاده‌ها، کالاها و خدمات در پی دارد، همچنین آزادسازی تجاری می‌تواند به صورت کانالی برای انتقال تکنولوژی عمل کند و آثار سرریز تکنولوژی را به بخش‌های مختلف اقتصادی منتقل کند (جلایی اسفندآبادی و جاودان، ۱۳۸۹).

از آنجا که جهانی شدن فرایندی اجتناب‌ناپذیر است و ارتباطات کشورها در حال گسترش می‌باشد، این امر از جنبه‌های گوناگون، فرصت‌ها و تهدیدهایی را پیش روی کشورها قرار داده است. بنابراین با توجه به اینکه درجه باز بودن اقتصاد می‌تواند درآمد و رفاه را افزایش دهد و همچنین بزرگ‌تر شدن آن سهم تجارت دانش را بالا می‌برد، این خود می‌تواند بر نوآوری و ابداع داخلی تأثیر گذار باشد. این مطالعه درصدد پاسخگویی به این سؤال اساسی است که درجه آزادسازی اقتصاد چه تأثیری بر اقتصاد اندیشه در ایران و شرکای تجاری آن دارد؟ بنابراین ارزیابی اثرگذاری درجه باز بودن اقتصاد بر اقتصاد دانش‌بنیان از مهمترین اهداف این پژوهش است که برای پاسخ به این سؤال، پس از مقدمه در بخش مبانی نظری، بخش پیشینه پژوهش، سپس تصریح مدل و برآورد مدل و در پایان نیز جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی در این خصوص ارائه شده است.

۱. مبانی نظری

تعریفی که امروزه از دانش ارائه می‌شود، به عنوان ذخیره انباشته شده‌ای از اطلاعات و مهارت‌هایی است که از مصرف اطلاعات توسط گیرنده اطلاعات حاصل می‌شود (زاک،^۱ ۱۹۹۹). امروزه جهان به مرحله‌ای رسیده است که اقتصاد مبتنی بر عوامل سنتی تولید به سرعت جای خود را به اقتصاد مبتنی بر دانش و اطلاعات داده است، زیرا افزایش قدرت رقابت‌پذیری در گرو به خدمت گرفتن عوامل جدید تولید به‌ویژه کارآفرینی

است. در این میان تجمع دانش و اقتصاد دانش‌بنیان است که با خلق مزیت نسبی اکتسابی می‌تواند سبب بهبود فضای تولید و صادرات شود (راغفر، شاه‌آبادی و علیزاده، ۱۳۹۷). ورود نظریه پیشرفت تکنولوژی و نوآوری به اقتصاد بر اساس نظریه شومپتر^۱ (۱۹۳۴) بنا نهاده شده است. این تئوری ایجاد نوآوری را در گرو حمایت از مالکیت فکری مطرح می‌کند. در بحث حقوق مالکیت فکری، این موضوع وجود دارد که برخی منافع ناشی از نوآوری به عاملان اقتصادی و فعالیت‌های آنها سرریز دارد و باعث می‌شود نوآوری‌های جدید، سریع‌تر اتفاق افتاده و به افزایش بهره‌وری منجر شود. در مدل‌های اولیه نئوکلاسیک مطرح شده از سوی سولو^۲ (۱۹۶۵) و سوان^۳ (۱۹۶۵)، تغییرات تکنولوژی در حد یک متغیر برونزا و برپایه ویژگی‌های کالای عمومی دانش در نظر گرفته شده است. به‌طور کلی در این مدل‌ها، علت اصلی رشد اقتصادی را سرمایه‌فیزیکی در نظر گرفته و تنها در دو مدل که در دهه ۱۹۶۰ توسط کالدور و میرلس^۴ (۱۹۶۲) و آرو^۵ (۱۹۶۲) بیان شده است، تغییرات فناورانه به‌صورت درونزا در مدل به کار گرفته شده و معروف‌ترین آنها یادگیری حین انجام کار آرو است. دومین گروه از مدل‌ها را یوزاوا^۶ (۱۹۶۵)، فلپس^۷ (۱۹۶۶) و شل^۸ (۱۹۶۷) معرفی و مشخصه اصلی آنها استفاده از سرمایه‌گذاری‌های تحقیق و توسعه بنگاه‌های خصوصی و لحاظ کردن بخش تولید تکنولوژی به‌صورت مجزا در مدل‌های رشد است. این مدل‌ها را گومولکا^۹ (۱۹۷۰ و ۱۹۷۱) گسترش داد و در آن انتقال تکنولوژی تکنولوژی از کشورهای پیشرفته به سایر کشورهای جهان در نظر گرفته شد. در دهه ۱۹۷۰ تئوری‌های رشد، محبوبیت دهه قبل را از دست دادند و از این زمان به بعد نوآوری به‌عنوان یک مسئله اصلی در اقتصاد یاد نشد. این موضوع در دهه ۱۹۸۰ براساس مدل‌هایی که در آنها رویکرد نئوکلاسیک وجود نداشتند، دوباره شروع به شکل‌گیری کرد. نلسون و وینتر^{۱۰}

1. Schumpeter

2. Solow

3. Swan

4. Kaldor and Mirrlees

5. Arrow

6. Uzawa

7. Phelps

8. Shell

9. Gomulka

10. Nelson and Winter

(۱۹۸۲) الگوی رشدی را معرفی و پیشرفت فناوری را به‌عنوان یک متغیر اصلی لحاظ کردند. موج اول مدل‌های شومپیتری در الگوهای نئوکلاسیک جدید متبلور شد که می‌توان به مطالعات صورت گرفته توسط رومر^۱ (۱۹۸۶)، لوکاس (۱۹۸۸)، ربلو (۱۹۷۸) و بارو (۱۹۹۱) اشاره کرد. در این مدل‌ها که به مدل‌های رشد درونزا شهرت یافته‌اند، جایگاه فناوری در رابطه با رشد درونزا مطرح و نرخ رشد اقتصادی درون مدل مشخص می‌شود و لزوماً یک تئوری تغییرات تکنولوژی در آن لحاظ نشده است. موج دوم مدل‌های شومپیتری که با مدل‌های درونزا ترکیب و در واقع نقصان نبود پیشرفت فناوری را در نظر گرفتند را رومر (۱۹۹۰) مطرح کرده است. در این راستا افرادی مانند گروسمن و هلپمن^۲ (۱۹۹۱)، آقیون و هویت (۱۹۹۲)، گو و هلپمن^۳ (۱۹۹۵) تخمین‌های جدیدی در خصوص اثر سرریز تحقیق و توسعه بین کشوری به کار بردند و هویت و مایر - فولکس^۴ (۲۰۰۵)، ها و هویت^۵ (۲۰۰۷) نیز در این راستا مطالعاتی انجام داده‌اند. بعد از در نظر گرفتن دانش و اثر سرریز آن به‌عنوان متغیری درونزا در مدل‌های رشد اقتصادی، حال این موضوع باید بررسی شود که راه‌های انتقال و اثر دانش به‌خصوص در میان کشورها چگونه است. کو و همکاران (۲۰۰۸) معتقدند تجارت خارجی یک عامل انتقال دانش است؛ به‌گونه‌ای که اهمیت واردات در معرفی فناوری خارجی در تولید داخلی انکارناپذیر است و به‌طور کلی کشورهای در حال توسعه که در آنها واردات کالاهای با تکنولوژی بالا، سهم بسزایی از کل واردات را دارا می‌باشند، از واردات کالا در بهره‌وری عوامل تولید و رشد اقتصادی بیشتر منتفع می‌شوند. اصطلاح جهانی شدن اقتصاد که ناظر به همگرایی اقتصادی و رفاهی است، پدیده نوظهوری نیست بلکه فرایندی است که همگام با افزایش آگاهی انسان نسبت به‌خود و محیط طبیعی و اجتماعی، از آغاز تاریخ وجود داشته است و در سال‌های اخیر هم با سرعت فزاینده دانش و فناوری، شتاب بی‌سابقه‌ای گرفته است (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۹). فرایند جهانی شدن، پیامدهای مثبت و منفی فراوانی دارد. همان‌طور که باعث

1. Romer

2. Grossman and Helpman

3. Goe and Helpman

4. Howitt and Mayer-Foulkes

5. Ha and Howitt

افزایش کارایی، افزایش بهره‌وری، دسترسی به سرمایه می‌شود، منجر به دسترسی سریع‌تر به تکنولوژی و نوآوری و تشدید رقابت نیز خواهد شد (ابریشمی و همکاران، ۱۳۹۰).

۲. ادبیات موضوع

به لحاظ اهمیت بالای نوآوری به‌عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر رشد و توسعه کشورها و از سوی دیگر به‌دلیل روند اجتناب‌ناپذیر و رو به رشد جهانی شدن، مطالعات گوناگونی در داخل و خارج به تناسب هدف، در این زمینه صورت گرفته است. در ادامه، به برخی از این مطالعات اشاره می‌شود.

نیکومرام، رهنمای رودپشتی و جوکار تنگ کرمی (۱۳۹۲)، به تبیین اثر تجارت خارجی و نوآوری از طریق دستیابی به تکنولوژی خارجی بر رشد اقتصادی کشور ایران طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۹ پرداختند. نتایج نشان داد که به ترتیب عامل‌های خالص موجودی سرمایه، نوآوری و حقوق مالکیت فکری تأثیر مثبت و عامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشور دارد. همچنین عامل واردات تکنولوژی خارجی نقش بااهمیتی بر رشد اقتصادی کشور ندارد.

شاه‌آبادی و حواج (۱۳۹۰)، به بررسی تاثیر انباشت فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی، سرریز انباشت تحقیق و توسعه از کانال واردات کالا و جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه انسانی بر نوآوری کشورهای منطقه خاورمیانه، قفقاز و خلیج فارس طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۰ پرداختند. نتایج تخمین نشان می‌دهد انباشت تحقیق و توسعه داخلی تأثیر مثبت و معنادار بر نوآوری کشورهای مورد مطالعه دارد درحالی‌که اثر انتشار و سرریز فناوری بین‌المللی از کانال واردات کالا بر نوآوری داخلی بدون وجود سرمایه انسانی بی‌معناست، اما ضریب انباشت تحقیق و توسعه خارجی از کانال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منفی است درحالی‌که ضریب متغیر اثر متقابل سرمایه انسانی با انباشت تحقیق و توسعه خارجی از کانال جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مثبت و ناچیز است.

محمودزاده و محسنی (۱۳۸۴)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر فناوری وارداتی بر رشد

اقتصادی ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۳۸ پرداختند. نتایج این محققان نشان می‌دهد برای انتقال از مرحله تولید سنتی به تولید صنعتی و طی مراحل توسعه اقتصادی، واردات فناوری مناسب زمینه‌ساز تحول صنعتی و اجتماعی است. در چنین شرایطی شناسایی آثار فناوری نهفته در کالاهای سرمایه‌ای، وارداتی و واسطه‌ای بر رشد اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است.

چینگ و لین^۱ (۲۰۰۴)، مطالعه‌ای را تحت عنوان تأثیر سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نوآوری انجام دادند و در این راستا از داده‌های چند ایالت چین استفاده کردند. نتایج برآورد طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۵ حاکی از آن است که چین بزرگ‌ترین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان کشورهای در حال توسعه در دهه ۱۹۹۰ بوده و ظرفیت نوآوری داخلی این کشور همراه با افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و واردات تکنولوژی، افزایش یافته است. آثار سرریز در غرب چین که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌صورت منطقه‌ای متمرکز شده بود، از اهمیت بیشتری برخوردار است. سطح توسعه اقتصاد که به‌وسیله تولید ناخالص داخلی سرانه اندازه‌گیری شده، تأثیر بیشتری روی فعالیت تحقیق و توسعه در هر ایالت داشته است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر منفی بر فعالیت تحقیق و توسعه داخلی را نشان می‌دهد، چرا که خریدهای جایگزین، نوآوری داخلی می‌شوند، اما خریدهای تکنولوژی اثرهای سرریزی را ایجاد می‌کنند.

وو و همکاران^۲ (۲۰۰۷)، به بررسی تأثیر سیاست‌های عمده نوآوری ملی از جمله حمایت از حقوق ثبت اختراع، محرک‌های مالیاتی تحقیق و توسعه، سرمایه‌گذاری دولتی در فعالیت‌های تحقیق و توسعه و نیز باز بودن تجارت بین‌المللی بر شدت تحقیق و توسعه ۹ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ برای دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۸۵ پرداخته و نشان دادند که سیاست‌های نوآوری نقشی تعیین‌کننده و معنادار در تحریک فعالیت‌های تحقیق و توسعه دارند. اجرای حمایت قوی از حقوق ثبت اختراع بیشترین اهمیت را برای

1. Cheung and Lin

2. Wu and et al.

3. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

مخارج تحقیق و توسعه و انجام فعالیت‌های تحقیقاتی توسط دولت اثر مثبتی روی آن دارد و همچنین باز بودن تجاری، نقش مثبت ولی نسبتاً ضعیفی دارد.

لو و نگک^۱ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «آیا واردات نوآوری را تحریک می‌کند؟» با بررسی رابطه تجارت و نوآوری، درصدد پاسخگویی به این سؤال است که چه مقدار از نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه از طریق رقابت وارداتی شکل می‌گیرند. بدین منظور از داده‌های استانی مربوط به ۱۴ صنعت در پنج ناحیه چین برای دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۰ استفاده کردند. آنها دریافتند بنگاه‌هایی که با نرخ‌های بالاتر واردات روبه‌رو هستند احتمالاً به نوآوری که منجر به توسعه بیشتری شود ترغیب می‌شوند. همچنین نتایج بیانگر آن است که وزن اصلی اثر واردات بر نوآوری متعلق به صنایع تولیدی پایین و متوسط و کمترین وزن نیز متعلق به صنایع با فناوری بالاست.

گروردنی‌چنکو و همکاران^۲ (۲۰۰۹)، از پیشگامان در حوزه ارتباط نوآوری با واردات هستند و برای اولین بار به بررسی نقش تحریک‌کننده رقابت وارداتی بر نوآوری بنگاه‌های مختلف در ۲۷ کشور در حال گذار^۳ طی دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ پرداختند. براساس نتایج مطالعه بیان می‌دارند هرچه رقابت وارداتی بیشتر باشد نوآوری در سطح بنگاه‌ها نیز بیشتر خواهد بود. پینگ و کینچان^۴ (۲۰۰۸)، به بررسی تأثیر تحقیق و توسعه داخلی و وارداتی و سرمایه انسانی بر نوآوری چین طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۰ می‌پردازند. نتایج تحقیق بیانگر انباشت تحقیق و توسعه داخلی موتور نوآوری چین است هرچند اثر انتشار فناوری بین‌المللی بر نوآوری داخلی قابل چشم‌پوشی نیست، همچنین بیان می‌دارند واردات پیشرفت نوآوری را مسدود می‌کند درحالی‌که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۵ موجب شتاب بیشتر در فعالیت‌های نوآوری چین می‌شود.

1. Lu and Ng

2. Gorodnichenko and et al.

۳. آلبانی، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، استونی، یوگسلاوی سابق، مجارستان، لتونی، لیتوانی، لهستان، رومانی، چکسلواکی، اسلونی، ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، مالدیو، روسیه، تاجیکستان، اوکراین، ازبکستان و ترکیه.

4. Ping and Qingchang

5. Foreign Direct Investment (FDI)

بلوم و همکاران^۱ (۲۰۰۸) و (۲۰۱۶)، به بررسی اثر واردات کالاهای چینی بر فناوری اطلاعات و نوآوری ۳۰۰۰۰ مؤسسه در ۱۴ کشور اروپایی طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ می‌پردازند. نتایج بیانگر رابطه مثبت و معنادار بین واردات و نوآوری است به طوری که ۱۰ درصد افزایش در واردات کالاهای چینی، نوآوری را ۳ درصد افزایش می‌دهد.

بروتا^۲ (۲۰۱۲)، به بررسی آثار باز بودن تجاری بر رفاه و رشد اقتصادی در چارچوب انتقال نوآوری (حقوق مالکیت معنوی) از شمال به جنوب در تجارت درون صنعتی و بهبود خط تولید پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که باز بودن تجارت، موجب افزایش رفاه و رشد اقتصادی می‌شود و این در حالی است که شکاف کیفی از لحاظ تکنولوژی بین دو منطقه زیاد و منجر به انتقال ایده به منطقه مقصد (مهندسی معکوس) می‌شود. اگر هیچ تجارتی وجود نداشته باشد، این شکاف همیشه مثبت می‌ماند حتی اگر همه اقتصاد آن کشور در تولید کالاها یکپارچه شوند. پس می‌توان اظهار داشت که حفاظت از مالکیت حقوق معنوی، این شکاف را افزایش و تأثیر منفی بر رفاه و رشد اقتصادی خواهد داشت.

روبینی^۳ (۲۰۱۴)، در پژوهشی به بررسی تغییرات حجم تجارت یک کشور با توجه به وجود نوآوری و نبود نوآوری و آثار ناشی از آن در یک مدل تجارت بین‌المللی با وجود نوآوری برای کانادا و ایالت متحده قبل از توافقنامه تجارت آزاد می‌پردازد. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این بود که شدت تغییر موانع تجاری مانند تعرفه با وجود نوآوری در مدل، بیش از شدت تغییر موانع تجاری در مدل، بدون نوآوری است. برای مثال، کاهش تعرفه در مدل با نوآوری در طول توافقنامه باعث افزایش تجارت بین کشورها خواهد شد و این افزایش در مدل با نوآوری بیش از مدل بدون نوآوری است. بنابراین می‌توان اظهار داشت که کاهش تجاری با وجود نوآوری بیشتر خواهد بود.

سانتاکرو^۴ (۲۰۱۵)، در یک مدل رشد چندکشوری براساس نوآوری به بررسی اتخاذ

1. Bloom and et al.
2. Borota
3. Rubini
4. Santacreu

فناوری‌های خارجی از طریق تجارت می‌پردازد. در این پژوهش هزینه‌های نوآوری داخلی و خارجی براساس نوآوری کل، تولید و تجارت به‌دست آمده است. نتایج نشان داد که در کشورهای در حال توسعه، اتخاذ این گونه فناوری‌ها موجب افزایش رشد تضمین شده به میزان ۶۵ درصد خواهد شد، همچنین در کشورهای توسعه‌یافته رشد تضمین شده حاصل از نوآوری داخلی به میزان ۷۵ درصد است. ناواس^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر آزادسازی تجاری بر نوآوری و همچنین آثار آن با بسط و گسترش این اثر بر رشد بهره‌وری کل در زیربخش‌های متفاوت در یک مدل درونزای چندبخشی پرداخته است. نتایج نشان‌دهنده این بود که تفاوت در درجه رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، واکنش‌های نوآوری متفاوتی نسبت به آزادسازی تجاری خواهد داشت. حرکت از اقتصاد خودکفا به سمت اقتصاد آزاد در ابتدا موجب ارتقای نوآوری و رشد بهره‌وری کمتر رقابتی می‌شود. شدت اثرات زمانی که اقتصاد باز و آزاد است، بیشتر خواهد بود. همچنین نتایج نشان دادند که زمانی که هزینه‌های تجارت صفر شوند و بخش‌های اقتصادی ناهمگون باشند، تأثیر کمتری بر نوآوری کل دارد.

گیچو و لینک^۲ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان عملکرد اقتصادی کارآفرینان نوپا که روی پروژه‌های نوآورانه تجاری در آمریکا انجام گرفته، با استفاده از مدل پروبیت به ارزیابی عملکرد تحقیق و توسعه بر شرکت‌های کوچک مبتنی بر فناوری پرداخته و به این نتیجه رسیدند که تحقیق و توسعه تأثیر مثبت بر کارآفرینی شرکت‌ها دارد. به عبارت دیگر شرکت‌های نوپایی که به میزان بالایی از فناوری توسعه یافته در تجاری‌سازی خود استفاده می‌کنند احتمال شکست کمتری در پروژه‌ها دارند.

۳. تصریح مدل

ورود نظریه پیشرفت تکنولوژی و نوآوری به اقتصاد براساس تئوری شومپتر^۳ (۱۹۳۴) بنا نهاده شده و این تئوری ایجاد نوآوری را در گرو حمایت از مالکیت فکری مطرح می‌کند.

1. Navas

2. Gicheva and Link

3. Schumpeter

در بحث حقوق مالکیت فکری، این موضوع وجود دارد که برخی منافع ناشی از نوآوری به عاملان اقتصادی و فعالیت‌های آنها سرریز دارد و باعث نوآوری‌های جدید، سریع و به افزایش بهره‌وری منجر می‌شود.

در مدل رشد درونزا اتفاق نظر بر این مطلب است که انباشت سرمایه فیزیکی ثروتمند شدن کشورها را در پی ندارد، بلکه سرمایه انسانی در کنار سرمایه فیزیکی قرار می‌گیرد و از طریق بخش تحقیق و توسعه بستری برای شکل‌گیری تکنولوژی و رشد اقتصادی فراهم می‌شود. در مدل‌های رشد درونزا یک بخش به تولید کالاها و خدمات و بخش دیگر به تولید تحصیلات یا سرمایه انسانی مشغول بوده که هر کدام تابع تولید مربوط به خود را دارند. فرض می‌شود که بخش تحصیلات به‌طور نسبی نیاز به سرمایه انسانی بیشتر و بخش تولید کالاها و خدمات به‌طور نسبی نیاز به سرمایه فیزیکی بیشتری دارد در این پژوهش از ترکیب مدل‌های بلوم و همکاران (۲۰۱۶، ۲۰۰۸) و مدل رشد رومر (۱۹۹۰) استفاده شده است.

$$Y = C + \dot{K} + \delta K = A(VK)^\alpha (UH)^{1-\alpha} \quad (۱)$$

$$\dot{H} + \delta H = B[(1-V)K]^\beta \cdot [(1-U)H]^{1-\beta} \quad (۲)$$

در این توابع Y نشانگر تولید کالاها، A و B پارامترهای تکنولوژی و $0 \leq V \leq 1$ و $0 \leq U \leq 1$ ضرایب K و H مورد استفاده در تولید کالاها و $(1-V)$ و $(1-U)$ نشانگر ضرایب K و H مورد استفاده در بخش تحصیلات می‌باشند. در این مدل‌ها بازده به مقیاس در تولید حداقل ثابت فرض شده و بدین ترتیب با تنوع و کیفیت رو به افزایش نهاده‌های مورد استفاده در فرایند تولید که خود حاصل تحقیق و توسعه است، تمایل به بازده نزولی خنثی می‌شود. در مدل رشد اقتصادی درونزا رومر هر اقتصاد متشکل از سه بخش است:

بخش اول: بخش تحقیق که از سرمایه انسانی و موجودی دانش اقتصاد برای تولید دانش جدید استفاده می‌کند و لذا به‌طور خاص این بخش طرح‌هایی را برای تولید کالاهای بادوام جدید ارائه می‌کند.

بخش دوم: بخش تولید کالاهای واسطه‌ای که با استفاده از طرح‌های بخش تحقیق تعداد زیادی از کالاهای بادوام را تولید می‌کند.

بخش سوم: بخش کالای نهایی که از نیروی کار، سرمایه انسانی و مجموعه کالاهای بادوام

برای تولید کالاهای نهایی استفاده کرده و محصول تولیدی این بخش یا مصرف و یا به‌عنوان سرمایه جدید ذخیره می‌شود. تابع تولید در بخش کالاهای نهایی در این مدل عبارت است از:

$$Y(H, L, X) = H_Y^\alpha L^\beta \sum_{i=1}^{\infty} X_i^{1-\alpha-\beta} \quad (۳)$$

جایی که L نیروی کار، H_Y سرمایه انسانی اختصاص یافته به بخش تولید نهایی و X سرمایه فیزیکی و تابع تولید همگن از درجه یک است تکنولوژی تولید در داخل سرمایه فیزیکی مورد نظر است و سرمایه از انواع نامحدودی از تولیدات بادوام تشکیل شده ولی در هر زمان تعداد محدودی از این کالاها برای تولید کالاهای نهایی مورد استفاده قرار می‌گیرند. اگر فرض کنیم که γ واحد کالا صرف سرمایه‌گذاری می‌شود تا یک واحد از هر نوع کالای بادوام تولید شود، می‌توان نوشت:

$$K = \gamma \sum_{i=1}^{\infty} X_i = \gamma \sum_{i=1}^A X_i \quad (۴)$$

بنابراین H و L ثابت بوده و K براساس مصرف صرف‌نظر شده رشد یافته و فرایند انباشت طرح‌های جدید در جهت رشد $A(t)$ حرکت می‌کند. انجام تحقیق در این مورد بستگی به مقدار نیروی انسانی اختصاص یافته به این بخش و نیز موجودی دانش قابل دسترس اقتصاد دارد یعنی نرخ رشد موجودی طرح‌ها عبارت است از:

$$\dot{A} = \delta H_A \cdot A \quad (۵)$$

جایی که H_A کل سرمایه انسانی به کار گرفته شده در بخش تحقیق، A موجودی دانش قابل دسترس اقتصاد و δ پارامتر بازدهی است. رابطه (۵) دو مطلب را نشان می‌دهد، یکی به کارگیری بیشتر سرمایه انسانی در بخش تحقیق منجر به بالا رفتن نرخ تولید طرح‌های جدید می‌شود و دیگری بزرگ بودن موجودی دانش موجب بالا رفتن بازده شاغلان در بخش تحقیق شده و لذا بازده سرمایه انسانی در بخش تحقیق صعودی است.

بحث دیگر این است که رابطه (۵) نسبت به H_A و A خطی است و یک طرح جدید می‌تواند کالای جدید تولید کند و همچنین یک طرح جدید به‌عنوان نتیجه‌ای از تحقیق و توسعه^۱ با افزایش موجودی دانش موجب افزایش بازدهی سرمایه انسانی در تحقیق می‌شود. در سطح کلی H_A و H_Y به‌وسیله محدودیت $H = H_Y + H_A$ به هم مربوط می‌شوند. اگر P_A

قیمت یک طرح جدید و W_A نرخ اجاره هر واحد سرمایه انسانی باشد، با توجه به اینکه هر فرد در به کارگیری دانش آزاد است و با فرض برابری بازدهی سرمایه انسانی در هر دو بخش و نیز با عنایت به $H_Y = H - H_A$ و ثابت بودن نرخ بازده سرمایه فیزیکی یعنی r ، می توان نوشت که:

$$W_H = P_A \cdot \delta \cdot A = \alpha H_Y^{\alpha-1} L^\beta A X^{-1-\alpha-\beta} \quad (۶)$$

حال با در نظر گرفتن نقش طرح های تولید شده توسط بخش تحقیق در تولید کالاهای نهایی، تابع تولید را به صورت زیر بازنویسی می کنیم:

$$Y = H_Y^\alpha L^\beta A X^{-1-\alpha-\beta} \quad (۷)$$

برای مقداری ثابت از H_A که معادل $H - H_Y$ است، نرخ رشد بالقوه A معادل δH_A بوده و بدین ترتیب می توان گفت که برای مقادیر ثابت L و H_Y و \bar{X} مقدار نرخ رشد تولید با نرخ رشد A برابر خواهد بود. لذا در تعادل، مدل نرخ رشد عبارت است از:

$$g = \frac{\dot{C}}{C} = \frac{\dot{Y}}{Y} = \frac{\dot{K}}{K} = \frac{\dot{A}}{A} = \delta H_A = \delta H \frac{\alpha}{(1-\alpha-\beta)(\alpha+\beta)} \cdot r \quad (۸)$$

با توجه به مدل تصریح شده، مدل مورد نظر در این مقاله به صورت زیر معرفی می شود:

$$FD = F(R\&D, HDI, To) \quad (۹)$$

و در گام بعد از همه متغیرها لگاریتم گرفته می شود و رابطه (۱۰) به دست می آید.

$$\ln(FD_t) = \beta_0 + \beta_1 \ln(HDI_t) + \beta_2 \ln(R\&D_t) + \beta_3 \ln(To_t) \quad (۱۰)$$

که در آن FD_t بیانگر میزان نوآوری کشورهای مورد بررسی (که به عنوان نماینده ای از اقتصاد اندیشه در نظر گرفته شده) است. داده های این متغیر با سیستم طبقه بندی حق ثبت اختراع بین المللی^۱ ارائه می شود، داده های درخواست حق امتیاز نیز از سایت سازمان جهانی دارایی های فکری^۲ تهیه شده است. $R\&D_t$ مخارج تحقیق و توسعه، HDI_t شاخص سرمایه انسانی و To_t نشان دهنده درجه باز بودن تجاری است، این متغیر براساس شاخص سهم تجارت به صورت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود. در این پژوهش از داده های استخراج شده بانک جهانی به صورت سالانه طی دوره زمانی

1. Patent Cooperation Treaty (PCT)

2. World Intellectual Property Organization: www.wipo.int/econ_stat

۲۰۱۳-۱۹۹۵ استفاده شده است. با توجه به موضوع، در این مقاله تعداد کشورهای شریک تجاری ایران حدود ۱۴ کشور است که شامل تعدادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است که عبارتند از: برزیل، اکوادور، هند، مالزی، پاکستان، روسیه، تایلند، کره جنوبی، چین، ترکیه و آذربایجان که شرکای تجاری ایران هستند. دلیل عمده انتخاب این کشورها این است که اغلب آنها شرکای عمده کشور در سال‌های اخیر بوده‌اند. مدل جاذبه یکی از مهمترین تئوری‌های تجارت بین‌الملل است که اهمیت فاصله مکانی بین دو نقطه قابل تجارت، از فاکتورهای اساسی این تئوری است بنابراین ضرورت استفاده از مدل اقتصادسنجی فضایی در این تحقیق به دلیل اهمیت مدل جاذبه در تجارت قابل مشاهده است.

۴. برآورد مدل

۴-۱. معرفی اقتصادسنجی فضایی

وجه تمایز اقتصادسنجی فضایی از اقتصادسنجی مرسوم در به کارگیری داده‌هایی است که از نظر مکانی به یکدیگر وابسته‌اند. زمانی که داده‌های نمونه‌ای جزء مکانی دارند دو مسئله رخ خواهد داد: ۱. وابستگی فضایی^۱ بین مشاهدات و ۲. ناهمسانی فضایی^۲. اقتصادسنجی مرسوم تا حد زیادی این دو موضوع را نادیده می‌گیرد، لذا برای استفاده از این روش نیاز به آشنایی با مفاهیم آن است که در ادامه شرح مختصری از آن بیان می‌شود. وابستگی فضایی در مجموعه‌ای از داده‌های نمونه‌ای به این معناست که مشاهده‌ها در مکان i وابسته به مشاهده‌های دیگر در مکان z است. این وابستگی می‌تواند میان مشاهده‌های مختلف و اجزا اخلاص وجود داشته باشد. وابستگی فضایی می‌بایست با قضایای اساسی علوم منطقه‌ای مطابقت داشته باشد، به این معنا که وابستگی فضایی و تأثیرات آن بین مشاهده‌ها باید با افزایش فاصله بین مشاهده‌ها کاهش یابد (لسیج و پیس، ۲۰۰۹^۳). اصطلاح ناهمسانی فضایی نیز اشاره به انحراف در روابط بین مشاهده‌ها در سطح مکان‌های جغرافیایی دارد. در بیشتر موارد انتظار بر روابط گوناگون برای هر نقطه در فضا وجود دارد. به‌طور کلی ناهمسانی

1. Spatial Dependence or Partial Autocorrelation
 2. Spatial Heterogeneity or Spatial Structure
 3. Lesage and Pace

فضایی نیز این فرض گاوس - مارکف که می گوید تنها یک رابطه خطی مشخص با واریانس ثابت بین مشاهده‌های نمونه‌ای وجود دارد را نقض می کند (همان).

پیش از مطرح شدن مسائلی همچون ناهمسانی فضایی و وابستگی فضایی، ابتدا باید به تعیین جنبه مکانی داده‌های نمونه‌ای پرداخت. برای ترسیم مجموعه مشاهده‌های فضایی می توان از منابعی مانند طول و عرض جغرافیایی بهره برد. این اطلاعات افراد را قادر می سازند تا فاصله از هر نقطه در فضا و یا مشاهده‌های واقع در مکانی مجزا در فضا نسبت به مشاهده‌های واقع در نقاط دیگر را محاسبه کنند.

از جمله مدل‌های مورد استفاده در اقتصادسنجی فضایی مدل خودرگرسیون فضایی مرتبه اول^۱ است این مدل کمترین کاربرد را در میان مدل‌های فضایی دارد اما بیشترین کاربرد آن در شناسایی همبستگی فضایی در میان همسایه‌هاست، چرا که تنها از حاصل ضرب متغیر وابسته در ماتریس وزنی استاندارد شده^۲ استفاده می کند.

$$y_{it} = \rho \sum_{j=1}^n W_{ij} y_{jt} + \varepsilon_{it} = \rho W y + \varepsilon_{it} \quad \varepsilon_{it} \sim N(0, \sigma^2) \quad (11)$$

مدل مختلط رگرسیون - خودرگرسیونی^۳ که این مدل تغییرات y را به صورت یک ترکیب خطی از کشورهای مجاور همانند سری‌های زمانی خودرگرسیون^۴ توضیح می دهد و آنچه که در کشورهای مجاور اتفاق می افتد را با اهمیت تلقی می کند. در این راستا روش حداکثر درستمایی برای تخمین پارامترهای این مدل به کار می رود. مدل مذکور به صورت زیر است:

$$y_{it} = \rho \sum_{j=1}^n W_{ij} y_{jt} + \sum_{k=1}^k \beta_k x_{ki} + \varepsilon_{it} = \rho W y + X \beta + \varepsilon_{it} \quad \varepsilon_{it} \sim N(0, \sigma^2 I_n) \quad (12)$$

یکی دیگر از مدل‌های مطرح شده در زمینه اقتصادسنجی فضایی، مدل خطای فضایی است. در این مدل متغیر وابسته با ایجاد شوک در کشورهای همسایه تحت تأثیر قرار می گیرد. این مدل را می توان به صورت زیر نشان داد:

$$y_{it} = \sum_{k=1}^k \beta_k x_{ki} + \varepsilon_{it} = X \beta + u_{it} \quad u_{it} = \lambda W u_{it} + \varepsilon_{it}, \quad \varepsilon_{it} \sim N(0, \sigma^2 I_n) \quad (13)$$

1. Firest-order Satial Autoregressive Model (FAR)

۲. این ماتریس از ضرب کرونگر حاصل می شود.

3. Spatial Autoregressive Models (SAR)

4. Autoregressive (AR)

و در نهایت مدل فضایی عمومی^۱ که این مدل دربرگیرنده هر دو مدل مختلط رگرسیونی - خودرگرسیونی و خطای فضایی است که به صورت زیر آمده است (همان).

$$y_{it} = \rho W y + X\beta + u_{it} \quad u_{it} = \lambda W u_{it} + \varepsilon_{it}, \quad \varepsilon_{it} \sim N(0, \sigma^2 I_n) \quad (14)$$

۱-۱-۴. انجام آزمون‌های موران، نسبت درستنمایی و والد

فرضیه صفر در هر سه آزمون (موران، نسبت درستنمایی و والد)، عدم خودهمبستگی فضایی در اجزا اخلال است. گفتنی است که اگر از سه آزمون مورد بررسی دو آزمون معنادار باشد خودهمبستگی فضایی در اجزای اخلال تأیید می‌شود. نتایج آماره آزمون‌های موران، نسبت درستنمایی و والد به ترتیب برابر با ۵/۷۲۸، ۹۰/۹۲۰ و ۳۴۸۷/۵ است (جدول ۱) که از نظر آمار معنادارند. بنابراین فرضیه خودهمبستگی فضایی در منطقه مورد مطالعه تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان از اقتصادسنجی فضایی استفاده کرد.

جدول ۱. نتایج آزمون‌های موران، نسبت درستنمایی و والد

Walds	Lratios	Moran I-statistic	آزمون
۳۴۸۷/۵	۹۰/۹۲۰	۵/۷۲۸	آماره
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	احتمال

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۱-۲-۴. آزمون‌های ضریب لاگرانژ

فرضیه صفر آزمون‌های Lmlag و Lmerror عدم همبستگی فضایی در اجزا اخلال و عدم وابستگی فضایی در مشاهده‌ها متغیرهای وابسته است. نتایج آزمون‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آزمون ضریب لاگرانژ

Lmlag	Lmerror	آزمون
۱۴/۶۹۸	۳۰/۹۴۷	آماره
۰/۱۲۵	۰/۰۰۰	احتمال

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۲ حاکی از آن است که در منطقه مورد مطالعه آماره آزمون‌های Lmlag و Lmerror به ترتیب برابر با ۱۴/۶۹۸ و ۳۰/۹۴۷ است که از نظر آماری آزمون Lmerror معنادار است. با معنادار بودن آزمون Lmerror فرضیه صفر این آزمون مبنی بر عدم همبستگی فضایی در اجزای اخلاص رد می‌شود و با معنادار نبودن آزمون Lmlag فرضیه صفر این آزمون مبنی بر عدم وابستگی فضایی در مشاهده‌های متغیرهای وابسته تأیید می‌شود. در نتیجه برای انجام برآورد باید از مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ استفاده شود.

۳-۱-۴. برآورد مدل خودرگرسیون فضایی مرتبه اول

نتایج برآورد مدل خودرگرسیون فضایی مرتبه اول در جدول ۳، ضریب فضایی ρ را برابر با ۰/۸۹۲۹ نشان داد که از نظر آماری معنادار و بیانگر وابستگی فضایی مثبت در میان کشورهاست.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل خودرگرسیون فضایی مرتبه اول

مقدار	معیارها
-۰/۰۴۲۵	R-squared
۰/۸۹۲۹	ρ
۳۴/۷۳۱۱	Asymptot t-stat
۰/۰۰۰۰	z-probability

مأخذ: همان.

۴-۱-۴. آزمون تصریح مدل

در این قسمت از آزمون‌هایی برای تعیین نوع مدل داده‌های ترکیبی با اثر ثابت، تصادفی یا داده‌های تلفیقی^۲ انجام می‌شود که این کار با آزمون لیمر^۳ برای انتخاب یکی از دو مدل داده‌های تلفیقی و داده‌هایی تابلویی استفاده می‌شود. در صورت انتخاب یک مدل تابلویی، از احتمال آزمون هاسمن برای گزینش یکی از دو مدل با وجود اثرات ثابت و یا تصادفی کمک گرفته می‌شود. نتایج آزمون‌ها در جدول ۴ گزارش شده است.

1. Structural Equation Modeling (SEM)

2. POOL

3. Limer

جدول ۴. آزمون تصریح مدل

آماره	آزمون
-۲۵۷/۱۷۳۵	<i>Logliklerrorrfe</i>
-۴۹۲/۷۴۹۸	<i>Loglikerror</i>
۴۷۱/۱۵۲۶	$LR=-2*(loglikerror-loglikerrorrfe)$
۰/۰۰۰۰	$probability=1-chis_prb(LR,dof)$
۰/۰۱۵۵	<i>Probability of Hausman test</i>

مأخذ: همان.

براساس نتایج حاصل از دو آزمون، به سبب کمتر بودن احتمال آزمون لیمر و هاسمن از مقادیر بحرانی ۰/۰۵ می‌بایست از مدل‌سازی معادلات ساختاری با اثر ثابت استفاده کرد.

۴-۱-۵. برآورد مدل‌سازی معادلات ساختاری با وجود اثرات ثابت

براساس نتایج آزمون‌ها مدل‌سازی معادلات ساختاری با وجود اثرات ثابت در منطقه مذکور مورد برآورد قرار گرفت. نتایج در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. نتایج برآورد مدل‌سازی معادلات ساختاری با وجود اثرات ثابت

متغیر	ضرایب	آماره t	احتمال
<i>LnHDI</i>	۱/۷۳۰۲	۴/۱۰۶۵	۰/۰۰۰۰
<i>Ln(R&D)</i>	۱/۲۲۲	۳۲/۵۴۶۴	۰/۰۰۰۰
<i>Ln(To)</i>	۰/۵۶۹۷	۴/۴۶۷۵	۰/۰۰۰۰
λ	۰/۰۹۹۹	۲/۱۵۹۱	۰/۰۲۴۶
	۰/۸۷۰۶	<i>R-squared</i>	

مأخذ: همان.

با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول ۵، تأثیر مخارج تحقیق و توسعه بر نوآوری مثبت و معناداری است. همان‌طور که بیان شد در سال‌های اخیر با ظهور اقتصاد دانش‌بنیان، نوآوری نقش حیاتی‌تری در تحول ساختارهای اقتصادی و اجتماعی داشته است. به‌طوری که امروزه از اقتصادهای پیشرفته با عنوان اقتصادهای مبتنی بر نوآوری یاد می‌شود و

همچنین توجه فزاینده‌ای به توسعه سیاست‌های نوآوری مبتنی بر دانش به‌عنوان نیروی محرکه توسعه اقتصادی و بهبود عملکرد صادراتی شده است. فعالیت‌های نوآوری، روش‌های جدید تولید کالاها و خدمات با هزینه‌های پایین را منجر می‌شود و کشورها را در موقعیت رقابتی بهتری نسبت به رقبای تجاری آن قرار می‌دهد. معرفی تولیدات جدید و بهبود یافته ناشی از فعالیت‌های نوآوری، سود انحصاری فراهم می‌کند که می‌تواند رابطه مبادله کشور را بهبود بخشد. یکی از عوامل مؤثر بر نوآوری، فعالیت تحقیق و توسعه است. نگرش توسعه‌ای لزوماً بر مرکزیت تحقیق و توسعه تأکید می‌کند و آن را هسته اصلی قابلیت‌های فناوری هر ملت می‌داند. فعالیت‌های تحقیق و توسعه باعث پیشرفت تکنولوژی تولید، تنوع تولید و افزایش بهره‌وری عوامل تولید در پروسه تولید می‌شود، با توضیحات فوق انتظار می‌رود در برآوردهای صورت گرفته، متغیر تحقیق و توسعه اثر مثبت معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی داشته باشد که این مطلب طبق نتایج به‌دست آمده در جدول ۵ تأیید می‌شود.

در مطالعاتی، شرر^۱ (۲۰۰۵) به بررسی رابطه نوآوری و تحقیق و توسعه پرداخته و بیان می‌دارد رابطه مثبت مابین فعالیت‌های تحقیق، توسعه و نوآوری وجود دارد. همچنین کرچوحوف^۲ (۱۹۹۴) و گروسکی^۳ (۱۹۹۴)، فعالیت‌های تحقیق و توسعه را یکی از عوامل تولید و حق امتیاز^۴ را شاخص نوآوری در نظر می‌گیرند که به افزایش بهره‌وری منجر می‌شود. کریپون و همکاران^۵ (۱۹۹۸)، زاکاریادیس^۶ (۲۰۰۳)، پیکس و گرلیجس^۷ (۱۹۸۴) و مایرس و محزن^۸ (۲۰۰۴) نیز راه‌های مؤثری برای تحقیق و توسعه بر نوآوری و رشد بهره‌وری بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه آنها بیانگر رابطه مثبت بین فعالیت‌های تحقیق، توسعه و نوآوری است. پایه اصلی نوآوری، انسان و توانایی‌های اوست. اگرچه در گذشته مزیت نسبی براساس منابع طبیعی و خدادادی بود ولی در قرن حاضر مزیت نسبی را انسان‌ها

-
1. Scherer
 2. Kirchohoff
 3. Groski
 4. Patent
 5. Crepon and et al.
 6. Zachariadis
 7. Pakes and Griliches
 8. Maires and Mohnen

می‌آفرینند. به بیان دیگر انسان می‌تواند با استفاده از دانش فنی و نیروی خلاق خود و با تأثیر از مهارت و آموزش‌های لازم و با کشف نیازهای بشر و تولید کالاهای جدید و مدرن، اقتصاد دانش‌بنیان را متجلی کند. از طرفی شاخص سرمایه انسانی را می‌توان به‌عنوان عاملی از وجود ظرفیت جذب کشورها دانست که می‌تواند با فعالیت‌های تحقیق و توسعه از طریق تطبیق فناوری‌های وارد شده به کشورها نوآوری را به‌دنبال داشته باشد. با توجه به مطالب فوق انتظار می‌رود اثر شاخص توسعه انسانی بر نوآوری مثبت باشد که نتایج به‌دست آمده در جدول ۵ مؤید این مطلب است. همان‌طور که می‌دانید با رفتن به سمت آزادسازی تجاری و تبدیل شدن به دهکده جهانی و نیز با تحرک عوامل تولید از جمله نیروی انسانی، سرمایه و تکنولوژی، کشورها می‌توانند از مزایای تجارت بهره‌مند شوند، تجارت امکان دسترسی کشور به پیشرفت‌های فنی و دانش تکنولوژی شرکای تجاری‌اش را فراهم می‌کند. به‌علاوه، اجازه می‌دهد تولیدکنندگان به بازارهای بزرگ‌تر دسترسی یابند و توسعه فعالیت‌های تحقیق و توسعه را از طریق افزایش نوآوری‌ها تشویق می‌کند. نظریه‌های محض تجارت بین‌الملل حاکی از آن است که تجارت آزاد جهانی به‌طور کامل وجود درجه باز بودن اقتصادی، به افزایش سطح تولید و درآمد و روابط مالی و تجاری منجر می‌شود. همچنین تجارت آزاد با واردات محصولات باکیفیت از کشورهای توسعه‌یافته، بنگاه‌های داخلی را به تلاش بیشتر برای تولید کالاهای جدیدتر و با هزینه کمتر تولید، تشویق می‌کند و موجب توسعه فعالیت‌های نوآوری می‌شود (اثر رقابتی). همچنین واردات بیشتر به بنگاه‌های کشورهای درحال توسعه اجازه می‌دهد که از تجهیزات و فناوری‌های وارداتی بیشتر یاد بگیرند. لذا شاهد توسعه فعالیت‌های نوآوری در کشورهای در حال توسعه با افزایش ورود تجهیزات و فناوری‌های وارداتی می‌باشیم (اثر مهندسی معکوس). با توجه به مطالب فوق انتظار می‌رود اثر باز بودن تجاری بر نوآوری مثبت باشد که نتایج به‌دست آمده در جدول ۵ مؤید این مطلب است. همچنین بررسی ضرایب همبستگی فضایی نشان می‌دهد که سرریز فضایی نوآوری یکی از مهمترین متغیرهای توضیح‌دهنده تغییر سطح نوآوری در کشورهای مورد بررسی است که از نظر آماری نیز معنادار می‌باشند. این ضریب به معنای تأثیرپذیری سطح نوآوری هر کشور به وسیله سطح

نوآوری در مناطق همسایه است، با وارد کردن کالای نوآوری محور به داخل کشور و تلاش در جهت بومی کردن و ارتقا سطح دانش کالای مربوطه می توان سطح تولید کالای نوآوری محور را افزایش داد. لذا بایستی سعی بر انتخاب شرکای تجاری با دانش و تکنولوژی بالا کنند و با تعدیل تعرفه کالاهای وارداتی سرمایه ای به صورت هدفمند امکان واردات بیشتر را مهیا و در جهت جذب و بومی کردن تکنولوژی های وارداتی اقدام کنند.

۵. جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادها

در سال های اخیر تأکید بر پایه ریزی اقتصاد دانش محور، افزایش تولیدات جدید و مبتنی بر دانش و فناوری در اولویت سیاست گذاری های کلان اقتصادی کشورها قرار گرفته است. توجه به نوآوری از طریق بسط بازارهای نوین، سهم بسزایی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها برعهده دارد. از آنجا که جهانی شدن فرایندی اجتناب ناپذیر است ارتباط کشورها در حال گسترش است و این امر از جنبه های گوناگون، فرصت ها و تهدیدهایی را پیش روی کشورها قرار داده است. این مطالعه به تحلیل اثر درجه باز بودن اقتصاد بر اقتصاد اندیشه (در این مطالعه نوآوری به عنوان نماینده ای برای اقتصاد اندیشه در نظر گرفته شده است) در ایران و شرکای تجاری آن در قالب مدل رشد رومر طی دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۵ پرداخته است. نتایج تحلیل های حاضر با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی فضایی نشان داد مخارج تحقیق و توسعه، شاخص توسعه انسانی و باز بودن تجاری تأثیر مثبت و معناداری بر نوآوری ایران و شرکای تجاری آن دارد. در مطالعات شرر (۲۰۰۵) نیز به بررسی رابطه نوآوری و تحقیق و توسعه پرداخته و بیان می دارد رابطه مثبت مابین فعالیت های تحقیق، توسعه و نوآوری وجود دارد. همچنین کرچو حوف (۱۹۹۴) و گروسکی (۱۹۹۴)، فعالیت های تحقیق و توسعه را یکی از عوامل تولید و حق امتیاز را شاخص نوآوری در نظر می گیرند که به افزایش بهره وری منجر می شود. کریپون و همکاران (۱۹۹۸)، زاکاریادیس، (۲۰۰۳)، پیکس و گریلیجس (۱۹۸۴) و مایرس و محزن (۲۰۰۴) نیز راه های مؤثر بر تحقیق و توسعه بر نوآوری و رشد بهره وری را بررسی کرده اند. نتایج مطالعه آنها نیز بیانگر رابطه مثبت بین فعالیت های تحقیق، توسعه و

نوآوری است. بنابراین نتایج پژوهش جاری با مطالعات خارجی همسو بود و البته این تشابه نیز با مطالعه راغفر، شاه‌آبادی و علیزاده (۱۳۹۷) در حوزه مطالعه دانش‌بنیانی و کارآفرینی قابل مشاهده است. با توجه به نتایج تحقیق، بیشترین اثرگذاری بر نوآوری کشورهای مورد مطالعه متعلق به متغیر شاخص توسعه انسانی و مخارج تحقیق و توسعه است. از این رو انتظار می‌رود سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی اهتمام جدی در خصوص افزایش انگیزه فعالان اقتصادی به انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه داشته باشند و نیز به منظور توسعه شاخص توسعه انسانی، ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های آموزشی برای جذب فناوری‌های نوین از طریق تجارت را در دستور کار خود قرار دهند. از آنجا که نتایج نشان می‌دهد هرچه درجه باز بودن اقتصاد بیشتر باشد جریان‌های نوآورانه بیشتر تقویت می‌شود؛ لذا با توجه به مثبت بودن اثر باز بودن اقتصاد بر نوآوری در کشورهای مورد بررسی، می‌توان پیشنهاد کرد که این کشورها و خصوصاً ایران شناخت دقیقی نسبت به ساختار اقتصادی خود به منظور انتخاب صحیح شرکای تجاری با دانش و تکنولوژی بالا پیدا کنند و با تعدیل تعرفه کالاهای وارداتی سرمایه‌ای به صورت هدفمند امکان واردات کالاهای حامل دانش را مهیا و در جهت جذب و بومی کردن تکنولوژی‌های وارداتی و تولید کالای نوآوری محور اقدام کنند. بنابراین درجه باز بودن اقتصاد با وجود تعرفه‌های گاه‌آ‌چند صد درصدی در برخی کالاهای وارداتی فرایند جهانی شدن برای کشور بسیار پرهزینه خواهد کرد. به عبارتی، جهانی شدن در دنیای امروزی امری اجتناب‌ناپذیر است که درجه باز بودن اقتصاد از ارکان اساسی این فرایند بوده که به صورت هدفمند سیاست‌گذار می‌تواند نهاده اولیه کالاهای دانش‌بنیان با تعرفه صفر وارد چرخه تولید کند این مهم با کاهش هزینه‌های تولید کالای دانش بنیاد همراه خواهد شد از سوی دیگر بهبود سرمایه‌گذاری و تحقیقات در شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند مسیر توسعه و شکوفایی تولید در این بنگاه‌ها را هموار کند.

منابع و مأخذ

۱. ابریشمی، حمید، ابوالقاسم مهدوی، مهدی احراری و بیتا صابری (۱۳۹۰). «اثرات جهانی شدن بر اشتغال و تقاضای نیروی کار ماهر و غیرماهر ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۵۸.
۲. جلایی اسفندآبادی، سیدعبدالمجید و ابراهیم جاودان (۱۳۸۹). «تأثیر آزادسازی تجاری بر اشتغال بخش کشاورزی ایران»، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۴.
۳. راغفر، حسین، ابوالفضل شاه‌آبادی و سمیرا علیزاده (۱۳۹۷). «تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش بر کارآفرینی در کشورهای منتخب»، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۳، ش ۲.
۴. رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۹). جهانی‌سازی، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. شاه‌آبادی، ابوالفضل و سحر حواج (۱۳۹۰). «بررسی اثر سرریز فناوری از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و واردات بر نوآوری»، فصلنامه تحقیقات راه‌اندیشه، ۱(۴).
۶. محمودزاده، محمود و رضا محسنی (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر تکنولوژی‌های وارداتی بر رشد اقتصادی ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۱۶.
۷. نیکومرام، هاشم و فریدون رهنمای رودپشتی و ایمان جوکار تنگ‌کرمی (۱۳۹۲). «تیین نقش تجارت خارجی و نوآوری از طریق دستیابی به تکنولوژی خارجی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کشور ایران»، فصلنامه دانش مالی و تحلیل اوراق بهادار، ۲۰.
8. Bloom, N., M. Draca and J. Van Reenen (2008). "Trade Induced Technical Change? The Impact of Chinese Imports on IT and Innovation", www.Stanford.edu/~nbloom/TITC.pdf.
9. _____ (2016). "Trade Induced Technical Change? The Impact of Chinese Imports on Innovation, IT and Productivity", *Review of Economic Studies*, 83.
10. Borota, T. (2012). "Innovation and Imitation in a Model of North-South Trade", *Journal of International Economics*, Vol. 87.
11. Cheung, K. Y. and P. Lin (2004). "Spillover Effects of FDI on Innovation in China: Evidence from the Peovicial Data", *China Economic Review*, 15.
12. Crepon, B., E. Duguet and J. Maires (1998). "Research, Innovation and Productivity: An Econometric Analysis at the Firm Level", NBER Working papers, No. 6696.
13. Geroski, P. (1994). *Market Structure, Corporate Performance and Innovative Activity*, OxfordUniversity, Clarendon Press.
14. Gicheva, D. and A. N. Link (2016). "On the Economic Performance of Nascent Entrepreneurs", *European Economic Review*, 86.
15. Gorodnichenko, Y., J. Svejnar and K. Terrell (2009). "Globalization and Innovation in Emerging Markets", *American Economic Journal, Macroeconomics*, IZA Discussion paper, No. 3299.

16. <https://people.stanford.edu/nbloom/sites/default/files/rdv039.pdf>.
17. Kirchohoff, B. (1994). "Entrepreneurship and Dynamic Capitalism", Westport Connecticut, Praeger Publishers.
18. LeSage, J. and R. K. Pace (2009). "Introduction to Spatial Econometrics", Taylor and Francis Group CRC Press, USA.
19. LeSage, James and R. Kelley. Pace (2009). *Introduction to Spatial Econometrics*, Raton, Florida, Chapman & Hall/CRC.
20. Lu. Y and T. Ng (2012). "Do Imports Spur Incremental Innovation?", *China Economic Review*, Vol. 23.
21. Mairesse, J. and P. Mohnen (2004). "The Importance of R&D for Innovation: A Reassessment Using French Survey Data", Maastricht Economic Research Institute on Innovation and Technology, <http://www.merit.unimaas.nl>.
22. Navas, A. (2015). "Trade Liberalisation and Innovation under Sector Heterogeneity", *Regional Science and Urban Economics*, Vol. 50.
23. Pakes, A. and Z. Griliches (1984). Patents and R&D at Firm Level: A First Look in R&D, Patents and Productivity, ZviGriliches(ed), The University of Chicago Press.
24. Ping, L. and Zh. Qingchang (2008). "The Effects of Technological Spillover Through FDI and Import Trade on China's Innovation", School of Economy of Shandong University of Technology, www.seiofbluemountain.com/search/detail.php?id=3948.
25. Puga, D. and D. Trefler (2010). "Wake up and Smell the Ginseng: Innovation Trade and the Rise of Incremental Innovation in Low-wage Countries", *Journal of Development Economics*, 91(1).
26. Romer, P. M. (1990). "Endogenous Technological Change", *Journal of Political Economy*, 98(5).
27. Rubini, L. (2014). "Innovation and the Trade Elasticity", *Journal of Monetary Economics*, Volume 66.
28. Santacreu, A. M. (2015). Innovation, Diffusion, and Trade: Theory and Measurement, *Journal of Monetary Economics*, Vol. 75.
29. Scherer. F. M. (2005). "Edwin Mansfield: An Appreciation", *The Journal of Technology Transfer*, Issue1/2, 30. Available at SSRN: <http://ssrn.com>
30. Wu, Y., D. Popp and S. Bretschneider (2007). "The Effect of Innovation Policies on Business R&D: A Cross National Empirical Study", *Economics of Innovation and New Technology*, 16(4).
31. Zachariadis, M. (2003). "R&D, Innovation and Technological Progress: A Test of the Schumpeterian Frame Work Without Scale Effects", *Canada Journal of Economics*, 36(3).
32. Zack, M. H. (1999). "Developing a Knowledge Strategy", *California Management Review*, 41(3).

تقاضای القای پزشکی از سوی ارائه‌کنندگان خدمات سلامت در ایران (سیاستگذاری و کنترل)

علی اخوان بهبهانی* و ایرج اسماعیلی**

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۰/۱۳ | تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۱۰/۷

پزشکان به نمایندگی از بیماران در مورد مراقبت‌های درمانی تصمیم‌گیری می‌کنند به همین دلیل می‌توانند تقاضای بیمار را به صورت غیرضروری افزایش دهند. پزشکان در همه موارد نقش نمایندگی را به درستی اجرا نمی‌کنند (نماینده‌گی غیرکامل) و توصیه‌های آنها تحت تأثیر منافع شخصی‌شان قرار دارد. آن بخشی از تقاضا که در جهت منافع پزشک (عرضه‌کننده) به جای منافع بیمار ایجاد شده است را تقاضای القایی از طرف عرضه‌کننده می‌نامند. این پژوهش یک مطالعه کیفی و کمی به روش آمیخته و با استفاده از روش تحلیل تم و مدل‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه انجام شده است که نشان می‌دهد بیشترین علل مربوط به ارائه‌دهندگان خدمات سلامت مؤثر بر تقاضای القایی (علل ناشی از عملکرد پزشکان) عبارت بودند از: تشویق پزشک به کار بیشتر، آزادی پزشکان در ارائه خدمات مختلف، تجویز بی‌مورد و زیاد از حد دارو، فقدان وابستگی پزشک به قرارداد بیمه‌ها عدم تمایل پزشک به ارائه خدمت صحیح به بیمار در بخش دولتی. مهمترین راه کاهش تقاضای القایی ایجاد شده توسط پزشک، اجرای کامل نظام ارجاع مبتنی بر پزشک خانواده در کشور است. البته باید راهنماهای بالینی پزشکی به خوبی تدوین شود و پزشکان موظف به رعایت آن باشند. بنابراین پیشنهاد می‌شود قانونی دائمی براساس تکلیف دولت بر ایجاد سامانه «خدمات جامع و همگانی سلامت» مبتنی بر مراقبت‌های اولیه سلامت با محوریت پزشک خانواده و نظام ارجاع و تکلیف نظام بیمه‌ای بر انحصار خرید خدمت از این سامانه به تصویب برسد.

کلیدواژه‌ها: تقاضای القایی؛ پزشکان؛ متقارن نبودن اطلاعات؛ بازار و خدمات سلامت

* عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (نویسنده مسئول)؛

Email: alakhavan@gmail.com

Email: iesmaili@yahoo.com

** دکتری پزشکی، پژوهشگر؛

مقدمه و بیان مسئله

از دیدگاه سازمان جهانی بهداشت (۱۹۴۸)،^۱ سلامت عبارت است از: «رفاه کامل جسمانی، روانی و اجتماعی و نه تنها فقدان بیماری و ناخوشی». بر این اساس حفظ و ارتقای سلامت مسئولیتی فردی، اجتماعی، سازمانی و حاکمیتی است و یکی از پیش شرط‌های تحقق پیشرفت پایدار و عادلانه به‌شمار می‌رود. از آنجا که سلامت مردم همواره اولوی ملی است، لذا مسئولیت دولت نیز دائمی است. بنابراین امروزه مدیریت دقیق و مسئولانه تندرستی جامعه، جوهره یک دولت خوب است. در مبادله‌ای که میان بیمار و پزشک یا ارائه‌کننده مراقبت انجام می‌شود به راحتی نمی‌توان ویژگی‌های کالا و حقوق مالکیت یا آنچه که مبادله می‌شود را تعریف کرد. بیماران اغلب برای مصرف خدمات درمانی به نظر پزشکان یا ارائه‌کنندگان مراقبت متکی هستند. آنان باید مشخص کنند که آیا فرد مراجعه‌کننده بیمار است و چنانچه بیمار است چه کاری باید انجام شود. بیماران اغلب از اطلاعات کافی قضاوت در مورد آنچه که به آنان عرضه می‌شود برخوردار نیستند و نمی‌توانند قضاوت درستی در مورد ارزش مادی آن خدمات کنند. تجاری که در خرید مراقبت‌های درمانی برای یک بیماری مانند سرماخوردگی حاصل می‌شود کمک کمی به خرید مراقبت برای بیماری دیگری با ماهیت متفاوت مانند شکستن ساق پا می‌کند. در مواقع بسیاری موارد کالای همگنی در این بازار مبادله نمی‌شود.^۲

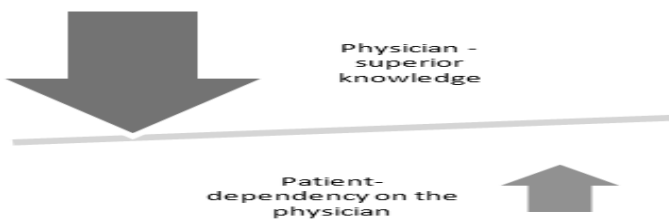
امروزه نگرانی اصلی سیاستگذاران بخش سلامت و محققان، ارتباط میان محرک‌های مالی و رفتارهای ارائه‌کننده خدمت، به‌علاوه روش‌های کنترل رفتار نامناسب و تشویق رفتارهای خوب است. در این زمینه، بدرفتاری به معنی توصیه ارائه‌کننده به استفاده غیرضروری یا بیش از حد بیمار از خدمات بهداشتی - درمانی است. مورد اول دربرگیرنده مفهوم خدمات غیرضروری؛ و مورد دوم دربرگیرنده مفهوم تقاضای القایی ایجاد شده از سوی عرضه‌کننده است. در مراقبت‌های سلامتی؛ پزشک می‌بایست نسبت به بیمار دارای اطلاعات و دانش بیشتری در مورد تشخیص و معالجه بیماری باشد. بیمار می‌خواهد اطلاعات بیشتری به پزشک بدهد اما پزشک ممکن است چنین انگیزه‌ای نداشته باشد. وظایف حرفه‌ای و اخلاقی شخصی، پزشک را وادار می‌کند شرافتمندانه به نفع بیمار عمل کند اما انگیزه

1. World Health Organization (WHO)

2. Izumida, Urushi and Nakanishi, 1999.

سودجویی او را وامی دارد که به نفع خود بیندیشد این دو انگیزه در جهت مخالف هم هستند.^۱ تقاضای القایی، یکی از سرفصل‌های بحث‌انگیز در اقتصاد سلامت است (کیوان‌آرا و همکاران، ۱۳۹۲ الف و محبوبی و همکاران، ۱۳۸۹). در واقع به القای ارائه، مراقبت یا فروش خدمت غیرضروری به مراجعان سیستم سلامت که با اعمال قدرت از طرف ارائه‌کنندگان خدمت همراه است، تقاضای القایی گفته می‌شود.^۲ پزشکان دو نوع خدمت ارائه می‌دهند که یکی از آنها ارائه اطلاعات پزشکی در مورد نیاز به خدمات و نوع خدمات مورد نیاز در هر شرایط بوده و دیگری خدمات بالینی است. به بیان دیگر، به دلیل فقدان دانش کافی بیمار جهت تشخیص یک وضعیت پزشکی و انتخاب دوره درمانی مناسب، پزشکان هم توصیه‌کننده و هم ارائه‌کننده خدمات سلامت به حساب می‌آیند.^۳ پزشکان به نمایندگی از بیماران در مورد مراقبت‌های درمانی تصمیم‌گیری می‌کنند، بنابراین قادرند تقاضای بیمار را به صورت غیرضروری افزایش دهند. پزشکان در همه موارد نقش نمایندگی را به درستی اجرا نمی‌کنند (نمایندگی غیرکامل) و توصیه‌های آنها تحت تأثیر منافع شخصی‌شان است. آن بخشی از تقاضا که در جهت منافع خود پزشک (عرضه‌کننده) به جای منافع بیمار ایجاد شده است را تقاضای القایی^۴ از طرف عرضه‌کننده می‌نامند. تقاضای القایی ممکن است ناشی از عدم تقارن اطلاعات بین پزشک و بیمار باشد (محبوبی و همکاران، ۱۳۸۹).

شکل ۱. عدم تقارن اطلاعات بین پزشک و بیمار



Source: LaBelle, Stoddart and Rice, 1998.

1. Henderson, 2015.
2. Crane, 1992; Cline and Mott, 2003.
3. LaBelle, Stoddart and Rice, 1998.
4. Supplier-Induced Demand (SID)

نگرانی اصلی آن است که مرتبط بودن ارائه خدمات سلامت با منافع پزشکان، آنان را به سمت ارائه خدمات بیشتر و پرهزینه‌تری سوق دهد که هیچ‌یک از پیامدهای سلامت یا رفاه بیمار را ارتقا نمی‌دهد. این فروض تا زمان ارائه تعریف عملیاتی و قابل اندازه‌گیری از تقاضای القایی و مراقبت‌های غیرضروری قابل آزمون نیستند. در مبادله‌ای که میان بیمار و پزشک یا ارائه‌کننده مراقبت انجام می‌شود به راحتی نمی‌توان ویژگی‌های کالا و حقوق مالکیت یا آنچه که مبادله می‌شود را تعریف کرد. بیماران اغلب برای مصرف خدمات درمانی متکی به نظر پزشکان یا ارائه‌کنندگان مراقبت هستند. آنان باید مشخص کنند که آیا فرد مراجعه‌کننده بیمار است و چنانچه بیمار است چه کاری باید انجام شود (کیوان‌آرا و همکاران، ۱۳۹۲ ب).

در کشور ما نیز تقاضای القایی یکی از چالش‌های نظام سلامت کشور است که در نهایت با تقابل نیاز نامحدود و منابع محدود باعث بالا رفتن سهم مردم در هزینه‌های درمانی و همچنین رشد شاخص هزینه‌های تحمل‌ناپذیر می‌شود. تقاضای القایی پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است (عبدلی، ۱۳۸۴). در اثر تقاضای القایی کارایی در تخصیص منابع ملی خدشه‌دار می‌شود. حتی اگر هزینه را بیمار پرداخت کند، درآمد ملی به طریق هزینه اثربخش تخصیص داده نمی‌شود. این وضعیت می‌تواند با ایجاد تقاضای بیشتر، تعادل عرضه و تقاضا در بازار سلامت بهم زند. همچنین باعث تحمیل هزینه‌های اضافی بر بیمار و اتلاف وقت او می‌شود. همچنین گاهی درمان‌ها و تشخیص‌های غلط عوارض طبی در گیرندگان خدمت ایجاد می‌کند. از طرف دیگر ضرر و زیان‌های اقتصادی آن در سطح ملی به خصوص وقتی که دولت برای خدمات پزشکی و دارو یارانه پرداخت می‌کند، بسیار چشمگیر است.^۱

از دیدگاه سیاست‌گذاران، تقاضای القایی می‌تواند دو تأثیر عمده داشته باشد: یکی هزینه‌های بخش سلامت را افزایش دهد و یا موجب فشار بر بودجه عمومی دولت شود و دوم اینکه کارایی را کاهش دهد چرا که منابع ملی به مراقبت‌هایی اختصاص پیدا می‌کند که مزایای چندانی ندارند.^۲

1. Izumida, Urushi and Nakanishi, 1999; Mahbubi and et al., 2010.

2. Bickerdyke and et al., 2002.

بیش از یک دهه پیش هادلی و همکاران استدلال کردند که پژوهشگران بایستی بر پیامدهای تقاضای القایی بیش از محتواهای تئوری آن متمرکز شوند. با توجه به بازتاب ابعاد متفاوت تقاضای القایی، پیامدهای گسترده القا برای جامعه باید از منظر تأثیر آن بر وضعیت سلامت و رفاه بیماران مورد بررسی قرار گیرد به جای آنکه به مفهوم محدود رابطه ناقص اکتفا شود. در سیستم بهداشت و درمان کشور ما نیز پدیده تقاضای القایی امکان بروز دارد. این پدیده می‌تواند چالش‌های زیادی برای سیستم سلامت و مهمتر از آن بیماران فراهم کند و مانع دسترسی آنها به خدمات اصلی و مورد نیاز شود (همان، ۱۳۹۲ الف). شواهد ملی حاکی از آن است که در طول سه دهه گذشته در ایران به دلیل سرمایه‌گذاری دولت و مردم در زیرساخت‌های سلامت از جمله گسترش شبکه‌های بهداشتی - درمانی، پوشش خدمات بیمه‌ای درمان و همچنین پیشرفت سایر بخش‌های توسعه، سبب بهبود وضعیت سلامت و کیفیت زندگی مردم شده است. لیکن با وجود کاهش نابرابری بین روستا و شهر کماکان نابرابری‌های غیرمنصفانه در وضعیت سلامت، پاسخگویی به انتظارات غیرپزشکی و حفاظت مالی در مقابل هزینه‌های سلامت وجود دارد. متأسفانه برآورد شاخص‌های عدالت مالی سلامت از سال ۱۳۷۴ تا حال حاکی از آن است که درصدی از مردم که سالانه به علت هزینه‌های سلامت دچار وضعیت اسفبار می‌شوند (متوسط ۲ درصد) و همچنین به ورطه فقر می‌افتند (متوسط ۱ درصد)، وضعیت نامطلوب و تقریباً ثابتی دارند (محبوبی و همکاران، ۱۳۸۹).

فابری و مونفاردینی^۱ (۲۰۰۱) نشان دادند تقاضای القایی به میزان زیادی بر بازارهای بیمه سلامت تأثیر می‌گذارد. کلاین و مت (۲۰۰۳) به این نتیجه دست یافتند که تقاضای القایی، عرضه و تقاضا را در بازار سلامت به هم می‌زند. آمپروفو^۲ (۲۰۱۱) بیان کرد که تغییر تقاضا تحت تأثیر نظر پزشک، تئوری بازار و حاکمیت مصرف‌کننده را به چالش می‌کشد.

مطابق با فرضیه تقاضای القایی پزشک، هر پزشک می‌تواند بر پایه اطلاعات دارویی

1. Fabbri and Monfardini

2. Amporfu

بیشتری که نسبت به بیمار دارد وی را مجبور کند که داروهای بیشتری را مصرف کند. لذا این عدم تقارن اطلاعات میان پزشک و بیمار منجر به مشکلاتی می‌شود. پس اگر تئوری تقاضای القایی پزشک صحیح باشد، سرانه پزشکان اثر مثبتی روی مخارج دارویی دارد. به طوری که امکان افزایش مخارج درمانی بیماران به علت تجویز پزشک باشد. حال اگر دولت، پزشکان را وادار به محدود کردن تجویزها کند ممکن است به علت کاهش انگیزه پزشکان از کیفیت خدمات آنها کاسته شود. لذا بدین منظور باید سیاستگذاری‌های لازم برای افزایش اطلاعات بیماران در مورد مراقبت‌های بهداشتی و دارویی صورت گیرد (ورهرامی، ۱۳۸۹).

با وجود اینکه از سال ۱۲۹۰ تا حال بیش از ۳۰۰ قانون در حیطه سلامت به تصویب رسیده است ولی در هیچ‌یک از این قوانین به وضوح به بحث تقاضای القایی اشاره نشده است. حتی در قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳ به عنوان مهمترین قانون بیمه کشور نیز به این موضوع پرداخته نشده است.

شناسایی عوامل تأثیرگذار بر بروز تقاضای القایی همچون عدم تقارن اطلاعات، تعداد عرضه کنندگان، تعداد مصرف کنندگان، مکانیسم‌های جبران خدمات عرضه کنندگان، رابطه مالی مصرف کننده و عرضه کننده، نظام‌های بیمه‌ای، تعداد عرضه کنندگان خدمات پاراکلینیکی و بیمارستانی، تبلیغات، نظام‌های مالیاتی، میزان انحصار، سهم بخش‌های دولتی و خصوصی در بازار سلامت و ... همچنین نحوه تأثیر آنها بر تولید و مصرف خدمات تشخیصی - درمانی می‌تواند در بازنگری و اصلاح نظام سلامت کشور کمک کننده باشد. در شرایطی که به رغم محدودیت منابع، رشد چشمگیر هزینه‌های بخش سلامت چالش‌های عمده‌ای را برای جوامع ایجاد کرده است، تقاضای القایی می‌تواند ضمن بروز بی‌تعادلی در عرضه و تقاضای خدمات درمانی، سبب تحمیل هزینه‌های اضافی و اتلاف در بازار سلامت شود. این درحالی است که امور درمانی خدمات غیرضروری و بعضاً نامناسب، خود موجب به خطر افتادن سلامت انسان‌ها نیز می‌شود. بنابراین لازم است با شناخت ابعاد و راهکارهای مقابله با این پدیده کمک به هزینه کرد صحیح منابع بخش سلامت کشور کرد. در این مقاله به دنبال پاسخ برای دو

سؤال اصلی شیوه‌های اصلی تقاضای القایی برای خدمات سلامت در ایران و راهکارهای ارائه شده جهت بهبود این مسئله است.

۱. روش تحقیق

این پژوهش یک مطالعه کیفی و کمی و به روش آمیخته^۱ است که با استفاده از روش‌های مطالعه اسنادی (کتابخانه، مجلات، گزارش‌ها و اینترنت) و میدانی نظیر نظرسنجی‌های مختلف (استفاده از نظر خبرگان، مصاحبه و بحث‌های هدایت شده) انجام شد. از این رو علل، عوامل، چرایی، چیستی و دلایل تقاضای القایی برای خدمات سلامت در ایران با استفاده از نتایج مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران، در قالب تحلیل تم، طراحی پرسشنامه کمی براساس تم‌های تحلیل شده و تحلیل مجدد موارد و اطلاعات به دست آمده با صاحب‌نظران و ذی‌نفعان منتخب بررسی شد. در این مقاله علل مربوط به ارائه‌کنندگان خدمت (پزشکان) با جزئیات بیشتری مورد توجه قرار گرفت.

نمونه لازم چهار گروه پزشکان را شامل می‌شد: تقاضاکنندگان خدمات تشخیصی و درمانی (۱۸ نفر)، کارشناسان نظارت بر درمان صندوق‌های بیمه و بیمه‌های تکمیلی و کارشناسان سازمان نظام پزشکی بخش شکایات تخلفات و نظارت بر درمان (۱۴ نفر)، مدیران و کارشناسان بیمارستانی (۱۴ نفر) و نمایندگان مجلس شورای اسلامی آشنا به بخش سلامت (۳ نفر).

بنابراین معیار انتخاب افراد درخصوص تقاضاکنندگان از بخش‌های دولتی، خصوصی، خیریه و نهادهای عمومی غیردولتی افراد با حداقل ۱۰ سال سابقه کار در رشته‌های مختلف بودند. در حیطه کارشناسان نظارت بر درمان به‌طور مشخص مدیر یا در صورت عدم امکان کارشناس مسئول مربوطه در بیمه و نظام پزشکی انتخاب شدند. درخصوص مدیران بیمارستانی مدیر بیمارستان در بخش‌های دولتی، خصوصی، خیریه و نهادهای عمومی غیردولتی انتخاب شدند و درخصوص نمایندگان مجلس از اعضای کمیسیون بهداشت و درمان با سابقه حداقل دو دوره حضور در کمیسیون

بهداشت به علاوه وجود سابقه اجرایی در بخش سلامت انتخاب صورت گرفت. در این تحقیق با توجه به اولویت روش کیفی، ابتدا نتایج حاصل از اجرای مصاحبه تحلیل شد. پس از انجام مصاحبه، تمامی مصاحبه‌ها روی کاغذ آورده و در جداول مربوطه قرار داده شد که هر ردیف آن به یک داده خام اختصاص داشت. در مرحله بعد با استفاده از روش مقایسه کردن^۱ پرسش مداوم در این مورد که این داده‌ها با چه مفهومی مشابهت بیشتری دارد؟ برای داده‌های خام عناوین مفهومی تعیین و برای بررسی از تحلیل تم استفاده شد.

تم‌های حاصل شده از مطالعه کیفی و بخش مصاحبه‌ها به صورت عبارت و گویه تنظیم و برای تنظیم بهتر این عبارات و گویه‌ها از منابع موجود استفاده شد که در بسیاری از موارد همپوشانی داشت. آنگاه چک‌لیست نظرسنجی صاحب‌نظران با طیف لیکرتی ۶‌تایی مجدداً از کارشناسان به صورت حضوری، تلفنی و ایمیلی تکمیل شد. سپس با مراجعه به داده‌های کمی حاصل از مرحله دوم تحقیق با استفاده از آمار توصیفی به صورت جدول و نمودار آورده شد. برای تحلیل داده‌ها و رتبه‌بندی علل، عوامل، چرایی، چیستی تقاضای القایی و راهکارهای مقابله با آن از مدل‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه^۲ و روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی^۳ به منظور انتخاب گزینه برتر بهره گرفته شد.

۲. یافته‌ها

در جمع‌بندی انجام مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ها در خصوص سؤال‌های مصاحبه تقاضای القایی پاسخ‌ها به شرح جدول‌های ذیل آمده است:

1. Comparative
2. Multiple Attributions Decision Making (MADM)
3. The Analytic Hierarchy Process (AHP)

جدول ۱. بررسی علل کلان مؤثر بر ایجاد و چالش‌های ناشی از تقاضای القایی

علل کلان مؤثر در تقاضای القایی										فراوانی مطلق و نسبی پاسخ شرکت‌کنندگان
علل ساختاری					علل اجتماعی		علل زیربنایی			
علل مربوط به دریافت‌کنندگان خدمات سلامت		علل سازمانی و ارائه خدمات		علل ناشی از سازمان‌های بیمه‌گر						
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
(درصد)	(تعداد)	(درصد)	(تعداد)	(درصد)	(تعداد)	(درصد)	(تعداد)	(درصد)	(تعداد)	
۳۰/۶۱	۱۵	۳۸/۷۸	۱۹	۲۰/۴۱	۱۰	۳۰/۶۱	۱۵	۹/۸	۵	بسیار زیاد
۲۸/۷۸	۱۴	۳۰/۶۱	۱۵	۱۸/۳۷	۹	۲۰/۴۱	۱۰	۴/۰۸	۲	زیاد
۱۹/۱۸	۹	۹/۱۸	۵	۱۰/۲	۵	۱۸/۷۸	۹	۵۸/۷۸	۲۹	کم‌وبیش
۹/۵۹	۵	۹/۱۸	۵	۱۲/۲۴	۶	۹/۳۹	۵	۸/۱۶	۴	کم
۲/۰۴	۱	۹/۱۸	۵	۲۰/۴۱	۱۰	۱۲/۲۴	۶	۹/۸	۵	بسیار کم
۹/۵۹	۵	۲/۰۴	۱	۱۸/۳۷	۹	۹/۳۹	۵	۹/۸	۵	اصلاً
۱۰۰	۴۹	۱۰۰	۴۹	۱۰۰	۴۹	۱۰۰	۴۹	۱۰۰	۴۹	جمع
۲		۱		۵		۳		۴		رتبه
(٪۱۸/۵۷)		(٪۳۳/۴۸)		(٪۱۴/۶۵)		(٪۱۷/۷۲)		(٪۱۵/۵۹)		میزان تأثیر

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

علل کلان مؤثر در تقاضای القایی: از نظر اکثریت قریب‌به‌اتفاق شرکت‌کنندگان در پژوهش عوامل زیر در تقاضای القایی به سهم محاسبه شده سهم بوده‌اند. با توجه به محاسبات انجام شده سهم هریک نیز از اطلاعات جمع‌آوری شده بررسی شد. علل زیربنایی؛ (٪۱۵/۵۹)، علل اجتماعی؛ (٪۱۷/۷۲) و علل ساختاری (٪۶۶/۶۹) که شامل علل ساختاری سازمانی و ارائه خدمات (٪۳۳/۴۸)، علل مربوط به دریافت‌کنندگان خدمات سلامت (٪۱۸/۵۷) و علل ناشی از سازمان‌های بیمه‌گر (٪۱۴/۶۵) می‌شود (جدول ۱).

جدول ۲. بررسی نقش افراد بر ایجاد و چالش‌های ناشی از تقاضای القایی

نقش افراد										فراوانی مطلق و نسبی پاسخ شرکت‌کنندگان
ارائه‌دهندگان خدمات سلامت مؤثر بر تقاضای القایی		القای ترکیبی تقاضا (پزشک، بیمار و شخص ثالث)		شخص ثالث		پزشک (تقارن نامناسب میزان آگاهی میان پزشک و بیمار)		بیمار (تقاضای غیرصحيح از پزشک)		
فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	
(تعداد)	(درصد)	(تعداد)	(درصد)	(تعداد)	(درصد)	(تعداد)	(درصد)	(تعداد)	(درصد)	
۱۵	۳۰/۶۱	۲۳	۴۵/۹۲	۱۰	۲۰/۴۱	۱۸	۳۶/۷۳	۱۴	۲۸/۱۶	بسیار زیاد
۵	۹/۵۹	۱۴	۲۸/۵۷	۹	۱۸/۷۸	۱۴	۲۹/۳۹	۹	۱۸/۷۸	زیاد
۹	۱۹/۱۸	۹	۱۸/۳۷	۶	۱۲/۲۴	۱۰	۱۹/۵۹	۵	۹/۳۹	کم و بیش
۶	۱۲/۲۴	۱	۲/۰۴	۵	۹/۳۹	۵	۹/۸	۲	۴/۰۸	کم
۹	۱۹/۱۸	۱	۲/۰۴	۱۰	۲۰/۴۱	۱	۲/۰۴	۱۵	۳۰/۶۱	بسیار کم
۵	۹/۵۹	۱	۲/۰۴	۹	۱۸/۷۸	۱	۲/۰۴	۵	۹/۳۹	اصلاً
۴۹	۱۰۰	۴۹	۱۰۰	۴۹	۱۰۰	۴۹	۱۰۰	۴۹	۱۰۰	جمع
۵		۱		۴		۲		۳		رتبه
(۱۶/۴۲٪)		(۲۴/۰۲٪)		(۱۶/۶۲٪)		(۲۲/۶۸٪)		(۱۸/۲۶٪)		میزان تأثیر

مأخذ: همان.

نقش افراد در تقاضای القایی: در پاسخ به این سؤال، مشخص شد به ترتیب اهمیت سهم القای ترکیبی، سپس تقارن نامناسب اطلاعاتی و تفاوت در میزان آگاهی میان پزشک و بیمار (تقاضای غیرصحيح بیمار از پزشک) و در نهایت شخص ثالث بیشتر بوده است. القای ترکیبی تقاضا، پزشک، بیمار و شخص ثالث (۲۴/۰۲٪)؛ از سوی پزشک به علت تقارن نامناسب میزان آگاهی میان پزشک و بیمار (۲۲/۶۸٪)؛ تقاضای غیرصحيح بیمار از پزشک (۱۸/۲۶٪) و القای شخص ثالث (۱۶/۶۲٪) بوده است (جدول ۲).

شیوه‌های اعمال تقاضای القایی: از نظر پاسخ‌دهندگان عنوان ارائه یک پاسخ تک و نه ترکیبی تکرار خدمات به ویژه در اقدامات تشخیصی آزمایشگاهی و تصویربرداری در کشور از اولویت بیشتری برخوردار بود:

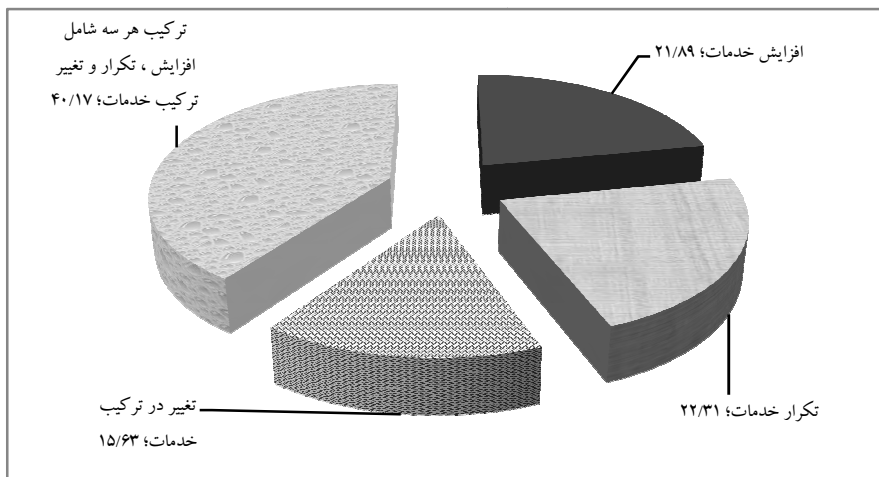
- افزایش خدمات (۲۱/۸۹)٪؛

- تکرار خدمات (۲۲/۳۱)٪؛

- تغییر در ترکیب خدمات (۱۵/۶۳)٪ و

- ترکیب هر سه شامل افزایش، تکرار و تغییر در ترکیب خدمات (۴۰/۱۷)٪ (نمودار ۱).

نمودار ۱. شیوه‌های اعمال تقاضای القایی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در این پژوهش، براساس تحلیل موضوعی انجام شده سه موضوع اصلی و حدود ۴۰ زیر موضوع به دست آمده است که سه موضوع اصلی آن عبارت‌اند از:

چالش‌های سیستم سلامت

مشارکت‌کنندگان چالش‌های سیستم سلامت ناشی از تقاضای القایی را در قالب این موارد مطرح کردند: «کلاهبرداری با روش‌های درمانی غیرمعمول، مخدوش شدن عدالت در سلامت، کاهش بهره‌وری نظام سلامت، کاهش کیفیت خدمات، گسترش بیش از اندازه تکنولوژی‌های جدید، پیامدهای اقتصادی برای سیستم سلامت، چالش‌های دسترسی، تخصیص نادرست منابع، افزایش تقاضای خدمات و مختل شدن جایگاه پزشکی در اذهان

عمومی». براساس الگوی سالم اقتصاد درمان، هر فردی که به درمان بیشتری نیاز دارد باید از تسهیلات بیشتری برخوردار شود؛ یعنی درحقیقت عدالت در درمان ایجاد می‌شود. اما در صورت تقاضای القایی در درمان، عدالت وجود نخواهد داشت. که این امر به کاهش کیفیت خدمات منجر می‌شود و منابعی که باید صرف برطرف کردن مشکلات اساسی بیماران شود به پاسخ به تقاضای القایی اختصاص می‌یابد.

مشارکت کنندگان؛ «پیامد اقتصادی ناشی از تقاضای القایی» برای سیستم سلامت را بسیار مهم ارزیابی کردند و طبق نظر آنها این پیامدها شامل «کاهش بهره‌وری اقتصادی، کاهش سهم هزینه‌ها در بخش بهداشت و پیشگیری، از دست رفتن ارز کشور، اتلاف بخش زیادی از منابع پولی در تبلیغات کاذب، افزایش هزینه‌های درمانی و تشخیصی، افزایش سالانه سهم سلامت از تولید ناخالص ملی»^۱ می‌شود. تقاضای القایی ممکن است موانعی برای دسترسی مردم به خدمات سلامت فراهم کند که مشارکت کنندگان در بخش «چالش‌های دسترسی» موضوعات «محرومیت از خدمات، چشم‌پوشی از خدمات اصلی، عدم ارائه درمان واقعی در مراکز دولتی» را مطرح کردند.

چالش‌های بیماران

مشارکت کنندگان چالش‌های ناشی از تقاضای القایی برای بیمار را در قالب زیر موضوعات «چالش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و عوارض درمانی» و چالش‌های اجتماعی را در قالب زیر موضوعات «ایجاد نگرانی‌های بی‌مورد در بیمار، سردرگمی بیمار، مشکلات خانوادگی و مختل شدن روند زندگی عادی فرد» مطرح کردند.

مشارکت کنندگان «چالش‌های اقتصادی» ناشی از تقاضای القایی برای بیمار را در قالب موضوعات «تحمیل بار مالی هزینه‌ها بر دوش مردم، افزایش سهم پرداخت از جیب مردم، افزایش هزینه‌های کمرشکن، اتلاف وقت و تخصیص درآمد خانواده به هزینه‌های غیرضروری سلامت» بیان کردند.

چالش‌های سازمان‌های بیمه‌گر

با توجه به بررسی نظرات مشارکت‌کنندگان چالش‌های سازمان‌های بیمه‌گر در قالب دو زیر موضوع اصلی دسته‌بندی شد که عبارت‌اند از: «چالش‌های اقتصادی و چالش‌های ساختاری».

مشارکت‌کنندگان چالش‌های اقتصادی بیمه‌ها را در قالب زیر موضوعات «فشار مضاعف مالی بر بیمه‌ها، افزایش بدهی بیمه‌ها و پایین نگه داشتن تعرفه‌ها در بیمه» بیان کردند: «تقاضای القایی» بیشتر برای ما بیمه‌ها یک هزینه‌های به اصطلاح غیرضروری تحمیل می‌کند».

چالش‌های ساختاری از نظر مشارکت‌کنندگان برای سازمان‌های بیمه‌گر عبارت‌اند از «محدود شدن خدمات تحت پوشش، ناکارآمد شدن بیمه‌ها، انتظار غیرواقعی از بیمه‌ها برای تأیید داروهای غیرضروری و تقلب پزشکان نسبت به بیمه‌ها برای جبران کسورات». بیان کردند «بسته خدمتی محدود است»؛ یعنی با وجود نیاز بیمار در تعهد بیمه‌گران نیست. این امر به ناکارآمدی نهادهای پوشش‌دهنده خدمات و سازمان‌های بیمه‌گر منجر می‌شود. خلاصه نتایج مصاحبه‌ها، علل مؤثر بر تقاضای القایی و زیرمجموعه‌های آن را نشان داد:

علل مربوط به دریافت‌کنندگان خدمات سلامت مؤثر بر تقاضای القایی: تقاضای غیرصحیح بیمار از پزشک، ناآگاهی بیمار، دسترسی آزادانه بیماران به پزشکان (به‌ویژه متخصصان) و مراجعه به پزشک برای مسائل ساده.

علل مربوط به ذی‌نفعان (مؤثر بر تقاضای القایی) - علل مربوط به ارائه‌دهندگان خدمات سلامت مؤثر بر تقاضای القایی (علل ناشی از پزشکان):

الف) ایجاد انگیزه و میل برای کسب درآمد بیشتر برای پزشکان: تشویق پزشک به کار بیشتر، آزادی پزشکان در ارائه خدمات مختلف، ناامنی‌های پزشک در ابتدای زندگی حرفه‌ای، حفظ وجهه پزشک، تجویز بی‌مورد و زیاد از حد دارو، فقدان وابستگی پزشک به قرارداد بیمه‌ها، عدم تمایل پزشک به ارائه خدمت صحیح به بیمار در بخش دولتی.

ب) توقع بیش از حد عرفی و قانونی از پزشکان: انتظار از پزشک برای فعال کردن

سایر بخش‌های درمانی، اجبار پزشک به ملاقات با تعداد زیادی بیمار در زمانی محدود، حفظ وجهه پزشک، نقش پزشکان سرشناس و متخصص، پذیرش تعداد زیاد بیمار بیش از ظرفیت و توانایی پزشک.

جدول ۳. راهکارهای کنترل تقاضای القایی و میزان اهمیت آنها

میزان اهمیت	راهکار کنترل	اقدام پیشنهادی برای اصلاح
۹۳/۸	اصلاح ساختاری	۱. توجه به بخش پیشگیری و اصلاح نظام ارجاع
۸۷/۳	اصلاح ساختاری	۲. حاکمیت بالینی و مبتنی بر شواهد بودن خدمات
۸۶/۵	اصلاح در روند درمان	۳. رعایت اخلاق (حرفه‌ای، انسانی) در بین پزشکان
۸۵/۹	اصلاح ساختاری	۴. تقویت اخلاق پزشکی و توجه به شأن و نیاز بیمار
۸۲/۲	اصلاح رابطه اقتصادی	۵. اصلاح ارتباط مستقیم مالی پزشک و بیمار
۷۸/۴	اصلاح ساختاری	۶. اصلاح نظام آموزشی در حوزه سلامت
۷۷/۹	اصلاح در روند درمان	۷. لزوم پاسخگویی پزشک به سیستم سلامت
۷۶/۲	اصلاح ساختاری	۸. بهبود نظارت در سیستم سلامت
۷۵/۴	اصلاح در روند درمان	۹. به روز بودن علم پزشکان
۷۴/۸	اصلاح ساختار بیمه‌ای کشور	۱۰. نیاز به ایجاد یک بیمه پایه در کشور
۷۴/۴	اصلاح ساختاری	۱۱. سیاستگذاری صحیح در سیستم سلامت
۷۲/۷	اصلاح ساختاری	۱۲. تهیه و انتشار راهنماهای بالینی در سیستم سلامت
۷۱/۳	اصلاح در روند درمان	۱۳. مدیریت صحیح خواسته بیمار
۷۰/۹	اصلاح رابطه اقتصادی	۱۴. رایگان نشدن کامل خدمات
۷۰/۴	اصلاح در روند درمان	۱۵. اطلاع و توجه پزشکان به هزینه‌های درمانی
۶۷/۵	اصلاح ساختار بیمه‌ای کشور	۱۶. اقدامات قانونی سازمان بیمه
۶۵/۷	اصلاح ساختار بیمه‌ای کشور	۱۷. ایجاد بانک اطلاعاتی مشترک بین بیمه‌های مختلف
۶۳/۹	اصلاح رابطه اقتصادی	۱۸. اصلاح تعرفه‌ها
۶۳/۲	اصلاح ساختاری	۱۹. اصلاح زیرساخت‌های سیستم سلامت
۶۲	اصلاح رابطه اقتصادی	۲۰. اصلاح نظام پرداخت

میزان اهمیت	راهکار کنترل	اقدام پیشنهادی برای اصلاح
۵۹/۳	اصلاح در روند درمان	۲۱. بررسی دقیق نیاز واقعی بیمار برای ارجاع به متخصص
۵۷/۸	اصلاح ساختاری	۲۲. کم کردن میزان دخالت مراکز قدرت در امر سلامت
۵۲/۹	اصلاح رابطه اقتصادی	۲۳. به کارگیری اهرم کنترلی مالیات در سیستم سلامت
۴۷/۳	اصلاح ساختار بیمه‌ای کشور	۲۴. گذاشتن سقف تعداد خدمات برای پزشکان
۴۶/۸	اصلاح ساختاری	۲۵. بهبود بیش مدیران در حمایت از کنترل تقاضای القایی
۴۳/۶	اصلاح ساختار بیمه‌ای کشور	۲۶. تقویت بنیه علمی سازمان‌های بیمه‌گر
۴۲/۷	اصلاح در روند درمان	۲۷. رعایت فرایند تشخیص بیماری از اقدامات ساده تا پیچیده
۴۲/۵	اصلاح رابطه اقتصادی	۲۸. توجه به چگونگی تخصیص هزینه‌ها
۴۱/۶	اصلاح ساختار بیمه‌ای کشور	۲۹. تقویت نقش سازمان بیمه‌گر به‌عنوان وکیل بیمار
۳۹/۱	اصلاح ساختار بیمه‌ای کشور	۳۰. مسئول بودن بیمه‌ها در تخصیص صحیح منابع
۳۱/۳	اصلاح ساختاری	۳۱. افزایش اطلاع‌رسانی در جامعه
۲۸/۷	اصلاح ساختار بیمه‌ای کشور	۳۲. بیمه‌ها مسئول کنترل اثربخشی بالینی
۲۲/۷	اصلاح ساختاری	۳۳. استانداردسازی واردات تجهیزات جدید پزشکی

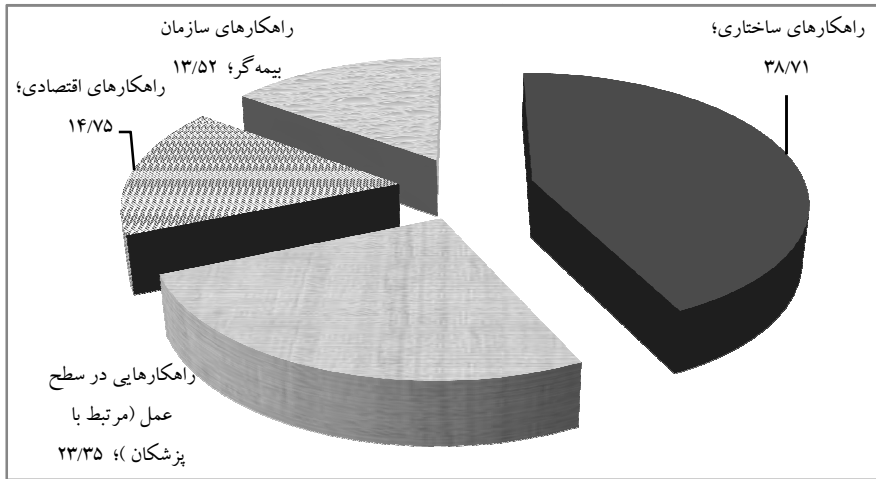
مأخذ: همان.

راهکارهای کنترل تقاضای القایی

پس از جمع‌بندی و وزن‌دهی مناسب بر اساس مدل‌های چندشاخصه، هریک از چهار عاملی که بیشترین سهم را از نظر خبرگان برای کنترل تقاضای القایی داشته‌اند به ترتیب:

۱. راهکارهای ساختاری (۳۸/۷٪)،
۲. راهکارهایی در سطح عمل (۲۳/۴٪)،
۳. راهکارهای اقتصادی (۱۴/۸٪)،
۴. راهکارهای سازمان‌های بیمه‌گر (۱۳/۵٪) مطرح شده‌اند (نمودار ۲).

نمودار ۲. راهکارهای کنترل تقاضای القایی



مأخذ: همان.

به‌طور خلاصه سه راهکار دارای اولویت بیشتر در چهار گروه زیر در کنترل کاهش تقاضای القایی عبارت‌اند از:

(الف) ساختاری: توجه به بخش پیشگیری و اصلاح نظام ارجاع، حاکمیت بالینی مبتنی بر شواهد خدمات، تقویت اخلاق پزشکی و توجه به شأن و نیاز بیمار.

(ب) اقتصادی: اصلاح ارتباط مستقیم مالی پزشک و بیمار، رایگان نشدن کامل خدمات و اصلاح تعرفه‌ها.

(ج) در سطح عمل (مرتبط با) پزشکان: رعایت اخلاق حرفه‌ای - انسانی در بین پزشکان، الزام پاسخگویی پزشک به نظام سلامت و به‌روز بودن دانش پزشکان.

(د) در سطح سازمان‌های بیمه‌گر: نیاز به ایجاد یک بیمه پایه در کشور، اقدام‌های قانونی سازمان بیمه و ایجاد بانک اطلاعاتی مشترک بین بیمه‌های مختلف.

۳. بحث

کیوان آرا و همکاران (۱۳۹۲ الف) در مطالعه خود نشان دادند که تقاضای القایی به رشد

غیرقابل کنترل هزینه‌ها، تحمیل هزینه‌های غیرضروری و فشار مضاعف مالی بر سازمان‌های بیمه‌گر منجر می‌شود. همچنین در این پژوهش مواردی همچون پیچیده بودن پزشکی، عدم تقارن اطلاعات بین ارائه‌کننده و مصرف‌کننده، عدم قطعیت بالینی، باورهای نادرست مردم، تبلیغات، نظارت ناکافی، رایج نبودن راهنماهای بالینی و ضعف در سیستم آموزشی را علل عمده تقاضای القایی در کشور می‌دانند که این نتایج با تحقیق جاری همسوست. در همین مطالعه کیوان‌آرا و همکاران نشان می‌دهند وقتی بیمه‌های تکمیلی فقط منافع خود را دنبال کنند، می‌توانند به‌عنوان عاملی برای القای تقاضا باشند که این موضوع با نتایج مطالعه حاضر مغایر است.

سائول^۱ (۲۰۰۶) نیز در گزارش خود بیان کرد که تعداد زیادی از بیماران برای منفعت مالی فرستاده می‌شوند که این هزینه‌ها در حدود ۴۱۱۱۱ دلار به ازای هر بیمار است که مدیکر آن را پرداخت می‌کند. این موضوع نیز با نتایج این تحقیق همسوست.

ورهرامی (۱۳۸۹) در تحقیق خود صحت وجود تقاضای القایی پزشک در ایران را تأیید کرد که این موضوع نیز با نتایج این تحقیق همسوست.

در تحقیقی دیگر بازاریار، صوفی و رشیدیان (۱۳۹۱) روش‌هایی مانند فرانشیز، پرداخت ثابت، اصلاح ساختاری نظام ارائه خدمت و مداخلات رفتاری (ارجاع انحصاری و دروازه‌بانی، استفاده از راهنماهای بالینی) بر کاهش مخاطرات اخلاقی مؤثر دانسته شده است این موضوع نیز تا حد زیادی با نتایج این تحقیق همراستاست.

باریگری و لوازلی^۲ (۲۰۰۸) در مطالعه خود به بحث و بررسی در مورد رویکردهای مختلف استفاده شده برای تحلیل تعامل استراتژیک بین پزشک و بیمار پرداختند و نتیجه گرفتند که نقش بیمار در ایجاد تقاضای مراقبت سلامت به میزان زیادی به دانش و درک بیمار از وضعیت بیماری‌اش و انتخاب درمان بستگی دارد. همچنین عبدلی (۱۳۸۴) در تحقیق خود عامل مؤثر در کاهش هزینه‌های القای تقاضا را افزایش سطح اطلاعات یا به‌عبارت‌دیگر عدم تقارن اطلاعات در روابط بیمار و پزشک می‌داند نتایج این دو تحقیق با مطالعه پیش‌رو همخوان نیست.

1. Saul

2. Barigozzi and Levaggi

برهان‌زاده (۱۳۹۰) در مطالعه خود کسب درآمد بیشتر توسط ارائه‌کنندگان، دانش و مهارت ناکافی ارائه‌کنندگان خدمات، پایین بودن سطح دانش گیرندگان خدمت، تبانی بین ارائه‌کنندگان خدمت در جهت فروش خدمات، مؤثر نبودن سیستم نظارت بر کیفیت و استانداردهای ارائه خدمات، کارآمد نبودن نظام پرداخت به ارائه‌کنندگان خدمت و نارسایی سیستم نظارت و کنترل شرکت‌های بیمه‌گر در پرداخت سهم بیمه، افزایش نامتعادل نیروهای متخصص و ماهر نسبت به جمعیت و نارسایی مدل‌های آموزشی در نظام سلامت را از جمله مهمترین دلایل ایجاد تقاضای القایی در ایران می‌داند. این نتایج در مواردی با تحقیق جاری همسوست.

در تحقیق دیگر نشان داده شد ایجاد انگیزه در بیماران جهت استفاده از انواع خدمات بهداشتی و درمانی از جانب پزشکان عمومی غیررسمی در مقایسه با پزشکان عمومی استخدام رسمی بیشتر است. لذا تصویب استانداردها و قوانینی برای نظارت بر عملکرد پزشکان دارای مطب خصوصی می‌تواند تا حدود زیادی از هزینه‌های درمانی غیرضرور بیماران بکاهد (عبدلی و ورهرامی، ۱۳۹۰) این نتیجه نیز با تحقیق پیش رو همخوان نیست.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پزشکان دو نوع خدمت ارائه می‌دهند که یکی از آنها ارائه اطلاعات پزشکی در مورد نیاز به خدمات و نوع خدمات مورد نیاز در هر شرایط بوده و دیگری خدمات بالینی است. به بیان دیگر، به دلیل فقدان دانش کافی بیمار جهت تشخیص یک وضعیت پزشکی و انتخاب دوره درمانی مناسب، پزشکان هم توصیه‌کننده و هم ارائه‌کننده خدمات سلامت به حساب می‌آیند. نگرانی اصلی آن است که مرتبط بودن ارائه خدمات سلامت با منافع پزشکان، آنان را به سمت ارائه خدمات بیشتر و پرهزینه‌تری سوق دهد که هیچ‌یک از پیامدهای سلامت یا رفاه بیمار را ارتقا نمی‌دهند.

هرچند در سیاست‌های کلی سلامت و قوانین برنامه توسعه (به‌خصوص برنامه پنجم و ششم) احکامی وجود دارد که به کنترل تقاضای القایی کمک می‌کند اما این موارد کامل نیست به‌عنوان مثال در حیطه تقاضای القایی در بخش دارو در حال حاضر هیچ قانونی

جهت محدود کردن پزشکان وجود ندارد که به‌نظر می‌رسد در این زمینه نیازمند تصویب قانون هستیم.

براساس نتایج این تحقیق مهمترین راه کاهش تقاضای القایی ایجاد شده توسط پزشک، اجرای کامل نظام ارجاع مبتنی بر پزشک خانواده در کشور است. البته باید راهنماهای بالینی پزشکی به‌خوبی تدوین شده و پزشکان موظف به رعایت آن باشند. بنابراین پیشنهاد می‌شود قانونی دائمی با رعایت نکات ذیل به تصویب برسد:

- تکلیف دولت بر ایجاد سامانه «خدمات جامع و همگانی سلامت» مبتنی بر مراقبت‌های اولیه سلامت با محوریت پزشک خانواده و نظام ارجاع،
- تکلیف نظام بیمه‌ای بر انحصار خرید خدمت از این سامانه با اجرایی شدن نظام ارجاع مشخص شود.
- تک شغله شدن پزشکان.

منابع و مآخذ

۱. بازیار، محمد، مسلم صوفی و آرش رشیدیان (۱۳۹۱). «روش‌های کنترل مخاطرات اخلاقی در نظام سلامت: مداخلات تقاضا و مداخلات عرضه (مقاله مروری)»، *طلوع بهداشت*، ۱۱ (۱).
۲. برهان‌زاده، علی (۱۳۹۰). «تقاضای القایی آزمایشات و تأثیر آن بر هزینه و سلامت خانوار»، فصلنامه تخصصی علوم آزمایشگاهی، سال سوم، ش ۱۱.
۳. شورای سیاستگذاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۸۸). «سلامت ج.ا. ایران در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، ویرایش هشتم، قابل دسترسی از طریق <http://siasat.behdasht.gov.ir/index.aspx?siteid=291&pageid=31686>
۴. عبدلی، قهرمان (۱۳۸۴). «نظریه القای تقاضا ناشی از عدم تقارن اطلاعات بین بیماران و پزشکان»، *تحقیقات اقتصادی*، ۶۸.
۵. عبدلی، قهرمان و ویدا وهرامی (۱۳۹۰). «نقش اطلاعات نامتقارن در القای تقاضا: مطالعه موردی خدمات پزشکی»، فصلنامه مدیریت سلامت، ۱۴ (۴۳).
۶. کیوان‌آرا، محمود، سعید کریمی، الهه خراسانی و مرضیه جعفریان جزئی (۱۳۹۲ الف). «چالش‌های ناشی از تقاضای القایی خدمات سلامت؛ یک مطالعه کیفی»، *مدیریت اطلاعات سلامت*، دوره ۱۰، ش ۴ (پیاپی ۳۲).
۷. _____ (۱۳۹۲ ب). «دیدگاه صاحب‌نظران سیستم سلامت درباره علل کلان مؤثر بر تقاضای القایی؛ یک مطالعه کیفی»، *نشریه حکیم*، دوره ۱۶، ش ۴.
۸. محبوبی، محمد، شهناز اجاقی، محمد قیاسی و ابوالحسن افکار (۱۳۸۹). «بیمه‌های مکمل و تقاضاهای القایی در جانبازان شیمیایی»، *مجله علمی پژوهشی طب جانباز*، سال دوم، ش ۸.
۹. وهرامی، ویدا (۱۳۸۹). «بررسی تقاضای القایی پزشک»، *مجله مدیریت بهداشت و درمان*، دوره دوم، ش ۱ و ۲.
10. Amporf, E. (2011). "Private Hospital Accreditation and Inducement of Care under the Ghanaian National Insurance Scheme", *Health Economics Rev*, 1(1), 13.
11. Barigozzi, F. and R. Levaggi (2008). "Emotions in Physician Agency", *Journal of Health Policy*, 88.
12. Bickerdyke, L. and et al. (2002). *Supplier-Induced Demand for Medical Services*, in *Productivity Commission Staff*, Working Paper, Canberra.
13. Cline R. R. and D. A. Mott (2003). "Exploring the Demand for a Voluntary Medicare Prescription Drug Benefit", *AAPS PharmSci*, 5(2).
14. County Health Rankings model ©2010 UWPHI. www.CountyHealthRankings.org.
15. Crane, T. S. (1992). "The Problem of Physician Self-Referral under the

- Medicare and Medicaid Antikickback Statute. The Hanlester Network Case and the Safe Harbor Regulation", *Journal of the American Medical Association*, 268(1).
16. Creswell, John W. (2003). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Method Approaches* (2nd ed.), Thousand Oaks, California, Sage Publications.
 17. Fabbri, D. and C. Monfardini (2001). *Demand Induction with A Discrete Distribution of Patients*, Italy, Bologna, University of Bologna.
 18. Henderson, James (2015). *Health Economics and Policy*, Cengage Learning.
 19. Izumida, Nobuyuki, Hiroo Urushi and Satoshi Nakanishi (1999). "An Empirical Study of the Physician-induced Demand Hypothesis", *Review of Population and Social Policy*, No. 8.
 20. LaBelle, R., G. Stoddart and T. Rice (1998). "A Re-examination of the Meaning and Importance of Supplier-induced Demand", *Journal of Health Economics* 13.
 21. Mahbubi, M. and et al. (2010). "Supplemental Insurance and Induce Demand in Veterans", *Medical Veterans Journal*, 2(8).
 22. Saul, S. (2006). "Profit and Questions on Prostate Cancer Therapy", in the New York Times. Available from: URL: http://www.nytimes.com/2006/12/01/business/01beam.html?pagewanted=all&_r=0.
 23. Tashakkori, A. and C. Teddlie (2003). *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research*, Thousand Oaks, Sage.
 24. World Health Organization (WHO) (1948). "Constitution of the World Health Organization", from: http://www.who.int/governance/eb/who_constitution_en.pdf.

دیپلماسی تقنینی کنگره آمریکا در قبال جمهوری

اسلامی ایران (بررسی موردی تحریم‌ها)

مصطفی دلاورپور اقدم* و سیدجلال دهقانی فیروزآبادی**

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۶/۲۶ تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۱۱/۲۱

یکی از پژوهش‌های راهبردی - کاربردی در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، شناسایی ماهیت و عناصر تأثیرگذار بر دیپلماسی خاورمیانه‌ای آمریکا در قبال ایران است. این مقاله به دنبال کنکاش نقش کنگره در سیاست خارجی آمریکا در هشت سال ریاست جمهوری باراک اوباما است. این دوره با پوست‌اندازی اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری در آمریکا و تلاش نوکان‌ها برای تأثیرگذاری بر کنگره مصادف شده بود. به همین دلیل به تدریج از سال ۲۰۰۹، سیاست خارجی کنگره آمریکا در قبال ایران به سمت دیپلماسی تهاجمی و مداخله‌گرایانه گام برمی‌دارد، به طوری که از ابتدای شروع کنگره صدویازدهم (ژانویه ۲۰۰۹) تا پایان فعالیت کنگره صدوچهاردهم (ژانویه ۲۰۱۷) نزدیک به ۱۰۰ لایحه تحریمی علیه ایران در کنگره مطرح می‌شود. به دلیل افزایش تأثیرپذیری رهبران و قانونگذاران شاخص کنگره از اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری، سیاست خارجی کنگره آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران در هشت سال ریاست جمهوری باراک اوباما به تدریج به سمت دیپلماسی پیشدستانه، تهاجمی و مداخله‌گرایانه متمایل می‌شود. این تحقیق به دنبال آن است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با کمک جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای، ضمن بررسی سازوکارهای دیپلماسی پارلمانی آمریکا، دلایل و تبعات تغییر رویکرد کنگره آمریکا به سمت دیپلماسی پیشدستانه را بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی پارلمانی پیشدستانه؛ دیپلماسی تقنینی؛ اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری؛ کنگره آمریکا؛ تحریم؛ برجام

* عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (نویسنده مسئول)؛

Email: delavarpour110@gmail.com

** استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

Email: dehghani@atu.ac.ir

مقدمه

با نزدیک شدن به دهه پنجم انقلاب اسلامی ایران، ۱۹ دور از فعالیت کنگره آمریکا سپری شده است.^۱ بررسی محتوایی مصوبات کنگره نشان می‌دهد که دیپلماسی پارلمانی آمریکا در قبال ایران در ۳۸ سال گذشته با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. با پیروزی باراک اوباما در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۸ و خروج نظامیان آمریکا از عراق، فعالیت لابی‌های صهیونیستی و اندیشکده‌های نومحافظه‌کار به سمت تأثیرگذاری بر کنگره معطوف می‌شود. در نتیجه از سال ۲۰۰۹، گسل‌های دیپلماسی پیشدستانه با دو تفاوت، مجدداً در سیاست خارجی آمریکا فعال می‌شوند. اولاً به مرور نقش کنگره در سیاست خارجی آمریکا پررنگ‌تر می‌شود. ثانیاً با سقوط طالبان و رژیم بعث عراق، نوک پیکان دیپلماسی قانونگذاری آمریکا به سمت جمهوری اسلامی ایران تغییر مسیر می‌دهد.

این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ به این مسئله است که چرا بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶، دیپلماسی پارلمانی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی به سمت دیپلماسی تقنینی پیشدستانه متمایل شده است؟ فرض بر این است که افزایش تأثیرپذیری قانونگذاران شاخص کنگره از اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری در کنار متغیرهایی همچون افزایش لابی‌گری رژیم صهیونیستی، بحران تروریسم در غرب آسیا، توسعه توانمندی‌های موشکی و برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، موجب شدند که سیاست خارجی کنگره آمریکا در قبال ایران (۲۰۱۶ - ۲۰۰۹) به سمت دیپلماسی پارلمانی تقنینی پیشدستانه و مداخله‌گرایانه متمایل شود.

مهمترین نوآوری نگارش این مقاله این است که با شناسایی دقیق‌تر عناصر تأثیرگذار بر سیاست خارجی کنگره آمریکا در قبال ایران، ارزیابی نهادهای ذی‌ربط از دیپلماسی پارلمانی آمریکا در قبال ایران در سال‌های آتی واقع‌بینانه‌تر شود. نکته دیگر اینکه تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره موضوع سیاست خارجی آمریکا به تحریر درآمده است،

۱. وقوع انقلاب اسلامی ایران با فعالیت کنگره نودوششم (سوم ژانویه ۱۹۷۹ تا سوم ژانویه ۱۹۸۱) مصادف شده بود. دوره فعالیت کنگره آمریکا، هر دو سال یک‌بار است. در حال حاضر کنگره صدوپانزدهم از چهارم ژانویه ۲۰۱۷ (۱۵ دی ماه ۱۳۹۵) فعالیت خود را آغاز کرده است.

ولی ارزیابی رفتار آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران از دریچه بررسی سازوکارهای دیپلماسی پارلمانی آمریکا، اولین بار است که انجام می‌شود.

بخش چشمگیری از استندهای این تحقیق با رجوع به اسناد اولیه وزارت خارجه و خزانه‌داری آمریکا، کتابخانه کنگره، اسناد جامعه اطلاعاتی آمریکا، ارزیابی گزارش‌های مرکز تحقیقات کنگره، پایش جلسات استماع، ارزیابی محتوایی قوانین و لوایح تحریمی مرتبط با ایران و مطالعه مقالات و کتاب‌های مرتبط با اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری به‌دست آمده است. به همین دلیل این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای حاصل شده است.

۱. چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری تحقیق براساس اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری بنا شده است. نومحافظه‌کاران بعد از دهه ۶۰ به دلیل تفکراتشان از محافظه‌کاران اشتقاق پیدا کردند (تائب، ۱۳۸۴: ۱۴۳). آنان پس از وقوع حملات یازده سپتامبر، سکان سیاست خارجی و امنیتی آمریکا را برعهده گرفتند و از اواسط دهه اول قرن بیست و یکم به تدریج نفوذشان در کنگره گسترش می‌یابد.

لئواشتر اوس^۱ و برنارد لوئیس^۲ به عنوان پدرخوانده‌های نومحافظه‌کاری^۳ معروف‌اند. آلن دیوید بلوم^۴، الیوت آبرامز^۵، ژان کِرک پاتریک^۶، ریچارد پرل^۷، آروینگ کریستول^۸، فرانسیس فوکویاما^۹، چارلز کراتهامر، ساموئل هانتینگتون و پل ولفوویتز^{۱۰} از اندیشمندان و نظریه‌پردازانی هستند که در اشاعه این اندیشه نقش فعالی ایفا کرده‌اند. دیپلماسی تقنینی پیشدستانه آمریکا در قبال ایران بیشتر برپایه اندیشه‌ها و آموزه‌های فیلسوف آلمانی، لئواشتر اوس بنا شده است.

1. Leo Strauss

2. Bernard Lewis

3. Godfather of Neoconservatism

4. Allan David Bloom

5. Elliot Abrams

6. Jean Kirkpatrick

7. Richard Perle

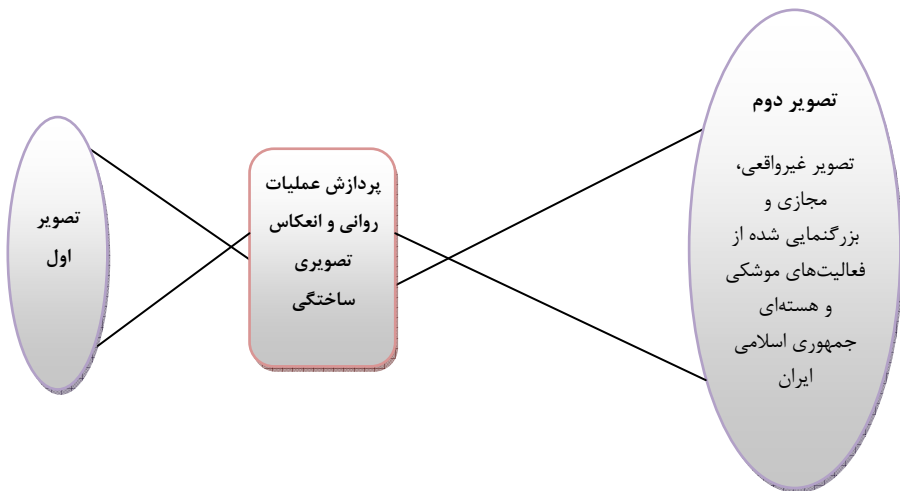
8. Irving Kristol

9. Francis Fukuyama

10. Paul Dundes Wolfowitz

نئوکان‌ها با تأثیرپذیری از اندیشه سیاسی لئواشتر اوس بر این باورند که هر رژیم سیاسی برای صیانت از یکپارچگی ملی و پشتیبانی عمومی از سیاست‌های حکومت باید یک دشمن برای خود بتراشد (دهشیار، ۱۳۸۴: ۳۲). استمرار ایران‌هراسی از سوی نئوکان‌های کنگره در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

شکل ۱. کاریکاتورسیم تبلیغاتی نومحافظه‌کاران کنگره در قبال جمهوری اسلامی ایران



مأخذ: دلاورپور اقدم، ۱۳۹۶ ب.

تصویر اول بیانگر تصویر واقعی وضعیت حقوق بشر و اهداف و ماهیت برنامه‌های هسته‌ای، موشکی و فضایی جمهوری اسلامی ایران است. این تصویر با بزرگنمایی لابی‌های صهیونیستی و عملیات روانی قانونگذاران نومحافظه‌کار به کاریکاتورسیم تبلیغاتی معروف است به تصویر دوم تبدیل می‌شود که به آن تصویر مجازی یا بزرگنمایی می‌گویند. در واقع با سیاه‌نمایی وضعیت حقوق بشر در ایران یا تداعی قریب‌الوقوع بودن دستیابی ایران به دانش هسته‌ای نظامی و موشک‌های با قابلیت حمل کلاهک اتمی، ایران در منظومه اول تهدید امنیت ملی آمریکا گنجانده می‌شود (دلاورپور اقدم، ۱۳۹۶ ب: ۴-۵).

یکی دیگر از آثار فکری لئواشتر اوس، داشتن نگاه ایدئولوژیک به تحولات سیاست خارجی است. برای نومحافظه‌کارانی که جهان را تا حدود زیادی برحسب خیر و شر مرزبندی

می‌کنند، شوروی و مکتب کمونیسم، نماد «محور شیطان»^۱ بود.^۲ قرار گرفتن سه کشور ایران، عراق و کره شمالی در محور شیطان از طرف جرج بوش پس از وقوع حوادث یازده سپتامبر و تهاجم نیروهای ائتلاف به عراق در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ (۲۹ اسفند ۱۳۸۱) با ادبیات انهدام تسلیحات کشتار جمعی و نابودی القاعده، مولود تأثیرپذیری سکانداران کاخ سفید از اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری بود. از منظر نومحافظه‌کاران، استقرار صلح پایدار مستلزم پیروزی نهایی نیروهای خیر (آمریکا و متحدانش) بر کشورهای محور شیطان است. آنان وجود «دولت‌های شرور و یاغی»^۳ را مهمترین عامل بی‌ثبات‌کننده خاورمیانه ارزیابی می‌کنند.

قانونگذاران نومحافظه‌کار بر اساس نظریه کانت بر این باورند که دولت‌های صلح‌طلب از درگیری با یکدیگر خودداری می‌کنند. این طیف از قانونگذاران مدعی اند یکی از راهکارهای استقرار امنیت پایدار در خاورمیانه، تصویب لوایحی است که به تقویت دموکراسی و حکمرانی خوب در کشورهای شرور و یاغی کمک کند. جنگ مستمر با چالشگران نظم هژمونیک، یکی دیگر از ویژگی‌های اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری است (سجادپور، ۱۳۸۱). در این میان ایجاد ائتلاف‌هایی مبتنی بر الگوی تعامل همکاری‌جویانه بین ایران، سوریه، حزب‌الله و روسیه در دوران پساایداری اسلامی، توجه نئوکان‌های کنگره را به سمت ایجاد ترتیبات امنیتی - سیاسی جدید در خاورمیانه سوق داده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴).

دیپلماسی پیشدستانه نئوکان‌های کنگره در مواقعی عملیاتی می‌شود که آنان در محاسباتشان برآورد کنند که قدرت منطقه‌ای بازیگر چالشگر رو به افزایش است. ریشه یهودی لئواشتراس، تأثیرگذاری لابی‌های صهیونیستی بر دیپلماسی قانونگذاری آمریکا را به صورت چشمگیری افزایش داده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز قانونگذاران نومحافظه‌کار، استفاده از گزینه دیپلماسی اجبار علیه بازیگر هدف است. دیپلماسی اجبار، راهبردی دیپلماتیک با درجه‌ای از اجبار محدود است که در مواجهه با تلاش‌ها و فعالیت‌های کشور چالشگر نظام هژمونیک به کار

1. Axis of Evil
2. Gewen, 2009: 4.
3. Rough States

گرفته می‌شود. شایان ذکر است دیپلماسی اجبار آمریکا در برابر لیبی موفق ولی در برابر کره شمالی ناکام بود.

موفقیت دیپلماسی اجبار به ترکیب هوشمندانه تهدید و دیپلماسی، برخورداری از حمایت‌های چندجانبه و شناخت دقیق هدف بستگی دارد. استفاده از دیپلماسی اجبار، زمانی اتفاق می‌افتد که هزینه‌های پذیرفتن درخواست دولت اجبارکننده و همچنین فواید پذیرش آنها برای دولت هدف بیشتر از فواید ناشی از پایداری در برابر دولت تهدیدکننده باشد.^۱ در دیپلماسی اجبار، تلاش می‌شود بازیگران هدف به وضعیت زیر هدایت شوند:^۲

- رقیب باید متقاعد شود که برای اجرای درخواست‌ها، فرصت کمی دارد.

- رقیب باید یقین پیدا کند که برای مقابله با تهدیدها قدرت کافی ندارد.

از منظر نومحافظه‌کاران، سه ویژگی «تناسب»،^۳ «متقابل بودن»^۴ و اصل «اعتبار اجبار»، لازمه موفقیت دیپلماسی اجبار است (اسدی، ۱۳۹۰: ۳۰-۲۵). این نوع دیپلماسی هنگامی از اثربخشی لازم برخوردار است که افکار عمومی دنیا نیز علیه کشور هدف بسیج شود.

ویژگی دیگر نومحافظه‌کاران، اصرار به برتری همه‌جانبه آمریکا هم به لحاظ ارزش و هم به لحاظ قدرت است. از منظر نومحافظه‌کاران، لیبرال‌ها با نادیده انگاشتن قدرت نظامی سبب افول نظامی آمریکا در سطح جهانی شده‌اند درحالی‌که قدرت نظامی، پیش‌رانه موفقیت دیپلماسی رسمی است (علی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۶۸-۲۶۴). لئو اشتراوس بر این باور است که پاسداری از منافع آمریکا و گسترش ارزش‌های آمریکایی، مستلزم تقویت قدرت نظامی است.^۵ بخشی از حمایت نومحافظه‌کاران کنگره از رویکرد نظامی‌گری، به دلیل تأثیرپذیری آنان از نظریه واقع‌گرایی تهاجمی است که از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان آن می‌توان به فرید زکریا و جان مرشایمر اشاره کرد. فرید زکریا تصریح می‌کند:

«دولت‌ها هنگامی که ثروتمند می‌شوند، به سمت تشکیل ارتش‌های وسیع و گسترده گام برمی‌دارند؛ بنابراین خود را با مسائلی فراتر از مرزهای جغرافیایی مواجه ساخته و از این

1. Jentleson and Whytock, 2005: 51.

2. Alexander, 1993: 81.

3. Proportionality

4. Reciprocity

5. Strauss, 1963: 89.

طریق، افزایش قدرت خود را جستجو می‌کنند» (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۱۳۲-۱۳۰). نئوکان‌های کنگره مدعی‌اند آزادسازی درآمدهای نفتی ایران در دوران پسابرجام، رابطه مستقیمی با تقویت حضور مستشاری ایران در سوریه و عراق یا توسعه توانمندی‌های موشکی ایران دارد. آنان بر این باورند که توافق برجام نه تنها تغییری را در پیشگیری از اشاعه موشک‌های بالستیک و حمایت ایران از تروریسم به وجود نیاورده بلکه رفتار ایران را در هر دو بخش تهاجمی‌تر کرده است. این رویکرد در گزارش ۲۳ مارس ۲۰۱۶ مرکز تحقیقات کنگره آمریکا که به قلم کنت کاتزمن، مسئول میز مطالعات ایران، تهیه شده بود نیز به وضوح نمایان بود.^۱

واقع‌گرایان تهاجمی براساس قاعده بازی با حاصل جمع جبری صفر، بر این باورند که کسب قدرت یک دولت به معنای از دست رفتن قدرت دولت دیگر است که نتیجه آن، افزایش تضاد و کشمکش است.^۲ از منظر آنان، هدف همه دولت‌های تجدیدنظرطلب دسترسی به جایگاهی مؤثر در نظام بین‌الملل است و اگر شرایط مناسب باشد، خواستار آنند تا توزیع قدرت را به نفع خود تغییر دهند،^۳ البته نومحافظه‌کاران کنگره تفاوت‌هایی را با گروه بازها در دوران ریاست جمهوری بوش پسر دارند. آنان با ترکیب زور و دیپلماسی علیه بازیگر چالشگر، از گزینه تغییر رفتار به جای تغییر رژیم حمایت می‌کنند. نکته دیگر اینکه گزینه هوشمندسازی تحریم‌ها از جایگاه قابل توجهی در میان آنان برخوردار است. از نگاه نئوکان‌ها، دولت‌ها بازیگرانی عقلانی و به دنبال بیشینه‌سازی مطلوبیت خود هستند و اگر هزینه‌های آنان افزایش یابد، در رفتار خود تجدیدنظر می‌کنند.^۴

۲. ماهیت و سازوکارهای دیپلماسی پارلمانی آمریکا

کنگره آمریکا از اهرم‌ها و سازوکارهای مختلفی برای نقش آفرینی در سیاست خارجی استفاده می‌کند. در ذیل به مهمترین سازوکارهای دیپلماسی پارلمانی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود.

1. Katzman, 2016: 18.

2. Walts, 1979: 20-24.

3. Mearsheimer, 2001: 12-16.

4. Lalwani and winter-Levy, 2016.

۲-۱. دیپلماسی تقنینی

دیپلماسی تقنینی به مفهوم نقش آفرینی قانونگذاران در حوزه سیاست خارجی از دریچه قانونگذاری است. نمایندگان کنگره از دو اهرم تصویب لایحه و قطعنامه مشترک برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی استفاده می‌کنند. قطعنامه مشترک یا «پیشنهاد مشترک اصلاحی» از منظر جایگاه حقوقی و فرایند قانونی، هیچ تفاوتی با لایحه ندارند و پس از تصویب مجالس نمایندگان و سنا برای امضا به رئیس‌جمهور ارجاع و در صورت تأیید به قانون تبدیل می‌شوند. تفاوت قطعنامه مشترک با لایحه تنها در موارد استفاده از آن است، به این معنا که قطعنامه مشترک برای موارد مربوط به بودجه‌های خاص، ایجاد جنگ و اصلاح قانون اساسی کاربرد دارد.^۱

لویح مختص مجلس نمایندگان با عبارت اختصاری H.R مشخص می‌شود که مخفف House of Representative است. هر لایحه با یک شماره ثبت در تمام مراحل قانونگذاری آمده است. پس از آنکه یک لایحه به تصویب توافقی هر دو مجلس نمایندگان و سنا رسید، تحت عنوان «لایحه ثبت شده»^۲ برای توشیح، نزد رئیس‌جمهور فرستاده می‌شود (زارعی، ۱۳۸۴: ۴۶۹).

۲-۲. دیپلماسی پارلمانی نظارتی

بخشی از تدابیر دیپلماتیک کنگره از طریق توانمندسازی ظرفیت‌های نظارتی قانونگذاران بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی دنبال می‌شوند. ساختار دیپلماسی پارلمانی آمریکا، کمیته‌محور است و در آن کمیته‌های دائمی مجالس نمایندگان و سنا نقش مهمی را در پخت و پز شدن یک لایحه ایفا می‌کنند.^۳ برای مثال یکی از ابعاد دیپلماسی پارلمانی نظارتی، برگزاری جلسات استماع در کمیته‌های دائمی برای بررسی نقاط قوت و ضعف یک لایحه است. کمیته‌های دائمی نیروهای مسلح، اطلاعات، روابط خارجی، امنیت داخلی و بانکداری؛ پنج کمیته‌ای هستند که تاکنون بیشترین جلسات استماع مرتبط با ایران را برگزار کرده‌اند. نتایج جلسات استماع، ناشی از تبادل افکار چهار بخش مخازن فکری، لابی‌ها، قانونگذاران و

1. Hamilton, 2005: 29.

2. Bill Enrolled

3. Etcity, 2015: 89.

دولتمردان است. کتابخانه کنگره با تهیه سند «اطلاعیه جلسه استماع»،^۱ متن کامل همه جلسات استماع غیرمحرمانه را منتشر می‌کند. دستور کار جلسات استماع به دو دسته تفکیک می‌شوند. جلسات استماعی که به صورت مستقیم با یک کشور خاص مرتبطاند و جلساتی که به صورت غیرمستقیم بر محیط امنیتی یک کشور تأثیر می‌گذارند.^۲

یکی دیگر از ابعاد دیپلماسی پارلمانی نظارتی کنگره، تقویت نظارت قانونگذاران بر توافقنامه‌های وزارت امور خارجه است که از مصادیق آن می‌توان به تصویب «قانون بازنگری در توافق هسته‌ای ایران»^۳ در ۲۲ مه ۲۰۱۵ برای تقویت نظارت کنگره بر توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ اشاره کرد. تشکیل کمیسیون ویژه با حضور قانونگذارانی از هر دو حزب دمکرات و جمهوری‌خواه، یکی دیگر از سازوکارهای نظارت کنگره بر دستگاه‌های اجرایی است. برای مثال می‌توان به پیشنهاد تشکیل کمیسیون ۲۰ نفره برای نظارت بر میزان پابندی ایران به برجام در «لایحه کمیسیون راستی‌آزمایی تمکین هسته‌ای ایران»^۴ اشاره کرد. بخشی از دیپلماسی پارلمانی نظارتی آمریکا نیز از طریق موافقت یا مخالفت با انتصاب سفرا و کنسولگران، رهبران و افراد کمیسیون‌های مستقل اجرایی و نیز قضات دیوان عالی فدرال اعمال می‌شود.

یکی دیگر از ابعاد دیپلماسی نظارتی کنگره آمریکا از طریق ملزم‌سازی نهادهای اجرایی به ارائه راهبرد و استراتژی به کمیته‌های مرتبط در کنگره پیگیری می‌شود. برای مثال در «قانون مقابله با نفوذ ایران در آمریکای لاتین»^۵ مصوب ۲۸ دسامبر ۲۰۱۲، وزارت امور خارجه آمریکا مکلف شده بود ظرف ۱۸۰ روز طرحی راهبردی را برای آنچه که «حل مسئله حضور و گسترش فعالیت خصمانه ایران» در منطقه آمریکای لاتین خوانده شده بود، تدوین و به کمیته‌های مرتبط در مجالس نمایندگان و سنا ارائه کند. در بند اول بخش نهم قانون مقابله با دشمنان آمریکا به وسیله تحریم‌ها نیز، رئیس‌جمهور آمریکا مکلف شده است ۹۰ روز پس از تصویب لایحه (دوم نوامبر ۲۰۱۷؛ ۱۱ آبان ۱۳۹۶)، گزارشی را

1. Hearing Notice

2. Bernstein, 1989: 98.

3. Iran Nuclear Agreement Review Act of 2015

4. Commission to Verify Iranian Nuclear Compliance Act (H. R. 3741)

5. Countering Iranian Sway in Latin America

در خصوص وضعیت توانمندی‌های موشکی ایران به کمیته‌های مرتبط در کنگره گزارش دهد.

۲-۳. دیپلماسی پارلمانی عمومی

یکی دیگر از اهرم‌های کنگره برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا، بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی است که مهمترین موارد آن عبارت‌اند از:

- نامه‌نگاری رئیس مجلس نمایندگان، رهبران حزب مخالف یا رؤسای کمیته‌های دائمی به رئیس جمهوری: استفاده از این شیوه در مواقعی که حزب مخالف رئیس‌جمهور، اکثریت کنگره را در اختیار دارد پررنگ‌تر است که از مصادیق آن می‌توان به نامه‌نگاری ۵۰ نفر از جمهوری‌خواهان مجلس نمایندگان در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ (۳۰ شهریور ۱۳۸۹) به باراک اوباما برای اعمال تحریم‌های شدیدتر علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد.^۱

- تقویت پل ارتباطی یا نامه‌نگاری قانونگذاران به مخازن مهم فکری و تحقیقاتی: برای مثال ۱۷ قانونگذار کنگره که اکثرشان از نمایندگان فعال دمکرات در لابی‌های پارلمانی رژیم صهیونیستی بودند، در ۲۳ آوریل ۲۰۱۰ با ارسال نامه‌ای برای ریاست دانشگاه هاروارد، اعلام کردند: «ما به‌عنوان فارغ‌التحصیلان دانشگاه هاروارد، از درخواست دانشجویانی که خواستار خروج سرمایه هاروارد از شرکت‌های همکاری‌کننده با بخش انرژی ایران شده‌اند، حمایت می‌کنیم».^۲ براد شرمین،^۳ رئیس کمیته وقت تروریسم و منع اشاعه کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان و از نئوکان‌های مطرح حامی رژیم صهیونیستی در کنگره، حامی اصلی نگارش این نامه بود.

- عضویت قانونگذاران در اندیشکده‌های مطرح آمریکایی: برای مثال می‌توان به عضویت برخی قانونگذاران بازنشسته در رده‌های مدیریتی مؤسسه واشنگتن در امور خاورمیانه نزدیک، مؤسسه آمریکن اینترپرایز و بنیاد ملی دفاع از دمکراسی‌ها اشاره کرد. حضور «جان یینر»^۴ و «نانسی پلوسی»^۵ به‌عنوان رئیس و رهبر دمکرات‌های مجلس

1. <http://www.albawaba.com>

2. <http://jta.org/news>

3. Brad Sherman

4. John Boehner

5. Nancy Pelosi

دیپلماسی تقنینی کنگره آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی تحریم‌ها) _____ ۳۵۳

نمایندگان در سی امین سالروز تأسیس بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها مورخ ۱۳ نوامبر ۲۰۱۳، بازتاب جایگاه مهم اندیشکده مذکور در میان قانونگذاران کنگره است.^۱

- دیپلماسی پارلمانی رسانه‌ای: دیپلماسی پارلمانی رسانه‌ای به مفهوم اعلام مواضع قانونگذاران شاخص کنگره در رسانه‌های مهم داخلی و خارجی با هدف اقناع و همراه‌سازی افکار عمومی با مواضع کنگره در حوزه سیاست خارجی است.

- تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد یا عضویت در آن: برای مثال براد شرمن با توجه به تراکم حضور ایرانیان در ایالت کالیفرنیا؛ سازمان‌های مردم‌نهاد متعددی را در لس آنجلس تأسیس کرده است که بیشتر در حوزه‌های حقوق بشری فعالیت می‌کنند. یکی از کارویژه‌های این سازمان‌ها، دریافت خوراک لازم برای تشدید فشارهای حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران است.^۲

- صدور بیانیه: بیانیه‌های کنگره بیشتر بازتاب فضای روانی حاکم بر مجالس نمایندگان و سنای آمریکا است.

- لابی‌گری: در گذشته افراد برای تأمین مقاصد خود در راهروهای پارلمان منتظر می‌شدند تا از طریق رایزنی و چانه‌زنی با قانونگذاران، به همه یا بخشی از اهداف خود دست یابند. به این نوع چانه‌زنی غیررسمی در راهروهای پارلمان، «لابی‌گری»^۳ می‌گویند (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷: ۹). کنگره برای ثبت نام گروه‌هایی که قصد لابی دارند، وبسایت مشخصی را ایجاد کرده است. نهادهای تحقیقاتی آمریکا تخمین می‌زنند سالانه حدود ۹ میلیارد دلار شرکت‌ها، انجمن‌ها و گروه‌ها برای اعمال نفوذ بر نمایندگان کنگره هزینه می‌کنند.^۴

سخنرانی قانونگذاران کنگره در حاشیه اجلاس‌های مجمع عمومی سازمان ملل، یکی از ظرفیت‌های لابی‌گری است. استفاده از این شیوه در میان قانونگذارانی که روابط نزدیکی با لابی‌های گروهک منافقین و رژیم صهیونیستی دارند بیشتر است که از موارد آن می‌توان به سخنرانی «آنتونی وینر»^۵ و «سناتور جف کلین»^۶ - نمایندگان مردم نیویورک در

1. <http://www.ned.org>

2. <http://projects.wsj.com/campaign2012/candidates/view/brad-sherman--ca-h>

3. Lobbying

4. <http://lobbyingdisclosure.house.gov/register.html>

5. Anthony Weiner

6. Jef Klein

در مجلس نمایندگان و سنا؛ همزمان با سخنرانی رئیس‌جمهور وقت ایران در مقر سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۰۹ اشاره کرد.^۱ مصداق دیگر می‌توان به سخنرانی سناتور رابرت توریسی^۲ از ایالت نیوجرسی در حمایت از گروهک منافقین مورخ ۲۷ مارس ۲۰۱۳ در کنفرانس پارلمان‌های اروپا، ایتالیا و فرانسه اشاره کرد.

۲-۴. رایزنی‌های دیپلماتیک

مهمترین روش‌های قانونگذاران کنگره برای رایزنی دیپلماتیک با سایر کشورها عبارت‌اند از:
- رایزنی مستقیم رئیس مجلس نمایندگان یا رؤسای کمیته‌های دائمی با هم‌تایان پارلمانی یا دولتمردان سایر کشورها؛ در میان رؤسای کمیته‌های دائمی، بیشترین رایزنی مستقیم قانونگذاران از مجاری کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان و کمیته روابط خارجی سنا انجام می‌شود.

- دعوت از دولتمردان و قانونگذاران شاخص یک کشور برای سخنرانی در صحن کنگره و رایزنی با آنان پیرامون موضوعی مشخص؛
- مذاکره با هم‌تایان خود در اتحادیه بین‌المجلس، پارلمان اروپا یا سازمان‌های پارلمانی فرامنطقه‌ای مانند مجمع پارلمانی ناتو.

۳. آثار اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری بر سازوکارهای دیپلماسی پارلمانی آمریکا در قبال ایران

تأثیرپذیری برخی قانونگذاران شاخص کنگره از اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ میلادی، تغییراتی را در سازوکارهای دیپلماسی پارلمانی آمریکا در قبال ایران در بخش‌های مبارزه با تروریسم، ثبات منطقه‌ای، حمایت از حقوق بشر و تسلیحات کشتار جمعی به وجود آورده است که در ذیل به مهمترین موارد آن اشاره می‌شود.

1. <http://weiner.house.gov>

2. Robert Toricelli

۳-۱. متحول شدن سیاست‌های ضد تروریستی

حوادث تروریستی یازده سپتامبر، پنجره ورود نومحافظه کاران به قدرت بود. به همین دلیل آینده سیاسی آنان با پدیده تروریسم گره خورده است. بررسی محتوایی لوایح، قطعنامه‌ها و مواضع قانونگذاران آمریکایی نیز اثبات می‌کند که به تدریج از سال ۲۰۰۹، تعداد لوایح ضد تروریستی کنگره از یک روند افزایشی برخوردار بوده‌اند.

نئوکان‌های کنگره متأثر از اندیشه سیاسی لئواشتراس به بزرگنمایی و تجمیع تهدیدهایی اقدام می‌کنند که بیشترین بار روانی را بر افکار عمومی داشته باشند که از مصادیق آن می‌توان به متهم‌سازی ایران به اشاعه «تروریسم تسلیحات کشتار جمعی»^۱ اشاره کرد. آنان مدعی‌اند تصویر تجهیز تروریست‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران به تسلیحات کشتار جمعی بسیار وحشت‌آورتر از حوادث یازده سپتامبر است و با این استدلال، مرحله دوم جنگ علیه تروریسم را آغاز کردند. از منظر نئوکان‌های کنگره، ایران، کره شمالی و رژیم بشار اسد با ترکیب تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی در زمره کشورهای یاغی محسوب می‌شوند. بازتاب این سیاست را به خوبی می‌توان در «لایحه پیشگیری از اشاعه تسلیحات کشتار جمعی ایران»^۲ مشاهده کرد. این لایحه را ایلنا راس لیتین،^۳ نماینده جمهوری خواه ایالت فلوریدا در ۲۰ مارس ۲۰۱۰ به کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان ارائه و در آن رئیس‌جمهور مکلف شده بود با استفاده از ابتکارات امنیتی و نظارت دقیق بر واردات و صادرات ایران، تدابیر لازم برای ممانعت از دستیابی تهران به تسلیحات هسته‌ای، زیستی، شیمیایی و موشکی را اتخاذ کند.^۴

نومحافظه کاران کنگره همچنین متأثر از اندیشه‌های لئواشتراس، خواستار شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی علیه تهدیدهای تروریستی‌اند. آنان در رایزنی با سایر کشورها در کنفرانس‌های بین‌المللی یا اجلاس‌های سالانه آپیک، از ایران به‌عنوان یکی از رهبران مدیریت تروریسم بین‌الملل نام می‌برند (صداقت، ۱۳۸۴: ۱۹۸). از منظر آنان، ماهیت رژیم‌های

1. Weapons of Mass Destruction (WMD) Terrorism

2. Iran Proliferation Prevention Act (H.R.4896)

3. Illena Ros-Lehtinen

4. <https://www.govtrack.us/congress/bills/111/hr4896/text>

استبدادی به گونه‌ای است که برای حفظ بقای خود ناچارند به سمت تهدیدهای نامتقارن تروریستی متوسل شوند که این امر ضرورت تأسیس نهادهای لازم برای مقابله با تروریست‌ها را افزایش داده است. از نگاه آنان، دولت - ملت‌سازی و دمکراتیزه کردن خاورمیانه و شمال آفریقا، یکی از ملزومات خشکاندن ریشه تروریسم است.

یکی دیگر از اولویت‌های نئوکان‌های کنگره صدوچهاردهم (۲۰۱۶ - ۲۰۱۵) در بخش مبارزه با تروریسم، متهم‌سازی ایران به «پولشویی»^۱ است. از نگاه آنان، برجسته‌سازی نقش ایران در فعالیت‌های مرتبط با پولشویی در دوران پسابرجام، از ظرفیت بالایی برای ارباب شرکت‌های بزرگ تجاری و بانکی برای سرمایه‌گذاری در ایران برخوردار است (دل‌اورپور اقدم، ۱۳۹۶ الف: ۱۹۸). پولشویی به چرخه‌ای اطلاق می‌شود که در آن پول‌هایی که عمدتاً از طریق نامشروع و غیرقانونی مانند فروش مواد مخدر، انواع قاچاق و مشاغل زیرزمینی به دست می‌آید با شیوه‌های مختلف وارد چرخه رسمی اقتصاد می‌شوند به طوری که رصد و پیگیری منشأ آنها به سختی امکان‌پذیر است. پولشویی هنگامی صبغه امنیتی به خود می‌گیرد که منافع حاصل از جرائم سازمان‌یافته برای تزریق به سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی هزینه شود. برای مثال نئوکان‌های کنگره مدعی‌اند جمهوری اسلامی ایران برای تأمین مالی فعالیت‌های به اصطلاح تروریستی و توسعه زرادخانه‌های موشکی ناچار است با گسترش فعالیت‌های پولشویی، منابع مالی آنها را تأمین کند. در همین چارچوب بخشی از لوایح تحریمی کنگره در فاصله بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ با ادبیات مبارزه با فعالیت‌های به اصطلاح پولشویی ایران به تصویب رسیدند.

یکی دیگر از ویژگی‌های سیاست‌های ضد تروریستی کنگره آمریکا، نقض حاکمیت سرزمینی سایر کشورهاست. قانونگذاران جنگ طلب آمریکا بر این باورند که به دلیل شناور بودن گروه‌های تروریستی، لازم است مخفیگاه آنان در کشورهای مختلف شناسایی شود. آنان در فاصله بین سال‌های ۲۰۱۶ - ۲۰۰۹، لوایحی را به تصویب رساندند که به پهنادهای آمریکایی مجوز داد با ادعای مقابله پیشدستانه با تهدیدهای تروریستی، به نقض حاکمیت برخی کشورهای پیرامونی ایران مانند افغانستان و پاکستان مبادرت ورزند.

یکی از مبانی اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری، جدال دائم نیروهای خیر و شر است. قانونگذاران نومحافظه‌کار از سپاه قدس و جنبش مقاومت حزب‌الله به‌عنوان نیروهایی نام می‌برند که امنیت منطقه و جهان را با تهدید مواجه ساخته‌اند. به همین دلیل از نگاه آنان، یکی از ملزومات استقرار ثبات منطقه‌ای، اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه سپاه پاسداران به ویژه سپاه قدس و قرار دادن آنان در فهرست سازمان‌های تروریستی وزارت امور خارجه آمریکاست. آنان مدعی‌اند بخش چشمگیری از شبکه اقتصادی، بانکی و پولی ایران را اشخاص حقیقی و حقوقی وابسته به سپاه پاسداران اداره می‌کنند و تحریم آنها به‌صورت غیرمستقیم، تأمین مالی فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده سپاه پاسداران در غرب آسیا را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد که از مصادیق آن می‌توان به لایحه شماره ۴۲۵۸ «پیتر رُسکام»^۱ عضو جمهوری‌خواه صدوچهاردهمین مجلس نمایندگان آمریکا با عنوان «مقابله با ستیزه‌جویی و نظامی‌گری دولتی آیت‌الله»^۲ اشاره کرد.^۳

از منظر نئوکان‌های کنگره، مدیریت پیشدستانه تهدیدهای تروریستی مستلزم تقویت فعالیت‌های اطلاعاتی است. بسیاری از نظریه‌پردازان نومحافظه‌کار مانند آبرام شولسکی^۴ و گری اشمیت^۵ بر این باورند که نقش و کارآمدی نهادهای اطلاعاتی برای ارزیابی تهدیدهای احتمالی باید تقویت شود (میر، ۱۳۸۵: ۴). به همین دلیل از سال ۲۰۰۹ به تدریج، جایگاه نهادهای اطلاعاتی آمریکا در لویح تحریمی مرتبط با ایران پررنگ‌تر می‌شود.

نومحافظه‌کاران بر این باورند که بخشی از تهدیدهای تروریستی ایران از طریق سازماندهی جنگ‌های نامتقارن انجام می‌شود و در صورتی که سه عنصر تروریسم، تسلیحات کشتار جمعی و دولت‌های اهریمنی در یک حمله نامتقارن دخیل باشند، وضعیت امنیت جهانی متزلزل‌تر از آنچه هست، خواهد شد. به همین دلیل از سال ۲۰۱۴، مهار تهدیدهای نامتقارن جمهوری اسلامی ایران نیز در دستور کار قرار می‌گیرد. نئوکان‌های

1. Peter J. Roskam

2. Quarantining the Ayatollah's State-Sponsored Aggression and Militancy (QASSAM) Act

3. <https://www.congress.gov/114/bills/hr4258/BILLS-114hr4258ih.pdf>

4. Abram N. Shulsky

5. Gary Smith

کنگره مدعی اند که جمهوری اسلامی ایران با استفاده از فناوری مدرن از جمله تجهیزات الکترونیک، اینترنت و سایر تجهیزات نوین ارتباطی، در حال تقویت جنگ سایبری علیه مراکز و نهادهای مهم آمریکاست. تحریم‌های سایبری ایران در بازه زمانی ۲۰۱۶ - ۲۰۰۹ در همین چارچوب اعمال شدند.^۱

۲-۳. تصویب تحریم‌های فراگیر و پیشدستانه

جنگ پیشدستانه با کشورهای محور شرارت از پشتوانه نظری برخوردار است. لئو اشتراوس، تثبیت و گسترش صلح جهانی را لازمه مقابله پیشدستانه با نیروهای اهریمنی قلمداد می‌کند. به همین دلیل یکی از اولویت‌های قانونگذاران نومحافظه کار، تصویب تحریم‌های جامع، بازدارنده و پیشدستانه علیه جمهوری اسلامی ایران است. مهمترین تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از منظر نئوکان‌های کنگره عبارت‌اند از:

- صدور مبانی و آموزه‌های انقلاب،
- اشاعه موشک‌های بالستیک و برگزاری رزمایش‌های موشکی،
- حمایت از جنبش‌های مقاومت شیعه،
- تلاش برای اکتساب، ساخت و اشاعه تسلیحات کشتار جمعی،
- نفوذ در آمریکای لاتین،
- بی‌ثبات‌سازی خاورمیانه و شمال آفریقا،
- حمایت از بشار اسد،
- ناامن‌سازی امنیت کشتیرانی در دریاهای آزاد،
- نقض حقوق اقوام و اقلیت‌های قومی و فرقه‌ای،
- پولشویی.

به همین دلیل به تدریج از سال ۲۰۰۹، تصویب تحریم‌های چندوجهی در دستور کار قرار می‌گیرد که از مصادیق آن می‌توان به تصویب «قانون جامع تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری

1. Thornton, 2007: 160.

و محروم‌سازی ایران»^۱، تمدید قانون «ایسا»^۲ و «قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌ها» در دوم اوت ۲۰۱۷ اشاره کرد.^۳

لئو اشتراوس معتقد بود هر سیاستمدار خوب باید یک حلقه درونی مورد اعتماد داشته باشد. فردی که در گوش پادشاه پیچ (کنایه از مشاوره) می‌کند بسیار مهمتر از خود پادشاه است.^۴ به همین دلیل یکی از ویژگی‌های مصوبات تحریمی کنگره علیه ایران، نقش تأثیرگذار لابی‌های رژیم صهیونیستی به‌ویژه «آپیک» است.

کنگره صهیونیسم، سازمان جهانی صهیونیست، کمیته امور عمومی آمریکا و رژیم صهیونیستی، کنفرانس رؤسای سازمان‌های یهودی، لابی مسیحیان صهیونیست، کنگره مراقبت پنتاگون، کنفرانس امنیتی هرترلیا و مؤسسه یهود در امور امنیت ملی از مهمترین لابی‌های رژیم صهیونیستی در کنگره محسوب می‌شوند. طی پنج دهه گذشته لابی‌های رژیم صهیونیستی به‌گونه‌ای قدرت خود را توسعه داده‌اند که امروزه به‌عنوان سومین حزب آمریکا مطرح‌اند. نفوذ آپیک بر فرایند دیپلماسی تقنینی آمریکا به حدی رو به افزایش است که سناتورها در محافل خصوصی از آن با عنوان «ماهیچه یهودی»^۵ نام می‌برند. برای مثال ارتباط نزدیک لابی آپیک با هاوارد برمن،^۶ رئیس کمیته روابط خارجی صدویازدهمین مجلس نمایندگان، نقش مهمی را در ارائه لایحه «قانون تحریم بنزین ایران»^۷ ایفا کرد. طرح اولیه «قانون جامع تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محروم‌سازی ایران»^۸ نیز از طریق ارتباط‌دهی و تأثیرگذاری هدفمند و منسجم لابی آپیک با کریستوفر داد،^۹ رئیس وقت کمیته بانکی مجلس سنا از حزب دمکرات کلید خورد.^{۱۰}

یکی دیگر از ویژگی‌های دیپلماسی تقنینی نئوکان‌های کنگره، سازماندهی جنگ اقتصادی تمام‌عیار علیه جمهوری اسلامی ایران با یکپارچه‌سازی، تعمیم، هوشمندسازی و

1. Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010 (CISADA)

2. Iran Sanctions Act (ISA)

3. Vira, 2010: 18.

4. Hersh, 2013.

5. Jew Muscle

6. Howard Berman

7. Iran Refined Petroleum Sanction Act (IRPSA)

8. Comprehensive Iran Sanctions, Accountability and Divestment Act

9. Christopher Dodd

10. <http://www.aipac.org>

تجمع تحریم‌هاست. برای مثال رایزنی قانونگذاران آمریکا با همتایان پارلمانی خود در اتحادیه اروپا، جنوب شرق آسیا یا کشورهای همسایه ایران و مجاب‌سازی و ترغیب آنان برای تحریم اقتصادی و نفتی ایران مبتنی بر اصل یکپارچه‌سازی است.^۱ اصل هوشمندسازی به مفهوم شناسایی و تحریم حوزه‌های آسیب‌پذیر جمهوری اسلامی ایران در بخش‌های انرژی، اقتصادی، بانکی و مالی است. گسترش تحریم‌های غیرهسته‌ای علیه اشخاص حقیقی و حقوقی وابسته به صنایع کشتیرانی، هواپیمایی یا بانکی - مالی جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۹، با ادعای مبارزه با موشک‌های قابل حمل کلاهک هسته‌ای یا تروریسم نیز براساس اصل تعمیم انجام می‌شود.^۲

۳-۳. افزایش اهمیت راهبردی غرب آسیا

یکی از مهمترین آثار اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری بر سیاست خارجی کنگره، تقویت وزن راهبردی غرب آسیا در ساختار دیپلماسی قانونگذاری آمریکاست. اظهارات برخی قانونگذاران شاخص کنگره یا حمایت آنان از انعقاد توافقنامه‌های نظامی و اطلاعاتی بین آمریکا و کشورهای عرب شورای همکاری خلیج فارس، نشئت گرفته از اهمیت استراتژیک خلیج فارس در میان نئوکان‌های کنگره است. برای مثال برنارد لوئیس^۳ همچون لئو اشتراوس بر این باور است که: «موتور محرکه توسعه ارزش‌های لیبرال دمکراسی در خاورمیانه جدید، حضور نظامی قوی در نقاط جغرافیایی مهم خاورمیانه و خلیج فارس است. صلح نه از راه موازنه قدرت بلکه بیشتر با چیرگی به دست می‌آید».^۴

به همین دلیل با تقویت تدریجی کرسی نئوکان‌ها در کنگره از سال ۲۰۰۹، بخشی از دیپلماسی قانونگذاری کنگره به سمت حمایت از تأسیس پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس معطوف می‌شود.

بخش دیگری از دلایل افزایش اهمیت غرب آسیا در سیاست‌های نئوکان‌های کنگره،

1. Sanctions begins to bite, <http://www.economist.com>, October 7, 2010.

2. <http://www.cctv.com>

3. Bernard Lewis

4. Lewis, 1996: 296.

حمایت آنان از موجودیت رژیم صهیونیستی است. برای مثال پدر و مادر لئواشتراس از یهودیان ارتدوکس بودند یا آروینگ کریستول از یهودیان نیویورک بود. در نتیجه بین اندیشه سیاسی نومحافظه کاری و حمایت از رژیم صهیونیستی، پیوند معناداری برقرار است. برای مثال در اجلاس سالانه آپیک در ۶ مارس ۲۰۱۲، سناتور کارل لوین،^۱ رئیس وقت کمیته نیروهای مسلح مجلس سنا که به داشتن عقاید نومحافظه کاری معروف است، خواستار افزایش کمک‌های مالی به رژیم صهیونیستی می‌شود. وی مدعی شد به دلیل مواضع صریح برخی کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در نفی هولوکاست و حذف رژیم صهیونیستی از نقشه جغرافیایی، وجود زرادخانه‌های هسته‌ای برای این رژیم نوعی تضمین حیاتی محسوب می‌شود.^۲

حمایت کنگره از استقرار سامانه‌های موشکی و انعقاد توافقنامه‌های اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی، مصداق بارز دیگری از حمایت‌های تقنینی کنگره از این رژیم است. برای مثال سناتور دیانا فین استاین،^۳ نایب‌رئیس وقت کمیته اطلاعات مجلس سنا و نماینده دمکرات ایالت کالیفرنیا در کنگره صدودوازدهم (۲۰۱۲ - ۲۰۱۱) که پدر و مادرش از یهودیان لهستانی تبار بودند، در رایزنی با رئیس سازمان اطلاعات اسرائیل (موساد)، حمایت خود را از انجام عملیات‌های اطلاعاتی مشترک همچون خرابکاری و اختلال در سامانه‌های رایانه‌ای سایت‌های موشکی ایران، حذف فیزیکی دانشمندان اتمی و حملات سایبری به مراکز هسته‌ای ایران را اعلام می‌کند.

اهمیت خاورمیانه در مختصات فکری نئوکان‌های کنگره به حدی است که آنان استراتژی گذار از طرح خاورمیانه بزرگ به سمت خاورمیانه جدید را در اولویت کاری خود تعریف کرده‌اند. آنان در طرح خاورمیانه جدید بر تصویب قوانینی تأکید می‌کنند که با بازسازی جغرافیای سیاسی و هویتی، سلطه آمریکا در غرب آسیا را تقویت کند. این طرح اولین بار در ژوئن ۲۰۰۶ در تل آویو توسط کاندولیزا رایس،^۴ وزیر خارجه وقت آمریکا مطرح شد. او در پاسخ به خبرنگار هفته‌نامه نیوزویک درباره تلفات انسانی و حجم

1. Carl Levin

2. <https://www.c-span.org/video/?304772-1/senator-carl-levin-remarks-aipac-conference>.

3. Dianne Feinstein

4. Condoleeza Rice

وسیع ویرانی‌های لبنان تصریح می‌کند: «جنگ لبنان و پیامدهای آن، درد زایمان برای تولد خاورمیانه جدید است».

نئوکان‌های کنگره بر این باورند که تحولات سوریه، شمال آفریقا، یمن، ترکیه، عربستان و شدت‌گیری ناسیونالیسم قومی در منطقه، حلقه‌های مفقوده شکل‌گیری خاورمیانه جدید را تشکیل می‌دهند. یکی از مهمترین ویژگی‌های طرح خاورمیانه جدید، تجزیه و تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه با تأکید بر عناصر هویتی همچون قومیت، نژاد و مذهب است. از منظر آنان، نهادینه شدن دمکراسی در خاورمیانه، مستلزم تغییر رژیم‌های مستبد و بنیادگرای خاورمیانه است. در میان نظریه‌پردازان نومحافظه کار، برنارد لوئیس با تأکید بر مؤلفه‌های مذهبی، نقش مهمی را در گسترش اسلام‌ستیزی در میان قانونگذاران آمریکایی ایفا کرده است.^۱ او تصریح می‌کند: «شریعت اسلام با دمکراسی مانعة الجمع است. تضاد و برخورد، از ویژگی‌های ذاتی اسلام است».^۲

برنارد لوئیس از نظریه‌پردازان مطرح نومحافظه کار، در کتاب *پایان تاریخ جدید در خاورمیانه* به‌وضوح سیاست‌های حقوق بشری و ایدئولوژیک ایران را مورد حمله قرار می‌دهد و بر لزوم حمایت کنگره از تغییر رفتار منطقه‌ای ایران حمایت می‌کند. به همین دلیل یکی از شیوه‌های نئوکان‌های کنگره برای تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران، منتسب کردن تهران به صدور بنیادگرایی اسلامی است.

لئو اشتراوس بر این باور است که آنچه صلح را ممکن می‌سازد، ماهیت رژیم‌های سیاسی است. مسئله اساسی حاکم بر نومحافظه‌کاران این است که آمریکا باید قدرت خود را در همه اشکال به‌گونه‌ای تقویت کند تا در جایگاهی قرار گیرد که بتواند قواعد حاکم بر رفتارهای بین‌المللی را شکل دهد. نئوکان‌های کنگره بر این باورند که بازیگران چالشگر هنگامی تسلیم ارزش‌های دمکراتیک می‌شوند که همواره چماق تهدید نظامی روی میز باشد. از نظر آنان، ماهیت نظام سیاسی ایران و کره شمالی به‌صورتی است که ضرورت توجه به گزینه نظامی را تقویت کرده است. این امر باعث شده به تدریج سیاست خارجی کنگره آمریکا از کنگره

1. Lewis, 2011: 133.

2. Ibid. 2004: 423.

صدویازدهم (۲۰۱۰-۲۰۰۹) به سمت دیپلماسی پارلمانی تهاجمی متمایل شود.

برای مثال سناتور میچ مک کانل^۱ (نماینده مردم ایالت کنتاکی) رهبر جمهوری خواهان مجلس سنا در کنگره صدودوازدهم تا صدوچهاردهم و سناتور اریک کانتور^۲ از قانونگذارانی بودند که در رایزنی‌های دیپلماتیک خود همواره از اقدام نظامی علیه ایران حمایت کرده‌اند. هر دو قانونگذار ارتباط تنگاتنگی با لابی پارلمانی آپیک دارند.

با پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه با رژیم صهیونیستی، دولتمردان و قانونگذاران نومحافظه کار به این نتیجه رسیدند که شکل دهی خاورمیانه جدید خارج از مرزهای منطقه دشوار است. لذا نومحافظه کاران کنگره برای مهار ایران، تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای در غرب آسیا را در دستور کار قرار دادند. افزایش حمایت آنان از انعقاد توافقنامه‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی با عربستان و امارات در چارچوب حمایت از شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران است.

نومحافظه کاران بر این باورند که اگر تهدید خارجی وجود نداشته باشد، باید آن را ساخت یا بازتولید کرد. یک نظام سیاسی تنها زمانی به ثبات می‌رسد که در مقابل تهدید خارجی، متحد و یکپارچه باشد. این موضوعی است که به شدت قابلیت امنیت‌سازی را دارد. نئوکان‌های کنگره در راستای همین طرز تفکر، یکی از اهرم‌های دیپلماسی اجبار بر ایران را با استمرار ایران‌هراسی دنبال می‌کنند. اهمیت دشمن‌تراشی در ساختار سیاست خارجی کنگره به حدی است که حتی با اجرایی شدن برجام در ژانویه ۲۰۱۶، قانونگذاران آمریکا با مانور بر موضوع‌های غیرهسته‌ای همچنان در تلاش‌اند ایران‌هراسی را به عنوان اصلی خدشه‌ناپذیر در سیاست خارجی کنگره تعریف کنند.

۳-۴. نهادینه‌سازی ارزش‌های لیبرال دمکراسی و حکمرانی مطلوب

یکی از مبانی فکری اندیشه سیاسی نومحافظه کاری، برقراری صلح دمکراتیک است. از منظر آنان دولت‌های دمکراتیک با یکدیگر نمی‌جنگند. به همین دلیل یکی از اولویت‌های

1. Mitch McConnell

2. Eric Cantor

نئوکان‌های کنگره، حمایت از تصویب قوانینی است که به تثبیت ارزش‌های لیبرال دمکراسی در خاورمیانه کمک کند. آنان با تأکید بر اندیشه لئواشترائوس و فرانسیس فوکویاما در زمینه جداسازی خیر از شر و برتری دمکراسی غربی، در پی پاسداری از برتری آمریکا در جهان پس از جنگ سردند و در این راه از آموزه‌هایی همچون ترویج آموزه‌های لیبرال دمکراسی بهره می‌جویند. از منظر آنان، فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی و چیزی که نومحافظه‌کاران آن را شیوه زندگی آمریکایی می‌دانند، اصلی‌ترین نیرویی است که به اندیشه نومحافظه‌کاری، شکل و انسجام می‌دهد. از نظر آنان، دمکراسی آمریکایی بهترین الگوی دمکراسی در جهان است. آنان آمریکا را کانون دمکراسی می‌دانند و بر این باورند که استقرار حکومت‌های دمکراتیک می‌تواند زمینه گسترش صلح پایدار را در سراسر جهان فراهم کند. از این رو آنان یکی از مهمترین رسالت‌های خود را تغییر رژیم‌های غیردمکراتیک تعریف کرده‌اند.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کنگره، کاخ سفید، لابی‌ها و رسانه‌ها، چهار عنصر تأثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا را شکل می‌دهند. سیاست خارجی کنگره در هر دوره‌ای متناسب با مبانی نظری و اندیشه‌ای مشخص توسعه یافته است. حوادث یازده سپتامبر، پنجره ورود نومحافظه‌کاران به قدرت اجرایی بود ولی یک دهه طول کشید تا اندیشه مذکور بر سازوکارهای دیپلماسی پارلمانی آمریکا تأثیر گذارد. در این میان، کنار گذاشته شدن نئوکان‌ها از کاخ سفید با آغاز ریاست جمهوری باراک اوباما در ژانویه ۲۰۰۹، لابی‌گری اندیشکده‌ها و رسانه‌های صهیونیستی در کنار تقویت کرسی جمهوری‌خواهان در مجالس نمایندگان و سنا، نقش مهمی را در گسترش نفوذ اندیشه سیاسی نومحافظه‌کاری در کنگره ایفا کرده است. به طوری که به مرور از سال ۲۰۰۹، سیاست خارجی کنگره در حوزه مبارزه با تروریسم، مقابله با فعالیت‌های موشکی یا ادعای نقض حقوق بشر در ایران نیز متأثر از همین اندیشه شکل گرفت و موجب شد سیاست خارجی کنگره به سمت دیپلماسی تقنینی مداخله‌گرایانه متمایل شود.

دیپلماسی مداخله‌گرایانه آمریکا را بایستی در دو مقطع زمانی پیش و پس از برجام بررسی کرد؛ زیرا برجام نقش مهمی در عقیم‌سازی سیاست‌های جنگ‌افروزانة نومحافظه‌کاران ایفا کرد و چالش‌هایی را برای استمرار ایران‌هراسی در چارچوب اندیشه لئواشتراس به وجود آورد. به همین دلیل در دوران پسابرجام، دیپلماسی مداخله‌گرایانه کنگره به سمت متراکم‌سازی و هوشمندسازی تحریم‌های غیرهسته‌ای گام برداشته است. افزایش لوایح تحریمی کنگره برای مهار توانمندی موشکی ایران، تداعی نقش بی‌ثبات‌کننده سپاه پاسداران در خاورمیانه یا تروریسم نیابتی، ساختار شکننده تحریم را به وضعیت قبل از مذاکرات بازگرداند. در این راستا، مهمترین اهداف نئوکان‌های کنگره در قبال جمهوری اسلامی ایران در دوران پسابرجام عبارت‌اند از:

- افزایش نقش نهادهای اطلاعاتی در فرایند مهار یا نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران،

- تصویب تحریم‌های پیشدستانه علیه اشخاص حقیقی و حقوقی وابسته به سپاه پاسداران،
- حمایت تقنینی از فروش تسلیحات نظامی پیشرفته به متحدان عرب آمریکا در منطقه،
- حمایت از تقویت سامانه‌های دفاع موشکی در اطراف فلسطین اشغالی،
- کاهش انتفاع اقتصادی و بانکی ایران در دوران پسابرجام با اهرم مقابله با پولشویی،
- تلاش برای گنجاندن سپاه پاسداران و سپاه قدس در فهرست سازمان‌های تروریستی وزارت امور خارجه،

- تصویب تحریم‌های جامع و بازدارنده علیه جمهوری اسلامی ایران،

- تداعی نقض برجام توسط جمهوری اسلامی ایران،

- حمایت تقنینی از استقرار سامانه‌های موشکی آمریکا در امارات و عربستان.

منابع و مآخذ

۱. احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷). *لابی و لابی‌گر در آمریکا*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲. اسدی، ناصر (۱۳۸۸). «دیپلماسی اجبار: بررسی سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال عراق (۲۰۰۳-۱۹۹۰)»، فصلنامه *بین‌المللی روابط خارجی*، سال اول، ش ۳.
۳. _____ (۱۳۹۰). *دیپلماسی اجبار* (بررسی مقایسه‌ای سیاست ایالات متحده در قبال عراق، لیبی و ایران)، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. تائب، سعید (۱۳۸۴). «چالشگران و متحدان بالقوه و بالفعل در راهبرد امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم»، کتاب *آمریکا (۷)*، تهران، انتشارات ابرار معاصر تهران.
۵. دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۳۹۶ الف). *چالش‌ها و فرصت‌های پساجام*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۶. _____ (۱۳۹۶ ب). «دیپلماسی نومحافظه‌کاران کنگره آمریکا در قبال ج. ا. ایران»، انجمن مطالعات جهان اسلام، سال هفتم، ش ۱.
۷. دهشیار، حسین (۱۳۸۴). *محافظه‌کاران و سیاست خارجی آمریکا*، تهران، نشر سراپی.
۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۷۷). «نظریه نهادگرایی نئولیبرال و همکاری‌های بین‌المللی»، تهران، *مجله سیاست خارجی*، سال دوازدهم، ش ۳.
۹. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴). *نظریه‌ها و فراتنظریه‌ها در روابط بین‌الملل*، تهران، انتشارات مخاطب.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مصطفی دلاورپور اقدم (۱۳۹۵). «کاستی‌ها و راهکارهای توانمندسازی دیپلماسی پارلمانی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه *مجلس و راهبرد*، تهران، سال بیست و سوم، ش ۸۸.
۱۱. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۴). *مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۲. سجادی‌پور، سیدمحمد کاظم (۱۳۸۱). *سیاست خارجی ایران: چند گفتار در عرصه‌های نظری و عملی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
۱۳. صداقت، سروش (۱۳۸۴). *آمریکا پس از یازده سپتامبر؛ مفهوم امنیتی حادثه یازده سپتامبر در حوزه خاورمیانه*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

دیپلماسی تقنینی کنگره آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی تحریم‌ها) _____ ۳۶۷

۱۴. علی‌پور، مهدی (۱۳۸۳). «نومحافظه‌کاران در سیاست مدرن»، کتاب آمریکا (۴)، تهران، نشر مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

۱۵. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.

۱۶. میر، مهدی (۱۳۸۵). نومحافظه‌کاران و دگرگونی در سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی ایالات متحده: بایسته‌های راهبردی ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

17. About the Leo Strauss Center, <http://leostrausscenter.uchicago.edu/about-leo-strauss-center>.

18. Alexander, George L. (1993). "Forceful Persuasion: Coercive Diplomacy as an Alternative to War", *Endowment of the United States Institute of Peace*, No. 6.

19. Bernstein, Richard B. (1989). "The Congress", New York: Walker and Company.

20. Brandon, Joshua M. (2015). "Iran's Foothold in Latin America: Striking Back at the United States", *Global Security Studies*, Vol. 6, Issue 3.

21. Conolly, Gerald (2015). "H. R. 3741 (114th): Commission to Verify Iranian Nuclear.

22. Etcity, Lance (2015). "U.S. Congress Committees House and Senate Members", Amazon Digital Services LLC.

23. George, Noulas (2011). "The Role of Parliamentary Diplomacy in Foreign Policy", *Foreign Policy Journal*, No. 6.

24. George, Alexander L. (1992). Forceful Persuasion: Coercive Diplomacy as an Alternative to War, *Endowment of the United States Institute of Peace*.

25. Gewen, Barry (2009). "Irving Kristol, Godfather of Modern Conservatism", *New York Times*.

26. Glaser, Charles (1995). "Realistes As Optimists Cooperation As Self Help", *International Security*, Vol.119, No. 3.

27. Hakimian, Hasan (2012). "How Sanctions Affect Iran's Economy", Council on Foreign Relations.

28. Hamilton, John (2005). *How a Bill Becomes a Law*, Washington, ABDO Publishing.

29. Hearings, <https://www.gpo.gov/fdsys/browse/collection.action?collectionCode=CHRG>.

30. Hersh, Seymour M. (2013). "Selective Intelligence", *New York, Security Journal*, No. 6.

31. <http://jta.org/news>

32. <http://lobbyingdisclosure.house.gov/register.html>.

33. <http://projects.wsj.com/campaign2012/candidates/view/brad-sherman--ca-h>.

34. <http://weiner.house.gov>

35. <http://www.aipac.org>
36. <http://www.albawaba.com>
37. <http://www.cctv.com>
38. <http://www.ned.org>
39. <https://www.congress.gov/114/bills/hr4258/BILLS-114hr4258ih.pdf>
40. <https://www.c-span.org/video/?304772-1/senator-carl-levin-remarks-aipac-conference>.
41. <https://www.govtrack.us/congress/bills/111/hr4896/text>
42. Jentleson, Bruce W. (2006). "Coercive Diplomacy: Scope and Limits in the Contemporary World", The Stanley Foundation Policy Analysis Brief.
43. Jentleson, Bruce W. and Christopher A. Whytock (2005). "Who Won Libya?", Duke University, Vol. 30, No. 3.
44. Katzman, Kenneth (2016). "Iran Sanctions", Washington, Congressional Research Service.
45. King, Peter T. (2012). "Iran, Hezbollah and the Threat to the Homeland", House Committee on Homeland Security.
46. Lalwani, Nikita and Sam Winter Levy (2016). "People Think that Economic Sanctions Hurt Putin and Helped Undermine Apartheid in South Africa, They're wrong", The Washington Post.
47. Levey, Stuart (2010). "Damaging Effects of Iran Sanctions-For United States, Campaign Against Sanctions and Military Interaction in Iran", <http://www.campaigniran.org>.
48. Levin, Carl (2012). "Naval Blockade of Iran Should be Considered", <http://www.newsmax.com>.
49. Lewis, Bernard (1996). "The Middle East: A Brief History of the Last 2000 Years", *The Middle East Quarterly*.
50. Lewis, Bernard (2004). "From Babel to Dragomans: Interpreting the Middle East", Weidenfeld and Nicolson.
51. _____ (2011). "The End of Modern History in the Middle East", Hoover Institution Press Publication.
52. _____ (2012). "Iran's Influence and Activity in Latin America", Subcommittee on Western Hemisphere, Senate Committee on Foreign Relation.
53. Mearsheimer, John (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*, New York, w.w.Norton.
54. Mearsheimer, John J. and Stephen Walt (2006). "The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy", *London Review of Books*, Vol. 28, No. 6.
55. Pass Tougher Iran Sanctions, <http://www.aipac.org>.
56. PRESS RELEASE: U.S. Representative Massie Issues Statement on Iran Nuclear Deal, <https://massie.house.gov/press-release/press-release-us-representative-massie-issues-statement-iran-nuclear-deal>.
57. Roberts J. Art and Patrick M. Cronin (2003). *The United States and Coer-*

- cive Diplomacy, Washington D.C: U.S. Institute of Peace Press.
58. Sam Nun, http://www.nti.org/b_aboutnti/b1b.html.
59. Shadia, Drury (1998). *Leo Strauss and American Right* (New York, St. Martin Press.
60. Shulshy, Abram and Gary J. Schmitt (2002). *Slient Warfare: Understanding the Word of Inrelligence*, Washington D.C. Brasseyd Inc.
61. Strauss, Leo (1963). *History of Political Philisiphy*, The University of Chicago Press.
62. Thortton, Rod (2007). *Asymmetric Warfare*, Washington, Polity Press.
63. Vira, Varen (2010). "Sanctions on Iran: Reactions and Impacts", Critical Threats Drg.
64. Walts, Kenneth (1979). "Theory of International Politics", New York, Random House.

آموزش‌های پارلمانی ابزار کارآمدسازی پارلمان با تأکید بر ایجاد رشته حقوق پارلمانی

سیداحمد حبیب‌نژاد،* ابوالفضل الموتیان،** محمد منصوری بروجنی*** و
محمدصالح تسخیری****

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۸/۶

در چند دهه اخیر، مجالس قانونگذاری با ارتباط برقرار کردن با مراکز علمی و پژوهشی به‌ویژه دانشگاه‌ها، تلاش کرده‌اند تا از ظرفیت‌های علمی آنها، به بهترین نحو استفاده کنند. یکی از پویش‌هایی که در سال‌های اخیر برخی پارلمان‌های پیشگام، آغاز کرده‌اند، برگزاری دوره‌های مطالعات پارلمانی و از جمله رشته حقوق پارلمانی است. این دوره‌ها با هدف تربیت متخصصان مورد نیاز پارلمان، فاصله میان پارلمان و مراکز علمی و پژوهشی را می‌کاهد. مطالعات پارلمانی از موضوعات میان‌رشته‌ای است که با هدف توانمندسازی علمی پژوهشگران و دانشگاهیان برای رفع نیازهای پارلمان صورت گرفته است.

این دوره‌ها زمینه و بستر مناسبی برای کارآمدسازی پارلمان و تقویت مراکز علمی و پژوهشی و نخبگان متخصص در علوم مرتبط به پارلمان به حساب می‌آیند و در تلاش‌اند تا ذهنیت واقعی از آنچه که در فرایندهای پارلمانی (قانونگذاری و نظارت) اتفاق می‌افتد را به دانش‌پژوهان منتقل کنند. این نوشتار ضمن تبیین ابعاد مختلف این دوره‌ها و بررسی تجربه‌های کشورهای معدودی که به برگزاری آن اقدام کرده‌اند، اهمیت برگزاری رشته حقوق پارلمانی را در نظام آموزشی ایران مورد ارزیابی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: مطالعات پارلمانی؛ حقوق پارلمانی؛ قانونگذاری؛ مهارت‌های پارلمانی؛ کارآمدسازی پارلمان

* استادیار گروه حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ Email: a.habibnezhad@ut.ac.ir

** مدیر کل تدوین قوانین مجلس شورای اسلامی؛ Email: alamotian.ab@parliran.ir

*** دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران؛ Email: mansoori66@gmail.com

**** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، مرکز تحصیلات تکمیلی پیام‌نور تهران؛

Email: taskhiri.ms@gmail.com

مقدمه^۱

جهت‌گیری کلی نهاد قانونگذار در جوامع پویا، حرکت به سوی کارآمدی و عملکرد مطلوب است که از راه‌های مختلف، این هدف را پی می‌گیرد. یکی از راهکارهای پیش روی مجالس قانونگذاری، استفاده از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی در اعمال تغییرات مثبت است. به عبارت دیگر، پارلمان می‌تواند با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مطالعاتی و پژوهشی، ضمن توانمند ساختن بدنه اجرایی و ساختار خود، تغییرات رو به جلو و اصلاحات قابل قبولی را برای کارآمدی بیشتر اعمال کند. مطالعات پارلمانی، یکی از موضوعات میان‌رشته‌ای است که در سال‌های اخیر مورد توجه برخی کشورهای پیشرفته قرار گرفته است. مطالعات پارلمانی به مجموعه تلاش‌های آموزشی - پژوهشی اطلاق می‌شود که درباره ابعاد مختلف نهاد، ساختار و فرایند قانونگذاری صورت می‌پذیرد و شامل رشته‌هایی مانند مطالعات تقنینی و حقوق پارلمانی می‌شود^۲ که در این مطالعات، اهدافی همانند کارآمدسازی پارلمان، مدنظر پژوهشگران قرار می‌گیرد. این نوشته بر آن است تا اثبات کند که با توجه به مشکلاتی که نظام قانونگذاری ایران با آن روبه‌رو است، حرکت به سمت تأسیس رشته‌های وابسته به مطالعات پارلمانی در دانشگاه‌های کشور، امری ضروری است.

هدف از انجام این نوع مطالعات، سوق دادن نهاد قانونگذار به سوی کارآمدی و عملکرد مطلوب است که پارلمان با توجه به شرایط، ظرفیت‌ها و چالش‌های پیش روی خود، آن را سامان می‌بخشد و از راهکارهای مختلف برای وصول به این هدف، بهره می‌برد؛ یکی از راهکارهای پیش روی مجالس قانونگذاری، استفاده از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی در اعمال تغییرات مثبت است؛ به عبارت دیگر، پارلمان می‌تواند با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مطالعاتی و پژوهشی، ضمن توانمند ساختن بدنه اجرایی و ساختار خود،

۱. این مقاله ناشی از طرح پژوهشی مطالعات پارلمانی در مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی است که نتیجه اولیه آن برنامه‌ریزی برای جذب دانشجو در رشته حقوق پارلمانی در مقطع کارشناسی ارشد با همکاری پردیس فارابی دانشگاه تهران است. امید است با توجه به پیگیری‌های صورت گرفته و تدوین سرفصل‌های مربوطه، به‌زودی شاهد جذب دانشجو و فعال شدن این گرایش و سپس تبدیل آن به رشته حقوق پارلمانی باشیم.

۲. با توجه به عام بودن عنوان مطالعات پارلمانی نسبت به حقوق پارلمانی یا مطالعات تقنینی، این عنوان جامع در این مقاله، بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است، همچنین در ادبیات علمی بین‌المللی عنوان مطالعات پارلمانی بیشتر رایج است.

تغییرات رو به جلو و اصلاحات قابل قبولی را برای قانونگذاری و نظارت کارآمدتر اعمال کند. این نوشتار ضمن تبیین ابعاد مختلف این رشته نوپا و بررسی تجربیات کشورهای معدودی که به برگزاری آن اقدام کرده‌اند، اهمیت برگزاری آن در نظام آموزشی ایران را مورد ارزیابی قرار داده است.

۱. پیشینه

بررسی ابعاد مختلف پارلمان و قوه قانونگذاری، قدمتی به اندازه عمر پارلمان در تاریخ سیاسی و حقوقی کشورها دارد. در نتیجه انجام مطالعات پارلمانی و پژوهش درباره قانونگذار و قانونگذاری، موضوع تازه و جدیدی نیست. آنچه به عنوان روند جدیدی در این حوزه به حساب می‌آید، گام بلندی است که برخی مجالس قانونگذاری با همکاری دانشگاه‌ها برداشته‌اند.

طی چند سال اخیر، مجالس قانونگذاری با همکاری دانشگاه‌ها، دوره‌هایی را با نام «مطالعات پارلمانی»^۱ تأسیس کرده‌اند که با گذراندن این دوره‌ها، افراد ضمن آشنا شدن با مبانی نظری موضوعات مرتبط با پارلمان، از واقعیت‌های عملی^۲ نیز مطلع می‌شوند.^۳ به عنوان نمونه پارلمان بریتانیا با هماهنگی ۲۰ دانشگاه این کشور (تا سال ۲۰۱۷ میلادی) دوره‌های سه ماهه مطالعات پارلمانی را به راه انداخته است.^۴ همچنین دیگر پارلمان‌های فعال در این زمینه، اقدام به تأسیس مراکز و مؤسسات ویژه برای مطالعات پارلمانی کرده‌اند. برای مثال می‌توان به مؤسسه مطالعات پارلمان اوگاندا^۵ اشاره کرد که به منظور تقویت مجلس قانونگذاری این کشور ایجاد شده است.

درحقیقت، صاحب‌نظران حقوقی به این نتیجه رسیده‌اند که برای رفع خلأ ناشی از فاصله میان واقعیت‌های عملی با مبانی نظری (و دروس دانشگاهی) و برای کارآمدی بیشتر

1. Parliamentary Studies

۲. واقعیت‌های عملی شامل رویه‌ها و روندهایی است که در منابع نوشتاری به رشته تحریر درنیامده‌اند، اما در واقعیت توسط نمایندگان، بدنه اجرایی پارلمان و افراد مرتبط با آن (همانند نمایندگان پارلمانی نهادها و مؤسسات) مورد عمل واقع می‌شود.

3. Cowley and Stuart, 2014: 1; Pakistan PIP, 2017: ix.

4. <http://www.parliament.uk/get-involved/education-programmes/universities-programme> (date accessed: 18 Oct. 2016).

5. The Institute of Parliamentary Studies (IPS) of the Parliament of Uganda

نهاد قانونگذار و جامعه علمی، رشته یا دوره‌های مطالعات پارلمانی را تأسیس کنند.^۱ این طرز تلقی، به تدوین سرفصل‌های مطالعات پارلمانی به صورت اختلاطی از آموزه‌های علمی و تجربه‌های واقعی موجود در پارلمان منجر شده است.

فاصله میان آنچه در پارلمان اتفاق می‌افتد با آنچه دانش پژوهان در کتب و نوشتارهای دانشگاهی می‌خوانند، نه تنها آسیبی برای مراکز علمی و دانشگاهی به حساب می‌آید، بلکه به تدریج صدماتی بر کیفیت کار پارلمان نیز وارد می‌سازد؛ زیرا در صورت نیاز پارلمان به کمک دانشگاه‌ها در موضوعات مختلف، نظراتی به پارلمان واصل می‌شود که یا با روندهای پارلمانی منطبق نیست و در نتیجه امکان محقق شدن را نخواهند یافت یا به دلیل عدم تطابق با واقعیت‌های موجود در پارلمان، با استقبال نمایندگان و کارمندان متخصص پارلمان^۲ روبه‌رو نخواهد شد و نمی‌تواند نیازهای واقعی مجلس را مرتفع سازد. به عبارت دیگر از آنجا که پژوهش‌های صورت پذیرفته در فضای دانشگاهی عمدتاً مبتنی بر نوشتارهایی است که همه واقعیت‌های عملی (رویه‌ها و روندهای غیررسمی) را منعکس نمی‌کنند، در نتیجه برداشت‌های جامعه دانشگاهی از آنچه که در پارلمان در حال وقوع است، از نقص و عدم احاطه درست نسبت به موضوع، رنج می‌برد. در چنین فرضی، پژوهشگران به دلیل عدم اطلاع درست از واقعیت پارلمان و صرف اتکا به منابع نوشتاری، توانایی کمک‌رسانی مؤثر به پارلمان را نخواهند داشت. رفع این نقیصه از مهمترین اهداف برگزاری دوره‌های مطالعات پارلمانی محسوب می‌شود.

۲. روش‌شناسی مطالعات پارلمانی

مطالعات پارلمانی به دو صورت «رشته» یا «دوره» در برخی کشورها در حال برگزاری است. منظور از رشته دانشگاهی، گرایش‌های تحصیلی در مقطع تحصیلات تکمیلی است که در دانشگاه‌ها و مراکز دانشگاهی برگزار می‌شود، همانند حقوق خصوصی، عمومی،

1. Pakistan PIP, 2017: 34.

۲. برخی کارمندان مجلس هر چند از صلاحیت‌های نمایندگان مجلس برخوردار نیستند، به صورت حرفه‌ای با مسئله قانونگذاری سروکار دارند همانند دبیران کمیسیون‌ها یا افراد فعال در حوزه تنقیح و تدوین قوانین که نماینده مجلس نیستند اما به صورت تخصصی در امر قانونگذاری مشارکت دارند.

جزا و جرم‌شناسی که گرایش‌های تحصیلات تکمیلی رشته حقوق را تشکیل می‌دهند. مراد از دوره دانشگاهی نیز برنامه‌های آموزشی منسجمی است که عموماً کمتر از یک و نیم سال تحصیلی به طول می‌کشد. گفتنی است گذراندن دوره‌های آموزشی دانشگاهی در نظام آموزشی تحصیلات تکمیلی برخی کشورها، جایگاه ویژه‌ای دارد و قیاس آن با دوره‌های آموزشی که در ایران برگزار می‌شود، درست نیست. در سیستم آموزشی غربی در مقطع تحصیلات تکمیلی، دانشجویان مکلفند در طول تحصیل، در برخی از دوره‌های آموزشی شرکت کنند و گذراندن این دوره‌ها، یکی از شرایط فارغ‌التحصیلی است؛ تکلیفی که مشابه آن در نظام آموزش دانشگاهی ایران وجود ندارد. عموم کشورها به تقلید از آنچه در بریتانیا جریان دارد، به برگزاری «دوره‌های سه ماهه» اقدام می‌کنند.^۱ دوره‌هایی که در بریتانیا اجرایی شده، ترکیبی از شیوه‌های زیر برای گذراندن این دوره‌هاست:

الف) مطالعه مبانی نظری و پژوهش‌های پارلمانی: این شیوه مرسوم در دانشگاه‌هاست که دانشجویان به مطالعه نوشتارهای حقوقی درباره پارلمان و ابعاد مختلف آن می‌پردازند. این شیوه که بیشترین میزان انتقال اطلاعات را در دوره‌های مطالعات پارلمانی به خود اختصاص داده است، به گونه‌ای جامع طراحی می‌شود تا ضمن تکمیل اطلاعات دانش‌پژوهان، شالوده علمی آنان را مستحکم سازد. تدریس مبانی نظری و پژوهش‌های صورت‌پذیرفته در مورد ابعاد مختلف پارلمان در دوره‌های مطالعات پارلمانی، علاوه بر ارائه منسجم اطلاعات به دانش‌پژوهان دانشگاهی، برای آن دسته از شرکت‌کنندگان که کارمندان پارلمان می‌باشند نیز تازگی و طراوت علمی به همراه خواهد داشت.

ب) ارائه سخنرانی: ارائه سخنرانی در دوره‌های مطالعات پارلمانی بسیار بااهمیت و کلیدی تلقی می‌شود.^۲ باید این نکته را متذکر شد که سخنرانی در اینجا به مواردی غیر از ارائه درس مرتبط با نوشتارهای علمی اشاره دارد. به عبارت دیگر در دوره‌های مطالعات پارلمانی، اساتید دانشگاهی همانند آنچه در محیط‌های علمی و آموزشی صورت می‌پذیرد، به ارائه درس و مطالب علمی موجود در کتب می‌پردازند. با وجود این، در کنار تدریس

1. Lok abha Secretariat, 2014: 1-3.

2. Convery, 2015: 3.

اساتید یاد شده، مجموعه‌ای از سخنرانی‌های منسجم نیز با هدف آشنا کردن دانش‌پژوهان با روندهای غیررسمی منتهی به قانونگذاری ارائه می‌شود دانشجویان عموماً با سازوکارهای رسمی قانونگذاری آشنایی دارند؛ در حالی که بخش غیررسمی، اثری به مراتب پررنگ‌تر و قوی‌تر از سازوکارهای رسمی دارد.^۱ در این خصوص دو گروه به سخنرانی می‌پردازند:

گروه اول، نمایندگان پارلمان و مسئولان اجرایی نهاد قانونگذاری است. این افراد به دلیل اینکه از نزدیک با واقعیت‌های مجلس سروکار دارند، اطلاعات ارزشمند قابل انتقالی از روندهای منتهی به قانونگذاری دارند. اطلاعات این افراد با آنچه دانش‌پژوهان در کتب آکادمیک مطالعه می‌کنند، تعارض ندارد؛ بلکه ابعادی از واقعیت‌های پارلمان که ایشان تشریح می‌کنند، وجوهی را پیش روی دانش‌پژوهان باز می‌کند که کمتر با کتاب و نوشتار قابل انتقال است. درحقیقت کنشگران، دسترسی صاحب‌نظران دانشگاهی را به منابعی فراهم می‌کنند که جزئی از تاریخ شفاهی نیست. به عبارتی، سخنرانان تبدیل به منبع دست اول برای شناخت پارلمان می‌شوند و در کتاب‌ها و مقالات تحلیلی می‌توان به آنها استناد کرد. طبعاً روش‌شناسی این سخنرانان تحلیل ثانوی آکادمیک نیست، اما بیاناتشان را از طریق کتاب می‌توان انتقال داد.

گروه دوم مرتبطان با پارلمان در حوزه‌های تخصصی را شامل می‌شود؛ افرادی همانند نمایندگان نهادهای دولتی و وزارتخانه‌ها در پارلمان، معاونان تدوین لوایح دولت و قوه قضائیه، نمایندگان پارلمانی تشکل‌های مردم‌نهاد و اصناف و ... آنها اگرچه نماینده مجلس به حساب نمی‌آیند، اما به دلیل ارتباط فراوان با پارلمان و نمایندگان آن، علاوه بر برخورداری از تجربیات ارزشمند، در حوزه‌های تخصصی خود نیز بر روندهای قانونگذاری، اثرگذار ارزیابی می‌شوند.^۲

در دوره‌های مطالعات پارلمانی، از دو گروه یادشده دعوت به عمل می‌آید تا با آموزش مسائل مرتبط با فرایندها و روندهای غیررسمی، موجب تکمیل اطلاعات دانش‌پژوهان شوند.

(ج) دیدار از پارلمان: علاوه بر بریتانیا، سایر کشورها نیز ملاقات حضوری و دیدار از پارلمان

1. Patton, 2009: 3.

2. Gomez, 2010: 45-50.

را در برنامه دوره‌های مطالعات پارلمانی قرار می‌دهند.^۱ آشنا شدن با فضای فیزیکی پارلمان، نهادهای وابسته به پارلمان و حتی محیط داخلی کمیسیون‌ها، کمیته‌ها و کارگروه‌ها اهداف این برنامه را تشکیل می‌دهند.^۲

۳. مخاطبان

همان‌طور که بیان شد، دوره‌های مطالعات پارلمانی با ابتکار پارلمان‌ها و با همکاری مراکز آموزشی دانشگاهی آغاز به کار کرد. در نتیجه آغاز این دوره‌ها براساس نیازی بود که پارلمان احساس کرد و سپس به جامعه علمی منتقل شد. از این‌رو علاوه بر دانش‌پژوهان دانشگاهی، گروه‌های دیگری نیز «مکلف» شده‌اند که این دوره‌ها را بگذرانند. به صورت کلی، گروه‌های زیر به‌عنوان مخاطبان دوره‌های مطالعات پارلمانی شناخته می‌شوند:

الف) اساتید دانشگاه: عموم اساتید دانشگاه به دلیل نداشتن اطلاع دقیق از روندهای رسمی و غیررسمی منتهی به قانونگذاری، تصورات نادرستی از این مسئله دارند. برای مثال در جریان تدوین قوانین، علاوه بر مراکز کارشناسی و مشاوره‌ای وابسته به پارلمان، تعداد بسیاری از اساتید صاحب‌نظر و متخصصان به کار گرفته می‌شوند تا درباره مسئله‌ای، قانونی شایسته به تصویب برسد. در نتیجه در قانونگذاری، صرفاً به اطلاعات شخصی نمایندگان کفایت نمی‌کنند و از نخبگان جامعه تا حد امکان استفاده می‌شود. این در حالی است که عموم اساتید دانشگاه‌های کشور، به‌ویژه در رشته‌هایی همانند حقوق و اقتصاد، بدون اطلاع دقیق از این جریان و میزان حضور صاحب‌نظران در جریان تدوین یک قانون، صرفاً با انتقاد از کاستی‌های موجود در قانون، تصویری مبهم و ناقص را به دانش‌پژوهان منتقل می‌کنند.

دومین ایرادی که از ناآشنایی اساتید دانشگاهی با واقعیت‌های پارلمان حاصل می‌شود، انجام پژوهش‌های غیرسودمند در برخی حوزه‌های مطالعاتی است. آشنایی اساتید با پارلمان و اقتضائات آن، نگاه ایشان را از نگاهی مجرد به مسائل، به نگاهی دغدغه‌مند به نیازهای جامعه تبدیل می‌کند. این مسئله به جایگزینی نگاه واقع‌گرایانه علمی به مسائل و کاهش تحقیقاتی

1. Cowley and Stuart, 2014: 2.

2. <http://www.scottish.parliament.uk/visitandlearn/visiting-the-parliament.aspx> (date accessed: 7 Sep. 2016).

منجر می شود که ثمره خاصی برای وضعیت فعلی جامعه یا نیازهای آینده آن ندارد. البته به این مسئله از سوی دیگر نیز می توان نگریست؛ با این بیان که ضعف مدیریت امور پارلمانی در اطلاع دادن به اساتید و پژوهشگران در زمینه امور پارلمانی، به ضعف اطلاعات ایشان و آسیب های ناشی از آن منجر شده است. از این رو تقصیر و کم توجهی مدیران، سیاستگذاران و قانونگذار در توانمندسازی علمی متخصصان مرتبط با دانشگاه، به صورت پیش فرض انگاشته می شود.

ب) دانش پژوهان: امروزه دوره های مختلف علمی با هدف متمرکز کردن توجه دانش پژوهان در موضوع یا حوزه خاصی برگزار می شود. برگزاری این دوره ها علاوه بر اینکه مجموعه ای منسجم از اطلاعات علمی و عملی مطلوبی در اختیار دانشجویان قرار می دهد، قدرت تحلیل علمی این افراد و در نتیجه توان عملکردی ایشان را در موضوعات یاد شده ارتقا می بخشد.^۱ دانشجویان به ویژه در رشته حقوق و اقتصاد، در آینده نزدیک، بدنه کارشناسی و علمی جامعه مرتبط با قانون را تشکیل خواهند داد. از این رو هر قدر اطلاعات ایشان واقعی تر باشد، می توان به آینده ای درخشان تر امیدوار بود. هدف اصلی از برگزاری دوره های مطالعات پارلمانی، تربیت نیروهای علمی توانمند در این حوزه است که با توجه به اهداف برگزاری این دوره ها - که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد - امکان وصول به این اهداف را تسهیل می بخشد.

ج) کارمندان پارلمان: مجالس قانونگذار علاوه بر نمایندگان منتخب مردم، از تعداد بسیاری نیروهای انسانی تشکیل می شوند که در بخش های مختلف اداری مشغول به کارند. بخش مهمی از این مستخدمان اداری، نیازمند برخورداری از مجموعه منسجم علمی ارائه شده در دوره های مطالعات پارلمانی می باشند. همان طور که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، دوره های مطالعات پارلمانی از مجموعه داده های علم حقوق، جامعه شناسی، تاریخ و ... شکل می گیرد.^۲ در نتیجه، نیاز بخش علمی - اداری مجالس قانونگذاری را نیز تأمین می کند. به بیانی روشن تر، کارمندانی که در کمیسیون ها و کمیته های پارلمانی با طرح ها و لوایح درگیرند و بعد از نمایندگان مردم، به طور چشمگیری بر تصویب طرح ها و

1. Ibid.: 1-2.

2. Gomez, 2010: 68-69.

لوايح اثرگذارند، علاوه بر تجربیاتی که در خلال کار در پارلمان به دست می‌آورند، به مجموعه‌ای از داده‌های علمی نیاز دارند که در این دوره‌ها تأمین می‌شود.^۱

۴. اهداف مطالعات پارلمانی

دوره‌های مطالعات پارلمانی، ابتکاری و نوظهورند که با گذشت زمان و افزایش تجربه‌های برگزارکنندگان این دوره‌ها، بر غنای آن افزوده شده است. مهمترین اهدافی که در برگزاری دوره‌های یادشده مدنظر قرار گرفته، عبارت است از:

الف) تقویت علمی دانش پژوهان: یکی از مهمترین اهداف دوره‌های مطالعات پارلمانی، عمق بخشیدن به فهم اساتید، دانشجویان و کارمندان مجالس قانونگذاری از پارلمان و ابعاد مختلف آن است.^۲ با تعمیق فهم پارلمانی این گروه‌ها، وصول به سایر اهداف دوره نیز میسر می‌شود.^۳ افرادی که این دوره‌ها را می‌گذرانند، قدرت ارزیابی و آنالیز بیشتری نسبت به دیگران خواهند داشت^۴ و این مسئله ناشی از دریافت اطلاعات جامع از مبانی علمی و واقعیت‌های عینی در ابعاد مختلف پارلمان است.

ب) ارائه تصویر واقعی از فرایندهای پارلمانی: فاصله قابل توجه میان واقعیت‌های موجود با آنچه دانش پژوهان در کتاب‌های دانشگاهی در مورد فرایندهای تقنین در پارلمان می‌خوانند، تحلیل‌های غیرواقعی را در محیط‌های علمی - دانشگاهی پدید می‌آورد که این تحلیل‌های نامطلوب از اساتید به دانشجویان و برعکس منتقل می‌شود.^۵

ارائه تصویر واقعی از فرایندهای رسمی و روندهای غیررسمی موجود در مجالس قانونگذاری، علاوه بر ایجاد تصویر واقعی برای دانش پژوهان، به ارائه راهکارهای مطلوب و قابل اجرا برای اصلاح روندهای نادرست در پارلمان نیز منجر می‌شود. به عبارت روشن‌تر، هنگامی که صاحب‌نظران، تصویر واقعی و مناسبی از پارلمان در ذهن داشته باشند، می‌توانند نظرات بهتر و اجرایی‌شدنی را برای کارآمدی هرچه بیشتر آن ارائه کنند.^۶

1. Bradbury, 2014: 1.

2. Mitchell and Jeffery, 2014: 2.

3. Convery, 2015: 2.

4. Bradbury, 2014: 2.

5. Cowley and Stuart, 2014: 1.

6. Miller, Pelizzo and Stapenhur, 2004: 3-4.

همچنین این دوره‌ها باعث جلب توجه دانش‌پژوهان به مطالعات درباره پارلمان و ابعاد مختلف آن می‌شود و آن را تبدیل به یکی از دغدغه‌های علمی آنها می‌کند. برگزاری این دوره‌ها عاملی است برای اینکه اساتید دانشگاهی به مسائل غیرمبتلابه جامعه خود، کمتر توجه کنند و تحقیقات خود را در راستای رفع نیازهای جامعه به‌ویژه با سیاستگذاری و قانونگذاری سامان دهند.

ج) اصلاحات در پارلمان: همه مراکز فعال در حوزه مطالعات پارلمانی و جهت‌گیری کلی مراکز دانشگاهی برگزارکننده دوره‌های مطالعات پارلمانی بر این مسئله تأکید دارند که یکی از اهداف این دوره‌ها، تقویت توان علمی نخبگان در جهت انجام اصلاحات در ساختار و سازمان پارلمان و فرایندهای قانونگذاری است.^۱ اصلاحات جزئی همواره در پارلمان انجام می‌پذیرد، اما این نهاد در برابر اصلاحات اساسی و ساختاری از خود مقاومت نشان می‌دهد. برای کاهش این مقاومت و گام برداشتن در جهت نفع عمومی، نهاد قانونگذاری بر مطالعات پارلمانی سرمایه‌گذاری می‌کند تا اصلاحات پیشنهادی از جانب نخبگان، اصلاحاتی سودمند و حساب‌شده باشند. گزارش‌های فراوانی از سوی مؤسسات مطالعات پارلمانی در زمینه «اصلاحات» و «مدرنیزاسیون» پارلمان منتشر شده که گویای اهمیت این موضوع در سلسله مطالعات پارلمانی است.

۵. مراکز و مؤسسات مطالعات پارلمانی

در این قسمت، مهمترین مؤسسات فعال در حوزه مطالعات پارلمانی مورد بررسی قرار می‌گیرند و تجارب هریک در این باره بررسی می‌شود.

۱-۵. دفتر آموزش و مطالعات پارلمانی^۲ هند

دفتر آموزش و مطالعات پارلمانی هند که بخشی از «برنامه همکاری اقتصادی و فنی هند» را تشکیل می‌دهد، ذیل وزارت امور خارجه این کشور تعریف شده است.^۳ این مرکز عمده

1. Kelly, 2007: 9.

2. Bureau of Parliamentary Studies and Training

3. <http://itec.mea.gov.in/?1381?000> (date accessed: 13 June 2016).

برنامه خود را برای آموزش نمایندگان پارلمان و مقامات دولتی قرار داده است و در این خصوص، به صورت سالانه، دو نشست برای مقامات و نمایندگان خارجی برگزار می‌کند. مهمترین برنامه‌های این مرکز عبارت‌اند از:^۱

الف) برنامه‌های آموزشی نمایندگان:^۲ در بدو تشکیل هر دوره از پارلمان، این مرکز، دوره‌ای یک هفته‌ای را به منظور آشنایی نمایندگان مجلس با وظایف یک منتخب برگزار می‌کند. یکی از نکات ویژه این دوره‌ها، آموزش سنت‌های پارلمانی و مسائل نانوشته همانند رعایت نزاکت و ویژه پارلمان است؛ نکته‌ای که در دوره‌های مطالعات پارلمانی دارای اهمیت بسزایی است. نمایندگان قدیمی، مقامات سابقه‌دار و نخبگان علمی با سابقه پژوهشی در خصوص پارلمان، اساتید و سخنرانان این دوره‌های یک هفته‌ای را تشکیل می‌دهند.

ب) مجموعه سخنرانی‌های پارلمانی:^۳ این مرکز از سال ۲۰۰۵ به برگزاری مجموعه سخنرانی‌های منسجم در خصوص ابعاد مختلف پارلمان اقدام کرده است. در این سخنرانی‌ها نمایندگان پارلمان به کاستی‌های عملکردی و نقایص موجود در پارلمان اشاره می‌کنند و راهکارهای بهبود و رفع مشکلات را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. در این سخنرانی‌ها از صاحب‌نظران خارجی و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی مرتبط نیز دعوت به عمل می‌آید تا سطح علمی جلسات را ارتقا بخشند. حاضران مجموعه سخنرانی‌های پارلمانی را صرفاً نمایندگان پارلمان تشکیل می‌دهند.

ج) دوره آگاهی‌بخشی کامپیوتری:^۴ این دوره برای اطلاع دادن در زمینه آخرین دستاوردهای کامپیوتری و نوآوری‌های حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات است که در آن، علاوه بر نمایندگان پارلمان، کارمندان پارلمان و مستخدمان اداری دفاتر نمایندگان نیز امکان حضور دارند. این دوره‌ها به افراد یادشده آموزش می‌دهند که چگونه با به کارگیری کامپیوتر و فناوری‌های نوین، کارکردهای پارلمانی خود را کارآمدتر کنند.

با توجه به قرار گرفتن این دفتر در ذیل وزارت امور خارجه هند، دو دوره بین‌المللی نیز

۱. اطلاعات این بخش، از سایت رسمی این دفتر به نشانی روبه‌رو برداشته شده است: <http://bpst.nic.in>.

2. Orientation Programmes for MPs / MLAs.

3. Lecture Series for MPs

4. Computer Awareness Programmes.

برگزار می‌کند. دوره نخست به نمایندگان پارلمان‌های خارجی تعلق دارد. دوره دوم، آموزش چهار هفته‌ای مطالعات پارلمانی است که قابل استفاده برای همه نخبگان غیرهندی است. در دوره‌های یادشده، ضمن ارائه مهمترین دستاوردهای مطالعاتی پیرامون ابعاد مختلف پارلمان، محیطی بسیار مناسب برای دریافت ایده‌ها و نظرات جدید فراهم می‌شود. دوره‌های ویژه نمایندگان پارلمان‌های خارجی از سال ۲۰۱۳ تا کنون به دو زبان عربی و اسپانیایی برگزار شده است. انتخاب زبان‌های یادشده به دلیل تکلم کشورهای متعدد به زبان عربی و اسپانیایی است.

د) دوره‌های ویژه کارمندان: این دوره‌ها برای آشنایی کارمندان ادارات مرتبط با پارلمان برگزار می‌شود که در آن، ضمن ارائه اطلاعات ضروری درباره ساختار، کارکرد، سنت‌ها و دانش‌های پارلمانی، راهکارهای تقویت ارتباط ادارات و مقامات دولتی با پارلمان نیز مرور می‌شود.

ه) دیدار پارلمانی: دانشجویان و اساتید داخلی و خارجی حاضر در دوره‌ها، امکان دیدار هدفمند از مجموعه پارلمان را می‌یابند. در نتیجه ایشان ضمن دیدار از صحن علنی مجلسین و کارگروه‌ها، از ساختمان‌های دیگری که به دلایل مختلف به پارلمان ارتباط دارند، همانند موزه پارلمان، بازدید می‌کنند.

دفتر آموزش و مطالعات پارلمانی هند از نظر عملکردی، یکی از منحصر به فردترین مراکز فعال در دوره‌های مطالعات پارلمانی است که ضمن گسترش دامنه فعالیت‌های خود از حیث حاضران در دوره‌ها و موضوعات مورد بررسی، تراز قابل قبولی را در سطح داخلی و بین‌المللی از خود به نمایش گذاشته است. دانشجویانی که این مرکز به صورت بورسیه یک‌ساله آموزش می‌دهد، در صورت ارائه نتایج شایسته، در سایر مراکز مطالعاتی جذب می‌شوند.^۱

۲-۵. مرکز مطالعات پارلمانی^۲ فنلاند

پارلمان فنلاند به‌عنوان یکی از نمونه‌های پیشگام در حوزه نوآوری‌های پارلمانی، از سال ۲۰۰۲ مرکز اختصاصی مطالعات پارلمانی را تأسیس کرد. مرکز مطالعات فنلاند در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲، ده‌ها پروژه تحقیقاتی در زمینه تغییرات تاریخی، سیاست عمومی و

1. Official Report at: <http://164.100.47.194/our%20parliament/Bureau%20of%20parliamentary%20studies.pdf> (date accessed: 18 Oct 2017).

2. Centre for Parliamentary Studies

انتخابات به سرانجام رسانده است. مهمترین پروژه‌های تحقیقاتی این مرکز عبارت‌اند از: تاریخ پارلمان فنلاند (۲۰۰۷-۲۰۰۲)؛ روابط متقابل رسانه‌ها با تغییرات سیاسی و توازن قوا با همکاری دانشگاه فنلاند (۲۰۱۲-۲۰۰۹)، تحولات سیاسی فنلاند در دوره پس از جنگ سرد، با همکاری بنیاد علمی امیل آلتونن (۲۰۱۷-۲۰۱۴).

در ترکیب مدیران این مرکز تلاش شده از همه تخصص‌های مرتبط با پارلمان استفاده شود. از این رو صاحب‌نظران حوزه علوم سیاسی، مسائل ایدئولوژیکی، امور مهاجران، رسانه و ... در اداره مرکز مطالعات پارلمانی فنلاند به صورت مؤثر نقش آفرینی می‌کنند. مهمترین پروژه‌های تحقیقاتی این مرکز عبارت‌اند از:

الف) پروژه «میانجی‌گری متخصصان»:^۱ این پروژه تحقیقاتی به این موضوع می‌پردازد که چگونه می‌توان از ظرفیت نخبگان جامعه به صورت مطلوب در رسانه‌ها بهره برد. در این پروژه، اثر رسانه‌های جمعی بر نفوذ صاحب‌نظران و متخصصان در جامعه، مورد بررسی قرار گرفته و قوت‌ها و ضعف‌های رسانه‌ها در رساندن پیام نخبگان به جامعه نیز ارزیابی شده است.

ب) روابط متقابل رسانه‌ها با تغییرات سیاسی و توازن قوا:^۲ این پروژه که با همکاری مراکز دانشگاهی صورت پذیرفته، به دنبال تبیین تأثیر فضا سازی‌های رسانه‌ای بر عملکرد احزاب سیاسی فنلاند است. همچنین تلاش احزاب و جناح‌های سیاسی برای نفوذ در رسانه‌ها یا به کارگیری آنها در وصول به اهداف خود نیز موضوع بخشی از این کلان‌پروژه را به خود اختصاص داده است.

بر اساس آنچه در تارنمای رسمی این مرکز آمده، عمده فعالیت‌های پژوهشی مرکز مطالعات پارلمانی فنلاند بر ابعاد سیاسی، تاریخی و رسانه‌ای پارلمان متمرکز شده و این مسئله تا حدودی متأثر از تخصص‌های موجود در شورای مدیریت مرکز است.

۳-۵. مرکز مطالعات پارلمانی استرالیا

«ایجاد مسیری برای انتقال دستاوردهای دانشگاهی، به‌ویژه مطالعات تطبیقی به درون

1. The Mediation of Expertise

2. The History of Theatralization of Politics

سازوکارهای پارلمانی»، هدف اصلی مرکز مطالعات پارلمانی دانشگاه ملی استرالیا^۱ است. این مرکز که جانشین «واحد مرکزی مؤسسات دموکراسی» شده، بر محوریت «برنامه سیاست و حکومت»^۲ آغاز به فعالیت کرده است. مرکز تلاش کرده است علاوه بر ایجاد راهی برای ورود دستاوردهای علمی به پارلمان، به محفل و کانونی علمی برای انجام هرگونه فعالیت درباره ابعاد مختلف پارلمان تبدیل شود.

مرکز مطالعات پارلمانی استرالیا از چندین واحد، همانند واحد مطالعات تقنینی و واحد حقوق اساسی تشکیل شده است که در آن، پژوهشگرانی با سابقه پژوهش در حوزه مطالعات تطبیقی، مطالعات دفاعی و راهبردی، مطالعات حقوقی و مطالعات اداره عمومی و سیاست به کار گرفته شده‌اند. براساس اعلام تارنمای رسمی این مرکز،^۳ مهمترین پژوهش‌های صورت پذیرفته عبارت‌اند از:

(الف) دوازده شماره درباره «مطالعات پارلمانی»: با موضوعات پژوهشی درباره آیین‌نامه مجلس ملی، الگوهای تغییر ساختار، تخمین بودجه، پاسخ‌گیری سنا و نظارت بر دولت توسط آن، مشارکت در کمیته تحقیق سنا، توسعه مؤسسات وابسته به پارلمان، فرایندهای قانونگذاری در کمیته‌های سنا، کاربست فناوری ارتباطات و اطلاعات در مجلس ملی، اهمیت کمیته‌ها، ارزیابی کارآمدی فعالیت کمیته‌های پارلمانی، پاسخ‌گویی دولت نسبت به گزارش کمیته‌های پارلمان، تضمین ابتکارهای اقتصادی قوه مجریه.

(ب) پژوهش‌های پیرامونی: نقش زنان در پارلمان استرالیا، میراث مجلس نمایندگان (عرف پارلمانی) و آینده آن.

(ج) کتاب‌شناسی تفصیلی مطالعات پارلمانی: «تقویت مؤسسات پارلمانی»^۴ یکی از پروژه‌های علمی مهم و فرامرزی این مرکز است که در راستای تقویت و مدرنیزاسیون پارلمان استرالیا در حال جریان است. در این پروژه، علاوه بر محققان استرالیایی، صاحب‌نظران و اندیشمندان غیراسترالیایی نیز مشغول تحقیق هستند. طبق گزارش اولیه صادر

1. The Australian National University, Canberra

2. The Policy and Governance Program

3. <http://www.parliamentarystudies.anu.edu.au/>

4. Strengthening Parliamentary Institutions: Australia in Comparative Perspective

شده در مورد این پروژه، این پژوهش به دنبال ظرفیت‌سازی پارلمانی در استرالیا و گسترش هدفمند صلاحیت‌های قوه مقننه است. از نقاط قوت و قابل توجه آن، توجه به دو مفهوم «حرفه‌ای‌گری پارلمانی»^۱ و «نماینده‌گی حرفه‌ای»^۲ است. در مفهوم «حرفه‌ای‌گری پارلمانی»، پروژه به دنبال تقویت پارلمان با ایجاد مشاغل خاص پارلمانی است؛ مشاغلی که پارلمان خود تأسیس و هدایت می‌کند و فارغ‌التحصیلان متخصص در آنجا به استخدام درخواهند آمد. در قسمت «نماینده‌گی حرفه‌ای» نیز به موضوع تقویت نمایندگان در انجام وظایف تقنینی پرداخته شده و راهکارهای این مسئله را به صورت فراملی مدنظر قرار داده است.

این پژوهش معتقد است در قدم نخست و برای وصول به اهداف مورد نظر، باید تعریف درستی از پارلمان قوی و ضعیف ارائه شود تا برای حرکت به سمت پارلمانی کارآمد، بتوان برنامه‌ریزی درستی کرد. برای مثال «مجلس واکنشی و منفعل» یکی از ویژگی‌های مجلس ضعیف است. به عبارت دیگر پارلمانی که صرفاً در واکنش به وقایع جاری جامعه خود، واکنش نشان دهد، یک پارلمان ضعیف است. یک پارلمان قوی را از حرکت براساس راهبردهای کلی و واکنش فعالانه در قبال جامعه می‌توان شناخت.

بخش پایانی گزارش اجمالی پروژه «تقویت مؤسسات پارلمانی»، کارکرد پارلمان را به نمایندگی، تقنینی و پاسخ‌گویی تقسیم و ذیل هر یک شاخصه‌هایی را بیان کرده است:

الف) تأثیر ذهنیت عمومی جامعه در سؤال پارلمان از مقامات، ارتقای نظام انتخاباتی و مشارکت عمومی در ابتکار پارلمانی، مجموعه شاخصه‌های کارکرد نمایندگی معرفی شده‌اند.

ب) کارآمدسازی فرایند تقنین، سنت‌های پارلمانی و ابعاد بین‌المللی تقنین، شاخصه‌های کارکرد تقنینی محسوب می‌شوند.

ج) سه شاخصه استیضاح وزرا، گزارش‌دهی کمیته‌های پارلمان و بهترین رویه‌های موجود نیز در قسمت کارکرد پاسخ‌گویی و پاسخ‌گیری گنجانده شده است.

۴-۵. مرکز مطالعات پارلمانی^۱ ایتالیا

«مرکز مطالعات پارلمانی» به‌عنوان یکی از مراکز مشورتی وابسته به پارلمان ایتالیا، در موضوعات مرتبط با پارلمان، اقدام به پژوهش و آموزش می‌کند. تاریخ پارلمان، جامعه‌شناسی و آمار پارلمانی، نظام حقوقی ایتالیا و روابط فراملی با پارلمان اتحادیه، تهیه پیش‌نویس قوانین، فرایندهای قانونگذاری و تصویب بودجه، مهمترین فعالیت‌ها و دغدغه‌های مرکز را تشکیل می‌دهد. همچنین این مرکز، به‌صورت مستمر، همایش‌ها و دوره‌های دانشگاهی مطالعات پارلمانی را برگزار می‌کند و در این زمینه، استمرار عمل دارد. بررسی ابعاد مختلف نظام «دو مجلسی»، موضوع اصلی دوره‌های مطالعات پارلمانی ماه مه ۲۰۱۶ این مرکز بود که با همکاری دانشگاه لیوس رم برگزار شد.^۲

۵-۵. واحد مطالعات پارلمانی و امور قانون اساسی^۳ ترینیداد و توباگو

ترینیداد و توباگو، کشوری کوچک در آمریکای مرکزی و حوزه دریای کارائیب است که از سال ۱۹۶۲ از بریتانیا اعلام استقلال کرد. با وجود تازه بودن تجربه پارلمان در این کشور، پردیس سنت آگوستین دانشگاه وست ایندیز^۴ اقدام به تأسیس «واحد مطالعات پارلمانی و امور قانون اساسی» کرد و در این چارچوب، مجموعه تحقیقاتی را درباره ابعاد خاص مطالعات پارلمانی به سرانجام رسانید.

از نکات قابل تحسین در این مرکز، توجه ویژه به آمار و نظرسنجی‌های عمومی است. طبق تارنمای رسمی این مرکز،^۵ تاکنون سه پروژه راجع به «نظرات عمومی مردم درباره زوایای مختلف انتخابات»^۶ انجام پذیرفته است. این تحقیقات که بر نظرسنجی عمومی مبتنی بوده و نتایج را به‌صورت آمار و ارقام منتشر کرده است، حوزه‌های پیش رو را مورد ارزیابی قرار می‌دهد: رضایت مردم از عملکرد کلی پارلمان، اختلافات بین نمایندگان

1. The Centre for Parliamentary Studies (CESP)

2. <http://scienze politiche.luiss.it/en/research/research-centers/cesp-centre-parliamentary-studies> (date accessed: 3 March 2016)

3. Constitutional Affairs and Parliamentary Studies Unit

4. The University of the West Indies

5. <https://sta.uwi.edu/fss/CAPSU1.asp> (date accessed: 12 August 2017)

6. Report on the Findings of a National Survey to Measure Public Opinion for the 2015 General Election in Trinidad and Tobago Conducted Over the Period 10th-13th July, 2015 in Trinidad and in Tobago

در موضوعات خاص، روابط احزاب مورد حمایت دولت، آینده پارلمان و
واحد مطالعات پارلمانی و امور قانون اساسی علاوه بر تلاش در زمینه برگزاری دوره‌های مطالعات پارلمانی و انتشار کتب و مقالات مرتبط، به ایده و نظریه‌پردازی در حوزه‌های چالش برانگیز مطالعات پارلمانی ورود پیدا کرده است.

۵-۶. مرکز بین‌المللی مطالعات پارلمانی^۱

همان‌طور که در طول گزارش بارها مورد اشاره قرار گرفت، پارلمان بریتانیا در خصوص «مطالعات پارلمانی» اقداماتی را برنامه‌ریزی کرده است که می‌توان از این کشور به‌عنوان پیشگام این حوزه، یاد کرد. پارلمان بریتانیا با این اقدامات، نه تنها منویات و خواسته‌های خود را در تعریف و تبیین دوره‌های مطالعات پارلمانی تعیبه می‌کند، بلکه با بین‌المللی و فراملی کردن این حوزه مطالعاتی، به پراکندن و نشر این رشته با مختصات مبادرت می‌ورزد که بریتانیا برای آن تعریف کرده است. یکی از برنامه‌های بریتانیا در گسترش بین‌المللی دوره‌های مطالعات پارلمانی، تأسیس «مرکز بین‌المللی مطالعات پارلمانی» است. این مرکز که با پشتیبانی دولت بریتانیا فعالیت می‌کند، برنامه‌های علمی ترویجی خود را در سه سطح بین‌المللی، اتحادیه اروپا و داخلی (انگلیس) سامان‌دهی کرده است. براساس اعلام رسمی تارنمای این مرکز،^۲ اهداف اصلی آن عبارت‌اند از: تقویت سرمایه‌های انسانی و تقویت سیاست‌گذاری بهتر و پیگیری «حکومت خوب».^۳ این مرکز بین‌المللی به‌صورت منظم، فصلنامه‌ای را منتشر می‌سازد که نویسندگان آن را مقامات عالی‌رتبه و صاحب‌نظران کشورهای مختلف تشکیل می‌دهند. این مرکز در سه سطح زیر اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی می‌کند و در هر یک، اقتضانات آن را مدنظر قرار می‌دهد. این سه دوره عبارت‌اند از:

الف) سطح داخلی: فعالیت‌های داخلی مرکز بین‌المللی مطالعات پارلمانی برعهده مؤسسه «تبادل حکومت»^۴ است که یکی از شعب داخلی مرکز بین‌المللی مطالعات پارلمانی است و ارتباط عمیقی با پارلمان و دولت بریتانیا دارد. همچنین سطح ارتباطات این مؤسسه با سایر

1. International Centre for Parliamentary Studies

2. <http://www.parlicentre.org/index.php> (date accessed: 2 Nov. 2016)

3. Good Government

4. Government Exchange

بخش‌های عمومی، بخش خصوصی و عموم مردم به صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته است تا بتوان از این طریق، داده‌های مطالعات پارلمانی و مهارت‌های آن را بهتر به جامعه بریتانیا منتقل کرد. طبق اعلام تارنمای رسمی این مرکز،^۱ دوره‌های مطالعات پارلمانی این بخش صرفاً برای کارمندان اداری مرتبط با مسائل پارلمانی برگزار می‌شود؛ اما ارائه این مطالب برای استفاده افراد جامعه نیز امکان‌پذیر است.

ب) سطح بین‌المللی: مرکز در هفت موضوع کلی، حدوداً ۴۰ دوره آموزشی را ارائه می‌دهد. این هفت دوره عبارت‌اند از: «دولت و پارلمان»، «مهارت‌های بخش عمومی»، «قوانین و مقررات ضد فساد»، «دیپلماسی، امنیت و منازعات»، «انتخابات»، «برنامه‌ریزی راهبردی» و «دوره‌های هم‌عرض».^۲ موضوعاتی نظیر توسعه اجتماعی، تساوی جنسیتی، توسعه اقتصادی و حقوق بشر به عنوان دوره‌های هم‌عرض گنجانده شده است. از نکات قابل توجه دوره‌های این مرکز در دوره‌های بین‌المللی، توجه به مسائلی همانند امنیت غذایی، بهداشت، آموزش، مهاجرت، حمل و نقل عمومی، تغییرات آب و هوایی، قاچاق انسان، تجارت الکترونیک و خشونت خانگی است. به نظر می‌رسد این مرکز با ورود به مسائل بسیار جزئی، ذیل عناوینی همچون قانونگذاری و سیاستگذاری، بازه‌ای فراتر از مطالعات پارلمانی را مورد هدف قرار داده است. در قالب همکاری آموزشی بین‌المللی، مرکز بین‌المللی مطالعات پارلمانی با بیش از ۳۰ نهاد یا مؤسسه خارجی همکاری کرده است. این مؤسسات به کشورهای همانند استونی، جامائیکا، نیجریه، امارات، مالت، کره جنوبی، کنیا، لیبیا، هنگ‌کنگ، آلبانی، ایرلند، سوئیس، نامیبیا، بوتان و گرجستان تعلق دارد.

ج) آموزش در خانه: دوره دیگری که این مرکز به صورت اختصاصی برگزار می‌کند، ارائه دروس مدون‌شده در مرکز برای کارمندان ادارات به صورت اختصاصی و مرتبط با نوع فعالیت‌های آنهاست. این دوره به درخواست مؤسسات داخلی و خارجی برقرار و موضوعات مورد توجه مرکز، به صورت هدفمند تدریس می‌شود.

مرکز بین‌المللی مطالعات پارلمانی برای برگزاری کنفرانس و سمینارهای مرتبط و

1. <http://www.governmentexchange.co.uk/> (date accessed: 10 Agust 2017)

2. Cross-Cutting Courses

همچنین تولید محتوا، «مرکز تبادل سیاست عمومی»^۱ کرد. براساس اعلام تارنمای رسمی مرکز تبادل سیاست عمومی،^۲ این مرکز در سمینارهای داخلی (بریتانیا) تا سال ۲۰۱۶ این موضوعات را بررسی کرده است: جرائم جوانان، ازدواج اجباری، بارداری در سال‌های نوجوانی، خشونت خانگی، تساوی جنسیتی، بهداشت عمومی، استخدام اتباع غیرانگلیسی، اصلاحات حقوق بازنشستگی. بر همین اساس، موضوعات مورد بررسی این مرکز در دوره‌های فراملی و بین‌المللی عبارت بودند از: قاچاق انسان، مهاجرت، توریسم‌درمانی، مشروبات الکلی و مواد مخدر، تجارت الکترونیک، توسعه پایدار، مقابله با چاقی نسل جدید، مقابله با سرطان پروستات و خشونت خانگی. به نظر می‌رسد با توجه به گستره وسیعی از موضوعات که در مرکز بین‌المللی مطالعات پارلمانی مورد توجه قرار گرفته و با توجه به برخورداری این مرکز از توان مالی و اجرایی قوی، می‌توان در آینده رشته مطالعات پارلمانی، نقش ممتازی را از این مرکز انتظار داشت.

۷-۵. مطالعات پارلمانی در دانشگاه: لیسانس سیاست و مطالعات پارلمانی دانشگاه لیدز

دانشگاه لیدز در مقطع کارشناسی رشته‌های سیاست و مطالعات پارلمانی^۳ دایر کرده است. این دو رشته مفصل‌تر از رشته علوم سیاسی^۴ ارائه می‌شود. رشته مطالعات پارلمانی چهارساله و رشته علوم سیاسی سه‌ساله است. سرفصل‌های این دو رشته در سال نخست و برخی درس‌های سال دوم، مشترک است، رشته مطالعات پارلمانی سه یا چهار عنوان درسی دیگر را نیز ارائه می‌کند. علاوه بر این، رشته مطالعات پارلمانی پیش از نگارش پایان‌نامه، یک دوره کارآموزی یک‌ساله نیز به همراه خود دارد. دوره کارآموزی دانشجویان این رشته در یکی از دفاتر پارلمانی مجلس عوام بریتانیا و در معیت یکی از نمایندگان این مجلس، یا مجلس کانادا یا کنگره آمریکا طی می‌شود.

دروس متفاوتی که در این رشته گذرانده می‌شوند، عبارت‌اند از:

1. Public Policy Exchange

2. <http://www.parlicentre.org/index.php> (date accessed: 2 Nov. 2016)

3. Politics and Parliamentary Studies

4. Politics

الف) «مطالعات پارلمانی» که هدف آن توسعه مهارت‌های مورد نیاز برای دوره کارآموزی پارلمانی است.

ب) «حکومت در بریتانیا» که نهادهای اصلی حکمران در بریتانیا را معرفی می‌کند.

ج) «انقلاب و واکنش: معضلات سیاسی قرن بیستم» که به بررسی چالش‌های سیاسی قرن بیستم در منظومه فکری متفکران متقدم می‌پردازد. هدف این درس به چالش کشیدن نظریه‌های سنتی و فراگیر در علم سیاست است.

د) «عدالت، جامعه و نزاع» که دانش، مهارت انتقادی و سیستماتیک درباره معضلات جاری سیاسی را افزایش می‌دهد تا دانشجویان توان تحلیل مسائل سیاسی معاصر را بیابند.^۱

۶. نظام موضوعات

آنچه در این نوشتار بیان می‌شود، بررسی رشته یا شاخه جدیدی از دانش با عنوان مطالعات پارلمانی است. از آنجا که اندک زمانی از آغاز این رشته یا شاخه در محیط‌های دانشگاهی به صورت منسجم می‌گذرد، هنوز مطالعات پارلمانی، قوام و استحکام لازم را همانند سایر شاخه‌های دانشگاهی نیافته است. از این رو موضوعاتی که ذیل این رشته بررسی می‌شوند، تکرر و تنوع فراوانی دارند و برگزارکنندگان دوره‌های مطالعات پارلمانی هر آنچه را با پارلمان در ارتباط باشد، به عنوان مواد مطالعاتی این دوره‌ها برگزیده‌اند.

تاریخ و سازمان پارلمان و پیشینه قانونگذاری؛ مبانی نظری مانند مبانی تشکیل پارلمان، نظریه‌های نمایندگی، بایسته‌های نظام پارلمانی و مناع قانونگذاری، نقش شهروندان در پارلمان، فرایندهای رسمی و غیررسمی منجر به تقنین، تنقیح و تفسیر قانون، نظارت‌های پارلمانی، روابط میان قوا، مهارت‌های پارلمانی (آموزش مهارت‌های قانونگذاری) از مهمترین موضوعاتی است که در ذیل رشته حقوق پارلمانی بررسی می‌شود.

۷. ایران و مطالعات پارلمانی

در حال حاضر مجلس شورای اسلامی ایران از دو مرکز مطالعاتی مشورتی (مرکز

1. BA Politics and Parliamentary Studies, from: <http://www.polis.leeds.ac.uk/undergraduates/ba-politics-parliamentary-studies> (date accessed: 07 May 2016)

پژوهش‌ها^۱ و مرکز تحقیقات اسلامی^۲ برخوردار است که این دو مرکز ضمن ارائه مشاوره در خصوص طرح‌ها و لوایح، پیش‌نویس‌های قوانین و معاضدت‌های تقنینی - نظارتی را نیز ارائه می‌دهند. یکی از ظرفیت‌های موجود در مراکز مشورتی - مطالعاتی مجالس قانونگذاری، انجام «مطالعات تقنینی تطبیقی» است. این مراکز با رصد روندهای تقنینی سایر کشورها و توجه به ابداعات و ابتکارات به کار گرفته شده در آنها، ضمن تقویت قوانین داخلی، موضوعات جدید و به‌روزی را در دستور کار پارلمان قرار می‌دهند. هرچند مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز تحقیقات اسلامی مجلس به تقویت پارلمان از لحاظ کارشناسی همت گماشته‌اند اما با وجود این، مسئله‌ای که ایجاد رشته یا دوره مطالعات پارلمانی را سبب شود هنوز در این مراکز مغفول مانده است. مسئله اصلی دوره‌های مطالعات پارلمانی، نزدیک کردن دانشگاه و پارلمان به یکدیگر در راستای نفع بردن توأمان دانشگاهیان و پارلمان است.

برای رفع این نقیصه، برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای جامعه علمی (اساتید، دانشجویان و پژوهشگران) و کارمندان مجلس می‌تواند اثرگذاری قابل توجهی داشته باشد. این پیشنهاد برای توانمندسازی بدنه اجرایی مجلس قابلیت اجرایی بهتری دارد زیرا در حال حاضر، نهادهای مختلف از جمله مجلس شورای اسلامی برای کارکنان خود، دوره‌های آموزشی متعددی را فراهم می‌کنند و می‌توان طی آنها یافته‌های آکادمیک را به کارکنان و مرتبطان مجلس منتقل کرد.

علاوه بر این، با نگاهی دورنگرانه می‌توان با تأسیس رشته دانشگاهی یا گرایش‌های درون‌رشته معطوف به موضوعات پارلمانی، با تربیت نیروی نخبه و متخصص امور پارلمانی در راستای تقویت روزآمد جامعه علمی و بدنه کارشناسی مجلس گام برداشت. در نظام آموزشی فعلی کشور، به نظر می‌رسد می‌توان «حقوق پارلمانی» را به‌عنوان گرایش تخصصی رشته «حقوق عمومی» در مقطع تحصیلات تکمیلی جای داد. با توجه به موضوعاتی که در این خصوص مورد بررسی قرار می‌گیرند و با توجه به تنوع موضوعاتی

1. mrc.majlis.ir

2. Cmir.ir

که در مجلس بدان‌ها نیاز پیدا می‌شود، می‌توان علاوه بر رشته حقوق، از دانش‌آموختگان رشته‌های فقه و مبانی، علوم سیاسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی نیز برای تحصیل در این گرایش، دانشجو جذب کرد. در حال حاضر، یک درس یک واحدی اختیاری با عنوان «اصول و فنون قانونگذاری» در مجموعه دروس رشته حقوق وجود دارد که دغدغه‌های علمی و نیاز بدنه قانونگذار نظام حقوقی را تأمین نمی‌کند. ایجاد گفتمان درباره مطالعات پارلمانی و تأسیس رشته حقوق پارلمانی از یکسو ضمن تقویت غنای علمی پژوهش‌های آکادمیک، فضای علمی کشور را از پژوهش‌های غیرمنسجم به سمت پژوهش‌های کارآمد و کارا در خصوص مجلس شورای اسلامی هدایت خواهد کرد. از سوی دیگر در صورت استمداد مجلس شورای اسلامی، مراکز علمی و پژوهشی کشور نیز توانایی حل مشکلات آن را با توجه به واقعیت‌های جاری در آن را خواهند داشت زیرا دانشجویان این رشته یا گرایش، برای حل این مشکلات از توانایی علمی و اطلاعات جانبی کافی برخوردارند.

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این نوشتار ارائه شد، مطالعات پارلمانی به‌عنوان یک دوره یا رشته آموزشی، در کانون توجه مراکز علمی پارلمانی قرار گرفته است و پارلمان‌های مختلف در حال سبقت گرفتن از یکدیگر در برگزاری این دوره‌ها می‌باشند. آن‌گونه که بررسی شد، «مطالعات پارلمانی»، رشته یا دوره‌ای نوظهور است که پارلمان‌های پیشگام در این زمینه، در ساختار بندی و شاکله‌بندی این رشته یا دوره در آینده نزدیک مؤثر خواهند بود. برگزاری این دوره‌ها، هم برای مراکز علمی و هم برای پارلمان بسیار سودمند و اثرگذار ارزیابی می‌شود؛ زیرا تقویت بنیان‌های علمی در زمینه مطالعات پارلمانی، به تقویت پارلمان و ارتقای سطح کارآمدی آن منجر خواهد شد. از این رو ضروری است مجلس شورای اسلامی، با کمک دانشگاه‌های کشور، رشته‌ای با همین عنوان در دوره تحصیلات تکمیلی ایجاد کند. همچنین با لحاظ ساختار مجلس شورای اسلامی که اداره آموزش را در خود دارد، این اداره می‌تواند دوره‌هایی را با همکاری دانشگاه‌های معتبر کشور در این حوزه برای نمایندگان و کارمندان پارلمان به‌ویژه دست‌اندرکاران کمیسیون‌ها مانند دبیران تقنینی

و نظارتی کمیسیون‌های مجلس برگزار کند. از آنجاکه پارلمان عموماً از برعهده گرفتن امور آموزشی اجتناب دارد، براساس توافق میان پارلمان و دانشگاه‌ها، برگزاری این دوره‌ها از طرف پارلمان و توسط مراکز علمی - دانشگاهی صورت می‌پذیرد.

همچنین ضروری است که مجلس، با ارائه الگویی بومی مبتنی بر نگاه ایرانی - اسلامی جهت افزایش اثرگذاری منطقه‌ای و بین‌المللی، در مسیر برگزاری دوره‌های مطالعات پارلمانی گام بردارد. الگوی بومی دوره، رشته یا گرایش مطالعات پارلمانی باید با توجه به ملاک‌های روبه‌رو طراحی شوند: ابتدا بر واقعیت‌ها و ساختار پارلمان ایران (نظام تک‌مجلسی و ...)، لحاظ عرف‌های موجود پارلمانی، انعکاس نقاط قوت و قابل ارائه برای دیگر کشورها (همانند سازوکارهای تقنینی منطبق بر اسلام به‌عنوان الگویی برای کشورهای اسلامی)، ردیابی نقاط ضعف و برنامه‌ریزی رفع نرم‌افزارانه آن (همانند فقدان نهادهای تخصصی نگارش پیش‌نویس قانون و ...)، برخورداری از نگاه کلان و راهبردی (همانند مسئله تقنین مشترک داخلی میان کشورهای هم‌سو ...)، برخورداری از نگاه روبه‌جلو و پیشگیرانه در مسائل تقنینی (همانند توجه به آینده‌پژوهی تقنینی ...) و توجه به نهادهای مرتبط مانند شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام. مجموع این ملاک‌ها نه تنها می‌تواند الگوی بومی مطالعات پارلمانی را سامان دهد بلکه می‌تواند به‌عنوان الگوی رقیب برای دیگر مدل‌های موجود به حساب آید. همچنین در طراحی این الگو، علاوه بر نیازهای بومی باید از نگاه تطبیقی به دستاوردها و تجربیات دیگران نیز استفاده کرد.

غفلت و تأخیر در ارائه الگوی ایرانی رشته مطالعات پارلمانی، به عقب‌ماندگی علمی در این خصوص منجر خواهد شد. در نتیجه ضروری است تا گام‌های محکمی برای برگزاری رشته یا دوره‌های مطالعات پارلمانی و حقوق پارلمانی برداشته شود و با آینده‌نگری، در سطوح فراملی ترویج شود؛ همان‌گونه که مراکز آموزشی کشورهایی همچون انگلیس و هند عمل می‌کنند.

منابع و مأخذ

۱. محمد راسخ (۱۳۸۲). «مطالعات تطبیقی مراکز پژوهشی پارلمانی در جهان»، مجلس و راهبرد، ش ۴۰.
2. Bradbury, J. (2014). *Parliamentary Studies Module Information for Students of Politics, International Relations and PPE*. Swansea University, 3 pages.
3. Convery, A. (2015). *Parliamentary Studies, Politics & International Relations*. University of Edinburgh and Houses of Parliament, Semester One, 2014-2015.
4. Cowley, P. and M. Stuart (2014). *The Effect of Teaching Parliamentary Studies on Students' Knowledge and Attitudes: A Pilot Study*. Political Studies Association.
5. Gomez, R. (2010). *Parliamentary Staff Training for Commonwealth Countries: "Professional Development for Parliamentarians and Staff"*. World Bank Group (Governance).
6. <http://bpst.nic.in>.
7. <http://itec.mea.gov.in/?1381?000>
8. <http://scienzepolitiche.luiss.it/en/research/research-centers/cesp-centre-parliamentary-studies>
9. <http://www.governmentexchange.co.uk/>
10. <http://www.parliament.uk/get-involved/education-programmes/universities-programme>
11. <http://www.parliamentarystudies.anu.edu.au/>
12. <http://www.polis.leeds.ac.uk/undergraduates/ba-politics-parliamentary-studies>
13. <http://www.scottish.parliament.uk/visitandlearn/visiting-the-parliament.aspx>
14. <https://sta.uwi.edu/fss/CAPSUI.asp> <http://www.parlicentre.org/index.php>
15. Kelly, R. (2007). *Modernisation: Public Bill Committees*. Parliament and Constitution Centre.
16. Kelly, R. and M. Everett (2013). *Post-Legislative Scrutiny, Parliament and Constitution Centre, Post-Legislative Scrutiny, 16 Pages*.
17. Kumar, A. (2008). *Parliamentary Strengthening: an Annotated Bibliography*. The Parliamentary Studies Centre at the Australian National University.
18. Lok Sabha Secretariat (2014). *Indian Bureau of Parliamentary Studies and Training, Parliamentary Internship Programme (PIP)*.
19. Maer, L. (2011). *House of Lords Appointments Commission*. Parliament and Constitution Centre.
20. Miller, R., R. Pelizzo and R. Stapenhur (2004). *Parliamentary Libraries, Institutes and Offices: The Sources of Parliamentary Information*. World Bank Institute; Series on Contemporary Issues in Parliamentary Development.
21. Mitchell, J. and C. Jeffery (2014). *Parliamentary Studies Course Guide*.

Politics and International Relations, University of Edinburgh, Politics/IR Honours Option Semester 1.

22. Note, L. (. (2011). *House of Lords Reform: Chronology 1900–2010*. House of Lords, 8 pages.
23. Official Report at: <http://164.100.47.194/our%20parliament/Bureau%20of%20parliamentary%20studies.pdf> (date accessed: 18 Oct 2017)
24. Pakistan PIP. (2017). *Training of Trainers on Parliamentary Studies*, Islamabad: Pakistan Institute for Parliamentary Services (PIPS).
25. Parry, K. (2012). *Constitutional Change: Timeline From 1911*. House of Commons Background Paper, Parliament and Constitution Centre.
26. Patton, S. (2009). *Annotated Bibliography: Parliaments and Bills of Rights*. Parliamentary Studies Centre at the Australian National University.
27. Strom, K. (2009). *Comparative Parliamentary Studies*, San Diego's Division of Social Sciences of University of California.

فرم اشتراک

خوانندگان محترمی که مایل به اشتراک هستند می‌توانند حق اشتراک خود را به شماره حساب سیبا ۲۰۰۸۰۲۹۰۴۲۹۰۲۱۷، به نام تمرکز وجوه درآمد عمومی مرکز پژوهش‌ها نزد بانک ملی شعبه بلوار کشاورز کد ۱۹۰ واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

بهای اشتراک: درخواست سالانه ۴ شماره ۸۰۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۴,۰۰۰ ریال.

ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آنها فصلنامه به نرخ سابق ارسال خواهد شد.

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر امور مشترکین.

فرم درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است

به تعداد ۴ یا ۸ شماره فصلنامه مجلس و راهبرد را به نام به نشانی

زیر ارسال فرمایید:

نام و نام خانوادگی: شغل: تحصیلات:

نشانی:

کد پستی: تلفن: دورنگار:

E-mail:

شیوه‌نامه نگارش مقاله

۱. ساختار مقاله باید مطابق یک روش علمی شناخته‌شده باشد و چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مآخذ نیز داشته باشد و روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن و در حد امکان در بخش مقدماتی (مقدمه مقاله) ارائه شود.
۲. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج و فهرستی از کلیدواژه‌ها (حداکثر ۱۰ واژه) باشد و به‌طور جداگانه ضمیمه مقاله شود و در پاورقی رتبه دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت و پست الکترونیکی مؤلف (نویسنده مسئول) و دیگر همکاران احتمالی ارائه شود.
۳. ارسال ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها نیز همراه مقاله ضرورت دارد.
۴. مقاله در قالب صفحه A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها حروفچینی شود.
۵. ارسال مقاله از طریق ثبت‌نام در سایت فصلنامه به آدرس <http://nashr.majles.ir> انجام شود.
۶. حجم مقاله ارسالی باید بین ۳۰۰۰ تا ۸۰۰۰ کلمه باشد (۱۰ تا ۱۵ صفحه قطع A4 با احتساب چکیده‌های فارسی و انگلیسی).
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ و یا به سایر مجلات فرستاده شده باشد.
۸. فصلنامه مجلس و راهبرد در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است.
۹. در مقابل اطلاعات، آمارها و هرگونه ادعایی، منبع به‌صورت درون‌متنی آورده و در پایان نیز مرجع کامل آن ذکر شود. این بند شامل جدول‌ها و نمودارها نیز می‌شود.
 - منابع فارسی: نام‌خانوادگی مؤلف، سال نشر: صفحه.
 - منابع لاتین: درون متن با حروف فارسی و در پانویس صفحه به‌صورت لاتین ذکر شوند.
 - در صورت تکرار پی در پی (بدون فاصله) منابع، به ذکر کلمه همان با شماره صفحه و در لاتین "Ibid." نیز به همین ترتیب اکتفا شود.
 - چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر منتشر شود آن آثار، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۱۰. ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها در پاورقی ضروری است.
۱۱. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به‌صورت زیر ارائه شود (ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین) همچون مثال‌های زیر:
 - الف - کتاب: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، جلد.
 - ب - مقاله مندرج در مجلات: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه.

چکیده مقالات به انگلیسی

Parliamentary Studies as the Tool of Parliamentary Efficiency; with an Emphasis on the Establishment of the Parliamentary Law Discipline

Seyed Ahmad Habibnejad, Abolfazl Alamoutian, Mohammad Mansouri Boroujeni and Mohammad Saleh Tashiri

In the last few decades, Parliaments have tried to interact with scientific and research centers, for making the best use of their scientific capacities, especially universities. One of the pioneering moves in recent years has been the launch of a series of parliamentary studies, including Parliamentary Law. These courses reduce the gap between the Parliament and the scientific and research centers with the goal of training the experts required by the parliament. The parliamentary studies are interdisciplinary topics aimed at empowering scholars and academics to meet the needs of the parliament.

These courses provide an appropriate ground for parliamentary efficiency and the strengthening of scientific and research centers and elites specializing in parliamentary affairs and seek to convey the real understanding of what is happening in parliamentary processes (legislation and supervision) to scholars. This article, while explaining the different dimensions of these courses and examining the experiences of the few countries that have been launching it, has evaluated the importance of launching Parliamentary Law in Iranian academy.

Keywords: *Parliamentary Studies Courses; Legislature; Parliamentary Skills, Parliamentary Efficiency*

The US Congress's Legislative Diplomacy towards Islamic Republic of Iran (Case Study of Sanctions)

Mostafa Delavarpour Aghdam and Seyed Jalal Dehghani Firouzabadi

The identification of the nature and effective elements on the United States' Middle East diplomacy towards Iran is one of the strategic researches in the field of foreign policy of the Islamic Republic of Iran. The article investigates the role of Congress in US foreign policy during eight-year Barack Obama Administration.

It was inspired by the neoconservative political thoughts in the United States as well as coincided with neo-cons efforts to influence the US's Congress. Moreover, since 2009 the US Congress towards Iran gradually takes an aggressive and interventionist diplomacy. Meanwhile, the United States Congress introduced approximately 100 sanctions bills against Iran during the 111th-114th Congresses (from Jan. 2009-Jan. 2017).

Due to the increasing influence of the Congress senior law-makers over neo-conservatism, the foreign policy of the US Congress towards Islamic Republic of Iran has been gradually moved to pre-emptive, aggressive and interventionist diplomacy during the 8-year Barack Obama's presidency .

This research aims to examine mechanisms of the US parliamentary diplomacy as well as causes and consequences of changing the US Congress approach into the pre-emptive diplomacy by using an analytical-descriptive method for data collection based on library information and documentation.

Keywords: *Pre-emptive Parliamentary Diplomacy; Legislative Diplomacy; Neo-conservative Political thought; United States Congress; Sanction; JCPA*

Supplier-Induced Demand (SID) for Medical Services by Iranian Physicians (Policymaking and Controlling)

Ali Akhavan Behbahani and Iraj Esmaili

Physicians do their job as the patients' perfect agents as well as they can manipulate their patients' demands for healthcare services. This line of reasoning drives from the Physician-Induced Demand (PID) which leads to create additional demands of these services for patients unnecessarily. Under the PID hypothesis, physicians (suppliers) influence patients' demands to suit their own interests. The research relies on mixed methods research synthesis (MMRS) that integrates both qualitative and quantitative evidences as well as it is conducted through using thematic analysis method and decision making models. According to findings of the research, the most obvious factors affecting physicians' behaviors in occurring induced demand for healthcare services include expectations of physicians to activate other medical sections, physicians' authority in patients' compliance, insufficient supervision over physician prescribing practices (irrational prescriptions), physicians' independency of insurance contracts and physician's tendency to provide inappropriate healthcare services for the patient in the public sector.

Results of the research reveals that the implementation of a well-functioning referral system to healthcare provision on Iranian (rural) family physician is determined as a major goal to impede physician-induced demand. In this regard, clinical guidelines for family physicians which are mandatory should be developed. Hence, it is suggested that a permanent legislation on "the establishment of a comprehensive system for health services" (electronic health record system) is approved.

Keywords: *Induced Demand; Physicians; Information Asymmetry; Market; Healthcare Services*

The Assessment of Impacts of Economic Openness on Knowledge-based Economy: A Spatial Econometric Approach

Kamran Mahmoodpour, Lesyan Saeidpour and Niloufar Alidoust

Internationally, the impact of innovation and creativity on competitiveness degree of firms has been increasingly enhanced even daily. Therefore, emphasizing on knowledge-based economy as well as the development of new high tech products has been taken priority over macro policy makings across the world. It is noteworthy to highlight that innovation can play a major role in economic growth of different countries through the development of new markets. This article aims to investigate the impact of economic openness on knowledge-based economy through using spatial econometric approach based on Romer's indigenous growth model for Iranian economy and selected commercial partners (including 14 developed and developing countries) during 1995-2013. The results show that significant variables such as human development, research and development (R&D) and economic openness degree on knowledge-based economy have had considerable effects on the innovation. Thus, it is proposed that these countries, particularly, Iran get clear realization about their own economic structures in a bid to choose their high-tech commercial partners. It is further suggested that targeted modification of tariffs for imported capital goods can pave the way to import knowledge-intensive goods. Also, the nationalization of their imported high-technologies as well as product-oriented innovations should be taken into account.

Keywords: *Innovation; The Romer's Growth Model; Economic Openness (Degree); Spatial Econometrics*

Analysis of Spatial Distribution of Iran's Population Aging

Hassan Ali Faraji Sabokbar, Habib Mahmoodi Chenari, Milad Bagheri and Mahdi Khodadad

With an increase in the life expectancy index, the aging population in Iran and the world has grown and taken into consideration as an effective factor on socio-economic system of societies. The present research provides an overview the status of aging in the Iranian population as well as it tries to analyze this indicator from both geographic and spatial distribution perspectives. According to the studies, the most important indicators to assess the status of aging in a biological environment are such as old age indicator, old age ratio, aging ratio, youth ratio, the burden of support, parental support ratio (emotional support), potential support ratio (spiritual support). The research is carried out through secondary analysis data of Iranian Statistical Center as well as using the Matlab and Execl-Macros programming. The results showed that Iranian population has been going through youthfulness increasingly and entering elderly and aging periods. For example in our central regions such as Tehran, Isfahan and Arak, we face to more serious challenges than marginal areas including Sistan and Baluchestan Province. The upward trend in aging index of Iranian population indicates that the aging crisis in the Iranian population is being far away from expected. Thus, the ascending/increasing trend should be taken into consideration as the biggest challenge facing the development planning system as well as its impacts on all aspects of this process.

Keywords: *Spatial Distribution; Aging; Potential Support; Iranian Population*

The Identification of Effective Factors on Deficiencies in Regional Development Policymaking System in Iran: An Interpretative-structural Modeling

Hedayat Darvishi, Majid Akbari and Tina Ehterami

The present article is a descriptive survey as well as questionnaire method has been used as an instrument for data collection. The statistical population of the research is consisted of experts of Iran's Plan and Budget Organization. At the outset, effective factors on deficiencies of the regional development policymaking system (in Iran) were identified as well as the relationship between these major factors were analyzed through using an interpretive-structural modeling (ISM). Finally, by using the MICMAC Analysis, the variables were clustered accordance with their effectiveness and impact on other variables. Results indicate that the lack of well-defined statutory position for regional development policy making has had the greatest impact on reforming the policymaking system mentioned above with the degree 9 of influential power. But the lack of a theoretical approach to regional development policymaking has the least effect with the degree 4 of influential power.

Keywords: *Regional Development; Policymaking; Interpretative-structural Modeling; Iran*

The Pathology of Iranian Legislation System from the Perspective of the Legislative Initiative Procedure

Ahmad Markaz Malmiri and Saeed Attar

Although the legislative process is main responsibility of the Legislature but this process requires the cooperation of other Powers especially, the Executive Branch. Parliamentary approvals should be based on the bills submitted by the Executive in accordance with good legislative standards. The article attempts to compare the number of bills and motions (also their changes) in some countries with Iranian legislative process (during nine rounds of legislatures). Results reveal that unlike many parliaments of the world, Iranian legislative process has moved to legislative motion-based process particularly, in the recent years (during the 7th -9th rounds of legislatures). Then, this process led to weaken good legislation. Findings of the present research indicate often three reasons for the establishment of motion-base legislative process in Iranian parliamentary system including : the weakness of the party system, the lack of self-limitation instruments in the Rules of Procedure of Iranian Parliament on the legislative initiative by MPs, and poor communication channels between the Executive Branch and military, civil-commercial institutions.

Keywords: *Legislative System; Good Legislation; Motion-Based Process; Bill-Based Process; Iran; Legislative Studies*

The Comparison of Effects of Orientations between Social and Charity Entrepreneurships on Different Aspects of Poverty with an Emphasis on Mashhad Supportive Organizations

Abolfazl Ramezani, Ali Rabiee, Mohammad Javad Zahedi Mazandarani and Seyed Ahmad Firouzabadi

The present study was conducted to compare effects of social entrepreneurship orientation with charitable orientation on various aspects of poverty including income poverty, social exclusion, ability poverty, vulnerability and inter-generational poverty. In this research, service recipients of social entrepreneurship institutes were compared with clients of charity organizations. Questionnaire survey containing 91 questions is selected as a data collection method. The "Living Standards" Questionnaire was used to measure different dimensions of poverty. Cronbach's alpha of all questionnaire subscales was higher than 0.7. The questionnaires were given to 143 service recipients of seven institutes with a social entrepreneurship orientation and 156 service recipients of eight charity institutions in Mashhad. The research findings reveal that service recipients of social entrepreneurship institutions had a significantly better situation than charity clients in different dimensions of poverty (needs of life poverty, health poverty, residence poverty, absolute poverty, relative poverty, inter-generational poverty, vulnerability, social exclusion and ability poverty. Social entrepreneurship reduces inter-generational poverty as well as breaks the cycle of poverty. Results indicate that employment regardless of the economic aspect (the improvement of individual welfare or household income), socially extends individual circle of inclusion circle as well as reduces the risk of isolation and social exclusion.

Keywords: *Social Entrepreneurship (L32); Charity (L31); Supportive Institutions (I38); Poverty (I32); Social Exclusion (I32)*

Investigating the Welfare Effects of Subsidies Targeting in Iran (Case study of Tehran and Isfahan provinces)

Hassan Farazmand, Ebrahim Anvari and Batoul Azari Beni

Economic welfare is one of fundamental issue in every countrys economy. In recent years implementation of targeted subsidies has various effects on the economy and household expenditure. In this paper is to examine the welfare effects of subsidies targeting on household expenditure. For this purpose, in this study, using the Stata software and Dayton & Paxon method (1997), the model of life cycle of households in the provinces of Tehran and Isfahan has been investigated. The results of household consumption expenditure separation in relation to the effects of time show that households consumption expenditure trend in Tehran is regular, However, consumption expenditures of households in Isfahan were regular before subsidies targeting, but after that they were irregular. Meanwhile, consumption expenditures of Isfahan households before targeting subsidies in some years (2004, 2007 and 2010) were lower than those in Tehran and in one year (2003). In addition, the average consumption expenditure of households in Isfahan province during the whole period, as well as after targeting the subsidies was higher than the households in Tehran province, and the average consumption expenditures of their households during the whole period, but not significant in Tehran province.

Keywords: *Subsidy Targeting; Cohort Effects; Time Effects; Life Cycle Model*

How to Articulate Cultural-political Implications in the Imam Khomeini Discourse

Rooholah Estak, Mehrdad Navabakhsh and Yarmohammad Ghasemi

Imam Khomeini, in opposition with the ideas expressing the slogans of modernism, transformation, reformism, absolutism avoidance, and falsifiability, introduced a new model of the political system that brought about the foundation and structure of Islam and changed the foundations of international structures. This led to the emergence of the fourth generation of theorists in the international field, which focused on the cultural factor, and rose up against the third generation of theorists who were constructivist and algebraic generation. This article, using discourse analysis theory and method, with Lacla and Mouffe's readings, investigates articulation of the political-cultural indications in the discourse of Imam Khomeini. The claim of the article is that the elaborate articulation of floating indications in different systems of meanings, combining traditional and modern views, and placing democratic Islamic thought as a central indication has led to the hegemony of the discourse of Imam Khomeini. The results of the analysis indicate that in the center of the discourse of Imam Khomeini, Islam was a transcendental and democratic religion that embraced all the spatial and angles of human life. It fertilizes key indications such as cultural change, leading culture, education, self-confidence, progress, freedom, equality, universal (general) participation, unity, united Islamic nation, law, western criticism, human relations, positive expectation, and Governance of the Jurist with meaning.

Keywords: *Imam Khomeini; Religious Democracy; Dahl; Discourse Analysis; Lacla and Mouffe*

Evaluation of International Scientific Cooperation of Iranian Top Universities: Using SWOT Strategic Analysis Approach

Abbas Ramezani, Mohammad Ghahremani, Mohammad Hosan Pardakhtchi and Gholam Reza Zaker Salehi

This study aims to assess international scientific cooperation of Iranian top universities through using SWOT (strengths, weaknesses, opportunities and threats) strategic analysis approach. This research has been carried out based on descriptive survey. The statistical population has been consisted of 313 experts who were selected among 6478 faculty members from top 10 universities through a stratified sampling. The data collection tool was a researcher-made questionnaire whose content validity was confirmed and reviewed by experts as well as its reliability was measured by running on Cronbach's alpha test (816/0). Also, data analysis was conducted through Fuzzy BWM. The most important strengths include the enhancement of researchers' interaction and attendance in international conferences also paving the way for international development in universities. Inadequacy of the annual grants of faculties' members as well as lack of awareness of universities officials of International scientific cooperation are the main weaknesses. The tendency of Iranian youths towards changing ways of international interactions as well as international community's achievement to accept Iran in international academic consortiums are considered as the greatest opportunities. In spite of these successes, there are still serious threats such as economic recession in most countries; the lack of political grounds for international scientific cooperation and the spread of both Islamophobia and Iranphobia around the world.

Keywords: *SWOT Analysis; International Scientific Cooperation; Iranian Top Universities; Fuzzy BWM*

Macro-Effective Discourses on the Process of Criminal Legislation

Sakineh Khanalipour Vajargah and Jalil Mohebbi

Many questions have been arisen for making criminal law, as an effective and impressionable law which is resulted from conflicts and interactions like any other law however there is no much information how to emerge it.

This research which is conducted by using descriptive-analytical method seeks to answer the main question that which discourses can play major role in making criminal law as well as how can they do? The hypothesis is that "discourses play either an independent role in this process or providing a ground for (playing role of) other discourses."

Findings imply that making a law requires taking several steps which can be known as a legislative process. Studies show that the macro discourses of this process can be identified in two categories: main and contextual discourses. The main discourses refer to political and economic discourses. But cultural, social, and religious discourses are categorized as contextual discourse. Generally, with respect to the discourses' roles and functions as well as their impacts on law-making process are directly and indirectly divided into two categories mentioned above.

Keywords: *Discourse, legislation, Macro Discourses, the Process of Criminal Legislation, Main Discourse, Contextual Discourse*

Analysis of Water Consumption in Iran's Economy with a Consumption-based Approach (A Water Footprint Perspective)

Mehran Zarei and Zahra Nasrollahi

Today, water scarcity has been turned into one of the most troublesome problem facing our country that Iran faces it. Since a considerable amount of water resources used for the production of economic products, the analysis of how to use water in different economic sectors in bid to manage these resources important appropriately has a great importance. Recent researches suggest that consumption-based measures offer an insightful perspective on the debate on the relationship between the environment (specifically water) and economic sectors. In this connection, this study aims to analyze water consumption in Iranian economic sections with a consumption-based approach. To achieve an objective, the "water footprint" index as well as input-output model has been used. Results show that status of Water consumption in many sectors is considerably different from traditional approaches with a consumption-based approach. Based on water footprint, agricultural sector is still ranked the first in water consumption among all economic sectors while its share of total consumption has been decreased approximately from 91.4 percent to less than 53 percent based on traditional approach. But in food industries sector, share of total (water) consumption has been increased from 0.76 percent to 33.68 percent. According to the other measurements, in 2011, per capita water footprint of every Iranian citizen is about 1275 m³. Also, Iran has had approximately 8115 million m³ of net virtual water imports in this year.

Keywords: *Consumption-Based Approach; Water Footprint; Input-Output Model; Iran; Economic Sectors*

The Investigation of Reasons for the Tendency towards Trafficking in Goods and Strategies to Counter it in Iran

Mohsen Shaterian, Daryoush Yaghoubi and Azam Nejadi

The research aims to examine reasons for Iranian people's tendency towards using foreign smuggled goods.

The survey - research is carried out through using a multi-stage cluster sampling method. 2700 households of different cities were selected as a statistical population of this research who were interviewed by their supervisors. The findings indicate the willingness of most interviewers (69%) to purchase the smuggled goods. While quality as well as price of both foreign and Iranian commodities is the same, the Iranian one is gradually preferred. However, it depends on (higher) level of People's education and income so that foreign commodities can be prioritized. It is concluded that in addition to meet basic life needs, the smuggled goods are symbolic for Iranian consumers as well as consumption of these commodities have become a culture in Iran.

Keywords: *Tendency; Trafficking in Goods; Consumption; Symbolic Needs; Cultural Capital; Economic Capital*

English Abstracts

Publisher: Majlis Research Center

Director in Charge: Jalali, K.

Editor-in-Chief: Sobhani, H.

Managing Editor: Sadrinia, H.

Editorial Board:

Beygzade, E. (Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University)

Ghasemi, M. (Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Masoudi Asl, I. (Assistant Professor, Majlis Research Center)

Naderan, E. (Associate Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Pourseyed, S. B. (Assistant Professor, Majlis Research Center)

Seyednourani, S. M. R. (Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Sobhani, H. (Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Sohrabbour, S. (Professor, Faculty of Mechanical Engineering, Sharif University of Technology)

Tari, F. (Associate Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Yousefi, M. Gh. (Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Editorial Advisory Board:

Aghaei Janat Makan, H.; Ahmadi, V.; Bagheri Lankarani, K.; Banooei, A. A.; Barkhordari Dorbash, S.; Bashir, H.; Faryadi, M.; Fotros, M. H.; Ghasemi Moghadam, H.; Jalali, M.; Kazerooni, S. A. R.; Khandoozi, S. E.; Khanifar, H.; Khodaparast Mashhadi, M.; Mahmoodpour, K.; Mazhari, M.; Mehrara, M.; Mehregan, N.; Motaki, M.; Motiee Langroodi, S. H.; Nili Ahmadabadi, M. R.; Noroozi, N. M.; Sadra, A. R.; Sobhani, H.; Sobhanian, S. M. H.; Tarighat Monfared, M. H.; Vosoogh Moghadam, A.; Yaghoobi, J.; Zarei, B.

According to Letter No 3/27-958, Dated 14 March 2012 of the Ministry of Science, Research and Technology the Quarterly has been Accredited as a Scientific - Research Journal.

Majlis Research Center,

No. 802, Southern of Niavaran Park, Pasdaran St.

Tehran, Iran

Publication: +9821-22802525 (2026)

Fax: +9821-22802525 (2032)

Subscription: +9821-22802525 (2035)

www.nashr.majlis.ir

mrcmag@majlis.ir

rc.majlis.ir

Editor: Amin Eskandari, Sh.

English Editor: Ghasemi Naraghi, S.

Site & Lay Out: Sanavi, N.

• The Views Expresse in Majlis & Rahbord are those of the Authors and not Necessarily those of the Editors or MRC.

• All or Parts of the Articles in this Quarterly maybe Freely Quoted our Reprinted, but Acknowledgment is Requested.